مجموعه مقالات

{60مقاله}



محمد تقی صرفی پور

افسردگی بیماری قرن بیست ویکم

«الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم الا بذکر الله تطمئن‌القلوب»رعد28

آنانکه ایمان آورده و دلهایشان به یاد خدا آرام است.آگاه‌باشید با یاد خدا دلها آرامش می‌یابد.

هر انسانی در روند زندگی خود با موانعی روبرو می‌شود.ودر مقابل‌هر نوشی ،نیش ودر مقابل هر خوشی،ناخوشی وجود دارد.این موانع‌ومشکلات برای انسان ایجاد دلهره می‌کند.در هنگام گرفتاریها دچاراضطراب می‌شود.البته نوع مشکلات وشخصیت افراد وزمان ومکان درطولانی بودن ویا کوتاه بودن این اضطرابها که اگر درمان نشود به‌افسردگی منجر می‌شود،دخالت دارند.

خود وجود دلهره واضطراب در حد عادی برای آدمی لازم است زیراباعث گرفتن حالت تدافعی شده وانسان را به عکس العمل واداشته‌وسعی در رفع مشکل می‌کند.اما اگر فردی بی خیال وبی تفاوت بوده‌وهیچ گونه اضطرابی نداشته باشد بجز ائمه معصومین(ع)و بعضی ازاولیاء خدا برای دیگران عیب ومریضی حساب شده ودر روانشناسی آن‌را مرض »پسی کوپاتی»می‌نامند.

اما چگونه این افسردگی‌ها واضطرابها را درمان نمائیم؟آیا بایدسراغ مشروبات الکلی ومواد سکر آور برویم؟یا سراغ موادمخدر وبرای چندساعتی از خود بیخود شدن وفراموش کردن‌دنیا،برویم؟قرآن کریم با یک جمله کوتاه،نزدیکترین‌وآسانترین راه را بما نشان می‌دهد:**یاد خدا**

آری **یاد خداست** که ترس از مرگ را به آرامش تبدیل می‌نماید.**یاد**

خداستکه ترس از هجوم مشکلات وگرفتاریها را از بین می‌برد.**یاد**

خداست که دلهره‌ها وترسهای ناشی از بی اعتمادی به آینده را کاهش‌می‌دهد و...

انواع ذکر ویاد خدابودن

ذکرخدا انواعی دارد از جمله **ذکر لفظی** وذکر **قلبی** است.که**بالاترین ذکر،نماز** است.

اگرچه خداوند از تسبیح وتحمید مخلوقاتش مخصوصاًانسان بی نیازاست ولی این ذکرها مایهٔ معرفت وتکامل انسان شده واورا در رسیدن به‌معرفت الهی یاری می کند.

انسانهای عاقل وزرنگ در عرف عرفا واولیاء خدا کسانی هستند که‌همیشه بیاد وذکر خدا بوده وهیچ چیز حتی اشتغالات روزمره آنهارا ازاین امر باز نمی دارد.

«انسانهای مؤمن کسانی هستند که تجارت وخرید وفروش‌آنهارا از یاد خدا مشغول نمی کند.»«نور37»

«آنانکه در حالت ایستاده ونشسته وخوابیده بذکر خدا مشغول‌بوده ودر خلقت آسمانها وزمین تفکر کرده ومی گویند:ای‌خدای ما!اینهارا باطل وبیهوده نیافریده‌ای.تو از هر نقصی‌منزّهی .پس مارا از جهنم دور نگه دار.»«آل عمران 191»

«ای مؤمنین!مبادا مال ومنال شما را از یاد خدا غافل کند که دراین صورت زیان کرده است»«منافقون9»

«خدارابسیار یاد کنید شاید رستگارشوید»جمعه10»

لذت انسانهای دارای معرفت به ذکر است.یاد کردن خدایی است که :ازهمه زیباتر.از همه عظیمتر.از همه مهربانتر.از همه بخشنده تر.به اسرارآشناتر.از همه نزدیکتر.و...است.

برای همین پیامبران وامامان واولیاء خدا، شبانه روز به ذکر خدا واز همهٔ‌ذکرهابزرگتر،به نماز مشغول می شدند.رسولخدا(ص)آنقدر شبهارا به‌نماز گذراند که خدا به فرمود:«ای پیامبر!ما قرآن را نازل نکردیم تا تو به‌زحمت بیافتی.»طه1

علی(ع)شبی هزار رکعت نماز می خواند.امامان دیگر نیز بسیار یازاوقات عمر خودرا به نماز وذکر الهی می گذراندند.

خوشا آنانکه‌الله یارشان بی‌بحمد وقل هوالله کارشان بی

خوشا آنانکه دائم در نمازندبهشت جاودان بازارشان بی«باباطاهر»

ما حداقل از این روش انسانهای برگزیده متوجه می شویم که در ذکرونماز، باید منافع واثرات بسیار مهمی باشد که آنگونه به آن اهمیت دادهمی شود.برعکس از اهمیت ندادن انسانهای فاسد به نماز وذکر الهیمتوجه می شویم که یکی از عوامل سقوطاین انسانها فراموش کردنخالق خود می باشد.کسیکه مربّی اصلی انسان وتربیت کننده وبزرگکنندهٔ انسان است فراموش کند،غافل ترین انسان است.

«یاد خدا بودن همه جا مهم است مخصوصاً در هنگام جهاد با دشمنان،در هنگام برخورد با گناه،در هنگام دیدن جلوه های دنیا مثل کاخهاوقصرهاوثروتمندان ودنیاطلبان وزنهای زیبا وباغها وآسمانخراشهاوزِ وبرقهای ظاهری و...»

آثار دوری از یاد خدا

کسانیکه از ذکر ویاد خدا غافل باشند- که متأسفانه اکثر انسانها این گونههستند،دچار ضررهای مختلف دنیوی واُخروی می شونداز جمله:

1-**دچار سختی** در زندگی می شوند:«کسیکه از ذکر من دوریکند،دارای زندگی سختی می شود.»«طه124»

2-**کورمحشور** می شوند:«کسانی را که از یاد من دوری کنند،کورمحشور می نمائیم.او می گوید:خدایا!چرا مرا کور محشور نمودی؟درحالیکه من چشم داشتم؟خدا گفت:همینطور است. ولی آیات من بتورسید ولی آنهارا فراموش کردی وامروز تو فراموش می شوی.»«طه124»

3-**شیطان همراه** او می شود:«کسیکه از ذکر خدای رحمن دوریکند،شیطان را همراه او می کنیم.»«زخرف36»

4-**دلش سیاه** ودچار قساوت می شود:«خدا به موسی گفت:ایموسیامرا در هیچ حالی فراموش نکن که فراموشی من دلهارا قسی میکند.»حدیث قدسی

5-باعث می شود که انسان غافل،**خودش را فراموش نماید:**«مانندکسانیکه خدارا فراموش کردند،نباشید که خدا هم یادِ خودشان را ازخودشان بُرد.»حشر19

همه تسبیح او همی گویندریگ در دست وسنگ در کهسار

جمله با او درین مناجاتندخواه موسی وخواه موسیقار«اومدی مراغهای»

انواع ذکر زبانی

1-حمد وشکر

«رسولخدا روزی سیصدوشصت بار به عدد رگهای بدن تسبیح‌می‌فرمودند.»

«امام رضا(ع)بعد از نماز ظهر به سجده رفته وصدبار می‌فرمودند:حمداًلِلّه.وبعد از نماز عصر به سجده رفته وصدبار می‌فرمودند:شکراً لِلّه.»{مفاتیح الجنان}

2-استغفار«روایت شده هرکه غروبها هفتاد بار بگوید:استغفرالله ربّی‌واتوبُ الیه. هفتصدگناهش پاک شودواگرخود گناه نداشته باشد،گناهان‌پدر ومادر ودیگر اقوامش پاک شود»

3-تسبیح

«قبل از هر حمد وشکری ،گفتن تسبیح(سبحان الله) مستحب‌است.مثل:سبحان الله والحمدلِلّه ولااله الاّ الله والله اکبر»

4-تکبیر

«باگفتن الله اکبر نماز شروع می‌شود.وگفتن تکبیر در مواقع مهم از جمله‌در موقع روبروشدن با دشمن سفارش شده است»

5-صلوات

«بهترین ذکر،صلوات است که اصول الدین را دربردارد.»

«روایت شده که در شبهای جمعه ملائکهٔ فراوانی به زمین نزول کرده وتاشب شنبه آنجا هستند وفقط صلوات برمحمد وآل محمدرا می‌نویسند»

«روایت شده که درمیزان هیچ عملی باندازه صلوات سنگینی ندارد»

6-لااله الاّالله

«در حدیث سلسلهٔ الذهب است که خدا فرمود:کلمهٔ لااله الاّالله،حصارمن است وهرکه در حصار من وارد شود ،از عذابم ایمن می‌باشد.»

«امام باقر(ع)معمولاً به ذکرلااله الاّالله مشغول بودند.»{منتهی الامال}

7-لاحول ولاقوّهٔ الاّبالله العلّی العظیم

«امام صادِق(ع)فرمود:هرگاه غم اندوهت زیاد شد،این ذکر را زیاد برزبان‌جاری کن!»

8-نامهای الله مثل یامیُّ یاقیّوم

9-تسبیحات حضرت زهرا(س)

«هرکه این تسبیحات را بعد از نمازهای یومیه بخواند،ثواب هزاررکعت‌نماز دارد»

افزایش افسردگی واضطراب در جهان صنعتی

در جهان کنونی بیماری افسردگی بسیار زیاد شده است بطوریکه عده‌ای‌از مردم کشورهای صنعتی با دارو بخواب رفته وبا دارو بیدار می‌شوند.

مجله **اکونومیست** در شماره اول ژانویه 1999 خود،با چاپ گزارشی‌در باره پدیدۀ افسردگی و علل و آثار آن در ایالات متحده آمریکا نوشت:

به عقیدۀ روان شناسان ،افسردگی بیماریی ناشی از مدرنیسم وفشارهای جانبی آن است و جوانان به ویژه در آمریکا که سرعت نوآوری‌در آن جا بیش از سایر نقاط جهان است در سنین پایین‌تر در دام این‌بیماری گرفتار می‌آیند.

در سال 202 افسردگی پس از بیماری‌های قلبی ،گسترده‌ترین‌بیماری دامن گیر بشر خواهد بود.به نوشته این مجله:

دکتر ارنست برنت و همکارانش از انستیتو تکنولوژی ماساچوست‌آمریکا برآورد کرده‌اندکه هزینه‌های مربوط به بیماری افسردگی درآمریکا سالانه بالغ بر 44میلیارد دلار یعنی تقریبا برابر هزینه‌های‌بیماری‌های عروقی است و این بدان معنا است که هر آمریکایی سالانه6هزاردلار بابت بیماری افسردگی پرداخت می‌کند.

این مجله می‌افزاید:

هزینه‌های مربوط به درمان بیماری افسردگی به 12 میلیاردو400میلیون دلار بالغ می‌شود و خودکشی مبتلایان به افسردگی7میلیارد و500میلیون دلار به این رقم می‌افزاید که خسارت ناشی ازدست رفتن نیروی انسانی در آن به حساب نیامده است.

اکونومیست می‌نویسد:

در این میان،بازار داروهای ضد افسردگی بسیار گرم است.طبق‌برآورد انستیتو تکنولوژی ماساچوست ارزش بازار جهانی این داروهابالغ بر

7میلیارد دلار است که انتظار می‌رود در پنج سال آینده 50٪رشدداشته باشد!

مشهورترین داروی درمان بیماری افسردگی که امروزه به ویژه درآمریکا رواج دارد «پروژاک»است که شرکت سازندۀ آن »الی لیلی»سالانه2میلیارد و600میلیون دلار به جیب سهامداران خود سرازیر می‌کند.»

در مجله دانستنی‌ها ،5/7/62 آمده است که:

آمریکایی‌ها هرشب بالغ بر سی میلیون قرص خواب آور مصرف‌می‌کنند،که اگر طی یک سال این تعداد قرص را روی هم انباشته کنیم‌حدود 600000کیلوگرم وزن خواهد داشت.

واین 600تن قرص برای به خواب بردن تمام مردم جهان به مدت‌هشت شبانه روز کافی می‌باشد.!

«الوین تافلر،نویسنده ونظریه رداز معروف امریکایی:

در سراسر کشورهای مرفه فریاد عجز و لابه‌های آشنا به گوش‌می‌رسد.میزان خودکشی نواجوانان رو به افزایش است.الکلیسم بیدادمی‌کند.افسردگی روانی همه گیر شده است،بربریت و جنایت مُد روزگردیده است!

در ایالات متحده اتاِهای اورژانس بیمارستان‌ها مملوّ از معتادان به‌ماری جُوانا و دیوانه‌های سرعت و دسته‌های اراذل واوباش و معتادان‌به کوکائین و هروئین و بالاخره افرادی که گرفتار بحران شدید عصبی‌شده‌اند.

مددکاری اجتماعی و بهداشت روانی در همه جا به سرعت رو به‌گسترش گذاشته است،در واشنگتن یک کمیسیون بهداشت روانی‌وابسته به دفتر ریاست جمهوری اعلام می‌دارد که به طور کامل‌شهروندان ایالات متحده از نوعی فشار عصبی رنج می‌برند.وروان‌شناسی از مؤسسه ملی بهداشت روانی ادعا می‌کند که تقریبا هیچ‌خانواده‌ای بدون نوعی ناهنجاری روانی وجود ندارد و اعلام می‌کندروان پریشی ،جامعۀ آمریکا را که آشفته و پریشان و متفرِ ونگران آینده‌است،فرا گرفته است!»

تافلر می‌افزاید:زندگی روزمره واقعاًبه‌طرزافتضاح‌آمیزی کیفیت خودرا از دست داده است و اعصاب همه خورد وداغان است،دست به یقه‌شدن وتیراندازی در مترو یا صفهای بنزین نشانگر این واقعیت است که‌کنترل اعصاب از دست افراد خارج شده است،میلیون‌ها نفر از

مردم به‌آخرین حد از ظرفیتشان رسیده‌اند.

علت این افسردگی‌هارا در **فرو رفتن در مادیات ودوری ازمعنویات‌وفراموشی خدا** ذکر کرده‌اند.

علامتهای افسردگی :

1-احساس تنهائی و بی پناهی

2-وحشت واضطراب از آیندهٔ مجهول

3-دلهره از عدم موفقیت در شؤن مختلف زندگی از جمله درتحصیل،،شغل،نحوه کار،انتخاب همسروزندگی مشترک و نحوهٔ زندگی‌خانوادگی،وضعیت تحصیل فرزندان و آیندهٔ آنان و...

چنانچه بتوان از راه صحیح با این دلهره‌ها برخورد نمود،زندگی‌سعادتمندانه هر انسانی تضمین شده است.

اولین راهی که اسلام برای مسئله اضطراب ودلهره‌ها پیشنهادمی‌کند،**ایمان وتوکل به خداست.**تکیه بر خالقی که قادر است.از همه‌چیز خبر دارد وبندگانش را دوست دارد.تکیه گاهی همیشگی که همه‌می‌میند ولی او باقی است.همه دچار مشکل می‌شوند ولی او همیشه‌قهار ومسلط وحاکم بر همه چیز است.

علی(ع)فرمود:کسیکه توکل کند،سختی‌ها بر او آسان و اسباب آسانی‌برایش فراهم می‌شود.

اگر تیغ عالم بجنبد زجای‌نبرد رگی تا نخواهد خدای پرفسور کارل یونگ:بی مذهبی باعث پوچی و بی معنا بودن زندگی‌می‌شود و داشتن مذهب به زندگی مفهوم ومعنا می‌بخشد.

دکتر پول ارنست متخصص دانشگاه پنسیلوانیا:مهمترین عامل شفای‌مریض،ویتامین‌ها،داروها،معدنیت و جراحی و..نیست.بلکه امیدوایمان است.من به این نکته پی برده‌ام که از این پس باید جسم مریض رابا بکاربردن وسایل طبی و جراحی و روح وی را با تقویت ایمانش‌نسبت به خدا معالجه کرد.

در روایات آمده که مؤمن مانند کوه استوار است و سختی‌ها اورا تکان‌نمی‌دهد.مانند حضرت ایوب که در مقابل بدترین مصیبت‌ها

ایستاددومقاومت کردوعاقبت به رستگاری دوجهان رسید.

مرحلهٔ دوم درمان:برطرف کردن گره مشکلاتی که بدست خودماباز می‌شود.زیرا در بسیاری از موارد کلید حل مشکل بدست ماست.مثلا شخصی که در خانه نشسته واز خدا روزی‌می‌خواهد،دعایش مستجاب نمی‌شود!یا کسیکه از دست زنش به تنگ‌آمده واز خدا فرج وگشایش می‌خواهد دعایش مستجاب نمی‌شود زیراباز کردن گره بدست خودش است وآن طلاِ دادن است.(اگر راه‌دیگری نمانده است.)و...

مرحلهٔ سوم :صبر و تحمل است.افراد صبور ماندنی‌تر وموفق‌ترمی‌باشند.

«اصمعی وزیر خلیفه عباسی در بیابان به خیمه‌ای رسید. زنی جوان‌و صاحب جمال درخیمه بود. اصمعی از او آب طلبید. زن گفت: شوهرم‌نیست و اجازه ندارم به شما آب بدهم. ولی اجازه شیر این بز بدست‌خودم است. زن از شیر به اصمعی داد. در این موقع یک سیاهی از دورپیداشد. زن گفت: شوهرم است که از صحرا برمی‌گردد. وقتی شتر سواررسید، زن باستقبال او رفت و بر او سلام کرد، پاهای او را شست و...ولی‌هر چه زن محبّت می‌کرد، مرد که قیافه زشتی داشت و یک پایش لنگ‌بود، با بداخلاقی به او جواب می‌داد. تا اینکه مرد وارد خیمه شد و نگاه‌غضبناکی به اصمعی نمود و به آخر خیمه رفت. اصمعی به زن گفت:حیف نیست شما با این امتیازات، با همچو مردی زندگی می‌کنی؟ زن‌گفت: من از شما که وزیر خلیفه هستی تعجب می‌کنم که می‌خواهی بین‌من و شوهرم جدائی بیافکنی! اگر من با این مرد زندگی می‌کنم برای این‌است که می‌خواهم به روایت پیامبر(ص)عمل کرده باشم که‌فرمود:**ایمان دو نیمه است. نیمه‌ای شُکر و یک نیمه‌اش صبراست.** من خدا را بر نعمتهایش شکر گفته و بر سختی‌های زندگی صبرمی‌نمایم. و امید به پاداشهای آخرت دارم.»{خوبیها وبدیها}

مرحلهٔ چهارم:معالجات فردی است.از قبیل:

1-بازگو کردن عقده‌ها با محرم اسرار مانند والدین،حضور درزیارتگاهها ومناجات‌های سحرگاهی

2-توبه وطلب آمرزش :اسلام برخلاف مسیحیت که می‌گوید یکشنبه‌هابه کلیسا برو!هرزمان وهرمکانی را برای ارتباط با خداوند وتوبه کردن‌وطلب آمرزش صالح می‌داند.

3-جستجوی راههای موفقیت یعنی علاوه برهمت بلندوتلاش،ومشورت با عقلا بدنبال راه صحیح حرکت کند واز راههای‌خلاف که به شکست ختم می‌شود دوری نماید.

4-اقتصاد در معاش که علی(ع)فرمود:هرکه مراعات اقتصاد کند من‌ضمانت می‌کنم که فقیر نگردد.

5-اهمیت ندادن به عشقهای کذائی؛پسر ودختری که مدتی بهم‌علاقه‌مند شده‌اند ولی راهی برای ازدواج ندارند باید خود را به‌چیزهای سالم دیگر سرگرم کرده ونگذارند دوری از هم باعث اضطراب‌وفسردگی شود .**6**-راضی بودن به رضای الهی

7-سرگرمیهای سالم همانند سفر«پیامبر:به سفر بروید تا سالم‌وتندرست بمانید.»

7-توجه به نعمتهایی که داریم.ونگاه با پایین‌تر از خود نه نگاه به بالاتراز خود وحسرت خوردن وغصه خوردن.

8-مأیوس نشدن از رحمت الهی »لاتیأسوا من روح الله انّه لاییأس من‌روح الله الاّالقوم الکافرون»

9-رعایت حد وسط در گوش کردن نوارهای روضه وعزاداری.متأسفانه‌عده‌ای خیال می‌کنند علامت حزب الله بودن آنست که مرتب نوارمداحان مشهور را ساعتها گوش دهیم.در حالیکه افراط در این کار به‌افسردگی منجر می‌شود.**شخصی از موثقین** نقل می‌کرد که یکی ازطلاب دچار افسردگی شده بود.من چون می‌دانستم که نوارهای مداحی‌وروضه زیاد گوش می‌دهد،پیشنهاد کردم که مدتی از اینها فاصله‌بگیرد.واو هم همین کار را کرد واز بیماری نجات یافت.البته توسل به‌ائمه(س)حتی اگر بطور روزانه باشد بسیار در موفقیت انسان نقش داردولی مداحی‌های که با صداهای اکو وچندجور صدای اذیت کننده گوش‌تهیه می‌شود بر اعصاب وروحیه انسان اثر منفی می‌گذارد. پس باید ازتوسلات به ائمه(ع)بسیار استفاده کنیم وحتی روزانه زیارت عاشورا رازمزمه کنیم ولی از گوش دادن افراطی به نوارهای کاست وسی دی‌های‌صوتی بپرهیزیم.

بیشتر درباره افسردگی

*از هر 4زن،1نفر افسردگی شدید را در مرحله‌ای از زندگی خود تجربه‌می‌کنند.

*بیماری افسردگی،زنان را صرفنظر از ویژگی‌های نژادی،قومی ویاطبقاتی،دوبرابر بیش از مردان مبتلا می‌کند.

*افسردگی،عامل شماره«1»ناتوانایی وفعالیتهای مختلف در زنان است.

*به طور کلی زنان متأهل بیش از زنان مجرد به افسردگی مبتلامی‌شوند.همچنین افسردگی در میان مادران جوانی که ناگزیر هستندتمام وقت در منزل و

درکنار فرزندان کوچک‌خود باشند،بیشتر رایج‌است.

*حداقل 90درصد از تمامی اختلالات مرتبط با غذاخوردن،در زنان‌روی می‌دهد وبه طور کلی یک ارتباط قوی بین اختلالات غذا خوردن وافسردگی وجود دارد.

*افسردگی ممکن است زنان را در معرض خودکشی قرار دهد در حالی‌که تعداد بیشتری از مردان نسبت به زنان در نتیجه اقدام به خودکشی‌می‌میرند.اما تعداد زنانی که دست به خودکشی می‌زنند دوبرابر مردان‌است.

*فقط یک پنجم از زنانی که از افسردگی رنج می‌برند در پی درمان برمی‌آیند.

دنیاطلبی ریشه انحرافات

با بررسی آیات الهی درمی یابیم که دنیا کالا ومحل آزمایش وخانهٔ موقت‌ومکان زودگذر وباعث گمراهی بسیاری وهدایت عدهٔ کمی است.

«زندگی دنیا برای کفار زیبا بنظر می‌رسد»بقره212

«زندگی دنیا فقط کالای گول زننده است»آل عمران185

«بگو کالای دنیا کم ولی آخرت برای متقین بهتراست»نساء77

«زندگی دنیا بازیچه وسرگرمی است!»انعام 32

«زندگی دنیا مثا آبی است که از آسمان فرومی فرستیم وگیاهان سرسبزمی‌روید اما بعد از مدتی می‌خشکد وبادها آنرا به هرسو می‌کندوخدابرهرچیز تواناست»کهف45

«دنیا مثل بارانی است که محصولش‌ابتدا کشاورزان را از بسیاری‌متعجب می‌کند سپس زرد وخشک می‌شود وبه کاه تبدیل‌می‌گردد.»حدید20

«زندگی دنیا شمارا گول نزند.»لقمان33

دنیا خانۀ موقت انسانهاست.خانه ای که سعادت وشقاوت اودر همین‌جا مشخص می شود.

دنیا برای افراد عاقل ومتفکر وباهوش ،تجارتخانه ای است که درآن‌معاملات مهمی را بنفع خود انجام می دهند.مال وجان وفرزندان خودرامی دهند ودر مقابل رضایت الهی وبهشت ابدی را بدست می آورند.که‌متأسفانه این افراد کم هستند.

ودنیا برای افرادیکه آینده نگر نیستند وفقط وضع فعلی را می‌بینند،تجارتخانه ای است که تمام سرمایهای آنهادر این محل از بین می‌رود وجز پرونده ای سیاه از اعمال زشت چیزی برای آنها به ارمغان نمی‌آورد.

اگر شیری اگرمیری اگرمورگذربایدکنی آخرلب گور

دلارحمی بجان خویشتن کن‌که مورانت نهند خوان وکنندسور

«باباطاهر»

در دین اسلام از دنیائی که بعنوان هدف باشد، بسیار مذمّت شده‌وعلاقه به دنیا ریشۀ همۀ خطاها واشتباهات بشری ذکر شده است.

در قرآن هشدارهای فراوانی در این زمینه به انسانها داده شده است

در سخنان بزرگان دین نیز این هشدارها با عبارتهای مختلف بیان شده‌است.

آثار زیانبار دنیاطلبی

1-ثروت اندوزی مایهٔ عذاب می شود.

«به کسانیکه طلا ونقره هارا انبار می کنند وآنهارا در راه خدا خرج نمی‌کنند،بشارت عذاب دردناک بده.در روز قیامت همین ثروتها بصورت‌عذاب بر پشت وپیشانی آنها فرود می آید»«توبه34»

2-ثروت اندوزی مایهٔ سرگرم شدن واز خدا غافل گردیدن‌است.

«ثروت اندوزی شمارا مشغول کرد تا زمانیکه از دنیا رفتید وشمارا دفن‌کردند.»تکاثر1

3-دنیا طلبی باعث زحمت بی پایان،آرزوی دست نیافتنی وامید بی‌حاصل می شود

4-دنیا طلبی عقل را فاسد ودل را از شنیدن حکمت، کر می کند.

5-هرچه ثروت انسان بیشترباشد، حجتهای الهی علیه او در قیامت‌بیشتر است.

6-دنیا طلبی مانع عبادت واطاعت خداست.

7-پول وثروت طبق نظر امام رضا(ع)بایکی از اسباب زیر جمع می‌شود:بخل شدید،آرزوی طولانی،حرص زیاد،قطع رابطه فامیلی،ترجیح‌دنیا برآخرت

8-ریشه های لذتهای اصلی دنیا طبق نظر امام باقر(ع)هفت چیز پست‌است:

نوشیدنی‌ها که بهترین آن آب معدنی است که از لابلای خاکها وحشرات‌وفاضلابها بالا آمده وکم کم صاف وزلال می شود.

خوردنی‌هاکه بهترین آن عسل طبیعی است که عسل مدفوع زنبوراست.،

پوشیدنی که بهترین پوشیدنی ابریشم است که از آب دهان کرم ابریشم‌به عمل می آید!،

بوئیدنی‌ها که بهترین بوئیدنی مُشک است که از ناف آهو بعمل می آید!،

شنیدنی‌ها که بهترین آن غنا وطرب است که صدای شیطان می باشد.،

سواریها که بهترین آن در زمان گذشته اسب وحالا ماشین است که آنهم‌گاهی قاتل صاحبش می باشد.،

عمل جنسی که از همهٔ لذات برتر است وآنهم‌که مبال اندر مبال است!

9-اگر کسی بت پرست نباشد ولی دنیاطلب باشد بگفتهٔ ابلیس،همین‌برای گمراهیش کافی است.

10- بفرمایش پیامبر(ص)دنیاطلبی اولین عامل معصیت خدا بوده‌است.{میزان الحکمه}

زهر دارد در درون،دنیا چومارگرچه دارد در برون ،نقش ونگار

زهر این مار منقش قاتل است‌می‌گریزد زو هر آن کس عاقل است.

در عرف جامعه ها کسانی را که دارای ثروت ومکنت هستند زرنگ می‌دانند وگاهی به آنها حسرت می خورند.زیرا وضع فعلی وظاهر امر را می‌بینند ولی از عاقبت این افراد خبر ندارند.یکی از افراد بسیار ثروتمند که‌عاقبت بدی پیدا کرد وداستانش درقرآن برای هشدار وعبرت گرفتن‌آدمی آمده است،داستان قارون است.

«قارون ابتدا جزء اصحاب موسی(ع)وپسرعموی او بود.او علم و زیبائی‌وثروت را باهم داشت.ثروت او آنچنان زیاد بود که کلیدهای انبار گنجهای اورا شتران حمل می کردند.وقتی درکوچه ها با آن شوکت‌وابهت وزینتها حرکت می کرد،مردم می گفتند:ای کاش ماهم مثل قارون‌بودیم!ولی دنیاطلبی او باعث شد که با موسی(ع)مخالفت کند و علیه‌موسی(ع)توطئه کند وسرانجام دچار قهرالهی شده وبه نفرین موسی(ع)خود وثروتش به زمین فرو رفتند.»{بحارالانوار}

«ثعلبه مردی فقیر بود.او از پیامبر خواست که دعا کند تا ثروتمندشود!پیامبر به او هشدار دادکه ثروت برای تو خطرناک است.امّا ثعلبه‌اصرار کرد وپیامبر برایش دعا نمود.طولی نکشید که ثعلبه ثروتمند شدوجزء دامداران گردید.کم کم از نظرجا برای دامهای او در مدینه مشکل‌پیدا شد لذا از پیامبر اجازه گرفت تا به خارج از مدینه برود.

او در خارج از مدینه به زیاد کردن ثروت خود مشغول بود.وقتی‌پیامبر(ص)نماینده ای نزد او فرستاد تا زکات گوسفندان اورا بگیرد،ثعلبه امتناع کرد وگفت:چرا پیامبر (ص)سراغ افراد دیگر نمی رودوسراغ من فرستاده است؟

نمایندۀ پیامبر بادست خالی برگشت.ناگاه آیه ای در بارۀ این امتناع ثعلبه‌وافرادی مانند اونازل شد..که تقریباً از ارتداد ثعلبه خبر می داد.وقتی این‌خبر به ثعلبه رسید،گوسفندان خودرا برداشت وبه مدینه آمد وخدمت‌پیامبر رفت وگفت:زکات آورده ام!پیامبر فرمود:من نمی توانم از تو زکات‌قبول کنم!ثعلبه با شنیدن این مطلب شروع به عجز ولابه کرد ولی‌حضرت زکات اورا قبول ننمود.بعد از رحلت پیامبر،ثعلبه سراغ ابوبکررفت وگفت:من زکات آورده ام.ابوبکر گفت:چون پیامبر زکات تورا قبول‌نکرد،منهم نمی توانم قبول

نمایم.ثعلبه بعدداز مدتی باحسرت دادن‌زکات از دنیا رفت!»{بحارالانوار}

دنیا که دلت زحسرت او زار است‌سرتاسر اوتمام محنتزار است
دنیا که از او دل اسیران ریش است‌پامال غمش،توانگر ودرویش است
نیشش همه جان گزاتر از شربت مرگ‌نوشش چونکو نگه کنی هم نیشش است
"شیخ بهائی"

«درسوره فجر چهارمورد دنیاطلبی بعنوان مانع عبادت اشاره می‌کند:
کلاّبل لاتکرمون الیتیم:شما یتیم را اکرام نمی‌کنید!ولاتحّاضون علی‌طعام المسکین:یکدیگر را براطعام مستمندان تشویق نمی‌کنید!وتأکلون‌التراث اکلاً لمّا:ومیراث وارث را جمع کرده می خورید!وتحبّون المال‌حبّاً جمّاً:ومال وثروت را بسیار دوست دارید!»
«هرگاه قیامت شود،مؤمن فقیر ومؤمن ثروتمند برای سؤال وجواب‌احضار می شوند!فقیر می گوید:خدایا!برای چه سؤالی باید بایستم؟
به عزتت سوگند!نه حکومتی داشتم تا عدالت یا ستم کنم ونه ثروتی‌بمن دادی تا حق آنرا اداء کرده ویا نکرده باشم!آنچه بمن رِزادی،باندازه کفایت بود نه بیشتر!خداوند جل جلاله می فرماید:بنده ام‌راست گفت!راه را باز کنید تابه بهشت برود.اما مؤمن ثروتمند می ماندتااینکه‌آنقدر عرِ می ریزد که برای سیراب کردن چهل شتر،کافی است .آنوقت به بهشت می رود!»
«پیامبر(ص):امّتم در دنیا سه دسته‌اند:عده‌ای هستند که جمع آوری‌مال وثروت را دوست نداشته وبه ضروریات راضی هستند.اینها ایمن‌می‌باشند.
دسته دوم از راه حلال مال وثروت جمع کرده وجمع آوری مال رادوست دارند ولی بامالشان صله رحم نمی‌کنند وبه برادران دینی کمک‌نمی‌نمایند وبرادران ایمانی را از حقشان منع می‌کنند. اینهارا اگر خدابخواهد عفو می‌کند والاّبر آنها حجّت اقامه می‌نماید.
دسته سوم از حلال وحرام ثروت اندوزی می‌کنند.واجبات را نمی‌دهندواگر خرج می‌کنند در اسراف وتبذیر است.دنیا بر اینها حاکم است وروزقیامت به جهنم روانه میشوند.»

دنیا طلبان زحرص مستند همه‌موسی کش وفرعون پرستند همه
هر عهد که با خدای بستند همه‌از دوستی حرص بشکستند همه
"ابوسعید ابوالخیر"

امیرالمؤمنین(ع):«اگر خدا را دوست دارید،محبت دنیارا از دلتان بیرون‌کنید!»{میزان الحکمه}
امام حسین(ع):«قیمت جمیع دنیا در نزد ولیی از اولیاء خدا ودر نزد اهل‌معرفت مثل قیمت سایه است. {**میزان الحکمه**}

.....

بیشتر مردم در غفلتند!

فهرست

1-انواع غفلت
2-علامتهای افراد غافل
3-آثار زیانبار غفلت
4-عوامل غفلت
5-درمان غفلت
6-غفلت در قرآن وسنت
7-غفلت در نثر وشعر
8-نمونه‌ای از غافلین

مقدمه

«غفلت در لغت بمعنای سستی نفس از توجه به آنچه که‌غرض وهدف او بوده است‌ودر اصطلاح بمعنای مشغول شدن به‌دنیا وتوجه نداشتن به مرگ وآخرت وقیامت است.»

هنگامیکه نظر قرآن را دربارهٔ انسان جویا می‌شویم می‌بینیم که قرآن‌با تعبیراتی چون :

«انّ کثیرا من الناس عن آیاتنا لغافلون»

اکثر مردم از آیات ما غافلند!

«اقترب للناس حسابهم وهم فی غفلۀ معرضون»

حساب وکتاب مردم ومرگشان نزدیک شده ولی آنها در غفلت بوده واز حق دوری می‌کنند!

«وعدالله لایُخلف الله وعدهولکنّ‌اکثرالناس لایعلمون.یعلمون ظاهرا من الحیوۀ الدنیاوهم عن الاخـــــــرۀ هـــــــم غافلون»

وعده خدا حتمی است ولی اکثر مردم نمی‌دانند.آنها ظاهر دنیارا قبول دارند ولی از آخرت غافلند!

از اکثـر انسـانها یـاد نمـوده اسـت.انسـانی کـه هرچـه دارد از خداسـت،وابتـداوانتهایش بـا خداسـت ،وتمـامی نعمتهـا را خـالقش بـه او داده ،دنیـا وزیورهاوزینتهـایش اورا مشـغول نمـوده واز خـدایش غافـل اسـت.عمـر او کـه‌سـرمایه اصـلی اوسـت،روز بـه روز بـه انتهـا مـی‌رسـد ولـی او همچنـان درغفلـت وبـی خبـری اسـت وچیزهـای بـی ارزش او را مشـغول نمـوده‌اسـت.اگـر چـه همـه ایـن گونـه نیسـتند وانسـانهای دیگـری هسـتند کـه غافل‌نیستند.

عاقل وزرنگ در عرف عرفـا واولیـاء خـدا کسـانی هسـتند کـه همیشـه‌بیـاد وذکـر خـدا بـوده وهـیچ چیـز حتـی اشـتغالات روزمـره آنهـارا از ایـن امربـاز نمی دارد.

«انسانهای مؤمن کسانی هستند که تجارت وخرید وفروش‌آنهارا از یاد خدا مشغول نمی کند.»«نور37»

«آنانکـه در حالـت ایسـتاده ونشسـته وخوابیـده بـذکر خـدا مشـغول‌بـوده ودر خلقـت آسـمانها وزمـین تفکـر کـرده ومـی گوینـد:ای‌خـدای مـا!اینهـارا باطـل وبیهـوده نیافریـده‌ای.تـو از هـر نقصـی‌منزّهـی .پـس مـارا از جهـنم دور نگـه دار.»«آل عمـران 191»

«ای مؤمنین!مبادا مال ومنال شما را از یاد خدا غافل کند که دراین صورت زیان کرده است»«منافقون9»

«واذکر ربّک فی نفسک‌تضرعّا وخیفۀ و دون الجهر بالقول‌بالغدوّ والاصال ولاتکن من الغافلین»

در این مقاله سعی شده که مطالبی متنوع درباره غفلت آورده‌شود.امید است که خداوند حکیم همهٔ ما را از مرض مهلک غفلت‌نجات داده ومارا متوجه وظایفان بنماید.

1-انواع غفلت

1-غفلت از نماز

متأسفانه عدهٔ زیادی از مسلمانان توجهی به نماز ندارند.یا اصلا نماز نمی‌خوانند مانند بسیاری از هنرپیشگان‌سینمای ایران،بسیاری از ورزشکاران،تعدادی از اساتید دانشگاهها ومحققین ،عده‌ای از کارمندان وکارگران،عده‌ای از نظامیان وکثیری از رانندگان و...که اینها از فواید نماز محرومند وروزی متوجه ارزش نماز می‌شوند که شاید دیگر دیرشده باشد.

«امیرالمؤمنین(ع):عملی از نماز نزد خدا بهتر نیست پس امور دنیا شما را از نماز مشغول نکند که خدا در قرآن عده‌ای را مذمت کرده وفرموده:**الذین هم عن صلاتهم ساهون** {ماعون}

یعنی آنان غافل بوده وبه اوقات نماز اهانت می‌کنند.»

2-از یادخدا

3-از امر بمعروف ونهی از منکر

4-از مرگ وقیامت

5-از محاسبه نفس

«امیرالمؤمنین(ع):من حاسب نفسه ربح و من غفل عنها خسر» {میزان الحکمه}

هرکه از خودش حساب بکشد سود برده وهرکه از خودش غافل باشد ضرر نموده است.

6-غفلت از بررسی عیوب نفس

«رسول خدا(ص):طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس» {میزان الحکمه}

خوشا بحال کسانیکه توجه به عیب خود آنها را از توجه به عیوب مردم باز داشته است.

7-غفلت از اخلاص

8-غفلت از حضور قلب در نماز

9-غفلت از توبه

10-از احسان الهی

«ولاتجعلنی ناسیا لذکرک فیما اولیتنی ولاغافلا لاحسانک فیما ابلیتنی»

11-از اهل بیت(ع)

12-از قدرت الهی

«اَلا اِنَّ لِلّه ما فی السموات والارض الا اِنّ وعدالله حقّ ولکنّ اکثرهم لایعلمون»

آگاه باشید که همه آسمانها وزمین مال خداست.آگاه باشید که وعده الهی برحق است ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

13-غفلت از فقیران

«انّ الانسان لیطغی' – ان رآه استغنی»

همانا انسان وقتی خود را بینیاز می‌بیند،سرکش می‌شود!

2-علامتهای افراد غافل

1-بناءکردن خانه‌ها(بیش از حد نیاز)

2-محکم کردن قلعه‌ها وکاخها(به عنوان اینکه بر قدرت خود تکیه کنندودر مقابل خدا قدرت نمائی نمایند)

3-زینت کردن مساجد(که به ظاهرسازی مساجد می‌پردازند ولی از یادخدا غافلند)

4-هدف بودن دنیا(دنیا طلب بودن ودنیا را بر آخرت ترجیح دادن)

5-خدابودن شکم!(فقط برای شکمشان تلاش وزندگی می‌کنند)

6-تکیه کردن بر دنیا(بجای تکیه برخدا وبیاد آخرت بودن بر دنیاوزینتهای آن تکیه می‌کنند ودنیارا ابدی می‌پندارند)

«یعملون ظاهراً من الحیاۀ الدنیا و هم عن الاخرۀ هم غافلون»

ظاهر دنیا را می‌بینند ولی از آخرت غافلند!

«وفرحوا بالحیاۀ الدنیا و ماالحیاۀ الدنیافی الاخرۀ الاّ متاع»

به زندگی دنیا راضی شده‌اند درحالی که دنیا در مقابل آخرت جز کالائی از بین رفتنی نیست!

6-محراب شدن زنان!(بدنبال زنانشان افتاده وفقط حرفهای آنان راگوش می‌دهند وهمۀ اختیارات خود را به زنانشان محول می‌کنند)

8-شرف شدن درهم ودینار(شرافتشان،پول ودرهم ودینار استوشرافت انسانی ندارند)

9-همت شدن شکم(همه چیز را برای شکم انجام می‌دهند.)

10- جسمشان سیر نمی‌شود(بخاطر رها کردن هوای نفسشان،هرچه ازدنیا استفاده می‌کنند سیر نمی‌شوند وهرچه به ثروت ومکنتشان افزوده‌می‌گردد باز احساس گرسنگی وکم داشتن‌امی‌نمایند.همانطور که درروایات دنیا به آب دریا برای فرد تشنه تشبیه شده که هرچه از آب دریامی‌خورد بیشتر تشنه می‌شود!)

11-دلشان خاشع نمی‌گردد(بخاطر توجه به دنیا از خدایشان غافل‌شده ودر خود احساس خشوع وترس از ذات اقدس الهی نمی‌کنند)

12-قطع رحم می‌نمایند(بخاطر اینکه فامیلها از مال آنها بهره‌ای نبرند بافامیلهایشان مخصوصا فامیلهای فقیر قطع رابطه می‌نمایند)

13- حرص را علنی می‌کنند(برای رسیدن به دنیای بیشتر از تظاهر به‌دنیاطلبی ابایی ندارند)

14-حسد را ظاهر می‌کنند(برای از بین بردن رقبا وکوچک کردن آنها درسر راه دنیاطلبی از تظاهر به حسادت نسبت به رقبایشان واهمه‌ای‌ندارند)

15-از خیر دوری می‌کنند(آدم دنیا طلب نمی‌تواند بدنبال کارهای خیرباشد بلکه از خیر فرار می‌نماید تا مالش محفوظ بماند)

16-شراب را حلال می‌دانند وآن را نبیذ می‌خوانند

17-ربا می‌خورند

18-با بدان دوستی وبا خوبان دشمنی می‌کنند

19-حق در نزدش باطل وباطل در نزدش حق است

«زین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل‌فهم لایهتدون»

شیطان اعمالشان را برایشان زینت داده وآنها را از راه راست منحرف کرده وآنها هدایت نمی‌شوند.

20-کسانی را که دنباله رو پیامبر هستندرامسخره می‌نمایند

«ما یأتیهم من ذکر ربهم محدَث الاّ استمعوه‌وهم یلعبون»

هرآیه الهی را که می‌شنوند،مسخره می‌نمایند.

21-شکر الهی را نمی‌کنند

«ولکن اکثرالناس لایشکرون»

22-بدنبال فسق وفجورند

«وانّ کثیراً من الناس لفاسقون»

23-به آیات الهی ایمان نمی‌آورند

«ولکنّ اکثرالناس لایؤمنون»

24-در مقابل حق لجوج وسرسختند

«کان الانسان اکثرشیء جدلاً»

25-مشغول به جمع آوری مال هستند

«روزی امیرالمؤمنین(ع)به بازار رفت ووقتی دید که مردم مشغول کسب‌وکاسبی هستند به گریه افتاد.وقتی علت گریه را از حضرت‌پرسیدند،فرمود:روز که بدنبال دنیا هستید وشب هم به استراحت‌می‌پردازید.پس کی بیاد خدا هستید؟»

3-آثار غفلت

کسانیکه از ذکر ویاد خدا غافل باشند- که متأسفانه اکثر انسانها این گونه‌هستند،دچار ضررهای مختلف دنیوی واُخروی می شونداز جمله:

1-دچار سختی در زندگی می شوند:«کسیکه از ذکر من دوری‌کند،دارای زندگی سختی می شود.»«طه124»

2-کورمحشور می شوند:«کسانی را که از یاد من دوری کنند،کور محشورمی نمائیم.او می گوید:خدایا!چرا مرا کور محشور نمودی؟در حالیکه‌من چشم داشتم؟خدا گفت:همینطور است. ولی آیات من بتو رسید ولی‌آنهارا فراموش کردی وامروز تو فراموش می شوی.»«طه124»

3-شیطان همراه او می شود:«کسیکه از ذکر خدای رحمن دوری‌کند،شیطان را همراه او می کنیم.»«زخرف36»

4-دلش سیاه ودچار قساوت می شود:«خدا به موسی گفت:ای‌موسی!مرا در هیچ حالی فراموش نکن که فراموشی من دلهارا قسی می‌کند.»حدیث قدسی

5-باعث می شود که انسان غافل،خودش را فراموش نماید:«مانندکسانیکه خدارا فراموش کردند،نباشید که خدا هم یادِ خودشان را ازخودشان بُرد.»حشر19

همه تسبیح او همی گویندریگ در دست وسنگ در کهسار

جمله با او درین مناجاتندخواه موسی وخواه موسیقار

«اومدی مراغه‌ای»

4-درمان غفلت

1-دوری از دنیا و لذات وشهوات و زینتها

«زیّن للناس حبّ الشهوات من النساء و البنین و القناطیر المقنطرۀ من الذهب و الفضۀ...والانعام و الحرث ذلک متاع الحیوۀ الدنیا والله عنده حسنُ المآب»

برای مردم علاقه به لذتهائی از قبیل زن،فرزند،طلاونقره، دامداری و کشاورزی زینت داده شده ولی اینها کالای دنیاهستند اما عاقبت خوب نزد خداست!

2- وارد نشدن در مسابقه مادیات

3-مغرور نشدن به نماز وعبادتهای خود

4-کوچک نشمردن گناه صغیره

5-پرهیز از گناه کبیره

«یوم تجد کلّ نفس ما عملت من خیر محضراً و ما عملت من سوء تودّ لو انّ بینها وبینه امداً بعیداً»

روزی که انسان کارهای خیر خود را میبیند ووقتی کارهای بدش را می‌بیند،آرزو می‌کند ای کاش بین او اعمال بدش فاصله زیادی بود.

6-اگر به او گفته شود که تقواداشته باش ناراحت نشود

«واذا قیل له اتقّ الله اخذته العزُّ بالاثم فحسبه جهنم»

هرگاه به او گفته می‌شود،تقوا کن!تکبرش اورا به گناه می‌کشاند که جای او در جهنم است.

7-کوتاه کردن آرزو

«رسول خدا(ص):آن چنان آرزویش کوتاه باشد بطوری که اگر صبح بودبگوید تا شب نمی‌مانم واگر شب بود بگوید تا صبح نمی‌مانم»

8-عزم به اینکه از دنیا جدا می‌شود

9-دوست داشتن لقاء خداوتوجه به آخرت

«رسول خدا(ص):هرکه لقاء خدا دوست داشته باشد خدا هم لقاء او رادوست دارد وهرکه لقاء خدا را بد بداند خدا هم لقاء او را بدمی‌داند.»(امام ششم(ع):هرکه کفنش را درخانه نگه دارد،جزو غافلین‌نوشته نمی‌شود)

10-مال اندوزی نکند

«الهی'کم التکاثر- حتی زرتم المقابر»ثروت اندوزی مایهٔ سرگرم‌شدن واز خدا غافل گردیدن‌است.

«ثروت اندوزی شمارا مشغول کرد تا زمانیکه از دنیا رفتید وشمارا دفن‌کردند.»تکاثر1

11-تقسیم شبانه روز به سه قسمت 1-کار وتلاش 2-استراحت وتفریح3-عبادت

12-دوری از مجالس لهو و لعب

13-دوری از خنده زیاد،خواب زیاد،وخوردن زیاد!

17-توجه به قرآن(هرکه شب ده آیه قرآن بخواند جزو غافلین نوشته‌نمی‌شود.)

18-خالص کردن نیت

5- هشدار دهنده ها

1-یادآوری مرگ وقیامت

2-یادآوری ضعیف بودنش

3-بررسی زندگی وعاقبت اقوام گذشته

4-توجه کردن به هشداردهندگان

«یهودی از رسول خدا(ص)پرسید که قورباغه چه می‌گوید؟فرمودمی‌گوید:اذکروا الله یا غافلین!ای غافلها!بیاد خدا بیافتید!»

6-غفلت در قرآن وسنت

«اعلموا انّما الحیوۀ الدنیا لعب ولهوٌ وزینۀ وتفاخربینکم‌وتکاثر فی الموال والاولاد کمثل غیث اعجب الکفار نباته ثمّ‌یهیج فتراه مصفراً ثمّ یکون حطاماً وفی الاخرۀ عذاب شدیدومغفرۀ من الله ورضوان وما الحیوۀ الدنیا الاّ متاع الغرور.»

شیخ بهائی در تفسیر آیه فوِ گفته است که مراحل زندگی انسان در این‌آیه به پنج دوره تقسیم شده است:1-کودکی که به لعب وبازی مشغول‌است.2-بلوغ که به لهو وسرگرمی مشغول می‌شود.3-نهایت بلوغ که به‌آراستن وپوشیدن لباس فاخر ومرکب خوب وخانه زیبامی‌گذراند4-کهولت که به فخرفروشی به حسب ونسب مشغول‌می‌شود5-سالخوردگی که به جمع آوری وزیاد کردن مال واولاد صرف‌می‌شود.

«یا ایّها الذین آمنوا لاتلهکم اموالکم ولااولادکم عن ذکرالله ومَن یفعل ذلک فاولئک هم الخاسرون»

ای مؤمنین!مال و اولاد شمارا از یاد خدا بازندارد که دراین صورت ضرر غافلین کرده‌اند.

«رجالٌ لاتلهیهم تجارۀٌ ولابیعٌ عن ذکرالله واِقام الصلوۀ وایتاء الزکوۀ یخافون یوماً تتقلّب فیه‌القلوب والابصار»

ترجمه:

«انسانهای مؤمن کسانی هستند که تجارت‌وخرید وفروش آنهارا از یاد خدا مشغول نمی کند.واز روزقیامت

درهراسند.»«نور37»

«رسول خدا(ص):غفلت در سه چیز است:از ذکر خدا،غفلت بین نمازصبح تا طلوع خورشید وغفلت از دین تا زمان مردن.»

«امیرالمؤمنین(ع):چه بسا غافلی که لباسی را آماده می‌کند ولی همان‌لباس کفنش می‌شود وخانه‌ای را می‌سازد تا درآن سکن شود ولی همان‌قبرش می‌گردد!»

«امیرالمؤمنین(ع):تعجب از کسیکه به حساب قیامت یقین دارد،چگونه‌غافل می‌شود؟»

«امیرالمؤمنین(ع)درباره مؤمنین:گرسنه‌اند زمانی که مردم سیرند!بیدارند‌زمانی که مردم خوابند!دعا می‌نمایند زمانی که مردم غافلند!گریه‌می‌نمایند زمانی که مردم خندانند!»

«رسول خدا(ص):ای اباذر!همت کن تا کار خوب بکنی اگرچه به ان‌موفق نشوی تا جزو غافلین نباشی!»

«خداوند:ای عیسی!غافل مباش که غافل از من دور است!»

«رسول خدا(ص):دعا کنید درحالی که به اجابت یقین دارید!وبدانید که‌خدا دعای کسیکه با دل غافل دعا کند قبول نفرماید»

«رسول خدا(ص):بپرهیزید از نگاه بی خود وبی جهت!که باعث تولیدهوای نفس و غفلت می‌شود.»

«امیرالمؤمنین(ع):کسیکه غفلتش زیاد باشد،زودتر هلاک می‌شود!»

«از دعاهای صحیفه سجادیه:

اللهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد ونبّهنی لذکرک فی اوقات‌الغفلة...

او لعلّک رأیتنی فی الغافلین فمن رحمتک آیستنی...

اللهمّ اِنّی اعوذ بک من الغفلة و القسوة والعیلة...

اللهمّ انی اعوذ بک من الغفلة عندالموت...»

«رسول خدا(ص):کسیکه ده آیه در شب بخواند،جزو غافلین نوشته‌نمی‌شود.»

«امیرالمؤمنین(ع):اوصیکم بذکر الموت واقلال الغفلة عنه وکیف‌غفلتکم عمّا لیس یغفلکم؟»

«رسول خدا(ص):برای خدا فرشته‌ای است که هرشب فرود آمده وندامی‌نماید:

ای بیست ساله‌ها!جدیت وتلاش کنید.

ای سی ساله‌ها!دنیا شمارا گول نزند!

ای چهل ساله‌ها!برای ملاقات با خدا چه آماده کرده‌اید؟

ای پنجاه ساله‌ها!ترساننده سراغتان آمد!

ای شصت ساله‌ها!موقع درو رسید!

ای هفتادساله‌ها!صدا شدید پس جواب بدهید!

ای هشتاد ساله‌ها!مرگ سراغتان آمد!درحالی که غافلید!

آن گاه گوید اگر بخاطر بندگان نماز خوان ومردان خاشع وکودکان‌شیرخوار وحیوانات چرنده نبود عذاب برشما ریخته می‌شد!»

«امام صادقِ(ع):من کان کفنه معه فی بیته لم یکتب من الغافلین وکان‌مأجوراً کلما نظر الیه»{میزان الحکمه}

«آمده است که هرگاه رسول خدا(ص)غفلتی از اصحابشان می‌دیدند،باصدای بلند می‌فرمود:مرگ سراغتان آمد.یا با شقاوت می‌روید یا باسعادت!»

«امام صادِق(ع):انسان باید در همه حرکاتش وسکناتش نیت خالص‌داشته باشد که اگر این گونه نباشد،غافل شمرده می شودوخداوندغافلین را اینگونه توصیف کرده است:**انْ هم الاّ کالانعام بل هم اضلّ‌سبیل** ودرجای دیگر فرمود:**اولئک هم الغافلون**

«رسول خدا(ص):خواب بر هفت وجه است:خواب غفلت که خواب‌در مجلس ذکر است،خواب شقاوت که خواب دروقت نماز صبح‌است،خواب عقوبت که خواب در وقت نمازهای پنجگانه است،خواب‌لعنت که خواب بعد از نماز صبح است،خواب راحت که خواب ظهراست،خواب رخصت که خواب بعد از نماز عشاء است وخواب‌حسرت که خواب شب جمعه است.»اثنی عشریه

«امیرالمؤمنین(ع):اهل دنیا علائمی دارند ازجمله:خوردن،خنده،خواب وخشم‌که از جمله علائمی است که اهل دنیا دارند.هنگام‌اطاعت

حق،کسل وهنگام معصیت،شجاع می‌باشند.آرزویشان‌طولانی‌ولی مرگشان نزدیک است!از خودش حساب نمی کشد!کم منفعت‌وپرحرف است.درهنگام نعمت شکر نمی کند ودرهنگام بلا صبرندارد.بدی های دیگران را یاد می کند ولی خوبیهای آنان را فراموش می‌نماید!» {میزان الحکمه}

«امیرالمؤمنین(ع):اوقات خود را سه قسمت کنید:ساعتی برای کاروتلاش،ساعتی برای استراحت وساعتی برای عبادت.» {بحارالانوار}

«امام حسن(ع):ای فرزند آدم!تو از زمانیکه متولد شده‌ای دائماً عمرخود را تلف می‌کنی!پس از آنچه در دست داری،برای سفر آخرت خودتوشه بردار!زیرا که مؤمن،زاد وتوشه بر می‌دارد ولی کافر لذت می‌برد وخوشگذرانی می‌کند.» {میزان الحکمه}

«شخصی از امام مجتبی(ع)پرسید:در چه حالی هستید؟

فرمود:در حالی هستم که خدا در بالای سرم وآتش مقابلم و مرگ بدنبالم‌و حساب روز قیامت،در اطرافم است. ومن در گرو عملم می‌باشم.آنچه‌را دوست دارم،نمی‌یابم وآنچه را بدم می‌اید،نمی‌توانم از خودم دورکنم وامورم بدست دیگری است.اگر بخواهد مرا عذاب می‌کند واگربخواهد،می‌بخشد.پس چه فقیری از من فقیرتر است؟» {منتهی الامال}

«امام سجاد(ع)فرمود:از متکبر فخرکننده متعجبم که دیروز نطفه بود وفردا مرداراست!وعجب از کسیکه در وجود خدا،شک می کند، درحالیکه مخلوقاتِ اورا می بیند!وعجب از کسیکه مرگ را انکار می کند ،درحالیکه مشاهده می کند که روز وشب افرادی می میرند!وعجب‌ازکسیکه زنده شدن مردگان وجهان آخرت را انکارمی کند،درحالیکه‌متولد شدن‌افراد زیادی را می بیند!وعجب از کسیکه خانه ازبین رفتنی -دنیا-را آباد می کند،ولی خانهٔ باقی ماندنی-آخرت- را ترک کرده‌است!» {میزان الحکمه}

7-بررسی غفلت در نثر وشعر

یاغافلا والموت لیس بغافلٍعَنْ ماتشاء فانّک مطلوب

از دوری راه خویشتن کن یادی‌آماده زبهرسفرت کن زادی

در راه طلب چو خفته‌ای ای غافل‌برخیز که از قافله دور افتادی

برخیز چه خفته‌ای رفیقان رفتندغافل چه نشسته‌ای عزیزان رفتند

خندان منشین که جمله یاران عزیزباسوز دل و دیدهٔ گریان رفتند

اجهدولاتکسل ولاتک غافلافندامهٔ البعض لمن یتکاسل

«وقتی شاگردعلامه طباطبایی از ایشان در آخرین لحظات زندگی‌نصیحتی خواستند.فرمودند:مراقبه!مراقبه!مراقبه!»

جهان سر به سر حکمت وعبرت است

چرا بهرهٔ ما همه غفلت است

ابروباد ومه وخورشید وفلک درکارندتا

تونانی به کف آری وبه‌غفلت‌نخوری

«چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی...مرده‌اند.»

اشک حسرت نمک انباشته درچشم امیدبفت غفلت زده در خواب گرانست هنوز

«مروت نباشد همه در تسبیح و من در غفلت خفته»

حذر ای غافلان حامل وارحذر ای جاهلان غفلت کار

اگر شیری اگرمیری اگرمورگذربایدکنی آخرلب گور

دلارحمی بجان خویشتن کن‌که موراانت نهند خوان وکنندسور**«باباطاهر»**

دنیا طلبان زحرص مستند همه‌موسی کش وفرعون پرستند همه

هر عهد که با خدای بستند همه‌از دوستی حرص بشکستند همه**ابوسعید ابوالخیر**

زهر دارد در درون،دنیا چومارگرچه دارد در برون ،نقش ونگار

زهر این مار منقش قاتل است‌می‌گریزد زو هر آن کس عاقل است.

دنیا که دلت زحسرت او زار است‌سرتاسر اوتمام محنتزار است

دنیا که از او دل اسیران ریش است‌پامال غمش،توانگر ودرویش است

نیشش همه جان گزاتر از شربت مرگ‌نوشش چونکو نگه کنی هم نیشش است**شیخ بهائی**

8-نمونه‌ای از غافلین

انسانهایی هستند که سالها با خوش نامی زندگی می‌کنند،مانند اکثرهنرپیشه‌های سینما!تئاتر!ورزشکاران مشهور!پرفسورها ودانشمندان‌کشور!که متأسفانه عدهٔ زیادی از آنها را غفلت گرفته وچنان به دنیا وزِرِوبرِ آن مشغول شده‌اند که توجهی به معنویات وآخرت وعاقبت خودندارند.مثلاًنماز نمی‌خوانند ودرمقابل خدا تکبر می‌نمایندوبا این تکبری‌که در مقابل خدا دارند،از دنیا می‌روند!

جوانانی هستندکه زنجیرهای طلا در گردن آویخته ولباس غربی‌برتن وگاه علامت صلیب برپشت‌پیراهن !ومست غرور جوانی در هنگام‌نماز مخصوصا نماز مغرب در پاساژها وبازارها وخیابانها بدنبال چشم‌چرانی وهرزه‌طلبی ودنبال جنس مخالف رفتن می‌باشند!

طبق بعضی از روایات ابلیس در هنگام نماز مغرب مخصوصا لشکرخود را روانه بازارها می‌کند.وقتی به بازارها وپاساژها سری می‌زنیم‌می‌بینیم که همه بدنبال دنیا ومادیات هستند وهمه فکر وهمتشان دنیاولذتهای زودگذر آن است.

کارخانه دارها وثروتمندانی هستند که همچون قارون در مقابل خداتکبر ورزیده وبه فکر آخرت وعاقبت خود نمی‌باشند.

کارگران وزحمتکشانی هستند که اگرچه درتمام عمر زحمت‌می‌کشند ولی از آخرت خود غافلند!

کارمندانی هستند که همه هدف آنها کار وتلاش است ولی توجهی به‌هدف از خلقتشان وعاقبتشان ندارند!

دیوانهٔ واقعی

«روزی رسول خدا(ص)وقتی دیدند عده‌ای دور شخصی جمع شده‌انداز آنها پرسیدند این کیست؟گفتند دیوانه‌ای است!حضرت فرمود این‌دیوانه نیست بلکه مریض است.دیوانه آن جوانی است که جوانی خودرا در معصیت صرف می‌نماید!پس بخود بیائیم ولذات را در اطاعت‌خدا جستجو کنیم.در حالی که جوانان لندن وپاریس وبرلین وواشنگتن‌بطرف دین اسلام هجوم آورده وهر روز از مسلمان شدن تعداد زیادی ازآنهاخبر می‌رسد،عده‌ای از جوانان ما را غفلت گرفته وبا مسجد ونمازقطع رابطه کرده‌اند.

شخص بی ادب!

نقل شده که وقتی موسی(ع)به مناجات می‌رفت شخص بی حیایی‌در راه به او برخود وگفت به خدا بگو چقدر من گناه می‌کنم وتو عذابم‌نمی‌کنی؟موسی(ع)وقتی نزد خدا رفت حیا کرد پیام اورا برساند.خدافرمود چرا پیغام بنده‌ام را نمی‌دهی؟گفت خدایا!خجالت

می‌کشم‌سخن اورا نقل کنم وخودت آن را می‌دانی.خطاب شد:موسی‌ابرو به اوبگو بالاترین بلاها را به تو دادم.اما توجّه نداری.آیا تو از نماز لذت‌می‌بری؟همین که نماز برایت سنگین است،بالاترین بلاست.

غفلت خلیفه

«وقتی متوکل دستور داد امام هادی(ع) را به مجلس شراب او بیاورندوبه امام ابتدا اصرار برخوردن شراب نمود وچون امتناع امام را دیدتکلیف بر شعر گفتن نمود،امام اشعاری را خواندند که وضع مجلس راعو.ض کرد واشک به چشمان نمس متوکل آمد ودستور داد امام را بااحترام برگردانند.ابیات امام بشرح زیر است:

باتوا علی قلل الاجبال تحرسهمغلب الرجال فلم تنفعهم القلل

واستنزلوا بعد عزٍ من معاقلهمواسکنوا حُفراً یا بئس ما نُزلوا

ناداهم صارخٌ من بعد دفنهماین الاساور والتیجان والحُلل

این الوجوه اللتی کانت منعّمۀمن دونها تضرب الاستار والکُلل

فافصح القبر عنهم حین سائلهمتلک الوجوه علیها الدود تنتقل

قدطال ماأکلوا دهداً و قدشربواواصبحوا الیوم من بعد الاکل قد أُکلوا«ستمگران در قله های برفراز کوه با نگهبانانی نیرومند بسر می‌بردند.ولی با آمدن مرگ این کوه ها سودی برای آنان نداشت.

بعد از عزتی که داشتند باغ مردنشان،به سوراخهایی افتادند چه بدفرودآمدنی بود؟

وقتی آنها را داخل قبر گذاشتند،صدائی آمد که :کجاست آن تخت هاوتاج ها ولباسها؟

کجا هستند آن صورتهایی که غرِ در نعمت بودند.وهمیشه زیر پرده هاوپشه بندها قرار داشتند؟

ناگاه قبر با زبان فصیح از طرف این مرده ها جواب داد:کرمها بر این‌صورتها می غلطند!

یک عمر طولانی خوردند وآشامیدند.حالا خودشان توسط کرمهاخورده می شوند.»

قارون غافل

پسرخالۀ موسی(ع) شخص پولداری بنام قارون بوده است.به‌حضرت موسی(ع)خطاب شد که نزد قارون برو واورا پند واندرز داده‌وبگو حقِ الهی ثروت ومالت را بده. قارون‌مردی بسیارثروتمندبود.حضرت موسی(ع) به قارون دستور خدا را رساند.قارون گفت چقدرباید بدهم؟حضرت موسی(ع) گفت چهل به یک.قارون‌گفت به خدابگو که گنجهای من آنقدر زیاد است که کسی نمی‌تواند حساب آنها رابکند.کمی بمن

تخفیف بدهد.وقتی حضرت موسی(ع)به کوه طور رفت‌عرض کرد خدایا کمی به قارون‌تخفیف بده!خطاب شد:هزار به یک‌بدهد.حضرت موسی(ع)پیام الهی را به قارون‌رساند.قارون گفت کمی‌بمن مهلت بده. حضرت موسی(ع)به قارون مهلت داد.وقتی قارون به‌منزل رفت،شیطان بصورت پیری نزد او آمد وگفت چرا مالت رابدهی؟مگر غصب کرده‌ای؟خلاصه شیطان وادارش کرد تا برای فرار اززکات،نسبت زنا به حضرت موسی(ع)بدهد. قارون هم زن فاسدی راخواست ویک کیسه طلا به او داد وگفت فردا در حضور جمع ادعا کن‌حضرت موسی(ع)با من عمل نامشروع نموده است.روز بعد قارون و زن‌کذائی با عده‌ای در مجلس حضرت موسی(ع)حاضرشدند.حضرت‌موسی(ع) سر منبر بود که زن گفت ای موسی!تو با من زناکرده‌ای!حضرت موسی(ع) تورات را حاضر کرد وفرمود ای زن!تورا به‌این تورات قسم!آیا من با تو زنا کرده‌ام؟زن گفت خیر بلکه قارون کیسه‌ای‌طلا بمن داده تا این نسبت را بتو بدهم.حضرت موسی(ع) در حق قارون‌نفرین کرد ناگاه قارون با همهٔ ثروتش به زمین فرو رفت!

نابودی ثواب

«ملا علی کازرونی شبی درخواب دید که قصری با عظمت در باغی

قرار دارد.از صاحب قصر سؤال کرد.گفتند:مال فلان نجّار شیرازی‌است.ناگاه صاعقه ای آمد وقصر را تبدیل به خاکستر کرد.

روز بعد ملا علی کازرونی سراغ نجار رفت وگفت:دیشب چه‌کارکردی؟گفت:هیچ!ملاّ اورا قسم داد.نجار گفت:شب قبل با مادرم دعواکردم وکار به زدن وکتک کاری کشید.»«داستانهای شگفت»

توفیق اجباری در نیکی به والدین

«عبید زاکانی از شعرای ایران،چهار پسر داشت که به او که وضع‌نابسامان مالی داشت،کمک نمی کردند.روزی عبیدتصمیمی گرفت‌وپسرانش‌را جداگانه خواست وبه هرکدام گفت:من خمره طلائی پنهان‌کرده ام که در نظر دارم بعد از مرگم بتو برسد!پسرها باشنیدن این‌سخن،رفتارشان با پدر عوض شد وهمه روزه برای او آذوقه می آوردند.

عبید تا آخر عمر زندگی خوشی داشت.امّا وقتی بعد از مردن عبید به‌محل خمره رفتند،دیدند که فقط کاغذی در خمره است که بر روی آن‌نوشته شده است:

خدا داند ومن دانم وتو دانی‌که فلوس هیچ ندارد عبید زاکانی!کتاب«ارزش پدر ومادر»

منابع

نهج البلاغۀ

العدد القویه علامه حلی

اعلام الدین فی صفات المؤمنین‌دیلمی

محاسبۀ النفس‌شیخ کفعمی

اصول الدین‌محمد سبزواری

وسائل شیخ حرّ عاملی

مستدرک‌علامه نوری

بحارعلامه مجلسی

جامع السعادات‌مهدی نراقی

معجم المحاسن والمساوی‌ابوطالب تبریزی

الغدیرعلامه امینی

حسودم چه کنم؟

زنی 24ساله هستم که به تازگی نامزد کرده‌ام.از مشکلی رنج می‌برم که‌جانم را می‌سوزاند وبه تمام وجودم چنگ می‌اندازد.خودم بهتر از هرکسی می‌دانم که هیچ کس در ایجاد این مشکل دخیل نیست.
شاید باور نکنید،اما در زندگی همه چیز دارم.شغل‌مناسب،تحصیلات،رفاه نسبی و همسری خوب،اما نسبت به دیگران‌همیشه حس حسادت دارم.نشانه‌های حسد ورزی به قدری درمن‌شدید وبارز است که خیلی روی رفتار وحرکاتم اثر می‌گذارد وسریعاواکنش نشان می‌دهم،به طوری که همه اطرافیانم متوجه تغییر حالت‌چهره‌ام می‌شوند.کوچک‌ترین پیشرفت در زندگی دیگران،آزارم‌می‌دهد.ارزو می‌کنم که همه به لحاظ تحصیلی،شغلی و مالی ازمن‌پایین‌تر باشند و هزاران آرزوی بیمارگونه دیگر.
اکنون به قدری از این حس بیمارگونه،درمانده شده‌ام که نمی‌توانم به‌زندگی عادی ام ادامه دهم.به شدت عصبی و خودخور شده‌ام ودائماضطراب دارم که نکند از دیگران عقب بمانم.لطفا کمک کنید.

«میترا- س»-از اهواز

حسادت آفتی است که اگر به کسی برسد او را از درون سوزانده وسپس نابود می‌کند و حسود به کسی گویند که از پیشرفت و ترقّی‌دیگران احساس ناراحتی نموده و آرزو می‌کند که دیگران پیشرفت‌نداشته و اگر خداوند به کسی نعمتی عنایت کرده آن نعمت از آن فردگرفته شود!
قرآن می‌فرماید:

ام یحسدون الناس علی' م آتیهُم الله مِن فضله.

آیا به آنچه خدا از فضلش به مردم داده حسادت‌می ورزند؟

سپس خداوند این افراد را مورد لعن قرار داده است:

اولئک الذین لعنهم الله

آنانند«حسودان»که خداوند آنها را لعن نموده است.

در سخنان بزرگان دین هم از حسادت بشدت مذمت شده است:

امیرالمؤمنین(ع):«حسد جسم را ازبین می رود.»

امام حسن مجتبی(ع):حسد پیش درآمد فساد است چنانکه قابیل را به کشتن هابیل وادار کرد.»

تو نیکی می‌کن ودر دجله اندازکه ایزد در بیابانت دهد باز

یک داستان

شخصی بود که بیت فوِ ق را مرتب می‌گفت وبخاطر مطالب شیرینی‌که بیان می‌کرد همیشه نزد خلیفه می‌رفت وبرای او صحبت‌می‌نمود.وزیر حسادت کرد وتصمیم گرفت تا او را از سر راه‌بردارد.روزی او را به خانه‌اش دعوت کرد وغذائی را که در آن سیر زیادی‌بکار رفته بود به او خوراند.سپس قبل از اینکه مرد نزد خلیفه رود،وزیرنزد خلیفه رفت وگفت:این شخصیکه نزد شما تردد می‌کند شایعه کرده‌که دهان خلیفه بوی بدامی‌دهد.بعد از اینکه مرد نزد خلیفه واردشد،بخاطر اینکه بوی سیر خلیفه را ناراحت نکند مرتب جلو دهان خودرا می‌گرفت.خلیفه گمان کرد حرف وزیر درست است.لذا در کاغذی‌نوشت که آورنده این کاغذ را گردن بزنید!وکاغذ را به مرد داد وگفت این‌پاداش است!نزد فلان برویدوبگیرید!وزیر که دم درب منتظر عاقبت این‌مرد بود دید که با کاغذی در سینی بیرون آمد.خیال کرد که خلیفه درکاغذ دستور پاداش به مرد را داده است لذا آن کاغذ را نخواند از عرب‌خرید وخودش کاغذ را به فردی که خلیفه امر کرده بود داد وسر وزیربریده شد!وبرای خلیفه فرستاده شد.

درباره آیه زیر آمده است:

ومن شرّ حاسدٍ اذا حسد.واز شرّ هرموجودی زمانیکه حسادت‌می‌ورزد.بدترین آفت دل حسادت است.که سبب خیلی ازکارهاست.طوری که ائمه(ع)می‌فرمایند همانطور که آتش چوب رامی‌خورد،حسادت ایمان را می‌خورد.

علامه اربلی »ره»در کشف الغمه از رسولخدا(ص)روایت می‌کند که‌وقتی به آسمان رفتم‌وخواستم بهشت ودوزخ را ببینم،جبرئیل مرابسوی بهشت برد وهشت در بهشت را دیدم که بر هریک چهار کلمه‌نوشته شده بود که هرکلمه‌ای از دنیا وآنچه در دنیاهست،بهتراست.بشرط عمل.1-بردرب اول نوشته بود:لااله محمدرسول الله وعلی ولی الله.لکلّ شیء حیلۀ وحیلۀ العیش اربع‌خصال. القناعۀوبذل الحق وترک الحسد ومجالسۀ اهل‌الخیر.خدایی جز خدای یگانه نیست ومحمد رسول خدا وعلی ولی‌خداست.برای هر چیزی راهی است وراه زندگی چهارچیزاست.قناعت.سخن حق.ترک حسادت وهم نشینی با خوبان.

از بسیاری از روایات بدست می‌آید که بدترین چیز برای علماءدوچیز است:یکی حسادت است .ویکی غرور.

آمده است که روزی عیسی بن مریم(ع)،شیطان را دید که باری برشتر حمل می‌کند.پرسید این چیست؟گفت حسادت است که برای‌علماء می‌برم.

روایت شده که بر در بهشت،درختی است که شاخه های آن برصدهزار نفر سایه می اندازد.در سمت راست درخت،چشمه ای پاک‌کننده وجود دارد که اهل بهشت وقتی از آن می نوشند،دلشان از حسدوپوستشان از مو پاک می شود.همانطور که خدادر آیه21سوره انسان می‌فرماید:«وسَقاهُم ربُّهم شراباً طَهوراً.یعنی:خدا به آنان شرابی پاک‌کننده می نوشاند.»سپس در چشمه ای که در چپ درخت است غسل‌می کنند وبا غسل در آن مرگ آنها از بین می رود.

روزی رسول خدا(ص) فرمود که :توجه داشته باشید که براستی‌بسوی شما درد ومرضی که امّتهای گذشته را فراگرفته بود،بسوی شماروی آورده وآن حسد است.موی بدن را نمی‌زداید ولی زدایندۀ ونابودکننده دین است.انسان در صورتی از بلای حسد در امان است که‌دست وزبان خود را نگه دارد و طعنه بر برادر خود نزند و سخن چینی‌در باره‌اش نکند

امام صادِ(ع)خطاب به فرزند نعمان اصول:دشمن‌تر از همۀ شمانزد من،بزرگ منش هایی هستند که سخن چین و نسبت به برادرانشان‌حسد ورزند.نه آنان از منند و نه من از آنهایم.سپس فرمود:به خدا قسم‌هرگاه یکی از شما به اندازه روی زمین طلا در راه خدا بدهد بعد از آنکه‌نسبت به مؤمنی حسد ببرد بوسیلۀ همان طلاها پوست بدنش را درجهنم می‌سوزانند.

توانم آنکه نیازارم اندرون کس‌مسود را چه کنم کو ز خود برنج درست

بمیر تا برهی ای حسود کاین رنجیست‌که از مشقت آن جز بمرگ نتوان رست

مهمترین خصوصی حسادت آن است که در میان همهٔ طبقات‌بوده وهر شخص با هر شغلی که است می‌تواند دارای این صفت رذیله‌باشد!گاه بین دوکارمند اداره وگاه بین دونفر نظامی وگاه بین دونفرهمسایه ودورانده تاکسی ومتی دونفر گدا حسادت پیدا می‌شود.

رسول خدا(ص):خدای عز وجل به موسی بن عمران علیه السلام‌فرمود ای پسر عمران!بر آنچه از فضل خود بمردم داده‌ام حسد مبر وچشمت را دنبال آن دراز مکن ودلت را پی آن مبر!زیرا حسود از نعمت‌من ناراحت است واز تقسیمی که میان بندگانم کرده‌ام جلوگیری‌می‌کند!و کسیکه چنین باشد من از او نیستم و او از من نیست.

حسد رنمیست سوزنده کزو آتش بجان افتدچه جایی جان که از حسّاد آتش در جهان افتد

مرنجان ای عزیز من ز سودای حسودان دل‌که تو سودی بدست آری و ایشانرا زیان افتد

درمان حسادت

از نظر عقل وشرع حسادت مرض رومی است که باید کنترل شود.وشخص حسود بجای حسادت به غبطه و رقابت روی بیاورد.اگر دیگری‌در یک فضیلتی از او بالاتر است،او هم سعی کند با تلاش وزحمت خودرا به او برساند ومتی از او بالاتر رود.اگر یک مغازه دار درآمدش از مغازه‌دار دیگر بیشتر است،دیگری بجای حسادت وخراب گردن او،بفکرروش‌های بهتر وجدیدتر سالمی برای کسب درآمد بالاتربیافتد.همچنین اگر در کلاسی دانش آموزی زرنگ ودیگری تنبل‌است!تنبل بجای حسادت وتحقیر زرنگ،بفکر اصلاح خود ورقابت بازرنگ بیافتد.وهمچنین دیگر افرادی که به یک نوعی نسبت به هم‌حسادت دارند.همانطور که امام حسین(ع)فرمود ما نسبت به برنج وآب‌فرات مردم عرا غبطه می‌خوریم.یعنی ای کاش ما هم از این نعمت‌مردم عرا بهره‌مند بودیم.نه اینکه خدا کند این نعمت مردم عرااز‌شان گرفته شود ودیگر این نعمت را نداشته باشند!

تکبر اولین پلّه سقوط

تکبر به معنای خود را بزرگ وبرتر دیدن ودیگران را از خود پائین‌تردیدن است.واین صفتی است که باعث شد ابلیس با هزاران سال‌عبادت از زمرهٔ فرشتگان الهی رانده شده وتا روز قیامت ملعون خداوملعون خلق خدا قرار گیرد.

قرآن می‌فرماید:

اِنَّ الله لایُحِبُّ مَن کان مختالاً فخوراً

خداوند متکبر فخرفروش را دوست ندارد.

و رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

کسیکه ذره‌ای کبر در دل او باشد،داخل بهشت نمی‌شود.

!

رسول خدا(ص):رز قیامت،خدا با سه دسته سخن نمی گویدو

به آنان نظر-لطف-نمی کند واعمال آنان را تزکیه نمی نمایدوبرای آنان

عذابی دردناک است:پیرزناکار،پادشاه ستمکار،آدم خودرأی ومتکبر!

حدیث قدسی:درقیامت نزدیک ترین افرادبه من اهل تواضع‌ودورترین افراد بمن متکبرین هستند.«بحار،ج14»

رسول خدا(ص):«خداوند متعال به من وحی کرد که تواضع کنید تااحدی بر دیگری فخر نفروشد و احدی به دیگری تجاوز ننماید.»

رسول خدا(ص):«هرگاه متواضعین امّت مرا دیدید،شما هم تواضع‌کنید.و اگر متکبرین را دیدید،شما هم تکبر کنید که تکبر شما باعث‌خواری وذلّت آنها می‌گردد.»

امیرالمؤمنین(ع):«بدترین آفت عقل،کبراست.»

«تواضع وفروتنی پیامبر به حدّی بود که پس از پیروزی در جنگ خیبر،برالاغی که لجام وجُل آن از لیف خرما بود سوار شده بود وبه کودکان‌وزنان سلام می‌نمود.

روزی شخصی با آن حضرت سخن می‌گفت ودرحال صحبت‌می‌لرزید.پیامبرفرمود:چرا از من می‌ترسی؟منکه پادشاه نیستم.»

«روزی پیامبر بطرف مسجد می‌رفت.در راه به کودکانی رسید که بازی‌می‌کردند.همینکه چشم کودکان به حضرت افتاد،چون دیده بودند که‌حسنین(ع)پر پشت پیامبر سوار شده وحضرت به آنها سواری می‌داد،آنها هم به پیامبر گفتند:کُنْ جملی! شترماباش!پیامبر هم با ملاطفت،تمام‌بچه‌ها را بنوبت بر پشت مبارکش سوار می‌نمود.

مردم که در مسجد منتظر پیامبر بودند ،چون دیدند حضرت نیامد،بلال‌را بدنبال پیامبر فرستادند.وقتی بلال در کوچه با صحنه حلقه زدن‌کودکان بدور پیامبر وتقاضای سواری از حضرت،مواجه شد،خواست‌کودکان را از حضرت دور کند امّاحضرت فرمود:این کار را نکن!بلکه به‌خانه ما برو ومقداری گردو بیاور!بلال‌از خانه حضرت مقداری گردو آوردوبه پیامبر داد.حضرت به کودکان فرمود:آیا حاضرید شترتان را به این‌گردوها بفروشید؟کودکان با خوشحالی قبول کردند وگردوهارا گرفته‌وپیامبر را رها نمودند.رسولخدا(ص)فرمود:خدا رحمت کند برادرم‌یوسف را که اورا به پول اندکی فروختند همینطور که این کودکان مرا به‌چند دانه گردو فروختند!»

سوءظن خانه تاریک افکار

انسان در روابط خانوادگی واجتماعی باید دارای حُسن ظن باشد.

حُسن ظن به پیشرفت کارها وایجاد محبت بین خانواده وجامعه کمک‌می کند.

ولی سوء ظن باعث از بین رفتن روابط سالم اجتماعی می شود.

معنای سوءظن آن است که کارها واعمال دیگران را برعلیه خود حمل‌کنیم.ویا دیگران را بدون علم ویقین، متهم نمائیم.

«ای مؤمنین!از بسیاری از گمانها دوری کنید که بعضی از گمانها گناه‌است»حجرات

«پیامبر(ص):خدا سوء ظن به مؤمن را حرام کرده است»

هرچه دائرۀ سوء ظن وسیعترباشد گناه وفسادش بیشتر است.سوء ظن‌در مسائل سیاسی باعث خرابی کشور ومملکتی می شود.

سوءظن در مسائل کاری وشغلی مشکلات زیادی ایجاد می کند.

سوء ظن در مسائل خانوادگی به اختلافات خانوادگی منجر می شود.

وخلاصه سوءظن در موارد مختلف باعث ضرر وزیانهایی می شود.

«نقل شده که:شخصی سگ باوفائی داشت..روزی کودک در گهواره اش‌را باسگ تنها گذاشت واز خانه اش خارج شد.وقتی به منزل‌برگشت،سگ درحالیکه پوزه‌اش خونی بود،باستقبال صاحبش آمد.مردخیال کرد که سگ به کودک او آسیبی وارد کرده است.لذا شمشیرش راکشید وسگ را کشت.امّا وقتی وارد منزل شد ،کودک را سالم دیدودرکنار گهواره ماری مرده ای را مشاهده کرد وفهمید که

مار قصد آسیب‌رساندن به کودک را داشته ولی سگ مانع شده وبا او زد وخورد نموده‌است.

مرد آنچنان پشیمان شد که تا سه روز بربالین سگ مرده اشک می ریخت‌واظهار پشیمانی می کرد.»

سوء ظن دشمنان خیالی انسان را زیاد می کند .افراد دارای سؤء ظن‌دارای اضطراب بوده وکمتر در آرامش می باشند.

مثلاً زنانیکه به شوهران خود سؤء ظن دارند اکثر اوقات فکرشان نا آرام‌بوده لذا دچار بیماریهای روانی می شوند.همچنین مردانی که بدون‌جهت نسبت به همسرشان سوء ظن دارند ،دچار ناراحتی اعصاب می‌شوند وآرامش خودرا از دست می دهند.

«امام صادِ(ع):کسیکه بخاطر مشکلات مالی ازدواج نمی کند،به خداسوء ظن دارد.زیرا خداوند وعده داده است که رزِ بندگانم را می‌دهم.»**درمان سوءظن**

بهترین درمان ،عمل کردن کارهای دیگران برخوبی است.تا انسان یقین‌به بدبودن حرکتی نکرده آنرا برخوبی وخیر حمل نماید.

همچنین فاصله گرفتن از افراد دارای سوءظن نیز به مداوای این دردکمک می کند.

سوءظن درآئینهٔ روایات

«علی(ع):بین حق وباطل چهارانگشت فاصله است.پس آنچه را باگوش‌شنیدی چنانچه باچشم هم دیدی راست وحق است.»

«اعمال برادرت را تا دلیلی برخلافش نیافتی،بر نیکوترین وجه حمل‌نما.وتا زمانیکه می‌توانی سخن مؤمن را بر خوب حمل کنی،هرگز نسبت‌به سخن مؤمن گمان بد مبر.»تفسیرنمونه

«امام صادِ(ع):اصل حُسن ظن از حُسن ایمان وسالم بودن دل است که‌هرکه را می‌بیند پاک وخوب می‌پندارد واحتمال حیاء وامانت وصیانت‌وراستی به او می‌دهد.»

«پیامبر(ص):به برادرانتان گمان خوب داشته باشید تا دچار صفای دل‌وپاکی طبع گردید»

یک نکته:

سوء ظن در مأمورین اطلاعات ودر مورد روابط خارجی باکشورهای‌دیگر ودر مسائل نظامی باید باشد ونه تنها اشکال ندارد بلکه لازم‌واجب وضروری است.آن که اشکال دارد سوء ظن در داخل جامعه‌کوچک یا بزرگ مسلمانان است که به وحدت،صمیمیت وپیشرفت‌و...ضررها وارد می‌کند.

تقلید کورکورانه

«لقدکان لکم فی رسول الله اسوۀ حسنۀلمن کان یرجواالله والیوم الاخر وذکر الله کثیرا»21احزاب

«در تفسیر نمونه است:ترجمه:برای شما در زندگی رسول‌خدا،سرمشق نمونه است.برای آنها که امید به رحمت خدا درروز رستاخیز دارند وخدا را بسیار یاد کنید.»

این آیه بیان می‌کند که پیامبر بهترین الگو برای شما در تمام زندگی‌است.روحیات عالی پیامبر،استقامت و شکیبائی او،هوشیاری ودرایت‌و اخلاص وتوجه به خداوتسلط او بر حوادث وزانو نزدن دربرابرسختیها ومشکلات هرکدام می‌تواند الگو وسرمشقی برای مسلمین‌باشد...وقرآن این اسوه حسنه را مخصوص کسانی میداند که دارای سه‌ویژگی هستند:امید به الله وامید به روزقیامت دارند وخدارا بسیار یادمی‌کنند.در حقیقت ایمان به مبدأ ومعاد انگیزه این حرکت است.»تفسیرنمونه ذیل آیه 21احزاب

تقلید در لغت

«تقلید کلمه‌ای عربی است که از قلاده گرفته شده است زیرا شخصی‌که از کسی یا چیزی تقلید می‌کند،گویا خود را در اختیار آن شخص یا آن‌چیز قرار داده است.ودر اصطلاح فقهی تقلید یعنی گردن گرفتن قول‌مجتهد بدون مطالبه دلیل.»تفسیر اطیب البیان

انواع تقلید

تقلید را به چهار قسم تقسیم کرده‌اند:تقلید جاهل از عالم،تقلیدجاهل از جاهل،تقلید عالم از جاهل وتقلید عالم از عالم.

که قسم دوم وسوم از نظر عقل وشرع مردود می‌باشد.ودر قسم چهارم‌سودی نیست.ولغو وبیهوده است.

وتقلید نوع اول هم در اصول اعتقادات پذیرفته نیست بلکه باید درعقاید خود تحقیق وبررسی کرد وبه آگاهی دست پیدا کرد.فقط تقلید دراحکام شرعی،که تقلید اهل از مجتهد باشد واجب است.وهمچنین‌تقلید از معصوم(ع)در افعال وعقیده واخلاِ وصفات حمیده که به ان‌سیرۀ می‌گویند لازم می‌باشد.

حسّ تقلید یکی از تمایلات طبیعی است که درتمام افراد بشر درسنین مختلف وجود دارد و درنسل جوان شدیدتر است.

آدمی میتواند بوسیلۀ تقلید، از تجربیات علمی و عملی دیگران استفاده‌کند و راهی را که گذشتگان پیموده و به نتیجه رسیده‌اند را بپیماید و به‌اهداف خود با زحمت کمتر و سرعت بیشتر دست پیدا نماید.

نوجوانان برای ساختن شخصیت خویش و برگزیدن صفات لازم، ازدیگران تقلید می‌کنند و روش آنان را برنامۀ کار خود قرار می‌دهند.باتوجه به اینکه تمایل خودنمائی و تشخصّ طلبی در نوجوانان شدیداست، کوشش می‌کنند تا جائی که میسّر است از اشخاص مشهور وممتاز پیروی نمایند و صفات آنان را الگوی شخصیت سازی خود قراردهند، به این امید که هر چه زودتر و بیشتر شهرت و افتخاری کسب‌نمایند و مورد توجه عموم قرار گیرند.

گاهی دراین خصوص از قهرمانان ورزشی تقلید می‌کنند. گاه از ستارگان‌سینما تقلید می‌کنند و کارهای ساختگی و غیر واقعی آنان را برنامۀزندگی خود قرار می‌دهند. مانند آنان راه می‌روند، حرف می‌زنند، لباس‌می‌پوشند، نگاه می‌کنند، می‌خندند، معاشقه می‌کنند و صورت و موی‌خود را می‌آرایند و خلاصه بجای اینکه شخصیت خویش را براساس‌سجایای اخلاقی و صفات انسانی پی‌ریزی کنند و خود را انسان لایقی‌بسازند، از این ستاره ها و الگوها تقلید کرده و رفتار آنان را برنامۀ کار خودقرار می‌دهند و به این واسطه بزرگترین ضربه را به شخصیت معنوی‌خود می‌زنند.

اینجاست که خطراتی جوانان را تهدید می‌کند و چه بسا تقلیدهای نابجاباعث شده که از مسیر پاکی و فضیلت منحرف گشته و برای ارضاء حسّ‌برتری جوئی، مرتکب گناهان بزرگ شده‌اند و برای همیشه موجبات‌تیره‌روزی و بدبختی خود را فراهم آورده‌اند.

اثر تقلید غلط

«مادری در لبنان به دادگاه مراجعه و از پسرش شکایت کرد. و اظهار نمودکه پسر دوازده سالۀ او مرتب از مدرسه فرار می‌کند و بی‌حساب پول‌خرج می‌نماید و او نمی داند این پولها از کجا آمده است. پس ازتحقیقاتی که از «عدنان» شد، او اعتراف نمود که ابتدا فنّ سرقت را ازمشاهدۀ فیلمها یاد گرفته و تاکنون مرتکب 27 فقره سرقت شده است.ازجمله هفت دستگاه دوچرخه را دزدیده و فروخته است.»

«در زمان حکومت طاغوت عده‌ای نوجوان که برخی دانش‌آموز بودند وباند سرقت اتومبیل را اداره می‌کردند، دستگیرشدند. سنّ این گروه بین16 تا 20 سال بود. بیشتر آنان در بازجوئی در مورد انگیزه این کارمی‌گفتند: ما خودمان هم نمی‌دانیم چرا به اینکار دست زدیم امّا هرچه‌بود از سرقت ماشین

مخصوصاًکارهای قهرمانی این سرقتها لذت‌می‌بردیم».

خلق را تقلیدشان بر باد داد!

آثار اجتماعی تقلید نادرست

تقلیدنادرست است که باعث بسیاری از کارهای خلاف می‌شود ومخصوصاً در مورد نوجوانان و جوانان. در همین کشور خودمان تقلید ازفیلمها و هنرپیشه‌ها چه آثار زیانباری که به بار نیاورده است!

اگر عده‌ای از نوجوانان ما سیگار می‌کشند، نتیجهٔ تقلید ناصحیح است.اگر گروهی به مشروبات الکلی روی می‌آورند باز هم نتیجهٔتقلید است.

اگر عده‌ای از دختران از حجاب و عفت زنانه گریزان هستند این هم‌نتیجهٔ تقلید است. و اگر اعتیاد و روابط نامشروع و استفاده از انواع‌لباسهای باصطلاح رَپی در بین بعضی از جوانان ما وجود دارد، این هم‌به تقلیدنادرست برمی‌گردد.

دامنهٔ تقلید بسیاری از مسائل زندگی مارا دربر می گیرد که گاهی آن‌مسئله سرنوشت ساز است مثل تقلید درمسائل مذهبی.

متأسفانه انسانهای زیادی از ادیان مذاهب باطل شده هستند که بخاطرتقلید از پدران واجداد خود،برهمان مذهب غیر حق باقی مانده‌اند.درحالیکه اگر دربارهٔ درستی ونادرستی دین اجداد خود بررسی‌وتفکر می کردند ،می توانستند به راه حق دست پیدا کنند.

دین تو به تقلید پذیرفته ای‌دین به تقلید بود سرسری

آنک او از پردهٔ تقلید جست‌او به نور حق ببیند آنچ هست

تقلید از خوبان

اکثر کارهای انسانها برمبنای تقلید انجام می‌گیرد.چه تقلید صحیح‌وچه از روی تقلید نادرست.تقلید نقش تعیین کننده‌ای در صلاح وفسادانسانها دارد.آنهائیکه با کمک عقل وتوفیقات الهی درمسیری قرارگرفته‌اند که روش زندگی شان برمبنای انجام دادن کارهای صحیح‌است،وتبعیت از پیامبران واولیاء خداست،ویا از بزرگان دین همچوعلمای ربانی تبعیت می کنند،معمولا به سعادت می‌رسند.وامّا آنهائیکه‌بدون تفکر وتعقل از منحرفین وبدعتگزاران وومغضوبین الهی تقلیدمی‌نمایند ،عاقبت خوبی ندارند.

یکی از مسائل حساس درکشور ما بی توجی به علم ودانش‌وتوجه زیاد به جلوه‌های مادی زندگی است.دربسیاری ازخانه‌ها یک‌کتاب غیردرسی پیدا

نمی‌شود واز مطالعه پدر ومادر وفرزندان واز توجه‌به کتاب وبالابردن دانش ،خبری نیست ولی در عوض دستگاه‌های‌صوتی مثل ضبط **چندصدهزارتومانی**،ویدئو سی دی آنچنانی،گاه‌ماهواره وخلاصه چیزهائیکه معمولا جزسرگرمی که گاهی همراه بافساد است،فایده‌ای برای خانواده‌ها ندارد.واین هم براساس تقلیدنادرست می‌باشد.

همچنین تقلید از سنتهای نادرست باعث مشکلات عظیمی برای‌زندگی ما ایرانی‌ها شده است.تقلید از سنتهای غلط ازدواج باعث ایجادمعضل بالارفتن سن ازدواج در جوانان و پایین آمدن آمار ازدواج درکشور ما و آثار روانی این معضل شده است.

تقلید از سنتهای غلط در مراسم بزرگداشت اموات باعث تحمیل‌مخارج سنگین بر وابستگان مرده واسراف وتبذیرها در این مراسمات‌شده است.

اسلامی که بما دستور می‌دهد مراسم ازدواج را آسان بگیریم.درمراسم‌سوگواری مرده ،صاحبان عزا باید عزاداری کنند وموقع ظهر وشام،ازطرف دیگر فامیلها یا همسایه برایشان غذا بیاورند،وبیش از سه روزعزاداری ننمایند و...

تقلید نادرست در مهمانی‌ها باعث چشم وهم چشمی‌ها وتحریف شدن‌مهمانی اسلامی ومهمانی صحیح شده است که این مهمانی هاگاه نه تنهابه نزدیک شدن دلها کمک می‌کند بلکه به ایجاد اختلاف وکینه منجرمی‌گردد.

تقلید صحیح آنست که از کارهای خوب دیگران درس بگیریم و کارهای‌بد دیگران را بخودشان واگذار نمائیم.

دربارهٔ تقلید باید پنج ن‌کته مورد توجه قرارگیرد:

اول آنکه از افراد منحرف و گناهکار تقلید نشود، زیرا گناهکاران دیر وزود دچار شکست و بی‌آبروئی می‌شوند.

دوم آنکه بدانند که ساختمان طبیعی و استعدادهای افراد با هم تفاوت‌دارد. خدا انسانها را مختلف آفریده و هر انسانی برای انجام کار مناسب‌با ساختمان خود آمادگی بیشتری دارد.

سوم اینکه ازبهترین الگوهارا که انسانهای برگزیده هستند تقلید کنیم‌واز انسانهائی که دارای صفات بدهستند،تقلید ننمائیم.

چهارم اینکه در هر تقلیدی ،خوب فکر کنیم وچنانچه با عقل سلیم‌موافق بود آنرا انجام دهیم.

پنجم اینکه در مسائل شرعی یا باید خودمان مجتهد ومتخصص‌باشیم که این نیاز به حداقل بیست سال درس حوزوی دارد ویا باید ازمجتهدی که بنظر ما

از همه اعلم است،تقلید نمائیم.همانطور که درمسائل پزشکی از دستورات پزشک تبعیت می کنیم ویا در مسائل‌ساختمانی از معمار ومهندس تبعیت می نمائیم.

.....

جایگاه علماء
در درمان گرفتاریهای اجتماع

فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون‌از عالمان بپرسیداگرنمی‌دانید.

«امام عصر(عج):وامّا الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی'رُواة حدیثنا فانَّهم حجّتی علیکم وانَا حجة الله علیهم»

«در حوادثی که برای شما پیش می‌آید، به راویان احادیث‌ما(فقها)رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند ومن حجت خدا برآنان می‌باشم.»

یکی از راههای موفقیت جوامع اسلامی‌در عصر غیبت کبری،ارتباط‌مردم با فقهاء وعلماء می‌باشد.مردم باید در حوادث مهمی که برایشان‌پیش می‌آید به فقیهان وعالمان مراجعه نمایند وبا آنان مشورت‌کنند.دراین صورت است که اکثر کارهایشان با موفقیت روبرومی‌شود.در زمان امامان(ع)،شیعیان در امورات خود به ائمه(ع) مراجعه‌می‌کردند.حتی بعضی هااگر برای دخترشان خواستگار می‌آمد از امام درمورد جواب مثبت یا منفی دادن به خواستگار نظر می‌خواستند:

«حسین بشّار می‌گوید:به امام باقر(ع)نوشتم که مردی دختری‌از فامیلم را خواستگاری کرده است.آیا شما صلاح می‌دانید،قبول کنیم؟

حضرت نوشت:اگر از دین وامانت داری او راضی هستید،قبول‌کنید.»

«روایت شده که رسولخدا(ص)واسطهٔ ازدواج زن ومردی‌شد.بعد از مدتی زن نزد حضرت آمد واز شوهرش شکایت‌کرد.حضرت فرمود:نکند که می‌خواهی طلاِ بگیری؟آنوقت‌نزد خداوند، از الاغ مرده،پست‌تر می‌شوی!»

«شخصی به امام صادِق(ع)گفت:من دوست دارم بازنی ازدواج‌کنم.ولی پدرم مایل است،بازنی دیگر ازدواج کنم.حضرت‌فرمود:با آنکه خود دوست می‌داری ازدواج نما و آنکه پدرت

می‌خواهد را رها نما!»

همانطور که در روایات فوِق می‌خوانید برای امر ازدواج وطلاِودیگر کارها به بزرگان دین مراجعه می‌کردند.در زمان غیبت کبری این‌وظیفه پاسخگوئی به نیازهای مشاوره‌ای مردم،به فقیهان وعالمان‌وروحانیت سپرده شده است.آن افرادی که با روحانیت ارتباط دارندوباآنها مشورت می‌کنند معمولا ضرر نمی‌کنند وموفق‌تر از افرادی‌هستند که گاه یک عمر برآنها گذشته است وبا یک عالم وروحانی ارتباط‌نداشته‌اند.

پس ای کسانی که می‌خواهید در مسائلی که در زندگی پیش‌می‌آید،تصمیم درست را بگیرید،با عالمان ارتباط داشته باشید وبه‌مساجد رفت وآمد نمائید.والاّ در حوادثی که پیش می‌آید بدلیل عدم‌تصمیم‌گیری مناسب،ضررهای زیادی متوجه شما می‌شود.

گاهی افراد بجای اینکه به عالمان وفقیهان مراجعه کنند ،به افرادی‌که شایستگی مشورت وحل مشکل را ندارند مراجعه می‌کنند وگاه

دچارضررهای عظیمی می‌شوند.مثلا به دعا نویس‌ها!جن‌گیرها!فالگیرها!افراد جاهل ونادان وترسو وبخیل وخسیس و...مراجعه‌می‌کنند.به واقعه زیر توجه کنید:کشاورزی در استان کرمانشاه درحال آبیاری قورباغه‌ای را با بیل می‌کُشد!وقتی به خانه برمی‌گردد سردردی را احساس می‌کند وکم کم این سردردتبدیل به بحران روحی وهذیان گفتن می‌شود.اورا به پزشک‌نشان می‌دهند وبعد از معاینه وعکسهای مختلف از اومی‌گویند مشکلی ندارد.امّا با توجه به بحران روحی او،وی رابه نزد جن‌گیری می‌برند.جن گیر بعد از ساعتی می‌گوید:زنی بابچه‌ای دربغل اینجا ایستاده است که بچه در بغلش زخمی‌است.اگر این کودک خوب شود،این آقاهم خوب می‌شود!واگراین کودک بمیرد،این مرد هم می‌میرد.در هرحال به خانه‌مراجعه کرده وبعد از یک هفته مرد از دنیا می‌رود.

اگر مسئله فوِ را ریشه یابی کنیم به احتمال زیاد با تلقینات غلط‌اطرافیان این مرحوم،او خیال کرده است که جن ویا یک موجود عاقلی راکه در صورت قورباغه بوده است،کشته است لذا احساس ندامت‌شدید،باعث وارد شدن ضربۀروحی به او شده وکسی نبوده است که اورا دلداری داده واز این‌خیال باطل منصرف کند.این یک اشتباه!واشتباه‌دوم رفتن نزد جن گیر بوده است که سخن او وضع روحی این مرد را بدترکرده وعاقبت اجل او رسیده است.اگر او به علما وفقیهان بزرگی‌همچون آیۀ الله بهجت یا حسن زاده آملی یا جوادی آملی یا مکارم یاصافی ودیگران مراجعه می‌کرد،با توصیه‌ها ونفس قدسی این‌بزرگوارانی که اهل تهجد ونماز شب ومناجات با خدا هستند،احتمال‌خوب شدن وبرطرف شدن بحران روحی وی زیاد بوده است.

لذا باید به مردم بزرگوار ایران که مهمترین خصلتشان احترام وتکریم‌علما است عرض کرد که در مسائل مهم زندگی هرگاه دچار تردید شدیدباید با عالمان مشورت نمائید واز رفتن به نزد افراد ناصالح خودداری‌کنید.

«امام صادقِ(ع):مردم برای این هلاک می‌شوند که -مجهولات‌خودرا-سؤال نمی‌کنند.»

از جمله مواردی که باید در این زمینه مورد نظر قرار گیرد،مسئله‌پیداشدن افراد مدّعی کرامت ودادن حاجت هر چند وقتی در شهرهای‌ایران است.باتوجه به اعتقادات پاک مردم ایران به امامان وامامزادگان‌وسادات،چند نفری از این اعتقادات سوء استفاده نموده وبساط گول‌زدن مردم را پهن می‌نمایند.مثلا اخیرا زنی با عنوان بی بی‌زهرا در... پیداشده که ادعا نموده است از طرف حضرت عباس(ع)

مأموریت داردزنان عقیم را بچه دار نماید!!ومتأسفانه عده‌ای هم نا آگاهانه به این‌شایعات دامن زده ومی گویند آری چند نفری نزد او رفته وشفا پیداکرده‌وبچه دار شده‌اند!این ادعا برخلاف واقع می‌باشد زیرا آنهائیکه اهل‌کرامت می‌باشند **اولاً** از نظر معرفت وتقوا وپرهیزکاری وعبادت جزوبالاترین افراد جامعه هستند.آن زمانی که مردم در خوابند اینها بلند شده‌وبه مناجات وعبادت الهی مشغول می‌شوند.از حرام الهی دوری نموده‌وبرای کرامتهایی که احیانا از آنان صادر می‌شود،مزدی‌نمی‌گیرند.**ثانیاً** ادعایی ندارند بلکه گاهی خواص وشاگردان نزدیک آنان‌از مقام آنها مطلع شده وبه دیگران خبر می‌دهند والاّ از خودشان بپرسیداین ادعا را رد می‌کنند.**ثالثاً** با احکام ومسائل اسلام تا حدودی آشنامی‌باشند ومردم با نگاه کردن به آنها بیاد خدا وقیامت می‌افتند.**رابعاً** پیشینه وسوابق روشنی در تقوا وپاکدامنی وامین بودن‌دارند.امّا این‌مدعیان دروغین ناگاه در منطقه‌ای ظاهر شده وکاسبی خوبی براه‌می‌اندازند وبعد از مدتی پرده کنار رفته ودروغ آنان ظاهر می‌شود.پس‌ای **حاجتمندان وگرفتاران!**شما باید به درخانهٔ اهل بیت بروید ودرصورت حکمت الهی از آنان حاجت بگیرید.باید به سیدالشهداء(ع)وحضرت ابوالفضل(ع) وامام کاظم(ع)وامام رضا(ع) وحضرت‌معصومه(ع)و... وبعد از اینها به دامن فقها وعلما پناه ببرید.

من در اینجا خاطره‌ای از یکی از کسانی که از علما حاجت خود راگرفت نقل می‌کنم.

از شخص مؤمنی پرسیدم که شما با سن زیاد چرا فقط یک دختر 8ساله‌دارید؟جواب داد که خانم من هرگاه باردار می‌شد،بعد از چندماه بچه‌نمی‌ماند وسِقط می‌شد.هرچه دوا ودرمان کردیم چاره ساز نشد تا اینکه‌روزی به قم وبه منزل آیهٔ الله... مراجعه نمودم وبعد از مدتی خدمت‌ایشان در منزلشان رسیدم.ایشان برای من چای وگز آوردند.من از ایشان‌تقاضا کردم برای من دعا کنند تا خدا حاجتم را روا کند. سپس گزی به‌ایشان داده وگفتم خواهش می‌کنم این را در دهانتان جویده وبمن بدهید.ایشان این کار را کردند وگز مذکور را خوردم.ایشان برایم دعا کردند ومن‌خدا حافظی نموده وبه مینودشت برگشتم.بعد از مدتی خانمم حامله‌شد واین دفعه بچه باقی ماند واین دختر که اسمش فاطمه است متولدشد.ولی بچه‌های بعد نماندند واز دنیا رفتند.

واین واقعیتی عادی وطبیعی است که عالمی که سالهای متمادی‌عبادت خدا را نموده ومعرفت خوبی به خدا دارد واهل انجام واجبات‌ودوری از محرمات،بلکه دوری از مکروهات وانجام مستحبات است،به‌این درجه برسد که دعایش مستجاب شود.

اگر جوانان ایران اسلامی با روحانی ومسجد ارتباط داشته باشند،ازبسیاری از انحرافات در امان می‌مانند.و عدهٔ کمی از آنهاگول

سازمانهایی‌چون سازمان جهنمی منافقین را نمی‌خورند تا عاقبت به جنگ مردم‌خویش بیایند ورسوایی در دنیا وآخرت برای خود بخرند.اگر با علماءارتباط داشته باشند،از مجالس گناه وانحراف وفساد وباندهای منحرف‌درامان می‌مانند.وخلاصه زندگی سالم وسعادتمندی پیدا می‌کنند.

نقش ائمۀ محترم جمعه

البته به برکت انقلاب اسلامی ایران در هر شهری یک امام جمعه که‌از افراد برگزیده روحانیت است ،حضور داشته ودر طول هفته در خانه‌ودفترش بر روی مردم باز است ولی متأسفانه عده‌ای دفتر امام جمعه رابا ادارۀ کار!بانک!بیمارستان!کمیته امداد!بهزیستی!سازمان بازرسی‌وغیره اشتباه گرفته وبرای این موارد بجای اینکه به محلهای اصلی کاربرای رفع گرفتاری خود مراجعه کنند،به امام جمعه‌ها مراجعه کرده وازآنها کار وپول وغیره می‌خواهند!در حالی که یکی مهمترین نقشهایی که‌یک امام جمعه می‌تواند ایفا نماید،نقش مشاوره‌ای برای مردم‌است.مردم باید در کارهای مهم خود با علماء مشورت کنند تا دچارگرفتاریهای بزرگ نشوند.در مسائل اختلافات خانوادگی گاهی بخاطرمشخص نبودن وظایف زن ومرد کار به طلاِ می‌کشد که بارهاشده است‌که با راهنمائی‌های امام جمعه وعالمی اختلاف تبدیل به سازش وصلح‌شده است.یا دعواهای مهم قبیله‌ای وطایفه‌ای که با مشورت با امام‌جمعه می‌تواند حل شود.همچنین در مورد آیندۀ یک جوانی که مرددمانده ونمی داند چه کند با هدایت امام جمعه وعالم می‌تواند در مسیردرست هدایت شود.افرادی که متمکن هستند وگاهی پولهای خود را باهدف خیرخواهانه در مسیرهای نادرست صرف می‌کنند می‌توانند بامشورت با امام جمعه در آنچه که سزاوار است صرف نمایند.که البته این‌نقش را بسیاری از امام جمعه‌ها برای مردم محل خود جا انداخته ومردم‌هم به آنها مراجعه می‌نمایند وامید است که شورای سیاستگذاری ائمه‌جمعه بتواند در جاانداختن این مسئله موفقیتهائی کسب نماید.

ارزش روحانیت

رسول‌خدا(ص)فرمود:**مداد العلماء افضل من دماء الشهداء**.قلم‌عالمان از خون شهدا برتر است. چقدر قلم علماء ارزنده است.آن قلمی‌که بتوسط شیخ مفید،امالی را نوشت.آن قلمی که شیخ کلینی با آن‌نوشته.آن مرکّبی که علامه مجلسی صاحب بحارالانواربا آن نوشته‌است.لذا از خون شهید افضل است.از خون حبیب بن مظاهر از حربن‌یزید بالاتراست.عالمان بزرگی چون علامه حلی که او ایران را

شیعه‌کرد.چون سیدجمال اسدآبادی که پا به هرکشوری می‌گذاشت آنجاراسلامی می‌نمود.لذا فقدان این علما ضربات سنگینی براسلام بود. امام‌صادق(ع)فرمود:اذا مات العالم ثُلِمَ فی الاسلام ثُلمَۀً لایسدُّهاشیء.هرگاه عالمی رحلت کند در اسلام شکافی جبران‌ناپذیر پدیدمی‌آید. این ارزش برای چیست؟اهمیت روحانیت درجامعه همانندجان دربدن است.اگر جسمی بدون جان باشد،اورا دفن می‌نمایند.چون‌دیگر فایده‌ای ندارد.اما عالم با عمل یعنی چشم امّت.پس باید این‌عالمان را تکریم نمود که رسولخدا(ص) فرمود:مَن اکرم عالما فقداکرمنی ومَن اهان عالماً فقد اهاننی.هرکه عالمی را اکرام کند،گویامرا اکرام کرده وهرکه به عالمی اهانت کند،گویا بمن اهانت نموده است.

امیرالمؤمنین(ع):ساعتی نشستن در نزد عالم در نزد خدا از هزارسال‌عبادت برتراست.ونگاه به عالِم در نزد خدا از یکسال اعتکاف درمسجدالحرام برتراست.وزیارت علماء از هفتاد طواف وهفتاد حج‌وعمره مقبوله برتربوده وخدا به زیارت کننده هفتاد درجه داده و هفتادرحمت بر او نازل می‌کند و ملائکه را شاهد می‌گیرد که من بهشت را بر اوواجب نمودم.

رسول خدا(ص):خوشا بحال کسانی که با اهل علم وحکمت رفت‌وآمد می‌کنند.

علمایی کسانی هستند که رسولخدا(ص)درباره‌آنهافرمود:قوام الدنیا باربعۀ اشیاء بعلم العلماءوسخاوۀ الاغنیاءوعدل الامراء ودعاء الفقراء استواری دنیا به چهار چیز است:علم‌عالمان.سخاوت بی نیازان.عدل امیران ودعای فقیران.طبق این روایت‌قوام دنیا ابتدا به عالمان است.یعنی ای دنیا!ای جهان!ای ملت!ای‌حکومت!اگر امنیت می‌خواهید دست بدامن علما بشوید.اگر بین کشورعلمائی خودمان با مثلا کشور آمریکا مقایسه بکنیم با اینکه امریکاقدرت نظامی‌اش بسیار قوی وگسترده است ولی آن امنیتی که در ایران‌هست در امریکا نیست.جنایتهای عجیب وغریب در امریکا اتفاِمی‌افتد.خودکشیهادر سطح وسیع.بی بندوبارها وفرزندان حرام درسطح زیاد.که یک نمونه‌اش درایران نیست.واین به برکت همان ضَرَب‌ضَرَبای این عمامه بسرهاست که یک ضَرَبای او به جنگ زناکارمی‌رود.یک ضَرَبای او به جنگ قمارباز می‌رود.یک ضَرَبای او به جنگ‌حرام خور می‌رود.ویکی هم بجنگ نمّام‌ها وسخن چین‌ها می‌رود.اما

افسوس که عمری پی اغیار دویدیم‌از یار بماندیم وبه مقصد نرسیدیم

دشمنان اسلام در بعضی از زمانها برای خانه نشین کردن علما نقشه‌هامی‌کشیدند.همانطور که امیرالمؤمنین علی(ع)را 25سال خانه

نشین‌کردندتا مردم از دریای علم او استفاده ننمایند.البته در تاریخ آمده است‌که گاهی خود علما خودرا خانه نشین می‌کردند ولی چون مذهب شیعه‌صاحب دارد،از طرف امام عصر(ع)برای شیخ مفید دستور رسید که‌السلام علیک ایهّا الاخ الصدیق الشیخ المفید.غفرالله لناولک.درخانه ات را باز بگذار واز خانه نشینی بیرون بیا ماهم کمکت‌می‌کنیم.

«ثلاثۃٌ یشفعون الی الله فیشفعهم .الانبیاء ثمَّ العلماء ثمَّ‌الشهداء.سه دسته در نزد خدا شفاعت می‌کنند:پیامبران،عالمان‌وشهداء.»

«اذا اجتمع العالمُ والعابدُ علی الصراط قیل للعابد اُدخُل‌الجنۀ وقیل للعالم قفْ تشفع بمُسن تأدیبک لهم.هرگاه عالم‌وعابد بر پل صراط جمع می‌شوند،به عابد گفته می‌شود،داخل بهشت‌شو.وبه عالم گفته می‌شود بایست واز کسانی که به علم شما عمل‌کردند،شفاعت نما.»

«سیاتی علی'امّتی زمانٌ لایعرفون العلماء الاّ بثوبٍحسن.ولایعرفون القرآن الاّ بصوتٍ حسن ولایعبدون الاّ فی‌شهر الرمضان فاذا کان کذلک سلّط الله علیهم سلطاناً لاعلمَ لهولا حلم له ولا رحمَ له.زمانی بر امتم بیاید که عالم را فقط از لباس زیبامی‌شناسند وقرآن را از روی صدای زیبا وفقط در رمضان عبادت خدارابجا می‌آورند که اگر این طور شود خدا حاکمی را برآنان مسلط کند که نه‌رحم دارد ونه علم.»

«فضل العالم علی العابد کفضل القمر لیلۀ البدر علی' سائرالکواکب.برتری عالم بر دیگران مانند برتری ماه شب چهارده بر سایرستارگان است.»

«فضل العالم علی العابد کفضلی علی' امتّی.برتری عالم بر عابدهمانند برتری من بر امتم است.»

«امام حسین(ع):انّ مجاری الامور و الاحکام علی' ایدی العلماء باللهالامناء علی' حلال الله.»همانا جریان کارها واحکام الهی بدست‌علمائی است که امین الهی بر حلال خدا هستند.

ناصرالدین شاه وملاهادی سبزواری

نقل شده که ملاهادی سبزواری در سبزوار بود که ناصرالدین شاه درسفر مشهد وارد سبزوار شد.گفت ملاهادی را نزد من بیاورید.وقتی نزدملاهادی رفتندومطلب را گفتند،روایتی برای ناصرالدین شاهنوشت که‌قال رسول الله(ص):اذا کان العلماء فی باب الملوک بِئسَ العلماءوبِئسَ الملوک.واذا کان الملوک فی ابواب العلماء نِعمَ العلماءونِعمَ الملوک.اگر عالم پیش شاه برود،هم عالم بد است وهم شاه!واگرشاه نزد عالم برود،هم عالم خوب است وهم شاه!وقتی نامه را دست‌ناصرالدین شاه دادند،بعد از خواندن،روانه منزل ملاهادی شد.درزدند.پیرمردی قدبلند وریش سفید در را باز کرد.شاه خیال کرد که نوکرملا است.پرسید آقا هستند؟فرمود خودم هستم.شاه وارد شد ونشست‌ومقداری صحبت کردند.ظهر که شد ملاهادی بیرون رفت.شاه خیال‌کرد آقا برای آوردن غذا رفته است.ولی مشخص شد که ملاهادی برای‌گرفتن وضو وادای نماز رفته است.بعد از نماز ملا وشاه نشستند.نه بوی‌پلو می‌آمد نه بوی چلواخانه مردی است که عمری با گرسنگی ونان‌خشک دست وپنجه نرم کرده است.یک مرتبه خادم آقا آمد ویک ظرف‌فلزی دوغ ونمک وچند گرده نان خشک آورد.ناصرالدین شاه مقداری ازنانها را بعنوان تبرک برداشت وهرچه کرد نان بی خورشت به مزاجش‌سازگار نشد!موقع رفتن شاه گفت اجازه بدهید شهریه طلاب را من‌بدهم؟ملاهادی فرمود:طلاب بدعادت می‌شوند.شما که همیشه زنده‌نیستی که شهریه آنها را بدهی!خوب است بر همان مقدار کفایت‌کنند.شاه گفت:اجازه بدهید شمارا قاضی القضات کنم؟ملاهادی‌گفت:این دست شما نیست.شاه گفت پس بگذارید بشما کمکی‌بکنم؟ملاهادی جواب داد:لاهو شیء فی الوجودالاّالله.روزی من‌دست خداست وغیرخدا رازِ نیست.

نقش امام خمینی«رض»

در سال 42هنگامیکه در بازار تهران بعضی از فقها را زدند و مردم رازیر ضرب و شتم گرفتند و همه قدرتهانیز از این کار دولت طاغوتی‌پشتیبانی کردند. امام خمینی«رض»فرمود:

اگر یک قطره از خون ابی عبدالله (ع)هم در من باشد،من تا رژیم‌ستمشاهی را ساقط نکنم از پای نمی‌نشینم و نه تنها آن بلکه امریکا را نیزبه ذلت و خواری می‌کشانم.

واین گونه بود که امام خمینی«رض»طومار پهلوی را درهم پیچیدوسپس‌شیطان بزرگ را به ذلّت کشاند.

در طول تاریخ عالمان فراوانی بوده اند.آیا همه آنها هدایگر بوده اند؟

خیر.و نمی‌توان نزد هرکس که خود را عالم می‌خواند،رفت:

امام کاظم(ع):نزد هر عالمی نروید بلکه نزد عالمی بروید که شمارا ازپنج چیز به پنج چیز دیگر دعوت بخواند:از شک به یقین.از تکبر به‌تواضع.از ریاء به اخلاص.از دشمنی به نصیحت ودوستی‌واز رغبت‌دنیوی به زهد دعوت نماید.

آسیب شناسی دین

دین اسلام دینی است که به ادعای قرآن وسنّت،کاملترین دین بوده‌واز نواقص واختلالات بدور بوده وتا روز آخر زندگی در کُرهٔ زمین‌می‌تواند پاسخگوی نیازهای بشر باشد وبشریت را به سرمنزل مقصودکه همان معرفت الله و خوشنودی پرودگار عالمیان است،برساند.

در حالی که ادعای فوق کاملا حقیقت دارد،اما با مروری به زندگی‌مسلمانان در می‌یابیم که مسلمانان همیشه دچار مشکلات وگرفتاریهای‌مختلف اجتماعی،اخلاقی،سیاسی،نظامی وغیره بوده‌اند.وضع آنان‌آنقدر بد بوده که معمولا کشورهای مسلمان را در ردیف

جهان سومی ها!عقب افتاده‌ها!قرار می‌دهند واگر بخواهند امتیازی‌بدهند می‌گویند کشورهای در حال توسعه!

علت این عقب ماندگی‌ها چیست؟سرّ این مشکلات وگرفتاریها درچه چیزی می‌باشد؟

در جواب باید بگوئیم که اگر با نظر منصفانه به دین اسلام نگاه‌بکنیم،اشکالی در دین نمی‌بینیم.قوانین ومقررات حیات بخش اسلام درهر جامعه‌ای که اجرا شود ومردم آن اجتماع به تک تک این مقررات‌عمل کنند،آنچنان رو به سعادت وترقی می‌روند که همه به آنهاغبطه‌می‌خورند.همانطور که در خصوصیات زمان حکومت حضرت‌مهدی(ع) گفته شده است.

همینطور محققین بی طرف در کشورهای مختلف بر مترقی بودن وکامل‌بودن دین اسلام تأکید نموده‌اند از جمله:

«خدیجه ریورا که در سال 1983 به اسلام گرویده باایجاد یک‌ایستگاه رادیوئی در نیویورک سعی دارد به مردم آمریکابفهماند قبول‌اسلام به معنای قبول یک مذهب پیشرفته است.»

اسقف اعظم کلیسای سوئد:

«ما نمی‌توانیم با این ارزش‌های نامشخص و غیرواضح و التقاطی ومسیحی که تصور می‌کنیم واضح وصحیح است بیش از این ادامه بدهیم‌و من معتقد هستم که اسلام یک عامل بیدارکننده ما خواهد شد.»

نحوه مسلمان شدن رهبر مائویست نروژ:

«وابسته فرهنگی سفارت ایران در نروژ در این رابطه می‌گوید:در ایام‌اقامت در اسلو پایتخت نروژ هنگامی که روزنامه ها‌را بررسی و ترجمه‌می‌کردم به مقاله‌ای برخوردم با این عنوان:**اسلام به زودی به غرب‌می‌آید**،بعد از جست وجو فهمیدم که این مقاله به قلم دکتر لین سادرهبر حزب مائویست نروژ می‌باشد.

ایشان‌تحصیلات خود را در انگلستان گذرانده و فردی مبارز بوده وچندبار جهت کمک به مسلمانان به فلسطین سفر نموده و در جریان‌معروف سپتامبر سیاه و حمله اردن به فلسطینی‌ها مجروح گردید...

با تلاش فراوان ایشان را پیدا کردیم و ارتباط برقرار شد.بسیار در موردایران و انقلاب و اسلام کنجکاو بود...

بعد از برگزاری جلسه اولی که با ایشان داشتیم و سؤال‌های ایشان راپاسخ گفتیم از ما خواست که در جلسه دیگری با اعضای حزب همین‌سخنان را تکرار کنیم...

تا این که دکتر لین ساد همراه دکتر اریک فویسر به مناسبت جشنهای پیروزی انقلاب اسلامی به ایران دعوت شدند،این سفر آن قدر برای آن‌ها جالب توجه بود که این دو عاشق وشیفته انقلاب شده بودند.

بعداً ایشان مقاله‌ای نوشتند با این عنوان **به زودی انقلاب ایران جهانی می‌شود.**

روزی در مورد قضایای غدیر خم سؤال نمود،توضیح دادم،در آن هنگام حالت بسیار عجیبی داشت،عصر آن روز از انجمن حسینی تماس گرفتند وگفتند بعد از نماز مغرب وعشا مراسم داریم،کسی می‌خواهدمسلمان شود.اصلاً گمان نمی‌کردم این فرد دکتر لین ساد باشد...ایشان شیعه شدند ونام علی را هم برای خود برگزیدند...

بعد از مدتی« آنا بریت «همسر ایشان با من تماس گرفت وگفت:می‌خواهم مسلمان شوم.

من شگفت زده شدم و خدا را سپاس گفتم.آنابریت گفت:من چادرمی‌خواهم!

گفتم:پوشیده بودن کافی است.چرا چادر می‌خواهی؟(چرا که‌ترسیدم با جوی که در آن جا علیه چادر بود توان تحمل این سختی‌ها رانداشته باشد.)

اما او باز هم تأکید کرد:

می‌خواهم با لباس رزم زنان ایرانی که الگو وسمبل من‌بوده‌اند شهادتین را بگویم.

به او گفتم:چه اسمی را انتخاب کرده‌اید؟

گفت:زینب.

گفتم‌چرا؟

گفت تحقیق کرده‌ام دیدم حضرت زینب-سلام الله علیها-زن صبور،مقاوم و کاملی بوده است.»

پروفسور خوزه مارتینز رئیس دانشکده تاریخ باستان کمبلوتنسه:

«اسلام دینی کامل است وجامع با تمام قوانین صحیح زندگانی،من‌شخصا قرآن را پنج بار مطالعه کرده‌ام.در سطرسطر آن قانون و ثبات دیده‌می‌شود.واز آن گذشته به نظر من اسلام دینی بسیار آسان و فهمیدنی‌است و...ولی شما می‌بینید در مسیحیت به اندازه‌ای

روایات گیج کننده‌است که گاهی یک کشیش هم سرنخ تثلیث را از دست می‌دهد.»«درنهایت مسیحیت به یک مذهب می‌رسد ولی در اسلام به مجموعه‌قوانین خواهی رسید.»

مشاور سابق نیکسون رئیس جمهور اسبق آمریکا که مسلمان شده:

«نه مسیحیت و نه یهودیت هیچ یک توانایی ابداعی یک نمونه و یاچهارچوب فکری مناسب برای خروج از این هرج ومرج(درآمریکا)راندارند،چنین چیزی تنها در اسلام وجود دارد و در عناصراسلامی به‌خوبی دیده می‌شود،عناصری که در عین اسلامی بودن می‌تواند مغز وفرهنگ تمده آمریکا شود.»

اسمون دانکه ،افسر تازه مسلمان آمریکا:

اسلام بهترین روش ادارهٔ زندگی،جامعه و خانواده می‌باشد.به ویژه‌اکنون که جهان غرب ارزش‌های اخلاقی را از دست داده است و رشتهٔ‌خانواده از هم گسیخته و نژادپرستی باردیگر جان گرفته است.»

خانم سمیه،تازه مسلمان فنلاندی:

«من از زمانی که مسلمان شده‌ام احساس می‌کنم که یک زن آزاددارای ارزش‌های معنوی وانسانی هستم.اسلام برای زنان ارزش بسیارعالی قائل است.»

مطالب فوِ نشان می‌دهد که هر محقق بی طرفی که در مورد اسلام‌مطالعه می‌نماید،با اعجاب زیادی متوجه عمق علوم وحکمتهاودستورات حیات بخش اسلام می‌شود.

در نتیجه باید علت گرفتاریهاوآسیبهایی که بر اسلام ومسلمین واردشده را در نوع عملکرد مسلمین اعم از حاکم ومحکوم واعم از رئیس‌ومرئوس وعالم وجاهل جستجو نمائیم.

وقتی در موضوع فوِ بررسی می‌کنیم آسیبهای وارد شده بر اسلام رامی‌توانیم در چند مورد بیان نمائیم:

1-تفرقه مسلمین

اتحاد و وحدت آب حیاتی است که هراجتماعی را در رسیدن به‌اهدافش یاری نموده وعنصر تعیین کننده‌ای در موفقیت به

شمارمی‌رود.لذا کتاب الهی به همهٔ مسلمین فرمان داده است‌که:«واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقّوا»

همگی به ریسمان الهی چنگ زنید ومتفرِ نشوید.

تا زمانی که رسول خدا(ص)در میان مردم حضور داشت،مسلمین درظاهر از تفرقه دوری می‌کردند واگر گاه اختلافی پیش می‌آمد با دخالت‌رسول خدا(ص) حل می‌شد وآن اختلاف از بین می‌رفت.ولی متأسفانه‌بعد از رحلت رسول خدا(ص) امّت اسلامی دچار تفرقه شدند واگررسول خدا(ص) محور وحدت را که امامت باشد به مردم معرفی‌نمودند وفرمودند:

«اهل بیت من مانند کشتی می‌باشند که هرکه بر آن سوار شود نجات می‌یابد وهرکه امتناع کند،غرِمی‌شود»(المراجعات،سید محسن امین)

ولی با تلاشهای چند نفراز منافقین وریاست طلبها ،مردم از پیروی ازاهل بیت(ع)جلوگیری شدند و علی بن ابیطالب(ع)خانه نشین شد و درعوض افراد نالایق واختلاف افکن پُستها را به دست گرفتند و25سال‌مردم را از اهل بیت(ع)دور نموده ودر حقیقت از هدایت دور نمودند.

بعد از آن که با اصرار گروههای مختلف مردم،علی بن ابیطالب(ع)حکومت را بدست گرفت،با سه جنگ مهم حضرت را مشغول کردندونگذاشتند که امام اسلام واقعی وحکومت اسلامی خالص را به مردم‌نشان دهد.وبعد او هم همیشه مردم از امامان(ع)که محور وحدت بودند،دور بودند تا اینکه غیبت کبری شروع شد وکُلاً مردم از دیدن حتی‌صورت امام محروم شدند.

بنابراین هیچگاه در میان مسلمین وحدت نبود تا اینکه انقلاب‌اسلامی ایران به پیروزی رسید ورهبران انقلاب توانستند مقداری ازچهره اسلام را به دنیا نشان دهند.

2-وجود حکومتهای خیانتکار اموی وعباسی وهم‌ترازانشان

حکومت بنی امّیه که در قرآن از آنها تعبیر به »شجرهٔ خبیثه»یعنی‌درخت شرور وبدذات!شده از زمان معاویه شروع شد وتا زمان‌سفّاح،اولین خلیفه بنی العباس ادامه یافت.در این مدت هیچکدام ازخلفای این سلسله عادل وصالح ومردم سالار! نبودند اگر چه دربارهٔعمربن عبدالعزیز نوشته‌اند که تامدی عادل وبفکر مردم بود.اما کُلاً این‌سلسله همگی جنایکار،خیانتکار،شهوتران(درباره ولیدبن

عبدالملک‌نوشته‌اند که لغت می‌شد ودر حوضی پر از شراب وارد می‌شد وتامی‌توانست از شرابها می‌خورد!)بودند.وصدمات زیادی به دین اسلام‌ومسلمین وارد کردند وبدست این سلسله چهار نفر از امامان(ع) به‌شهادت رسیدند.

بعد از بنی امیه ،سلسلۀ بنی العباس به حکومت رسیدند که تا زمان‌حملۀ مغولهاادامه یافت واین حکومتها هم جنایتهای زیادی مرتکب‌شدند اگر چه در دوران هارون الرشید ومأمون عباسی از نظر علمی‌جامعه مسلمین خوب درخشید و پیشرفتهای شایانی کرد.اما در مجموع‌این سلسه هم نتوانست اسلام را در جامعه پیاده کند ودست به‌جنایتهای زیادی زدند وداستان قراردادن سیدها را در لای دیوار به‌عنوان مصالح ساختمانی توسط منصور دوانقی ودیگر خلفا در کتابهانقل شده است.وشش نفر از امامان(ع) هم به دست بنی عباس به‌شهادت رسیدند .

بعد از بنی العباس با حمله مغولها به ایران وعراِ ودیگر سرزمینهای

اسلامی مسلمین دچار تفرقه وشکست شدیدی شدند وصدها سال ازمسیر اصلاحات وترقی وپیشرفت باز ماندند.حکومتهای دیگر هم تازمان پهلوی در ایران وعثمانیها در ترکیه و...هیچگاه نگذاشتند که‌مسلمین روی ارامش را ببینند وهمیشه سایه شوم وترسناک،تجاوزوجنایت وغرت اموال برسرشان بوده است.

در این زمان هم آمریکای جنایتکار با بوجود آوردن حادثه مشکوک‌یازده سپتامبر ،کشورها را ترساند وبه بهانه مبارزه با تروریست هر روزدست به یک ماجراجویی می‌زند که نوک حمله‌اش معمولا کشورهای‌اسلامی هستند.مهمترین هدف استکبار جهانی،تفرقه بین مسلمین وحاکمیت افرادی که نوچۀ آنها هستند بر کشورهای اسلامی است.

3-وجود دین سازان وبدعتگزاران

بعد از رحلت رسول خدا(ص)،دشمنان اهل بیت(ع) واسلام‌خاص،افرادی مانند ابوهریره را استخدام کردند تا با جعل احادیث راه‌را برای حاکمیت زر و زورباز نمایند.همچنین با ایجاد مذاهب دروغین ازجمله چهار امامی!پنج امامی!هفت امامی!ومعتزله واشاعره وصوفیه‌وبهائی و وهابی واهل حق و درویش و...اسلام را به دهها فرقه تقسیم‌کردند.زیرا اگر همه مسلمین یک دین حقیقی داشته باشند وهمه از یک‌رهبر

دینی معصوم(ع)پیروی کنند هیچ دشمنی بر آنان پیروز نخواهدشد.لذا کسی که می‌خواهد مسلمان شود باید تحقیقاتش بسیار عمیق‌باشد تا بتواند دین برحق را که همانا در گرو پیروی از اهل بیت(ع)است‌پیدا کند.

4-دوری از اهل بیت(ع)وعلمای پیرو اهل بیت(ع)

راستی اهلبیت(ع)کیانند؟اهلبیت(ع)کسانی هستند که مقامشان ازهمهٔ انسانها حتی پیامبران به غیر از پیامبراسلام(ص)بالاتر است.آنها درهمهٔ فضیلتها وخوبیها از همه برتر هستند.علمشان از همه بیشتروکرامات ومعجزاتشان،شگفت آمیزتر است.آنان از هرگونه کجی‌وانحراف پاک و مبرا هستند.هرکه از آنها تبعیت کند رستگار میشودوهرکه با آنها دشمنی ورزد،بدبخت وشکست خورده می‌گردد.هرکه‌درخانهٔ آنان برود ناامید برنمی گردد.وآنان باب الحوائج هستند چه‌زمانیکه زنده بودند ومردم آنهارا می‌دیدند وچه بعد از شهادتشان.که‌درهمه حال زنده هستند وبا اذن الهی حاجتهای هرکه خدا مصلحت‌بدان برمی آورند ونزد خدا واسطهٔ تقرب شیعیان می‌شوند.

جوانانیکه اهل توسل وکمک گرفتن از اهلبیت باشند ،موفقیتشان درهمهٔامور بیشتر است.نمونه آن درایام دفاع مقدس بود که جوانان که تجربه‌ولی باایمان ایرانی با ارتباط با اهلبیت(ع)مخصوصاً حضرت‌زهرا(س)،امام حسین(ع)وامام زمان(عج) توانستند دشمن را خواروذلیل کنند ودرمقابل دنیای استکبار بایستند.

چه شهیدانی که با نام حسین(ع)این دنیای فانی را ترک می‌کردند وچه‌کرامات ومعجزاتی که از همین توسلات وتوجهات به اهلبیت(ع)درجبهه هادیده وشنیده نشد.

توسل به اهلبیت(ع)به انسان آرامش می‌دهد.ارتباط با اهلبیت(ع)دین‌انسان را از تحریفات وکجیها حفظ می‌کند.توجه به اهلبیت(ع)باعث‌توجه آنان به انسان می‌شود.وآنها به هرکه عنایت داشته باشند،آن‌شخص دیگر گمراه وشکست خورده نمی‌شوند.توسلات به اهلبیت(ع)باعث برطرف شدن مشکلات وگرفتاریها می‌شود

اهلبیت(ع)جلوه‌ای از دریای رحمت ومروت وشجاعت‌وسخاوت وغیرت وصداقت ودانش وتواضع وعفو وبخشش‌و...بودند.آنها رنگ خدائی داشتند همانطور که خدامی‌فرماید«صبغهٔ الله ومن احسن من الله صبغهٔ»رنگ

خدائی‌بگیرید وچه کسی است که از کسیکه رنگ خدائی دارد بهترباشد؟«بقره138»

اگر با اهلبیت(ع)مخصوصاً امام زمان(عج)که معتقدیم زنده است‌وامامت را برعهده دارد رابطهٔ خوبی داشته باشیم،موفقیتمان حتمی‌است.درخانهٔ‌آنان بر روی همه کس حتی مسیحی ویهودی بازاست.وهرکه از آنان چیزی خواست جواب منفی نشنید مگر آنکه آن‌چیز بصلاحش نبوده باشد.

عبادت بی ولایت؟

پیامبراکرم(ص)فرمود:هنگامیکه به معراج رفتم،خدا بمن وحی کرد که:

ای محمّدامن نظری بسوی زمین کردم وتورا از آن اختیار کردم‌وپیغمبرساختم واسم تو را از نام خود بر گرفتم که من محمودم وتومحمّدی!دوباره برزمین نظری افکندم وعلی را از آن برگزیدم واورا‌جانشین ودامادتو قرار دادم ونام اورا از نام خودم برگرفتم که من علیّ‌اعلی هستم واو علی است.

سپس فاطمه وحسن وحسین را از نور شما خلق کردم.آنگاه ولایت شمارا بر فرشتگان عرضه کردم،تا هرکه پذیرفت در پیشگاه من از مقربّین‌شود.

ای محمّد!اگر بنده‌ای آنقدر عبادتم کند تا خسته شود وبدنش مانندمَشک پوسیده گردد ولی درحالی از دنیا برود که منکر ولایت شماباشد،اورا در بهشتم جای نخواهم داد ودر زیر عرشم سایه نخواهم‌بخشید.

ای محمّد می‌خواهی آنان را ببینی؟

عرض کردم:آری پروردگارا!

فرمود:سرت را بلند کن.

وقتی سرم را بلند کردم ناگاه انوار علی وفاطمه وحسن وحسین وعلی بن‌الحسین ومحمدبن علی وجعفربن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن‌موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد وحسن بن علی‌را دیدم‌ومحمدبن الحسن القائم رادر وسط آنان مانند ستارهٔ درخشانی دیدم.

عرض کردم:اینها کیانند؟

فرمود:اینها امامان هستند واین قائم است .آنکه حلال مرا حلال وحرام‌مرا حرام کند وبوسیلهٔ او از دشمنانم انتقام کشم واوبرای دوستانم،مایهٔ‌راحتی است واوست که دل شیعیان وپیروان تورا از ظالمین وکافرین شفامی‌بخشد ودوبُت لات وعزّی را تروتازه بیرون می‌آورد وآنهارامی‌سوزاند.البته فتنه وامتحان مردم در آنروز بوسیله این دوبت،سخت‌تر از فتنه گوسالهٔ سامری خواهد بود!«مکیال المکارم ج1 ص75»

نتیجه مطالب این بخش این شد که مسلمین باید از اهل بیت(ع)پیروی می‌کردند تا به سعادت برسند ولی این گونه نشد اگرچه درزمان معاویه‌ها شیعیان را قتل عام می‌کردند تا ریشه اهل بیت را از بین‌ببرند ولی نتوانستند.ولی این باعث شد که اکثریت مسلمین از اهل‌بیت(ع)فاصله بگیرند چنانچه در زمان ما هفتصد میلیون مسلمان،سنّی‌هستند وفقط سیصد میلیون نفر از مسلمانان شیعه می‌باشند.

واین یکی از آسیبهای دین اسلام است که بقول آیهٔ الله العظمی‌حائری،استاد امام(رض):ماشیعیان اهل بیت را گرفته وقرآن را رهانمودیم واهل تسنن هم قرآن را گرفته واهل بیت را رها نمودند.

5-تلاشهای استعمار نو و کهنه

استعمارگران از دیر باز دشمنی خاصی با اسلام ومسلمین‌داشته‌اند.زیرا اسلام دینی است ظلم ستیز وبت شکن وطاغوت‌ستیز.همانطوری که با بعثت رسول خدا(ص)،مهمترین دشمنان‌او،ابوسفیانها وابوجهلها که جلوه‌ای از استعمار کهنه ونماینده‌قدرتمندان وثروتمندان مکه بودند،بودند.ویارانش عمارها ومقدادهاوابوذرها وسلمانها که قدرت ومکنتی نداشتند،بودند.از آغاز بعثت

رسول خدا(ص)تا کنون،همواره این جدال بین اسلام با مستکبرین‌وجود داشته است وهمیشه استعمارگران برای درهم شکستن اسلام‌توطئه می‌کردند والان هم که شاهدید چگونه استعمار نو با حربه مبارزه‌با تروریست،به جنگ مستضعفین ومسلمانان آمده و تاکنون کشورهای‌افغانستان وعراِ را اشغال نموده وبه فکر تجاوز به سوریه وایران هم‌می‌باشد.بنابراین یکی از آسیبهای جدی که متوجه

دین اسلام بوده‌است از ناحیه مستکبرین می‌باشد.

6-عمل نکردن به قرآن ودستورات دین

هیچگاه نشده است که جامعه مسلمین به همه دستورات قرآن عمل‌کرده باشد واز اجرای قوانین قرآن واسلام در زندگی روزمره ما خبری‌نیست!

درحالی که :

قرآن کتابی است که :

*انسان را به بهترین آئین هدایت می‌کند:انّ هذا القرآن یهدی‌للّتی هی اقوم اسراء 9

*با عث بیداری انسانها از غفلت است:اِنْ هو الاّ ذکرٌللعالمین.ص87

*پر از مَثَلها و اندرزها و اسرار خلقت و نظام آفرینش است:ولقدضربنا للناس فی هذا القرآن مِنْ کلّ مَثَلٍلعلّهم یحذرون.زمر27

*چون خالی از هرگونه کجی ونادرستی است،با عث تقوای انسانهامی‌گردد:قرآناً عربیاً غیرَذی عوجٍ لعلّهم یتّقون.زمر28

*جدا کنندهٔ حق از باطل است:شهر رمضان الذّی اُنزل فیه‌القرآن هدیً للناس وبیّناتٍ مِنَ الهُدی' والفرقان.بقره 184

*نور است و با نور خود،افراد را به راه راست هدایت می‌کند:کتابٌاُنزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور.ابراهیم 1

*برای مؤمنین،شفا وهدایت وبرای ظالمین وستمکاران،ضرروگمراهی بیشتر است:ونُنّزلُ القرآن شفاءٌ ورحمةٌ للمؤمنین‌ولایزید الظالمین الاّ خساراً.اسراء82

استاد «سنایس»می‌گوید:بی گمان قرآن همان قانون همگانی و کاملی‌است که از هیچ سو،باطل در آن راه ندارد.پس شایستهٔ همهٔ زمانها ومکانهاست واگر مسلمانان چنان که باید،بدان چنگ زنند،دوباره سیادت‌گذشتهٔ خویش را باز خواهند یافت.

افرادی بوده‌اند که وقتی از قرآن در زندگی خود استفاده کرده‌اند به‌نتایج شگفت انگیزی رسیده‌اند.

پس یکی دیگر از آسیبهای دین اسلام،بی توجهی به دستورات قرآن‌واسلام می‌باشد.

7-افراط وتفریط در اجرای قوانین اسلام

اسلام دین میانه است وخود قرآن هم در این زمینه فرموده است:

«کذلک جعلناکم امۀ وسطاً»

ورسول خدا(ص)هم فرموده است که:

«خیرالامور اوسطها»

بهترین کارها،میانه روهای آنها است.

ما نباید در اجرای احکام اسلام از رسول خدا(ص) وبزرگان دین سخت‌گیرتر باشیم.همانگونه که در تاریخ زندگی رسول خدا(ص) نقل شده که‌حضرت کمال نرمی وملاطفت را بامردم داشتند وگاهی می‌شد که فردی‌به حضرت اهانت می‌کرد ویا با حضرت مخالفت می‌کرد وبعضی ازیاران خشمگین حضرت می‌خواستند آن شخص را بکُشند ویا ادب‌کنند ولی حضرت مانع می‌شد ودرابتدای اسلام می‌فرمود:

«قولوا لااله الاّ الله تُفلحوا»

لا اله الاّ الله بگوئید تا رستگار شوید.

جوانی که پیشنهاد بدی داد

در تفسیر «المنار»در تفسیر آیه 104آل عمران ذکر شده که:جوانی‌خدمت رسول خدا(ص)آمد وگفت:

ای رسول خدا(ص) اجازه می‌دهی زنا کنم؟

با گفتن این سخن فریاد مردم بلند شد واز گوشه وکنار اعتراض‌کردند.اما رسول خدا(ص)با خونسردی وملایمت فرمود:«نزدیک‌بیا»جوان رفت ومقابل رسول خدا(ص) نشست.حضرت با محبت از اوپرسید:

آیا دوست داری با مادر تو چنین کنند؟

گفت:نه فدایت شوم.

فرمود:همین طور مردم هم دوست ندارند با مادرشان چنین شود.آیادوست داری با دختر تو چنین کنند؟

گفت:نه قربانت گردم.

فرمود:همینطور مردم هم دربارۀ دخترانشان راضی نیستند.بگو ببینم آیا برای خواهرت این عمل را می‌پسندی؟

جوان انکار کرد و گویی از پرسش خود پشیمان شد.در این حال رسول خدا(ص)دست بر سینۀ او گذاشت ودعا کرد:خدایا!دل اورا پاک‌گردان،گناه او را ببخش و دامان اورا از آلودگی به بی عفتی نگاه دار!

از آن به بعد ،زشت‌ترین کار نزد این جوان،زنا بود.

بنابراین عده‌ای که می‌خواهند کاسه از آش داغ‌تر باشند ،مورد تأییداسلام قرار نمی‌گیرند.از طرفی نباید بر روی اصول اسلام معامله نمودومسامحه واهل تساهل بود.همان پیامبری که هند جگرخوار رابخشید.همان پیامبری که ابوسفیان را عفو نمود.همان پیامبری که قاتل‌عمویش حمزه سیدالشهدا را بخشید،وقتی نوبت به اجرای احکام‌اسلام می‌رسید واسلام مورد خطر و حمله دشمنان قرار می‌گرفت،دیگراهل مدارا ومسامحه نبود وتاریخ نمونه‌های زیادی را سراغ دارد.از جمله‌آمده است که :در فتح مکه فرمود همه مردم در امانند مگر دونفرزن که بااشعارشان ،به رسول خدا(ص)اهانت کرده بودند.فرمود اگر به پرده کعبه‌هم چسبیده بودند،باز آنان را به قتل برسانید.

همچنین در مورد مرتدها حکم به اعدام فرمود.درمورد یک نفر یهودی‌که خیلی علیه اسلام توطئه می‌کرد،دستور داد تا شبانه به خانه‌اش برونداورا بکشند.که اینها در کتاب »فروغ ابدیت«ذکر شده است.

در نتیجه باید گفت که تندروی ومسامحه در اجرای احکام اسلام‌جزو آسیب های دین می‌باشد.

بنابراین اسلام اهل مسامحه ومدارا در آنجایی که مقدسات اسلام‌واحکام دین مورد حمله وتمسخر قرار می‌گیرد،نیست .

8-عدم اهتمام به امور جوانان مسلمان

اهتمام به امور جوانان از مهمترین برنامه‌های اسلام است.مخصوصااینکه اسلام از بدو تولد برای انسان برنامه ریزی نموده است.نامگذاری‌درست.آموزش قرآن وکتاب الهی به آنان.آموختن آداب اسلامی به‌فرزندان.تعجیل در ازدواج ودوری از سخت‌گیری در امر

ازدواج.جـوازازدواج موقـت بـرای کسـانی کـه دسترسـی بـه ازدواج دائـم ندارنـد.آمـوزش‌رزمـی وآمـادگی دفـاعی.تحصـیل جدیـدترین علـوم .اشـتغال بکار مناسب .

زیرا اجرای برنامه‌های فوِ مصونیت در مقابل انحرافاتی که‌متوجه جوانان است،را تضمین می‌کند.

در حـالی کـه در جامعـه فعلـی اکثـر برنامـه‌هـای فـوِ،اجرا نمـی‌شـود.یـک‌جـوان مسـلمان ،آمـوزش کـافی قـرآن ندیـده اسـت!از بیشـتر آداب اسـلامی‌اطـلاع نـدارد!سـنّ ازدواج بـالا رفتـه وامیـد بـه میسـر شـدن ازدواجـش کـم‌اسـت!از ازدواج موقـت هـم جـرأت نـدارد حـرف بزنـد!افـراد تحصـیل کرده‌فراوان ولی اشتغال کم وبیکاری فراوان است.

از طرفـی دشـمنان بـرای جـذب جوانـان مسـلمان ،نقشـه‌هـای مختلفـی‌دارنـد.از طرفـی تعـدادی از آنهـارا بـه دانشـگاههای خـود جـذب‌نمـوده‌انـد.واز طرفـی دیگـر از طریـق اینترنـت ومـاهواره و ابزارهـای دیگـردین اسـلام را زشـت نشـان داده ودیـن مسـیحیت را دینـی آرام وبـی دردسـروپر از جاذبـه‌ای شهوانی نشان می‌دهند.

این هم یکی از آسیبهای دین اسلام می‌باشد.

9-ابامی‌گیری و بی اعتنایی به دین

اگرچـه همیشـه پیـروان مکتـب ابـامی‌گیـری در دنیـا وجـود داشـته‌انـدولی در قـرن بیسـتم بـا اختراعـات شـگفت‌انگیـز وبوجـود آمـدن وسـایل‌ارتباطـات ،مکاتـب مختلـفِ بـی دینـی وابـامی گـری بـا رونـق بیشـتری وباحمایـت دولتهـا وقـدرتهای بـزرگ ،آسـیبهای جـدی بـه دیـن ودینـداری واردکرده بطوریکه صدای پاپ هم درآمده ومرتب خطر فساد اخلاِ وبی‌دینی را به مسیحیان متذکر می‌شود.

ابامی گری اصولی دارد که از جمله آن :

1-اصالت شناخت تجربی و انکار غیبت و انکار عالم مجردات

2-اصالت انسان در مقابل اصالت پروردگار

3-نفی حقیقت وجود وایجاد حقیقت مصنوعی

4-اصالت تصادف در آفرینش و اصالت بی نظمی درجهان هستی

5-اصالت عقل در مقابل اصالت ایمان

6-اصالت وجدان

7-اصالت آزادی

8-اصالت اباحه«تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران،اسماعیل‌شفیعی سروستانی»

نتیجهٔ اصول فوِ آن است که اولا خدایی وجود ندارد.ثانیاچیزی به‌نام عالم غیب وملک وجن وبهشت وجهنم نیست.ثالثا هرچیزی حلال‌است وچیزی به نام حرام وجود ندارد مگر آن چیزی که دولت ممنوع‌کند.رابعا هرچیزی پاک وخوب است وچیزی به نام نجس وپلید وناپاک‌وجود ندارد.مگر چیزهایی که اداره بهداشت آن را آلوده بداند.

در حال حاضر این مکتب توانسته است عده‌ای از مردم شهوت‌طلب وطالب لذات نامشروع را به دور خود جمع کند و آنان را فارغ از هرقید وبندی همانند حیوانات به استفاده از هر لذتی مانند هم

جنس بازی،زنا با اعضای خانواده همچون مادر وخواهر وپدر وبرادر!زنابا حیوانات!خوردن هرچیزی حتی جنین آدمی!آدمخواری!استفاده ازانواع مواد مخدر!و...وادار نماید.

10-سکولاریسم!

از جمله آسیبهای جدی به دین از ناحیه سکولاریسم ،می‌باشد.این‌نظریه از دیرباز ازدشمنان دخالت دین در جامعه بوده است ومخصوصااز زمان مشروطیت بوسیله روشنفکران غربزده،این تفکر ترویج می‌شده‌است.پیروان این مکتب معتقدند که باید دین را فقط در مکانهای دینی‌مشاهده کرد ودین حق دخالت در حکومت ودر ساختار سیاسی جامعه‌را ندارد.همانند کشور ترکیه که روزی پایتخت حکومت اسلامی بود ولی‌اکنون از نقش دین در ساختار سیاسی و در حکومت خبری نیست وبه‌اصطلاح »لائیک»می‌باشد.اما در عین حال مردم در مساجد نمازمی‌خوانند وکسی برای نماز خواندن وانجام فرایض دینی آنان ،ایجادمزاحمت نمی‌کند.

اما دراسلام هیچگاه دین از سیاست جدا نبوده وهمانطور که آیات‌قرآن وروایات بیان می‌کند،روش عملی زندگی رسول خدا(ص)شاهد

براین مدعا است.زیرا حضرت بعد از هجرت به مدینه وبدست گرفتن‌قدرت،حکومت تشکیل داد وفرماندهان نظامی را عزل ونصب‌می‌فرمود.به پادشاهان نامه می‌نوشت.مبلغین را به اکناف واطراف اعزام‌می‌فرمود.قضاوت می‌نمود وحکم صادر می‌کرد.با اقوام وقبیله‌ها پیمان‌می‌بست وقرارداد امضاء می‌نمود.برای خرید اسلحه ومواد غذائی‌اقدام می‌فرمود و...که می‌توان در این زمینه به کتابهای« فروغ ابدیت»و«تاریخ تحلیلی اسلام»مراجعه نمود.

در حال حاضر سکولاریسم توسط بعضی از پیروان این مکتب درکشور ما دنبال می‌شود ولی با حضور روحانیت شیعه وهدایت حکیمانه‌انقلاب توسط امام خمینی وبعد از ایشان مقام معظم رهبری ،و بی‌توجهی عامه مردم به سکولارها!آنان نتوانسته‌اند در این امر موفقیتی‌کسب کنند.

11-روشنفکران غربزده!

عده‌ای از تحصیل کردگان غرب و عده‌ای از روشنفکران که البته‌جمع قلیلی را تشکیل می‌دهند،همواره در مقابل غرب وظاهر پر از زرِوبرقش!احساس ذلت وخواری کرده و غربیان را ازما بهتران دانسته‌وایرانیان را عقب مانده وممتاج به غرب می‌پندارند.آنان خیال می‌کنندکه هرچه غرب بگوید درست است و هرچه ایرانی بگوید نادرست‌است.

«تقی زاده:باید از موی سر تا پا فرنگی بود تا به سعادت‌برسیم!»

ملکم:بنا به اصل ترقی،طبیعی است که هر چیزی متعلق به‌گذشته‌باشد از اعتبار ساقط است!وبه کار امروز نمی‌آید!اگر هم‌اصالتی درگذشته باشد در گذشته غرب است نه در گذشته‌ما!فرهنگ امروز غرب‌مترقی است و بایستی جای فرهنگ کنونی‌مارا بگیرد و آن را نسخ‌کند!

آزادیهای نامشروعی که در غرب وجود دارد باعث شده تا عده‌ای ازجوانان ایرانی به هوس آن آزادیها!غربزده شوند.

چه بسیار دختران و پسرانی که در آرزوهای خود، رفتن به یکی ازکشورهای غربی را می‌بینند و دیدار از آن سرزمینها را در رؤیاهای خودمشاهده می‌نمایند. آمریکا! اروپا! غرب! مظهر آزادی! و لذّات نامشروع‌در خیال و ذهن عده‌ای از جوانان بوده و چهره‌ای زیبا از این سرزمینها رادر تصورات خود به تصویر می‌کشند.

امّا آیا واقعاً غرب همان گونه است که این جوانان خیال می‌کنند؟

غربی که دانشمندان آن، سقوط دیر یا زود آن را، پیش‌بینی کرده‌اند!سرزمینهایی که از مظاهر خوبیها و زیبائیهای حقیقی در آن اثری نیست وبجای آن، شخصیت زنان و مردان در خدمت سرمایه‌داری و تمدن‌دروغین بکار گرفته شده است!

جوان ایرانی که می‌خواهد سعادتمند باشد، اگر درست در بارهٔ وضع‌غرب تحقیق کند، هیچگاه غرب را به عنوان آرزو و هدف خود قرارنمی‌دهد! غرب پاسخگوی همهٔ نیازهای یک جوان نمی‌تواند باشد! درغرب تنها می‌توان فحشاء ارزان و لذّات نامشروع را پیدا نمود. امّاسعادت و هدایت و کمال و رستگاری در آنجا پیدا نمی‌شود. آیا تا بحال‌شده است که یک جوان، باسفر به غرب، به انسانیت دست پیدا کند؟ آیاتا بحال شده است که با یک برنامهٔ تلویزیونی غرب، انسانی با خدا ومعنویت آشنا شود؟ امّا بسیار دیده شده که با یک فیلم غربی، یا بایک‌مسافرت به غرب، انسانی، فساد اخلاِ پیدا نموده و بدبخت شده‌است. تهاجم فرهنگی غرب، بسیاری از جوانان دنیا و عده‌ای از جوانان‌کشور ما را به پوچی و انحراف و دشمنی با دین و خدا کشانده است.

قهرمانان دروغین!

دنیای غرب بخصوص آمریکا چون فاقد قهرمانان واقعی در تاریخ خودهستند، به برکت حقّه‌های سینمائی و دنیای شگفت‌آور هنر هفتم،قهرمانانی دروغین که فقط در لحظهٔ نمایش فیلم واقعی بنظر می‌رسندولی وجود خارجی ندارند را خلق کرده است.

تارزان! راکی، رامبو! بروس‌لی و دهها چهرهٔ محبوب نوجوانان و جوانان‌پا به عرصهٔ سینماها و ویدئوها و رایانه‌ها گذاشته و عاشقان زیاد برای‌خود پیدا کرده‌اند. امّا وقتی به سراغ چهرهٔ واقعی این مردان افسانه‌ای‌می‌رویم، متوجه می‌شویم که اثری از قدرت و شجاعت و دلیرمردی که‌در فیلمها از آنان دیده می‌شود، نیست و اینان مردانی عادی هستند که ازطریق قدرت جادویی فیلم، چهرهٔ زیبا و محبوب پیدا کرده‌اند. لذا تاکنون‌فردی پیدا نشده است که از طریق این چهره‌ها به انسانی پاک و آزاده وغیرتمند و شجاع تبدیل شود. بلکه بر عکس انسانهای زیادی یافت‌می‌شوند که با علاقهٔ به این چهره‌ها روزها و شبهای زیادی را بپایان‌بردند ولی عاقبت خوبی پیدا نکردند.

البته پیشرفت صنعتی و اقتصادی ونظامی غرب قابل انکار نیست‌وعقب ماندگی ایرانیان از این جهت نیز ثابت‌است.ولی این نباید باعث‌شود که حرکت بسوی خودکفایی وپیشرفتها را از خود دور نموده وفقط‌به فکر تقلید از غربیان باشیم.اسلام در این زمینه قوانینن محکم و متقنی‌دارد که اگر ما مسلمانان به آن عمل کنیم می‌توانیم عقب ماندگی خود راجبران نموده و خود را به پیشرفتهای دنیای

غرب برسانیم.

لذا این موضوع هم از آسیبهای وارده به دین اسلام حساب می‌شود.

12-نشان دادن چهره خشن از اسلام

یکی از ترفندهای دشمنان اسلام،این بوده است که همواره چهره‌اسلام را خشن معرفی نموده‌اند.اسلام را دین شمشیر می‌خوانند.آیاتی‌که در قرآن در مورد جهاد با دشمنان است را تحریک به آتش افروزی‌وجنگاوری وتجاوز به دیگران تفسیر می‌کنند.تعدد ازدواج را ظلم به‌زنان می‌خوانند.محدودیتهای اسلام در مورد مسائل جنسی را ریاضت‌وسختگیری می‌نامند.و...

بعضی از جوانان خیال می‌کنند که دین اسلام دین ریاضت است. دین‌سختی کشیدن است.امّامثلا دین مسیحیت دین نرم وملایمی است!زیرادر اسلام بایدها ونبایدها زیاد است.باید نماز خواند.باید روزه‌گرفت.بایدخمس وزکات داد.باید حج وجهاد رفت.باید به دیگران‌کمک کرد.باید امر بمعروف ونهی از منکر نمود.

همچنین نباید زنا کرد.نباید شراب خورد.نباید به نامحرم نگاه کرد.نبایدگوشت خوک خورد.نباید رقصیدونباید موسیقی زننده گوش داد.نبایدفحش وناسزا گفت.نباید درمجالس حرام رفت.نبایدلواط واستمناءکرد.نباید مساحقه نمود.نباید موی بدن زن ویا زینتش آشکار شود.نبایدغیبت کرد.نباید دزدی نمود.نباید مال یتیم خورد.نباید ربا خوردو...

ولی از این غافلند که دین اسلام کاملترین دینهاست.وقوانین آن برای‌سعادت انسان تاروزقیامت کافی است.اگر اسلام بایدها ونبایدهای‌زیادی برای پیروان خود دارد برای آن است که همواره در مسیر صحیح‌حرکت کنند ودچار انحرافات نابودکننده دین ودنیا نشوند.هرکدام ازاحکام اسلام فلسفه وعلت خاصی داردکه بعضی از این علتها درکتب‌الهی وکتب مذهبی بیان شده است.قرآن درباره نماز می‌فرماید که:نمازمانع فحشاء ومنکر می‌شود.

شما اگر درباره حقیقت این آیه بررسی می‌کنید وسریهم به زندانهای‌کشورمان بزنید متوجه می‌شوید که اکثرزندانیان از کسانی هستند که‌بانماز ارتباطی نداشته‌اند.وشاید درعمرخود برای شرکت درنمازجماعت به مسجد نرفته اند.اسلام می‌خواهد با نمازروح آدمی را ازچنگالهای هوای نفس واز وسوسه‌های شیطان نجات بدهد.نماز کمرشیطانهارا می‌شکند.نماز گناهان را پاک می‌کند.

اگر ارزش نماز را بدانیم می‌فهمیم که نماز نه تنها سخت نیست بلکه‌برای عارفان بسیار لذت بخش است.آنچنان که شخصی مانند اویس‌قرن که پیرمرد چوپانی است بخود می‌گفت:اویس!امشب شب رکوع‌است وتا صبح در یک رکوع بسر می‌برد.وشب دیگر می‌گفت:امشب‌شب سجود است وتا صبح را در یک سجده بسر می‌برد.وشب دیگر راتا به صبح در قیام وایستاده عبادت می‌کرد.او که دیگر پیامبر وامام نبود تااین عبادتهارا مختص اولیاء خدا بدانیم.او پیرمرد بیسواد چوپانی بود که‌با معرفت صحیح به درجه‌ای رسید که جزء یاران علی(ع)،بود ودرکنارحضرتش جنگید وعاقبت به شهادت رسید.

نماز جلو انحرافات جنسی را می‌گیرد.نمازجلو اعتیاد را می‌گیرد.نمازجلو فقر را می‌گیرد.نماز جلو انحرافات سیاسی را می‌گیرد.نماز جلوانحرافات اعتقادی را می‌گیرد.نماز جلو انحرافات اقتصادی رامی‌گیردو...

در نتیجه نماز را نمی‌توان تکلیف سختی دانست.دیگر تکالیف واجب‌وحرام هم هرکدام نقش مهمی در هدایت انسان ودوری از انحرافات‌دارند.

اگر اسلام‌از زنا وروابط نامشروع نهی کرده است برای جلوگیری ازعواقب خانمان برانداز آن است.زنا پرده‌های حیا را بخصوص در زنان ازبین می‌برد.محبتهای زن وشوهری ووفاداریهارا به خیانت نسبت‌بهم،تبدیل می‌کند.وقت شریف وباارزش را در افراط گریهای جنسی‌صرف می‌نماید.زن ومردیکه از راه قانونی باهم ازدواج کنند،درغیر ازسالهای اولیه ازدواج،با هفته‌ای دویا سه بار نزدیکی اشباع میشوند

وبا خیال راحت وآرامش کامل به انجام وظایف خود می‌پردازند.ولی زن‌ویامردیکه ارتباطات نامشروع دارند،اوقات زیادی را صرف این حس‌سیری‌ناپذیر می‌کنند وگاهی علاقه موقتی به یک نفر پیدا می‌کنند ولی‌همینکه پای نفر دیگری بمیدان آمد از اولی دل می‌کنند که بقول‌معروف«لکل جدیدٍ لذةٌ!»برای هر جدید وتازه‌ای لذت خاصی است.

این افراد آرامش خیال ندارند زیرا زنا برخلاف فطرت پاک آدمی‌است.والبته از اثرات زیانبار آن که متلاشی شدن کانونهای‌خانواده‌ها،بچه‌های نامشروع،ناآرامیهای ذهنی‌واز همه مهمتر میل افرادزناکار به ایجاد فساد درجامعه ومیل به ظلم وستم ودروغ وکجرویهامصون نخواهند ماند.فردزناکار از نظر اسلام صلاحیت قضاوت،شهادت‌در دادگاه،امامت جماعت،مرجعیت واجتهادو...ندارد.

در روایات آمده که از علامتهای دشمنی با اهلبیت زنازادگی است وآمده‌که کسی با اهلبیت دشمنی نمی‌ورزد مگر اینکه بچهٔ زنا ویا بچه‌حیض!باشد.

چه پولهای هنگفتی که انسان‌های جامانده از حقیقت صرف ارضاءجنسی نامشروع خود نمی‌کنند.چه پولهایی که به زن‌های فاحشه‌می‌پردازند مثلا شخصی می‌گفت که درسال دویاسه بار به ترکیه رفته‌وچند شبی در هتل مانده ومبالغی را صرف هتل ومادام!!انموده وسپس‌بادست خالی!به کشورمراجعت می‌نماید درحالیکه اگر این پولهاراصرف ازدواج قانونی وشرعی می‌کرد میتوانست همواره از همسری که‌فقط متعلق به اوست وشریک زندگی اوست بهره های فراوانی درمسائل مختلف زندگی ببرد.

وچه پولهایی که این افرادصرف خرید ماهواره وفیلمهای مبتذل برای‌فقط لذت چشمها!نمی‌کنند.درحالیکه میتوانند با این پولها کارهایی که‌بدرد خود وخانواده وکشور ودنیایشان بخورد انجام دهند.

طبق آمار یکسوم کودکان انگلیس حرام زاده هستند!وبقیه کشورهای‌اروپائی وکشورهایی که درآنها بی بند وباری بعنوان یک عمل بد تلقی‌نمی‌شود نیز کم وبیش همین آمارهارا دارند.

این کودکان در آینده در سراسر کشور هرکدام در جایگاه خود زندگی‌خواهند کرد.بعضی در کارهای سیاسی وبعضی پستهای حساس رابدست خواهند گرفت وبعضی در بازار وتجارت وعده ای درآموزش‌وپرورش ودر طبابت ودرجاهای دیگر مشغول بکار می‌شوند.

کشوریکه مسئولینش از فرزندان حرام به عمل آمده باشند آیندهٔ سالمی‌نخواهد داشت.بلکه کسانی مثل شارون وجرج بوش وبیل کلینتون‌وامثال او قدرت را بدست می‌گیرند که از کشتار مردم مستضعف‌ومحروم ومخصوصا ملت‌های مسلمان لذت می‌برند.کسانیکه فاقدترحم نسبت به انسانها هستند وفقط خود ومردم خودرا می‌بینند وبرای‌هیچ کس دیگری ارزش واحترام قائل نیستند. اسلام تصدی پستهای‌حساس مثل رهبری وقضاوت وامامت جماعت را برای افراد حرام زاده‌ممنوع کرده است.وبرعکس توجه وعنایت ویژه‌ای به افراد باتقواوپاک‌وسالم از نظر اخلاقی دارد .

در مورد حجاب زن ودور بودن از نامحرمان اسلام نمی‌گوید که زن ازخانه بیرون نرود و نمی‌گوید که حق تحصیل علم و دانش را ندارد، بلکه‌علم و دانش را فریضهٔ مشترک زن و مرد دانسته است. اسلام فعالیت‌اقتصادی خاصی را برای زن تحریم نمی‌کند.اسلام هرگز نمی‌خواهد زن‌بیکار و بی‌عار بنشیند و وجودی عاطل وباطل بار آید. پوشاندن صورت‌و دستها، مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی‌نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است، آلوده کردن محیط‌کار به لذت جوئی‌های شهوانی است».

یکی از ایرادات به مسئلهٔ حجاب این است که حجاب موجب **سلب‌حق آزادی** که یک حق طبیعی بشری است می‌گردد ونوعی توهین

به‌حیثیت انسانی زن بشمار می‌رود. در جواب باید گفت که فرِ است بین‌زندانی کردن زن و بین موظف داشتن او به اینکه در مواجه شدن با مردبیگانه، پوشش داشته باشد. اگر رعایت پاره‌ای از مصالح اجتماعی، زن‌یا مرد را مقیّد سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ نمایند وطوری راه بروند که آرامش دیگران را بر هم نزنند و تعادل اخلاقی را ازبین نبرند، چنین مطلبی را زندانی کردن و سلب آزادی نمی‌نامند. چطوراگر مردی با بدن برهنه از خانه بیرون آید، پلیس جلو او را می‌گیرد و به‌عنوان عمل منافی حیثیت اجتماعی او را جلب می‌کند، این کار پلیس راضد آزادی و زندانی کردن، تلقی نمی کنند!

13-توهم تضاد بین دین وعلم

عده زیادی از روشنفکران و دیگران توهم کرده‌اند که دین دشمن‌علم است وهمانطور که قبل از رُنسانس اروپا بین مسیحیت وعلم‌دشمنی بود وتا حاکمیت کلیسا برمردم وجود داشت،اروپا پیشرفت‌علمی نکرد ولی همینکه مردم علیه ارباب کلیسا قیام کردند وآن را کنارزدند،انقلاب علمی در اروپا شروع شد و به جایی رسید که غرب‌پیشقراول تمدن گردید،پس در هر کشوری که دین حاکم باشد،آن کشورعقب مانده خواهد بود وباصطلاح مارکس وبعضی روشنفکران:دین‌افیون توده‌ها ودولتهاست!

اما یکی تمدن اسلام که از قرن دوم تا قرن ششم در کشورهای‌اسلامی وجود داشت و دیگری انقلاب اسلامی ایران این توهم را باطل‌نموده است.اگر در بین ادیان ومکاتب الهی و حتی غیر الهی بررسی‌وتحقیق صورت بگیرد آن وقت معلوم می‌شود که دین اسلام از همه‌ادیان بیشتر بر روی مسئله علم وآگاهی و تعلیم ودانش وصنعت‌ومهارت و...تأکید نموده است.

ارزش دانش آنچنان مهم است که خالق به قلم ومرکب قسم خورده‌است«**ن.والقلم ومایسطرون**»

درمیان نوع بشر،هیچگاه بین دانشمند با بی دانش مساوات نیست واین‌مورد قبول همهٔ انسانها می باشد.لذا خدا درقرآن از مخاطبین قرآن می‌پرسد که:

«آیا آنانکه می دانند با آنانکه نمی دانند یکسانند؟»«زمر9»

مَثل بیسوادان وبی دانشان را به کور زده‌اند.با چراغ علم می توان‌تاریکیهارا کنارزد ودر راه درست قدم زد.به درجات بالا رسید وخودودیگران را به سعادت رساند.

افراد بی دانش زود گول می خورند وسریعتر بدام صیادان صیدکنندهٔانسانهای جاهل می افتند.

هدف اصلی انبیاء دو چیز بوده است:تزکیهٔ انسانهاوآموختن کتاب‌وحکمت‌به آنان.

ملتهایی که بدنبال علم ودانش باشند،سربلند ورستگار وعزیز وجلوداورومرفه و...هستند.

14-اهمیت ندادن به حس مذهبی نوجوانان و جوانان

هرفردی دارای حسّ مذهبی می‌باشد.واین حسّ از تقریبادوازده سالگی در فرد پیدا می‌شود.گویا قبل از اینکه بلوغ‌جنسی وغرایز دیگر انسان را منحرف کنند،خداوند این حسّرا در انسان قرار داده تا با پرورش این حسّ آمادگی لازم برای‌کنترل غرائز خود وغرائزی که معمولا بعد از چهارده سالگی‌وبه بعد در انسان ظهور پیدا می‌کند،داشته باشد.

مذهب مهمترین عامل سلامت انسان ووسیله‌ای قوی در رسیدن انسان‌به سعادت وکمال می‌باشد.

شخصیکه به خالق یکتا تکیه دارد ودرشبانه‌روز مرتب با معبود خود رازونیاز می‌کند،ساعت به ساعت ودقیقه به دقیقه وثانیه به ثانیه قوی‌می‌شود،بطوریکه دیگر از بنی بشری نمی‌ترسد وانسانی شجاع وقوی‌میشود وبجائی می‌رسد که علی(ع)رسید وفرمود:اگر همهٔ عرب به من‌حمله نمایند،من هرگز احساس ترس نمی‌کنم وفرار نمی‌نمایم.ویامانندامام خمینی(رض) که فرمود:من در عمرم از چیزی نترسیده‌ام.

مذهب در سلامت روح وروان انسان آنقدر مؤثر است که نمی‌توان‌برای آن جایگزینی پیدا کرد.

چه باید کرد؟

برای پرورش حس مذهبی فرزندان باید چند مرحله راطی کرد:

1ـ آنها را با استدلال ساده با خدا آشنا نمائیم.

2ـ خدا را با صفات نیکویش مانند رحمان و رحیم و آمرزنده بودن‌معرفی کنیم.

3ـ از دوستی خدا با آنها حرف بزنیم. «ای پیامبر بگو: اگر خدا را دوست‌دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته و گناهانتان رابیامرزد و خدا آمرزنده و مهربان است».آل عمران31

4ـ نوجوانان را به عبادات واجب و مستحب عادت داده و نماز را ازهفت سالگی به آنها آموزش دهیم.

اگر پرورش مذهبی نوجوان از دوازده سالگی بدرستی انجام پذیرد، او در16 سالگی یک فرد معتقد و با ایمان خواهد بود و با این احساس‌می‌تواند در مقابل تمایلات نفسانی و شهوات، مقاومت کند و از تندروی‌و طغیان برکنار بماند. امّا برعکس، نوجوانی که

احساسات مذهبیش‌مورد حمایت و پرورش قرار نگرفته و احیاناً سرکوب شده باشد،نوجوانی که خواهش معنویش ارضاء نگشته و نور ایمان، ضمیرش راروشن ننموده باشد، در 16 سالگی محکوم تمایلات غریزی و شهوی‌خواهد بود و عواطف مذهبی پرورش نیافته‌اش قادر نیست او را درمقابل انحرافات ایمنی بخشد.

عبادات واجب و مستحبی که در اسلام تشریع شده و همچنین دعا ونیایش در پیشگاه الهی از عوامل مؤثر در تحکیم دوستی و محبت‌پروردگار است. نماز ارتباط دهندهٔ انسان به خالقش می‌باشد. نمازگزارروزی چند بار به پیشگاه خدا می‌رود و مراتب دوستی خود را بامحبوبش تجدید می‌کند.

اگر گناهانی کرده آنها را بوسیلهٔ نماز پاک می‌کند و اگر چند قدمی ازخدایش دور شده، بوسیلهٔ نماز بعدی به خدایش برمی‌گردد. خدای‌واقعی آنقدر رحمت و عطوفت دارد که باب توبه بر روی همه گشوده‌است. اگر انسان آلودگی پیدا کرد، راه بازگشت به پاکی و خدا باز است.حتی اگر توبه را شکست و باز آلوده شد، باز هم راه بازگشت دارد وباصطلاح: اگر صدبار توبه شکستی باز آی! خالقی که در گرفتاریها وسختیهای زندگی، تکیه‌گاه انسان است.

علی‌ع می‌فرماید: «یا مَنْ عَلَیْهِ مُعَوَّلی» ای تکیه‌گاه من! «یا مَنْ اِلَیْهِ شَکَوْتُ اَحْوالی» ای کسی که گرفتاریهایم را فقط به او می‌گویم. این دین‌صحیح و ایمان واقعی است که انسانها را از انحرافات و آلودگیها دور وپاک کرده و آنها را سعادتمند می‌نماید.

امّا بدبختانه دنیای امروز به تمایلات مذهبی جوانان نه تنها کار نداردبلکه با انواع برنامه‌های انحرافی این حس را در میان جوانان از بین‌می‌برد. دنیای غرب آنطور که برای یک کالای صنعتی سرمایه گذاری‌کرده و اهمیت قائل می‌شود، برای تربیت صحیح و پرورش حس‌مذهبی ارزش وارجی قائل نمی‌شود.

تربیت فرزند بر اساس تربیت دینی

اولین نکته برای آرامش خانواده و دوری از رفتارهای ناپسند جوان،شناخت روان جوان و آگاهی از مقتضیات جوانی است. فرزند جوان،مطابق میل طبیعی، عاشق استقلال و تشخص است. می‌خواهد هرچه‌زودتر خود را از محدودیتهای دوران کودکی رها سازد و به

گروه‌بزرگسالان بپیوندد و مانند آنان مستقل باشد. او خواستهٔ خود را بر زبان‌نمی‌آورد! ولی اگر به مقصود خود نائل نشود و به حق طبیعی خود،دست نیابد، سرکشی و طغیان می‌کند، به کارهای غیر عادی دست‌می‌زند، بد رفتار و تندخو می‌شود و با زبان حال می‌گوید:

به شخصیت من احترام بگذاریدا مرا مستقل و آزاد بشناسیدا با من‌همانند یک فرد بزرگ برخورد کنیدا

در سخن پیامبرص است که فرمود: «**فرزند، هفت سال آقاست.هفت سال بنده است و هفت سال هم وزیر است».**

طفل هفت سال اول بر پدر و مادرش حکومت می‌کند! زیرا فکرش نارساو جسمش ناتوان است. پدر و مادر باید با دیدهٔ رأفت به او نظر کنند وناچارند که خواسته‌های او را برآورده سازند.

در هفت سال دوم، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در تن و روان کودک پدیدمی‌آید. جسمش قوی می‌شود و درکش رشد می‌کندو تا اندازه‌ای‌خوبیها و بدیها را می‌فهمد. لذا مورد مؤاخذه والدین و مربی و آموزگارقرار می‌گیرد. و چون عقلش بخوبی شکفته نشده و صلاح و فساد خودرا به درستی تشخیص نمی‌دهد، پدر و مادر آمرانه به او تذکر داده و اوباید فرمان والدین را اطاعت کند.

امّا در هفت سال سوم نشانه‌های جوانی و بزرگسالی در او پدیدمی‌آید. لذا احساس مسئولیت می‌کند و در تدبیر زندگی همکار والدین‌می‌باشد.

از بکار بردن کلمهٔ وزیر چند نکته را می‌فهمیم:

الف ـ جوان تشخص طلب و استقلال جواست.

ب ـ نباید با او آمرانه برخورد کرد.

هیچ چیز بیش از حق رأی در تربیت آنان مؤثر نیست. باید در خانه ومدرسه به آنها حق اظهار عقیده داده شود. البته استقلال دادن به جوان‌به این معنا نیست که وی در تمام اعمالش آزاد باشد تا به میل خود به هرمحیط فاسدی برود، زیرا جوان که عقلش نسبت به احساساتش ضعیف‌است، همواره در معرض سقوط قرار دارد. جوان اغلب پایان کار رانمی‌بیند و از تشخیص بسیاری از بدیها و خوبیها عاجز است. پس مراداز وزیر بودنش آن است که هم شخصیتش مورد احترام باشد و هم‌اختیار صد در صد نداشته باشد، بلکه تصمیم نهایی با والدین است.

سختگیری بی مورد، زورگویی و ستم، تعدی و خشونت والدین نسبت‌به جوان یکی از دو نتیجه را به بار می‌آورد:

الف ـ جوان بر اثر فشارهای طاقت فرسای روحی و نظارتهای خسته‌کنندهٔ والدین، نیروی مقاوت خود را از دست داده و تسلیم شرائطموجود می‌شود. او اگر چه سازگار و سربزیر می‌شود ولی استعدادهای‌خود را از دست می‌دهد و یک انسان نالایق بار می‌آید.

ب ـ جوان در مقابل سختگیری‌ها می‌ایستد که در نتیجه باعث اختلاف‌در خانواده می‌شود. عربده‌ها و فریادها، تندی و خشونت، اشک و زاری،هیجان و ناراحتی برنامهٔ عادی چنین خانه‌هایی خواهد بود!

بعضی پدران بخاطر عقدهٔ خودکم‌بینی، خشن و تندخو هستند. برای‌ابراز قدرت در خانه، با اهل منزل بدرفتاری می‌کنند، فریاد می‌کشند،دشنام می‌دهند. گاهی بچه‌هارا کتک می‌زنند! و گاهی در محیط منزل‌ایجاد رعب و هراس می‌کنند! لغزش یا اشتباه کوچک را بزرگ تلقی کرده‌و چشم‌پوشی نمی‌کنند. مثلاً پدر اگر بخواهد بخوابد، انتظار دارد که همهٔ‌اهل خانه ساکت باشند و اگر صدایی بلند شود، طوفان بپا می‌کند! ولی‌اگر دیگران خواب باشند، استراحت دیگران برایش ارزشی ندارد!کودکان این خانه‌ها بر اثر سختگیری بی مورد والدین، خشمگین وعصبی بار می‌آیند و همواره در خود احساس حقارت نموده و این حس‌بصورت عقده در آنها باقی می‌ماند!

البته تا کوچک هستند نمی‌توانند در مقابل رفتار خشن پدر نیرومندخود عکس‌العملی نشان دهند، امّا زمانی که پا به سن جوانی می‌گذارند،برای اینکه در خانه بخاطر عقدهٔ حقارت خود، ابراز وجود کنند، کانون‌خانواده را به محل مشاجره و ناسازگاری تبدیل کرده و کار به آنجامی‌کشد که فرزند در مقابل پدر می‌ایستد! راه حل این معضل به دوطرف برمی‌گردد. دو طرف باید خودسری و لجاج را ترک کنند و ازتمایلات نادرست خویش چشم بپوشند تا بتوانند با همکاری یکدیگرمشکلات را حل کنند.

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی راانجام‌داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان‌مجرم ازاختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند. یعنی هم ازحیث عاطفی مورد بی مهری قرار گرفته بودند و هم احساس‌ناامنی و حقارت داشتند!

زیبائی حقیقی ومجازی

مقدمه

زیبائی بر دوقسم است.زیبائی ظاهری وزیبائی باطنی.افرادواشیاءهم در رابطه با این مسئله چهار دسته هستند.

1-کسانی که هم ظاهر وهم باطن آنها زیبا است.

2-کسانی که فقط ظاهرشان زیبا ولی باطنشان نازیباست.

3-کسانی که فقط باطنشان زیبا ولی ظاهرشان نازیباست.

4-کسانی که نه ظاهر ونه باطن هیچکدام زیبا نیستند.

از نظر دین اسلام دستهٔ اول وسوم مورد تأیید می‌باشند.و سعادتمندبحساب می‌آیند.ولی از نظر اکثرمردم دستهٔ اول ودوم مورد پسند وتأییدبوده وهمه آرزو دارند که اینگونه باشند.

در این مبحث سعی بر این است که آنچه برای جامعه سودمندوباعث سعادت آن است از غیرآن تمیز داده شود.و ما بتوانیم ازانحرافاتی که در این مسئله بوجود آمده آگاه شویم.

مارأیتُ الاّ جمیلاً

«در مقابل ابن زیاد که به زینب گفت: دیدی خدا با برادرت چه کرد؟فرمود: **مارأیتُ الاّ جمیلاً** من فقط زیبائی و لطف خدا را دیدم».

شهادت حضرت یحیی(ع) به دستور یک زن فاسد

وقتی »هیرودیس» تصمیم گرفت تا خلاف قوانین تورات با دخترِ برادرخود که زن فاسدی بود، ازدواج کند، حضرت یحیی7 با این امرمخالفت کرد و این ازدواج را باطل اعلام نمود.

زن مزبور وقتی از مخالفت این پیامبر الهی باخبر شد، دشمنی با او را دردل گرفت و نقشه‌ای کشید. او شبی خود را زینت داد و با زیبائی کامل‌نزد عمویش رفت و در ساعتی که دل عمو در گرو گرفتن کام دل از این زن‌فاسد بود، قبول خواستهٔ عمو را در گرو کشتن یحیی7 اعلام کرد.پادشاه شهوتران برای جلب رضایت این زن زانیه، دستور داد تا سریحیی7 را برای آن زن بیاورند! مأمورین پادشاه سر حضرت‌یحیی7 را در حال عبادت بریدند و داخل طشتی قرار داده برای این‌زن آوردند.

مادر حجّاج خونخوارا

مادر حجاج زن هوسرانی بود که با مردانی غیر از شوهرش ارتباطنامشروع داشت. او مدتی عاشق جوان زیبائی بنام نذر شد و اشعارعاشقانه در وصف یار می‌گفت. عمر که خلیفه بود، خبردار شد و دستورداد تا سر نذر را تراشیدند و او را تبعید نمود. گفته‌اند حتی در هنگام‌آمیزش با شوهرش یوسف، بیاد نذر بود. امام ششم7 در بارهٔ حجاج‌که 120000 شیعه را شهید نمود فرمود: **این جنایات حجاج بخاطر آن‌مادر عیاش و لاأُبالیش بوده است.**

مریم(س)

زن دومی که خدا او را نمونه ایمان می‌داند، حضرت مریم‌س است.

او که مادر حضرت عیسیع است در این آیه با چند عبارت مدح شده‌است.

1ـ او زنی بوده که خود را با وجود زیبائی و مجرد بودن و امکان گناه، ازحرام حفظ کرد.

2ـ خداوند با اعجازش او را بدون اینکه با مردی تماس داشته باشد، به‌حضرت عیسیع باردار نمود.

3ـ او کلمات خداوند و کتابهای آسمانی او را تأیید کرده و به آن ایمان‌داشت.

4ـ او جزء عبادت کنندگان بوده است.

زن زیبا درقیامت

امام صادِق ع: روز قیامت، زن زیبائی را که با زیبائی خود فتنه‌می‌کرده است، می‌آورند و به او خطاب می‌شود که چرا فتنه کردی؟جواب می‌دهد که: خدایا! تومرا زیبا آفریدی! به او خطاب می‌شود که‌حضرت مریم3 از تو زیباتر بود ولی او فتنه نکردا سپس مرد زیبائی‌را که با زیبائی خود فتنه می‌نموده است، را می‌آورند و به او خطاب‌می‌شود که چرا فتنه کردی؟ جواب می‌دهد که: تو مرا زیبا آفریدی! به اوخطاب می‌شود که حضرت یوسف از تو زیباتر بود، ولی به فتنه نیفتاد.بعد شخصی را که بخاطر بلاها و سختیها به فتنه افتاده بود را می‌آورند.به او خطاب می‌شود که چرا تحمل سختیها ننمودی و به فتنه افتادی؟جواب می‌دهد که تو سختیها و بلاها را بر من نازل کردی و من به فتنه‌افتاده‌ا به او خطاب می‌شود که بلاهای حضرت ایوبع از تو بیشتربود ولی او به فتنه نیفتاد

امّا طراوت و زیبائی ایّام جوانی

تمایل آدمی به زیبائی و جمال یکی از خواهشهای فطری بشر است واحساس لذّت از مناظر زیبا، با سرشت انسان آمیخته شده است. بهمین‌جهت تمام طبقات مردم حتّی ملل و اقوام دور از تمدن شهری دارای‌این احساس طبیعی هستند.

در دنیای کنونی مسئلهٔ زیبائی مورد کمال توجه قرار گرفته و تمام طبقات‌مردم به زیبائیها ابراز علاقه می‌کنند و علم و پیشرفت در خدمت این‌مسئله قرار گرفته و آخرین دستاوردهای علمی را برای زیبا کردن بکارمی‌گیرند.

مردم علاقه دارند همه جا و همه چیز زیبا باشد. در خانهٔ آراسته زندگی‌کنند، لباس زیبا و شیک بپوشند، صورت و موهای خود را بیارایند، روی‌مبل قشنگ بنشینند، سوار ماشین زیبا بشوند، حیاط منزل و اطاِپذیرائی، غرِ گلهای قشنگ باشد، و خلاصه امروزه پولهائی را که مردم‌خرج قشنگ کردن خود و زندگی خود می‌کنند اگر از مصارف ضروری‌بیشتر نباشد، کمتر نیست!

آئین اسلام که برنامهٔ جامع سعادت و کامیابی بشر است، به موضوع‌جمال و زیبائی توجه مخصوصی دارد. اسلام در ضمن پرورش کلیهٔ‌تمایلات فطری بشر، عاطفهٔ جمال دوستی مردم را نیز مورد حمایت وتربیت قرار داده و استفاده از زیبائیهای طبیعی و مصنوعی را به پیروان‌خود اکیداً توصیه کرده است.

قرآن در آیات مختلف این مطلب را ذکر نموده است. از جمله در آیهٔ 7سورهٔ 18 «اِنّا جَعَلْنا ما عَلَی الاَرْضِ زینَهً لَها» یعنی : ما موجودات

روی‌زمین را زینت و جمال زمین قرار دادیم.

و در آیهٔ 7 سورهٔ 50 می‌فرماید: «اَفَلَمْ یَنْظُرُوا اِلَی السَّماءِ فَوْقَهُم کَیْفَ بَنَیْناها وَ زَیَّنّاها» یعنی: آیا به آسمان بالای سرشان نگاه نمی‌کنند که‌چگونه آن را ساخته‌ایم و آن را زیبا نموده‌ایم؟

و در آیهٔ سورهٔ اعراف می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زینَةَ اللّهِ الَّتی اَخْرَجَ لِعِبادِه» بگو چه کسی زینتهائی را که خدا برای بندگانش قرار داده،حرام نموده است؟

پیامبران خدا عموماً زیبا و عاری از هرگونه نقص بدنی بوده‌اند. صورت‌زیبا و چهرهٔ جذّاب یوسف صدّیق‌ع یکی از امتیازات آن پیامبرمحسوب می‌شد.

پیشوای عالیقدر اسلام حضرت محمّد6 علاوه بر زیبائی رخسار،گیرندگی و ملاحت مخصوصی داشت.

امیرالمؤمنین علی7 نیز زیبا بود، چنانچه در بارهٔ او آمده است: روزی‌علیّ7 نزد پیامبر رفت. قیافهٔ جذّاب و صورت زیبایش بقدری جلوه‌داشت که پیامبر فرمود: چنین پنداشتم که ماه شب چهارده بمن نزدیک‌شده است.

این مقدمه‌ای بود تا گفته شود یکی از آثار بلوغ، بوجود آمدن زیبائی‌طبیعی در جوانان از یکطرف و از طرفی میل به خودآرائی و زینت‌نمودن است. بطوری که گاهی این حس به افراط کشیده شده و دربعضی از دختران منجر به یک نوع بت‌پرستی برای بدن و هنر می‌گردد.اینجاست که باید معیاری برای ارضای این حس وجود داشته باشد تا ازهرگونه افراط و تفریط جلوگیری نماید. اسلام از راه پاکیزگی بدن،مسواک دندانها، معطّربودن، رنگین کردن و روغن زدن مو، لباس زیباپوشیدن و کارهائی نظیر اینها، حسّ خود آرائی جوان را به راه صحیح وبی‌خطر هدایت نموده و بر جلوه و جمال آنان افزوده است.

تجمّل پرستی و زیاده‌روی در زینت و خودآرائی، عوارض نامطلوبی دربر دارد و ممکن است دختران و پسران را به راههای غلط سوِ دهد ومایهٔ تیره‌روزی و بدبختی آنان گردد.

از جمله عوارض نامطلوب آن، پیدا شدن وسواس و اختلالات روحی،پیدا شدن خوی ریاکاری و خودپرستی، صرف شدن مقادیر زیادی ازعمر گرانقیمت در این کار، فاصلهٔ زیاد بین ظاهر و باطن اشخاص و غیره‌می‌گردد.

البته اسلام به زیبائی باطنی هم اهمیت داده و آن را یکی از ارکان اساسی‌زیبائی بشر می‌داند. به عبارت دیگر، زیبائی کامل و جامع برای انسان‌عبارت از این است که سیمای جسم و جان و شکل و صورت و معنی‌هر دو زیبا باشند. جمال طبیعی و تجمّل مصنوعی، ظاهر را زیبا می‌کندولی علم و اخلاِ که عالی‌ترین زینت و درخشانترین زیور اختصاصی‌انسان است به آدمی زیبائی روحانی و جمال معنوی عطا می‌نماید.

امام عسگری‌ع فرمود: زیبائی صورت، جمال ظاهری است و زیبائی‌عقل، جمال باطنی است.

خوشبختانه در دوران جوانی، میل به جمال روحانی و صفات خوب‌اخلاقی در باطن جوانان بیدار می‌گردد و علاقه به زیبائی معنوی، درضمیرشان شکفته می‌شود. جوانان بطور طبیعی به جوانمردی و فتوّت‌تمایل پیدا می‌نمایند و فطرتاًبه فضائل اخلاقی و صفاتی مانندراستگوئی، فداکاری و ایثار، عزّت نفس، اداء امانت و نظائر آنها علاقه‌پیدا کرده و از صفات بدی مانند دروغگوئی، خیانت، عهد شکنی،نادرستی و غیره متنفرند.

جوانان در رابطه با صفات اخلاقی سه دسته‌اند:

اول: جوانی که دارای سجایای اخلاقی و صفات انسانی است، جوانی‌که پاکدل و با ایمان، راستگو و درستکار، خدمتگذار و باوفا، امین وخیرخواه و خلاصه دارای صفات پسندیده است، در جامعه محبوبیت‌دارد. او واجد زیبائی ظاهری و جمال معنوی است و همواره موردعلاقه و احترام مردم خواهد بود. چنین جوانی مانند شاخ گل معطّری‌است که علاوه بر طراوت و جمال طبیعی، دارای بوی مطبوع وشامّه‌نوازی است.

دوم: جوانی است که دارای صفات خوب اخلاقی نیست ولی به صفات‌بد هم آلوده نشده است. اگر خیرش به مردم نمی‌رسد، شرّی هم ندارد.اگر از بینوایان دستگیری نمی‌کند، به آنان آزار هم نمی‌رساند. این گروه‌هم تا اندازه‌ای محبوب جامعه هستند زیرا به مردم آسیبی نمی‌رسانند وجامعه از شرّ آنان در امان است.

سوم: جوانی است که آلوده به صفات ناپسند است! اخلاقش فاسد ومردم از رفتار و گفتارش در عذاب هستند! او هر چقدر زیبائی ظاهری هم‌داشته باشد و مو و صورت و لباس خود را بیاراید، باز هم مورد تنفرجامعه است! زیرا جمال ظاهری نمی‌تواند عیوب باطنی او را بپوشاند.مانند جوان زیبائی که مثلاً کودکی را به قتل برساند! در این هنگام سیل‌خشم و تنفر مردم متوجه او می‌شود و مردم هرگاه او را می‌بینند و یاعکسش را در روزنامه‌ها مشاهده می‌نمایند، نه تنها از قیافهٔ زیبای اومسرور و خوشحال نمی‌شوند بلکه برعکس انزجارشان

بیشتر می‌شود واگر دستشان به او برسد معلوم نیست چه بلائی سر او بیاورند!

اینجاست که باید ببینیم چه باید بکنیم تا جوان سعادتمند باشیم؟ برای‌آنکه جوانان به سجایای اخلاقی متخلّق شوند و از زیبائی روحانی‌برخوردار گردند، برای آنکه جوانان گرفتار فساد اخلاِ نشوند وسرانجام مطرود جامعه نگردند، باید خودشان و همچنین مربیّانشان‌همواره متوجّه وظائف خویش باشند.

جوانان باید خود را بشناسند و در خاطر داشته باشند که ایّام کودکی راپشت سر گذارده و اینک خود دارای استقلال و مسئولیت شخصی‌هستند، باید بدانند که اکنون قسمت اعظم خوشبختی و بدبختی آنان دراختیار خودشان قرار گرفته است.

آنان باید بدانند که باشرکت در مجالس گناه و معاشرت با افراد آلوده وناپاک، موجبات تیره روزی و بدبختی خود را فراهم می‌آورند و خویشتن‌را به فساد اخلاِ که باعث بدنامی و نفرت اجتماعی است، آلوده‌می‌نمایند.

داستان جوانی که از گذشته عبرت گرفت!

در زمان حکومت عبدالملک مروان، مرد تاجری بود که مردم او را به‌درستکاری و امانت می‌شناختند. و صاحبان کالا، اجناس خود را بطورامانت و به عنوان حق‌العمل کاری نزد وی می‌گذاشتند. امّا در یکی ازمعاملات از مسیر درستی و امانت منحرف شد و خیانت نمود و طولی‌نکشید که مردم این خبر را شنیدند و آبروی چندین سالهٔ او برباد رفت!مردم دیگر بطرف او نمی‌آمدند و او ورشکسته و زیان دیده شد. امّا پسراین تاجر که جوانی فهمیده و بافراست بود، از این حادثه عبرت گرفت وتصمیم گرفت که از سرگذشت تلخ پدرش عبرت گرفته و هیچگاه‌خیانت نکند. او وارد بازار کار شد و پس از مدتی مردم به او اعتمادنمودند و با او معامله می‌کردند.

روزی افسری که همسایهٔ آن تاجرزاده بود، نزدش آمد و گفت: من درحال رفتن به جنگ با روم هستم. احتمال دارد که دیگر زنده‌برنگردم. این ده هزار سکهٔ طلا نزد تو امانت باشد. اگر برنگشتم، درمواقعی که همسر و بچه‌هایم محتاج هستند، به آنها بده و هزار سکه هم‌از این پولها مال خودت است! سپس آن افسر خداحافظی کرد و عازم‌نبرد شد. بعد از مدتی خبر کشته شدن او به خانواده‌اش رسید. تاجرورشکسته و پدر تاجر فعلی که از ده هزار سکه اطلاع داشت، نزد

پسرآمد و گفت: مال که صاحب این پولها کشته شده تو بیا ومقداری‌ازاینهارا بمن بده تا رونقی به زندگیم بدهم و بعداً آن را بتو برمی‌گردانم!پسر گفت: پدر! تو از خیانت و نادرستی به این وضع افتادی! بخدا قسم‌اگر اعضاء بدنم را قطعه قطعه کنند، من در امانت خیانت نخواهم کرد واشتباه تو را تکرار نمی‌کنم!

وقتی زندگی بر خانواده افسر مقتول سخت شد، نامه‌ای به خلیفه‌نوشتند و درخواست کمک کردند ولی نتیجه‌ای نگرفتند. این جوان ازاین مسئله مطّلع شد و فرزندان آن افسر را خواست و به آنها گفت: پدرشما برای همچو روزی مقداری سکه نزد من گذاشته است. و سفارش‌کرده که هزار سکه مال من باشد و بقیه را بشما برگردانم. آنها خوشحال‌شده و گفتند ما دو هزار سکهّ بتو می‌دهیم. جوان پولها را به آنان داد وآنان هم دوهزارسکه به او دادند. بعد از چندی خلیفه دستور داد که ازوضع آن خانواده تحقیق کردند و هنگامی که از ماجرای امانت داری این‌جوان آگاه شد، دستور داد او را احضار نمودند و پُست خزانه‌داری را به‌او محوّل نمود!

یوسف زیبا و صدّیق!

تقدیر الهی بر این قرار گرفت که یوسف زیبا و صدّیق در خانهٔ عزیز مصرزندگی کند. عزیز مصر که از همان لحظهٔ اول سخت تحت تأثیر اصالت ونجابت یوسف قرار گرفته و پی برده بود که از خاندانی بزرگ و ریشه داراست، به همسرش زلیخا گفت: «در رعایت حال او بکوش! امید است درآینده بحال ما ثمربخش باشد، یا او را بفرزندی بگیریم».

زلیخا که زنی زیبا و از شکوه و جلال خاصی برخوردار بود، بعلت عنین‌بودن همسرش عزیز، همچنان دختر مانده بود! یوسف، نیز بسیار زیبا ودرخشان و با حجب و حیا بود. در مدت 9 سالی که یوسف در خانهٔعزیز مصر بسر برد، زلیخا در دل، عاشق یوسف شده بود و در پی‌فرصتی برای عملی کردن این عشق نامقدس بود!

در یکی از روزها، زلیخا در حالی که خود را آرایش و زیباتر نموده بود،یوسف را به اطاِ خوابش فرا خواند و هنگامی که یوسف پاک، بی خبراز نیت زلیخا، به اطاِ او داخل شد، زلیخا در را بست و به یوسف گفت:یوسف! اینک من در اختیار توام! یوسف وقتی متوجه منظور او شدگفت: «بخدا پناه می‌برم! خدایی که جایگاهم را خوب قرار داد. حقیقتاًستمکاران رستگار نشوند». در این موقع یوسف بطرف در دوید تا ازاطاِ خارج شود، ولی زلیخا از پشت پیراهن یوسف را گرفت تا او رانگاه دارد، امّا پیراهن پاره شد و یوسف از اطاِ خارج شد که ناگاه

عزیزمصر داخل شد و آن صحنه را دید. زلیخا زرنگی کرد و به شوهرش گفت:«مجازات کسی که نظر بد به زنت داشته باشد زندان یا شکنجه است»یوسف گفت: او از من کام خواست! عزیز مصر از پاره شدن پیراهن‌یوسف پی به ماجرا برد و به زنش گفت: این مکر و فریب شما زنان است‌و تو خطاکار بوده‌ای!

در هر حال زلیخا هر تلاشی را بکار گرفت تا دل یوسف را بد0ست آورد،آن جوان پاک و طاهر تن به گناه نداد تا اینکه یوسف به خدایش عرض‌کرد: «خدایا! زندان برایم از آنچه این زنان از من می‌خواهند، بهتراست!» چندی بعد یوسف را به زندان انداختند و مدت حداکثر 14سال و حداقل 7 سال در زندان بسر برد ولی حاضر نشد تن به گناه دهد وروح و روان خود را با شهوت نامشروع آلوده نماید. در مقابل این تقوا ومبارزهٔ با نفس، خداوند به یوسف، پادشاهی و حکمت عطا نمود.

یحیای شهید

حضرت زکریاع در پیری و بعد از عمری در حسرت فرزند، صاحب‌پسری شد که او را یحیی نام نهاد. یحیی نوزادی زیبا و خوش ترکیب‌بود، و در همان سنین بچگی، اندیشه‌ای تابناک و هوشی سرشار واستعدادی فارِ العاده داشت. طبق آیات قرآن، خداوند در کودکی به اوحکمت و دانش داد.

یحیی از همان کودکی از مردم کناره می‌گرفت و حال و هوای خاصی‌داشت! او چنان دلباختهٔ خداوند بود و چندان به عبادت می‌پرداخت واشگ می‌ریخت که رفته رفته بدنش نحیف و لاغر گردید. او از همان‌خردسالی مردم را به خدا دعوت می‌نمود و آنان را با بیانات پرشورخود، موعظه می‌کرد و از نافرمانی خدا برحذر می‌داشت! او آنچنان به‌قیامت معرفت داشت که هرگاه در مجلسی سخن از قیامت و جهنم‌می‌شد، تاب نمی‌آورد و گاه بیهوش می‌شد و گاه سر به بیابان‌می‌گذاشت.

پادشاه زمان یحیی شخصی بنام »هیرودیس» بود که با زنی بنام«هیرودیا» ازدواج کرده بود. این زن از شوهر سابق خود دختری زیبا وفتنه‌گر و دلربا داشت. پادشاه که‌که عاشق این دختر شد و تصمیم به‌ارتباط نامشروع با او را گرفت. این مطلب در میان مردم پخش شد وبگوش یحیی7 رسید. یحیی به پادشاه هشدار داد که این عمل‌برخلاف حکم تورات و شرع موسی می‌باشد! و باید از مراوده و ازدواج‌با این دختر که محرم پادشاه است، بپرهیزد! مخالفت یحیی با این مسئله‌باعث شد تا هیرودیا و دخترش، کینهٔ یحیی را به دل گرفتند و تصمیم به‌شهید

کـردن او گرفتنـد. در مـوقعیتی کـه دختـر، دل شـاه را اسـیر خـود کـرده‌بـود، حکـم شـهادت یحیـی را گرفتنـد و مـأمورین شـاه سـر یحیـی را بریدنـد ودر میان طشتی برای مادر و دختر بردند! خدا در قرآن بر او هم در هنگام‌ولادتش و هم در هنگام شهادتش، سلام نموده است.

مریم پاک و عابده

مـریم دختـری بـود کـه بخـاطر نـذر مـادرش، از همـان کـودکی در معبـدبیت‌المقـدس و تحـت تربیـت حضـرت زکریـا7 بـزرگ شـد. وقتـی مـریم بـه‌سـن تکلیـف رسـید، متوجـه شـد کـه مانند سـایر زنـان نیسـت و عـادت ماهانـه‌و سـایر آلودگیهـای زنانـه را نـدارد. او از همـان اوقـات، تمایـل شـدیدی بـه‌عبـادت پروردگـار داشـت و همیشـه در محـراب بـه عبـادت مشـغول بـود.مـریم در اثـر تقـرب بخـدا بـه مقـامی رسـید کـه بـدون واسـطه از طـرف خـدابرای او غـذای بهشـتی مـی‌رسـید. مـریم هـم زنـی عابـده بـود و هـم صـورتی‌زیبـا و انـدامی متناسـب داشـت. طـولی نکشـید کـه مقـام معنـوی او زنان ومردان را متوجه خود نمود و همه از او به پارسائی و نیکی نام می‌بردند.

حضـرت مـریم آنقـدر بـه خـدا نزدیـک شـد و او را عبـادت نمـود کـه فرشـتگان‌بـا او سـخن مـی‌گفتنـد. روزی کـه درحـال عبـادت بـود، فرشـتگان بـه او گفتند:**«ای مریم! خداوند تورا پاک و پاکیزه داشت و از میـان تمـام زنـان عصـربرگزید و برهمـه آنـان برتـری داد. ای مـریم! هنگـامی کـه دیگـران نمازمی‌گذارند تو نیـز نمـاز بخـوان و خـدایت را در قنـوت بیـاد آور و بـرای اوسـجده و رکـوع نمـا!»** و در آیـۀ دیگـر در بـارۀ عفـت و دوری از شـهوات اومـی‌فرمایـد: **«وَ مَـرْیَمَ ابْنَـتَ عِمْـرَ'ان الَّتـی اَحْصَـنَت فَرْجَـه'ا فَـنَفَخْنَ'ا فیـهِ مِـنْ‌رُوحِـن'ا وَ صَـدَّقَتْ بِکَلِـم'اتِ رَبِّـه'ا وَ کُتُبِـهِ وَ ک'انَـتْ مِـنَ الْق'انِتِـین»**. یعنـی:مـریم زنـی اسـت کـه عـورت خـود را از حـرام حفـظ کـرد و مـا هـم از روح خـوددر او دمیـدیم. او کلمـات و کتابهـای خـدا را تصـدیق نمود و او از قنوت‌کنندگان بود.

این چنین بود که مریم با عبادت و دوری از گناه و شهوات، به مقام‌سروری زنان زمان خود رسید.

مصعب بن عمیرا

یکـی از اصـحاب جـوان پیغمبـر اسـلام در ایّـام قبـل از هجـرت، مصـعب بـن‌عمیـر اسـت. او بسـیار زیبـا و عفیـف، بلنـد همّـت و جـوانمرد بـود و پـدر

ومادرش او را دوست می‌داشتند. مصعب در مکّه مورد تکریم و احترام‌عموم مردم بود. بهترین لباسها را می‌پوشید و در بهترین شرائط کمال ورفاه و آسایش زندگی می‌کرد. امّا با بعثت پیغمبر اسلام، او شیفتهٔ سخنان‌آسمانی پیغمبراکرم6 و مجذوب گفتار روحانی و نافذ آن حضرت‌شد و بر اثر شرفیابی مکرّر و شنیدن آیات قرآن، آئین اسلام را صمیمانه‌پذیرفت و به شرف مسلمانی نائل آمد.

در محیط مسموم و خطرناک آن روز و بین بت پرستان خودسر وجنایتکار مکّه، پیروی از رسول اکرم و پذیرفتن آئین اسلام بزرگترین جرم‌شناخته می‌شد. کسانی که به پیغمبر ایمان می‌آوردند و تعالیم عالیهٔاسلام را در کمال صفا و صمیمیت می‌پذیرفتند، جرئت اظهار نداشتند وحتی المقدور ایمان خود را از دیگران حتّی از کسان و بستگان خویش‌پنهان می‌داشتند. بهمین جهت مصعب، مسلمانی خود را به کسی‌نگفت و فرائض دینی خویش را تا آنجا که ممکن بود درخفا انجام‌می‌داد.

روزی عثمان بن طلحه او را در حال نماز دید و فهمید که او مسلمان شده‌است. این خبر را به مادر مصعب داد و طولی نکشید که خبر به گوش‌دیگران رسید و همه جا صحبت از مسلمان شدن مصعب به میان‌می‌آمد. مادر مصعب وبقیه بستگان او وارد عمل شدند و او را در خانه‌زندانی نمودند، تا شاید او دست از اسلام و پیغمبر بردارد. ولی اومقاومت کرد و بنابر قولی در ایام زندانی شدن، آیات زیادی از قرآن راحفظ نمود. در هر حال بعد از مدتی از زندان نجات یافت و جزء یاران‌نزدیک حضرت شد.

روزی دو نفر از محترمین مدینه و از قبیلهٔ خزرج بنامهای اسعد بن زراره و ذکوان بن عبد قیس نزد پیغمبر آمدند و بعد از مسلمان شدن، تقاضاکردند که حضرت شخصی را به نمایندگی از خود به مدینه بفرستد تاقرآن را به مردم آموخته و آنان را به آئین اسلام دعوت نماید.

این اولین بار بود که شهر بزرگ و پراختلافی مثل مدینه در خواست‌نماینده کرده بودند. و اولین بار است که حضرت می‌خواهد شخصی رابه نمایندگی از طرف خود به شهری بفرستد. پیشوای اسلام از میان همهٔمسلمانان سالخورده و جوان و از بین تمام اصحاب و یاران خود،مصعب بن عمیر جوان را به نمایندگی خود برگزید و او را برای انجام آن‌مأموریت مهم به مدینه فرستاد.

پیغمبر6 در هنگام اعزام مصعب جوان به مدینه فرمود:

مصعب به مدینه رفت و با نیروی ایمان و شور و شوِ جوانی کار خود راآغاز کرد و او با تلاوت آیات قران و گفتار آتشین در سخنرانیها و اخلاِاسلامی توانست عدهٔ زیادی را مسلمان کند. او اولین شخصی است که‌در مدینه اقامهٔ جمعه کرد و شخصیتهایی مانند سعد بن معاذ و اسید بن‌خضیر بدست او مسلمان شدند.

مصعب در جنگ بدر همراه رسولخدا بود و عاقبت در جنگ احدبشرف شهادت نائل آمد.

حضرت علیّ اکبر

او یکی از زیباترین چهره های خاندان نبوت است. جوانی رشید، خوش‌سیما، برازنده که در هنگام نبرد کربلا، 22 ساله بوده است. او فرزندحسین‌ع، قهرمان تاریخ اسلام و زنده کنندهٔ دین می‌باشد. علیّ اکبرآنچنان کاردان و لایق و شبیه به پیامبرص بود که روزی معاویه گفت:اگر قرار باشد خلافت در بنی هاشم قرار گیرد، شایسته ترین فرد، علی‌اکبر است! او در نبرد نا برابر کربلا،از دین و ولایت دفاع نمود و با هزاران‌نفر به جنگ پرداخت و دهها نفر از دشمن را بخاک انداخت و چنان‌جنگی کرد که در تاریخ آمده است: آنچنان از کشته دشمن، پشته ساخت‌که صدای ضجّه و شیون از دشمن بلند شد!

عاقبت دشمن با خیل سواران خود، او را شهید نمودند. و او هم با خون‌خودش، حماسهٔ کربلائیان را جاودانه‌تر نمود.

حضرت ابوالفضل العبّاس

شخصیت ابوالفضل7 آنچنان مردم دوستدار ولایت را تحت تأثیرقرار داده که دربین شهدای کربلا، ارادت خاصی به او وجوددارد. حتی مردم عراِ هم ،علاقهٔ خاصی به عباس علمداردرخود احساس می‌کند.

با اینکه دشمن برای او امان نامه آورد تا او و برادرانش، جان سالم ازصحنهٔ کربلا بدر برند، ولی او با وفاداری و اطاعت از ولایتی که در دل‌داشت، ماند و تا آخرین لحظهٔ زندگی خود از امامت دفاع نمود. اوآنچنان شجاع بود که وقتی برای آوردن آب به طرف فرات رفت،نگهبانان فرات را که بیش از چهارهزار نفر بودند، پراکنده نمود. عباس بااینکه بسیار تشنه بود، ولی بیاد حسین تشنه لب آب فرات نخورد! او تادست دربدن داشت، دشمن جرعت نزدیک شدن به وی را پیدا ننمود.وقتی بطور ناجوانمردانه، دست راستش را قطع کردند،صدازد:

وَ اللّه اِنْ قَطَعْتُم یَمینی اءنّی اُحامی اَبَداً عَنْ دینی

بخدا اگر دست راستم را قطع کردید، من دست از حمایت دینم‌بر نمی‌دارم.

او رجز می‌خواند و می‌گفت که از مرگ هراسی ندارد. و جانش فدای‌حسین بادا!

در هر حال دشمن او را بشهادت رساند، امّانام و یاد و جانفشانی او درراه دین و ولایت تا ابد زنده خواهد بود.

چادروصله دار

12-سلمان می گوید:روزی فاطمه را با چادری وصله دار وساده‌دیدم.تعجب کرده وگفتم:عجبا!دختران پادشاه ایران وروم برصندلی‌های طلا نشسته وپارچه های زربفت برتن می کنند.امّا این دخترسولخداست که نه چادرهای گرانقیمت بتن داردونه لباسهای زیبا!

فاطمه فرمود:ای سلمان!خدای بزرگ ،لباسهای زینتی وتختهای طلا رابرای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.

لباس زیبادرنماز

1-«شخصی از امام مجتبی(ع)پرسید:چرا برای خواندن نماز،بهترین‌لباسهارا می‌پوشی؟فرمود:زیرا خدا زیباست وزیبائی را دوست‌دارد.منهم می‌خواهم خودرا برای خدایم زیبا کنم.که خدا فرمود:درهنگام نماز زینت کنید.»

قرآن زیبا

28-«علی(ع):قرآن ،ظاهرش زیبا و باطنش عمیق است.»

عبادت زیبا

یکی از اصحاب روایت می‌کند که:

امام کاظم(ع) داخل مسجد پیامبر شد وبه سجده رفت واز اول شب‌پیوسته می‌فرمود:«عظُم الذنب مِن عبدِک فَلْیَحسُن العفو مِن‌عندک»یعنی گناه بنده‌ات بزرگ ولی بخشش تو زیباتراست.

واین ذکرا مکرر تا صبح می‌فرمود.

عبدالله قزوینی گوید:روزی نزد فضل بن ربیع«زندانبان امام کاظم»که‌بالای پشت بام بودرفتم.بمن گفت:بیا از این روزنه نگاه کن ببین چه‌می‌بینی؟

نگاه کردم وگفتم:گویا پارچه‌ای روی زمین افتاده است.

گفت بیشتر دقت کن!

دوباره نگاه کردم وگفتم:گویا شخصی در حال سجده است!

گفت:اورا می‌شناسی؟

گفتم:نه گفت:این مولایت موسی بن جعفر است.از زمانیکه اورا زیر نظردارم برنامه شبانه روزی اورا این گونه دیدم که:

بعد از نمازصبح تا طلوع خورشید درحال دعا است.بعد به سجده‌می‌رود و تا ظهر درسجده است.موقع ظهر بدون گرفتن وضومشغول‌نماز میشود ومن می‌فهمم که بخواب نرفته بوده است.بعد ازنماز ظهروعصر،دوباره بسجده می‌رود که تامغرب طول می‌کشد.بعد از خواندن‌نماز مغرب وعشاء،افطار کرده وبه سجده کوتاهی می‌رود.سپس مقدارکمی می‌خوابد وبعد بلند شده وضو می‌گیرد وتاصبح مشغول عبادت‌می‌شود.

حاج شیخ علی زاهد قمی

درباره این شخصیت که از اساتید آیۀ اللهنجفی مرعشی بوده،**مرحوم آقابزرگ تهرانی می‌نویسد:**

وی به زهد وتقوا ازآنگاه که کودکی بیش نبود،شناخته شدوره‌پیمای راه سعادت ونجات بود.او دائم الاشتغال به جهاد نفس‌ومراقبت از خویش بود.هرچه را از کشورهای غیر اسلامی‌بود،نمی‌خورد،نمی‌پوشید واستفاده نمی‌کرد.حتی قلم وکاغذ ی را که‌در ممالک غیر مسلمان ساخته شده بود،بکار نمی‌برد.از مشتبهات پرهیزمی‌کرد ودربسیاری از مباحات هم زهد می‌ورزید.تو غالبا از خوراکهای‌لذیذ،لباسهای زیبا وفرشهای نرم وراحت دوری می‌گزید.

معمولا خوراک ساده می‌خورد ولباس درشت می‌پوشید وبر رختخوابی‌که از برگ درختان خرما بافته شده بود،می‌خوابید.اما در مساجدواماکنی که پاکی وپاکیزه بودنشان را احراز کرده بود،عبا می‌انداخت‌وبرآن می‌نشست.او هیچگاه به وضع ظاهر وبه رنگ ودوخت لباسش‌اعتنا نمی‌کرد وهیئت ظاهری اش به فقیران و غزیبان وبیابان نشینان‌شبیه‌تر بود.

او این کارها را عملا برای مخالفت با نفسش وتواضع دربابر خدا وخلق‌واز روی دشمنی با ظاهرسازی انجام می‌داد ودرعین حال

مواظب نظافت جسمش وپاکیزگی لباسهایش بود.او محاسنش را با حنا خضاب می‌کرد وشارب وناخنهایش را کوتاه می‌نمود.در امربمعروف ونهی ازمنکر شدید بود ودر راه خدا از سرزنش ملامتگری نمی‌هراسید.درامردین کوتاهی وسستی را نمی‌شناخت وخوشنودی مردم را به خشم خداترجیح نمی‌داد.اما غیبت بلکه سخن در غیر شون آخرت در طول مدت‌عمرش ومدت زنگیش کسی از او نشنید.اگر سخن می‌گفت،تنها ازحدیث وعلم-وسخنانی که ربطی به شئون دنیا نداشت- سخن‌می‌گفت واگر خلوت می‌گزید، به تألیف وقرائت قرآن وذکر واندیشه درآینده می‌گذرانید.

وی به زهد وتقوا دربین عوام وخواص شهره بود،واهل علم‌ومتدینین-از عرب وعجم وسایر طبقات نجف- همه بر اورع واتقی‌واعلا بودن وی اتفاِ کلمه داشتند وکسی در آن شکی نداشت.که سخن‌می‌گفت وتنها باندازه پاسخ پرسش سخن می‌گفت وهیچگاه با همنشین‌سخن آغاز نکرد.این امر باعث شد تا اکثر اهل علم ودانش به‌فضیلتش-جز زهد وتقوا-پی نبرند.زهد وورع او،مکانت علمی ومقام‌بلندش درفقه واجتهاد را تحت پوشش قرار داده بود ومتأسفانه این‌اعتقاد حتی در افاضل وبزرگان حوزه تأثیر گذاشته بود واورا به جز زاهدنمی‌شناختند.

او در مسجد هندی اقامه جماعت می‌کرد وگروهی بسیار بدو اقتدامی‌کردند وبرای درک نمازش،علما وصلحا واهل فضل ومعروفین به‌تقوا وزهد وعبادت،بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند.

او در شداید وسختیها و گرفتاریها بسیار صبور وبردبار بود به حدی که‌اهل این زمان آن را بر نمی‌تابند وتحمل نمی‌کنند.فرزندش در نجف ازدنیا رفت واو گریه وزاری نکرد.زمانی که از دفن او بر می‌گشت،خبردرگذشت فرزند دیگرش،شیخ شریف از ایران رسید پس او به سجده‌افتاد وشکر خدا را نمود وبرای هردو مجلس فاتحه گذاشت وبر این‌مصیبت وبلا خدارا سپاس می‌گذارد.زیرا اعتقادش آن بود که‌این،آزمایش بندگان وپاک شدن گناهان است.صبر وبردباریش دربیماری اخیر او-که منجر به وفاتش شد-به این اعتقادش به خوبی‌گواهی داد.

او به بیماری سختی در مجرای ادرارش دچار شد وپس از عملی‌ناکارآمد،برای اومجرای ادراری از خاصره‌اش ساختند وچندبار برای‌معالجه به ایران آمد اما درمان مفید وکارساز نیافتاد.ودر بستر بیماری‌خفت ومرضش نزدیک ده سال به درازا کشید.در این زمان علما و فضلاودوستارانش وسایر مؤمنین به دیدار او می‌رفتند ولی کسی از او درخلال این مدت طولانی،کلمه‌ای گلایه و شکایت و اظهار ناراحتی ودلتنگی مطلقا نشنید بلکه زبانش همواره به حمد وشکر الهی و رضایت به‌قضای خداوندی گویا بود تا آنکه به سرای باقی شتافت.»

بهترین زنان

«رسولخدا(ص):بهترین زنان امت، من آنانی هستند که مهرشان‌کم وصورتشان زیباست.»

گُل لجنزار

«رسولخدا(ص):از گُلهای لجنزار بپرهیزید!گفتند:گُلهای‌لجنزار چیستند؟فرمود:زنان زیبا که در خانواده‌های پَست وبدتربیت شده‌اند.»

لباس ژولیده

«روایت شده که یکی از مسلمانان با لباس نامرتب وژولیده به‌محضر پیامبر رفت.حضرت به او فرمود:آیا ثروتمند هستی؟گفت:آری!خدا هرگونه ثروت‌بمن داده است!پیامبر(ص)فرمود:هرگاه پولدار هستی،باید اثر آن در تو دیده شود!»

زیباترین لبای

«امام صادِ(ع) به عبید بن زیاد فرمود:در نزد خداوند،ظاهرکردن نعمت بهتر از مخفی کردن آنست!لذا تو باید در بهترین‌لباس طایفه‌ات ظاهر شوی!

از آن پس عبیده همیشه با زیباترین لباس نزد مردم حاضرمی‌شد.»468

«شخصی از امام صادِ(ع)پرسید:در آیه شریفه که می‌فرماید:

وامّا بِنِعمَةِ ربّک فَحدِّثْ.(الضحی'11)نعمت خدایت را آشکارکن!

مراد از ظاهر کردن نعمت چیست؟فرمود:به این است که لباس‌تمیز بپوشد،بوی خوش استعمال نماید،خانه‌اش را گچکاری‌کند ودرب خانه‌اش را جاروب نماید.»469

لباس چرک

«رسولخدا(ص) خطاب به همسرش فرمود:این دو لباس رابشوی!مگر نمی‌دانی که لباس، هم تسبیح خدارا

می‌گوید.ولی‌هرگاه چرک شد،دیگر تسبیح نمی‌گوید.»

زیباکردن صورت

«امام پنجم(ع):مردی به دیدار پیامبر رفت.برای او ازرسولخدا(ص)اجازه گرفتند.حضرت در حالیکه از خانه‌خارج می‌شد،ظرف آبی در دست داشت که صورت خود را درآن مشاهده می‌کرد ومُحاسن خود را منظم می‌کرد.وقتی‌برگشت،عایشه گفت:ای رسولخدا!تو سَروَر فرزندان آدم‌هستی!ورسول پروردگار عالمیانی!آنوقت می‌ایستی ودرآینه‌مُحاسن خود را درست می‌کنی؟ رسولخدا(ص)فرمود:ای عایشه!خداوند دوست دارد که‌مؤمن وقتی به دیدار مؤمنی دیگر می‌رود،خود را زیبا ومرتب‌سازد.»

زیبائی علم

«علی(ع):علم زینت ثروتمندان وزیبائی فقیران است»

عابد وزن زیبا

«گویند عابدی براثر عبادت زیاد دارای سه دعای اجابت شده گردید.بازنش مشورت کرد که چه دعائی بکنیم؟زنش گفت:دعا کن خدا مراخوشگل‌ترین زن کند!مرد هم دعا کرد وناگاه زنش زیباترین‌زن‌شد.ساعتی خوشحال ومسرور بودند.اما ناگاه اخلاِ زن تغییر کردوبنای ناسازگاری گذاشت وعاقبت گفت:من دیگر با تو زندگی نمی‌کنم‌زیرا جوانان زیبای زیادی هستند که طالبند بامن وصلت کنند!مرد وقتی‌این حرف را شنید،ناراحت شد وگفت:حال می‌دانم که باتو چکنم! ودعاکرد:خدایا زنم را تبدیل به سگ کن!!ناگاه زن تبدیل به سگ شد!مردانِدکی خوشحال شد.امّا فرزندان زن از او با التماس وخواهش خواستندکه دعا کند مادرشان بهمان شکل اولیه که بود برگردد!مردهم دعاکرد:خدایا زنم را بحال اول برگردان!وزن بصورت اولش برگشت وسه‌دعای مرد هدر رفت!»

زیباتر از او؟

«بیاد خدایی که زیباتر از او نیست ،بودن،تمام توجه انسان را از عشقهای‌دیگر به خدا متوجه می‌کند.»

به صحرا بنگرم صحرا ته بینم‌به دریا بنگرم دریاته وینم

بهرجا بنگرم کوه ودر ودشت‌نشان از روی زیبای ته وینم«باباطاهر»

دیدن زیبائی ظاهر

«یاد خدا بودن همه جا مهم است مخصوصاً در هنگام جهاد با دشمنان،در هنگام برخورد با گناه،در هنگام دیدن جلوه های دنیا مثل کاخهاوقصرهاوثروتمندان ودنیاطلبان وزنهای زیبا وباغها وآسمانخراشهاوزِ وبرقهای ظاهری و...»

زن زیبادرزندان امام هفتم(ع)

«هارون ،خلیفه عباسی،زن زیبائی را به محل زندانی شدن موسی بن‌جعفر(ع)فرستاد.با این امید که شاید از حضرت لغزشی سر بزند.ولی‌بعد از چندروز که جهت اطلاع از این ترفند به زندان حضرت‌رفتند،دیدند که زن درسجده است ومرتب ذکر وتسبیح خدارا می‌گوید.اورانزد هارون بردند.هارون گفت:تورا فرستادیم که آقارا مشغول‌کنی وبه او خدمت نمائی.پس این نماز وسجده ها از چیست؟جوابداد:منهم خدمت آقا عرض کردم که من برای خدمت بشما آمده ام.هر اوامری دارید بفرمائید!امام فرمود:من بشما نیازی ندارم.زیرا دیگران‌هستند.ناگاه دیدم که باغ زیبائی وجود دارد که درآن انواع زنان زیباروانواع غذاها ومیوه ها وجود دارد.لذا من فهمیدم که این مرد،شخصی‌الهی است‌وبشری عادی نیست.»

کفار وزندگی زیبا

«زندگی دنیا برای کفار زیبا بنظر می‌رسد»

قاروزن زیبا

«قارون ابتدا جزء اصحاب موسی(ع)وپسرعموی او بود.او علم و زیبائی‌وثروت را باهم داشت.ثروت او آنچنان زیاد بود که کلیدهای انبار گنجهای اورا شتران حمل می کردند.وقتی درکوچه ها با آن شوکت‌وابهت وزینتها حرکت می کرد،مردم می گفتند:ای کاش ماهم مثل قارون‌بودیم!ولی دنیاطلبی او باعث شد که با موسی(ع)مخالفت کند و علیه‌موسی(ع)توطئه کند وسرانجام دچار قهرالهی شده وبه نفرین موسی(ع)خود وثروتش به زمین فرو رفتند.»

«علی(ع)آنگاه امام فرمود:اگر آدمی در دنیا ولی خدا باشد،عملش
بصورت خوشبوترین وزیباترین وخوش لباسترین مرد،نزدش می آید وبه‌او می گوید:تورا به روحی از خدا وریحانی وبهشت پر نعمتی بشارت‌می دهم که چه خوش آمدنی کردی!او می پرسد:توکیستی؟جواب می‌دهد:من عمل صالح توام که از دنیا به آخرت ،کوچکرده ام!»

شش صورت زیبا

امام صادِ(ع)فرمود:هرگاه بندۀمؤمنی می میرد،شش صورت
به همراه اووارد قبرش می شودکه دارای نورانیت وبوی خوش وپاکیزگی‌هستند!صورتی درسمت راست مرده ودیگری در سمت چپ وسومی‌درمقابل وچهارمی درپشت سر وپنجمی درکنار پایش وآنکه از همه
زیباتر است دربالای سر اومی ایستند!

آنکه از همه زیباتر است،از دیگران،می پرسد:شماکیستید؟صورت‌سمت راستی،می گوید:من نمازم!سمت چپی می گوید:من زکاتم !روبرویی می گوید:من روزه ام!پشت سری می گوید:من حج وعمره ام !آنکه نزد پایش ایستاده است،می گوید:من کارهای خیر توام!
سپس آنها از او که دارای زیباترین صورت است،می پرسند:تو کیستی
که از همه زیباتری؟ او جواب می دهد:من ولایت آل محمّد(ص)هستم.

زیباتر از دیروز

رسول خدا(ص):سِاِ درختهای بهشت از طلا است واهل بهشت‌نیاز به بول وغائط ندارند وغذاها وآشامیدنی ها بوسیلۀ عرِ خوشبوئی‌دفع می شود!هر روز چهرۀ بهشتیان،زیباتر وباطراوت تر می گردد درحالیکه در دنیا هرروز پیرتر وبدقیافه تر می شوند.

آفرینش زن

خدا زن را اگر افسونگری دادبه وی حُسن وجمال و دلبری داد
ز عشق و شور و مستی آفریدش‌صفای باغ هستی آفریدش
فراوان لاله وگل را بهم ریخت‌گلِ زن را به صد معجون بیامیخت

خمیرش را شراب ناب پاشیدبدینسان پیکری زیبا تراشید
نگاهش را ز نرگس نازها دادلبش را لاله کرد و رازها داد
به زلف سنبلش دهها شکن دادتنش را نکهتی از یاسمن داد
به سینه جای دل گوهر نهادش‌بتن آن گرمی از خورشید دادش
به گردن بست زنجیر محبت‌بپایش بندهای رنج ومحنت
بدو گفتا ز خوبی آیتی توهمانا شاهکار خلقتی تو
توئی عاشق کش فرزند پرورگهت مهشوقه گه خوانند مادر
مقام مادری والا چنان است‌که جنت زیر پای مادران است
اگر خواهی حیات جاودانی‌برو دریاب راه زندگانی
که زن از راه سعی وعلم وایمان‌رباید گوی سبقت را زمردان

نمرودزشت

نمرود مرد زشترویی بود ولی در اطرافش غلامان وکنیزان زیبابودند.ابراهیم (ع) از عمویش آذر پرسید:اینها چه کسی هستند؟آذرگفت اینها غلامان وکنیزان وبندگان نمرودند! ابراهیم (ع) تبسمی‌کردوگفت چگونه است که بندگان و کنیزان و غلامان از خدایشان‌زیباترند؟آذر گفت از این حرفها نزن که تورا می‌کشند.آمده است که آذربت می‌ساخت وبه ابراهیم (ع) می‌داد تا بفروشدوابراهیم (ع) هم طناب‌به پای بتها می‌بست ومی گفت:بیایید خدایی را بخرید که نمی‌خورد ونمی‌بیند و نمی‌آشامد و نه نفعی می‌رساند ونه ضرری!با این تعریف‌ابراهیم (ع) کسی بتها را نمی‌خرید.وبتها را به نزد آذر بر می‌گرداند.

زیبائی در آخرالزمان

«سیاتی علی'امّتی زمانٌ لایعرفون العلماء الاّ بثوبٍحسن.ولایعرفون القرآن الاّ بصوتٍ حسن ولایعبدون الاّ فی‌شهر المضان فاذا کان کذلک سلّط الله علیهم سلطاناً لاعلمَ لهولا حلم له ولا رحمَ له.زمانی بر امتم بیاید که عالم را از لباس

زیبامی‌شناسند وقرآن را از روی صدای زیبا وفقط در رمضان عبادت خدارابجا می‌آورند که اگر این طور شود خدا حاکمی را برآنان مسلط کند که نه‌رحم دارد ونه علم.»

زیبائی عدالت

عدالت در رفتار زیباترین عنصر اخلاقی است.زیرا میزان وعدالت دررفتار وافراط وتفریط نکردن در همه مسائل باعث نجات انسان‌است.«وانزلنا معهم الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسطوانزلنا الحدید.فیه بأس شدیدومنافع للناس.»ما کتاب وترازوی‌عدل را فرستادیم تا مردم به عدالت رفتارنمایند واز حد خود تجاوزنکنند وآهن را فرستادیم که درآن عذاب سخت ومنافعی برای مردمان‌است.(خداوند این اخلاِ نیکورا به همهٔ ما عنایت کند.)

سلمان ومیوهٔ بهشتی

بعد از رحلت رسولخدا(ص)تا مدتی سلمان از خانه بیرون‌نیامد.روزی از خانه بیرون آمد ودر کوچه‌با امیرالمؤمنین‌علی(ع)برخورد نمود.حضرت فرمود دختر رسولخدا(ص)احوال توراپرسیده است.سلمان گفت نتوانستم جای خالی رسولخدا(ص)را ببینم‌لذا درخانه ماندم.ولی الحال خدمت حضرت فاطمه(س) مشرف‌می‌شوم.وقتی بحضور بانوی دوعالم رسید،حضرت فرمودروزی درحال‌ناراحتی نشسته بودم ودربارهٔقطع وحی از خانهٔ ما بعد از رحلت‌رسولخدا(ص)فکر می‌کردم که ناگاه سه زن بلندبالا وارد خانه شدندومعلوم شد که اینها حوریهٔ بهشتی هستند وبرای شما وابوذر ومقدارخرمای بهشتی آوردند.سپس حضرت چند دانه خرما به سلمان‌دادند.سلمان خرمارا برداشت واز خانه بیرون آمد.درکوچه به هرکس‌می‌رسید او می‌پرسید سلمان با خود مُشک وعنبرداری؟وقتی آنهاراخواست بخورد دید هسته ندارند.

زهرا(س) در عروسی زنان یهودی

زنان یهودی حضرت فاطمه(س) را به عروسی خود دعوت‌نمودند.البته مقصودشان آن بود که لباس‌ها وجواهرات خود را به رُخ‌حضرت بکشند.حضرت فاطمه(س)آنها را نزدرسولخدا(ص)فرستاد.آنها نزد رسولخدا(ص)آمدند وگفتند ما حضرت‌فاطمه(س) را به عروسی دعوت کرده‌ایم ولی مارا پیش شما فرستاد.رسولخدا(ص) فرمود شمابروید من اورا نزدتان می‌فرستم.سپس به‌حضرت فاطمه(س) فرمود چرا دعوت آنها را قبول نکردی؟فرمودپدرجان.مقصود آنها از این دعوت آن است که باجواهرات ولباسهایشان‌خودنمائی کنند!دراین حال

جبرئیل نازل شد وبه رسولخدا(ص)گفت‌خدایت سلام می‌رساند ومی فرماید به حضرت فاطمه(س) بگو این‌لباسهای بهشتی رابپوشد ودر مجلس آنان حاضر شود.حضرت‌فاطمه(س) لباسهایی را که جبرئیل آورده بود،پوشید وبه مجلس زنان‌یهود وارد شد.آنان که منتظر بودند حضرت فاطمه(س) با لباسهای کهنه‌وساده خود بیاید تا بتوانند اورا مسخره نمایند،ناگاه لباسهایی در تن اودیدند که در عمرشان ندیده بودند.عده‌ای غش کردند وگویند عروس ازدنیا رفت.زنان یهود از حضرت فاطمه(س) عذر خواهی کردند وگفتندعروس مُرد وعروسی به عزا تبدیل شد.اما باعجاز الهی وبا دعای‌حضرت فاطمه(س) عروس دوباره جان گرفت واکثریت مسلمان شدند.

نورانین باطن

گاهی از مال حرام استفاده می‌شود وآثار آن در دنیا و آخرت هویدامی‌شود.با مال حرام نورانیت از بین می‌رود.نکند نورانیت را به لقمه نانی‌بفروشی.البته نورانیت معنا دارد نه آنکه آقا در سایه به سر ببرد ومیوه‌های مختلف بخورد تا پوستش سفید شود!بگویند آقا نورانیت‌دارد!ولی آقائی که در مقابل آفتاب سوزان زحمت کشیده.عرِیخته.خوب عرِ صورت را می‌سوزاندوسیاه می‌کند .بگویند آقا سیه‌رو است!نه.نورانیت گناه نکردن است.به طرف خدا حرکت کردن است.

خلیفه ومکیم

گویند حکیمی به خلیفه گفت من سه تحفه برای شما دارم.اول رنگی‌دارم که سیاهی از دست رفته موها را بر می‌گرداند.دوم معجونی که غذارا هضم می‌کند.سوم داروئی که کمر را محکم می‌کند.خلیفه کمی تأمل‌کرد وگفت من اول فکر می‌کردم تو آدم عاقلی هستی!ولی حال فهمیدم‌که عقل نداری.چون خضاب که گفتی سرمایه فریب است.زیرا سیاهی‌ظلمت وسفیدی نورانیت است.ونادان می‌کوشد نور را با ظلمت‌بپوشاند.اما معجونی که برای هضم غذا است،من کسی نیستم که غذای‌زیاد بخورم.زیرا محتاج به زیاد رفتن به مستراح می‌شوم!که در آن‌نادیدنی‌ها باید دید وناشنیدنی‌ها باید شنید ونابوئیدنی‌ها بایدبوئید.واما داروئی که کمر را محکم می‌کند،این شعبه‌ای از دیوانگی‌است که خلیفه پیش زنی بزانو درآید وتملق اورا بکند.

شیعیان نورانی

44-«علی(ع):شیعیان ما در قیامت، در حالیکه صورتهای نورانی وبدنی‌پوشیده بوده واز هر ترسی ایمن می‌باشند.، از قبرها بیرون‌می‌آیندوسختی‌ها ومواقف قیامت،برای آنان آسان است.مردم درهراسند ولی آنان نمی‌ترسند. مردم ناراحتند ولی آنها اندوهی‌ندارند.برای آنان ناقه هایی سفید که دارای بالهایی باشند،می‌آورندوآنان سوار شده ودرسایهٔ عرش الهی فرود آمده وبر منبرهایی از نورمی‌نشینند وتا پایان قیامت وحساب مردم،به خوردن غذاهایی که‌مقابلشان است،مشغول‌می‌باشند.»

زن نازیبا

مدّتی بود که کسبه ومعتمدین محل با معضلی برخورد کرده‌بودند وآن ظاهر شدن زنی جذّاب وزیبا با لباسهای زننده بودکه درآخر محلّه سکونت گزیده بود.این زن هر روز بطورزننده‌ای طول مسیر خیابان ومحلّهٔ غیاثی تا سر ایستگاه‌اتوبوس را پیاده،طی می‌کرد ونظر جوانان را بخود جلب‌می‌نمود.

از آنجا که محلّهٔ غیاثی با نفوذ سعیدی وهمکاری مردم،ازخودنمائی زنان به اینصورت،در امان مانده بود،برای اهل‌محل ،این حرکت که تا حدودی هم حساب شده بنظرمی‌رسید،قابل تحمل نبود.از اینرو کسبه وبعضی از مردم این موضوع رابا شهید سعیدی در میان گذاشتند.

شهید آیهٔ الله سعیدی آنان را از هرگونه عکس العملی‌بازداشت و منتظر ماند تا خود به امر به معروف ونهی از منکربپردازد.روز بعد شهید سعیدی با بعضی دیگر از اهل محلّه راه‌را بر این زن گرفتند وشهید سعیدی با لحنی پدرانه،شروع به‌موعظهٔ او کرد:خواهرم!شمارا گول می‌زنند.چرا شخصیت‌خودرا فراموش کرده‌ای؟...جواب خدارا چه می‌دهی؟

سخنان سعیدی چنان در روح آن زن اثر کرد که دیگر هیچگاه‌اورا در محلّهٔ غیاثی بی حجاب ندیدیم.

اثرات زیبائی واقعی در جامعه

1-تأثیر نگذاشتن زرِ وبرقهای ظاهری

2-اهمیت دادن به چهرهٔ واقعی هر چیزی

3-بها پیداکردن زیبائی‌های واقعی

4-بی ارزش شدن ادعاها وآمارهای ظاهری وغیرواقعی

منابع ومآخذ

1ـ گفتار فلسفی »محمد تقی فلسفی».

2ـ سیمای جوانان »علی دوانی» .

3ـ جلوه‌ها و زمینه‌های بلوغ »محمد حسین حق جو».

4ـ حجاب »ابو الاعلی مودودی» .

5ـ چشم، نگاه و..«محمد حسین حق جو» .

نیکوکاری

نیکـو کـاری جـزء وظـایف انسانهاسـت.انسـانهایی کـه بـاهم زنـدگی‌مـی‌کننـد،نیاز دارنـد تـا بـا نیکوکـاری بـه هـم،بـین خـود محبـت وگرمـی را برقرارنمایند وثابت کنند که انسانهایی خودخواه ومتکبر نیستند.بلکه دردیگران ،درد آنها محسوب می‌شود.

بنی آدم اعضای یکدیگرندکه در آفرینش زیک گوهرند

چوعضوی بدرد آورد روزگاردگر عضوهارا نماند قرارخالق بما دستورداده است که:

«مؤکداً خداوند به عدالت ونیکوکاری فرمان می‌دهد »نحل90

«در کارهای نیک وتقوی کمک کار هم باشید ولی در گناه ودشمنی بهم‌کمک ننمائید»مائده2

«در کارهای نیک از یکدیگر سبقت بگیرید»بقره148

«مال ومنال زینت زندگی دنیاهستند ولی در نزد خداوند،باقیات‌صالحات از نظر ثواب بهتر وخوبتر است.»کهف46

مسلمانان وشیعیان باید نیکوکارباشند واگر این چنین نباشد،شیعه‌واقعی نیستند!

«ابواسماعیل به امام صادِ(ع)گفت:در منطقه ما شیعه زیاد است.امام‌پرسید:آیا پولدارهای شیعه به فقرا کمک می‌کنند؟آیا اهل عفو وگذشت‌هستند؟آیا نسبت بهم همدردی می‌کنندوکمک هم هستند؟گفت:نه!فرمود:پس اینها شیعه نیستند.»

نیکوکاری آثار مثبت دنیوی واخروی فراوانی دارد.از جمله آثاردنیوی،کم شدن فقرا ومستمندان،برطرف شدن مشکلات گرفتاران،حل‌دعواها ونزاع‌ها،شاداب بودن روحیه خیّرین ،مورد محبت واحترام‌مردم گرفتن و...

و آثار مثبت اُخروی آن:کمک به نیکوکار در شب اول قبر،نجات درقیامت،داخل شدن از دربهشت که بنام معروف است وفقط نیکوکاران ازآن داخل بهشت می‌شوندو...

«در روایت است که:وقتی نیکوکار در قیامت از قبر خارج می‌شود،ناگاه‌جسمی نورانی در مقابلش ظاهر شده وبه او می‌گوید:بدنبالم بیا!اوبدنبالش حرکت می‌کند وبه آسانی از همهٔ ایستگاههای قیامت عبورکرده تا به در بهشت می‌رسد.نیکوکار به آن جسم نورانی می‌گوید:توکیستی که مرا از همهٔ ایستگاههای سخت براحتی عبور دادی؟می‌گوید: من همان کارهای نیک تو هستم.»

پیامبران ومردان بزرگ عالم جزءافراد نیکوکار بودند.به این چند نمونه‌توجه بفرمائید:

«وقتی امام سجاد(ع)در کوچه حرکت می‌کرد،اگر سنگی را سر راه‌می‌دید آنرا برمی داشت وکنار راه قرار می‌داد.امام گاهی با کاروانهای‌ناشناس به سفر حج می‌رفتند ودر طول راه ،کارهای خدماتی مسافرین راانجام می‌دادند ومسافرین هم که امام را نمی‌شناختند،کارهای خود مثل‌تهیه غذا وشستن ظرف وظروف‌را بعهده حضرت می‌گذاشتند. »

«وقتی آیهٔ الله نجفی در زمستان به حرم مشرف می‌شد.اگر برف ،کوچه‌هارا پر کرده بود،با خود پارو یا بیلی برمی داشت ومسیر خانه تا حرم راباز می‌نمود.ایشان اگر پوست موز وامثال آنرا در کوچه می‌دیدند ،با عصاآنهارا کنار می‌زدند.»

«از اشخاص موثّق،بطور متواتر رسیده که در بُقعهٔ پیرمحمّد واقع درمحلّهٔ حیدرخانهٔ‌دزفول،فقیری عاجز بود وشیخ انصاری هرشب شام‌خودرا به آن فقیر می داد وخود باشکم گرسنه می خوابید یا به اندک‌چیزی قناعت می کرد.

بخششهای شیخ در پنهانی بود.بسیاری از فقرا ،معاش معیّنی داشتند که‌همیشه سالانه وماهانه،به آنان می رسید وهیچ نمی دانستند که از کجاتأمین می شوند.

درشبهای تار وسحرها،بردر خانهٔ فقرا می رفت ولباس خودرا مبّدل می‌کرد وصورت را می پوشانید وبه هر خانواده ای بمقدار

احتیاجشان‌مرحمت می فرمود.هنگامیکه از دنیا رفت معلوم شد که آن مردی که بردرِ منازلِ محرومین در اوقات غیر متعارفه می آمده است،شیخ انصاری‌بوده است.»«سیمای فرزانگان ص359»

«آیۀ الله شیخ جواد تبریزی از مراجع معاصر،قبل از رفتن به نجف‌ورسیدن به مرجعیت،دوست داشتند که در نجف ادامه تحصیل بدهندولی از نظر مادی قادر به این کار نبودند.روزی درحال بحث علمی بودنددرحالیکه یک نفرشخصی بحث آنهارا گوش می‌داد.بعد از بحث‌علمی،آن شخص به شیخ جواد گفت:دوست دارم که یک حاجت ازشمارا روا کنم.ایشان هم مسئله رفتن به نجف را مطرح کردند.او عهده‌دار رفتن آقا به نجف شد.با کمک این مرد،شیخ جواد به نجف رفت وازآن سال با کمکهای آن فرد،دیگر محتاج به شهریه وخمس نشد تا اینکه‌به مرجعیت رسید.»

« در بارۀ سیّد باقر شفتی آمده است که:آخوند ملاّعلی اکبر
خوانساری گفت:روزی به کتابخانۀ سیّد شفتی رفتم ودیدم که ازوجوهات شرعیه،زرسُرخ وسفید آنقدر بر روی زمین است
که هیکل سیّد شفتی از پُشت آنها به سختی دیده می شد.
سیّد دستور داد که برایم قلیان آوردند ومن مشغول کشیدن قلیان شدم.
دراین موقع فقراء وسادات زیادی حاضرشدند وسیّد به هر کدام یک‌مشت از آن زرها می داد،بطوریکه هنوز کشیدن قلیان من به پایان‌نرسیده بود که زرها تمام شدند.من از روی تعجّب گفتم:شما چه جرعتی‌در مصرف اموال امام زمان(عج)دارید؟
ایشان فرمود:آری!زیرا پسر در مال پدر،بیشتر از این هم می تواند تصرّف‌کند!«سیمای فرزانگان ص192 »

در شبی از شبها،طلبه ای حلقۀ درِ منزل آخوند را چندین بار کوبید زیراهمسرش در حال وضع حمل بود واو چون فقیر بودوتنها بود ومنزلِ‌قابله را نمی دانست،بدر خانۀ این مجتهد بزرگ آمده بود تا از آخوندکمک بگیرد.وقتی در باز شد،چشم طلبه به آخوند افتاد که شالی سفیدبر سر بسته وقلمی بالای‌گوش راستش گذارده بود!
مشکل خود را با آخوند درمیان گذاشت وخواهش کرد که مستخدم‌خانۀ‌آخوند،اورا به خانۀ قابله راهنمائی کند.

آخوند گفت:نه،مستخدم الان نمی تواند بیاید ومن خودم می آیم.طلبهٔجوان اصرار کرد که مستخدم بیاید وآخوند بزحمت نیافتد.ولی آخوندخراسانی گفت که وقت کار مستخدم تمام شده والان وقت استراحتش‌است ومن خود شخصاً می آیم.

اندکی بعد آخوند درحالیکه عبائی بر دوش انداخته وفانوسی بدست‌گرفته بود، از منزل بیرون آمد وبعد از پیمودن راه درازی به خانهٔ قابله‌رسیدند وآخوند اوراطلبید ودرحالیکه خود فانوس در دست داشت،جلو افتاد وطلبه وقابله را به منزل بیمار رساند وآنگاه خود بمنزل‌بازگشت واندکی بعد مقداری پول وشکر وقند وپارچه برای طلبه‌فرستاد.و...«سیمای فرزانگان ص382»

« دربارهٔ شیخ زین العابدین مازندرانی که مرجع تقلید بوده است،آمده‌است:تا می توانست قرض می کرد وبه مردم می دادوهرچندوقت یکی‌از ثروتمندان هند به کربلا می آمد وقرضهای اورا می داد!دریکی ازسفرهایش به سامراء،سخت مریض می شود وچون میرزای شیرازی ازاو عیادت می نماید واورا دلداری می دهد،شیخ می گوید:من هیچ گونه‌نگرانی از مرگ ندارم!

ولکن نگرانی من از این است که بنا به عقیدهٔ ما امامیّه، وقتی که می‌میریم،روح مارا به امام عصر(عج)عرضه می کنند.اگر امام سؤال‌بفرمایند:زین العابدین!ما بتو بیش از این اعتبار وآبرو داده بودیم تابتوانی قرض کنی وبه فقرا بدهی!چرانکردی؟من چه جوابی به آن‌حضرت می توانم بدهم؟میرزا پس از شنیدن این سخن به منزل می رودوهرچه از وجوه در آنجا داشته،میان مستحقین قسمت می کند.

گفته اند که اوبسیار خوش سیرت ونیکو محضر وکم خوراک بود واغلب‌اوقات با نان وسرکه وبرنج تغذیه می کرده است.

همچنین نقل کرده اند که روزی بینوائی بدر خانهٔ او رفت واز او چیزی‌خواست.شیخ چون پولی در بساط نداشت،بادیهٔ مسی منزل را برداشت‌وبه اوداد وگفت:این را ببر وبفروش!

دوسه روز بعد که اهل خانه متوجّه شدند بادیه نیست،فریاد کردند که‌بادیه را دزد برده است!صدای آنان در کتابخانه بگوش شیخ رسید.فریادبرآورد که:دزد را متّهم نکنید،بادیه را من برده ام!«سیمای فرزانگان‌ص357 »

بحمدالله در کشور ما همواره افراد نیکوکار بوده وزیسته‌اند وآثارباقیماندهٔکارهای خیر آنهارا میتوان در هر شهر وروستای ایران دید.آثاری‌چون نزدیک به هفتادهزار مسجد وهزاران بنای امامزاده وحسینیه‌وبیمارستان وکتابخانه ومدرسه وموقوفات و...

نتیجه خیرات در قیامت

« رسول خدا(ص):بنده ای در قیامت،ایستاده است.ناگاه شعله ای‌از آتش جهنم که ازهمه کوهها بزرگتر است،بسوی او شعله می کشد!اومتحیر می شود که چه کند!در این موقع گرده نانی ویا دانه ای که در دنیادر مهمانی به مؤمنی داده است،در هوا پیدا می شودوبه اندازه کوهی‌شده ومانع از رسیدن آتش به او می شود.»

«امام باقر(ع):عابدی هشتاد سال عبادت کرد ولی براثرتماس با زنی‌نامحرم،مرتکب زنا گردید!در وقت مردن زبانش لال شده بود.درهمان‌موقع فقیری عبور می‌کرد.عابد با اشاره به فقیر فهماند که از سفره او نان‌بردارد.فقیر نان را برداشت ورفت.خدا بخاطر زنای او،عبادتهای‌هشتادسالش را باطل کرد ولی بخاطر این نان،اورا بخشید.»

«

دعا ونیایش

وقتی انسان متولد میشود .سپس بزرگ شده و درجامعه‌به رشد خود راادامه می دهد.او در این سیر متوجه میشود که موجود ضعیفی‌است.بارها وبارها با حوادث مختلف مواجه میشود ودرهربار احساس‌می کند که نیاز به تکیه گاه مطمئنی دارد تا از پس مشکلات وگرفتاریهابرآید.تکیه گاهی که دائمی باشد.درمقابل کمکهایش انتظار کمک نداشته‌وبدون چشم داشت انسان را یاری کند.تکیه گاهی که بسیار نزدیک،قدرتمند، خستگی ناپذیر،مهربان،حکیم ودانشمند،شجاع و...باشد.

درجهان هستی چه کسی دارای این خصوصیات است؟کدام موجودی‌است که این شرائط را داشته باشد؟

وقتیکه ما در این موضوع تفکر ودقت می کنیم،متوجه می شویم که فقطخداست که می تواند تکیه گاه هر انسانی باشد.

خدا خود امر کرده که »دعا بکنید ومرا صدا بزنید که منهم اجابت می‌نمایم.»مؤمن65

«هرگاه بندگانم مرا صدا بزنند من نزدیکشان بوده وجوابشان رامی‌دهم.پس از من اجابت بخواهند وبمن ایمان داشته باشند شایدهدایت شوند.»بقره186

«خدا را باترس وطمع بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک‌است»اعراف56

« علی(ع)با آن شجاعت وقدرت بدنی در مناجاتش با خدا می گوید:

«ای تکیه گاه من!ای خالقیکه شکوه هایم را فقط بتو می گویم!ای که ازگرفتاریها ومشکلاتم باخبری!...

خدایا بر بنده ای که سرمایه اش امید بتو وسلامش گریه است رحم‌نما!»

این دعاها ومناجاتهاست که روحیه انسانهارا شاداب وقوی وسالم نگه‌می دارد.انسانهایی که با دعا سروکار دارند از نظر روحی بسیار سالمتروشادابتر از دیگران هستند.

انسان با تکیه برخدا می تواند ترس خود را کنترل نماید.باقدرت واعتمادبه نفس حرکت کند.در بسیاری از مواقع در برخورد با مشکلات،گرفتاریهای خودرا برطرف کند.واگر شکست خورد،خودرا نبازد.

«دعا اسلحهٔ مؤمن است.دعا سپر مؤمن است.»

«رسولخدا همیشه دعا می کرد از جمله در حال نگاه کردن به‌آئینه،هنگام سوارشدن برمرکب،هنگام خوابیدن،وقتی که سفره پهن می‌کردند،هنگام دست بردن بسوی غذا،وقت جمع کردن سفره،هنگام‌نوشیدن شیر،هنگامیکه میوهٔ نوبر می خوردند،هنگام ورود به بیت‌الخلاء،هنگام افطار،موقع عبور از قبرستان،هنگامیکه از چیزی‌خوشحال می شدند،در تعقیب نمازها،موقع دیدن ماه،وقت تحویل‌سال،موقع گرفتاری وغم،هنگام طلوع آفتاب،هنگام وضو»

در روایات است که :

«دعا مغز عبادت است وبا دعا هیچکس به هلاکت نمی رسد»«پیامبرفرمود: آیا شمارا از اسلحه‌ای که شمارا از دست دشمنان نجات‌داده وروزی شمارا زیاد می کند،آگاه نکنم؟گفتند:چرا.فرمود:شبانه روزدعا کنید که دعا اسلحهٔ مؤمن است»«خداوند انسان بسیار دعاکننده رادوست دارد.»

«بهترین عمل نماز،قنوت است»

دودست دعا را برآور،به زاری‌همی گوبه صدعجز وصدخواستاری

طریقه دعا کردن واینکه با خدا چگونه حرف بزنیم را باید از اولیاءخدایاد بگیریم.زیرا اطلاعات ما از صفات خدا بسیارکم ومعرفت ما نسبت‌به او بسیار قلیل است.لذا معصومین(ع)دعاهایی را به ما یاد داده اند که‌اگر درمعانی آنها دقت کنیم علاوه بر استفاده از اثراتشان می توانیم‌معرفت وشناخت خودرا نسبت به خالق افزون کنیم.

از جمله دعاهای مشهور که بزرگان دین به خواندن آنها سفارش می کرده‌اند،دعای کمیل،ندبه،عشرات،سمات،جوشن کبیر،مناجات‌خمسۀعشر ، دعای صباح،دعاهای ایام هفته،زیارت عاشورا،زیارت‌جامعه،و...می باشد.

چرا بعضی از دعاها مستجاب نمی شود؟

استجابت دعا با شرائط زیر است:

1-لقمۀ حرام درشکم نباشد

2-دعا به مصلحت اوباشد

3-در دعا پافشاری کند

4-دعا همراه با رقت دل واشک چشم باشد

5-دعا برعلیه فامیل نباشد

6-قبل وبعد از دعا را با صلوات همراه کند.

گردعا جمله مستجاب شدی‌هردمی عالمی خراب شدی

«گویند پیامبری در محلی استراحت می‌کرد.دید که چند کودک مشغول‌بازیند.ولی یکی از کودکان کور است وبقیه بچه‌ها اورا اذیت‌می‌کنند.دلش بحال این کودک کور سوخت ودعا کرد:خدایا!به این‌کودک بینائی بده!

دعایش مستجاب شد وکودک بینا شد.ناگاه‌این کودک با عصبانیت سراغ‌بچه هارفت وگفت:شما بودید که مرا اذیت می‌کردید؟آنگاه چندنفر ازآنان را کنار رودخانه برد وبا قوّتی که داشت سر آنهارا داخل آب کردوکشت!پیامبر مذکور از دعایش پشیمان شد وگفت:خدایا کوری را به‌برگردان که تو خود حکیمی ومی دانی به چه کسی بینائی بدهی وچه‌کسی را کور نمائی!»

«گویند عابدی براثر عبادت زیاد دارای سه دعای اجابت شده گردید.بازنش مشورت کرد که چه دعائی بکنیم؟زنش گفت:دعا کن خدا مراخوشگل‌ترین زن کند!مرد هم دعا کرد وناگاه زنش زیباترین‌زن‌شد.ساعتی خوشحال ومسرور بودند.اما ناگاه اخلاِ زن تغییر کردوبنای ناسازگاری گذاشت وعاقبت گفت:من دیگر با تو زندگی نمی‌کنم‌زیرا جوانان زیبای زیادی هستند که طالبند بامن وصلت کنند!مرد وقتی‌این حرف را شنید،ناراحت شد وگفت:حال می‌دانم که باتو چکنم! ودعاکرد:خدایا زنم را تبدیل به سگ کن!!ناگاه زن تبدیل به سگ شد!مردانگی خوشحال شد.امّا فرزندان زن از او با التماس وخواهش خواستندکه دعا کند مادرشان بهمان شکل اولیه که بود برگردد!مردهم دعاکرد:خدایا زنم را بحال اول برگردان!وزن بصورت اولش برگشت وسه‌دعای مرد هدر رفت!»

«دعای پدر ومادر درحق فرزند،دعای حاجی از مکه برگشته برای‌انسان،دعای مظلوم علیه ظالم،دعا در سحر،دعا درهنگام باران،دعای‌روزه دار،دعای فرزند صالح برای والدین خود بهتر اجابت می شود»

دعا در آئینهٔ احادیث

1-«پیامبر(ص):خدا آدم بسیار دعاکننده را دوست دارد.»

2-«پیامبر(ص):هرمسلمانی که دعا کند ودعایش در قطع رحم ویا جلب‌گناهی نباشد خدا یکی از سه خصلت را به وی دهد.اجابت کند.دعارابرای آخرتش ذخیره نماید.از گناهانش به وزن دعا ببخشد.»

3-«امام صادِ(ع):اگر می‌خواهید دعا مستجاب شود،از مردم‌مأیوس‌شوید.که اگر خدا چنین دید دعایتان را اجابت فرماید»

4-امام باقر(ع):هرکه دستهارا برای دعا بلند کند،خدا حیا می‌کند که‌دست اورا خالی برگرداند پس بعد از دعا دستهارا بر سر وصورت خودبکشید.»

5-امام صادِ(ع):خدا می‌داند بنده‌اش چه می‌خواهد ولی دوست‌دارد که حاجتها گفته شود.»

6-امام صادِ(ع):دعای مخفی معادل هفتاد دعای آشکار است»

7-«گفته اندپیامبر(ص)در دعا چنان تضرع می‌کرد که نزدیک بود عبا ازدوشش بیافتد.»

8-«امام باقر(ع):خدا بندگان بسیار دعاکننده را دوست دارد.پس درهنگام سحر تا طلوع خورشید دعا کنید که در این ساعت،درهای آسمان‌باز ورزِ تقسیم وحاجتهای بزرگ برآورده می‌شود.»بحارج93

9-«پیامبر(ص):دعا بین اذان واقامه رد نمی‌شود.»بحارج93

10-«پیامبر(ص):چنددسته دعایشان مستجاب نمی‌شود:کسیکه قرض‌می‌دهد وسندی نمی‌گیرد.سپس بدهکار انکار می‌کند.وکسیکه علیه‌فامیل دعا می‌کند.وکسیکه زنش اورا اذیت می‌کند واز زنش نزد خداشکایت می‌کند که خدا می‌فرماید من امر زنت را دراختیارت قرار دادم‌وکسیکه پولهایش را بی اندازه می‌بخشد ودوباره از خدا می‌خواهدوکسیکه در خانه نشسته واز خدا رزِ می‌خواهد.»

آیا مسخ انسان امکان دارد؟

1-خداوند حکیم انسان را به عنوان گل سرسبد همه مخلوقات خود خلق نمود ودستورداد همه فرشتگان بر او سجده نمایند.

2-انسان این قابلیت را دارد تا با اطاعت از رب العالمین ،رشد کند،شکوفاشود وبه کمال برسد واز همه موجودات زنده حتی از ملائکه که عقل خاص هستندو هوای نفس ندارند،جلوبزند.

واز طرفی این اختیار را دارد که با معصیت الهی ومخالفت با خدا وپیامبرانش،از انسانیت که یک ارزش وکرامت است فاصله بگیرد وکم کم به حیوانات که فقط نفس خالص هستند تبدیل شود بلکه گاهی از حیوانات هم پست تر می گردد.

3-تبدیل انسان به حیوان که مسخ نام دارد، به دوصورت انجام می شود.اول مسخ جسمانی وظاهری.دوم مسخ روحی وباطنی.

گروه اول **که جسمشان تبدیل به حیوان می شود در طول تاریخ بشریت در چند موقع اتفاق افتاده است.**

الف:در زمان حضرت داود که قرار شد بنی اسرائل روز شنبه ماهی نگیرند ولی عده ای از آنها با حکم الهی مخالفت کردند لذا بیش از ده هزار نفرشان تبدیل به میمون شدند وتا سه روز زنده بوده سپس مردند.که درآیه 65 بقره به این مطلب اشاره نموده است.{ولقد علمتم الذین اعتدوا منکم

فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خاسئین}
ب:در زمان حضرت عیسی ع بعد از نزول مائده از آسمان،عده ای با خدا مخالفت کردند که حدود سیصد وسی تن مسخ شدند وبه حیواناتی مانند میمون وخوک شدند وبعد از سه روز مردند. که در آیه 115مائده به این اتفاق اشاره شده است{قال الله انی منزلها علیکم فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذابا لااعذبه احدا من العالمین}
ج: در زمان هارون الرشید ،شخصی از دشمنان مرتضی علی ع که خطیب و اهل دمشق بود،همه روزه بر منبر می رفت و به علی ع دشنام می گفت.به دستور حاکم اورا زندانی کردند .وقتی صبح شد دیدند او تبدیل به سگ شده است.اورا نزد هارون بردند ودیدند که او تبدیل به سگی شده که گوشش مانند انسان است ولی بقیه بدنش مانند سگ شده ومرتب زبانش را حرکت می داد ولبهایش را می جنباند گویا التماس می نمود.این انسان مسخ شده بعد از چند روز دراطاقی که بود بوسیله صاعقه ای که خانه را آتش زد از بین رفت و سوزانده شد{اکسیر اعظم نوشته سید محمود میرشکرائی تفرشی}
احتمال دارد موارد دیگری در جهان اتفاق افتاده که ما از آنها بی خبریم.
گروه دوم کسانی هستند که ظاهرشان تبدیل به حیوان نشده است ولی باطن آنها حیوان است.اینها کسانی هستند که بخاطر کفر وشرک وگناهان بزرگ وآلودگیهای فراوان ،فقط خصلتهای حیوانی همچون خورو خواب وشهوات رادارند واز خصلتهای انسانی خالی هستند.که خداوند حکیم در قرآن کریم به پیامبرش می فرماید اینها {کفار ومشرکین ودشمنان خدا} همانند حیوانات می چرند ومی خورند.{محمد12}
متاسفانه افراد این گروه زیاد هستند ودر اکثر مناطق وجود دارند وشهرها وروستاها پر از این افراد است.
معیاری برای شناخت این افراد نیست مگر کسانی که دارای قدرت های مافوق طبیعی می شوند وچشم برزخی پیدا می نمایند.
در این رابطه داستانها ومطالب فراوانی وجود دارد که به بعضی اشاره می گردد.
الف:سیدجمال الدین گلپایگانی می گوید: من وقتی از اصفهان به نجف اشرف‌رفتم،تامدّتی مردم را به صورتهای‌برزخی آنها می دیدم.به صورت وحوش‌وحیوانات و شیاطین!تا آنکه ازکثرت مشاهده،ملول شدم.
یکروز به حرم مطهّر مشرّف شدم واز امیر المؤمنین(ع) خواستم که این‌حال را ازمن بگیرد که من طاقت ندارم.
حضرت آن حال را از من گرفت واز آن پس،مردم را بصورتهای عادی می‌دیدم!
ب:امام صادق ع در سفرحج در نزدیکی کعبه،دستهای مبارک خودرا برچشمان ابابصیرگذاشت.ناگاه ابابصیر مشاهده کرد که اکثر طواف کنندگان بصورتهای حیوانات هستند.و افرادی که انسان هستند کم می باشند.
و دهها مورد از این موارد وجود دارد.

در زمان ما وقتی اخبار بعضی از جنایات ومفاسد را می شنویم یا می خوانیم متوجه می شویم که مسخ از انسانیت هنوز ادامه دارد.
وقتی می شنویم که در اکراین ،صاحبخانه مهمانش را می کشد وبگوشت او را به اتفاق همسرش می خورد!آیا این مسخ نیست؟
وقتی می خوانیم که در تهران ،مادر ودختری خانه فساد راه انداخته و بارهاوبارها عمل زنا را انجام می دهند !آیا این مسخ نیست؟
وقتی می شنویم پسر نوزده ساله چوب دار در خانه اش آماده کرده ودرمقابل چشمان گریان مادر وخواهرش،پدر پیرش را به جرم حاضر نشدن به واگذاری ملکش به او،دار می زند!آیا این مسخ از انسانیت نیست؟
افرادی مانند شارون وبوش وصدام واولمرت وبلر وایادی آنها ،با این همه جنایات وخطاها،آیا انسان هستند؟

***

برای دوری از خطر مسخ شدن چه باید کرد؟
اطاعت پروردگار با انجام عبادات واذکار وانجام کارهای خیر و انجام واجبات ودوری از محرمات وتمسک به قرآن کریم واهل بیت ع ودوری از لقمه حرام از بهترین راه های نجات از مسخ شدن می باشند.
کسانی که طهارت آنها نقض می شود فورا وضو بگیرند یا غسل کنند.
دوری از مجالس لهو ولعب نیز از راههای دوری از خطر مسخ است.

***

افراد مسخ شده بردونوع هستند.اول افرادی هستند که مسخ شدن آنها حتمی وفراگیر شده ودیگر نمی توانند به انسانیت برگردند.همانند افراد عذاب شده در زمان عیسی ع وداود ع.یا کسانی که هیچ اثری از انسانیت در آنها باقی نمانده است همانند شمرها،هیتلرها،صدام ها،قاتلین حرفه ای،شرابخواران حرفه ای،زناکاران وهم جنس بازان و...
دوم افرادی هستند که باتوبه می توانند به انسانیت خود برگردند وبوده اند افرادی که عمری را در گناه وحیوانیت بسربرده اند ولی با توبه وبازگشت به رحمت الهی انسان والایی شده اند.

***

در قیامت عده ای از انسانها بصورت حیوان محشور می شوند.عده ای در صحرای محشر بصورت حیوان ظاهر می شوند وعده ای در جهنم بصورت حیوان می باشند.
در روایت است:

شخصی از رسول خدا(ص) دربارهٔ آیهٔ -فَتَأْتونَ اَفْواجاً-یعنی:
فوج فوج می آیید.سؤال کرد.حضرت گریست وفرمود:سؤال مهمی کردی!در قیامت،عده‌ای از مردم،بصورتهای مختلف،محشور می شوند.
1-شایعه سازان،بصورت میمون!2-حرام خواران،بصورت خوک!3-رباخواران،بصورت واژگون!4-قاضی ناحق ،بصورت کور!5- خودخواهان‌مغرور،بصورت کر ولال!6-عالم بی عمل،درحال جویدن زبان خود!7-همسایه آزار،بصورت دست وپا بریده!8-خبرچین،بصورت آویخته به شاخه ای آتش!9-عیّاشان،بدبوتر از مردار!10-متکبران،در پوششی از آتش!{از خاک به افلاک -سیدحسین موسوی خراسانی}

***پیامبر در سفر معراج در جهنم افرادی که عذاب می شدند را دید از جمله: شخصی را دیدم که سرش مثل خوک وبدنش مثل الاغ بود ! جبرئیل گفت:این شخص سخن چینی می کرده است.شخصی را دیدم که‌صورتش مثل سگ بود وآتش بر او وارد می کردند!جبرئیل گفت:اوخواننده وحسود بوده است!{زندگانی پیامبر اسلام-محمدتقی صرفی پور}**

****

شیعیان امیرالمؤمنین ع که همان پیروان واقعی پیامبراعظم هستند میتوانند از این امتیاز بهتراستفاده کنند وبا عمل به سفارشات پیامبر وامامان ع ،هیچگاه سخ نشوند ودر دنیا وآخرت رستگار باشند

.....

یکی از درهای رحمت خداوند رحیم،باز گذاشتن در توبه است.انسانهای گناهکار تا زنده هستند فرصت بازگشت ونجات خودرادارند.چه گناهان بزرگ وچه گناهان کوچک.چه برای کسیکه گناهانکمتری انجام داده است.وچه کسیکه مدتهای زیادی را به گناه مشغولبوده است.

«بزرگترین گناه، شرک به خداست وبعد از آن مأیوس شدن از رحمتخداوند است.»

وقتی انسان توبه می کند، خداازاو راضی می شود بیشتر ازخوشحالیکسیکه اثاثش را گم کرده سپس بعد ازمدتی آنرا پیدا می کند.

«در روایت است که حضرت موسی(ع) به امر خدا شخص فاسدی را ازشهر بیرون نمود تا شهر را فاسد نکند وجوانهارا نفریبد!او به بیابان رفتوبعد از چند روز مریض شد و کم کم رو به مرگ رفت.دم مرگ ناگاهجرقهای در دلش زده شد ودر آخرین لحظات عمرش گفت:

یا من له الدنیا والاخرهٔ!ارحم من لیس له الدنیا والاخرهٔ.

ای کسی که دنیا وآخرت مال توست!به کسی که نه دنیا دارد ونه آخرترحم نما!

با این حال از دنیا رفت.خدا به حضرت موسی(ع)وحی کرد که بندهای ازبندگان خوب مات از دنیا رفته است.تو به تشییع جنازه ودفن او اقدامکن.

حضرت موسی(ع) با اصحابش آمدند ودیدند که این همان جوانیاست که او را از شهر بیرون کرده بودند.گفت خدایا این همانی است کهبه امر تو از شهر بیرون کردم؟خدا فرمود آری.اما دم مرگ توبه کرد.»

من منفعل که پیشت دوجهان گناه دارمبچه روی، عذرگویم که رخ سیاه دارم

من اگر گناهکارم تو به عفو کارخودکنکه زبان توبه گوی ولب عذرخواه دارم

منم آن که یک جهان را زغمت برباد دادمتوقبول اگر نداری دوجهان گواه دارم«محتشم کاشانی»

آثار توبه:

1-پاک شدن گناهان قبلی:« خدا توبه بندگانش را قبول کرده وگناهان اورامی بخشد.»

2-توبه کننده محبوب خدامیشود:«همانا خداوند توبه کنندگان وکسانی‌را که می خواهند خودرا از رذائل پاک کنند،دوست دارد.»«بقره222»

«امام ششم:هرگاه بنده ای توبه کند،خدا اورا دوست داشته وعیب اورادر دنیا وآخرت می پوشاند.»

3-بوی بد گناه را از بین می برد:«علی(ع):با استغفار خودرا عطر بزنید تابوی بد گناهان شمارا رسوا نکند.»

4-پاک شدن زنگ دل:«پیامبر(ص):دلها هم مثل آهن زنگ می زند.زنگ‌دل با استغفار از بین می رود.»

5-زیادشدن روزی:«استغفار کنید که خدا آمرزنده است.از آسمان‌برشما باران می فرستد وشمارا با اموال وفرزندان یاری می کند وبرای‌شما باغها ونهرها قرار می دهد.»«نوح10»

6-برگشت پاکی به توبه کننده

از موانع سر راه موفقیت کناهکاران،مأیوس شدن از رحمت الهی‌است.اگر چه گناه بد است ولی از آن بدتر این است که خیال کنیم دیگرراه برگشت واصلاح برایمان وجود ندارد.درحالیکه انسان تا زنده است‌فرصت جبران وتوبه کردن را دارد.

«پیامبر(ص)فرمود:هرکه یکسال قبل از مردنش توبه کند،توبه‌اش قبول‌است.سپس فرمود:یکسال زیاد است.کسیکه یکماه قبل از مردنش توبه‌کند،توبه‌اش قبول است.سپس فرمود یکماه زیاد است!اگر یک هفته‌بلکه یک روز وبلکه یکساعت قبل از مردنش توبه کند،توبهٔ او پذیرفته‌می‌شود.»

«از امام صادِ(ع)در معنای آیه :**لیست التوبهٔ للذین یعملون‌السیئات حتّی اذا حضر احدهم الموت قالَ اِنّی تُبتُ الان.**

پرسیدند.فرمود:این آیه از آن حالتی سخن می‌گوید که چشم انسان -ازامور دنیا بسته - به امور اخرت باز می شود.در این هنگام است که دیگرتوبه فایده ندارد.»

مواز قالوا بلی تشویش دارم‌گنه از برگ وباران بیش دارم

اگر لاتقنطوا دستم نگیردمواز یا ولنا اندیش دیرم«باباطاهر»

توبه کمر شیطان را می‌شکند.واورا ناامید می‌کند.توبه چراغی است که‌هیچگاه خاموش نمیشود ودرتاریکیهای گناه وانحراف،انسانهارا به نوروپاکی رهنمون می‌سازد.توبه کنندگان محبوب خدا هستند وپاداش‌جوان توبه کننده مانند پاداش حضرت یحیی(ع)است.

جوانیکه بدلایلی مدتی را درانحراف بسر برده است، هرزمان که بخودآمد می‌تواند وباید برگردد وخودرا نجات دهد.زیرا خداوند توبه‌پذیراست.ودوست دارد که بندگانش را از تاریکی به نور هدایت کند.

توبه محدودیتی ندارد وهرچقدر انسان گناه کند باز هم فرصت توبه‌است وهرچقدر گناه بزرگ باشد بازهم می‌تواند جبران وتوبه کند.

به داستان زیر توجه کنید:

توبهٔ کسیکه صدنفر را کشته بود!

در زمان قدیم شخصی در جنگهای مختلفی که با قبیلهٔ مقابل انجام دادافرادی را بقتل رساند.روزی باخود حساب کرد ودید تا آنروز 99نفربدست او کشته شده‌اند.او تصمیم به توبه گرفت.لذا از مردم پرسید که‌کجا می‌توان توبه کرد؟اورا به خانهٔ عابدی که درکوه زندگی می‌کردهدایت کردند.او عابد را پیدا کرد وگفت:من تاکنون 99نفر را کشته‌ام.آیابرای من توبه است؟عابد گفت:خیر زیرا گناه تو بسیار سنگین وغیر قابل‌بخشش می‌باشد وتو جهنمی هستی!او ناراحت شد وگفت:حال که مرامأیوس کردی،توراهم می‌کشم!وعابد راهم بقتل رساند.سپس بشهر آمدوپرسید:دیگر کجا می‌توان توبه نمود؟گفتند:خانهٔعالم در فلان محل‌است به آنجا برو شاید تورا کمک کند.اوبدرخانهٔ عالم رفت ووقتی اورادید داستان خودرا تعریف کرد.عالم گفت:برای تو توبه است ولی چون‌گناهت بسیار بزرگ است باید به فلان شهر بروی وبدست فلان پیامبرتوبه کنی!او از عالم تشکر کرد وبار سفر را بست.دربین راه اجل او رسیدواز دنیا رفت.هرگاه شخصی بمیرد اگر از خوبان باشد دو فرشته رحمت‌روح اورا بالا می‌برند واگر از بدان باشد دوفرشتهٔ غضب روحش رامی‌برند.این مرد که مُرد هم فرشتگان رحمت آمدند وهم فرشتگان‌غضب واینـدوباهم نزاع کردند.فرشتگان رحمت گفتند ماباید روحش رابالا ببریم زیرا او در راه توبه بوده است!وفرشتگان غضب گفتند ما بایدروحش را ببریم زیرا او 100نفر را کشته وهنوز توبه نکرده‌است.حکمیت نزد خدا بردند. خدا وحی کرد که ببینید به پیامبرنزدیکتراست یا به محل کشته شده‌ها! اندازه گرفتند ودیدند که یک‌وجب به پیامبر نزدیکتر است! لذا فرشتگان رحمت، روحش را بالابردند.

گناه بندۀ نادم زفعل نامرضی‌اگر بزرگ‌تر از عالم است ومافیها
فتد به معرض عفوغفور چون شویدبه آب توبه رخ معصیت کمای رضا«محتشم کاشانی»

توبه‌کردن در اسلام بسیار ساده است وشرط خاصی ندارد. کسیکه‌می‌خواهد توبه کند لازم نیست که بازبان هم چیزی بگوید بلکه همینکه‌در دلش بگذراند که خدایا!من بخودم ظلم کرده‌ام واز تو می‌خواهم که‌مرا ببخشی!کافی است.همچنین برای توبه مکان معینی درنظر گرفته‌نشده است بلکه درخانه،مسجد ومحل کار وبازار وهرجای دیگر که‌بخواهد توبه کند،میتواند.

افرادی بوده‌اند که سالیان سال غرِ گناه بوده ولی با حوادثی بخودآمده ونور هدایت در آنها تابیدن کرده است.ساحران فرعون که سالهاجزء مقربین فرعون بودند ولی وقتی معجزه راستین موسی(ع)را دیدندایمان آوردند واز شکنجه‌های فرعون نسبت بخود، هراسی بدل راه‌ندادند. قوم یونس تنها قومی هستند که وقتی آثار عذاب را دیدندتکانی بخود داده وتوبه کردند ودر نتیجه عذاب خدا شامل آنان‌نشد.حرّبن یزید ریاحی از فرماندهان عمرسعد ساعتی قبل از مردن‌بخود آمد واز صف عمرسعد جداشد وبه کاروان عاشقان حسینی‌پیوست وخود وپسر وغلامش جزء اولین شهدای کربلا نامشان ثبت شدوقبرشان زیارتگاه حاجتمندان.بشر حافی ،همسایۀ ابابصیر،عیّاض‌راهزن،قنبر(فتّاح)،...تا زمان ما که مالکوم ایکس،کنت‌استیونس،رهبر کمونیست نروژ وهمسرش،خواننده ورقاص‌مصری ،عده‌ای از کشور آمریکا،آلمان،انگلیس‌و...اسلام‌آوردند و روشنی اختیار نمودند.

این انقلاب درونی درطول تاریخ برای بسیاری از گمراهان انجام‌گرفت وهدایت شدند تا زمان انقلاب اسلامی که سرعت آن افزوده شدوهزاران رقاص،هنرپیشه وخواننده وشرابخوار وگمراه،توبه کردندوزندگی جدیدی را پیش گرفتند.

از توبه بشوی گناه وخطاوزتوبه بجوی نوال وعطا
گرتوبرسی به نعیم مقیم‌وزتوبه رهی،زعذاب الیم

توبه در صلح بود یارب‌این در می‌کوب ،به صدیارب

نومید مباش زعفواللهای مجرم عاصی نامه سیاه

گرچه گنه تو زعد بیش استعفووکرمش از حد بیش است«شیخ بهائی»

دراسلام برخلاف مسیحیت،نباید گناه خودرا نزد شخصی حتی رومانی‌یا نزدیکترین دوستان وفامیل گفت! بلکه گفتن گناه فقط در پیشگاه خدارواست.

بعضی از جوانان کارهای زشت خودرا نزد دوستان ورفقا تعریف می‌کنندکه این باعث معصیت بیشتر آنان میشود.گناهی که مخفیانه صورت‌بگیرد باتوبه زودتر بخشیده می‌شود تا گناهی که برای چندنفر تعریف‌کند ویادرحضور دیگران گناه کند.

توبه هرچه زودتر انجام شود بیشتر امید رهائی می‌رود.لذا کسیکه گناهی‌مرتکب میشود،تا هفت ساعت به او مهلت می‌دهند وگناهش را نمی‌نویسند. اگر در این فاصله توبه کرد،که هیچ.والاّ گناهش را می‌نویسند تاپس از توبه پاک شود.

اگر گناه انسان حق الناس باشد مثل دزدی یا کلاهبرداری باید شخص‌صاحب حق را راضی کند.وفرقی ندارد که مال اورا پس دهد ویا از اوحلالیت بگیرد.وفرقی ندارد که مستقیم نزد او برود ومالش را پس دهدویا اینکه بصورت غیر مستقیم به او برگرداند.مثلا برایش پست کند ویابعنوان هدیه به او بدهد.

البته بعضی با امید به اینکه در پیری توبه می‌کنیم،غرِ درگناه وانحراف‌میشوند وعمری را در عیاشی ولهو ولعب سپری می‌کنند!غافل از اینکه‌میل به توبه تا زمان مشخصی در انسان وجود دارد واگر آنقدر گناه کند که‌قلبش سیاه شود ودچار قساوت قلب شود،دیگر توبه درنظرش مسخره‌می‌آید وخدا وپیامبر وقرآن وقیامت را انکار می‌کند.همانطور که در قرآن‌هشدار داده است که:«عاقبت گناهکاران آن می‌شود که آیات‌ونشانه‌های خدارا انکار می‌نمایند.»«روم10»

دراین حالت دل آنقدر تاریک میشود که دیگر موعظهٔ هیچ موعظه‌کننده‌ای را نمی‌پذیرد ومتی نصیحت کنندگان را دشمن خود می‌داندوبَدان وفاسقان وفاسدان را دوست خود می‌انگارد.

نماز ونشاط وشادابی

یکی از اثرات فردی نماز بر روی انسان،نشاطی است که درنمازخوان‌ها وجود دارد واین نشاط در افراد بی نماز وجودندارد.مخصوصا این نشاط بعد از خواند نماز در انسان بیشتر جلوه‌می‌کند.ویک آرامش ورضایت خاطری به آدمی دست می‌دهد.البته درمحیطها وحالتهای مختلف این نشاط واحساس رضایت کم وزیادمی‌شود.وقتی انسان با حضور قلب نماز می‌کند ودر نماز اشکی می‌ریزدومناجاتش با حال است.بعد از نماز آرامش خاصی در خود احساس‌می‌نماید.اما اگر نماز را با کسالت وعجله بخواند این نشاط به پایین‌ترین‌حد خود می‌رسد که در بحث مراتب نماز به گوشه این حالات اشاره‌می‌شود.امّا همهٔ نمازخوانهاتصدیق می‌کنند که بعد از ادای نماز دچارنشاطی می‌شوند.واین نشاط در سلامت جسم روان آدمی نقش مهمی‌ایفا می‌نماید ونبود این نشاط است که باعث افسردگی واضطراب‌ونآرامی می‌شود که این حالتها در جوامع بی دین وبی نماز بیشتر به‌چشم می‌خورد:

در مجله دانستنی‌ها ،5/7/62 آمده است که:

آمریکایی‌ها هرشب بالغ بر سی میلیون قرص خواب آور مصرف‌می‌کنند،که اگر طی یک سال این تعداد قرص را روی هم انباشته کنیم‌حدود 600000کیلوگرم وزن خواهد داشت.

واین 600تن قرص برای به خواب بردن تمام مردم جهان به مدت‌هشت شبانه روز کافی می‌باشد.!

«الوین تافلر،نویسنده ونظریه ردازِ معروف امریکایی:

در سراسر کشورهای مرفه فریاد عجز و لابه‌های آشنا به گوش‌می‌رسد.میزان خودکشی نواجوانان رو به افزایش است.الکلیسم بیدادمی‌کند.افسردگی روانی همه گیر شده است،بربریت و جنایت مُد روزگردیده است!

در ایالات متحده اتاِهای اورژانس بیمارستان‌ها مملوّ از معتادان به‌مادی جُوانا و دیوانه‌های سرعت و دسته‌های اراذل واوباش و معتادان‌به کوکائین و هروئین و بالاخره افرادی که گرفتار بحران شدید عصبی‌شده‌اند.

مددکاری اجتماعی و بهداشت روانی در همه جا به سرعت رو به‌گسترش گذاشته است،در واشنگتن یک کمیسیون بهداشت روانی‌وابسته به دفتر ریاست جمهوری اعلام می‌دارد که به طور کامل‌شهروندان ایالات متحده از نوعی فشار عصبی رنج می‌برند.وروان‌شناسی از مؤسسه ملی بهداشت روانی ادعا می‌کند که تقریبا هیچ‌خانواده‌ای بدون نوعی ناهنجاری روانی وجود ندارد و اعلام می‌کندروان پریشی ،جامعهٔ آمریکا را که آشفته و پریشان و متفرِ ونگران آینده‌است،فرا گرفته است!»

تافلر می‌افزاید:زندگی روزمره واقعاً به طرز افتضاح‌آمیزی کیفیت‌خود را از دست داده است و اعصاب همه خورد وداغان است،دست‌به یقه شدن وتیراندازی در مترو یا صفهای بنزین نشانگر این واقعیت‌است که کنترل اعصاب از دست افراد خارج شده است،میلیون‌ها نفر ازمردم به آخرین حد از ظرفیتشان رسیده‌اند.

همانطور که ملاحظه می‌کنید آثار بی دینی وبی نمازی بسیار مخرّب‌بوده وانسانها را به افرادی نا آرام ومضطرب تبدیل می‌کند.ولی بعضی ازافراد وقتی با توفیق الهی مسلمان می‌شوند،اعتراف می‌کنند که به نشاط‌وآرامشی رسیده‌اند که هرگز در دوران بی دینی وبی نمازی آن رانداشته‌اند اگرچه در اوج لذات مادی وشهوانی بوده‌اندبرای همین‌هجوم مردم بطرف دین اسلام که آرامش دهندهٔ انسانهاست بسیارزیادشده است:

یکی از طلاب محصل دانشگاه واشنگتن:

«الان آماری که مؤسسات رسمی آمریکا ارائه داده‌اند این است که‌اسلام نسبت به سایر ادیان سریع‌ترین رشد را داشته است.گرچه‌مؤسسات آمارگیری عمدتاً در دست یهودی هاست ولی این آمار واقعی‌است و این را نه به نفع ما بلکه به عنوان زنگ خطری برای خودشان‌اعلام نموده‌اند.

یکی از زمینه هایی که برای تبلیغ و نشر اسلام بسیار مؤثر است زندان‌های آمریکا است.فردی از یک زندان در شهری دور افتاده از ایالت تگزاس عنوان کرد که ما چهارهزار نفر زندانی هستیم.از این جمع هفده‌نفر مسلمان شدیم،برای ما کتاب وقرآن بفرستید.

ما نیز کتاب هایی برایشان ارسال کردیم وپس از یک سال با یک‌بررسی مجدد متوجه شدیم که این 17نفر به 250 نفر سپس به 800نفر وبعد به نصف زندان(2000نفر)تبدیل شده‌اند.»

خانم سمیه،تازه مسلمان فنلاندی:

«من از زمانی که مسلمان شده‌ام احساس می‌کنم که یک زن آزاددارای ارزش‌های معنوی وانسانی هستم.اسلام برای زنان ارزش بسیارعالی قائل است.»

«وقتی کت استیونس،خواننده موسیقی پاپ در انگلیس،مسلمان‌شد وصدای خود را در راه تلاوت قرآن قرار داد،گفت:وقتی به اسلام‌گرویدم،همه ترسهای من از طبیعت،انسان وجهان ناشناخته‌ها به‌آرامشی تبدیل شد که از آیهٔ«ولله مُلک السموات والارض»جاثیه 27

یعنی ملک آسمانها وزمین تنها از آن خداست.

جان می‌گرفت.»

نماز وشفای بیماری

از جمله اثرات مثبت نماز،درمان بیماریهای جسمی است.طبق‌سفارشات طبیبان دینی وطبق بررسیهای دانشمندان غیر دینی،دعاونماز ودلبستگیهای معنوی در درمان ویا کاهش بیماریها مؤثر می‌باشد.

نماز وبرطرف شدن کمردرد

رسول خدا(ص)به دیدار سلمان فارسی آمد ودید سلمان کمر درددارد.وخیلی شدید ناله می‌کند.فرمودند:سلمان!مثل اینکه درد به توخیلی

فشار آورده است؟همین طور که نشسته‌ای یا خوابیده‌ای نمازبخوان!

سلمان گفت یا رسول الله!مگر نماز برای کمر درم خوب‌است؟حضرت فرمودند:مگر در قرآن نخوانده‌ای که **واستعینوا بالصبروالصلوة**؟

آری نماز شفادهندهٔ دردها به اذن خداست ومی توان با دورکعت‌نماز با حضور قبل آنچنان به خدا نزدیک شد،که شفای دردهایمان را ازاو بخواهیم وتعجبی ندارد اگر خدا به ندای نمازگزار پاسخ مثبت بدهدودردهارا از بین ببرد.

نماز وپیروزی درجنگ

در جنگها وعملیاتهای سخت ومهم گاهی عرصه بر انسانهای حق‌طلب،بسیارسخت می‌شود ودشمن از موضع قوی برخوردار است‌وشکست دادن او به آسانی میسر نمی‌شود.در این واقع هم علاوه برداشتن توانائیهای جنگی ،باید از نماز کمک گرفت.

نماز در جنگ

امیرالمؤمنین(ع)می‌گوید:هروقت که جنگ مغلوبه می‌شد و اسلام‌در مخاطره می‌افتاد،پیغمبر می‌فرمود:**واستعینوا بالصبروالصلوة.امّتی الصلوة الصلوة.**

در همان وسط جنگ و در همان خط مقدّم جبهه،پیغمبر پیاده می‌شدندو اصحاب هم پیاده می‌شدند و دورکعت نماز می‌خواندند.آنها پناه به‌نماز می‌بردند و بعد سوار می‌شدند ومی جنگیدند و پیروز هم‌می‌شدند.

«امیرالمؤمنین(ع)-در جنگ صفین به لشکریان فرمود- شما انشاءاللهفردا با دشمن درگیر می‌شوید.پس امشب را بیشتر به نماز مشغول باشیدوقرآن را بسیار تلاوت کنید واز خدا صبر وپیروزی به طلبید.»

شهید سرلشکر زین الدین می‌گفت در شبهایی که بسیجیان نماز شب‌می‌خواندند،وقتی عملیاتی علیه دشمن انجام می‌شد،معمولا به‌پیروزی چشمگیری می‌انجامید ولی هنگامی که نماز شب برپانمی‌شد،شکستهایی راهم‌در پی داشت.

نماز وکاستن غم واندوه

نماز در کاهش غم واندوه‌ها وناراحتی‌های روحی نیز نقش درمانی‌دارد.همانطور که در زندگی اولیاء خدا آمده است که در

مواقعی که غم‌واندوه به آنهاهجوم می‌آورد،همانند جنگهایی که دشمن به آنهاهجوم‌گسترده می‌نمود،به نماز پناه می‌بردند.

«روایت شده چون مشکلی برای خانواده رسول خدا(ص)پیش‌می‌آمد،می‌فرمود:برخیزید نماز بخوانید.بعد فرمود:خدا این گونه به من‌دستورداده است»

دربارۀ امیرالمؤمنین(ع)داریم که در شهادت زهراتا غم هجوم به اومی‌آورد،دورکعت نماز می‌خواند.لذا قبل از غسل دادن،دورکعت نمازخواند.قبل از اینکه زهرایش را در قبر بگذارد هم نماز خواند.وقتی که‌زهرا را در قبر قرار داد و خاک روی قبر ریخت،غم به امیرالمؤمنین(ع)

هجوم آورد و دورکعت دیگر نماز خواند.

«امام صادِ(ع):هرگاه برای امیرالمؤمنین(ع)مشکلی پیش می‌آمد،به‌نماز پناه می‌برد»

«رسول خدا(ص):پیامبران خدا چنان بودند که چون دچارنگرانی‌می‌شدند،به نماز پناه می‌بردند.»

راوی می‌گوید خدمت امام صادِ(ع)آمدم .امام مشاهده کردند که‌من غمگینم.علت را پرسیدند.گفتم:یک زنی در کوچه راه می‌رفت که‌ناگاه به زمین خورد.در این حال گفت:**خدا لعنت کند قاتلین تو را ای‌فاطمۀ زهراء .**

تا این حرف را زد،،مأمورین اورا گرفتند وبا کتک بردند.امام فرمودند بلندشو دورکعت نماز بخوانیم.به مسجد رفتیم ودورکعت نماز خواندیم.امام‌از خدا خواستند که این زن نجات پیدا کند.طولی نکشید که خبر آوردنداین زن را با احترام رها نموده‌اند.

در یکی از سفرهای عبدالله بن عباس به او خبر دادند که برادرت ازدنیا رفت.عبدالله گفت:انّا لِلّه وانّا الیه راجعون آن گاه از مرکب فرود آمدوبه کناری رفت و دورکعت نماز خواند.پس از آن ساعتی با وقار وآرامش نشست و چون از جایش برخاست این آیه را می‌خواند:**واستعینوابالصبر والصلوۀ وانّها لکبیرۀٌ الاّ علی‌الخاشعین«بقره45»**

از صبر ونماز یاری جوئید واین کار جز برای خاشعان ،گران است.»

رسول خدا(ص):ای مردم !هرگاه مشکلات چون کمربندی شخصی‌را محاصره کرد ،وقتی دوسوم شب گذشت،فرشته‌ای به او می‌گویدبرخیز وذکرخدا بگو.اگر بلند شد وذکر خدا گفت یک گره از مشکلش‌حل می‌شود واگر وضو گرفت وبه نماز ایستاد تمامی گرههایش بازمی‌گردد وصبح رابا شادمانی شروع می‌کند.»

«رسول خدا(ص):هنگامی که مشکلات وبلاها نازل می‌شود،اهل‌مساجد در امانند.»

از عوامل خودکشی‌های جوانان وبزرگسالان،هجوم غمها ومصیبتهابه آنان است که اگر آدمی در این مواقع به نماز پناه نبرد شاید نتواند این‌بار را تحمل کند واز حال طبیعی خارج شده ودست به کارهای خلاف‌عقلی همچون خودکشی می‌زند.اما آنان که به نماز پناه می‌برند،احساس می‌کنند که شارژ شده وقدرت وقوت تازه‌ای برای تحمل‌مشکلات وبرخورد با آن پیدا می‌نمایند.

«امام صادِ(ع):چه مانعی دارد که وقتی برای‌یکی از شما مشکلی‌پیش می‌آید وضو گرفته وبه مسجد رفته ودورکعت نماز بخواند واز خداحاجتش را بطلبد.مگر نشنیده‌اید که خدا فرموده است:**استعینوابالصبر والصلوة**.از صبر ونماز کمک بگیرید.»

نماز واجابت دعا

اثر دیگر نماز در اجابت دعای انسان است.کسانی که اهل نمازهستند چون به خدا نزدیکتر می‌باشند وپیشانی را در مقابل پروردگارخویش بر زمین می‌گذارند،دعاهایشان مستجاب می‌شود ولی افراد بی‌نماز دعایشان مستجاب نمی‌شود مگر در بعضی موارد استثنائی.

در حدیث قدسی است که خدا فرمود:اگر کسی مُحدِث شد و وضونگرفت به من جفا کرده است.واگر وضو گرفت ودورکعت نمازنخواند،بمن جفا کرده است.واگر نماز را خواند ودعا نکرد،بمن ستم‌کرده است.وگر وضو گرفت ونماز را خواند ودعا کرد ولی من اجابت‌نکردم،من به او ستم کرده‌ام!

«امام صادِ(ع):هنگام حاجت،دو رکعت نماز بخوان وبر محمدوآلش صلوات بفرست وحاجتت را بگو.آنوقت حاجتت روامی‌شود.»

«امام صادِ(ع):هرکه گرسنه باشد-وپول نداشته باشد-وضو بگیردودور کعت نماز خوانده بگوید:خدا من گرسنه‌ام!مرا سیر نما.بلافاصله‌به او طعام داده می‌شود.»

«امام صادِ(ع):دروغ گفته کسیکه بگوید نماز شب می‌خوانم ولی‌گرسنه‌ام وپول ندارم.زیرا نماز شب روزی روز را ضمانت کرده است.»

«امام صادِ(ع):همانا خداوند نماز را دربهترین وقتها واجب کرد پس‌بعد از نماز هایتان حاجتهای خود را بخواهید.»

علماء وعرفائی همچون مرحوم حسنعلی اصفهانی و راشد وشیخ‌انصاری وسید بحرالعلوم وقاضی ودیگران که دعاهایشان

مستجاب‌می‌شد بخاطر نمازهای خالصانه آنها بوده است.وقتی مرحوم حسنعلی‌اصفهانی شب را تا به صبح در یک رکوع می‌گذراند،چگونه مستجاب‌الدعوهٔ نباشد که گویند افسری که سالها از همسرش بچه دار نشده بود به‌او مراجعه می‌نمود واوبا یک دانه خرما اورا معالجه می‌کرد وصاحب‌بچه شد.ویا زن مسیحی که دچار سرطان شده بود واسطه نزد او فرستادواو زن را شفا می‌دهد چنانچه بعد از رحلت مرحوم اصفهانی می‌بینندزن مسیحی برای رحلتش سینه می‌زند واشک می‌ریزد!

یکی از راههای شناخت افراد صاحب کرامت از مدعیان دروغین‌مسئله **نماز** است.گاه در فلان شهر پخش می‌شود که دختری امام زمان‌را دیده است!یا خانمی بنام بی بی زهرا زنهای عقیم را شفا می‌دهد ویافلان آقا دعا نویس با کرامتی است!اما وقتی به حالات این مدعیان دقت‌می‌شود مشخص می‌گردد که حتی بعضی از آنها حمد وسوره را بلدنیستند بخوانند!وهمین برای کذب ادعای آنان کافی است.

نماز وبرطرف شدن خطر

در هنگامی که خطری متوجه انسان می‌شود،باید علاوه بر عکس‌العمل‌مناسب،به نماز روی بیاورد.وگاهی هیچ راهی جز روی آوردن به‌نماز برای انسان وجود ندارد.

راوی می‌گوید که منصور دوانقی در وقتی غضبناک شد وتصمیم به‌قتل امام صادِ(ع)گرفت.لذا امام را احضار نمود.هنگامی که امام به درقصر او رسیدند،امام به من (راوی)فرمود :صبرکن تا دورکعت نمازبخوانم.وقتی امام نماز خواندندونزد منصور رفتند.منصور اول عصبانی‌بود ولی بعد بصورت یک آدم متملق درآمد وامام را با احترام به منزلش‌برگرداند.

در زندگی علماء زیاد شنیده شده که در مواقع بحرانی وخطر به نمازروی می‌آوردند.از جمله وقتی حکم کشتن ملاطاهر قمی از سوی شاه‌طهماسب صفوی صادرشد ومأمور جلاد با دست خط شاه نزد ملاطاهررفت.قبل از اجرای حکم شاه،ملاطاهر مشغول نماز شد،ویک نمازطولانی را شروع کرد.ناگاه حکم دیگر شاه مبنی بر دستگیری ایشان‌ورفتن نزد شاه باطلاع ملاطاهر رسید.وهنگامی که اورا نزد شاه‌بردند،سخنانی بینشان رد وبدل شد وعاقبت با صحت وسلامت از کاخ‌شاه بیرون آمد.

نماز ورفع مشکلات خانوادگی

بسیاری از طلاقها وجدایی‌ها ومشکلات خانوادگی با بی نمازی‌ارتباط دارد.مثلا خانمی در مجلس زنانه گریه می‌کردند ومی گفتند بعد ازدوماه که به خانۀ شوهر رفتم بیوه شدم.زیرا فهمیده‌ام که شوهرم معتاداست!

اگر این مورد را ریشه یابی نمائیم می‌بینیم که در هنگام‌خواستگاری‌شوهر از این زن،خود زن وخانواده‌اش به مسئله نماز مرد توجهی‌نداشتند بلکه بیشتر به خصوصیات مادی ومسائل رفاهی ودرآمد اودقت نمودند وچون از این جهت خیالشان راحت شد به او جواب مثبت‌دادند.اما بعد از دوماه این خوشیها تمام شد ومال باید سالهای طولانی‌را با این مشکل دست به گریبان بشوند.در حالی که وقتی شخصی‌خدمت باقر(ع)رفت وگفت برای دخترم خواستگار آمده است.آیا دختربه او بدهم؟امام فرمود اگر از **دین** واخلاِ او راضی هستی بده.ودیگرنفرمود وضع مالیش چطور است؟؟

«امام رضا(ع):اگر مؤمنی به خواستگاری دختری برود وپانصد درهم‌جهت مهر پیشنهاد کند ولی آنان بیشتر بخواهند واین مقدار را نپذیرفته‌به او دختر ندهند،بر او ستم کرده وخداوند پدرآن خانواده را ازحورالعین محروم می‌کند»

وپیامبر(ص)فرمود:اگر کسیکه از دین واخلاقش راضی هستید به‌خواستگاری بیاید ودختر ندهید،فساد بزرگی پدید می‌آید!»

مشکلاتی مانند اعتیاد سرپرست خانواده،بیکاری او ودوستان ناباب‌ومجالس گناه وفساد بی ارتباط با بی نمازی نیست.لذا اخیرا یکی ازقضات در مورد جوانانی که شراب خورده ومست کرده بودند واقدام به‌عربده کشی وشکستن شیشه‌های ماشین‌ها ومغازه‌ها نموده بودن،حکم‌به حضور در نماز جماعت مسجد بمدت چهل روز نموده بود.زیرا نمازاست که کانون خانواده هارا محکم کرده واز اختلافات وطلاِهاجلوگیری می‌کند.مخصوصا اگر زن ومرد هردو خدایی باشند.هردو اهل‌معنا باشند.هردو در وادی معرفت گام نهاده باشند:

«رسول خدا(ص):خدا رحمت کند مردی را که برای نماز شب‌برخیزد وهمسرش راهم بیدار کند حتی با پاشیدن آب بروی او ویا زن‌برخیزد وشوهرش را بیدار کند وهردو به نماز بایستند»

ای خانواده هایی که می‌خواهید دختران وپسران آبروداری داشته‌باشید!خود وشوهرانتان به نماز پناه ببرید وفرزندان خودرا به‌نمازجمعه‌ها ومساجد برده واز سجده درمقابل خداوند بزرگ تکبرننمائید!اگر می‌خواهید فرزندانتان در مقابل سیل شیاطینی که برای‌انحراف آنان دام پهن کرده‌اند،در امان باشند نیز به نماز پناه ببرید.نمازقلعه محکمی درمقابل حملات شیاطین جنّی وانسی است.در مسجداست که جوان شما دوستان خوبی پیدا می‌کند.در مسجد است که با راه‌درست زندگی کردن وپاکدامن بودن آشنا می‌شود.در مسجد

است که‌زیربنای دینی او قوی می‌شود وفردا هرسازمان بی دینی اورا بطرف‌خود نمی‌کشاند.همانند **سازمان منافقین** که چه بسیار جوانان بی‌گناه ایرانی را بخود جذب نموده واز آنان هیولاهایی ساختند که علیه‌کشور خود وارد جنگ شدند وهزاران جنایت انجام دادند.وعاقبتی بس‌بد در دنیا وآخرت برای خود خریدند وخانواده‌های خود را برای ابدعزادار نمودند!در حالی که اگر زیر بنای محکم دینی داشتند وبا روحانی‌ومسجد آشتی داشتند،هرگز به انحراف کشیده نمی‌شدند.اگر چه درموارد استثناء هم دیده شده که منافق از خانواده‌ای مذهبی واهل مسجدبوده ولی بدلایل دیگر به نفاِ پیوسته است.

باز هم تأکید بر نماز خواندن فرزند

«وامر اهلک بالصلوۀ واصطبر علیها»طه132

یعنی خانواده ات را امر به نماز نما وبر این مسئله مداومت کن.

مسئله نماز از مهمترین نشانه‌های تربیت صحیح است.درخانه‌ای که والدین نماز خوانده وتا کودک به سن بالا برسد مرتب اورا به‌خواندن نماز امر می‌نمایند،امید به هدایت وسعادت فرزند هزاران باربیشتر است تا خانه‌ای که اگر چه پدر ومادر خود اهل نمازند ولی‌فرزندان خود را رها کرده‌اند وباصطلاح آنان را آزاد گذاشته‌اند تا خودمسیر درست را انتخاب نمایند واین بزرگترین اشتباه سرپرست خانواده‌است که نوجوانی را که اصلا نمی‌تواند خیر وصلاح خود را تشخیص‌دهد واز طرفی نماز زحمتی برای اوست،آزاد بگذارند به این امید که‌روزی برسد که خود نوجوان به نماز گرایش پیدا کند!

خداوند در قرآن کریم به پدران دستور می‌دهد که خود وخانواده‌خود را از جهنم نجات دهید:

«یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا وقودها الناس‌والحجارۀ»تحریم 6

ای مؤمنین!خود وخانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

«رسولخدا(ص):در هفت سالگی فرزند را به خواندن نمازتمرین دهید ودر ده سالگی درصورت نماز نخواندن،برآنان‌سخت گرفته شود وحتی' آنان را با زدن هم شده به نماز وادارکنید.»

اهمیت شرکت در نماز جمعه وجماعت ومراسمات دینی‌بهمراه فرزندان

پدرانی که خود در مجالس معنوی شرکت می‌کند وفرزندان خودرانیز بهمراه می‌برد،می‌تواند امیدوار باشد که آینده فرزندان،از نظر دوری‌از انحرافات اخلاقی،آینده سالمی خواهد بود.ولی پدرانیکه خودهیچگاه پا به مسجد وعبادتگاه الهی نگذاشته‌اند وغرورشان‌اجازه نمی‌دهد که در مقابل پروردگارشان سجده نمایند،چگونه امید دارند که فرزندان خوبی وسالمی تربیت کنند؟مسجد محلی‌است که در آن انسانهای والا تربیت می‌شود.

مسجد سنگر اسلام است.مسجد محل ملاقات مؤمنین ووحدت‌وصمیمیت آنان است.اگرچه گاهی افراد منافق هم در مسجد پیدامی‌شوند یا افرادی که از شرکت در مسجد مقاصد شومی را در ذهن‌دارند ولی اکثر نمازگزاران کسانی هستند که بدون قصد دنیایی وفقط‌برای اطاعت از خدایشان در مسجد ومراسمات مذهبی حضور پیدامی‌کنند وخداوند هم طبق وعده هایی که داده است در دنیا وآخرت ازآنان حمایت می‌کند:

«ان الله یدافع عن الذین آمنوا»حج39

خداوند از مؤمنین دفاع خواهد کرد.

نماز وبرطرف شدن وسوسه و حدیث نفس

اگر کسی دچار شک در دین و وسوسه شد دورکعت نماز بخواند وبه‌خدا پناه ببرد.

نماز و استخاره

هرگاه کسی بر سر دوراهی انجام کاری واقع شد شش کاغذ نوشته که‌در سه تا نوشته شده «بسم الله الرحمن الرحیم.خیرةٌ من الله العزیزالحکیم برای فلانی...انجام بده» ودر سه تا نوشته شده«بسم الله الرحمن‌الرحیم.خیرةٌ من الله العزیز الحکیم برای فلانی...انجام نده»سپس‌کاغذها را زیر سجاده بگذار و دورکعت نماز بخوان ودرسجده بگو«ازخدا طلب خیر می‌کنم»بعد از نماز نشسته ومی گوئی «خدایا آنکه خیراست درسلامتی وهمهٔ کارهایم برایم انتخاب کن»سپس کاغذها را بهم‌زده ویکی یکی برداری اگر سه تا پشت سرهم آمد:انجام

بده آن را انجام‌می‌دهی واگر سه تا پشت سرهم آمد:انجام نده.آن کار را ترک کن.واگراولی »انجام بده» ودومی:«انجام نده» بود باید پنج تا کاغذ برداری که اگرسه تایش:«انجام بده» باشد خوب است والاّ بد.

نماز وادای قرض

شخصی به امام صادِ(ع) گفت که من از قرضی که مرا فراگرفته‌خدمت شما آمده‌ام ومی خواهم چیزی به من بیاموزید تا غنیمتی‌نصیبم شود تا باآن قرضم را ادا نمایم.

امام صادِ(ع) وقتی شب شد دورکعت نماز بخوان که در رکعت اول‌حمد وآیۀ الکرسی و در رکعت دوم حمد واز آیه »لو انزلنا هذا القرآن‌علی جبل...»تا آخر را می‌خوانی وقرآن را بر سر بگذار وخدا را به آن‌قسم بده و...سپس حاجت خود را بطلب.آن مرد رفت و وقتی برگشت‌اعلام کرد که قرضش ادا شده است.

نماز و برطرف شدن حاجت

امام سجاد(ع)دید که مردی در خانه ظالمی نشسته است.پرسید درخانه‌این ستمکار چرا نشسته‌ای؟گفت زیرا دچار گرفتاری شده‌ام.-و آمده ام‌تا این ظالم مشکل مرا برطرف کن-امام فرمود بلند شو تا تورا راهنمائی‌کنم به دری که بهتر از درِ اوست.و بسوی پروردگاری که از او برایت بهتراست.پس دست او را گرفت وبه مسجد پیامبر آورد وفرمود دو رکعت‌نماز بخوان و بعد از نماز بر محمد وآلش صلوات بفرست و آخر سوره‌حشر وشش آیه اول سوره حدید و دوآیه از آل عمران را بخوان و از خداحاجتت را بخواه که عطا می‌فرماید.

نماز و زیاد شدن روزی

شخصی نزد رسول خدا(ص)آمد وگفت به من دعائی بیاموز تا روزیم‌زیاد شود و قرضم ادا گردد.

رسول خدا(ص)فرمود وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان وسپس‌این اذکار...را بگو.

نماز واستغاثه

اگر کسی بخواهد به خدا استغاثه کند واز او فریادرسی بطلبد،موقع‌خواب ظرف آبی نزد خود بگذارد و موقع نماز شب بلند شود ابتدا

سه‌جرعه از آن بیاشامد سپس وضو گرفته ودورکعت نماز بخواند ودر رکوع‌وسجود هرکدام بیست وپنج بار بگوید:یا غیاث المستغیثین و بعد ازنماز دعا می‌کنی.

نماز و ترس از ظالم

کسیکه از ظالمی می‌ترسد،غسل کرده ودورکعت نماز خوانده‌وزانوهای خودرا برهنه‌می‌کند واین ذکر را...می گوید.

نماز وزیاد شدن حافظه

از امام صادِ(ع) نقل شده که با زعفران می‌نویسی....سپس درهنگام سحر دورکعت نماز می‌خوانی که در هر رکعت حمد وپنجاه بار«قل هوالله»می‌خوانی و از آن آب می‌نوشی که برای حافظه مفیداست.

نماز وآمرزش گناه

دورکعت نماز که در هر رکعت شصت بار «قل هوالله»بخواند که وقتی‌نماز تمام شد خدا گناهش را می‌آمرزد.

اثرات روحی و روانی قرآن

کلام خدا انسانهای زیادی را تکان داده وزیر ورو نموده است.به چندنمونه توجه کنید:

«عربی به مسجد آمد واز پیامبر درخواست کرد که به او قرآن یاددهد.حضرت به یکی از مسلمانان فرمود که اورا گوشهٔ مسجد ببردوآیاتی را به او بیاموزد.اوهم مرد عرب را به کناری برد و شروع به‌آموختن سورهٔ زلزال به او نمود.وقتی به آیات »فمن یعمل مثقال ذرهٔخیراً یره ومن یعمل مثقال ذرهٔ شراً یره»عرب پرسید:واقعاً خدا از تمام‌اعمال خوب وبد انسان خبر دارد وآنهارا در قیامت به بنده اش نشان می‌دهد؟گفت:آری.عرب گفت:فهمیدم.

سپس خداحافظی کرد ورفت.مسلمان نزد پیامبر رفت وداستان‌عرب را به حضرت گفت.حضرت فرمود:این مرد دانشمند برگشت.»

«پیامبر در یکی از شبها سورهٔ مبارکهٔ »القارعه» را در نماز مغرب‌تلاوت فرمود.یکی از اصحاب حضرت بعد از این نماز مریض شد ودربستر بیماری افتاد.حضرت به عیادت او رفتند وعلت مریضی او را جویاشدند.او گفت:من وقتی سوره القارعه را شنیدم،متأثر شدم وگفتم:خدایا!من طاقت عذاب آخرت را ندارم.اگر من گناهکار هستم ومی‌خواهی مرا عذاب کنی،مرا در همین دنیا عذاب کن!

بعد از این دعا بیمار شدم.

حضرت فرمود:درست نگفتی!الکه باید می‌گفتی:**ربنا آتنا فی الدنیاحسنهٔ وفی الاخرهٔ حسنهٔ وقنا عذاب النار.**

یعنی خدایا!هم در دنیا وهم در آخرت بما خوبی کن ومارا از عذاب‌جهنم دور نما!

آنگاه پیامبر(ص)برای او دعا کرد وسلامتی اورا از خدا خواست.اوهم سلامتی خود را بدست آورد.» سفینهٔ البحار ج1 ص208

«شبی عبدالواسط،قاری مشهور مصری آیاتی از قرآن را برای سیاه‌پوستان محلهٔ هارلم قرائت کرد.در آن شب چنان شنوندگان تحت تأثیر قرار گرفتند که بیست وپنج نفر مسلمان شدند.»

«در تانزانیا عده ای از مقامات کلیسا کمیته ای جهت مبارزه با اسلام‌تشکیل دادند.در این کمیته شرح وظایف اعضارا مشخص کردند ازجمله خواندن قرآن وپیدا کردن اشتباهات وتناقضات آنرا به عهده‌اسقفی گذاشتند.وقتی اسقف، قرآن‌را چند بار خواند،دست ازمسیحیت کشید ومسلمان شد واعلام کرد که تنها کتاب حقیقی الهی‌قرآن است»

اُنس با سورهٔ عصر

«آقای ع.ع از شهرستان دزفول،در ارتباط با اُنس مادر گرامیشان باسورهٔ عصر وعشق وافر خودشان به سوره‌های ضحی' و الم نشرح‌نوشته‌اند:

مادرم گفت:وقتی که سختی‌های زندگی،مرا دلتنگ می‌کند و برسینه‌ام فشار می‌آورد،چند بار سوره والعصر را می‌خوانم وبا قرائت وتکرار این سوره سبک می‌شوم و آرامش مرا فرا می‌گیرد وبسیار اتفاِمی‌افتد کسانی را که در چنین موقعیتی قرار می‌گیرند و گرفتار مصیبت‌هامی‌شوند،به خواندن این سوره توصیه می‌کنم.

بعد از این حرف مادرم،این حدیث شریف که می‌فرماید:«هر که‌سوره والعصر را بخواند،خداوند فرجام کار اورا به صبر وشکیبائی‌منتهی می‌سازد»

به دلم نشست و اُنس و دلبستگی ام به سوره والعصر بیشترشد.خودم نیز به جز این سوره،در مورد سوره‌های ضحی' و الم نشرح‌چنین احساسی دارم،آن گاه که سینه‌ام تنگ و دلم تاریک می‌شودوخیالم شروع به منفی بافی می‌کند وبرایم آیهٔ یأس می‌خواند و وقتی که‌در حرکت و تکاپوی خود به خاطر این یأس‌ها بی انگیزه و سست‌می‌شوم ودر راه رسیدن به هدف،خود را تنها می‌بینم و ناخشنود ازپیشامدها و ناراضی از شرایط،عرصه را بر خود تنگ می‌بینم، به دوسوره والضحی' و الم نشرح پناه می‌برم،می‌خوانم و می‌شنوم،بلندوآهسته، بادل وزبان ،شمرده و با تأمل، این دو سوره را زمزمه‌می‌کنم.گویی که قفل‌های سینه‌ام را یک به یک باز می‌کنند و درهای‌بسته را به رویم می‌گشایند و نسیم معطر و نوازشگرشان،هوای دم کرده‌و خفه کننده دلم را عوض می‌کنند:والضحی' ،والیل اذا سجی'،ماودعک ربّک وماقلی'

پروردگارت تورا رها نکرده است و....الم نشرح لک صدرک،ووضعنا عنک وزرک...آیا ما سینه تنگت را فراغ نگردانیدیم و بارهای‌گران را از دوشت بر نداشتیم؟ما کی تو را تنها گذاشتیم؟و...»

«آقای س.ص از رفسنجان،جریان اُنس و دوستی خود با سوره ناس راچنین باز می‌گویند:

از آغاز نوجوانی به مسئله اخلاِ وسیر وسلوک بسیار علاقه‌مند بودم‌وحتی الامکان سعی می‌کردم همهٔ کتابهای اخلاقی را مطالعه کنم.خودم‌را به هر دری می‌زدم تا در این وادی قدری پیش بروم.اما به هنگام‌مطالعه این کتابها،نومیدی کمرشکنی مرا فرا می‌گرفت،وقتی مراحل ومنازل مختلف سفر بسوی خدا -را که علما در کتابهای خود برشمرده‌اند - می‌دیدم،متحیر می‌شدم که خدایا!کی به مرتبهٔ اول، آن گاه‌دوم و سپس سوم و...خواهم رسید؟منزل »یقظه»را کی پشت سر خواهم‌گذاشت و چه وقت در منزل »توبه» ویا «تطهیر» جای خواهم گرفت؟این‌همه رذائل اخلاقی را کی و چگونه از وجود خود دور خواهم کرد؟

مدتی -مثلا - به مسئلهٔ کبر و یا حسد مشغول می‌شدم وتمام فکر وذکرم‌این بود که خودم را از شر آنها خلاص کنم.. آن گاه متوجه می‌شدم که ازهزاران چیز دیگر بازمانده‌ام و بسیاری از فضائل و واجبات را زیر پاگذاشته‌ام و آخرش هم به جایی نرسیده‌ام .به ان یکی می‌پرداختم،ازدیگری باز می‌ماندم.چند مورد را هم با هم پیش بردم،اما می‌دیدم که ازاجتماع و زندگی طبیعی و مردمی دور می‌شوم.همین گونه، سالهای سال‌خودم را از این در وآن در می‌زدم،نزد علمای مختلف می‌رفتم وکسب‌تکلیف می‌کردم.دیگر نمی‌دانستم باید چکار کنم؟روز به روز بر تحیرم‌افزوده می‌شد.جان وروحم متفرِ وپاره پاره شده بود.داشتم که که‌نومید می‌شدم.با خود گفتم:چرا خدا یک راه آسان و منسجم پیش روی‌انسان قرار نداده است و چرا این همه منازل و مراتب سیر وسلوک رایکجا جمع نکرده است.وچرا کلیدی به دست انسان نداده است که به‌وسیله آن وجود خود را از غیبت،حسادت،سوء ظن،عُجب وتکبروتمامی رذایل اخلاقی ،یکجا رهایی بخشد؟این همه پراکندگی و تکثرچرا؟این همه اختلاف در ترتیب و تنوع مراتب ومنازل سفر به سوی‌خدا چرا؟این همه حلقه مفقوده را کجا می‌توان یافت؟و...

مدت‌ها در گیرو دار این افکار به سر می‌بردم تا این که روزی وروزگاری به هنگام قرائت قرآن،سوره ناس به من لبخند زدو خودی نشان‌داد و قطره‌ای از اقیانوس محبت خویش را در کامم ریخت.احساس‌کردم گمشده خود را باز یافته‌ام.مدت‌ها با همین یک قطره سرخوش‌بودم تا این که امتحانات پایان ترم دانشگاه تمام شد و تعطیلات تابستانی‌آغاز گشت.خداوند در دلم چنین انداخت که در این تابستان،یک برنامه‌قرآنی داشته باشم.مسئله را با یکی از دوستان همشهری در دانشگاه‌مطرح کردم،او نیز استقبال کرد و قرار شد که سوره هایی از قرآن راانتخاب کنیم و راجع به آنها بحث وگفتگو نماییم.در داخل قطار که عازم‌شهرستان بودیم،جزئیات برنامه از قبیل زمان

ومکـان برنامـه را مشـخص‌کـردیم.بنـا شـد هـر روز سـاعت شـش صـبح در محـل امـامزاده شـهر حضـوریابیم.تنهـا مانـده بـود کـه از کـدام سـوره آغـاز کنـیم.خواسـتم بگـویم،نـاس،امـام‌خـودداری کـردم.قـرار شـد قرعـه بـزنیم،حاشـیه روزنامـه‌ای را کـه در هـر کوپـه‌بـرای مطالعـه گذاشـته شـده بود،جـدا کـردیم و آن را بـه 114 تکـه کاغـذکوچک تقسـیم کـردیم و در هـر تکـه ،شـماره یکـی از سـوره‌هـای قـرآن رانوشـتیم.آن گـاه همـه را در یکـی از لیوانهای یکبار مصرف ویژه قطاررریختیم وتـا مـی‌توانسـتیم، هـم زدیـم.دوسـتم بـه مـن گفـت:یکـی از آنهـا رابـردارابـا توکـل برخـدا-درحـالی کـه قلـبم مالامـال از عشـق بـه سـوره نـاس بـود-دو انگشـتم را داخـل لیـوان کـردم ویکـی از کاغـذها را برداشـتم.اشـگ درچشـمانم حلقـه زد.آری،خداونـد قرعـه فال را به نام شماره 114 یعنی‌سوره ناس زده بود.

صـبح روز نخسـت در محـل مقـرر حضـور یـافتیم.آسـمان هنـوز تاریـک ومسـجد امـامزاده خلـوت بـود.یکـی از پنجـره‌هـا را گشـودیم و مقابـل آن‌نشسـتیم.نسـیم روح بخشـی بـه جریـان افتـاد.قـرآن‌هـا را بـاز کـردیم وشـروع بـه‌قرائـت نمـودیم:**بسـم الله الـرحمن الـرحیم.قـل اعـوذ بـرب الناس.ملک الناس.اله الناس. من شر الوسواس الخناس .الذی‌یوسوس فی صدور الناس. من الجنۀ والناس.**

ایـن گونـه بـود کـه ناگـاه وبـه یقـین،گمشـده دیـرین خـود را پیـداکردم.آری،کلیـدی کـه سـال‌هـا بـه دنبـالش بـودم و کمبـودش را بـا جـان و دل‌احسـاس مـس کـردم،در آن صـبح مبـارک و دل‌انگیـز از داخـل حلقـه قـاف‌آغـزین سـوره نـاس،بـه مـن چشـمک زد، آن گونـه کـه تمـامی خوانـده هاوگفتـه‌هـا شـنیده‌هـای اخلاقـی ام را در همـان یـک حلقـه پـر رمـز وراز گـرد هـم‌یـافتم.روح پـاره پـاره خـود را یکجـا جمـع دیـدم و تمـامی اجـزای متفرِهسـتی ام را یـک مرتبـه،در پنـاه **رب النـاس** در آوردم.از همـان آغازقرائـت احسـاس کـردم سـینه‌ام کـه مرکـز فعالیـت خنّـاس‌هـای جنّـی وانسـی‌اسـت،بـه دسـتان مطمـئن خداونـد سـپرده‌ام و از ایـن روی از شـر **وسـواس‌خنـاس** یعنـی از تمـامی رذائـل و زشـتی‌هـای اخلاقـی،ایمنـی یافته‌ام.

هـم اینـک مـن بـا سـوره نـاس هسـتم ودر حـرم امـن آن،آزاد ورهـامی‌باشـم.هـیچ شـیطانی جرئـت نمـی‌کنـد بـه سـینه‌ام کـه در دسـتان **رب‌النـاس** اسـت،نزدیـک شـود.بـه پشـتیبانی ایـن سـوره،در کمـال سـلامت‌وامنیـت هسـتم وتمـامی مراحـل سـیر وسـلوک را یـک جـا مـی‌پیمـایم،بـا یـک‌سـوره **ناس** هم »یقظه» می‌یابم و هم »توبه»می‌نمایم و هم«طاهر»می‌گردم.

بـا یـک **قـل اعـوذ بـرب النـاس** از یـک سـوی،درونـم را از شـر هـر گونـه‌رذایـل گونـاگون »تخلیـه»مـی‌کـنم و از سـوی دیگـر،آن را بـه فضـایل الهـی وآسـمانی »تحلیـه» مـی‌نمـایم.قـبلا فقـط بـرای ایـن کـه بـا یـک رذیلـه مبـارزه‌کـنم،مجبـور بـودم تمـامی فکـر و ذکـرم را بـه ان مشـغول کـنم و از

اجتماع ومردم بگریزم،آما اکنون در متن اجتماع و وسط بازار و خیابان و در عین‌حال در حرم امن الهی-که هیچ خناسی به آن راه ندارد-در برابر تمامی‌رذایل اخلاقی ایستاده‌ام.»

سه سال در انعام ماندم!

«استاد محمد رضا حجتی که به شغل تعمیر چرخ خیاطی اشتغال‌دارد،در رابطه با قرآن می‌گوید:

من عاشق قرآن هستم.سه سال تمام در سوره انعام متوقف شده بودم‌ونمی توانستم رد شوم.اَمثال وحکمتها و عبرت‌های آن تمامی نداشت.

من قرآن را مراقب و تکمیل کننده کل حرکات زندگی ام می‌بینم.»

نقاش اسپانیائی وعشق به قرآن!

«الیسو ویسنتی،نقاش مسیحی اسپانیایی :

ی‌ک سال پیش بود که در شهر کادیز اسپانیا با رادر زاده‌ام در حال قدم‌زدن بودیم،یک لحظه از خاطرم گذشت که یک **قرآن** بخرم.به برادرزاده‌ام گفتم:می‌خواهم یک قرآن‌بخرم.او با تعجب گفت:چرا قرآن؟گفتم‌بعضی چیزها است که نمی‌توان در باره آن توضیح داد.به هر حال همان‌موقع به یک کتابفروشی رفتم وتنها نسخه موجود قرآن را در آن کتاب‌فروشی تهیه کردم.وقتی به خانه آمدم،برای افراد خانواده‌ام نیز این‌سوال مطرح شد که :چرا قرآن؟ومن در پاسخ به سؤال آنها فقط‌گفتم:خوب،قرآن‌خریدم که بخوانم.فعلاً فقط همین.

از وقتی قرآن می‌خوانم ،به نتیجه جالب رسیده‌ام و آن این که قرآن،خوانده نمی‌شود بلکه شنیده می‌شود.قرآن‌بسیار عمیقی دارد که درورای این کلمات نهفته است.باید هنگام قرآن خواندن،خودت را به‌کلمات قرآن بسپاری تا بتوانی ژرفای عظیم آن واژه‌ها را درک کنی.اگرخوب به قرآن گوش بسپاری،این پیام عمیق و ژرف به تو گفته می‌شود.

من قبل از اینکه قرآن را باز کنم،اول آن را لمس می‌کنم.اول دست هایم راروی قرآن می‌کشم وبه عبارتی اول نوازشش می‌کنم.چون احساس مس‌کنم این کار،نیرویی را به من منتقل می‌کند.وقتی قرآن را باز می‌کنم وبه‌خطوط عربی آن نگاه می‌کنم،چنان احساس

لطیفی به من دست می‌دهدو چنان انرژی عظیمی به من منتقل می‌شود که وصف شدنی نیست.

من معتقدم حتی نگاه کردن به خطوط قرآن،بدون شک آدمی را ازاین فضای مادی آلوده دور می‌کند.من به قرآن خیلی ارادت دارم.

من با این کتاب رابطه عمیقی ایجاد کرده‌ام.بهتر بگویم رابطه عمیقی بین‌من و این کتاب ایجاد شده است.این رابطه آنقدر عمیق شده که شبهاقرآن را بالای سرم می‌گذارم ومی خوابم.من هرشب قرآن‌می خوانم.هرشب صد درصد قرآن می‌خوانم.من نمی‌خواهم راجع به محتوای قرآن‌صحبت کنم بلکه می‌خواهم راجع به احساسی که این کتاب به من‌منتقل می‌کند،حرف بزنم.احساس مس کنم در این کتاب نیروی عظیمی‌وجود دارد.احساس می‌کنم این کتاب قدرت دارد.عظمت دارد.احساس‌می‌کنم چیزی درون این کتاب هست.من این کتاب را مملو از نورمی‌بینم.بعضی وقتها این کتاب را روی سینه‌ام گذاشته و دست هایم راروی آن می‌گذارم تا از این نوری که درون این کتاب است به من منتقل‌شود وبتوانم انرژی عظیمی را که از این نور متصاعد می‌شود دریافت‌کنم.»

آیه‌ای آرامبخش

«ام عقیل زنی بادیه نشین بود.اسلام را باجان و دل پذیرفته بود وبا ایمان‌راستین به قوانین آن عمل می‌کرد.روزی دو تن به خانه‌اش آمدند،اوضمن پذیرائی از میهمانان،ناگاه دریافت که پسرش که در کنار شترهابازی می‌کرد،به سبب رسیدن شترها کشته شده است.

امّ عقیل بی آنکه موضوع را به اطلاع میهمانان برساند از آنها پذیرائی‌کرد.

پس از آنکه غذا صرف شد،میهمانان از کشته شدن فرزند امّ عقیل آگاه‌شدند واز صبر و روحیهٔ بالای این زن تعجب کردند.

پس از آن که میهمانان رفتند،چند نفر از مسلمانان برای عرض‌تسلیت،نزد ام عقیل آمدند. ام عقیل گفت:آیا کسی هست که آیات قرآن‌را بداند و با تلاوت آن مرا تسلی دهد؟یکی از حاضران گفتآری و این آیه‌را خواند:

وبشّر الصابرین الذین اذا اصابتهم مصیبةٌ قالوا انّا لِلّه وانّاالیه راجعون

به استقامت کنندگان بشارت بده.آنان که وقتی دچار مصیبت‌می‌شوند می‌گویند:ما از خدائیم وبسوی او باز می‌گردیم.

ام عقیل با شنیدن این آیه،از آنها خداحافظی کرد،وضو گرفت و دست‌به دعا برداشت و گفت:خدایا!فرمانت را انجام دادم وصبر نمودم.اینک‌آنچه بر صابران وعده داده‌ای به من برسان.

مکن به جهل تناول که خوان قرآن راپراز حلاوۀ علم است کاسهای حروف

قمطره‌های نبات است پر زشهدشفانهاده خازن رحمت برو عطای حروف**آثار اُنس با قرآن**

1- شفای دلهای مؤمنین

2-رحمت برای مؤمنین

3-هدایت برای باتقوایان

4-پناهگاه درمقابل شیطان

5-باعث سنگینی میزان اعمال

6-زیباترین قصه

7-بلیغ ترین موعظۀ

8-سودمندترین نصیحت

9-شفیع روزجزا

10-دارای ثواب زیاد برای قاری

11-پاک شدن گناهان

12-...

کرامات حسینیه (ع)

شخصیت امام حسین ع آنچنان در درگاه الهی مقام ومنزلت دارد که از زمان بعد از شهادتش،مرقد مطهر ومنورش ،پناهگاه حاجتمندان بسیاری از عالم ودانشمند گرفته تا مردم عادی.از فقیر ومسکین گرفته تا پولدار وثروتمند.از افراد ضعیف گرفته تا قدرتمندان،در هنگام گرفتاری به حرمش پناهنده شده یا از راه دور به او متوسل ومتوجه شده وبه او متوسل گردیده وحاجت گرفته اند.در این نوشتار به بعضی از این کرامات وشبه معجزات اشاره می گردد.

از بین رفتن مرض وبا با زیارت عاشورا

«نقل شده که سالی در سامراء وبا آمد وهمه روزه عده‌ای از شیعیان‌وسنیان ودیگرافراد از دنیا می‌رفتند.عاقبت مردم نزد مرحوم محمد تقی‌شیرازی معروف به میرزای کوچک آمدند وراه حلی خواستند.ایشان‌فرمودند:به مردم بگوئید که همه روزه زیارت عاشورا بخوانند وثوابش رابه روح نرگس خاتون مادر امام عصر(عج)هدیه نمایند.شیعیان به این‌دستور عمل کردند وبا کمال تعجب،کسی دیگر از شیعیان از دنیا نرفت‌ولی از سنی‌ها مرتب مرده به غسالخانه می‌بردند.آنها تعجب کرده ورازاین مطلب را از شیعیان جویا شدند وآنها گفتند که رهبرما بما سفارش‌کرده که زیارت عاشورا بخوانیم.وماهم این کار را کردیم.سنیها با شنیدن‌این مطلب شروع بخواندن زیارت عاشورا کردند ومردن از آنهاهم‌متوقف شد.»

شفای چشم از خاک زائرکربلا

«پدرخانم آیۀ الله گلپایگانی با اینکه پیر بود ولی چشمِ جوانی‌داشت.من دیدم که در مسجدِ بالاسرِ آن زمان که تاریک بود،در سن‌نودسالگی بدون عینک قرآن می‌خواند.»ایشان تعریف کرد که من به‌همراه آیۀ الله گلپایگانی در اربعین به کربلا رفتیم.ما از بصره سوار قطارشدیم.قطارها صندلی نداشت ویک اتاقی بود که من وآقای گلپایگانی درآن نشسته بودیم.ناگهان عربهای بادیه نشین ریختند در قطار وقطار پرشد وحرکت کرد.یکی از عربها پایش را توی دامن من دراز کرده بو.من‌اول ناراحت شدم ولی بعد گفتم زوّار حسین(ع)است.

به این فکر افتادم که این زوّار حسین(ع)است.لذا همه‌اش تبرّک‌است.پای پیاده آمده بود ولای انگشتان پایش گِل بود.بدون اینکه آن‌عرب بفهمد، یک مقدار از آن گِل را گرفتم و به پشت چشمم مالیدم‌وناگهان دیدم که عینک نمی‌خواهم.نزدیک را می‌بینم.دور رامی‌بینم.وضع بینایی ام عالی است.»

شفا از جناب مرّبن یزید ریاحی

آقای قندهاری یکی از علمای مشهد است که مرد مقدسی است‌فرموده بودند:من در زمان طلبگی »تب لازم»داشتم.این تب انسان را رهانمی‌کرد.خیلی اوقات هم کسی را می‌کشته است.ضعف روی ضعف‌پدید می‌آمد تا منجر به فوت می‌شد.منهم مرگم نزدیک شده بود.رفقامی‌خواستند به زیارت مرّ بروند.م هم حوصله‌ام سر رفته بد وبه آنهاگفتم مرا هم ببرید.گفتند نمی‌شود.گفتم هرطوری هست مرابیری.اگرشده روی دوش شما باشم.

طلبه ها این کار را کردند.مرا بر دوش گرفتند وبردند.طلبه‌ها زیارتشان راکه کردند،مرا گوشهٔ حرم گذاشتند ورفقا دنبال تفریح رفتند.و منهم زیارتم‌را کردم.یک وقت دیدم که یک زن عربی با یک بچهٔ فلج وناتوان وعقب‌مانده آمد.اورا کنار ضریح حضرت مرّ گذاشت ویک شبکه را گرفت‌وگفت:یا کاشف الکرب عن وجه الحسین!اکشف کربی بحقّ‌مولاک الحسین.یعنی ای کسیکه غم وغصه را از حسین برطرف‌می‌نمودی!غم وغصه مراهم بحق حسین برطرف کن!

آن زن شبکه دوم را گرفت واین جمله را گفت.شبکه سوم را گرفت واین‌جمله را گفت ناگاه بچه ایستاد و آمد دامن مادرش را گرفت وگفت مادر!

آری بچه خوب شد.فهمیدم که این نوع معجزات رای این زن تازگی‌نداشته واثالش را بسیار دیده بود.این زن یک تعظیم وتشکری کرد وازحرم حضرت مرّ بیرون رفت.

من فکر کردم که این زن این حاجت را گرفت!من که یک واعظ وطلبه‌هستم ومروط به اهل بیتم چرا من حاجت نگیرم؟می‌توانست بلندشوم.لذا افتان وخیزان تا پای ضریح آمدم وشبکه را گرفتم وگفتم:یاکاشف الکرب عن وجه الحسین!اکشف کربی بحقّ مولاک

سپس همانند آن زن ،شبکه دوم را گرفتم وهمین جمله را گفتم.بعدشبکه سوم را هم گرفتم واین دعا را کردم.ناگاه دیدم مل آب که روی‌آتش بریزند بدن گرم من ،سرد شد.دیدم قدرت دارم.بلند شدم‌وایستادم.دیدم می‌توانم راه بروم.بنا کردم به راه رفتن.حتی

دیدم‌می‌توانم بدوم!بنا کردک به دویدن!آدم نزد طلبه‌ها وگفتم بیائیدا‌خوب‌شدم.»

زنی که امام حسین(ع)به دیدارش رفت

«حاج ملاّ محمّد علی یزدی در نجف همسایه‌ای داشت که در کودکی‌باهم نزد یک معلم درس می‌خواندند. ولی آن همسایه وقتی بزرگ شد،به شغل راهزنی مشغول شد تا اینکه مُرد و او را در قبرستانی نزدیک‌خانه ملای یزدی دفن کردند. هنوز یکماه نگذشته بود که حاجی درخواب، همسایه راهزن را دید که در حال خوش وخرمی قرار دارد.تعجب کرد و از او ماجرایش را پرسید. او گفت: بعد از مردنم تا دیروزبخاطر کارهای زشتم در عذاب بودم، ولی دیروز که همسر استاد اشرف‌حداد فوت کرد و او را در این قبرستان دفن کردند، اباعبداللّه(ع) سه باربه دیدن او آمد ودر بار سوم دستور داد عذاب را از این قبرستان بردارند.لذا حال ما از بدی به خوبی تغییر کرد!

ملای یزدی بعد از بیدارشدن، به سراغ استاد آهنگر رفت و بعد از پرس‌و جو در مورد شخصیت این زن، متوجه شد که این زن همه روزه زیارت‌عاشورا می‌خوانده است»

همسر یکی از مردان خدا

علامه طباطبایی بعد از رحلت همسرش گفت: همسر ما زن بسیارمؤمن و بزرگواری بود.او همراه ما در نجف زندگی می‌کرد و در ایام‌عاشورا برای زیارت با هم به کربلا می‌رفتیم.وقتی به تبریز برگشتیم،روزعاشورایی همسرم که مشغول خواندن زیارت عاشورا بوده از ایام‌زیارت امام حسین(ع)در کربلا یادی می‌کند ومی گوید:دهسال در روزعاشورا کنار قبرآن حضرت بودیم ولی امسال از این فیض محرومیم. ناگاه پرده غیبی کنار می‌رود و می‌بینند که در حرم مطهّر رو به قبر حضرت‌ایستاده ومشغول خواندن زیارت است.حرم مطهر و خصوصیات آن‌مثل گذشته است ولی چون روز عاشورا بوده است و مردم برای‌تماشای دسته سینه زنان بیرون بودند وفقط چند نفر حرم مقابل قبرشهدای کربلا ایستاده بودند و خدام برای آنها زیارت می‌خواندند.در این‌حین به خود می‌آید ومشاهده می‌کند در خانه خود مشغول خواندن‌زیارت است.

ملا محسن فیض کاشانی

گویند :در زمان شاه عباس یکی از سران کشور خارجی ،پیکی رابهمراه شخصی نزد شاه ایران فرستاد ودر خواست کرده بود که دستوربدهید علمای شما با فرستادهٔ ما در امر دین و مذهب مناظره کنند که اگرمغلوب شدند، به دین ما بگروید!!

فرستاده خارجی این قدرت را داشت که هرکه چیزی در دست می‌گرفت،او از آن خبر می داد.

شاه علما را جمع کرد وقرار شد که ملا محسن فیض با او مناظره کند. ملا محسن فیض به او گفت شاه شما دانشمندی نداشت که بفرستدو شما را که بی دلنش هستید برای مناظره با علمای ایران فرستاده‌است؟او گفن که شما ا عهده شکست داند من بر نمی آید!اکنون چیزی‌در دست بگیر تا من بگویم چه چیزی است!

ملا محسن فیض تسبیح امام حسین را درمشت خود پنهان کرد.آن‌شخص در دریای فکر غوطه ور شد وبسیار فکر می کرد.ملا محسن‌فیض گت چرا جواب نمی دهی؟گفت طبق تخص خود می بینم که دردست تو قطعه ای ا خاک بهش است.تفکر من در این است که خاک‌بهشت چگونه به دست تو رسیده است؟ملا محسن فیض گفت:راست‌گفتی،در دست من قطعه ای از خاک بهشت است و آن تسیحی از قبرمطهر دخترزاده پیامبرمان که امام بوده‌می باشد.و از این مطلب بطلان‌دین شما وحقانیت دین ما روشن شد.در این موقع آن شخص مسلمان‌شد.

خوابی که تعبیر شد!

من(فرزند شاه آبادی‌بزرگ) من از ایامی که در نجف در خدمت‌امام‌خمینی »رض»بودم،خاطرهٔ جالی دارم.قبل از تشریف فرمائی امام به‌نجف،شبی خواب دیدم که در ایران آشوب وجنگ است.بخصوص درخوزستان.

سرتمامی نخلهای خرما یا قطع شده بود ویا سوخته بود.در این جنگ‌یکی از نزدیکانم شهید شده بود.-که البته برادرم حاج آقا مهدی درجنگ شهید شد.-جنگ که خیلی طولانی شده بود با پیروزی ایران تمام‌شد.در تمام مدت جنگ من چنین تصور می‌کردم که جنگ میان حضرت‌سید الشهداء(ع) ودشمنانش است.وقتی جنگ تمام شد،پرسیدم:آقاامام حسین(ع)کجاهستند؟طبقه بالای ساختمانی را بمن نشان دادند که‌دواطِ داشت.یکی در سمت راست ویکی در سمت چپ بود.من به‌آنجا رتم وخدمت حضرت سید الشهداء(ع)مشرف شدم وعرض ادب‌کردم.درهمین حین از خواب بیدارشدم.

پس از تشریف فرمائی امام ب نجف این خواب را برای ایشان تعریف‌کردم.ایشان تبسمی کرده فرمودند:**این جریانها واقع خواهدشد.**پرسیدم:چطور آقا؟فرمود:**بالاخره معلوم می‌شود این‌بساط**امن دوباره اصرار کردم وسرانجام ایشان فرمودند:**من یک‌نکته بتو** بگویم ولی باید تا زمانی که زنده هستم جائی‌نگوئی!زمانیکه در قم خدمت مرحوم والدت بودم،بسیاربایشان علاقه داشتم بطوریکه تقریبا نزدیکترین فرد به ایشان‌بودم.وایشان هم مرانامحرم نسبت به اسرار نمی‌دانستند.روزی‌برای من مسیر حرکت وکار را بیان کردند.حالا البته زوداست.وتا آن زمان که این مسیر شروع شود،زود است.امّامی‌رسد.

سید زین الدین طباطبایی

«روزی ایشان از وصف کربلا و روز عاشوراء برای دوستان تعریف‌می‌کردند وهمچنین در اهمیت زیارت عاشوراء حرف می‌زدند،گفتند:
در شبی که در حجره مشغول زیارت عاشوراء بودم،در سجدهٔ شکرزیارت،حالم منقلب شد و کربلا با آن صحنه‌های روز عاشوراء و امام‌حسین(ع)را دیدم و غش کردم ،تا نزدیک ظهر در حال غش و یا از خودبی خود بودم.»«برنامهٔ سلوک ص233»

آیهٔ الله نجفی مرعشی

«حضرت آیهٔ الله مرعشی نجفی به فرزندش وصیت کرد:سجاده‌ای که‌هفتادسال بر روی آن نماز شب بجا آورده‌ام وتسبیحی از تربت امام‌حسین(ع) که با آن در سحرها به عدد دانه هایش استغفار کرده‌ام با من‌دفن شود.»

امام حسین(ع)به جوان تبسم نمود!

«یکی از علماء وقتی در کربلا بود وبه حرم رفت وآمد می کرد،متوجه‌شد که جوانی با حضرت امام حسین(ع)ارتباط معنوی دارد.از او

جریان‌را پرسید.جوان گفت خانه ما در چند فرسخی کربلا است. مدتی بود که‌هرشب جمعه بنوبت پدرومادرم را به کربلا برای زیارت می آوردم.شب‌جمعه ای باران می آمد وبنابود که پدرم را سوار الاغ کرده وبه کربلابیاورم.همینکه عازم شدیم ،مادرم ازمن خواست که اورا هم‌بیاوریم.بااصرار مادرم،اورا برکوله سوار کردم وباپدرم هم سوار الاغبود ،درزیرباران با زحمات زیادی به حرم مشرف شدیم.وقتی واردصحن حضرت شدیم،دیدم که امام در ضریح ایستاده وبمن تبسم می‌کند.واین حالت هرشب جمعه تکرار می شود.»

علامه به کربلا می‌رفت که...

علاّمه شب جمعه‌ای به زیارت کربلا می‌رفت.تنها بود و بر الاغی‌سوار شده وتازیانه در دستش بود.در بین راه به شخص عربی برخورد که‌پیاده همراه علامه راه افتاد وباهم مشغول صحبت شدند.مقداری که باهم حرف زدند،علامه متوجه شد که این شخص مرد فاضلی است.پس‌در همه مسائل با او صحبت کرد وبیشتر متوجه علم آن شخص‌می‌شد.علامه مشکلاتی که در علوم مختلف داشت می‌گفت وآن‌شخص جواب می‌داد.تا این که در مسأله‌ای آن شخص فتوایی دادوعلامه رد کرد وگفت حدیثی در این زمینه نداریم.آن مرد گفت حدیثی‌در این باب شیخ طوسی در تهذیب ذکر کرده و شما از اول کتاب فلان‌مقدار ورِ بزنید تا در فلان صفحه وسطر فلان این حدیث رابیبنید.علامه تعجب کرد که این شخص کیست؟(که این همه علم‌دارد)آن گاه علامه پرسید که آیا در زمان غیبت کبری می‌توان امام زمان(عج)رامشاهده نمود؟در این موقع تازیانه از دست علامه افتاد.آن مردتازیانه را برداشت ودر دست علامه گذاشت وفرمود:**چگونه صاحب‌الزمان را نمی‌توان دید در حالی که الان دستش در دست‌توست.**ناگاه علامه خود را از روی الاغ پایین انداخت تا پای حضرت راببوسد ولی بیهوش شد.وقتی به هوش آمد کسی را ندید.به خانه برگشت‌و به کتاب تهذیب مراجعه نمود و آن حدیث را در همان صفحه وسطری که امام فرموده بود،پیدا کرد.

اینجا وزارت فرهنگ است

یکبار من به خاطر دارم که در روز تاسوعا یا عاشورا مأمورین رضاخان به‌مسجد جامع آمدند که که مانع برگزاری مراسم عزاداری شوند ومی‌گفتند باید از وزارت فرهنگ اجازه بگیرید.

در این حال آیت الله شاه آبادی، خطاب به آقای سید علی اصغر آل‌احمد که صدای خیلی خوبی هم داشت، فرمودند که ((زیارت عاشورارا بخوان!

مرحوم آل احمد هم شروع به خواندن زیارت عاشورا کرد و در اثر آن‌صدای گریه و ضجه عزاداری مردم در تمام بازار بلند شد. بعد هم آیت‌الله شاه آبادی خطاب به مأمورین رضا خان گفتند به آن مرد قلدرچاروادار بگو که مانع عزاداری مردم نشود و به وزیر فرهنگ هم بگویدکه در وزارت فرهنگش را ببندد. اینجا وزارت فرهنگ ماست.))

ملاّ آقا دربندی

دربارهٔ ملاّ آقا دربندی آمده است که در اقامهٔ مصیبت

ابا عبداللّه(ع)بسیار مواظب وراسخ بود،بطوریکه دربالای منبر از شدّت‌گریه،غش می کرد ودر روز عاشوراء،لباس خود را درآورده ولُنگ می‌بست وخاک بر سر می ریخت وگِل به بدن می مالید وبه همان صورت‌بربالای منبر می رفت.

همچنین آمده است که وقتی ناصرالدین شاه بدیدار او آمد،به شاه‌گفت:تو که پادشاه مسلمانان هستی،سبیلت را اصلاح نکرده‌ای وشاربت‌را نزده ای!واین برخلاف قوانین اسلام است.

شاه در همان مجلس،دلاّک خواست ومقداری از سبیل خودرا اصلاح‌کرد.

شهید سید مصطفی خمینی(رض)

آقای گرامی دربارهٔ ایشان چنین می گویند:حاج آقا مصطفی' در ایران که‌بودند،تقریباًهمه روزه به زیارت حرم حضرت معصومه(س)می‌رفتندوشبها نیز به خواندن دعا تقیّد داشتند.

حالت عرفانی ونزدیکی با خدا،بوضوح در ایشان نمایان بودوتمامی‌حالات وافکارش،تحت تأثیر مستقیم این نیرو قرار داشت.درعرِا به‌غیر از کارهای معمول همه روزه،سفرهائی بصورت پیاده به کربلاداشتند که با چند نفر براه می افتادند

وتمام این مسیر را که هفده فرسخ است،پیاده می پیمودند تا به زیارت‌سالار شهیدان،نائل شوند.

در بین راه ،هنگام شب که همه می خوابیدند،ایشان یک کاسه آب کنارخود می گذاشتند ووضو می گرفتند وتا نمازصبح، مشغول عبادت می‌شدند وبعد از آن مقداری استراحت می کردند.

با اینکه ایشان خیلی باذوِ وخوش مجلس بود ودرمجالس‌دوستانه،مُنتهای ظرافت ولطافت در سخنانش بکار می‌برد،معذلک،وقت دعا وعزاداری هم که می شد،دربین تمام افراد،نظیرنداشت.هنگامیکه دعای توسّل شروع می شد،همانطور که به پیاده روی‌خود ادامه می داد(درراه کربلا)

باکمال توجّه دعا می خواند وتمام مدّت دعا،اشک می ریخت وتاذکرمصیبت شروع می شد،زار زار گریه می کرد وشانه هایش از شدّت گریه‌به لرزه می افتاد.شخصی بنام شیخ جعفر بود که همیشه بعد از نماز امام‌در مسجد شیخ،چند جمله ای ذکر مصیبت اباعبداللّه(ع)می گفت‌وروضه می‌خواند. حاضران چندان اعتنائی نداشتند وکم کم متفرِّ می‌شدند ومی رفتند.ولی تنها کسیکه مقیّد بود تا آخر بنشیند وروضه راگوش دهد،مرحوم حاج آقا مصطفی' بود که گاهی می شد که فقط ایشان‌در مسجد مانده بود وبه روضهٔ شیخ جعفر گوش می داد ومی گریست.

شفای بی نمازا

«مرحوم دستغیب از یکی ازدوستانش نقل می‌کند که سالی همهٔ خانوادهٔمن دچار مرض حصبه شدند!در آن زمان مرض حصبه افراد رامی‌کشت.من نماز صبح را که خواندم به محلی که در آنجا روضه خوانی‌بود رفتم.در آنجا به امام حسین(ع)توسل پیدا نمودم.دلم شکست‌وبرای شفای سه پسر وزنم به امام حسین(ع)پناه بردم.وقتی به خانه‌بگشتم،دیدم که خانواده‌ام سفره انداخته ومشغول وردن صبحانه‌هستند!گفتم چه خبراست؟یکی از پسرانم گفت دیدم که‌زهرا(س)آمد.امام حسین(ع)آمد.امام حسن وامیرالمؤمنین ورسول اللهآمدند.همه سیاهپوش بودند.مدند ونشستند.پیغمبر اکرم به زهراگفتند:زهراجان!دست بر سر اینها بکش که خوب بشوند!زهرا بر سر مابچه‌ها دست کشید.همه خوب شدیم.بعد پیغمبر فرمود:عزیزم!یک‌دستی هم بر سر این زن بکش.زهرلا جواب داد:پدرجان!او نمازنمی‌خواند.من هم دست بر سر او نمی‌کشم!پیغمبراکرم فرمود:شوهرش‌توسل به حسینم پیدا کرده ونمی شود به پاسخ ندهیم.چون شوهرش‌نماز می‌خواند ورابطه‌اش با ما محکم است.ناگاه زهرا بلند شد ودستی‌هم ب سر مادرمان کشید واو هم خوب شد.»

در محلهٔ یهودیها

درشیراز مرحوم حاج محمد رحیم ایزدی معروف به آبگوشتی زندگی‌می‌کرد که هر روز زیارت عاشورا می‌خواند وشب پس از نمازجماعت‌یک یا دونفر روضه خوان می‌آورد که روضه می‌خواند وبعد سفره‌آبگوشت را پهن می‌کردند.هرکه می‌خواست با خود می‌برد وهرکه‌می‌خواست سرسفره غذا می خورد.

پسرش می‌گوید که :پدرم مریض شد وبما گفت که مرابه مسجدببرید.دوست دارم در مسجد بمیرم.ماهم اورا به مسجد بردیم.شبی‌حالش خیلی بد شد وچون احتمال مردنش را دادیم ،اورا بخانه‌برگرداندیم.اودرحال مردن بود وماهم گوشه‌ای ایستاده وگریه می‌کردیم‌ودرباره کفن ودفن وکارهای بعد از آن مذاکره می‌نمودیم.سحر که شدناگاه مارا صدازد.وقتی نزدش رفتیم‌دیدیم که عرِ زیادی کرده است‌وگفت:آسوده باشید وبروید بخوابید که من نمی‌میرم وخوب می‌شوم.

بعدها تعریف کرد که درحال مردن خودرادرمحلهٔ یهودیها دیدم واز بوی‌بد آنهادر اذیت بودم.من ناراحت شده وبه درگاه خدا نالیدم.ندا آمد که‌اینجا محل ترک کنندگان حج است!گفتم:پس توسلات وخدمات من به‌امام حسین(ع)چه میشود؟ناگاه آن منظرهٔ هول‌انگیز رفت وتبدیل بجای‌فرح بخشی شد.وگفتند که :خدمات تو پذیرفته شد وبه شفاعت‌حضرت،ده سال برعمرت افزوده شد تا حج واجب را بجا آوری.«داستانهای شگفت شهید دستغیب»

یهودی بزیارت عباس(ع)می‌رودا

«در بروجرد یک نفر یهودی بنام یوسف زندگی می‌کرد که عقیم بودوصاحب فرزند نمی‌شد.هرتلاشی بکاربرد فایده نبخشید وپزشکان‌نتوانستند مرض اورا علاج کنند.روزی یکی از مسلمانان بروجرد به اوگفت:حال که پیش انواع پزشکان رفتی ونتیجه نگرفتی بیا وپیش دکترماشیعیان برو.مادکتری داریم که هرمریضی پیش او رفته شفا گرفته‌است!یوسف پرسید:دکتر شما کیست؟گفت:حضرت ابولفضل(ع).

یوسف با این حرف تصمیم گرفت که مخفیانه به کربلا بزیارت حضرت‌عباس(ع)رود واین پزشک راهم امتحان کند.او بزیارت رفت وبرگشت‌وبعد از مدتی خداوند پسری به اوداد که اسمش را غلامعباس‌گذاشت.دوباره صاحب پسری شد واسم اورا غلامحسین

گذاشت.یهودیها باخبرشدند وپیش او آمدند وگفتند توچرا نام مسلمانان رابرروی بچه‌های خود گذاشته‌ای؟گفت زیرا هرچه موسی ویعقوب راصدا زدم نتیجه‌ای نگرفتم.ولی وقتی عباس را صدا زدم آقا فوراً بمن‌جواب داد.

اگرچه او مسلمان نشد ولی تا آخرعمر به دودسته از مسلمانان احترام‌می‌گذاشت.سادات واهل علم.»

دامنهٔ کوه الوند

یکی از علما با عده‌ای از همراهان شب به دامنه کوه الوند می‌رسندوتصمیم می‌گیرند که شب را در آنجا اطرا کنند.سپس متوجه پیرمردی‌می‌شوند که در دامنه کوه زندگی می‌کند.نزد او می‌روند و از او علت کوه‌نشین شدنش را می‌پرسند.او می‌گوید که مدتی است میل به عبادت دربیابان وکوه را پیدا کرده لذا چندسال است که در اینجا به عبادت مشغول‌است.از خاطرات او در این مدت می‌پرس ند او جواب می‌دهد که شبی‌مشغول نماز بودم که ناگاه صدای حیوانات درنده و وحشی راشنیدم.وقتی نگاه کردم دیدم عده‌ای از حیوانات وحشی واهلی بطرف‌من می‌آیند.من نماز را تمام کردم ودچار وحشت شدم.ناگاه دیدم که آنهادور مرا گرفتند وسرهای خود را به زمین می‌کوبیدند ونالـه می‌کردند.من‌از عمل اینها تعجب کردم ولی بیادم آمد که امشب شب عاشورا است‌وطبق روایات حیوانات هم برای امام حسین(ع)عزاداری می‌نمایند.من‌عمامه‌ام را برداشتم وشروع کردم به سر وسینه زدن وحسین حسین‌کردن.ناگاه آنها هم با من هم آواز شدند وچندساعتی به این حالت بود تاکم کم پراکنده شدند.

شیخ شوشتری

شیخ جعفر شوشتری می‌گوید:در ابتدای طلبه گی هرچه روضه‌می‌خواندم از روی کتاب بود وگسی با روضه‌های من گریه نمی‌کرد.من‌توسل به امام حسین(ع)پیدا کردم واز حضرت خواستم دعا کند تا من‌روضه خوان خوبی شوم.شبی در خواب دیدم که در کربلا مهمان امام‌حسین(ع)هستم.امام به حبیب بن مظاهر فرمود:حبیب!مهمان داریم‌قدری حلوا درست کن!حبیب گفت:آقا آب نداریم.امام فرمود با روغن‌وآرد حلوائی درست کن.حبیب هم درست کرد وخدمت امام آورد.امام‌یک قاشق به من خوراندند.بعد از آن روضه خوانی من خوب شد.

محتشم کاشانی

محتشم پسری داشت که از دنیا رفت.او در رثای فرزندش چند بیت‌سرود.شبی رسول خدا(ص) را در خواب دید که به او گفت:تو برای‌فرزند خود مرثیه می‌گوئی ولی برای فرزند من مر ثیه نمی‌گوئی؟

محتشم خود گوید:وقتی بیدار شدم خواستم در رثای امام‌حسین(ع)شعر بگویم ولی چون در این رشته کار نکرده بودم،سر رشته راپیدا نکردم که چگونه وارد شوم.شب دیگری رسول خدا(ص) را درخواب دیدم که مرا مورد عتاب قرار داد وفرمود چرا در رثای فرزندم‌شعر نگفتی؟عرضکردم:چون تاکنون در این وادی قدم نزده‌ام لذا راه‌ورود برای خود پیدا نکردم.

رسول خدا(ص) فرمود بگو:باز این چه شورش است که در خلق‌عالَم است؟

بیدار شدم وهمان مصرع را مطلع قرار دادم و آنچه که می‌بایست‌سرودم تا رسیدم به این مصراع که گفتم:هست از ملال گرچه بری ذات‌ذوالجلال. در اینجا ماندم که چگونه این مصراع‌را به آخر برسانم که به‌مقام الوهیت جسارتی نکرده باشم؟شب حضرت حجت(عج) را درخواب دیدم که فرمود:چرا مرثیه خود را به اتمام‌نمی‌رسانی؟عرضکردمدر این مصرع به بن بست رسیده ام ونمی توانم‌رد شوم!فرمود بگو:او در دل است هیچ دلی نیست بی ملال!

بیدار شدم واین مصرع رابه اشعارم ضمیمه کرده و بیت را به آخررساندم.

حاج رحیم آبگوشتی

حاج محمد رحیم ایزدی معروف به آبگوشتی هر روز زیارت عاشورامی‌خواند و شب در مسجد،پس از نماز جماعت،یک یا دونفر از طرف‌او روضه می‌خواندند و پس از روضه خوانی از طرف حاج رحیم،سفره‌انداخته می‌شد و مقدار زیادی نان وآبگوشت می‌گذاشتند که هرکسی‌مایل است بخورد و هرکسی می‌خواهد ببرد.

پسرش گفت:پدرم مریض شد.بما گفت که مرا به مسجد ببرید که‌دوست دارم در مسجد بمیرم.چند شبی در مسجد بود که شبی حالش‌خیلی بد شد و ما او را به خانه بردیم.او در حال سکرات مرگ بود و ما درگوشه‌ای گریه می‌کردیم و در بارهٔ کفن ودفن و کارهای بعد از آن مذاکره‌می‌کردیم تا اینکه سحر شد.ناگاه پدرم مرا صدا زد.وقتی نزدش‌رفتیم،دیدیم که عرِ زیادی کرده و بما گفت:آسوده باشید و

برویدبخوابید که من نمی‌میرم و خوب می‌شوم.

بعدها تعریف کرد که در حال سکرات مرگ خود را در محلهٔ یهودیهادیدم و از بوی بد آنها سخت ناراحت شدم.از این بابت به پروردگارنالیدم.ندا آمد که اینجا محل ترک کنندگان حج است!عرض‌کردم:خدایا!پس توسلات وخدمات من به امام حسین(ع)چه‌می‌شود؟ناگاه آن منظرهٔ هولناک محو شد و منظرهٔ فرح بخشی آمد وگفتند:خدمات تو پذیرفته شد وبه شفاعت حضرت،ده سال بر عمرت‌اضافه گردید تا حج واجب را بجا آوری.

آب ،او را برگردان!

شیخ محمد انصاری دارابی گفت:در سال 1370قمری با پسرم به‌کربلا مشرف شده بودم.من برای غسل به کنار فرات رفتم وپسرم هم‌وارد آب شد.ناگاه دیدم که آب فرزندم را برد.فقط سر او را می‌دیدم ومن‌توانایی شنا کردن نداشتم و کسی هم نبود که کاری کند.با کمال‌دلشکستگی خدا را بحق سیدالشهداء قسم دادم و فرزندم را از اوخواستم.ناگهان دیدم که آب فرزندم را رو بمن برگرداند

مجلس شفا

سید فرج الله بهبهانی گفت:در بهبهان شخصی بنام عبدالله فلج شده‌بود وبوسیله عصا راه می‌رفت.معالجه پزشکان در او اثر نکرد.شبی درخواب چند نفر نورانی به او گفتند که پای منبر روضه که در منزل فلانی‌منعقد است می‌روی و با پای سالم بر می‌گردی!

او روز موعود به روضه می‌رود و هنوز روضه خوان ختم نکرده شفامی‌یابد.

شفای زینب(س)

محمد رحیم اسماعیل بیگ گفت:در سن شش سالگی مبتلا به چشم‌درد شدم تا اینکه بعد از سه سال کور شدم.در ایام محرم در منزل دائیم‌روضه خوانی بود وشربت خنک به مردم می‌دادند.از دائیم خواستم که‌اجازه بدهد من شربت را بدهم و او گفت که تو کوری ونمی توانی!گفتم‌که یک نفر را با من همراه کن تا بمن کمک کند.قبول کرد.در این اثناءروضه خوان منبر رفت وروضه حضرت زینب(س) را خواند.من خیلی‌متأثر و گریان شدم واز خود بیخود گردیدم.ناگهان حضرت زینب(س) رادیدم که دست مبارک خود را بر چشم من کشید و فرمود:خوب‌شدی.دیگر چشم درد نمی‌گیری.من چشمم را باز کردم ودیدم که اهل‌مجلس را می‌بینم.خوشحال شدم ونزد دائیم دویدم.تمام اهل مجلس‌منقلب شدند و دور مرا گرفتند و...

باسمه تعالی

رفتار امام مهدی عج در دوران حکومت جهانی

آیا رفتار امام مهدی ومردم زمان او با چهره سایر امامان ومردمان در غیر زمان حکومت مهدی ع متفاوت است؟

آری خداوند ،رفتار آقا امام زمان ع را متفاوت با رفتار سایر ائمه علیهم السلام قرار داده است.

اگر امیرمؤمنان ع بخاطر مصالح اسلام بیست وپنج سال خانه نشین شد و مجبور بود که به مسجد رفته وپشت سر امام جماعت آن زمان نماز بخواند وبا اینکه معدن علم وگنجینه فضایل بود ولی مردم متوجه این شخصیت بزرگ نبودند وبه کارهای خود مشغول بودند واز حضرت استفاده نمی نمودند ودر دوران پنجساله حکومت هم باز امام مظلوم بود و گاه برای جمع آوری سپاه چندین روز تلاش می کرد وآنوقت تعداد کمی لبیک می گفتند وعده ای هم با حضرت دشمنی می ورزیدند وگاه در حال سخنرانی به حضرت ناسزا می گفتندو خلاصه مظلومانه زندگی نمود ومظلومانه شهید شد...

اگر امام مجتبی ع ده سال با مظلومیت زندگی کرد وباید به خلیفه احترام می گذاشت واو را امیرالمؤمنین خطاب می کردو...

اگر امام حسین ده سال با مظلومیت زندگی کرد ودر ظاهر باید ازخلیفه وقت اطاعت مینمود واورا جانشین خدا و...صدا می کرد ودر آخر با مظلومیت کشته شد واهل وعیالش را به اسیری بردند

اگر امام سجاد ع 35سال با مظلومیت زندگی کرد ودرتحت بیعت خلفای فاسق بود و..

اگر امام باقرع بیست سال امامتش را در زیر اطاعت خلفای ظالمی چون هشام بن عبدالملک بسر برد وباید به دستورات او عمل می نمود

اگر امام صادق ع مظلومانه زندگی نمود وبارها مورد ظلم واقع شد که گاه درب خانه او را أتش می زدند

وگاه به شام فراخوانده می شد وباید خلفای فاسق مثل منصور را امیرمؤمنان می خواند و...

اگر امام کاظم ع 14سال درسیاهچالهای هارون وخلفای فاسق وستمگر زندگی نمود

اگر امام رضا ع 21سال امامت خود را با مظلومیت گذراند ومامون عباسی هردفعه به یک نحو به حضرتش جسارت میکرد وحتی از نماز عید خواندن حضرت جلوگیری می نمود وامام را وسط راه بر میگرداند و در آخر هم او رابا زهر شهید نمود

اگر امام جواد ع در بیست وپنج سالگی با مظلومیت شهید شد

اگر امام هادی را چنان اذیت می کردند که نیمه های شب او را به مجلس شراب متوکل بردند وخلیفه فاسق امر به نوشیدن شراب وخواندن شعر عاشقانه کرد

اگر امام عسگری را سالها در زندان کردند ودر محاصره لشگریان قرار دادند که به عسگری معروف شد سپس او را به شهادت رساندند

اما،امام عصر هرگز در زیر بیعت هیچ یاغی وطاغوتی قرار نخواهد گرفت وبا هیچ ستمگری بیعت نکرده ونمی کند وهیچ طاغوت وفرعونی را آقا ومولی وامیر صدا نمی کند وپشت سر هیچ احدی نماز نمی گذارد وهیچ قدرتمندی بر او پیروز نمی گردد.

مهدی ع همیشه پیروز است ومهدی ع همیشه با شکوه است.مهدی ع هیچگاه مظلوم نخواهد بود واحدی را نمی رسد که به مولای ما ظلم نماید.

مهدی ع بت شکن وفرعون کش وذلیل کننده کفار و عزت دهنده به مؤمنان است.

مهدی ع ابرقدرت است.مهدی شکننده شوکت ستمگران است.

مهدی ع خوارکننده هر قدرتمند،خراب کننده هر بنای ظلم،ویران کننده هر کاخ ستمگر،آزاد کننده هر زندانی مظلوم،خنثی کننده هر توطئه علیه دین،سرنگون کننده هر پرچم ظلم،نابود کننده هر فرعون،درهم شکننده هر لشکر کفر،آتش زننده بتها،ریزنده خون مستکبرها،ویران کننده دژهای ستم،بالا رونده از همه کوهها ودشتها و تسخیر کننده همه گنجها و به اطاعت درآورنده همه سرزمینهاست.

اما چهره مردم زمان مهدی ع نیز با بقیه دوران ها فرق دارد

درزمان حکومت حضرت مهدی ع،

1-هنگام وقت نمازهای یومیه،تمامی مردوزن به مساجد هجوم می برند وتمام مغازه دارها و کارگران وکارمندان دست از کار می کشند.در صفوف نماز از همه اقشار از جمله روسا،مدیران، قهرمانان،سرمایه داران،دانشمندان،هنرمندان وفرماندهان نظامی و...حضور دارند.

مساجد همه بزرگ و بسیار وسیع بطوری که مسجد کوفه دارای هزار در خواهد بود.

2-تمامی تجار ومغازه دارها دارای ظاهر اسلامی بوده و با انصاف با مشتری برخورد کرده وکم فروشی وگرانفروشی واحتکار نمی کنند.

3-در پاساژها وبازارها،زنان ودختران با حجب وحیا حرکت نموده واز بدحجابی وآرایش زننده وحرکات شیطانی خبری نیست

4-از جوانان لاابالی و سرکوچه ای اثری نیست و همه به کار وتلاش وتعلیم علم مشغول هستند.کتابخانه ها پر وکتابفروشی ها بسیار پر رونق و...

5-در ادارات همه کارمندان با خوشرویی به خدمت مشغول بوده واز رشوه خواری وپارتی بازی خبری نیست.

6-از کمیته امداد وبهزیستی نیز خبری نیست وچنان مردم توانگر می شوند که پولدار هرچه می کند تا فقیری را پیدا کند وزکاتش را به او بدهد فقیری پیدا نمی نماید.همه مردم سال خمسی داشته ووجوهات خود را می پردازند.

7-درکوچه وخیابان ها مردم بهداشت را رعایت نموده واز زباله وآبدهان وآشغال وغیره اثری نیست.

8-کارگرها وکارمندان درست کار کرده واز کار نمی دزدند.

9-همه معلمین ودبیران ،دانش آموزان وشاگردان خود رادر مرحله اول به اقامه نماز وداشتن اخلاق اسلامی دعوت کرده سپس درس مربوطه را می دهند.

10-بجای باشگاههای رزمی و ورزشگاههای فوتبال،همه جوانان ونوجوانان به آموختن صنعت ویادگیری علم ودانش وآموختن انواع آموزشهای نظامی مفید سرگرم می باشند.

11-ظاهر مسلمانان بسیارجذاب بوده ومردان همگی عطر زده وبالباس تمیز ومرتب در کوچه وخیابان ظاهر میشوند.

12-جلسات آموزش قرآن بسیار پر رونق بوده و در تمامی شهرها وروستاها این جلسات برپا بوده وهمه جوانان قادر به قرائت صحیح قرآن و مفاهیم آن می باشند.

13-دادگستری ها وپاسگاهها خلوت بوده واز شکایت ودعوا کمتر خبری است.

14-پزشکان همگی ماهر بوده وهر بیماری که به آنها مراجعه می کند با سلامتی کامل،درمان می شود.

15-مهریه دختران از پانصد درهم بیشتر نبوده وهمه جوانان قبل ازبیست سالگی ازدواج می نمایند.لذا از ارتباط نامشروع ومفاسداخلاقی اثری نیست.

16-صداوسیما در شبانه روز به پخش برنامه های مفید مشغول بوده ومردم هم طالب این برنامه ها بوده بطوری که اگر برنامه بی فایده ویا بیهوده ای پخش شود مردم خود تماس گرفته واعتراض می نمایند.

17-قاریان قرآن چنان از دل وبا حزن می خوانند که مستمعین در طول قرائت گریان شده ودلهایشان خاشع می شود وبه یاد خدا می افتندو...

18-همه مردان وزنان بالغ از احکام شرعی مطلعند وهمه در اوقات فراغت به یادگیری علوم اسلامی مشغول می باشند.

19-در مجالس فاتحه،یاد وذکر خدا بر زبان ودلها جاری است و ازخودنمایی وریاکاری و...خبری نیست.

20-وقتی امام عصر ع بر منبر خطبه می خواند چنان ضجه وگریه ای از مستمعین بلند میشود که اکثر ا متوجه سخنان امام نمی شوند .

21-امنیت چنان برقرار است که یک نفر زن در حالی که سینی پر از طلا باخود دارد از این شهر به شهر دیگر سفر می کند واحدی به او نگاه چپ نمی اندازد.

22-از موسیقی شیطانی وکارهای بیهوده دیگر خبری نیست وبجای آن مراکز تعلیم وتربیت وصنعت وهمچنین تفریحات سالم از قبیل دیدار از آزمایشگاههای علمی،مناظر طبیعی،آبشارهای زیبا،گل خانه هاو شرکت در جلسات دوستان،دیدن نمایشنامه های مفید وآموزنده،گوش دادن به سخنرانی ها وشرکت در گردش های دسته جمعی و عیادت بیماران و دید وبازدید بستگان وحضور در محضر عرفا وعلماء و برنامه های مفید دیگر برگزار می شود.

23-حدود الهی کاملا اجرا می شود وامام عصر عج در اجرای حدود نیاز به شاهد ندارد.

و...

با آرزوی حضور در زمان حکومت جهانی حضرت مهدی عج.

عاقبت با متقین است

«والعاقبةُ للمتقین»

وقال موسی لقومه استعینوا بالله واصبروا انّ الارض لله یورثها من یشاء من عباده والعاقبه للمتقین {اعراف128}

یکی از وعده های الهی به انسان ،پیروزی متقین بر کفار ومشرکین وفاسقین است.البته بعد از استعانت گرفتن از خدا وصبر کردن.لذا با مطالعه تاریخ بشر،متوجه می شویم که این قانون الهی همیشه جاری بوده است.ازجمله می توا ن به نمونه هایی در تاریخ اشاره کرد که ابتدا حکومت و برتری با دشمنان خدابوده ولی عاقبت دشمنان خدا شکست خوردند ومتقین پیروز شدند.

از جمله در داستان حضرت نوح ونصیحتهایی که او به بت پرستان میکرد ولی آنها قبول نمی کردند واورا دیوانه خطاب می نمودند.حضرت

نـوح نهصدسـال صـبر کـرد ولـی چـون مـردم زیربـار خداپرسـتی نرفتنـد ،بـا فرمـان الهـی همگـی اعـداءالله نـابود گشـتند وفقـط حضـرت نـوح وآن چنـد نفری که به او ایمان آورده بودند نجات یافتند.

حضرت ابراهیم ع سالیان سال حضرت با نمرودیان درگیر بود وآنان را به توحید وعبادت خداوند یکتا دعوت می نمود اما آنان تمرد می نمودند. ولی عاقبت لشگر الهی که عبارت از هزاران پشه بود لشگر دشمن را شکست داده ونمرود به هلاکت رسید.

در داستان حضرت موسی ع میبینیم که این جبهه گیری وجود دارد.در یکطرف موسی با یارانش ودر طرف دیگر فرعون با یاران قبطیش!سالیان سال این دوجبهه با هم درگیر شدند تا اینکه عاقبت فرعونیان غرق شده واز بین رفتند.ومتقین به پیروزی رسیدند.

در دوران صدراسلام ،رسول خدا 23سال با مشرکین ودشمنان اسلام مشغول مبارزه بود تا اینکه لشگر اسلام با شکوه تمام وارد مکه شد وبینی کفار را بر خاک مالید واسلام ،عزیز ومتقین پیروز شدند.

امیرالمؤمنین ع نیز در دوران پنجساله حکومت خود با منافقین وخوارج مشغول مبارزه بود وریشه آنان را درآورد ودشمنان ولایت را شکست داد ودرحالی به شهادت رسید که آماده بود طاغوت شام را نیز سرنگون کند.واو که امام متقین بود در تمامی جنگهایش با کفار ومنافقین همیشه پیروز بود.

سالار شهیدان امام حسین ع نیز با یارانی اندک درمابل طاغوت زمان خود ایستاد واگر چه در ظاهر به شهادت رسید ولی در مدتی اندک با قیام توابین،تمامی کسانی که در لشکر عمرسعد علیه آن حضرت اقدامی کرده بودند مجازات وکشته شدند و قیام سالارشهیدان اثرات بسیار عمیقی در جهان اسلام بلکه در جهان بشریت گذاشت ومنشا حیات اسلام والگویی برای آزادمردان جهان شد.ودر حقیقت قیام او هم پیروزی متقین بود.

در حکومت جهانی امام مهدی عج نیز تمامی ستمکاران در ابعاد بسیار گسترده از بین رفته ومؤمنین عزیز شده وکفار ومنافقین ذلیل می شودند واسلام دین جهانی خواهد شد.

در ایام رجعت نیز این سنت الهی را ما مشاهده می کنیم ومی بینیم که چگونه امامان معصوم که در دنیا مورد ظلم قرار گرفتند زنده شده ومحکومت جهانی آل محمد ص را تشکیل می دهند وهمه جا پرچم اهل بیت به چشم می خورد ودشمنان ولایت به سخت ترین عذابها مجازات می شوند.

در قیامت نیز خواهیم دید که مؤمنین ومتقین با عزت وشکوه وآرامش و عزیز الهی بوده وبه انواع بشارتها ونعمتها مفتخر می شوندوکفار ومنافقین ودشمنان متقین در کمال ذلت به عذابهای الهی گرفتارخواهند شد.**روز قیامت روز عروسی متقین است.**

البته می توانیم به پیروزیهای دیگر متقین اشاره کنیم که یکی از آنها پیروزی انقلاب اسلامی ایران است که می توان به پیروزی متقین بر کفار ومنافقین

ومستکبرین وابرقدرتها تعبیر نمود.

فرعونهای زمان ما کمتر از فرعون زمان حضرت موسی ع نیستند ودر حال حاضر می توان دوجبهه را در دنیا مشاهده کرد. جبهه حق به جلوداری انقلاب اسلامی ایران وجبهه کفر به جلوداری امریکا ومتحدانش.

از ابتدای انقلاب اسلامی ،امام راحل رهبریت جبهه حق را به دوش داشتند وچه خوب توانستندبا همراهی ملت بزرگ ایران بینی مستکبرین را برخاک بمالند وآنان را ذلیل ورسوا کنند وجیمی کارتر را سه بار به گریه بیاندازند.

بعد از رحلت امام بزرگوار،این پرچم بردوش رهبر فرزانه آیه الله العظمی خامنه ای روحی فداه افتاده است که حکت ودرایت ،امت اسلامی را هدایت کرده وتوطئه های مستکبرین را خنثی می نماید.

برهمه مردم ایران لازم است که همچون گذشته مطیع مقام عظمای ولایت بوده تا در صف آرایی حق در مقابل باطل،و صف آرایی متقین در مقابل منافقین ،جزو متقین وحق جویان وبت شکنان قرار گیرند واین انقلاب را به انقلاب جهانی مهدی منتظر عج متصل نمایند.

.....

باسمه تعالی

ویژگیهای شخصیتی پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم

چه بگوئیم در باره شخصیتی که همه پیامبران قبل از او ازمقام او سخن گفته اند و به او توسل جسته اند.او شخصیتی است که در حقیقت مردم دنیا به خاطر خلقت او ،خلق شده اند.لولاک لماخلقت الافلاک.

او شخصیتی استکه بسیاری از دانشمندان وبزرگان غیرمسلمان در عظمتش سخن گفته اند از جمله:

لامارتین شاعر و نویسنده بزرگ فرانسوی گفته است:محمد شخصیتی است که مافوق بشریت ومادون خدا است.پس بدون شک باید گفت او فرستاده خدا است.

گوستاولوبون دانشمند ومورخ فرانسوی گوید:عقل محمد از بزرگترین عقول بشری و عقاید او از استوارترین عقاید بود.محمد دلی پر از محبت و صفا داشت.

و ژان ژاک روسو فیلسوف مشهور نامی سویس می گوید:ای محمد آورنده قرآن کجایی؟بیا دست مرا بگیر و به باغ و صحرا و چمن و به هرجائی که می خواهی ببر.تو اگر مارا میان دریای بلا ببری خواهیم رفت زیرا تو عالم بحیات و زندگی هستی.{کتاب محمد پیامبر شمشیر نیست-علیمرادفراشبندی}

دراین مقاله به گوشه هایی از شخصیت پیامبر اعظم اشاره می شود:

حضرت محمّد(ص) در سال عام الفیل در شهر مکّه متولدشدند.پدر آن حضرت عبداللّه بن عبدالمطلب ومادر آن حضرت آمنه‌دختر وهب بن عبدمناف بوده است. از نظر علماء شیعه،اجداد پیامبراسلام تا حضرت آدم همه موحّد بوده وصُلب پیامبر در پشت هیچ‌مشرکی قرار نگرفته است.

در روایت مشهور،اجداد پیامبر تا حضرت آدم را بشرح زیر ذکرنموده‌اند:

محمّدپسر عبداللّه پسر عبدالمطلب پسر هاشم پسر عبدمناف پسر قهرپسر غالب پسر لوی' پسرقصی' پسر کنانه پسر خزیمه پسر مدرکه پسرالیاس پسر مغیر پسر نزار پسر سعد پسرعدنان پسر ادد پسر یستحب پسرنبت پسر همیسع پسر قیدار پسر اسماعیل(ع) پسرابراهیم(ع)پسرتارخ‌پسرتاخور پسرارغو پسرقالع پسر بغابر پسرارفخشد پسرسام(ع) پسرنوح(ع)پسرملک پسرمتوشلخ پسرادریس(ع)پسر ادد پسر مهلائیل پسرفینان پسر انوش پسرشیث(ع)پسر آدم(ع).

اجداد حضرت 51نفربوده که 17نفر پیامبر،17نفر وصی پیامبر و17نفر پادشاه بوده اند.{ستارگان درخشان ج1 –مجمد جواد نجفی}

پیامبر دارای نُه عمو بوده است.یعنی عبدالمطلب ده پسر داشته است‌شامل:(ابوطالب(عبدمناف)،زبیر،حمزه،حارث،غیداق،مقوم(حجل) ابولهب(عبدالعزّی)،ضرار،عباس وعبدالله»

«پیامبر دوماهه بودند که پدرشان رحلت نمود وچهارساله بودند که‌مادرشان از دنیا رفت وهشت ساله بودند که عبدالمطلب رحلت نمودندوچهل وپنج ساله بودند که ابوطالب وهمچنین همسررسولخدا،خدیجه(س) رحلت نمودند.»

معجزه تولد:

در میان چهارده معصوم،سه نفر با کمک مامورین الهی متولد شدند.رسول اعظم.امیرالمؤمنین وفاطمه زهراء(س)

{در هنگام وضع حمل آمنه مادر رسولخدا، چهارزن موحّدومؤمن در حالیکه در دستشان جامهای بلورین شربت بود،به کمک اوآمدند.

یکی گفت:من آسیهٔ خداپرست،همسر فرعون هستم.دیگری گفت:من‌مریم عذراء مادر عیسی هستم.سومی که عقب تر از آن دوبانوی جمیل‌بود،گفت:من هاجر مادر اسماعیلِ ذبیح اللّه هستم‌وچهارمی گفت:من‌کلثوم خواهر موسی بن عمران هستم.}

وبدین صورت ،پیامبر اعظم با کمک مامورین الهی متولد شد.

حضرت یک سری خصوصیاتی داشتند که او را از بقیه مردم متمایز می کرد.خصوصیاتی که دلالت بر جایگاه عظیم حضرت در نزد پروردگار عالمیان می نمود.خصوصیاتی که بعضی از آنها در هیچ انسان دیگری نبود.

اوصاف خاصّه پیامبر:

«پیوسته نور از پیشانی مبارکش ساطع بود.بوی خوش حضرت بعد ازدوروز از محلی که عبور کرده بود به مشام می‌رسید.با هر که راه‌می‌رفتند،هرچه آن شخص بلند بود،حضرت باندازۀ یک وجب از اوبلندتر می‌نمود.به احترام حضرت،هرگز پرنده‌ای از بالای سرش پروازنکرد.از پشت سر می‌دید چنانکه از جلو می‌دید.هرگز بوی بد به‌مشامش نرسید.آب دهان خود به هرچه می‌افکند،در آن برکت بهم‌می‌رسید.به هر زبانی سخن می‌فرمود.درخواب می‌شنید همانطوریکه‌در بیداری می‌شنید وهرچه در خاطره‌ها بود می‌دانست.ناف بریده بدنیاآمد وهرگز محتلم نشد.مدفوع حضرت را زمین فرو می‌برد.بر هر حیوانی‌که سوار می‌شد،آن حیوان پیر نمی‌گردید.در قدرت بدنی کسی با او برابرنبود.همۀ مخلوقات،حرمت حضرت را حفظ می‌کردند وبر هر درختی‌عبور می‌کرد،کج شده وبه حضرت سلام می‌کرد.در طفولیت ماه گهواره‌اورا می‌چرخاند ومگس وحشرات بر او نمی‌نشستند.گاه بر زمین نرم‌جای پای او دیده نمی‌شد در حالیکه گاه جای پایش بر سنگ سفت‌دیده می‌شد.مهابتی از حضرت در دلها بود که کسی نمی‌توانست‌درست بر حضرت نگاه کند.»حیوۀ القلوب ج2

حالات رسول اعظم ص:

پیامبر اسلام دارای اخلاق عظیمی بودند که نه در قبل از حضرت ونه در بعد از حضرت در کسی این چنین دیده نشد اگر چه در شدت کمتری در بقیه امامان ع وجود داشته است.او با این اخلاق بود که توانست شخصیتی مانند امیرمؤمنان را تربیت کند.که در روایتی آمده که امیرمؤمنان ادب کرده پیامبر بود وپیامبر ادب کرده خداوند بود.

درحدیثی از امام صادق(ع) ،رسولخدا(ص)اینگونه توصیف شده‌است:از همه کس،حکیمتر وداناتر وبردبارتر وشجاعتر وعادلتر بود.هرگزدستش به زنی نامحرم نرسید وسخاوتمندترین مردم بود.هرگز درهم‌ودیناری نزد او نماند.برزمین می‌نشست وبرزمین غذا می‌خورد وبرزمین‌می‌خوابید ونعلین ولباس خود را پینه ووصله می‌کرد.درخانه خود رامی‌گشود وگوسفند را خود می‌دوشید وپای شتر را خود می‌بست وچون‌خدمتکار از گردانیدن آسیاب خسته می‌شد،خود می‌گرداند.آب وضو رابدست خود حاضر می‌کرد وپیوسته سرش در زیر بود.در حضور مردم‌تکیه نمی‌کرد واهل وعیال خود را خدمت می‌کرد وهرگز آروغ نزد وهرکه‌اورا به مهمانی دعوت می‌نمود،قبول می‌فرمود ونگاه‌زیاد به صورت‌مردم، نمی‌کرد.هرگز برای دنیا بخشم در نمی‌آمد وبرای خدا غضب‌می‌کرد وگاه از گرسنگی،سنگ بر شکم می‌بست وهرچه حاضرمی‌کردند،تناول می‌فرمود.انگشتر نقره در انگشت کوچک دست راست‌می‌کرد .خربزه

را دوست می‌داشت.هنگام وضو مسواک می‌زد وادب هرکه را رعایت می‌فرمود وعذر هرکه را که معذرت می‌خواست،قبول‌می‌نمود وتبسم بسیار می‌کرد وهرگز صدای خنده‌اش بلند نمی‌شدوهرگز کسی را دشنام نداد وخدمتکار وزنان خود را نفرین نکرد.بد را به‌خوب جواب می‌داد وابتدا به سلام ودست دادن می‌نمود ودر هرمجلسی،یاد خدا می‌کرد. «حیوۀ القلوب ج2»

****

«تواضع وفروتنی پیامبر به حدّی بود که پس از پیروزی در جنگ خیبر،برالاغی که لجام وجُل آن از لیف خرما بود سوار شده بود وبه کودکان‌وزنان سلام می‌نمود.

روزی شخصی با آن حضرت سخن می‌گفت ودرحال صحبت‌می‌لرزید.پیامبرفرمود:چرا از من می‌ترسی؟منکه پادشاه نیستم.»

****

علم پیامبر:

یکی از ابعاد شخصیت آن سیدالانبیاء،علم فراوان آن حضرت بوده است.ما زمانی می توانیم با علم حضرت آشنا شویم که بدانیم علم امام صادق ع با آن فراوانی از علم پیامبر نشات گرفته است.علم امیرمؤمنان از علم پیامبر بدست آمده است.

علم پیامبر فقط در یک موضوع ودوموضوع نبوده است.بلکه باید گفت علمی نبوده که بر حضرتش مخفی بوده باشد.هم به اسم اعظم عالم بودند وهم به حوادث گذشته وحوادث آینده ،هم به علوم ادیان وهم به علوم پزشکی مسلط بودند.

«امام صادق(ع):خداوند به حضرت عیسی (ع)دواسم اعظم داده بود که‌بوسیلۀ آنها مردگان را زنده می‌کرد ومعجزات زیادی انجام می‌داد.به‌موسی(ع)چهاراسم اعظم وبه ابراهیم(ع)هشت اسم اعظم وبه‌نوح(ع)پانزده اسم اعظم وبه آدم(ع) بیست وپنج اسم اعظم‌داد.خداوند دارای هفتاد وسه اسم اعظم است که یک نام، مخصوص‌خود وهفتاد ودو اسم اعظم را به رسول گرامی اسلام(ص)تعلیم داد.»

«در احادیث آمده است که:خداوند علوم همۀ انبیاء را به رسول گرامی‌اسلام(ص)داد وپیامبر نیز آنها را به اوصیای خود منتقل نمود.وهمۀ‌کتابهای آسمانی از قبیل تورات وانجیل وزبور وصحف آدم(ع)وشیث(ع) وادریس(ع) وابراهیم(ع) وکتابهای دیگر را به پیامبر اسلام‌تعلیم داد وهیچ علمی وکرامتی به پیامبری نداده است الاّاینکه به آن‌حضرت نیز داده است.»

****

«روزی رسولخدا(ص)درحالیکه کتابی در دست راست وکتابی در دست‌چپ داشت،دیده شد.کتابی را که در دست راست داشت باز کرد.درآن‌بعد از نام خدا،اسامی همۀ بهشتیان نوشته شده بود.ودر کتاب دیگر،بعداز نام خدا،اسامی همۀ جهنمیان آمده بود.»بحارج17

عبادت ودعای پیامبر:

پیامبر اعظم ص از عابدترین انسانها در طول تاریخ بوده اند.چون هرچه معرفت آدمی به پروردگارش بیشتر شود عبادتش بیش وخشوعش بیشتر می شود.و معرفت پیامبر به خداوند از تمامی انسانها بیشتر بوده است.او اولین انسانی بود که در عالم ذر،به ندای الست بربکم ؟الهی جواب مثبت داد واولین انسانی بود که در عالم خلقت به خدا ایمان آورد.پس وقتی خدا را خوب می شناسد ،چگونه می تواند شب همانند بقیه انسان ها چشم برهم بگذارد؟چگونه می تواند غرق دنیا شود واز خدایش غافل باشد.پیامبر آنچنان به عبادت عشق می ورزید که می فرمود:نماز برای من مثل غذا برای شما است با این تفاوت که شما از غذاخوردن سیر می شوید ولی من از نماز خواندن سیر نمی گردم.

«از امّ سلمه در بارهٔ نماز پیامبر پرسیدند.گفت:شما از نماز پیامبر چه‌می‌دانید؟رسولخدا(ص) هنگام شب برای نماز برمی خواست ومشغول‌نماز می‌شد.سپس به اندازه مدت نماز،می‌خوابید.دوباره بلند می‌شدونماز می‌خواند.سپس به اندازه مدت نماز،استراحت می‌کرد ومجدداًبرای نماز برمی خواست...تا صبح می‌شد.»

«حُذیفهٔ یمانی که شبی با پیامبر بسر برده است می‌گوید:در آن‌شب،هنگامیکه پیامبر مشغول نماز شد ،فرمود:اللّه اکبر ذوالملکوت‌والجبروت والکبریاء والعظمهٔ.بعد از حمد،سورهٔ بقره را تلاوت فرمودوبه رکوع رفت ورکوع آن جناب باندازه قیامش بود.در رکوع‌می‌فرمود:سبحان ربّی العظیم.سبحان ربّی العظیم.وقتی سر از رکوع‌برداشت،باندازه رکوعش ایستاده بود ومی فرمود:لربّی الحمد،لربّی‌الحمد.سپس به سجده رفت وسجده‌اش باندازه قیامش بود ومی‌فرمود:سبحان ربّی الاعلی،سبحان ربّی الاعلی.سپس از سجده سر برداشت وباندازه سجده،می نشست ومی فرمود:ربّ اغفرلی،ربّ‌اغفرلی.بعد سوره‌های بقره وآل عمران ونساء ومائده را خواند.»

«عایشه می‌گوید:پیامبر با ما سخن می‌گفت وماهم با او حرف‌می‌زدیم.امّا هنگامیکه وقت نماز می‌رسید،طوری حال پیامبر تغییرمی‌کرد که گویا نه اومارا می‌شناسد ونه ما اورا می‌شناسیم.»

«نقل شده که پیامبر در مواقع بسیاری دعا می‌خواند .ازجمله :

موقع نگاه کردن در آینه،وقتیکه سوار مرکب می‌شدند،هنگامیکه سفره‌درنزدشان می‌نهادند،هنگام دست بردن بسوی غذا،وقت جمع کردن‌سفره،هنگام خوردن‌غذا ونوشیدن شیر،هنگامیکه میوه تازه‌می‌دیدند،هنگام ورود به بیت الخلاء،موقع عبور از قبرستان،هنگام‌زیارت اهل قبور،هنگام خوشحالی،موقع افطار کردن،بعد از نمازها،دروقت دیدن ماه،در وقت تحویل سال،وقت غم وگرفتاری،درشدائدوسختی‌ها،وقت طلوع آفتاب وهنگام وضو.»

«روایت شده که:رسولخدا(ص) بلند نمی‌شد ونمی نشست مگر بیادخدا بود.
همچنین روایت شده که:رسولخدا(ص) موقع دعاکردن،چنان دچارتضرّع وزاری می‌کرد که نزدیک بود عبا از دوشش بیافتد.»

***

مجازات محرمات جنسی در اسلام

زشت بودن زنا ولواط در اسلام

خدا در قرآن می‌فرماید:

«ولاتقربوا الزنا انّه کان فاحشةً وساء سبیلاً»اسراء32

حتی نزدیک زنا نشوید که عمل زشت وبدراهی است.

علامه طباطبایی می‌فرماید:«این آیه از زنا نهی می‌کند ودر حرمت آن‌مبالغه کرده است چون نفرمود این کار را نکنید بلکه فرموده نزدیکش هم‌نشوید.وعلت این نهی را دوچیز دانسته است؛یکی این که این عمل فاحشه‌است!وزشتی وفحش بودن زنا لاینفک بوده بطوری که در هیچ فرضی از آن‌جدا نمی‌شود.دوم این که این روش،روش زشتی است که به فساد جامعه آن‌هم فساد همه شؤون اجتماع منجر می‌شود و به کلی نظام اجتماع را مختل‌ساخته و انسانیت را به نابودی تهدید می‌کند.

در آیه دیگر در عذاب مرتکبین آن مبالغه نموده در ضمن صفات مؤمنین‌فرمود:**«ولایزنون و من یفعل ذلک یلق اثاما- یضاعف له العذاب‌یوم القیامة و یخلد فیه مهانا الاّ من تاب و آمن و عمل‌عملاًصالحاً»**فرقان 68

یعنی زنا نمی‌کنند که هرکه بکند،گناه کرده ودر قیامت عذابش دوچندان‌شده وبصورت خوار وذلیل،ابدی در جهنم می‌شود مگر کسانی که توبه‌کرده وعمل صالح انجام دهند.»

همچنین لواط در ادیان الهی مخصوصا در اسلام مردود ومورد لعن‌الهی است.خداوند درچندجای قرآن از جمله در سوره هود آیه 70تا89ودرسوره حجر آیه 59تا61 و درسوره شعراء آیه 160 ودرسوره عنکبوت‌آیه 26 ودرسوره قمر آیه 33 به مسئله قوم لوط وعذابی که برآنها وارد شداشاره می‌فرماید.از جمله اینکه لوط به قومش گفت:**«اتأتون الذکران من‌العالمین -وتذرون ماخلق ربکم من ازواجکم بل انتم قومٌعادون»**165شعراء

آیا شما در میان جهانیان سراغ مردان(برای عمل جنسی)می‌روید وزنها رارها می‌کنید؟بلکه شما قومی تجاوزگر می‌باشید!

سپس در آیات بعد به عاقبت این قوم اشاره می‌نماید:**«امطرنا علیهم مطراًفساء مطر المنذرین»**شعراء173

باران(باران سنگ)برآنها بارانیدیم که بد بارانی برای نصیحت شوندگان بود!

«حضرت رسول (ص)فرمود:وقتی قوم لوط این کارهای زشت راکردند،زمین‌آنقدر گریه کرد تا اینکه اشکش به آسمان رسید وآسمان آنقدرگریه کرد تا اشکش به عرش رسید.پس خدا به آسمان فرمود:آنهاراسنگباران نما!وبه زمین فرمود:آنهارا فروببر!»

«حضرت رسول (ص)فرمود:هرگاه جنس مذکر با مذکر آمیزش نماید،عرش‌خداوند از این عمل به لرزه می‌افتد.»

«امام صادق(ع)فرمود:آنها که تن به لواط می‌دهند،بازماندگان‌سدوم(قوم لوط)می‌باشند.من نمی‌گویم فرزندان آنها هستند ولی از طینت‌وسرشت آنها می‌باشند.

سؤال شد:همان شهر سدوم که زیرورو شد؟فرمود:آری چهارشهربودند:سدوم،صریم،لدنا وغمیرا»

«از امام صادق(ع)سؤال شد چرا خدا لواط را حرام کرد؟فرمود:زیرا اگرآمیزش با پسران حلال بود،مردان از زنان بی نیاز می‌شدند واین باعث قطع‌نسل انسان می‌شد وباعث از بین رفتن آمیزش طبیعی جنس موافق ومخالف‌می‌گشت واین کار مفاسد زیاد اخلاقی و اجتماعی ببار می‌آورد.»

«در سفینۀ البحار آمده است که قوم لوط در مجالس خود انواع کارهای‌زشت را انجام می‌دادند از جمله فحشهای رکیک وکلمات زننده باهم‌دوبدل می‌کردند.باکف دست برپشت هم می‌زدند.قمار می‌کردندوبازیهای بچه گانه انجام می‌دادند وسنگ به عابران پرتاب می‌نمودندوانواع آلات موسیقی را بکار می‌بردند ودر حضور جمع،بدن خود را برهنه‌وکشف عورت می‌نمودند.»

متأسفانه دنیای غربی که ادعای تمدن پیشرفته والگوبودن برای ملتهای‌جهان را دارد آن چنان غرق در مفاسد شده است که هم جنس بازان درغرب دارای مؤسسات وشرکتها واتحادیه‌ها هستند واخیرا «رابرت‌موگابه»رئیس جمهور زامبیا اعلام کرد که حداقل سه نفر از وزیران کابینه‌تونی بلر،نخست وزیر فعلی انگلیس،هم جنس باز می‌باشند.

آثار طبیعی مخرب محرمات جنسی

محرمات جنسی از جهت مفاسدی که بر آنها بار است،حرام شده‌اندوالاّ خداوند نمی‌خواهد که انسان به سختی بیافتد ویا ریاضت بکشد!

«امام رضا (ع):زنا برای این حرام شده است که در آن‌فساداست.فسادهایی چون‌قتل انسان،ازبین رفتن نسب‌ها،ترک تربیت‌کودکان،فساد در ارث وامثال این مفاسد.»

«امام علی(ع):خدا ترک زنا را واجب نمود بخاطر حفظ نسلها وترک لواط راحرام نمود بخاطر زیاد شدن نسلها.»

می‌توان آثار زیررا از عوارض زیانبار انجام محرمات جنسی در جامعه‌دانست:

1-پیدایش هرج ومرج در روابط خانواده

در جوامعی که براساس اباحی گری وآزادی وبی وبند باری ،روابط‌جنسی وجود دارد،آثار مخرب و ویران کننده‌ای به وجود می‌آید که از دیدجامعه شناسان وحتی سیاست مداران پنهان نمانده است لذا گاهی به این‌مسئله اعتراف دارند که علت این مشکلات ومعضلات روز افزون جوامع‌غربی ،عدم اعتنا به مقررات الهی در روابط جنسی است.**پاپ** به عنوان‌رهبر مسیحیان جهان در سالهای اخیر مرتب در بیانیه‌ها وسخنرانی‌ها به این‌مطلب اشاره نموده است واز رؤسای کشورهای مختلف مسیحی خواسته‌است که فرزندان حرام را

قانونی ندانند!اما تا کنون نه تنها به این هشدارهاوموعظه‌ها اعتنایی نشده است بلکه هم جنس بازان مورد حمایت دولتهابوده ودارای تشکل وصنف واتحادیه هستند ودر سال چندین بار اقدام به‌راهپیمایی وتجمع برای احقاق حقوق!!خود می‌کنند!

فساد در تمدن غرب

فراوانی اختلاط و آمیزش بدون قید و شرط بین زن و مرد، سبب شد تاآرایش، نمایش زینتها و بی‌بند و باری در زنان زیاد شود. زیرا جاذبهٔ جنسی‌بین زن و مرد دارای قدرت و کشش غیر قابل انکاری است. و اختلاط بین‌این دو و دستیابی آسان به جنس مخالف بدون پذیرش مسئولیتها ومشکلات، این قدرت را شدت بخشیده است.

طبق تفکر اخلاقی حاکم بر اجتماع غرب، تجمل و آرایش زن نه تنهاعیب و گناه نیست بلکه خوب و پسندیده بشمار می‌آید! لذا آرایش در این‌کشورها در حدّ معینی نماند و تمام حدود و مرزها را زیر پا گذاشت و به‌آخرین حدّ لجام گسیختگی و بی‌بند و باری رسید، تا اینکه حالت و وضع‌موجودِ تمدن غرب بوجود آمد! هم اکنون در غریزه تجمل و آرایش آنچنان‌افراط شده است که دیگر زنان به لباسهای چسبان و جذاب و وسایل زینت‌و آرایش، زیور آلات، عطر و پودر و استعمال رنگهای مختلف قناعت نکرده‌و پا را فراتر از آن گذاشته و می‌خواهند که جسمشان را کاملاً برهنه و بدون‌هیچ پوشش و لباس به دیگران نشان دهند و این وضع زنان در غرب است.

مردان در مقابل این برهنگی و آرایش و تجمل زنان، شوق و علاقهٔتازه‌ای در خود احساس می‌کنند و شهوت و غریزه حیوانی آنان با دیدن این‌مناظر تحریک آمیز، جدیدتر و قوی‌تر می‌باشند. آنان مانند شخص‌مسمومی می‌باشند که هر لحظه عطش و تشنگی‌شان رو به افزایش است وهر اندازه آب می‌خورند بیشتر تشنه می‌شوند! بنابر این آنان همیشه در فکراسباب و لوازم جدیدی هستند که آتش شهوت و تمایلات حیوانی راخاموش سازند ولی هیچوقت به آرامش و آسودگی دست نمی یابند.

این همه عکسها و فیلمهای لخت و برهنه،ادبیات بی عفت، داستانهای‌فتنه انگیز عشقی، رقاص خانه‌ها، نمایش‌های سرشار از احساسات وفیلمهای بی‌بند و بار، نمونه‌ای بارز از سعی و کوشش آنها برای خاموش‌ساختن آتش شهوت است ولی در حقیقت این ابزار و محیط و زندگی‌اجتماعی، آتش این غریزه را شعله‌ورتر و تیزتر می‌کند. این مرض کشنده(غلبه شهوات) در بنیان اجتماع غرب رخنه کرده است و با سرعت هر چه‌بیشتر، حیات و زندگی اجتماعی آنها را به هلاکت و نابودی تهدید می‌کند.

تاریخ گواهی می‌دهد که این مرض در هر جامعه‌ای که سرایت کرده و دربینشان انتشار یافته، **آن جامعه به هلاکت رسیده است**، زیرا این مرض‌تمام قوای عقلی و جسمی را از بین برده و مانع پیشرفت و ترقی انسان‌می‌گردد. او به آرامش روحی و فکری که تنها راه دستیابی به اعمال نیک‌است، دست نمی‌یابد و تا وقتی که محیط را شهوت و غرایز حیوانی احاطه‌کرده باشد و در هر طرف وسائل تحریک و فریفتگی باشد و در اثر عکسهای‌برهنه، موسیقی‌های مهیج، فیلمهای فاسد، رقصهای فریبنده، مناظر جذاب‌و آرایشهای دلفریب، اختلاط و آمیزش بدون قید و شرط بین دو جنس‌مخالف موجود باشد، خود آنان و نسلهای آینده نمی‌توانند به فضایی آرام،متعادل و سالم که برای تربیت قوای عقلی و فکری ضروریست، دست‌یابند. آن نوجوانان هنوز به کمال بلوغ نرسیده‌اند که غول شهوت و دیو سیاه‌غریزه جنسی بر آنها غلبه کرده و آنان را مانند برده و غلام، تحت تأثیر خودقرار می‌دهد و آنان ناخودآگاه به پای غول می‌افتند و هرگز قدرت رهایی ازچنگال او را نمی‌یابند.»

«در امریکا، کودکان زودتر از معمول، بالغ می‌شوند و از سنین خردسالی،احساس و هیجان جنسی در ایشان زنده می‌شود.

هیچ جای تعجب نیست که در بین طبقات مختلف حتی طبقات پولدارو باسواد، دخترانی پیدا می‌شوند که درسالهای هفت و هشت سالگی باکودکان هم سن و سال خود رابطهٔ

جنسی برقرار کرده و احتمالاً به فحشاءمبتلا می‌گردند.

به عنوان مثال دختر هفت ساله‌ای از یک خانواده آبرومند! با برادر وگروهی از دوستان برادرش، مرتکب فحشاء شده بودند. پنج نفر دیگر شامل‌دو دختر و سه پسر، گروه فحشاء را تشکیل داده و کودکان دیگر را به این کاروادار می‌کردند در حالی که بزرگترین آنها ده ساله بود. دختر دیگری که نُه‌سال داشت، خود را بسیار خوشبخت می‌دانست زیرا در این سن و سال،معشوقهٔ چندین نفر شده بود!

یکی از مجلات آمریکائی نوشته است:

سه عامل شیطانی وجود دارد که دنیای امروز ما را فرا گرفته و در افروختن‌آتش برای ساکنین زمین مؤثرند.

عامل اول ادبیات بی آبرو و دور از عفت است که بعد از جنگ جهانی با تمام‌وقاحت و بی‌عفتی و بی‌آبرویی بشکل عجیب و غریبی ترویج شد و دنیارافرا گرفت!

عامل دوم فیلمهای سینمائی است که نه تنها غریزهٔ شهوانی حیوانی راتحریک می‌کند بلکه در این خصوص ،دروس علمی و عملی را برایشان‌تلقین می‌نماید.

عامل سوم پایین آمدن سطح اخلاق زنان است که در لباس، برهنگی، اعتیادو اختلاط بدون قید و شرطشان با مردان بصورت آشکاری بچشم می‌خورد.این مفاسد سه گانه بمرور زمان رو به ازدیاد است و آخرین نتیجهٔ آن زوال‌تمدن و از بین رفتن مسیحیت است که اگر ما امروز از طغیان آنها جلوگیری‌نکنیم، بطور حتم تاریخ رومیها و کسانی که به پیروی از شهوت و غریزه‌جنسی رهسپار عدم گردیدند برای ما هم تکرار می‌شود زیرا آنها هم مانند مادر شراب، زن، رقص و موسیقی و لهو و لعب غرق شده بودند.

در این جامعه دیگر زنِ با عفت دارای احترام نیست! اصلاً عفت و تهذیب وحجاب و از روابط نامشروع دوری نمودن و قانع بودن به همسر خود، نشانهٔبی تمدنی!وبی فرهنگی وعدم پیشرفت به حساب می‌آید!

در غرب، ادبیاتی دارای مرتبه و منزلت است که بتواند با جاذبه های‌جنسی بکارگرفته شده در فیلمهای سینمائی، تئاترها و موسیقی‌ها وداستانهای فاسد، زن را عریان‌تر و برهنه‌تر معرفی بکند و بدین وسیله‌مشتریهای بیشتری جذب کرده و مثلاً نوشته شود که فلان فیلم اینقدرفروش داشت و یا فلان کتاب با این تیراژ فروش رفت.

نتیجهٔ تسلط شهوات بر همهٔ امور ملتهای غربی و حضور بی قید و شرطزن برهنه و عریان در همه جا، پیدا شدن آثار مخربی است که نصیب این‌ملتها شده است.آثاری همچون:

1-فساد نظام خانوادگی،

2-افزایش آمار طلاق (یکی از دانشمندان فرانسه که چندبار هم به وزارت‌رسیده بود، زنش را پنج ساعت بعد از ازدواج، طلاق داد!)،

3-تعداد کم ازدواج (در فرانسه از هر هزار نفر، هفت یا هشت نفر ازدواج‌می‌کنند)

4-کثرت فرزندان نامشروع (در انگلستان از هر سه کودک یکنفر نامشروع‌است)،

5-کشتن فرزندان نامشروع با فراغت بال (در فرانسه، دادگاه زنی را که‌طفلش را خفه کرده بود و چون طفل هنوز نفس می‌کشید سر او را بدیوارکوبیده بود و کشته بود، مجرم ندانست! همچنین رقاصه‌ای که می‌خواست‌زبان کودکش را از حلقش درآورد! لذا سر طفلش را زخمی کرده و شاهرگش‌را قطع نموده و او را کشته بود، مجرم شناخته نشد!)

6-افزایش بیماران روانی (در امریکا از هر سه نفر یک نفر مشکل روانی‌دارد)،

7-کثرت تجاوزات و جنایات و از بین رفتن اخلاق سالم در جامعه وبی‌اعتمادی به هم و مردن فضیلتهای اخلاقی در بین اقشار مختلف مردم،

8-از بین رفتن عاطفه و محبت،

9-شورش و طغیان مردم،

10-احساس پوچی دربین اکثر جوانان

و...همه از معضلات جوامع غربی می‌باشند.»

احکام انواع زنا

«الزانیۀ والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائۀ جلدۀ ولاتأخذکم‌بهما رأفۀ فی دین الله ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الاخر ولیشهدطائفۀٌ من المؤمنین»

زن ومرد زناکار را صدضربه شلاق بزنید واگر ایمان به خدا وقیامت دارید،درمورد آنها دلرحمی ننمائید وعده‌ای موقع اجرای حکم شاهد باشند.

1-زنای مرد مجرد با زن مجرد

حد شرعی آن در صورت ثبوت در نزد حاکم شرع،صدضربه‌شلاق در دفعه اول تا سوم ودر دفعه چهارم کشتن‌است.

2-زنای مرد زن دار«محصن» با زن شوهر دار«محصنۀ»

زن ومرد سنگسار می‌شوند.

3-زنای مرد زن دار «محصن»با زنی مجرد

مرد سنگسار وزن صدضربه شلاق می‌خورد.

4-زنای مرد مجرد با زن شوهردار«محصنۀ»

مرد صدضربه شلاق می‌خورد وزن سنگسار می‌گردد.

5-موارد چهارگانه فوق با اجبار وتجاوز مرد

مرد در هرصورت کشته می‌شود.وزن درصورت ناراضی بودن‌حدی ندارد.

«رسول خدا(ص):غضب خدا شدید است بر زن شوهر داری که‌چشمش را از نگاه به نامحرم پرکند که اگر این کار را کند همه اعمالش(اعمال خوب)نابود می‌شود.واگر دربستر غیر شوهرش بخوابد،برخدا لازم‌است که اورا بعد از عذاب در قبر به آتش بسوزاند.»

«امام باقر(ع):هرکه در ساعت واحدی با زنان مختلف زنا کند،برای‌هرکدام یک حد جداگانه دارد.»

لواط

لواط به هم جنس بازی مرد گفته می‌شود.

خدا در قرآن می‌فرماید:«**ولوطاً اذ قال لقومه اتأتون الفاحشهٔماسبقکم بها من احد من العالمین.انّکم لتأتون الرجال شهوهً من‌دون النساء بل انتم قومٌ مسرفون.**»اعراف80و81

(بخاطر آورید)لوط را هنگامی که به قوم خود گفت:آیا عمل بسیار زشتی‌را انجام می‌دهید که هیچ یک از جهانیان پیش از شما انجام نداده است؟آیاشما از روی شهوت به جای زنان به سراغ مردان می‌روید؟شما اسراف‌کار(ومنحرف)هستید!

«امام صادق(ع):نارواییِ لواط از زنا بیشتر است زیرا خداوندقومی را بخاطر لواط نابود نمود ولی هیچ فردی را بخاطر زناهلاک نکرد.»

لواط و یا همجنس بازی که گناه آن عظیم است، عوارض زیادی بر جای‌می‌گذارد که تا آخر عمر گریبان‌گیر شخص می‌شود. این عمل منشأ قتل،هیجان، اضطرب روحی، دیوانگی، خودکشی و هزاران مفسدهٔ اخلاقی‌است. سزای لواط کننده قتل است و این گونه اشخاص اگر بدون توبه از دنیابروند، با قوم لوط محشور می‌شوند.

«امام صادق(ع):زن وشوهری را نزد امیرمؤمنان (ع)آوردند که‌شوهر با پسر آن زن-از شوهر دیگرش-لواط کرده بودوبه‌شهادت شهود،دخول کرده بود.امام دستور داد مرد با ضربات‌شمشیر به قتل برسد و آن نوجوان نیز کمتر از میزان حدّ،تازیانه‌بخورد.»

«امام صادق(ع):مردی را همراه پسر نوجوانی که با او لواط‌کرده بود،نزد امیرمؤمنان(ع)آوردند و بینّه نیز علیه آنها به این‌عمل زشت شهادت داد.امام فرمودند:ای قنبر!نطع وشمشیری‌بیاور!آن گاه مرد ونوجوان با صورت روی آن فرش پوستی قرارداده شدند.سپس امر فرمود آن دو را با شمشیر به دونیم کردند.

از جمله احکام لواط کننده آن است که مادر وخواهر ودختر لواط دهنده‌بر او حرام ابدی می‌شوند وفاعل نمی‌تواند بعدا با آنها ازدواج نماید.واین در مورد زنا نیز صادق است که مادر وخواهر ودختر زناشونده به فاعل حرام می شوند.

استمناء واستشهاء

استمناء عمل جنسی است که شخص بمنظور آمدن منی وبه لذت‌رسیدن جنسی انجام می‌دهد.

برای این عمل در پسران اصطلاح استمناء ودر دختران استشهاء بکارمی‌رود.

«رسول خدا(ص):مساحقه کردن زنها باهم زنا محسوب می‌شود.»

«علی(ع):مساحقه در بین زنان همانند لواط در بین مردان است.»

«مجازات استمناء واستشهاء تعزیر است ومقدار آن بستگی به‌نظر قاضی دارد»

ضررهای جسمی وروحی استمناء واستشهاء

پزشکان ودانشمندان این آثار رابرای کسانیکه استمناء می‌نمایند،ذکرکرده‌اند:

1-زردرنگی و یا پریدگی رنگ

2-اختلال جهاز هاضمه وابتلا به یبوست وبی اشتهایی

3-کم شدن قوهٔ هوش وحافظه وقوای مغزی

4-کم خونی

5-لاغری وتوقف رشد

6-رعشه وضعف اعصاب

7-ضعف وبی فروغی چشمها

8-سرگیجه

9-مرضهای سل،نقرس وروماتیسم

10-تنفر از ازدواج

«امام صادق(ع):سه دسته هستند که خدا در قیامت با آنان سخن نگویدوآنان را مورد رحمت قرار نمی‌دهداز جمله کسیکه با دست خود استمناءکند وکسیکه در عمل لواط،مفعول واقع شود.»

«رسولخدا(ص):کسیکه با دست استمناء کند،ملعون است.»

1-قرآن کریم

2-بحارالانوار«علامه‌محمدباقرمجلسی»

3-نهج البلاغه

4-خوبیها وبدیها«مؤلف»
5-زندگانی پیامبراسلام«مؤلف»
6-مجمع المعارف ومخزن العوارف«محمدشفیع بن‌محمدصالح»
7-میزان الحکمهٔ«محمدی ری شهری»
8-سائل الشیعهٔ«شیخ حُر عاملی»
9-اصول کافی«کلینی»
10-شرح مثنوی عفاف‌علی نظامی
11-مستدرک الوسائل‌میرزا حسین نوری طبرسی

.....

ایمن نبودن از مکر خدا ورابطه آن با زلزله

فلا یامن من مکرالله الاّ القوم الخاسرین {اعراف99}

به سفارش قرآن وعترت یکی از خصوصیات مؤمنان ،آن است که هیچگاه نباید خود را از مکر الهی ،ایمن ومصون بدانند.زیرا کسانیکه خود را مصون بدانند زیانکارند.

مراد از مکر الهی چست؟

در تفسیر المیزان آمده است که:مکر خدا یعنی انسان معصیتی کند که مستحق عذاب شود وخداوند او را از آنجایی که نفهمد عذاب کند و یا سرنوشتی برای او تنظیم کند که او خودش با پای خود و غافل از سرنوشت خود بسوی عذاب برود.

امّا مکر ابتدایی و بدون اینکه بنده معصیتی کرده باشد البته صدورش از خداوند ممتنع است.
{المیزان ج8ص257}

و در تفسیر مجمع البیان آمده که :گویند مکر خدا این است که آنها را بوسیله تندرستی و طول عمر و نعمتهای دیگر سرگرم و غافل سازد.
طبق بررسی های بیشتر بنظر می رسد که مراد از مکر خدا،حوادثی است که نسبت به عده ای {کفار و منافقین وغافلین و...}عذاب حساب می شود ونسبت به عده دیگری امتحان وآزمایش الهی محسوب می شود.
این حوادث شامل زلزله،سیل،رانش زمین،ریزش کوه وبهمن،طوفان و...است.همچنین شامل مشغول شدن آدمی به مادیات ودنیا پرستی و جمع مال و ثروت و غرق شدن در لذات شهوانی و...می باشد.
اما ایمن نبودن از مکر الهی آیا شامل انبیاء،اولیاء و امامان ومؤمنین خالص می شود؟
با توجه به آیات و روایتهایی که در زیر می آید گویا این موضوع شامل همه طبقات می شود.
همه باید در شبانه روز متوجه قدرت ذات اقدس الهی باشند وهیچگاه امید صد درصد به نجات خود نداشته باشند.وباید بین خوف و رجا قرار بگیرند.
و در مسائل ترس از خدا و تقوای الهی وبودن بین خوف ورجا،معمولا انبیاء واولیاء از بقیه جلوتر بوده اندو بیشتر به این موضوع اهمیت می داده اند.
صفوان جمال می گویدکه :پشت سر امام صادق(ع)نماز می خواندم که شنیدم فرمود:اللهم لاتؤمنی مکرک!خدایا مرا از مکر خودت ایمن نکن! {تفسیر آسان ج5ص281}

و امیرمؤمنان(ع) فرمود:ایمن نباش بر بهترین این امت.که خدای سبحان می فرماید:فلا یامن من مکرالله الاّ القوم الخاسرین { فقط زیانکاران از مکر خدا ایمن هستند.}

یعنی حتی بهترین امت که مسلمانان هستند نباید از مکر خدا ایمن باشند.

در تفسیر مجمع البیان آمده که:هیچکس جز مردم زیانکار که به حکمت خدا جاهلنداز عذاب او ایمن نیست. وهدف آیه 99اعراف این است که مکلف را متوجه سازدکه از عقاب خدا بیمناک باشد وبرای اطاعت او بشتابد و هرگز بخود وعده ایمنی ندهد.{ج9ص188}

انواع مکر الهی در آیات

آیا از خدایی که حکومتش در آسمان است ایمنید که شما را به زمین فرو برد در حالی که زمین تکان می خورد؟یا ایمنید که تندبادی بفرستد تا بر شما سنگ ببارد؟ {ملک17}

آیا ایمن هستید که شما را به دریا برگرداند و تندبادی بفرستد تا شما را غرق کند سپس فریادرسی نباشد تا به شما کمک کند؟ {اسراء69}

آیا کسانی که کارهای زشت می کنند ایمن هستند که ناگاه خدا همه را به زمین فرو برد یا از جایی که پی نبرند عذابی به آنان برسد یا در سفر که سرگرم رفت و آمد هستند آنان را سخت مؤاخذه کند و آنان نتوانند کاری بکنند؟ {نحل46}

آیا کافران به آسمان وزمین نمی نگرند که اگر بخواهیم آنها را بهزمین فرو می بریم یا تکه ای از آسمان بر سرشان فرو می ریزیم.و

در این نشانه ای برای هر بنده مخلص و انابه کننده است{سبا9}

در روایت است که آیه{فاخذتهم الرجفه}در باره قوم شعیب است که دچار عذاب زلزله شدند.{بحار ج12ص382}

از مطالب فوق این موارد را می فهمیم:

1-هیچکس از عذاب الهی ایمن نیست.

2-اگر چه خداوند هیچگاه ،انبیاء وامامان علیهم السلام را عذاب نمی کند ولی آنان هم خود رااز عذاب الهی ایمن نمی دیدند وشبانه روز متوجه قادر حکیم بودند.

3-اگر عذاب بر محلی نازل شود شاید شامل مؤمنینی که در آن محل هستند نیز بگردد با این تفاوت که برای آنها آزمایش وامتحان محسوب می شود که اگر زنده بمانند باید بر مصیبتهایی که برایشان پیش بیاید صبر کنند واگر زنده نمانند با طاعت الهی از دنیا رفته و رستگار می شوند.اما غافلینینی که در زلزله وامثال آن از دنیا می روند زیان کرده و عذاب الهی مشمول آنها میشود.

4-در بین عذابها،زلزله بیشتر از بقیه در بین مردم و رسانه ها صدا می کند ومردم را می ترساند وخرابی و تلفات بیشتری دارد و در گذشته هم وسیله اقوام مختلفی چون قوم شعیب و قوم لوط وثمود... بوده است وقیامت هم با یک زلزله سراسری آغاز می گردد.

5-برای مؤمنین راههایی برای مصون بودن از زلزله وجود دارد از جمله امام صادق(ع) فرمود که :کسیکه در نمازهای مستحبی خود،سوره زلزل را بخواند دچار زلزله نمی شود.

روایت شده که در زمان امام باقر(ع)زلزله آمد ومردم از وحشت به امام پناه بردند.حضرت به آنان فرمود:پناه به برید به نماز وصدقه و دعا.{بحارج26ص10}

علت زلزله چیست؟

ومعلول بنا شده است ،زلزله هم دارای علل مادی مربوط به خود با توجه به اینکه عالم هستی بر اساس قانون فراگیر علت

از قبیل گسلها،وجود مواد مذاب در اعماق زمین وعلل دیگرمی باشد. اما چون علت العلل همه علتها،خداوند است لذا زلزله دارای علل غیر مادی که همانا اراده الهی است می باشد..

از جمله اهداف زلزله:

1-گوشمالی گناهکاران

2-عذاب ستمکاران

3-تذکر به غافلان

4-نشان دادن چشمه ای از قدرت پروردگار

5-رسیدن اجل عده ای از متوفیان زلزله

6-امتحان بازماندگان متوفیان زلزله

7-تغییر دادن فیزیکی مکانهای زلزله

8-تغییر دادن مسیر زندگی عده ای از مردم

9-وادارکردن عده ایبه تفکر در آیات الهی

10-عاجز کردن ابرقدتها ومستکبرین

و اهداف دیگر.

رد سکولاریسم

اگر چه سکولاریسم را
[ívDìv õ·×DV qC íÜëk õ·×DV ÚkßF ClV] êDÜ·×
تعریف می کنند ولی با بررسی عمیق تاریخ سکولاریسم ونظریه پردازان آن مانند داروین،اگوست کنت،نیوباخ،مارکس،فروید وفیخته متوجه می شویم که سکولاریسم یعنی بی دینی. وسکولارها با هر دینی مخالفند و بیشتر معتقد به اصالت انسان،اصالت عقل،اصالت فرد،اصالت علم،اصالت امیال و خواسته هاواصالت دنیای مادی بوده وعالم ماوراء الطبیعه را نفی کرده و کُلاً سکولاریسم را جایگزین مذهب می دانند.

لذا برای رد این نظریه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1-اگرچه مبانی سکولاریسم چون {توجه ویژه به انسان،حمایت از حقوق فردی انسان،طرفداری از عقل،ارزش دادن به فقط علم ،اهمیت آزادی برای انسان که هر جور بخواهد زندگی کند و هر عقیده ای می تواند داشته باشد و...}در ظاهر خوشایند هر آدمی بنظر می آید اما این سؤال پیش می آید : جوامعی که به این طریقه عمل کرده اند به کجا رسیده اند؟آیا توانسته اند مدینه فاضله را تشکیل دهند؟

با اندکی بررسی متوجه می شویم که از زمانی که غرب بر مبنای سکولاریسم بنا نهاده شد،اگر چه عده ای توانستند با این روش،از زیر بار تکالیف دینی خلاصی یابند و خود را از هر قید وبند دینی آزاد کنند و به تمام خواسته های نفس و دل خود برسند ولی عواقب بسیار

سوئی برای مردم غرب ببار آمد.کافی است که به آمار های ناهنجاریهای اخلاقی واجتماعی و سیاسی در غرب توجه کنیم:

{نیوت گنگرینچ رئیس سابق کنگره آمریکا: ایالات متحده باید جهان را رهبری کند...اما با کشوری که در آن‌دوازده ساله‌ها باردار می‌شوند،پانزده ساله‌ها همدیگر رامی‌کُشند،هفده ساله‌ها به ایدز مبتلا می‌شوند و هجده ساله‌هادیپلم می‌گیرند بدون اینکه بتوانند بخوانند و بنویسند،هیچ‌کس را نمی‌شود رهبری کرد!»

«هرساله 350هزار دختر نوجوان امریکایی در سنین بین پانزده تانوزده سال دوره دبیرستان به سبب ارتباطهای نامشروع فرزندان غیرقانونی به دنیا می‌آورند و این آمار در دهه‌های اخیر سال به سال در حال‌افزایش است.»

«سالانه بیش از چهارصدهزار مورد سقط جنین در زنان زیر بیست‌سال رخ می‌دهد که اکثراً در دختران ازدواج نکرده امریکایی استو70٪ این دختران حملات جنسی افراد وگروههای مستهجن و هرزه راتجربه می‌کنند!»

«بر اساس آمار ارائه شده در ایالات متحده امریکا یک میلیون‌نوجوان در دوران بلوغ از منزل فرار می‌کنند که 2/3فرار افراد مؤنث‌ناشی از آزارهای جنسی در محیط خانواده می‌باشد.»

«در شهر نیویورک فردی که یک کلینیک روان‌شناسی خصوصی‌تأسیس کرده بود ودر آن یکصد کودک را تحت نظارت و مراقبت داشت‌پس از آنکه متهم شد که تمامی یکصد کودک را مورد تجاوز قرار داده‌است به اسرائیل گریخت که متأسفانه یک سوم این کودکان آلوده به ایدزشدند...!»

«بر اساس گزارش‌های منتشره در ایالات متحده آمریکا در هر شش‌ساعت یک نفر زیر نوزده سال به وسیلهٔ سلاح گرم دست به خودکشی‌می‌زند.در سال 1990،1447نفر بین سنین ده الی نوزده سال به وسیله‌سلاح گرم خودکشی کرده‌اند.»

«بر اساس آمار موجود،خودکشی دومین علت مرگ ومیر در بین‌جوانان 15-24 ساله در ایالات متحده می‌باشد.»

آمریکایی‌ها هرشب بالغ بر سی میلیون قرص خواب آور مصرف‌می‌کنند،که اگر طی یک سال این تعداد قرص را روی هم انباشته کنیم‌حدود 600000کیلوگرم وزن خواهد داشت.

واین 600تن قرص برای به خواب بردن تمام مردم جهان به مدت‌هشت شبانه روز کافی می‌باشد.!

بنجامین اسپاک،پزشک آمریکایی:

«میزان قتل و تجاوز و بهره کشی جنسی و بهره کشی از فرزندان وهمسران به طور تکان دهنه‌ای بالاست.»«بیشتر سالخوردگان -مگر این‌که ثروتمند باشند-آرزو دارند که فقط تحمل شوند.»«دیگر پدر دربسیاری از خانواده‌ها چهره با ابهتی ندارد...و در برنامه‌های تلویزیونی

اغلب اوقات پدر به عنوان دلقک تصویر می‌شود،مادران هرچه کمتروکمتر در مقام تربیت کنندگان قابل اتکا و قابل احترام دیده‌می‌شوند.»«هر بچه‌ای به طور متوسط تا قبل از پایان دورهٔ ابتدایی تصویرِ«رسانه‌ای«حدود هشت هزار قتل را تماشا کرده است.»

در امریکادر سال 1990 بیش از یک چهارم کودکان زیر هیجده سال‌یا فقط با یکی از والدین خود ویا بدون هیچ یک بسر می‌بردند.»

«براساس آمار معتبر:در امریکا سالانه بیش از یک میلیون نوجوان ازخانواده‌های خود فرار می‌کنند که نیمی از آن‌ها دختران نوجوانی هستندکه به علت سن پایین نمی‌توانند شغلی داشته باشند لذا به...به دزدی ومبادله مواد مخدر و فحشا روی می‌آورند.»

«کشیش یرس ریتر می‌گوید:در امریکا بالغ بر پانصدهزار نوجوان زیرهفده سال اختصاصاً به کار فحشا اشتغال دارند.»

مؤسسه امنیت وسلامتی در آمریکا:

«1071 آمریکایی در طول سال 1994 در محل‌های کار خود به قتل‌رسیده‌اند و بیش از 160هزارنفر دیگر هم مورد ضرب وشتم قرارگرفتند.»

صندوق حمایت از کودکان:

«شمار کودکانی که به ضرب گلوله در ده سال گذشته در آمریکا کشته‌شدند 94٪ افزایش یافته است،طبق آمار هر دو ساعت یک کودک درآمریکا هدف گلوله قرار می‌گیرد.»{از کتاب جمهوری اسلامی ودشمن شناسی صفحات 72تا90}

و...دیگر آمارها که فقط مربوط به یک کشور سکولار می باشد.

2- در قوانین الهی که برای بشر در نظر گرفته است آیاقانونی سراغ دارید که برخلاف عقل و بر خلاف مصلحت جوامع بشری باشد؟آیا دین مخالف آزادی فردی و اجتماعی است؟آیا دین مخالف لذت بردن بشر از راه درست است؟آیا دین مخالف علم است؟آیا دین مخالف عقل است؟ جواب این سؤالات منفی است و دین هرگز حق اختیار انسان را، عدالت اجتماعی و استفاده از رفاه برای عموم مردم،تحقیقات و کشفیات علمی،استفاده از مواهب ولذتهای قانونی را رد نمی کند.آری دین مخالف آزادی بدون مرز است.دین مخالف فحشاء وبی بند وباری است.دین مخالف استکبار و استعمار است.دین مخالف ظلم وتجاوز به حقوق ملتها ودولتها است.دین مخالف بت پرستی و هرهری مذهب بودن است.دین مخالف بدعتگذاری و دین جدید سازی است.

3-یکی از نتایج سکولاریسم در غرب،تقویت خوی استکباری در دولتهای غربی و تجاوز به حقوق ملتهای دیگر است.اگر تاریخ قرن اخیر را ملاحظه کنیم متوجه تجاوزات دولتهای غربی از جمله فرانسه به الجزایر،ایتالیا به لیبی،انگلیس به ایران وعراق و فلسطین و...آمریکا به کوبا وویتنام و پاناما و عراق وافغانستان ودهها کشور دیگر می شویم واین مشت نمونه خروار بود.در نتیجه سکولاریسم وسیله و ابزاری برای قدرتهای مستکبر است.

4-قبول سکولاریسم یعنی از بندگی خداوند رحیم ومهربان و بخشنده وحکیم و یگانه خارج شوید وبه دامن ایسم ها و خدایان دروغین ومستکبرین وشیاطین پناه ببرید.

5-سکولارها با هرگونه وحدتی بین حوزه و دانشگاه مخالف هستند زیرا امر دین را {اگر اصلا دین را قبول داشته باشند}از امر دنیا و علم ودانش جدا می دانند.و...

.....

انسان چون موجودي اجتماعي است همواره نياز به‌معاشرت ورفت وآند با ديگر انسانها را دارد واگر بخواهندشخصي را شكنجه كنند كافي است كه اورا مدتي از تماس بامردم محروم نمايند همانطور كه مجازات سامري كه گوساله‌پرستي را در ميان قوم موسي(ع)رواج داد اين شد كه مردم تاآخر عمرش با او حرف نزنند.امّا بايد معاشرت ما بر مبناي‌صحيح باشد تا باعث عزت واحترام ما شده وبا عث‌تقويت‌ماگردد.

اصول معاشرت صحيح:

1-احترام به شخصيت ديگران

«امام ششم(ع):هركه مؤمني را اكرام كند،گويا خدارا اكرام كرده است.»428

2-خدمت به ديگران

«رسولخدا(ص):هركه به عده‌اي از مسلمانان‌خدمت كند، خداوند در بهشت به عدد آنها به اوخدمتكار عطا فرمايد.»429

3-معاشرت با خوبان

«امام پنجم(ع):با كسي معاشرت كن كه تورامي‌گرياند وخيرخواه توست!وبا كسيكه تورامي‌خنداند وفريب مي‌دهد،معاشرت منما!»430

4-دوري از معاشرت با كسانيكه باعث سوء ظن مردم‌مي‌شود.

«امام هفتم(ع):از مواضع تهمت وشك بپرهيزيدوحتّي' در كوچه با مادر خود نايستيد!زيرا همه‌نمي‌دانند كه اين زن مادر توست!»431

5-هديه به مؤمنين

«امام ششم(ع):هديه بدهيد تا دوستي ايجادگردد.زيرا هديه كينه هارا مي‌برد.»437

6-كمك ورفع احتياج مسلمانان

«امام سجاد(ع):هركه حاجت مؤمني را روا نمايد،مثل اينستكه حاجت خدا را روا كرده است!وبخاطرآن،خداوند صدحاجت از اورا كه راحت‌ترين آنهابهشت است،براي او روا مي‌كند. وهركه غم مؤمني رابر طرف كند،خداوند در قيامت،بالاترين غم اورا برطرف مي‌نمايد.وهركه مظلومي را عليه ظالمي كمك‌كند،خداوند اورا بر پل صراط،در جائيكه قدمهابلغزد،ياري نمايد.وهركه در كارهاي مؤمني تلاش‌كندبطوريكه اورا خوشحال نمايد،مثل آنستكه‌رسولخدا(ص) را خوشحال نموده است.وهركه‌تشنه‌اي را سيراب كند،خداوند از رحيق مختوم(شراب بهشتي) اورا سيراب نمايد.وهركه گرسنه‌اي‌را سير كند،خدواندبه او از ميوه‌هاي بهشتي‌بخوراند.وهركه عرياني را بپوشاند،داوند اورا ازاستبرق وحرير بهشتي بپوشاند.وهركه بر غير عرياني،لباس بپوشاند،تا زمانيكه آن لباس بر تن اوست،درضمانت الهي قرار گيرد. وهركه مؤمني را برمركب(وسيله نقليه)خود سوار كند،روز قيامت‌خداوند اورا بر شتري از شتران بهشت سوارنمايد،بطوريكه ملائكه به او مباهات نمايند.وهركه‌ميتِ مؤمني را كفن كند،مثل اين است كه از روزولادت تا مرگش بر او لباس پوشانده باشد.وهركه زني‌را براي مؤمني تزويج كند وآن مؤمن با همسرش درصلح وآرامش باشد،خداوند در قبراورابا صورت‌محبوبترين خانواده‌اش مأنوس نمايد.وهركه به‌عيادت مريضي بود،ملائكه براي او دعا مي‌كنند تا ازعيادت برگردد وبه او مي‌گويند:بهشت بر تو گوارا باد!

وبخدا سوگند!روا كردن حاجت مؤمن نزد من از دوماه‌روزه پشت سرهم،بصورت اعتكاف در ماههاي‌حرام،محبوبتر است.»447

7-حفظ اسرار دیگران‌وبرگرداندن امانتها به‌صاحبانشان

«رسولخدا(ص):کسیکه در امانت‌تخلف کند از مانیست.وکسیکه در خانواده وثروت مسلمانی خیانت کند از مانیست.»

انواع امانت

1-در امانتداری فرق ندارد که امانت گرانقیمت باشد یاارزان.

«شخصی با اصرار از یکی از عرفا درخواست یاددادن اسم‌اعظم را می کرد واو قبول نمی نمود.تا اینکه مردعارف درظاهر قبول کرد وبه او قول داد که بعد از مدتی اسم اعظم را به‌یاد دهد.روزی این عارف بستهٔ کوچکی را به این شخص دادوگفت که این را ببر وبه فلان شخص بده‌وسر بسته را بازننما!آن مرد بسته را گرفت وبطرف مقصد براه افتاد.در راه باوسوسهٔ شیطان سر بسته را باز کرد تا از محتویات آن مطلع‌شود.وقتی در بسته را گشود ناگاه موشی که در آن بود بیرون‌جست وفرار نمود.مرد وقتی این صحنه را دید با ناراحتی‌وعصبانیت نزد عارف برگشت وگفت:مقام من این قدر پست‌شده که باید بچه موشی را برای دیگری ببرم؟عارف گفت:خواستم شمارا بیازمایم که آیبا می توانی امانتداباشی؟تو که نتوانستی در یک بسته امانتداری کنی چگونه می‌خواهی در باره اسم اعظم امانتداری نمایی.»

2-فرقی ندارد که امانت دهنده مسلمان باشد یا غیرمسلمان.

«امام پنجم(ع):برشماباد به امانتداری نسبت به کسیکه‌بشما امانتی داده چه آدم خوبی باشد وچه بدباشد.پس اگرقاتل علی بن ابیطالب امانتی نزد من بگذارد من امانت اورا دروقتش پس می دهم.»

3-فرقی ندارد که امانت مالی باشد یا ناموس باشد ویا سرّوراز دیگران باشد.

هشدار:بعضی از امانتهارا نباید قبول کرد تا از عواقب آن‌مصون شویم.در داستان عابد اگر برصیصا هرگز اجازه نمی دادتا دختری جوان به خانهٔ او که تنها زندگی می کرد،بیاید،اینگونه بدبخت نمیشد.

همچنین باید امانت را به اهلش داد.اگر تاجر عاقل بود می‌فهمید که عبادت به تنهائی باعث نجات انسان نمی‌شود.عبادت برصیصا بدور ازتقوا وعلم بود.اگر عبادتش‌واقعی ومورد قبول خدا بود این چنین نمی شد.که درتاریخ‌مانند این صحنه ها برای مردان خدا بارهاتفاق افتاد وبه گناه‌آلوده نشدند.

از جمله آثار خیانت در امانت،از هم پاشیده شدن خانواده‌ها،شکست در امور مالی واقتصادی،از بین رفتن اعتمادواطمینان به فردخیانتکار و...است.

امام ششم:به طول رکوع وسجود افراد نگاه نکنید...بلکه آنان را با راستگوئی وامانت داری بیازمائید.

بعد از شهادت امام کاظم ع ،یکی از وکلای حضرت در اموال خیانت کرد به این صورت که اموال زیادی از خمس در نزد او بود وباید تحویل اام می داد وقتی امام هفتم شهید شد ا برای اینکه اموال را برای خود بردارد وبه امام رضاع ندهد،ادعا کرد که امام هفتم آخرین امام است!واو امام عصر است که در کوه رضوی مکه پنهان است تا خدا اجازه

ظهور دهد!

پیامبر:علامت منافق یکی این است که در امانت خیانت می کند.

هدایای پیامبراعظم ص برای بشریت

یکی از برنامه‌های پیامبر اسلام در قبل از بعثت،عبادت وتفکر در غارحرا بود که در سن چهل سالگی در همین غار ودرحالت خلوت با خدای‌بی نیاز،اولین وحی واولین آیه نازل شد ومقام نبوت،رسما به آن جناب‌ابلاغ گردید.در این مورد روایتی از امام حسن عسگری(ع)نقل شده که:

«وقتی پیامبر به سن چهل سالگی رسید،خدای رؤف دل حضرت را ازهمهٔ دلها بهتر وخاشعتر ومطیعتر وبزرگتر یافت.لذا امر کرد تا درهای‌آسمان را گشودند وملائکه فوج فوج به زمین آمدند وخدای توانا ،رحمت خود را از ساق عرش تا سر آن بزرگوار متصل کرد.در این هنگام‌جبرئیل فرود آمد ودر غار حرا،بازوی مبارک پیامبر را گرفت‌وگفت: ای‌محمّد!بخوان! محمّد(ص)فرمود:چه بخوانم؟جبرئیل فرمود:

«اِقْرَءْ بِاسْمِ رَبِّک الذّی خلق،خَلَقَ الانسانَ مِنْ عَلَقٍ...»وقتی وحی تمام‌شد وملائکه به آسمان بالا رفتند،حضرت در حالیکه انوارجلال الهی‌اورا فرا گرفته بود وکسی نمی‌توانست به او نگاه کند،از غار بیرون آمدوبطرف پایین کوه حرکت نمود.

بر هر درخت وسنگ وگیاهی که عبور می‌کرد،بر آن جناب سلام‌می‌کردند وبه زبان فصیح می‌گفتند:السلام علیک یا نبی اللّه!السلام‌علیک یا رسول اللّه!همینکه وارد خانه خدیجه شد،خانه از شعاع‌خورشید جمالش منوّر گردید.خدیجه گفت:ای محمّد!این چه‌نوریست‌که در تو مشاهده می‌کنم؟فرمود:این نور پیامبری است!بگو لا اله الاّ اللّه.محمّد رسول اللّه.خدیجه گفت:من سالهاست که پیامبری‌تورا می‌دانم وشهادتین را جاری نمود.در این موقع حضرت فرمود:احساس سرمای شدیدی می‌کنم.پارچه‌ای روی من بیانداز!وقتی‌پارچه‌ای بر روی پیامبر انداخت،ناگاه آیه نازل شد:«یا ایُهَا المُدَّثِّر.قُمْ‌فَانْذِر.وَرَبَّکَ فَکَبِّرْ ...»(ای پیچیده شده در پارچه!بلند شو ومردم را انذاربده!وخدا را به بزرگی یاد کن و...)رسولخدا(ص)برخاست وبر بالای بام‌رفت وانگشت بر دوگوش گذاشت وفریاد زد:اللّه اکبر!اللّه اکبر! درمکه‌خانه‌ای نماند جز اینکه صدای تکبیر حضرت را شنید.»حیوهٔ القلوب،ج2

از این ساعت بود که ماموریت بزرگی بر عهده پیامبر اعظم ص گذاشته شد.پیامبر باید آخرین دین وکاملترین دین را به مردم جهان ابلاغ کند.مردمی که همگی در تاریکی جهل وبی دینی وشرک وبت پرستی گرفتار بودند.هر قومی و ملتی برای خود خدایان دروغینی را می پرستیدند.خدایان اقوام مختلف را بشرح زیر نام برده اند:

Þ êrìZ pç Cpëq ,lÜOzCk((´CßÛC EDFoC)) ÖDÛ éF Clh oCrç év kÞld ÙëlÂ ÚDì×Þo ,í×Þo ÚDëClh @ 1
,ÅkßÆ éF kDëp¾ ÝìÎÞC ÙìÏ·N êClh ,ÅkßÆlÎßN êClh :PzCk £ß¥i× íëClh ÚDÛA krÛ êoDÆ pç
êClh ,P¡Æ êClh ,Ùiz êClh ,ok éÜzDJ êClh,éÛDh ok êClh ,Úl@ì@×D@zA Ù@ì@Ï@·@N êCl@h
. ...ÞízDJonF
¢ìF Ð¾De×Þ pFD·× ok D× oß¡Æ ÚDëClh :kßF éO¿Ê rÜ¬ éF Öo ÚDÊorF qC íÇë éÆ PwìÛ HGvíF
.lÜOwç Ökp× Pì·ØV qC
qC íµßÛ PìFpN ÞêoCkéËÛ PìÎßòw× íëClh pç Þ lÛkßF ´CßÛC EDFoC éF lÃO·× ,íÛDÛß@ë ÚD@ëCl@h @ 2
,ußñq Úq ((Cpçk)) .kßF EDFoÓCEo Þ p¡F lÛÞClh ((ußñq)) ÔS× ,PzCk ælèµ pF Co MCkß@Vß@×
æÞÔµ ,lÛkßF lìzoßh Þ æD× ,ÚCoDF ÚDëClh HìNpNéF Þ ußñq ÚClÛqp¾ ,ÚßÎßJA Þ xìØNoA Þ x×p@ç
... Þ oDÆ,Ýì×q pëq ,Ýì×q ,Dëok êClh pF
Clh oCrç Þk kÞldDçÚA .kßF XëCo ÙëlÂ p¥× ok (ÙwëC éN íÏJ) íëClh lÜZ ÝìëA ,p¥× ÚDëCl@h @ 3
.lÜOzCk
éOzp¾ ¢z qClÛCMoDGµ éÆ lÛkßF Pzkoq éÛDÊ¢z ÚDëClh ((ÚClÜKvD¡×C)) ,íÛCpëC ÚDëClh @ 4
,ÝìëA ÝëC lè× .MCoDìv ÞDçæoDOv ,ÚDçDìÊ Þ DçEA ,MCrÏ¾ ,¢NA ÚDëClh Þ ÚÓßòw@× ÚCß@Ü@µ é@F
.kßF ÚCpëC oß¡Æ

نام پنج تن از این خدایان که اکنون نام ماههای ایرانی است بشرح زیر است:

{بهمن(اندیشه نیک)،اردی بهشت(نظم)،خرداد(تندرستی)،مرداد(جاودانگی)،شهریور(پادشاهی)}

البته عده ای از مردم هم پیرو مانی وعده ای پیرو مزدک بودند.

:lÛkßF ÚDèVok Ð¤C Þk P×ßÇd Þ PëßÜR éF lÃO·× ÙëlÂ ÚDìÜìZ ,ÝìZ ÚD×kp× êClh @ 5
Þ ælÜçkyCkDJ rìÛ Þ ÅÔ¾C Þ gpZ êClh éÆ ,oßÛ Dë PGS× Dë pÆn× pè@²@× ((í@O@Ë@ÛD@z)) (À@ÎC
.PvDìÛk ÝëC ok ÚClF Þ ÚDÇìÛ ÚDÊælÜÜÆ MCqDW×
.kßF ¢ëDOv koß× éÆ ÈëoDN Dë í¿Ü× Dë TÛå× xÜV pè²× ((ÝNDç)) (E
.lz ækÞr¾C DçÚA pF rìÛ êpËëk ÚDëClh XëolN éF

éF lÃO·× ,¢Üëp¾Aok lìdßN éF kDÃOµC pF æÞÔµ Epµ ÚDOvpJPF HÎD° éZpÊ ,ÚD@O@vp@J P@F @ 6
DëßÊ D×C @ kßzí× ækD¿OvC ÚApÂqC éÆÚDÜZ @ lÛCækßF rìÛ DìÛk ÝëC oß×C pìFlN Þ PìFßFo ok lì@dß@N
ok DçPF P¬DvÞ)) ´ß¨ß× ÚA Þ ,lÛCækßFPìFßFo ok Åpz qC íµßÛ oDZk ÚDÛA p@N¢@ì@F D@ë é@Ø@ç
ÝëC qC ,éOwÛCk PµD¿z ok ÐÃOw× Co ÚDOF DçÚA .PvC ((lÛÞClhkrÛ DçÚDwÛC êCpF EpÃN Þ PµD@¿@z
.lÛkpÆí× ÚD¡NkDGµ ,ælzÐvßO× DçÚA éF Þo

بتهای مشهور مشرکین مکه را 360 بت از جمله لات وعزّی ذکر نموده اند.

Co æoDOv P¿çÞ lÜOwÛCkí× (Ýì×qpv Þ æoDÂ) ÙìÏÂC P¿ç êCoCk Co Ýì×q æpÆ ,ÙëlÂ Ýìò@FD@¤ @ 7
DçÙìÏÂC ÚA ok Co pz Þ pìhêoCnÊpìRöDN MolÂ éÆ íNoß¤ éF .lÛkpØzí× ÙìÏÂC P¿ç ÚA ÚDGèË@Û
.lÛlìOvpJí× Co DçæoDOv Þo ÝëC qC .lÛkßF CoCk
¢OvpJ Þ éOhDÜzéÏìGÂ ÚA cÞo éÆ PzCk ((ÙNßN)) íµßÛ ÙëlÂ ok êCéÏìGÂ pç ,ÚDOvpJ Ù@Nß@N @ 8
.lzí×

شینتو که آئین مردم ژاپن است بر مبنای توتمیسم یعنی پرستش جانوران و آلات تناسلی و گیاهان قرار دارد.آنها در ابتدا حتی مارپرست و شیرپرست و گاوپرست و...بودند.اکنون به خدائی امپراطور قائل بوده و آنان را نواده خدا می دانند.عبادت اینها یک سلسله سرودها و نیایش و سحر وجادو و قربانی خدایان است.

íÏÃµ kpW× kp¾Èë ,P·ìG¬ ÙÎDµ MCkßVß× ´CßÛC qC ´ßÛ pç êCpF Úß¬Ô¾C ,íÛß¬Ô@¾C Ð@S@× @ 9
ÚA qC êßNpJ êkD× ÄëkD¥×Þ kCp¾C Þ kßF ÚDÇ× Þ ÚD×q Þ pìì»N qC kpW× Þ PFDR é@Æ kp@Æí@× Sp@¾ .lÛkßF

10-شیطان پرست ها که خدایشان،شیطان بوده واورا مالک جهان هستی می دانستند.

در این دنیای پراز انحراف وکجی ودوری از پروردگارعالمیان بود که،**پیامبراعظم ص با بعثت خود از طرف پروردگار عالمیان برای بشریت هدایای گرانقدری آورد.**

اولین هدیه آن بزرگوار،توحید وکلمه لااله الاالله بود.

در زمانی که شرک و بت پرستی عالمگیر شده بود،پیامبر اعظم ،توحید خالص را برای جهانیان به ارمغان آورد.او می فرمود:مردم!بگوئید:لااله الا الله تا رستگار شوید.

وفرمود:در حدیث قدسی خداوند فرموده:کلمه لااله الا الله قلعه من است.وهرکه وارد این قلعه شود از عذابم ایمن می گردد.

توحید در اسلام تنها یکی از اصول دین نیست،بلکه روح و خمیر مایه تمام عقاید اسلامی است،و با صراحت می‌توان گفت: اصول و فروع اسلام در توحید شکل می‌گیرد،همه جا سخن از توحید و یگانگی است،وحدت ذات پاک و توحید صفات و افعال خدا و در تفسیری دیگر وحدت دعوت انبیاء،وحدت دین و آیین الهی،وحدت قبله و کتاب آسمانی ما،وحدت احکام و قوانین الهی درباره تمام افراد بشر، و بالاخره وحدت صفوف مسلمین،و نیز وحدت یوم المعاد.

حتی در اسلام دستور داده ،قربانی را بطرف یک جهت وآن خانه خدا باید ذبح کرد.علماء ربانی وضو گرفتن وآب خوردن وغذا خوردن ومطالعه خود را بسوی قبله انجام می دهند.درایام کنگره سالانه حج،همه بدور یک محور طواف می نمایند ودهها جلوه توحید را می توان در عبادات واعمال مسلمانان مشاهده نمود.

به همین دلیل قرآن مجید هر گونه انحراف از توحید الهی و گرایش به شرک را،گناهی نابخشودنی می‌شمرد: ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء و من یشرک بالله فقد افتری اثما عظیما{نساء48} ،خداوند (هرگز) شرک را نمی‌بخشد،و پایین‌تر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد،و آن کس که برای خدا همتایی قرار دهد گناه بزرگی مرتکب شده است».

وفرمود:

و لقد اوحی الیک و الی الذین من قبلک لئن اشرکت لیحبطن عملک و لتکونن من الخاسرین ،به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرک شوی تمام اعمالت تباه می‌گردد،و از زیانکاران خواهی بود». (سوره زمر،آیه 65)

یعنی اگر بنده ای در تمام عمر کارهای خیر انجام دهد وبه کسی آزار واذیت نرساند ولی مشرک بمیرد،خداوند اورا در بهشتش جای نخواهد داد.
واز طرفی اگر شخص موحدی،گناهانی را مرتکب شده باشد بوسله توبه وشفاعت بخشیده می شود.
آیات زیادی در قرآن کریم در باره توحید آمده است از جمله آیات آخر سوره حشر:
هو الله الذی لا اله الا هو. عالم الغیب و الشهاده هو الرحمن‌الرحیم. هو الله الذی لا الله الا هو الملک القدوس السلام‌المومن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عمایشرکون. هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی‌یسبح له مافی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم.{حشر}

ÞC Þ ,PvCæDÊA oDÇzA Þ ÚDèÜJ qC ,PwìÛ ÞC rV êkßG·× éÆ PvC íñClh ÞC - 22

.PvC Ùìdo Þ ÚDØdo
qC ,PvCÞC íÏ¤C ÈÎD× Þ ÙÆDd ,PwìÛ ÞC rV êkßG·× éÆ P@vC íñCl@h ÞC - 23
Þ ,l¡iFí×PìÜ×C ÚDÜ×å× éF ,lÜÆíØÛ ÙOv íwÆ éF ,PvC ærÜ@× H@ì@µ p@ç
kßh n¾DÛ ækCoC DF éÆpënJDÛ PwÇz PvC êlÜØNolÂ ÞC ,PvC rìZ éØç H@ÂCp@×
éaÛA qC PvC ærÜ× lÛÞClh.PvC íÊorF éOwëDz ÞC ,lÜÆí× cÔ¤C Co êp×C pç
.lÜçkí× oCpÂ ÞC êCpF Èëpz
PvCêpËNoß¤ Þ ,éÃFDvíF êCælÜÜ@ëp@¾A Þ ,Ä@ÎD@h P@vC êl@ÛÞCl@h ÞC - 24
ÞC fìGwN PvCÝì×q Þ DèÛDØvA ok éaÛA Þ ,PvC ÈìÛ êCé×DÛ ÞC êCpF (pì²ÛíF)
. PvC ÙìÇd Þ rërµ ÞC Þ ,lÜëßÊí×

هدیه دیگری که پیامبر اعظم ص برای مسلمانان آورد قرآن کریم بوده است.

قرآن کتابی است که :

*انسان را به بهترین آئین هدایت می‌کند:انّ هذا القرآن یهدی‌للّتی هی اقوم اسراء 9

*با عث بیداری انسانها از غفلت است:اِنْ هو الاّ ذکرٌللعالمین.ص87

*پر از مَثَلها و اندرزها و اسرار خلقت و نظام آفرینش است:ولقدضربنا للناس فی هذا القرآن مِنْ کلّ مَثَلٍلعلّهم یحذرون.زمر27

*چون خالی از هرگونه کجی ونادرستی است،با عث تقوای انسانهامی‌گردد:قرآناً عربیاً غیرَذی عوجٍ لعلّهم یتّقون.زمر28

*جدا کنندهٔ حق از باطل است:شهر رمضان الذّی اُنزل فیه‌القرآن هدیً للناس وبیّناتٍ مِنَ الهُدی' والفرقان.بقره 184

*نور است و با نور خود،افراد را به راه راست هدایت می‌کند:کتابٌاُنزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور.ابراهیم 1

*برای مؤمنین،شفا وهدایت وبرای ظالمین وستمکاران،ضرروگمراهی بیشتر است:ونُنّزلُ القرآن شفاءٌ ورحمـةٌ للمـؤمنین‌ولایزیـد الظـالمین الاّ خساراً.اسراء82

و...

خدا خود صفات ونامهایی را برای قرآن ذکر کرده است از جمله:

نـــــور،مبین،فرقـــــان،هـــــدی،کتـــــاب،کـــــریم،رحمـــــت،مصـــــدق،نذیر،بینّـــــهٔ،حکـــــم،عـــــدل،بیـــــان،روح، بشری،تبیان،مجید،حکیم،عزیز،موعظهٔ،تذکرهٔ،کوثر،بلاغ،تنزیل،صدق،برهان،قیّم،حق،عجب،عربی،مهیمن،مرفوعهٔ،مطهرهٔ،نبأ،متشابه،بصائر ،علیّ،تفصیل،امر،احسن‌الحدیث و..

هدیه دیگر پیامبر اعظم ص به بشریت،اهل بیت وامامان معصوم ع است.

دراین باره روایتی از پیامبر اعظم درباره جایگاه اهلبیت ع می آوریم:

ابراهیم(ع)وملکوت آسمانها

رسولخدا(ص):وقتی خداوند ،ملکوت آسمانها را به ابراهیم(ع)نشان‌داد،ابراهیم(ع)نوری را در عرش دید.

پرسید:خدایا!این چه نوری است؟

خطاب رسید:ای ابراهیم!این نور،محمّد برگزیده من است.

پرسید:نور دیگری که پهلوی اوست،چیست؟

فرمود:این نور علی،یاری کنندهٔ دین من است.

پرسید:نوردیگری هم پهلوی ایشان مشاهده می‌کنم!

فرمود:این فاطمه است که پهلوی پدر وشوهرش قرار دارد.من دوستان‌فاطمه را از آتش نجات داده‌ام.

پرسید:خدایا!دو نور دیگر می‌بینم!

فرمود:آنها حسن وحسین هستند.

پرسید:نورهای دیگری هم می‌بینم!

فرمود:آنهاعلی بن الحسین ومحمدبن علی وجعفربن محمد وموسی بن‌جعفر وعلی بن موسی ومحمدبن علی وعلی بن محمد وحسن بن

علی‌ومهدی آل محمد می‌باشند.

پرسید:خدایا!غیر از این چهارده نور، نورهای بسیاری در اطراف آنهامی‌بینم!

فرمود:اینها شیعیان ودوستان محمّد وآل محمّدند.

پرسید:شیعیان را با چه علامتی می‌توان شناخت؟

فرمود:خواندن پنجاه ویکرکعت نماز در شبانه روز(17رکعت واجب و34رکعت نافله)،بلند گفتن بسم اللهالرحمن الرحیم،قنوت قبل ازرکوع،سجدۀ شکر وانگشتر بدست راست کردن.

ابراهیم(ع)درخواست کرد که:خدایا!مرانیز از دوستان وشیعیان محمّد وآل‌محمّد قرار بده!

خطاب رسید:من تورا از دوستان وشیعیان آنها قرار دادم.«ستارگان درخشان‌ج11ص5»

اهل بیت ع کسانی بودند که در علم ودانش کسی به پایه آنها نرسیده است

علم ودانش اهلبیت(ع)از همه انسانها بیشتر وبرتر بوده است.هیچ‌دانشمندی نمی‌توانست درمیدان علم با آنان رقابت نماید.حتی درمقابل‌امام جواد(ع)هفت ساله نیز دانشمندان حجاز وعراق وایران‌وشام،باپرسیدن هزاران سؤال در روزهای متوالی ،نتوانستند سؤالی را ازحضرت بپرسند که امام نتواند جواب آنرا بگوید.

اهلبیت(ع)به حوادث آینده علم داشتند.حتی از زمان مرگ افراد با اذن الهی‌مطلع بودند.زبانهای مختلف مردمان را می‌دانستند.حتی با حیوانات حرف‌می‌زدند وحرف آنان را می‌فهمیدند.علوم مختلف برای آنان مانند کف‌دست، حل شده ومعلوم بود.

اهل بیت ع کسانی بودند که عبادتشان از همه خالص تر وبیشتر بود.

روزی ابودرداء گفت:

ای مردم!بشما بگویم درمیان اصحاب پیامبر،چه کسی ثروتش از همه‌کمتر،تقوایش بیشتر وکوشش در عبادت از همه بیشتر بود؟

گفتند:چه کسی؟

گفت:علی بن ابیطالب.«اهل البیت ص218»

علی(ع)شبی هزار رکعت نماز می‌خواند.هفتادبار از خوف خدا غش‌کردوپیشانی مبارکش از بسیاری سجده،پینه بسته بود.

در جنگ صفین درشب درحالیکه تیر از چپ وراست می‌آمد،سجاده‌انداخته ونماز می‌خواند.«از کعبه تامحراب»

عبادت فاطمه(س)

پیامبر اسلام(ص):ای سلمان!خدای تعالی چنان دل وجان وهمهٔ اعضای دخترم فاطمه را ازایمان پر کرده است که خودرا برای عبادت خدا از همه چیز فارغ نموده‌است.

وفرمود:بدن فاطمه در نماز از خوف خدا می‌لرزد.«فاطمه سرورزنان عالم»

اهل بیت ع کسانی بودند که در مکارم اخلاق از همه برتربودند

شخصیت علی(ع)از زبان معاویه!

روزی عبدالله بن ابی محجن نزد معاویه رفت وگفت:

ای امیرمؤمنان!من از نزد مرد لکنت زبان وترسو وبخیل،پسر ابوطالب‌می‌آیم!

معاویه گفت:تورا بخدا می‌دانی چه می‌گوئی؟امّا اینکه می‌گوئی او لکنت‌زبان دارد!بخدا سوگند! که اگر همهٔ زبانهای مردم یک زبان شود،زبان‌علی(ع)برای جواب دادن به آن کافی است.واینکه می‌گوئی ترسواست!پس مادرت به عزایت بنشیند!آیا دیده‌ای کسی با علی بجنگد وجان‌سالم بیرون ببرد؟وامّا اینکه گفتی بخیل است!بخدا سوگند!اگر علی دوانبارپر از طلا وکاه داشته باشد،طلا را قبل از کاه صدقه می‌دهد!

عیدالله گفت:پس چرا بااو می‌جنگی؟

گفت:برای خون عثمان!«فضائل الخمسهٔ عن الصحاح الستهٔ»

کمک در نیمه‌های شب

علی(ع)شبها مواد غذائی را درکیسه‌ای گذاشته وبردوش می‌گذاشتند ودرمنزل فقراء می‌بردند.درحالیکه آنها نمی‌دانستند که این مرد خیّر کیست؟

حتّی در جنگ شخصی از دشمنان به امام گفت که شمشیرت را بمن‌می‌بخشی؟امام هم فورا شمشیر خودرا به او دادند.

آمده است که :مهمانی به خانه علی(ع)آمد وچون فقط باندازه یک نفر غذاداشتند ،امام سفره انداختند وبه بهانه‌ای چراغ را خاموش کردند ولب‌ودهان خودرا تکان می‌دادند تا مهمان خیال کند که امام هم مشغول خوردن‌است!«از کعبه تامحراب»

*****

حضرت فاطمه(س)از درآمد فدک ،هشتادهزار سکه طلا درآمد داشتند که‌همه را به فقراء می‌دادند وچیزی برای خود نمی‌گذاشتند.

آن حضرت در شب عروسی ،لباس نو خودرا بخشیدندوبا لباس کهنه به‌حجله رفتند.

آن بانو باتفاق حسن وحسین وفضه ،سه روز روزه نذری گرفتند وهردفعه که‌می‌خواستند موقع افطار ،غذا بخورند گرسنه‌ای بدر خانه می‌آمد وآنان همۀافطاری خودرا به او می‌دادند ودر این سه روز با آب افطار نمودند.«فاطمه‌سرور زنان عالم»

اهل بیت ع کسانی هستند که اعمال وعبادات ما بواسطه آنها قبول می گردد وگناهان ما با شفاعت ووساطت آنها پاک می شود.

هدیه دیگری که پیامبر اعظم برای جهانیان به ارمغان آوردند نماز است.نماز جماعت.نمازجمعه. نمازشب.نماز درمسجد.وانواع نمازهای مستحب وواجب.

واقعا اگر نماز نبود چگونه آدمی می توانست بدون واسطه با خدایش راز ونیاز کند.چگونه می توانست عبودیتش را به پروردگار نشان دهد.و چگونه می تواتست زنگارهای غفلت وگناه را از دل وروحش پاک نماید.این همه برکاتی که در نماز ونماز جماعت ونماز جمعه ودیگر نمازهاست همه هدایای پیامبر اعظم به بشریت می باشند.

هدیه دیگری که پیامبر اعظم برای جهانیان به ارمغان آوردند مسجد است.مساجد بهترین نقاط کره زمین وخانه خدا ومحل اظهار عبودیت است.اهل مساجد،اهل الله هستند.مسجد در اسلام مرکز بسیج مردم است.مرکز فعالیتهای فرهنگی واجتماعی مسلمانان است.محل اجتماع مسلمانان و وحدت

ومحبت مسلمین است.مسجد سنگر مسلمانان است که هرچه باشکوهترباشد دشمن شکن تراست و...

هدیه دیگری که پیامبر اعظم برای جهانیان به ارمغان آوردند خمس وزکات است.برای سادات فقیر وحوزه های علمیه،خمس را قرار دادند وبرای فقرا و مساکین جامعه ،زکات را منظور نمودند تا بدینوسیله فقر ومحرومیت از جامعه مسلمین برطرف گردد واغنیا هم در سعادت جامعه شریک باشند.

هدایای دیگری که پیامبر اعظم برای جهانیان به ارمغان آوردند حج وجهاد وامربمعروف ونهی از منکر ودیگر واجبات ومستحبات است.که همه اینها در مجموعه ای بنام دین اسلام جمع شده است وهرکه مسلمان شد میتواند از این عطایا وهدایا استفاده نماید.

آثار وبرکات نماز جمعه در جامعه اسلامی

سلام خدا بر روح ملکوتی امام راحل وشهدای انقلاب اسلامی که نماز جمعه را برای ملت ایران به ارمغان آورند.

اما درباره آثار وبرکات بسیار مهم نمازجمعه در کشور ما ،ابتدا به سراغ تاریخچه مختصری از نماز جمعه در اسلام برویم سپس در این موضوع مطالبی را عرضه نمائیم.

.:ÖÔvC ok é·ØV qDØÛ ÝìOwiÛ @1
,lÜÆ MpWç (£)pG×DìJ éÆÚA qC ¢ìJ ,éÜël× ÚDÛDØÏw× éÆ PvCæl×A í×ÔvC MDëCÞo qC í©·F ok
êoD¥Û Þ (éGÜz qÞo) lÜÜÆí× ´DØOVC éO¿ç qÞo Èë ok kßèë :lÜO¿Ê Þ lÛkpÆPGe¤ pËëlÇ@ë D@F
Ùëßz ¸ØV qÞo ÚAok Þ Ùìçk oCpÂ êqÞo Ùç D× PvC Eßh (éGÜ¡Çë) lÛoCk ´DØOVC êCpF êqÞorìÛ
((éFÞp·ÎC Ößë)) ÚD×q ÚA ok éÆ Co éGÜzqC ÐGÂ qÞo DèÛA ,ÙëoÞA DVéF Co ÞC pÇz Þ ÙìñßÊ Clh
p@Æm Þ
(éÜël× ÚDÊorF qC íÇë) ((æoCoq ÝFl·vC)) ¹CpvéFÞ ,lÛlërÊpF ½lç ÝëC êCpF ,lzí× æl@ì@×D@Û
((é·ØV qÞo)) ,qÞo ÚA Þ kCk qolÛC DèÛA éF Þ koÞA DVéF DèÛA DFPµDØV Moß¤éF Co qDØÛ ÞC
,l@Ü@O@¾o
.kßF ÝìØÏw× ´DØOVCqÞo Cpëq ,lz ælì×DÛ
.lz ÐìÇ¡N ÖÔvC ok éÆ kßF êCé·ØV ÝìOwiÛ ÝëC Þ
MpWç éÜël× éF éÆkßF í×DËÜç ,lÛkCk ÐìÇ¡N ¢FDe¤C DF (£)ClhÍßvo éÆ êCé·ØV ÝìÎÞC D@×C
qÞo oDèZ ,Mp©d ,kßF pè± ÖDËÜÇÍÞÓC¸ìFo ÙçkqCÞk éGÜzÞk qÞo qÞo ÚA Þ ,lz éÜël× koCÞ ,kpÆ
éF Þ kpÆ PÆpd éÜël× êßvéF é·ØV qÞo xKv,lÛkDèÛ ÚDìÜF Co DGÂ lWw× Þ lÛlÛD@× ((D@G@Â)) ok
ÝëC Þ ,PzCkDJpF DWÛA ok Co é·ØV qDØÛ ÙvCp× Þ ,lìvo ((ÙÎDvíÜF))éÏe× éF é·ØV qDØ@Û
ÖD@Ë@Ü@ç

lÛCßh é·ØV qDØÛ ÝëC ok Ùç êCéG®h ,koÞA DVéF ÖÔvC ok (£)Clh Íßvo éÆ kßFêCé·ØV ÝìÎÞC
{تفسیر نمونه ذیل آیه 9 جمعه}éG®h ÝìÎÞCéÆ Mp©d ok ×l1ë éÜëF ß.

در باره اهمیت نمازجمعه روایتی را از تفسیر فوق نقل می کنیم که:

ÀÎDi× Þ Ä¾Cß× éÆ êCéG®hok :
.:æl×A lÛCækpÆ ÐÃÛ (£)ÖÔvC í×CpÊ pG×DìJ qC Co ÚA
êÞo qC Ý× MD¾Þ qCl·F Dë Ý× MDìd ok Co ÚA xÆpç ækpÆ HVCÞ DØz pF Co é·ØV qDØÛ l@ÛÞCl@h))
ÞC qDØÛ lìÛClF ,lçkíØÛ PÆpF ÞC oDÆéF Þ ,lÜÆí× ÚD¡ëpJ Co ÞC lÛÞClh lÜÆ ÅpN oDÇÛC Dë
½D¿iO@vC
ÞC ÈìÛ ÍDØµC lìÛClF ,kßzíØÛ ÍßGÂ ÞC Xd lìÛClF,kßzíØÛ ÍßGÂ ÞC MDÆq lìÛClF ,kßzíØÛ ÍßGÂ
.!((lÜÆ éFßNoDÆ ÝëC qC DN lz lçCßiÛ ÍßGÂ

شهید دوم دراین باره می نویسد:

EpÃN éÏìvÞ éÆ íÏØµ ÝëpNÀëpz é@·@Ø@V qÞo ok ÚD@e@G@v êCl@h
pÆm)) ÙëpÆ ÚApÂ ok ÚA qC Þ ækCk oCpÂ é·ØV qDØÛ ,PvÞC æDË¡@ì@Jé@F
EpÃN éÏìvÞ ÝëpOèF éÆ DçqDØÛ ÚDì× ok Co ÚA Þ ækß×p¾ pìG@·@N((Cl@h
CmC CßÜ×C ÝënÎC DèëC Dë)) :lëD×p¾í× ækCk £D¥OhC ÚCßÜµ ÝëCéF lÜOwç
ÙÇÎm ,¸ìGÎC CÞom Þ ÕC pÆm íÎC Cß·vD¾ ,ø·ØWÎC Ößë Ý× ÷Cß¥@Ï@Îêkß@Û
í×DËÜç ,lëCækoÞA ÚDØëC éÆ íÛDwÆ êC)((ÚßØÏ·N ÙOÜÆ ÚCÙÇÎ pìh
lìFDO¡F Clh pÆm êßv éF ,lëlz ælÛCßh Cp¾ qDØÛ êCpF é·ØVqÞo ok éÆ
ok ((lìÛClF pÊC ,DØz êCpF PvC pOèF ÝëC .lëoCnÊ Þp¾ ColOv Þ kCk Þ
MDìFkC DF ÚDëDÜzA éÆ PvC íGÎDV Þ Àì®Î ()êDçpìG·@Né@ëA Ý@ëC
)) pìG·N DèÛA qC íÇë éÆ ,lÜFDëí× ok Co ÚA kßh kCl·OvCoClÃ× éF íFpµ
qC íÏ¤C ½lç éÆ ÝëC éF PvC æoDzC ÚA Þ ,PvC é·ØV qDØÛqC ((ÕC pÆm
Þ ´ßÆo Þ PvClh kDë íÏ¤C ½lç éÇÏF ,PwìÛ MDÜÇvÞ PÆp@d qD@Ø@Û
qDF pÇÜ× Þ öD¡e¾ qC qDØÛ éÆ PvC ÝìØç êCpF Þ .P@vCÚA r@×o kß@W@v
Ýµ íèÜN ÷ßÏ¥ÎC ÚC)) :lëD×p¾í× Ùëp@Æ ÚAp@Âé@Æ ÚD@Ü@Z .koCkí@×
Þ D¡e¾ Cpëq ((koCkí× qDF pÇÜ× Þ D¡e¾ qC qDØÛ))((pÇÜØÎCÞ öD¡e¿ÎC
íÛCßèz íÛÞok êDè¡¡Æ qCMCpÇÜ@× éØ¡Zpv íÛDw¿Û íÜ¬DF ÍDì×C Þ

Þ Clh kDë DèÛA qC ælÛoCk qDF Ð×Dµ ¸ÝëpOÊorF éÆl@Ûp@ì@Êí@×
ÝëpN¸¿Np× qDØÛ éÆ lzDFí× Clh PØ²µ êoÞAkDëÞ Clh éF Ð×DÆ éVß@N
¸ PvC ælz pìG·N ((pGÆÓC ÕC pÆm)) ÚAqC CnÎ Þ ,PvC ÚA éÏÂ
.PvC æl×ADçpìw¿N qC íhpF ok éÆ ÚDÜZ
ÚA qC rìÛ qDØÛ êÞpìÛ Þ koCk íNolÂ Ýì@Ü@Z Cl@h kD@ë é@Æ í@×D@Ë@Ü@ç
Dìè× DçqDØÛ pËëk qC ¢ìF lëDF é·ØV qDØÛ ok xJ ,kpìÊí×éØ¡@Zp@v
ÝëpNÀëpz DF ,DèNkDGµ ÝëpNÀëpz êCpF ,DçqÞo ÝëpNÀëpzok DN ,lëkpÊ
Ð×DÆ éVßN Þ ÖDØN ÍDGÂC DF ÍD·O× okDÂ pFCpF ok Þ kßz Dìè× ÝÇØ×¸@¨Þ

{اسرار نماز-شهیدثانی}lOwëDF.

آثار و فواید مهم نماز جمعه

آثار دنیوی نماز جمعه:

1-دمیدن روح وحدت در اقشار مختلف مردم و مسئولین:در نمازجمعه از همه اقشار وهمه مشاغل در یک مجمع جمع می شوند و به بیانات خطیب گوش می دهند ودرکنار هم نماز بجا می آورند وبعد از نماز با هم دست می دهند وگاه در نمازجمعه شعارهایی داده می شود با اینکه بعضی با هم در خارج از نماز جمعه اختلاف سلیقه سیاسی دارند ویکی چپ است ودیگری راست و... ولی در مسائل اصولی نظام با هم یکنظردارند.همه با هم مرگ برامریکا ومرگ بر اسرائیل می گویند.همه با هم مرگ برضد ولایت فقیه می گویند.همه با هم ندای حمایت از دولت سر می دهند وبا رهبر عزیز انقلاب وولی امر مسلمین ، عهد مجدد می بندند.

2-اثر دیگر نمازجمعه آشنا شدن امت اسلامی با معضلات ومشکلات وحوادث تلخ وشیرین دنیای اسلام است.وقتی خطیب در خطبه دوم به حوادث جهان اسلام یا حوادث ایران اسلامی اشاره می کند ،کستمعین با آن آشنا می شوند.و می فهمند که در حال حاضر کی ظالم است وکی مظلوم.چه کسی مستکبراست وچه کسی مستضعف.با چهره پلید امریکا و هم پیمانانش آشنا می شوند.از طرفی قلبشان برای مظلومین فلسطین ولبنان و عراقوجاهای دیگر می طپد وجریحه دار می شود.

3-اثر دیگر نمازجمعه تضعیف و مایوس نمودن دشمنان اسلام است.وقتیمردم هر هفته بهتر از قبل بطرف مصلاهای نمازجمعه حرکت می نمایند،منافقین ناراحت می شوند.شیاطین نگران می شوند.مستکبرین هراسان می گردند مخصوصا نمازجمعه پایتخت که با حضور مسئولین طراز اول و اقشار مختلف مردم گاه به امامت ولی ام مسلمین یا دیگر شخصیت های نظام اسلامی برپا می شود که این نماجمعه دشمن شکن هستند.

4-فایده دیگر نمازجمعه بسیج مردم برای کمک رسانی ویاری رسانی است.گاه برای زلزله زدگان وگاه برای سیل زدگان وگاه برای ردم ستمدیده فلسطین ولبنان وعراق وجاهای دیگر است.وگاه برای مستمندان ودانش آموزان بی بضاعت است.گاه بسیج برای اعزام نیرو به جبهه های حق علیه باطل است.که درزمان پیامبر اعظم این گونه بود ودرزمان علی ع هم بعد از خطبه ها نیرو اعزام می شد ودر ایام دفاع مقدس نیز نمازجمعه ها نقش مهمی دراعزام نیرو داشتند.

5-اثر مثبت دیگر نمازجمعه اطلاع رسانی مسئولین به مردم است.بهترین تریبونی که مسئولین می توانند مسائل خود را از آن جا با مردم درمیان بگذارند تریبون نمازجمعه است.معمولا قبل از خطبه ها به مناسبت های مختلف مسئولین حضور پیدا می کنند و مردم را با نحوه فعالیت های خود و انتظاراتی که از مردم دارند آشنا می کنند.

6-از طرفی در نمازجمعه،می توان مطالبات مردم را بگوش مسئولین رساند ومعضلات ومشکلاتی که امام جمعه صلاح میداند از این طریق مطرح شود تا در حل آن تسریع گردد با بیان مناسب طرح شود.

7- دیگر این است که از طریق نمازجمعه مردم با سیاستهای نظام اسلامی ومواضع ولی امر مسلمین آشنا می شوند.امام جمعه در مناسبتهای مختلف مواضع رهبری رابرای عموم مردم تبیین می کند.

مثلا برای مردم بیان کند که از نظر مقام معظم رهبری،اصول گرایی حزب خاصی نیت بلکه هرکی که ارزشهای نظام اسلامی را قبول داشته باشد والتزام عملی به آنها داشته باشد اصول گرا نامیده می شود.واین مسئله ونکته بسیار مهمی است که در وحدت امت اسلامی ودر انسجام امت اسلامی ودر کم کردن تنش ها ی سیاسی نقش مهمی ایفا می کند.

8-اثر دیگر این است که مردم با وظایف دینی واجتماعی خود آشنا می شوند.مثلا متوجه می شوند که در دین اسلام به رعایت حقوق زنان سفارش اکید شده است.متوجه می شوند که ازدواج در اسلام امر مقدسی است بطوری که از سفره عروسی بوی بهشت استشمام می شود.می فهمند که خانواده در اسلام جایگاه بسیار مهمی دارد وباید در استحکام آن تلاش نمود وصدها مورد دیگر که در هنگام حضور در نمازجمعه نصیب نمازگزاران می شود

9-فایده دیگر این است که انسانها در بهترین ساعت ودر بهترین روز به ذکر خدا روی آورده اند واین باعث تقرب الی الله می شود.در ساعتی که عده ای

مشغول تفریح وگاه لهو ولعب وکارهای شیطانی هستند درصد کمی از مسلمین در مصلاها اجتماع کرده و به ذکر خدا ویاد اوونماز برای او مشغولند.اینها برگزیدگان از میلیونها انسانند که انتخاب شده اند وبه فضیلت ذکرالله تفضل یافته اند.خوشا بحال اینان.خوشا بحال آنهائی که از اول انقلاب تا الان در صفوف نمازجمعه حضور دائمی داشته اندوخوشا بحال امامان جمعه ای که در صدها خطبه نمازجمعه ،مرم را با فرهنگ اهل بیت ع،با فرهنگ قرآن کریم ،با فرهنگ اسلام ناب محمدی آشنا نموده اند.

نمازجمعه فواید دیگری دارد که از ذکر آنها صرق نظر می کنیم.

10-فایده دیگرنمازجمعه ، جایگاه باعظمت امام جمعه در شهرستانهاست.با حضور امام جمعه در شهرستانها بعنوان کسی که از طرف ولی امر مسلمین منصوب شده است،مردم ومسئولین محلی،به به چشم نماینده ولی امر مسلمین نگاه کرده واورا بالاترین شخص آن منطقه از بعد معنوی می دانند.قضات وفرماندهان نظامی وانتظامی وفرماندارا ن ومسئولین دیگر همه حرمت اورا نگه داشته وبه ارشادات ونصایح او گوش می نمایند.حضور او درشهرستان باعث خیر وبرکت برای منطقه شده وبا اخلاص وتدبیر او گاه کارهای بزرگ فرهنگی وغیره با هزینه اندک انجام می شود که اگر دولت بخواهد آن کارها را خود انجام دهد باید هزینه گزافی بپردازد.ائمه جمعه ای که مصلا ساخته اند.حوزه علمیه احداث نموده اند.بیمارستان وکتابخانه درست کرده اند.مجتمع های فرهنگی راه انداخته اند .دهها مسجد را احداث یا درتکمیل آن کمک کره اندودرکنار این اقدامات،دفتر آنها پناهگاهی برای مردم بوده که یابرای کمک مادی مراجعه نموده ویا برای حل اختلافات خود و یا برای کمک معنوی به امام جمعه پناه برده اند.نقش امام جمعه نقش بی بدیلی است که از عهده دیگر عالمان برنمی آید.او باید در جلسات اداری ،مرتب مسئولان را به خدمتگزاری به مردم ورفع گرفتاری مردم دعوت کند.مشکلات منطقه را متذکر شود.همه را به وحدت فراخواند.بین جناحهای سیاسی تعادل برقرار کند.سیاستهای نظام را برای مردم تبیین کند و...

ثوابها برای حضور در نمازجمعه وعواقب سوء بی اهمیتی به نمازجمعه

-روز قیامت به اندازه سبقت به نماز جمعه،افراد در وارد شدن به بهشت از هم سبقت می گیرند.{اسرار نماز-شهید ثانی}

-پیامبر اعظم ص:از جمله افرادی که اعمالشان مانند روزی که متولد شده اند حساب می شود کسی است که نمازجمعه را تمام کرده و دارد مراجعت می نماید.{مستدرک ج6ص7}

Þ kkpÊ oß²Ü× ¢ëCpF ÍßGÃ× íWd [ECßR] , koCrËF é·ØV qDØ@Û é@Æ ÚA : (£)Cl@h p@G@×D@ì@J @ Clh qC , lÛDØF ¢ëDV ok Hz DN pÊC Þ kpFí× Ùç Co æpØµ yCkDJ , lÛCßiF Ùç Co p¥@µ qD@Ø@Ûp@ÊC

.lçkí× ÞC éF lÛÞClh éÇÛA pË× lçCßhíØÛêrìZ
ÞC Ík pF lÛÞClh lÜÇÛ PÆpz qDØÛ ok íJDìJ é·ØV év , íOÏµÞ onµ ÚÞlF , éÆpç : (´)pÂD@F ÖD@×C
@
.lÛq pè×
Ík pF lÛÞClh lÜÆ ÅpN , ÚA éF ÚkClÛ PìØçC êÞo qC , Coé·ØV qDØÛ év éÆ pç : (£)Clh pG×DìJ @
.lÛq pè× ÞC
.lÛqÞC Ík pF ÁD¿Û pè× lÛÞClh , lÜÆ ÅpN Co é·ØV qDØÛ év , íOÏµ ÚÞlF Þ lØµ êÞo qC , xÆ pç
@
.lÜÜÆíØÛ PÆpz é·ØV êDçqDØÛ ok éÆ lÜOwç êCælµ @
.kßF lÜçCßh ÚÔ¾D° qC æDÊ ÚA Þ kßzí× ækq pè× ÚD¡ëDèÎk pF
éÆé·ØV qDØÛ éF kDF ßN pF !HìÏÂ êC : kß×p¾ , kpÆ PëDÇz Xd qC kßh Pì×Þpe× qC éÆ êkp× é@F @
.PvC ÚClÜØOw× Xd ÚA
.PvC ÚClÜØOw× Xd , é·ØV qDØÛ @
qC rV Co êClh Þ lÜÜÆíØÛ PÆpz é·ØV qDØÛ ok íÆlÛC r@V é@Æ l@Ü@O@w@ç Ökp@× qC êkCl@·@N @
.lÜëDØÛíØÛ kDë ÁD¿Û Þ PÏ¿°êÞo
PvCælëqD°A ßÛ qC Co ¢ÎDØµC , lÜÆ PÆpz é·ØV qDØÛ ok Clh EDwd éF Þ ÚDØ@ëC êÞo qC é@Æ p@ç @
.(lÜÆ qDF ¢ëCpF êlëlV ÐØµ é×DÛ Þ kqp×DìF Co yCéOznÊ ÚDçDÜÊ ÚA yCkDJ éF lÛÞClh)

{میزان المکمه ج7}

درباره امام زمان عج

یکی از القاب امام عصر عج،بقیه الله است.

بقیه الله خیرلکم ان کنتم مؤمنین(هود86)

این بقیه الله التی لاتخلو من العتره الهادیه؟{دعای ندبه}

در این نوشتار به توضیح لقب بقیه الله می پردازیم

بقیه الله یعنی امام عصر شخصیتی است که باقیمانده از هزاران حجت الهی است.حجتهای الهی شامل پیامبران وجانشینان آنها یکی یکی آمدند ورفتند.پیامبراسلام نیز بعد از 63سال رحلت کردند.امیرمؤمنان هم بعد از 63سال زندگی پربرکت بشهادت رسیدندورفتند.وهمینجور امامان دیگر .

مستحفظا بعد مستحفظ من مده الی مده اقامه لدینک و حجه علی عبادک...

صالح بعد صالح و صادق بعد صادق...

بقیه الله یعنی اگر کسی میخواهد به آدم ع نگاه کند به امام زمان نظر کند. اگر کسی میخواهد به نوح وابراهیم وموسی وعیسی ع نگاه کند به امام زمان نظر کند.

اگر کسی میخواهد به جمال حضرت محمد ص نگاه کند به امام زمان نظر کند.

اگر کسی می خواهد به صورت وسیرت فاطمه وعلی نظر کند به امام عصر نظر بیاندازد.و خلاصه امام عصر آئینه تمام نمای هریک از امامان ع است.

این معنای بقیه الله است که امام عصر در صورت وسیرت پیامبرگونه وامام گونه است.

***معنای دیگر بقیه الله این است که علوم ودانش همه انبیاء وامامان در امام عصر جمع شده است.البته امام عصر از زمان امامت تا زمان ظهور علوم همه پیامبران را دارد ولی بعد از ظهور علومی که بشر تا آن روز به آن نرسیده وحتی پیامبران به آن دست نیافته اند را به بشریت عرضه می نماید.که در حدیث است که {علم بیست وهفت حرف است.آنچه همه پیامبران آوردند دوحرف بوده است وامام زمان در زمان ظهورش بیست وپنج حرف دیگر رامی آورد.**

او به همه کتابهای آسمانی آشناست.او به همه زبانها آگاهی دارد.او گذشته وآینده افراد را به اذن الهی می داند.

در ماجرای قاسم بن علا آمده کهاو از شیعیان حضرت بود ودرزمان حسین بن روح زندگی می کرد و 117 سال عمر کرد 40روز قبل از رحلتش ،بواسطه حسین بن روح نامه ای از امام زمان دریافت کرد که حضرت نوشته بود که چهل روز دیگر رحلت می کنی .و برای او هفت تکه پارچه جهت تجهیز کفنش فرستاده بود.

قاسم نامه را به عبدالرحمن که از دوستانش بود ولی به وجود امام زمان اعتقاد نداشت نشان داد.او بعد از مطالعه نامه،آن را پرت کرد وانکار نمود

وگفت:خدا فرموده:وماتدری نفس ماذا تکسب غدا وماتدری نفس بای ارض تموت(لقمان34)

وفرموده:عالم الغیب فلایظهر علی غیبه امدا(جن26)

قاسم گفت:بقیه آیه را نخواندی که فرموده:الا من ارتضی من رسول

سپس قاسم گفت:تو منتظر بمان وببین خبری که در این نامه بمن داده اند درست است یا نه.

چون چهل روز گذشت.همینکه فجر طلوع کرد،قاسم رحلت نمود.عبدارحمن با این حادثه از معتقدان بوجود امام عصرشد واموال خودرا وقف آن حضرت نمود.(غیبت طوسی، ص 310 ـ 315، التوقیعات الوارده; بحار الانوار، ج 51، ص 313 ـ 316)

این که امام عصر از مرگ افراد خبر داشته باشد عجیب نیست زیرا خداوند به هرکه بخواهد از این علوم عنایت می کند.

معنای دیگر بقیه الله این است که کلیه معجزاتی که پیامبران داشته اند ،همه را امام عصر می تواند انجام دهد.که مقداری از معجزات وکرامات را از بعد از امامت تا ظهور به افرادی نشان می دهد.همانند شفادادن ها.برطرف کردن حوائج مالی،شغلی،درسی،خانوادگی وغیره.
برادر شیخ عباس قمی از افراد عابد وباتقوابود.دختری دم بخت داشت ولی نتوانسته بودند جهاز برایش فراهم کنند.تااینکه یک روز پدر دختر به جمکران رفت ویک شبانه روز در آنجا ماند وبه امام عصر عج متوسل گردید.وقتی برگشت چندروزی نگذشته بود که یکی از علماءقم(آیه الله صدر)به همراه طلبه سیدی به منزلش رفتند وآیه الله صدر گفت:مابرای خواستگاری دخترت برای این طلبه آمده ایم وهمه مخارج را خودمن تقبل می کنم.و دختربا‌عزّت به خانه شوهر رفت.(داستانهای شگفت‌انگیز از مسجد مقدس جمکران {حیدر قنبری قزوینی})
قسمتی از معجزات امام عصر عج هم بعد از ظهور است.از جمله آمده است:
وقتی حضرت ظهور می کند وتشکیل حکومت می دهد،شخصی از اصفهان نزد امام آمده واز او معجزه می خواهد.امام دستور می دهد آتش بزرگی آماده کرده سپس وارد آتش می دهد وبعد از توقفی چند،سالم از آتش بیرون می آید.ولی آن شخص انکار کرده واین معجزه را سحر وجادو می داند.امام به آتش دستور می دهد اورا هلاک کند وآتش هم مرد را می سوزاند.امام می فرماید:این مجازات کسی است که صاحب الزمان وحجت الرحمن را انکار کند.
شخصی از اهالی فارس نزد امام آمده واز او معجزه موسی را طلب می کند.امام عصارا می اندازد واژدها می شود.ولی آن مرد انکار کرده وآنرا جادوگری می داند.امام به اژدها اشاره می کند واژدها آن مرد را می بلعد.(مکیال المکارم)

معنای دیگر بقیه الله آنست که امام باقی مانده تا حکومت عدل الهی را درسراسر جهان برپاکند.او باقی مانده تا احکامی را که درآنها تحریف ایجاد شده ،به اصلش برگرداند.لذا امام عصر ،نمازرا ،نمازجمعه وجماعت را.مساجد را.منابر را.ساختمانهای مسکونی را به آنطور که خدا راضی است برمی گرداند.زکات را با اجبار می گیرد ومانع زکات را گردن می زند.حدود الهی را همگی اجرا می نماید. در اثبات جرم،بدون شاهد همانند داودع ،قضاوت می نماید.
در پایان به قسمتی از برنامه های حضرت که در دعای صلوات امام عصرعج در مفاتیح آمده اشاره می کنیم.

وَاَلْهِمْهُ اَنْ وخدایا به امام زمان عج الهام کن

لا' یَدَعَ مِنْهُمْ رُکْناً اِلاّ' هَدَّهُ، وَلا' هاماً اِلاّ' قَدَّهُ، وَلا' کَیْداً اِلاّ' رَدَّهُ، وَلا' که پایه‌ای از آنها نگذارد جز آنکه فرو ریزد و نه سری از آنها جز آنکه دو نیم کند و نه نقشهٔ شومی جز آنکه بازش گرداند

فاسِقاً اِلاّ' حَدَّهُ، وَلا' فِرْعَوْنَ اِلاّ' اَهْلَكَهُ، وَلا' سِتْراً اِلاّ' هَتَكَهُ، وَلا' عَلَماً اِلاّ'و نه فاسق بدکاری جز آنکه حدّش زند و نه فرعون (گردنکشی) جز آنکه هلاکش کند و نه پرده‌ای جز آنکه بدرد و نه پرچمی جز

نَكَّسَهُ، وَلا' سُلْطٰناً اِلاّ' كَسَبَهُ، وَلا' رُمْحاً اِلاّ' قَصَفَهُ، وَلا' مِطْرَداً اِلاّ' خَرَقَهُ،آنکه سرنگونش سازد و نه سلطنت و قدرتی جز آنکه بتصرف گیرد و نه نیزه‌ای جز آنکه درهم شکند ونه زوبینی جز آنکه بشکند

وَلا' جُنْداً اِلاّ' فَرَّقَهُ، وَلا' مِنْبَراً اِلاّ' اَحْرَقَهُ، وَلا' سَيْفاً اِلاّ' كَسَرَهُ، وَلا' صَنَماًو نه لشکری جزآنکه پراکنده سازد و نه منبری جز آنکه بسوزاند و نه شمشیری جز آنکه بشکند و نه بتی

اِلاّ' رَضَّهُ، وَلا' دَماً اِلاّ' اَرٰاقَهُ، وَلا' جَوْراً اِلاّ' اَبادَهُ، وَلا' حِصْناً اِلاّ' هَدَمَهُ،جز آنکه خرد کند و نه خونی جز آنکه بریزد و نه ستم و بیدادگری جز آنکه از میان بردارد و نه قلعه و دژی جز آنکه ویران کند

وَلا' باباً اِلاّ' رَدَمَهُ، وَلا' قَصْراً اِلاّ' خَرَّبَهُ، وَلا' مَسْكَناً اِلاّ' فَتَّشَهُ، وَلا' سَهْلاًو نه دری جز آنکه ببندد و نه کاخ و قصری جز آنکه ویران کند و نه مسکنی جز آنکه بازرسی کند و نه زمین همواری

اِلاّ' اَوْطَئَهُ، وَلا' جَبَلاً اِلاّ' صَعَدَهُ، وَلا' كَنْزاً اِلاّ' اَخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَجز آنکه زیر پا گذارد و نه کوهی جز آنکه بالا رود و نه گنجی جز آنکه بیرون آورد به رحمتت ای مهربانترین

الرّٰاحِمينَ.

رفتار امام مهدی عج در دوران حکومت جهانی

آیا رفتار امام مهدی ومردم زمان او با چهره سایر امامان ومردمان در غیر زمان حکومت مهدی ع متفاوت است؟

آری خداوند ،رفتار آقا امام زمان ع را متفاوت با رفتار سایر ائمه علیهم السلام قرار داده است.

اگر امیرمؤمنان ع بخاطر مصالح اسلام بیست وپنج سال خانه نشین شد و مجبور بود که به مسجد رفته وپشت سر امام جماعت آن زمان نماز بخواند وبا اینکه معدن علم وگنجینه فضایل بود ولی مردم متوجه این شخصیت بزرگ نبودند وبه کارهای خود مشغول بودند واز حضرت استفاده نمی نمودند ودر دوران پنجساله حکومت هم باز امام مظلوم بود و گاه برای جمع آوری سپاه چندین روز تلاش می کرد وآنوقت تعداد کمی لبیک می گفتند وعده ای هم با حضرت دشمنی می ورزیدند وگاه در حال سخنرانی به حضرت ناسزا می گفتندو خلاصه مظلومانه زندگی نمود ومظلومانه شهید شد...

اگر امام مجتبی ع ده سال با مظلومیت زندگی کرد وباید به خلیفه احترام می گذاشت واو را امیرالمؤمنین خطاب می کردو...

اگر امام حسین ده سال با مظلومیت زندگی کرد ودر ظاهر باید ازخلیفه وقت اطاعت مینمود واورا جانشین خدا و...صدا می کرد ودر آخر با مظلومیت کشته شد واهل وعیالش را به اسیری بردند

اگر امام سجاد ع 35سال با مظلومیت زندگی کرد ودرتحت بیعت خلفای فاسق بود و..

اگر امام باقرع بیست سال امامتش را در زیر اطاعت خلفای ظالمی چون هشام بن عبدالملک بسر برد وباید به دستورات او عمل می نمود

اگر امام صادق ع مظلومانه زندگی نمود وبارها مورد ظلم واقع شد که گاه درب خانه او را أتش می زدند

وگاه به شام فراخوانده می شد وباید خلفای فاسق مثل منصور را امیرمؤمنان می خواند و...

اگر امام کاظم ع 14سال درسیاهچالهای هارون وخلفای فاسق وستمگر زندگی نمود

اگر امام رضا ع 21سال امامت خود را با مظلومیت گذراند ومامون عباسی هردفعه به یک نحو به حضرتش جسارت میکرد وحتی از نماز عید خواندن حضرت جلوگیری می نمود وامام را وسط راه بر میگرداند و در آخر هم او رابا زهر شهید نمود

اگر امام جواد ع در بیست وپنج سالگی با مظلومیت شهید شد

اگر امام هادی را چنان اذیت می کردند که نیمه های شب او را به مجلس شراب متوکل بردند وخلیفه فاسق امر به نوشیدن شراب وخواندن شعر عاشقانه کرد

اگر امام عسگری را سالها در زندان کردند ودر محاصره لشگریان قرار دادند که به عسگری معروف شد سپس او را به شهادت رساندند

اما،امام عصر هرگز در زیر بیعت هیچ یاغی وطاغوتی قرار نخواهد گرفت وبا هیچ ستمگری بیعت نکرده ونمی کند وهیچ طاغوت وفرعونی را آقا ومولی وامیر صدا نمی کند وپشت سر هیچ احدی نماز نمی گذارد وهیچ قدرتمندی بر او پیروز نمی گردد.

مهدی ع همیشه پیروز است ومهدی ع همیشه با شکوه است.مهدی ع هیچگاه مظلوم نخواهد بود واحدی را نمی رسد که به مولای ما ظلم نماید.

مهدی ع بت شکن وفرعون کش وذلیل کننده کفار و عزت دهنده به مؤمنان است.

مهدی ع ابرقدرت است.مهدی شکننده شوکت ستمگران است.

مهدی ع خوارکننده هر قدرتمند،خراب کننده هر بنای ظلم،ویران کننده هر کاخ ستمگر،آزاد کننده هر زندانی مظلوم،خنثی کننده هر توطئه علیه دین،سرنگون کننده هر پرچم ظلم،نابود کننده هر فرعون،درهم شکننده هر لشکر کفر،آتش زننده بتها،ریزنده خون مستکبرها،ویران کننده دژهای ستم،بالا رونده از همه کوهها ودشتها و تسخیر کننده همه گنجها و به اطاعت درآورنده همه سرزمینهاست.

اما چهره مردم زمان مهدی ع نیز با بقیه دوران ها فرق دارد

درزمان حکومت حضرت مهدی ع انقلابات زیر بوقوع می پیوندد:

1-انقلاب در امر عبادات مخصوصا نماز:هنگام وقت نمازهای یومیه،تمامی مردوزن به مساجد هجوم می برند وتمام مغازه دارها و کارگران وکارمندان دست از کار می کشند.در صفوف نماز از همه اقشار از جمله روسا،مدیران، قهرمانان،سرمایه داران،دانشمندان،هنرمندان وفرماندهان نظامی و...حضور دارند.نماجمعه واجب عینی است وچون همه شرکت می کنند مساجد راخراب وبزرگ می سازند که در روایت است مسجد کوفه آنقدر بزرگ می شود که **هزار در** دارد.

مساجد همه بزرگ و بسیار وسیع بطوری که مسجد کوفه دارای هزار در خواهد بود.

2- انقلاب در اصناف وبازاریان:تمامی تجار ومغازه دارها دارای ظاهر اسلامی بوده و با انصاف با مشتری برخورد کرده وکم فروشی وگرانفروشی واحتکار نمی کنند.

3- انقلاب در جوانان:در پاساژها وبازارها،زنان ودختران با حجب وحیا حرکت نموده واز بدحجابی وآرایش زننده وحرکات شیطانی خبری نیست

از جوانان لاابالی و سرکوچه ای اثری نیست و همه به کار وتلاش وتعلیم علم مشغول هستند.کتابخانه ها پر وکتابفروشی ها بسیار پر رونق و...

4-انقلاب در کشاورزی:دیگر هیچ زمین کویری وبایری نمی یابید وهمه زمینها سرسبز وخرم شده وباران کافی وغیر مضر مرتب نازل می گردد.از آفات کشاورزی خبری نیست ومیوه ها ومحصولات سالم تویل مشتریان می شوند.

5- انقلاب در ادارات وارگانها:در ادارات همه کارمندان با خوشرویی به خدمت مشغول بوده واز رشوه خواری وپارتی بازی خبری نیست.

6- انقلاب در وضع رفاهی مردم:از کمیته امداد وبهزیستی نیز خبری نیست وچنان مردم توانگر می شوند که پولدار هرچه می کند تا فقیری را پیدا کند وزکاتش را به او بدهد فقیری پیدا نمی نماید.همه مردم سال خمسی داشته ووجوهات خود را می پردازند.

7- انقلاب در بهداشت ونظافت:درکوچه وخیابان ها مردم بهداشت را رعایت نموده واز زباله وآبدهان وآشغال وغیره اثری نیست. ظاهر مسلمانان بسیارجذاب بوده ومردان همگی عطر زده وبالباس تمیز ومرتب در کوچه وخیابان ظاهر میشوند.

8- انقلاب در فرهنگ کار:کارگرها وکارمندان درست کار کرده واز کار نمی دزدند.

9- انقلاب در عوامل تعلیم وتربیت:همه معلمین ودبیران ،دانش آموزان وشاگردان خود رادر مرحله اول به اقامه نماز وداشتن اخلاق اسلامی دعوت کرده سپس درس مربوطه را می دهند. همه مردان وزنان بالغ از احکام شرعی مطلعند وهمه در اوقات فراغت به یادگیری علوم اسلامی مشغول می باشند.

10- انقلاب در ورزش بجای باشگاههای رزمی و ورزشگاههای فوتبال،همه جوانان ونوجوانان به آموختن صنعت ویادگیری علم ودانش وآموختن انواع آموزشهای نظامی مفید وورزشهای اسلامی ومفید سرگرم می باشند.

11- انقلاب در صنایع ومعادن:زمین تمامی گنجهای خودرا بیرون می ریزد.صنعت به اوج خود می رسد و انسانها امام زمان را درهرکجا که هستند مشاهده می نمایند واصحاب

خاص در زمان کوتاهی خودرا از این شهر به شهر دیگر می رسانند.

12- انقلاب در تعلیم قرآن کریم:جلسات آموزش قرآن بسیار پر رونق بوده و در تمامی شهرها وروستاها این جلسات برپا بوده وهمه جوانان قادر به قرائت صحیح قرآن و مفاهیم آن می باشند. قاریان قرآن چنان از دل وبا حزن می خوانند که مستمعین در طول قرائت گریان شده ودلهایشان خاشع می شود وبه یاد خدا می افتندو...

13- انقلاب در دادگاهها:دادگستری ها وپاسگاهها خلوت بوده واز شکایت ودعوا کمتر خبری است. حدود الهی کاملا اجرا می شود وامام عصر عج در اجرای حدود نیاز به شاهد ندارد

14- انقلاب در پزشکی:پزشکان همگی ماهر بوده وهر بیماری که به آنها مراجعه می کند با سلامتی کامل،درمان می شود.

15- انقلاب در درازدواج:مهریه دختران از پانصد درهم بیشتر نبوده وهمه جوانان قبل ازبیست سالگی ازدواج می نمایند.لذا از ارتباط نامشروع ومفاسداخلاقی اثری نیست. خانواده ها مستحکم هستندواز طلاق خبری نیست.

16- انقلاب در رسانه ها:صداوسیما در شبانه روز به پخش برنامه های مفید مشغول بوده ومردم هم طالب این برنامه ها بوده بطوری که اگر برنامه بی فایده ویا بیهوده ای پخش شود مردم خود تماس گرفته واعتراض می نمایند.وروزنامه ها ومجلات هم فقط مطالب مفید واسلامی را درج می کنند.

17- انقلاب در امورنظامی:سلاحهایی که در عصر حضرت ساخته می شوند غلبه کننده برکلیه سلاحهای کنونی بشر است.

18- انقلاب در دین:همه جا یک دین ویک پرچم است وآن دین اسلام وپرچم توحید حنیف است.و همه مسیحیان ویهود ودیگر ادیان با اختیار اکثرا وعده ای با اجبار اسلام می آورند.

19- انقلاب در مجالس ترحیم:در مجالس فاتحه،یاد وذکر خدا بر زبان ودلها جاری است و ازخودنمایی وریاکاری و...خبری نیست.

20- انقلاب در در روح مردم:وقتی امام عصر ع بر منبر خطبه می خواند چنان ضجه وگریه ای از مستمعین بلند میشود که اکثر ا متوجه سخنان امام نمی شوند .

21- انقلاب در امنیت:امنیت چنان برقرار است که یک نفر زن در حالی که سینی پر از طلا باخود دارد از این شهر به شهر دیگر سفر می کند واحدی به او نگاه چپ نمی اندازد.

22- انقلاب در اوقات فراغت:از موسیقی شیطانی وکارهای بیهوده دیگر خبری نیست وبجای آن مراکز تعلیم وتربیت وصنعت وهمچنین تفریحات سالم از قبیل دیدار از آزمایشگاههای علمی،مناظر طبیعی،آبشارهای زیبا،گل خانه هاو شرکت در جلسات دوستان،دیدن نمایشنامه های مفید وآموزنده،گوش دادن به سخنرانی ها وشرکت در گردش های دسته جمعی و عیادت بیماران و دید وبازدید بستگان وحضور در محضر عرفا وعلماء و برنامه های مفید دیگر برگزار می شود.

23-.

و...

رمضان المبارک ویک مهمانی مخصوص

پادشاه جهان سالی یک بار به رعیت هاش به مدت یک ماه ،مهمانی مخصوصی می دهد.مهماناها باید از اذان صبح تا اذان مغرب منتظر افتادن سفره غذا بمانند.در این مدت مرتب از طرف پادشاه جهان به مهمانها هدیه ها داده می شود.برای هر نفس زدن یک هدیه.برای خوابیدن یک هدیه.برای قرآن خواندن هدیه بزرگتر.برای نماز خواندن هم یک هدیه.برای صله رحم وعیادت مریض وشرکت در مجلس علم وشرکت در کارهای خیر هرکدام هدایای جداگانه داده می شود.

متاسفانه عده زیادی از رعیت ها بخاطر غفلت وجهل ونادانی ودشمنی با پادشاه جهان در این مهمانی شرکت نمی کنند واز این هدایای بزرگ وابدی بی نصیب می مانند.اکثراینها کسانی هستند که زندگی چند روزه دنیا را بر زندگی ابدی در بهشت واستفاده از هدایای خداوند ،ترجیح می دهند.آنها مانند حیوانات می خورند ومی چرند و از نعمتهای پادشاه جهان استفاده می کنند ولی نمک خورده ونمکدان می شکنند وبا پادشاه عالمیان دشمنی می ورزند واو ونمایندگانش را انکار می کنند وگاه پارا از این فراتر گذاشته ونمایندگان او را اذیت وآزار نموده ومی کشند.در مقابل،پادشاه جهان به عده ای از آنها فرصت می دهد تا قبل از مردن خود را اصلاح کنند ودست از دشمنی با او بردارند وعده ای دیگر را بخاطر اعمال بدشان وبرای عبرت دیگران مجازات می کند.

عده ای از آن دسته ای که خدا به آنها مهلت می دهد بعد از مدتی توبه کرده وبا پادشاه جهان آشتی می کنند وهمه ساله در مهمانی او شرکت می کنند ورعیت خوبی می شوند.ولی عده ای دیگر به لجاجت وانکار خود ادامه داده تا عاقبت با این وضع از دنیا می روند.

با آرزوی اینکه مهمان خوبی برای پادشاه جهان باشیم.

اهمیت ماه رمضان

«یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من‌قبلکم لعلکم تتقون {بقره183}»

یعنی ای مؤمنین!روزه بر شما واجب است همانگونه که بر امّتهای گذشته‌واجب بود شاید پرهیزکار شوید.

«شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدیو الفرقان» {بقره185}

یعنی ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است.قرآن هدایت وبرهان و تمیز حق وباطل است

خداوند با وجوب روزه اراده فرموده تا نفس عبادت کنندگان تربیت‌وتهذیب شود.مسلمانان با روزه گرفتن ،تمرین مبارزه با نفس می‌نمایند.باروزه به جنگ وکشمکش با شهوات ولذات افسار گسیخته می‌روند.

از طرفی برنامه انسان در غیر ماه روزه انسان را به خوردن وخوابیدن‌وسستی وا می‌دارد ولی روزه رمضان این سستی‌ها را از بین می‌برد.
به هنگام روزه نه تنها از خوردن وآشامیدن وامور جنسی خودداری‌می‌شود بلکه اخلاق انسان هم باید روزه بگیرد وخودداراباشد:
«رسول خدا(ص):روزه عامل بازدارنده است پس هرگاه روزه‌گرفتید از امور جنسی خودداراباشید.فریاد وپرخاش نکنید.اگرکسی به شما دشنام داد یا به جنگش برخاست بگوید من‌روزه‌ام.من روزه‌ام.»

امام صادق(ع):خدا روزه را برای ایجاد مساوات بین فقیر وپولدارواجب نمود زیرا پولدار هیچگاه دچار گرسنگی وبی پولی نمی‌شود تا برفقیر رحم کند چون هرموقع گرسنه شود غذا برایش آماده است.پس خدااراده کرد تا بین مخلوقاتش تساوی قرار دهد وپولدارهم مزهٔ گرسنگی ودردرا بچشد.تا بر فقیر وگرسنه رحم کند.

امام رضا(ع):برای این روزه در رمضان واجب شد زیرا این ماه نزول قرآن‌است وشب قدر که افضل از هزار ماه است در این ماه قرار دارد.وبرای این‌یک ماه روزه واجب شده زیرا همه می‌توانند یک ماه را روزه بگیرند.
امام صادق(ع):کسیکه یک روز از ماه رمضان را بخورد روح ایمان از اوخارج می‌گردد.

رمضان به معنای سوختن است زیرا در ماه رمضان گناهان سوزانده‌می‌شوند.

امام ششم:شب نوزدهم شب تقدیر است و شب بیست ویکم شب‌تعیین وشب بیست وسوم شب ختم وامضای امر است

«رسولخدا(ص):روزه بگیرید تا سالم بمانید وزکات بدنها،روزه است.»83
«رسولخدا(ص):برشما باد به روزه گرفتن!زیرا روزه خون رگهارا رقیق می‌کندوزواید بدن را از بین می‌برد.»84
شش صورت درقبر مؤمن!
امام صادق(ع)فرمود:هرگاه بندهٔمؤمنی می میرد،شش صورت به همراه اووارد قبرش می شودکه دارای نورانیت وبوی خوش وپاکیزگی‌هستند!صورتی درسمت راست مرده ودیگری در سمت چپ وسومی‌درمقابل وچهارمی درپشت سر وپنجمی درکنار پایش وآنکه از همه‌زیباتر است دربالای سر اومی ایستند!
آنکه از همه زیباتر است،از دیگران،می پرسد:شماکیستید؟صورت‌سمت راستی،می گوید:من نمازم!سمت چپی می

گوید:من زکاتم ! روبرویی‌می گوید:من روزه ام!پشت سری می گوید:من حج وعمره ام ! آنکه نزدپایش ایستاده است،می گوید:من کارهای خیر توام!
سپس آنها از او که دارای زیباترین صورت است،می پرسند:تو کیستی که از همه زیباتری؟
او جواب می دهد:من ولایت آل محمّد(ص) هستم.

رسول خدا(ص):یکی از اثرات روزهٔ رمضان،امان از گرسنگی وتشنگی قیامت است.
«آیا خبر ندهم شما را از کارهایی که اگر انجام بدهید،شما را از شیطان دورمی‌کند مانند دور شدن مشرق از مغرب؟
گفتند:آری!
فرمود:روزه روی شیطان را سیاه می‌کند و دادن صدقه پشت او را میشکند ودوستی در راه خدا و مواظبت بر عمل صالح ،ریشهٔ او را قطع می‌نمایدواستغفار رگ حیات او را می‌بُرد!»
در قرآن نشانه های مومنین این چنین ذکر شده است:
«همانا مردان مسلمان وزنان مسلمان،مردان عابد وزنان عابده،مردان‌راستگو وزنان راستگو،مردان صبور وزنان صبور،مردان خاشع وزنان‌خاشعه،مردان صدقه دهنده وزنان صدقه دهنده،مردان روزه دار وزنان روزه‌دار،مردان حفظ کنندهٔ اندامهای خود از حرام وزنان حفظ کننده، مردان‌بسیارذکر گوینده وزنان ذکر گوینده،خداوند برای آنان آمرزش وپاداش‌عظیمی آماده نموده است.»
ایثار در سه روز
«فاطمه(س)وحسن(ع) وحسین(ع) وفضه سه روز روزه نذری داشتند. روزاول فاطمه(س)تعدادی نان تهیه کرد.امّا موقع افطار ناگاه مسکینی درخانه رابصدا درآورد وتقاضای غذا نمود.اهل خانه همه افطاری خودرا به او دادندوخود با آب افطار کردند وبرای روز بعد روزه گرفتند.روز دوم بازفاطمه(س)مقداری نان تهیه کردامّا موقع افطار یتیمی درخانه را بصدا درآوردتقاضای غذا نمود.اهل خانه مجدداً نانهای خودرا به او دادند وبا آب‌افطار نمودند.روز سوم نیزفاطمه(س)مقداری نان تهیه کرد.ولی موقع افطاراسیری درخانه اهلبیت(ع)را بصدا درآورد وتقاضای غذا نمود.اهل خانه‌غذای خودرا به او دادند وخود با آب افطار نمودند.روز چهارم وقتی پیامبربدیدار آنها آمد ومشاهده کرد که رنگ برصورن حسن وحسین نمانده واهل‌خانه دچار ضعف شدند، دستهارا بدها برداشت.ناگاه آیات سوره هل اتی‌نازل شد وخدا از ایثار آنان تعریف نمود:
«ودر راه محبت الهی به مسکین ویتیم واسیر غذا می‌دهند.»انسان
(هل اتی)8

طلیعهٔ سحر

پرید رنگ شب از روی آسمان سحر
شکفته شد گل خورشید در دهان سحر
گشود روزن روز و زبام شب برچید
چو دانه دانهٔ تسبیح اختران سحر
در انتهای شب این کاروان آواره
دوباره کوچ گرفتند از مکان سحر
سکوت خلوت محراب پُر ز غلغله شد
ز بانگ مرغ سحرخوان و از اذان سحر
ز روی بام وز گلدسته‌ها فراز آید
صدای بانگ مؤذن ترانه خوان سحر
سروش عالم وحی است یا صدای خدا
ویا سرود ثنای فرشتگان سحر
به شب دعا و مناجات بندهٔ مسکین
سر خلوص و عبادت به آستان سحر
بیا بهمرهی عاشقان و شب زدگان
که تا براه نمانی ز کاروان سحر
حدیث توبه بخوان در صحیفه های دعا
بانتظار اجابت ز بیکران سحر
خروسخوان شده برخیز وبا فریضهٔ صبح

خدای را به زبان آر در زمان سحر
کلام دلکش قرآن بخوان بصوت زبور
بآیتی که بپیچد در آسمان سحر
طلیعه زد به افق آفتاب و روز رسید
بگیر روزه وبر چین بساط خوان سحر
سپیده جلوه نور خداست وقت پگاه
گل شکفتهٔ ایمان ببوستان سحر
«مریم ساوجی»

دانش اندوزی در آموزه های دینی

1-

ارزش دانش آنچنان مهم است که خالق به قلم ومرکب قسم خورده‌است«ن.والقلم ومایسطرون»
درمیان نوع بشر،هیچگاه بین دانشمند با بی دانش مساوات نیست واین‌مورد قبول همهٔ انسانها می باشد.لذا خدا درقرآن از مخاطبین قرآن می‌پرسد که:
«آیا آنانکه می دانند با آنانکه نمی دانند یکسانند؟»«زمر9»
مَثل بیسوادان وبی دانشان را به کور زده‌اند.با چراغ علم می توان‌تاریکیهارا کنارزد ودر راه درست قدم زد.به درجات بالا رسید وخودودیگران را به سعادت رساند.

افراد بی دانش زود گول می خورند وسریعتر بدام صیادان صیدکنندۀانسانهای جاهل می افتند.

هدف اصلی انبیاء دو چیز بوده است:تزکیۀ انسانهاوآموختن کتاب‌وحکمت‌به آنان.

ملتهایی که بدنبال علم ودانش باشند،سربلند ورستگار وعزیز وجلوداورومرفه و...هستند.

خصوصیات علم از نظر اسلام

1- آموختن دانش بر هر مرد وزنی واجب است.

2-آموختن از گهواره شروع شده وتا مردن ادامه دارد.

3-بدنبال علم رفتن ،محدود به سرزمین خاصی نیست وحتی اگر لازم‌شد تا سرزمینهای دوردست باید رفت.

4-میتوان دانش را از غیر مسلمان فرا گرفت.

5-برای کسب دانش اگر لازم شد بهای سنگینی داده شود،باید داد.که‌پیامبر فرمود:اگر می دانستید در دانش چه فوائدی است بدنبالش می‌رفتید اگرچه با ریختن خون خودویافرورفتن در دریاهاهمراه بود.

شاعره ایرانی پروین اعتصامی می گوید:

ای خوشا خاطر زنورعلم مشحون داشتن‌تیرگی هارا ازاین اقلیم بیرون داشتن

همچوموسی بودن از نور تجلی تابناک‌گفتگوها باخدا درکوه وهامون داشتن

پاک کردن خویش را از آلودگیهای زمین‌خانه چون خورشید دراقطار گردون داشتن

بی حضور کیمیا از هر مسی،زرساختن‌بی وجود گوهر وزر،گنج قارون داشتن

یکساعت تعلیم افضل از عبادت هزارشب

«یکروز ابوذر از رسولخدا(ص)پرسید که تشییع جنازه عابد بهتر است یانشستن در مجلس علم؟

آن حضرت فرمود:ای اباذر!یکساعت نشستن در مجلس علم در نزد خدابهتر از تشییع هزار شهید است.وساعتی نشستن برای مذاکرۀ علمی ازعبادت هزار شب که در هرشبی هزار رکعت نماز بخوانی،افضل‌است.»«مناهج الشارعین»

امیرمؤمنان(ع):

«علم چراغ عقل است»«علم بهترین راهنماست»«علم زینت ثروتمندانوزیبائی فقیران است»«علم شخص گمنام را بالا می‌برد وترک علم‌شخص بلندمرتبه را پائین می‌آورد.»«گنجی سودمندتر از علم‌نیست»«کسیکه لباسش علم باشد،عیبش از مردم مخفی می‌ماند»«کسیکه با علم همراه باشد دچار وحشت تنهائی نمی‌شود»«علم‌زندگانی است»«علم هفت امتیاز برثروت دارد:1-علم میراث‌پیامبران وثروت میراث فرعونهاست 2-با استفادهٔ از علم،علم کم‌نمی‌شود ولی با استفاده از ثروت،مال کم می‌گردد. 3-ثروت نیاز به‌نگهبان دارد ولی علم از صاحبش محافظت می‌کند 4-علم حتی بعد ازمردن هم همراه انسان است ولی ثروت در هنگام مردن از صاحبش جدامی‌شود.5-ثروت هم برای مؤمن وهم کافر حاصل می‌شود ولی علم(حقیقی والهی)فقط برای مؤمن حاصل می‌شود.6-همهٔ مردم در اموردینشان به عالم نیازمندند ولی همه به ثروتمندان نیازمند نیستند.7-علم‌کمک کار انسان در گذشتن از پل صراط است ولی ثروت مانع از گذشتن‌از پل صراط می‌شود.»«علم بیاموزید که آموختن علم،ثواب وزحمت‌برای علم،تسبیح وبحث علمی جهاد وآموختن علم به جاهل صدقه‌است»«میزان الحکمهٔ»

بنظر بعضی از علماء،علم علت اصلی خلقت جهان می‌باشد که خدافرموده است:

خدا آسمانهای هفتگانه وهرکه در زمین است را خلق کرد تا بدانید که‌خدا بر هر چیزی قادر است وعلمش بر هر چیزی احاطه‌دارد.«طلاق12»

به قسمتی از سخنان بزرگان دین در بارهٔ جایگاه ارزشمند عالم اشاره‌می‌نمائیم:

رسولخدا(ص):«از جبرئیل پرسیدم که کدام جهاد برای امتم بهتراست؟گفت:رفتن به دنبال علم .گفتم:وبعد از آن؟گفت:نگاه کردن به‌عالم!گفتم:بعد از آن؟گفت:دیدار عالم.»«دو رکعت نماز عالم برتر از هزاررکعت نماز جاهل است»«روزقیامت به عابد گفته می‌شود:داخل بهشت‌شو.ولی به عالم گفته می‌شود:بایست واز هرکه می‌خواهی شفاعت‌نما.»«قسم به خدایی که جان محمد در دست اوست!وجود یکنفر عالم‌از هزار عابد برای شیطان سخت تراست.زیرا عابد خودش را نجات‌می‌دهد ولی عالم دیگران راهم نجات می‌دهد.»«خواب عالم از عبادت‌جاهل برتر است»«در قیامت ثوابهائی باندازه کوههابه شخصی‌می‌دهند.او می‌گوید:خدایا!من اینهارا انجام نداده‌ام؟خدا می‌فرماید:این‌علم توست که به مردم یاد دادی وبعد از تو به آن عمل کردند.»«بدرستیکه خدا وملائکه وحتی مورچه‌ها وماهیان دریا برکسیکه علم‌خوب به مردم یاد می دهد،رحمت وصلوات می‌فرستند»«میزان‌الحکمهٔ»

«هر مؤمنی که نزد عالم می‌رود ومی ماند،خداوند عزّ وجلّ ندامی‌کند:نزد حبیبم نشستی.به عزت وجلالم سوگند که تورا با او دربهشت ساکن کنم واهمیتی به کارهای دیگر نمی‌دهم.»«بحارج1ص198»

بازهم ارزش علم از نظر آخرین پیامبر

«علم،راه بهشت است»«برای هرقدمِ طالب علم،ثواب یکسال عبادت‌را می‌نویسند»«یک بابِ علمی که طالب علم یاد بگیرد ازدادن طلا بوزن‌کوه ابوقبیس در راه خدابرتراست»«کسیکه بیاموزد وعمل کند وبرای‌خدا کسب دانش نماید،درملکوت آسمانها ،عظیم خوانده می‌شود»«نگاه کردن به درخانهٔ عالم عبادت است»«عبور عالم از کنار قبرستان‌باعث می‌شود که تا چهل شبانه روز عذاب از اهل آن قبرستان برداشته‌شود»«عالمترین افراد، شخصی است که علم دیگران را به علم خوداضافه نماید وارزش فردی که علمش بیشتر باشد،زیادتر وارزش کسیکه‌علمش کمتر است،پائین‌تر می‌باشد» «بحارج1ص163»

همانطور که علم از جایگاه مهمی در اسلام برخورداراست،عالم‌ودانشمند هم دارای ارزش غیر قابل تصوری است.تا آنجا که خدامی‌فرماید:«فقط علماء از خدا خوف وخشیت دارند»«فاطر28 »

***

2-تمدن اسلامی

توصیه ها و تشویقهای مؤکدی که اسلام در توجه به علم وعلما می‌کرد از عوامل اصلی آشنائی مسلمین با فرهنگ ودانش انسانی بود.که باعث شد تمدن اسلامی بوجود بیاید وبمدت حداقل پنج قرن از قرن دوم تا قرن ششم ،دانشمندان مسلمان وتمدن اسلامی قافله سالار تمدن بشری و پایه گذار رنسانس علمی اروپا وتمدن فعلی گردد.

آقای دکتر عبدالحسن زرین کوب در این مورد می گوید:{ پیغمبرخود نیز در عمل مسلمین را به آموختن تشویق بسیار می‌کرد.چنانکه‌بعد از جنگ بدر هر کس از اسیران که فدیه نمی‌توانست‌بپردازد درصورتیکه به ده تن از اطفال مدینه خط و سواد می‌آموخت آزادی می‌یافت. همچنین به تشویق وی بود که زید بن ثابت زبان عبری یا سریانی-یا هر دو زبان-را فراگرفت [1]اسد الغابة،222/2

[1] و این تشویق و ترغیب سبب می‌شد که‌صحابه به جستجوی علم روی آورند چنانکه عبد الله بن عباس بنابر مشهوربه کتب تورات و انجیل آشنائی پیدا کرد و عبد الله بن عمرو بن عاص‌نیز به تورات،و به قولی نیز به زبان سریانی،وقوف پیدا کرده بود.این‌تاکید و تشویق پیغمبر،هم علاقه مسلمین را به علم افزود و هم علماء واهل علم را در نظر آنان بزرگ کرد،درست است که آن علم مورد توصیه‌در اوایل عبارت بود از معرفت قرآن و دین،اما بعدها تمام علوم دیگربسبب ضرورتی که گهگاه در فهم و تفسیر قرآن و آداب و مناسک دینی‌داشتند مورد توجه مسلمین واقع شد و مخصوصا علم ابدان-طب ومتفرعات و

مقدمات آن-نیز محل توجه خاص مسلمین گردید.بهر حال، تدریجا علوم بر حسب فایده‌یی که از آنها حاصل می‌شد نزد مسلمین‌مطلوب بود یا نامطلوب. چنانکه علم نجوم اگر مذموم تلقی می‌شد نه ازجهت محاسبات نجومی بود-که در قرآن کریم اشارتها هست‌به اینکه مسیرشمس و قمر حساب دارد-آنچه در نجوم مذموم شمرده می‌شد عبارت‌بود از احکام نجوم که لغو بود و مایه اتلاف عمر.از قول عمر بن خطاب‌بعدها این سخن نقل شد که گفته بود از نجوم چیزی را بیاموزید که شمارا در بر و بحر هدایت کند و از هر آنچه جز آنست دست‌بدارید.[20] این کلام منسوب به خلیفه دوم نشان می‌دهد که در صدر اسلام از علم هرآنچه بیضرر بود یا نفعی داشت مطلوب شناخته می‌شد.آنچه نامطلوب‌بود علمی بود که زیان داشت،مثل سحر و طلسمات،یا مایه اتلاف عمربشمار می‌آمد،مثل نجوم. حتی در تفسیر قول پیغمبر که علم را بر هرمسلم فریضه شناخته بود بعدها بحث پیش آمد از فرض کفایه و غیرکفایه.چنانکه علم طب چون در بقاء نفس،و حساب چون در معاملات‌و مواریث مورد حاجت‌بود فرض کفایه شناخته شدند-بخلاف عقاید و احکام که غیر کفایه بود.

تدریجا هر علم که در قوام امور دنیا از آن گزیری نبود آموختنش‌فرض کفایه بشمار می‌آمد چنانکه صناعات هم بسبب آنکه نبودنشان موجب‌نقصان و تزلزل در امر زندگی است،جزو فرض کفایه بود.همچنین علم به مبادی نظری عقاید-که سبب دفع شکوک و شبهات از قرآن وموجب دفاع از دین باشد-فرض کفایه اگر محسوب نمی‌شد لا اقل‌فضیلتی مهم بود و بدینگونه کلام،و به دنبال آن فلسفه نیز، تحت عنوان‌حکمت در نزد مسلمین وارد قلمرو علوم محموده گشت و با این مقدمات هرچند تندرویهای بعضی فلاسفه عکس العمل یافت،علم معقول نیز-ورای نجوم و حساب و طب-نزد مسلمین به عنوان یک رشته مطلوب ازفعالیت عقلی مورد توجه واقع گشت.به این ترتیب پایه اصلی علم و تمدن‌اسلامی در خود اسلام بود و در محیط مساعد و توصیه و تشویقی که‌اسلام برای آن داشت} {کارنامه اسلام –عبدالحسین زرین کوب}

دکتر ویل دورانت نویسنده تاریخ تمدن می نویسد: {اسلام طی پنج قرن از سال 81تا597قمری {700تا1200میلادی}از لحاظ نیرو،نظم،بسط قلمرو حکومت،تصفیه اخلاف ورفتار،سطح زندگانی،وضع قوانین منصفانه انسانی وتساهل دینی،ادبیات،دانشوری،علم،طب وفلسفه،پیشاهنگ جهان بود.}

آری اسلام چون دین دنیا وآخرت است وفقط به آخرت توجه ندارد ،برای سعادت دنیوی بشریت برنامه جامع وکاملی دارد که فقط یک چشمه آن را ما در

دوران تمدن اسلامی می بینیم.

خانم دکتر هونگه آلمانی درکتاب فرهنگ اسلام دراروپا می نویسد: {تمدن اسلامی که بوسیله مسلمین شروع شد نه تنها ارثیه یونان را از انهدام و فراموشی نجات داد و آن را اسلوب و نظم بخشید و به اروپا داد بلکه آنان پایه گذار شیمی آزمایشی،فیزیک،جبرعلم حساب بمفهوم امروزی و مثلثات فضایی،زمین شناسی و جامعه شناسی هستند.}

دانشمندان مسلمان چون تواضع داشتند وقتی چیزی را اختراع می نمودند فریاد نمی زدند وبه همه جا اعلام نمی کردند واین باعث شد که بسیاری از اختراعات مسلمانان به نام دانشمندان غربی ثبت شود.

خانم دکتر هونگه آلمانی درکتاب فرهنگ اسلام دراروپا دراین باره می نویسد: {تمدن اسلامی تعداد زیادی کشفیات گرانبها و اختراعات واختراعات در همه بخشهای علم تجربی که اکثر آنها را بعدها،نویسندگان اروپائی دزدانه به حساب خودشان گذاشته اند به مغرب زمین هدیه کرده است}

دانشمندان مسلمان مخترع بسیاری از ادوات مکانیکی و مکتشف بسیاری از مواد شیمیائی هستند.

در این رابطه دکتر گوستاو لوبون فرانسوی نویسنده کتاب تمدن اسلام وعرب می نویسد:مسلمانان بودند که آلات دقیق مکانیک را اختراع کردند.وهم آنها بودند که مهمترین ترکیبات شیمیائی مانند الکل و اسید ازنتیک و اسید سولفوریک را کشف کردند و آنها بودند که لازم ترین کارها را دراین باره انجام دادند مانند عمل تقطیر وغیره.وآنها بودند که از علم شیمی در راه داروسازی و صنعت به خصوص استخراج معادن وساختن فولاد و چرمسازی و غیره استفاده کردند وآنها بودند که باروت و سلاحهای گرم جنگی را اختراع کردند واز پارچه کهنه ،کاغذ ساختند.}

علت دوران تمدن اسلامی که مسلمانان حرف اول را در علم ودانش در دنیا می زدند،این بودکه مسلمانان واقعا به دستورات انسان ساز دین درباره علم ودانش اهمیت وبها دادند لذابه آن درجه از افتخار وپیشرف رسیدند.واگر حمله مغول ها ووجود پادشاهان بی لیاقت نبود این تمدن ادامه می یافت.

***

3-تحولات علمی در سالهای اخیر در علوم

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ،بار دیگر ایرانیان مسلمان فرصت پیدا کردند تا با جنبش نرم افزاری وانقلاب علمی،تمدن اسلامی را احیا نمایند. لذا می بینیم که باوجود کمبود امکانات ومشکلات بزرگی که سر راه انقلاب اسلامی پدید آمد با دستاوردهای بزرگی در صحنه های علمی مواجه بودیم وروزی نیست که خبر از اختراع واکتشاف جدیدی توسط دانشمندان جوان کشورمان نشنویم.ولی این کافی نیست ودرجهانی که تمدن غربی حداقل پنجاه سال از ما جلوتر بوده،باید نسل جوان ودانش پژوهان ودانش آموزان ،کمر

همت ببندند وبا عمل به دستور قرآن وپیامبر وائمه ومخصوصا عمل به توصیه های مقام معظم رهبری در رابطه با جنبش نرم افزاری،بتوانند گامهای سریعتری بردارند وبه دنیا ثابت کنند که دین اسلام با همراهی نژاد ایرانی چگونه قله های علوم را یکی پس از دیگری فتح می کند واعجاب جهانیان را برمی انگیزاند.

***

4-جایگاه کتاب در ایران اسلامی

اگر در باره عوامل موفقیت دانشمندان اسلام در دوران تمدن اسلامی بررسی کنیم می بینیم که یکی از عوامل مهم پیدایش تمدن اسلامی،توجه به کتاب وکتابخوانی بوده است. کتابخانه های عظیمی که در این دوران وجود داشته نشان از اهمیت کتاب دارد.
دکتر عبدالحین زرین کوب در کتاب کارنامه اسلام می نویسد:

بیت الحکمه مامون کتابخانه‌یی معتبر داشت مشحون از کتب گوناگون به‌السنه مختلف. کتابخانه عضد الدوله دیلمی در شیراز چنان عظیم بود که‌مقدسی می‌پنداشت هیچ کتابی در انواع علوم تالیف نشده است الا که‌نسخه‌یی از آن در آنجا هست.کتب این کتابخانه بر حسب انواع علوم‌در حجره‌های جداگانه قرار داشت.نظیر همین وصف درباره کتابخانه‌سامانیان هم صادق بود که ابن سینا مدتها در آن به مطالعه واستنساخ کتب اشتغال داشت.کتابخانه شخصی صاحب بن عباد وزیرفخرالدوله دیلمی که می‌گویند چهار صد شتر برای حمل آنها لازم بود معروف‌است و قسمتی از آن در غلبه سلطان محمود غزنوی بر ری تباه شد.

سابور بن اردشیر،وزیر بهاء الدوله دیلمی،کتابخانه‌یی در کرخ بغدادساخت که در آن ده‌ها هزار جلد کتاب بود به خط ائمه مشهور و معتبر.درشام و مصر هم از کتابخانه‌های متعدد یاد شده است.در کتابخانه‌یی‌که یعقوب بن کلس وزیر العزیز بالله ثانی درست کردگاه ده‌ها و صدهانسخه مکرر از یک کتاب وجود داشت.در زمان«الحاکم»کتابخانه‌فاطمیان مصر صد هزار کتاب داشت و این تعداد در زمان مستنصر فاطمی‌به دویست هزار رسید و این کتاب‌ها به اهل علم عاریه هم داده می‌شد.دراندلس حراجهایی که برای کتاب تشکیل می‌شد محل معارضه شوق‌بود با ثروت و تفنن.در قرطبه خلیفه اموی اندلس حکم دوم کتابخانه‌عظیمی تاسیس کرد که می‌گویند در حدود چهار صد هزار جلد کتاب داشت‌و تنها فهرست آن بالغ بر چهل و چهار مجلد می‌شد.حکم دوم برای‌بدست آوردن کتاب و جلب مؤلفین،نمایندگانی از اندلس به بغداد و شام‌می‌فرستاد.در غرناطه در عصر امویها،هفتاد کتابخانه عمومی وجودداشت در

صورتیکه حتی چهار صد سال بعد از این تاریخ شارل عاقل که‌خواست کتابخانه‌یی درست کند بعد از سالها سعی کتابهایش به هزار جلدهم نرسید و ثلث آن نیز ادعیه و اوراد راهبان و کشیشان بود.کتابخانه‌سلطان مراکش که می‌گویند هنگام عزیمت از اندلس آن را در یک‌کشتی به مقصد فرستاد و در راه بدست دزدان دریایی افتاد بالغ برسیصد چهار صد هزار کتاب بود و همین کتابها بود که به دست فیلیپ سوم‌پادشاه اسپانیا افتاد و هسته اصلی کتابخانه معروف اسکوریال شدتنهاکتاب الفهرست ابن الندیم که یک وراق شیعی یا معتزلی بغداد بوده است‌در قرن چهارم کافی است تا نشان دهد در آن دوره از انواع علوم وفنون چه مایه کتابها در نزد مسلمین وجود داشته.انواع دائرۀ المعارف‌از امثال مفاتیح العلوم خوارزمی و جامع العلوم فخر رازی گرفته تا نفایس الفنون‌آملی و کشاف اصطلاحات تهانوی-که در عالم اسلامی تالیف شد از فسحت‌دایره کنجکاوی مسلمین حکایت دارد و از تنوع و وفور مواد کتابخانه‌ها.

در حقیقت،مسلمین مؤسسین واقعی کتابخانه‌های عظیم عمومی در عالم‌بوده‌اند و نیکوکارانشان در تاسیس و وقف کردن کتابخانه‌های عام المنفعه‌مکرر با یکدیگر رقابت می‌کرده‌اند}

در زمان ما اگر در همه شهرها حداقل یک یا دوکتابخانه وجود دارد ولی اولا اینها کافی نیست وباید کتابفروشی ها وکتابخانه های بزرگی در شهرو روستاها ساخته وفراهم شود واز طرفی فرهنگ کتابخوانی چنان ترویج وجابیافتد که کتابخانه ها در اوقات کاری خود مواجه با سیل کتابخوانان باشند.

درحالی که الان افرادی که به کتابخانهها مراجعه می کنند اکثرا برای مطالعه کتب درسی ودانشگاهی مراجعه می نمایند وکمتر برای مطالعه کتب کتابخانه می روند.

همچنین سقف مطالعه ئرمیان خوانواده های ایرانی بسیار پایین است وگاه هفته ها می گذرد واعضای خانواده لای کتاب را باز نمی کنند درحالی که از نظر اسلام ،مطالعه کتب مفیدعبادت محسوب می شود واین را می توان از لابلای احادیث مختلفی که بزرگان دین درباره اهمیت علم بیان کرده اند استنباط نمود.به امید روزی که بالاترین درجه کتابخوانی ربوط به مردم ماباشد همانطور که بالاترین درجه پاکدامنی،آزادگی،ایمان و ولایت به مردم ایران تعلق دارد.

جهاد با نفس

خداوند وقتی انسان را خلق کرد برای تکامل او ،دونیرو در او به امانت گذاشت یکی عقل ودیگری هوای نفس.

عقل پیامبر باطنی و دوست دار سعادت انسان بوده وبشر را به کارهای خوب ودرست و کارهای موافق فطرت وحق ارشاد می کند.
ولی نفس در نقطه مقابل عقل است و دشمن انسان وبدهواه بشر بوده وآدمی را به کارهای زشت ومخالف فطرت و موافق باطل،دعوت می کند.
لذا خداوند فرمود:آنکه از خدا ترسید وبا نفسش مخالفت کرد ،بهشت گوارایش باد. {نازعات40}

ارزش جهاد با نفس:

در روایت است که چون عده ای از مسلمین از جنگ سختی با پیروزی برگشتند پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) به استقبال آنان بیرونه رفته بود پس زمانیکه حضرت با آنان ملاقات نمود فرمود:

مرحبا به قومی که از جهاد اصغر و کوچک برگشتند.

آنان که متعجب شده بودند سؤال کردند یا رسول الله (صلی الله علیه وآله) اگر این جنگ با این شدت و سختی جهاد کوچکتر بوده جهاد بزرگتر کدام است فرمود:

جهد اکبر مبارزه با نفس اماره و وسوسه های شیطان است که اگر در این وادی پیروز شود جهاد بزرگتر را انجام داده است

اگر کسی سؤال کند چرا خدا وند سبحان ،هوای نفس را در انسان قرار داد که باعث بدبختی او شود؟

جواب می دهیم که اگر خداوند سبحان همه را مؤمن خلق می کرد ،دیگربهشت وجهنم و پاداش و مجازات معنایی نداشت.مانند فرشتگان که عقل خالص هستند ودرآنها هوای نفس وجود ندارد لذا برای آنها بهشت وجهنم معنی ندارد.

اما ادمی دارای عقل و هوای نفس باهم بوده تا اگر بتواند با نفسش مقابله کند واز عقلش اطاعت کند،شایستگی بهشت را پیدا می کند.

اما نفس از انسان چه می خواهد؟نفس از انسان لذات نامشروع می خواهد.شهوات حرام طلب می کند.گاه چشم به ناموس دیگران دارد.گاهی بدنبال بدست آوردن ثروت دیگران است.گاهی میل به ریاست دارد وبرای رسیدن به آن انواع کارهای زشت وجنایتها مرتکب می شود.گاهی برای زندگی دنیوی و خانه گرانقیمت و وسایل شیک،حلال خدا را رها کرده وبه قاچاق ودزدی و رشوه خواری وکلاهبرداری و اختلاس و خیانت در بیت المال و زمین خواری و امثال آن روی می آورد.

مامورین هوای نفس درشهوترانی ،چشمها هستند.گوش ودهان می باشند.دست وپاها هستند.دلها از همه حساس تر.

پیروی از هوای نفس ،انواع بیماریها را برای انسان به ارمغان می آورد.بیماری حرص وطمع.بیماری تملق وریاکاری ونفاق.بیماری شکم پرستی.بیماری شهوترانی.پول پرستی.

و...

شهوت پرستی

هوای نفس گاه انسان را شهوت پرست می کند که معلوم نیست چه عاقبتی پیدا کند؟

پیامبراعظم ص فرمود:بیشترین عامل جهنمی شدن امت من دوچیز است:شکم پرستی وشهوت پرستی.

مرحوم فیض در محجه البضاء می نویسد:بزرگترین عامل هلاکت و انحراف انسان،شهوت پرستی است.

خداوند سبحان غریزه جنسی را در انسانها برای حفظ نسل بشر و برای امتحان قرارداده است.

وقتی انسان به بلوغ جنسی رسید ونیاز به سیرکردن آن پیدا کرد باید از راه دینی ودرچارچوب دین الهی ،ازدواج کند.

درطول تاریخ ازدواج همیشه مورد ستایش ومورد حمایت نوع بشر بوده‌وبر عکس زنا زشت و مورد بغض ودشمنی بشر بوده است.

در بعضی از قبایل واقوام ،ازدواج آن چنان مقدس ومهم بوده است که‌گاه این مراسم روزهای متوالی ادامه پیدا می‌کرده وتمام فامیل واقوام‌عروس وداماد در مراسم شرکت می‌کرده‌اند وهزینه‌های کلانی خرج این‌مراسم می‌شده است‌ودر بسیاری از کشورها،این مراسم ،مهمترین حادثه درطول زندگی هر مرد وزنی بشمار می‌رفته ومی رود.

ازدواج چون عامل بقاء نسل آدمی است،محبوب ومورد حمایت همه‌اقوام بشر بوده وبرعکس زنا چون باعث قطع نسل واز بین رفتن توالدوتناسل صحیح واز بین رفتن نسب ها وخانواده‌ها و پیدا شدن انواع مرضهاومفاسد می‌شود،مورد بغض همه اقوام بشر بوده است.

در ادیان الهی هم ازدواج جایگاه خاصی داشته ومورد تکریم وسفارش‌بوده و،تمامی ادیان ازدواج را خوب وعمل زنا را زشت وبدومبغوض دانسته‌اند.

در تورات واناجیل و قرآن کریم ،بارها وبارها به زشت بودن عمل زنااشاره شده است.

پیامبرخداص فرمود:

«در اسلام محبوبترین بناء در نزد خداوند،بنای ازدواج است»

و فرمود:

«ازدواج سنّت من است و هر که ازدواج نکند از من نیست.»

در اسلام ازدواج به این صورت است هنگامی که دختر وپسری با شرایط دین اسلام ،ازدواج کردند وسر سفره عروسی نشستند طبق روایتی از امام رضاع از این سفره بوی بهشت بمشام می رسد وثواب نمازشان هفتاد برابر می شود وشیطان از ناراحتی وعصبانیت به ناله ونعره می افتد وفرزندانی که بدنیا می آورند حلال زاده ومبارک ودارای احترام یک فرد مسلمان می باشند.

این دردنیاست ودر آخرت هم پاداش آنها بهشت ورضوان الهی است.

اما اگر این دختر وپسر بدون رعایت مقررات دینی،باهم ارتباط جنسی برقرار کنند،مورد غضب الهی قرار گرفته وشیطان با آنها هم نشین شده و اگر فرزندی متولد شود حرام زاده

است ودر دنیا خوار وذلیل وبدبخت شده و هنگام مرگ اگر بدون توبه از دنیا بروند به عذاب الهی دچار می شوند
:«ولایزنون و من یفعل ذلک یلق اثاما- یضاعف له العذاب یوم القیامۀ و یخلد فیه مهانا الاّ من تاب و آمن و عمل عملاً صالحاً»فرقان 68
یعنی زنا نمی کنند که هرکه بکند،گناه کرده ودر قیامت عذابش دوچندان‌شده وبصورت خوار وذلیل،ابدی در جهنم می‌شود مگر کسانی که توبه‌کرده وعمل صالح انجام دهند.»
و در روایت است

پیغمبراکرم‌ص به امیرمؤمنان علی‌ع فرمود:
«زنا دارای سه اثر بد دنیوی و سه اثر بد اخروی است. اثرات دنیوی زنا:رسواشدن، کوتاهی عمر و قطع روزی (روزی حلال) و اثرات اخروی:سختی حساب، خشم خداوند و ابدی بودن در جهنم است».
.شهوت انسان با یک همسر،برطرف می شود ومرد می تواند به شرط رعایت عدالت وداشتن توانائی مالی،همس بیشتری اختیار کند.
زمانی انسان دچار شهوت پرستی می شود که شهوت را هدف قرار داده ودر شهوت افراط کند وچشمش به افرادی غیر از همسر خود باشد. دراین صورت مجبور می شود برای رسیدن به مقاصد شوم خود،دست به هرکاری بزند.آدم بکشد!کلاهبرداری کند.با پدر ومادر وخانواده خود قطع رابطه نماید.پولهای زیادی خرج کند.و عمر گرانبهای خود را صرف شهوترانی کند وعاقبت با اعدام وزندانی شذن وجرم وجنایت مواجه شود.
اشاره کنیم به کارهای افراد وباندهای شهوتران که اخبار آنها را در روزنامه ها ومجلات می خوانیم.از جمله اعضای باند شب پره که به زنان ودختران تهرانی تجاوز می نمودند.یا پسری که برای رسیدن به به دختر مورد علاقه اش،مادرش را که مانع بود کشت وقرار بود پدرش راهم بکشد!یا باندمحله 100متری مشهد که به 14فقره تجاوز به زنان اعتراف نمودند.یا مردافغانی که 5زن را مورد تجاوز قرار داده سپس آنهارا کشته بود دستگیرشد!
البته در طول تاریخ شهوترانی باعث جنایات هولناکی شده از جمله پادشاه روم برای رسیدن به ازدواج با دختر همسرش،سر حضرت یحیی را برید!ابن ملجم برای رسیدن به عشق قطام،فرق مولا علی ع را شکافت!و...
علی ع:از شهوات سرکش بپرهیزید که شمارا به ارتکاب انواع گناهان می کشاند.
آری شهوت پرستی،دین انسان را برباد می دهد.عقل را فاسد می کند.آبروی انسان را می برد.وآدمی را بدبخت می کند.واین نتیجه اطاعت از هوای نفس است.
از عوامل کنترل شهوت پرستی،دوری از اختلاط با نامحرم،کنترل چشمها چه نگاه کردن به نامحرم وچه نگاه کردن به فیلمهای جنسی ،دوری از ارتباط با افراد فاسد الاخلاق،ارتباط معنوی بوسیله نماز وذکر ودعا وتلاوت قرآن کریم می باشد.
اگر آدمی از عقلش اطاعت کند وتقوا پیشه نماید با ازدواج درست،شهوت خود را کنترل کرده وبه زندگی با آرامش وعزت دست می یابد.

عاقبت بد اطاعت از هوای نفس

آورده اند در زمان قدیم در سرزمینی عابدی زندگی می کرد که به عنوان زاهد و عابد و دائم الصلاه میان مردم مشهور بود ولی باطنش با ظاهرش فرق داشت تا اینکه یکی از تجار آن سرزمین عازم مسافرت شد چون تنها یک دختر داشت و کسی را در آن شهر نداشت که دختر را با اطمینان خاطر نزد او بگذارد لذا به فکرش رسید که جون عابد در فکر عبادت خداست لذا بهترین جایی است که می تواند دختر را یزد او بگذارد.

پس دختر را بنزد عابد گذاشت و به مسافرت رفت دختر نزد عابد بود تا اینکه چشم عابد به صورت دختر افتاد و از جمال او دچار وسوسه شیطان شده و بالاخره فریب خورد و با او عمل نامشروع را انجام داد و بعد از مدتی با خود گفت اگر تاجر این ماجرا را بفهمد تمام مردم شهر را خبر کرده و آبروی من خواهد رفت پس با وسوسه شیطان و نفس اماره دختر را کشته و در خارج از عبادتگاه خود جایی پنهانی دفن نمود.

تاجر پس از مراجعت به سراغ دختر خود آمد عابد گفت تو اصلا دختری پیش من نیاوردی پس تاجر به نزد پادشاه شکایت کرده و حاکم دستور داد تا خانه و اطراف خانه عابد را گشتند که پس ا جستجو متوجه جسد دختر شده و به امر قاضی تصمیم گرفته شد که عابد را به دار آویزند. پس از اینکه طناب دار به گردن عابد انداختند شیطان به او گفت اگر می خواهی زنده بمانی کهشاید از این اعمالت توبه کنی باید بگویی من شیطان را می پرستم تا اینکه من تو را نجات بدهم پس عابد بدبخت این جمله را گفت و در همان حال طناب دار را بالا کشیدند و عابد در حالیکه زنا کرده و آدم کشته و مشرک شده بود از دنیا برفت و این همه نتیجه هوی نفس بود.

نتیجه نیک مخالفت با هوای نفس:

حضرت رسول(ص) فرمود: در میان بنی اسرائیل عابدی زیبا و خوش سیما بود زندگی خود را بوسیله درست کردن زنبیل از درخت خرما می گذرانید. روزی از درخانه پادشاه می گذشت کنیز خانم پادشاه او را دیده وارد قصر شد و حکایتی از زیبائی و جمال عابد برای خانم تعریف کرد. خانم گفت بوسیله ای او را داخل قصر کن. همینکه عابد داخل شد چشم همسر سلطان به او افتاد از حسن و جمالش در شگفت شد در خواست نزدیکی کرد. عابد امتناع ورزید. زن دستور داد درهای قصر را ببندند و به او گفت غیر ممکن است باید من از تو کام بگیرم و تو نیز از من بهره بری عابد چون را ه چاره را مسدود دید. پرسید بالای قصر شما محلی نیست که در آن جا وضو بگیرم زن بکنیز گفت ظرف آبی بالای قصر ببر تا هر چه می خواهد انجام بدهد. عابد بر فراز قصر رفت در آنجا با خود گفت ای نفس مدت چندین سال عبادت را که روز و شب مشغول بودی به یک عمل ناچیز می خواهی تباه کنی. اکنون خود را از این بام به زیر انداز. بمیری بهتر از آن است که این کار انجام دهی نزدیک بام رفت دید قصر مرتفعی است و هیچ دست اویزی نیست که خود را به آن بیاویزد تا بزمین برسد . حضرت رسول (ص) فرمود: همینکه خود را آماده انداختن نمود امر بجبرئیل شد که فورا بزمین برد بنده ما از ترس معصیت می خواهد خود را بکشتن دهد. او را ببال خود دریاب تا آزرده نشود عابد را در راه چون پدری مهربان گرفت و بزمین گذاشت. زیبیلهایش در همان قصر ماند زنش پرسید پول زنبیل ها را چه کردی ؟ گفت امروز چیزی عاید نشد گفت امشب را با چه افطار کنیم. جواب داد باید به گرسنگی صبر کنیم ولی تو تنور را بیأفروز تا همسایگان متوجه نشوند ما نان تهیه نکرده

ایم . زیرا ایشان بفکر ما خواهند افتاد . زن تنور را روشن کرده با مرد خود شروع به صحبت نمود.در ین بین یکی از زنان همسایه برای بردن آتش وارد شد. گفت از تنور آتش بگیر . آن زن بمقدار لازم آتش برداشت و در موقع رفتن گفت شما گرم صحبت نشسته اید نانهایتان در تنور نزدیک است بسوزد زن نزدیک تنور آمده دید نان بسیار خوب و مرتبی بر اطراف تنور است. نانها را جدا کرده پیششوهر آورد باو گفت تو در پیش خدا منزلتی داری که برایت نان آماده می شود از خداوند بخواه بقیه عمر ما را از بدبختی و ذلت نجات دهد. عابد گفت صبر همین زندگانی بهتر است.

داستان عفت و گریه امام حسین(ع) در برابر زن کامجو:

ابن شهر آشوب در مناقب می نویسد که در ابواء زنی بادیه نشین خدمت حضرت مجتبی (ع) رسید در آنحال امام حسن (ع) مشغول نماز بود . نماز را کوتاه نمود و فرمود کاری داشتی جوابداد آری پرسیدحاجت تو چیست گفت من زنی بیشوهرم به این مکان وارد شداه ام و مایلم از شما کام بگیرم.

حضرت فرمود: دور شو از من می خواهی مرا با خودت در اتش جهنم بسوزانی . آن زن پیوسته در صدد دل بردن از آنجناب بود.

حضرت شروع به گریه کرد و در این بین می فرمود: دور شو وای بر تو. کم کم گریه آنجناب شدید شد. زن که حال امام مجتی (ع) را مشاهده کرد او هم شروع بگریه نمود امام حسین(ع) وارد شد دید بادرش با این زن هر دو گریه می کنند. سیلاب اشک امام حسن(ع) چنان برادر را تحت تأثیر قرار داد که او هم شروع بگریه کرد.

عده ای از اصحب حضرت آمدند هر کادم آن حال را مشاهده می کرد گریه آنها را می گرفت تا اینکه صدای گریه ایشان بلند شد. زن بادیه نشین خارج گردید. اصحاب نی متفرق شدند. مدتی از ن پیش آمد و گذشت. حسین بن علی (ع) از نظر عظمت و جلالت برادر خویش سبب گریه را نپرسید. نمیه شبی که امام حسن خوابیده بود ناگاه بیدار شده و گریه آغاز نمود. حسین(ع) پرسید چه شده برادر جان فرمود: خوابی دیدم از آن جهت گریه می کنم تفصیل خواب را جویا شد. فرمود تا زنده ام بکسی مگو یوسف صدیق را در خواب دیدم. مردم برا تماشای او جمع شده بودند من هم جلو رفته او را تماشا می کردم همینکه حسن و زیبا ئی اش را دیدم گریه ام گرفت یوسف بسوی من توجه نموده گفت برادرم چرا گریه می کنی پدر و مادرم فدایت باد.گفتم بیاد آوردم جریان تو را با زن عزیز مصر که چه رنج و مشقتی کشیدی بزندان افتادی پیر کهنسال یعقوب د فراق تو چه دید برای آن گریه می کنم و در شگفتم از نیروی تو که چه اندازه خود داری یوسف گفت چرا تعجب نمی کنی از خودت راجع به آن زن بادیه نشین که او رد ابواء با تو مصادف شد. چه حالی پیدا کردی دیدی چگونه اشک ریختی؟

پیامبر(ص) فرمود: کسیکه قدرت پیدا کند بر زنی یا کنیزی پس از ترس خدا او را ترک کند خداوند آتش را بر او حرام می کند و او را از قیامت ایمن کرده وارد بهشت می نماید و اگر حرام مرتکب شود خا بهشت را برای او حرام کرده و او را وارد جهنم می نماید

دست دادن با نامحرم مقدمه جنایت

جلوگیری از لمس اندام نامحرم ودست دادن به یکدیگر یکی از راه های پیشگیری از آلوده شدن به منجلاب شهوت رانی اجتناب از هرگونه لمس اندام نامحرم ودست

دادن به یکدیگر است که در حرمت آن هیچ گونه اختلافی بین علمای اسلام نیست . ابی بصیر عن ابی عبد الله (علیه السلام) . قال قلت له هل یصافح الرجل المرئة لیست بذات محرم ؟ ! فقال (علیه السلام) : لا الا من وراء الثوب ، ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرده اند که : آیا دست دادن مرد به زن نامحرم جایز است ، فرمود جایز نیست مگر از روی لباس. تردیدی نیست که در اثر لمس اندام نامحرم واتحاد حرارت بدن مرد وزن بیگانه ، زمینه برای روحیهء شهوت رانی وروابط نامشروع فراهم می گردد برای اثبات این مدعا به یک نمونه دیگر که خود شاهد آن بوده ام می پردازم : از لمس اندام تا بزرگترین جنایت در سال 1368 شمسی در شهر قم جریان مردی را که سر او را بریده و اندامش را با ضربات کارد شکافته بودند به دادگستری کشیده شد . بعد از پیگیری و بازپرسی مشخص شد که قاتل از بستگان مقتول است وجریان قتل به توطئهء همسر مقتول که رابطهء نامشروع با قاتل داشته عملی شده است . کیفیت قتل به اقرار همسر قاتل به این شکل بوده است : در یکی از شب های زمستان قاتل به منزل پسرعمهء خودش که بعدا مقتول شده می رود . صاحب منزل مهمان را به زیر کرسی خود راهنمایی می کند . در اثنای شب نشینی پای مهمان به پای زن صاحب خانه اصابت کرده ، از همان جا جرقهء شهوت در دل هر دو شعله کشید ورفته رفته منجر به عشق مفرط وبرقرار کردن رابطهء نامشروع وانجام ده ها مرتبه عمل منافی عفت می گردد وچون زن شوهر خود را مزاحم آزادی خود می بیند دوستش را تحریک می کند که او را به قتل برساند . تا این که روزی او را با کارد مخصوصی در کمد منزل جای می دهد ووقتی که شوهرش می آید زود غذای او را می دهد واو را می خواباند که بعدا درب کمد را باز کند وبا کمک وی شوهر را بکشد ، برنامهء مقدماتی انجام می شود شوهر ناگهان صدای سرفه از درون کمد اتاق پذیرایی به گوشش می رسد . درب کمد را باز می کند ناگهان مواجه با پسردایی خود می شود ، در اولین اقدامات دفاعی قاتل او را با ضربات کارد از پا در می آورد وبعد سر او را جدا می کند وبا کمک همسر مقتول اندام خود را می شوید وبا هم از منزل بیرون می روند وروز بعد هنگام صبح ، زن مقتول وارد منزل می شود وفریاد و جنجال به پا می کند که : آه ، دیشب در منزل نبودم دزد وارد خانه ما شده ومقداری اموالمان را برده وشوهرم را کشته است لکن در جریانات بازپرسی حقیقت آن طور که گذشت روشن شد . سر انجام قاتل به صد ضربه شلاق واعدام وزن به سنگسار شدن محکوم شد که حکم صادره در ملأ عام به اجرا در آمد . می بینید که یک بر خورد بدنی چه توفانی به پا می کند وانسان را در چه منجلابی قرار می دهد واو را از هر درنده ای قسی القلب تر می سازد و سر انجام به اشد مجازات گرفتار می سازد . از این نوع پرونده ها و جریانات هولناک که ابتدای آن از یک مزاح یا لبخند ویا بر خورد بدنی ویا خلوت شروع شده زیاد است .

خانواده باید مراقب نوامیس خود باشند ، آداب اسلامی را در معاشرت ها رعایت نمایند ، واز مجلس های مختلط و برخوردهای نامشروع اجتناب کنند ، رعایت حجاب اسلامی نمایند ، خانم ها از زینت برای غیر شوهر خودشان اجتناب کنند و امر به معروف ونهی از منکر را رعایت نمایند تا این که به این صحنه های خطرناک مبتلا نشوند . من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم * تو خواه از سخنم پند گیر وخواه ملال البته مقصود این نیست که هر بر خورد جزئی دارای چنین نتایج رسوا کننده ای است ویا هر مجلس مختلط ، خنده ، مزاح ، آرایش وامثال آن علت تامه برای این قبیل جنایات هولناک است بلکه مراد این است که این امور زمینه سازند و کافی است از هر هزار مورد یکی به این نتایج برسد

قتل وجنابت دیگر بر اثر شهوت پرستی

در سال 1364 در حوزه قضائی قم در جاده اصفهان ، نیمهء شب مردی را در اتومبیلش در کنار همسرش سر بریدند . بعد از هفت ماه پیگیری به وسیلهء بازپرس دادسرای عمومی قم مشخص شد که این قتل فجیع به توطئه همسر مقتول توسط دوست نامشروع وی انجام شده است . بعد از مشخص شدن امر قاتل ویاران قاتل همگی دستگیر شدند . مقتول مردی زیبا ورشید وتکنسین کارخانهء ذوب آهن و پسر عمهء همسر خود بود . قاتل مردی از آوارگان جنگی آبادانی ، سیاه چهره و بداندام . همسر مقتول زنی 27 ساله ودیپلمه ، کیفیت قتل طبق اعتراف واقرار وی از این قرار است : روزی برای مراجعه به دندان پزشک از محل سکونتمان (فولاد شهر) به مقصد اصفهان سوار اتومبیلی شدم ، در موقع پیاده شدن هنگام پرداخت پول دستم به دست راننده خورد . جرقه ای شهوت انگیز در دلم شعله کشید ، قرار شد راننده صبر کند ومرا برگرداند ، در مراجعت جو خلوت ، توأم با سابقه قبلی ما را گرفتار مذاکرات نامشروع نمود ، سر انجام با هم دوست شدیم وقرار بر این شد که روزها بعد از ساعاتی که شوهرم به محل کار خود می رود به منزل من بیاید ، این قرار عملی شد وبه مدت دو سال با هم رابطه داشتیم ومتجاوز از صدبار عمل منافی عفت انجام دادیم وچون شوهرم را مزاحم دیدیم : بارها پیشنهاد کشتن او را به رفیقم دادم تا بعد از کشتن او با هم ازدواج رسمی کنیم . چند بار نقشهء قتل او را ریختیم عملی نشد تا این که برای آخرین بار که شبانه عازم تهران بودیم ، او را تحریک کردم که دنبال ما حرکت کند ویکی دو نفر را با خود همدست کند وهمراه بیاورد . ووقتی دستمال های کاغذی مچاله شده را از شیشهء اتومبیل بیرون انداختم مهیا شوند . در آن هنگام ماشین را به بهانهء دل درد متوقف می کنم . آنها پیاده شوند و شوهرم را بکشند . وی مصمم شد که به دستور من عمل کند . طبق برنامه ای که گفته شد با کمی فاصله دنبال ما حرکت کردند ، به بهانهء دل درد ، شوهرم را در پارکینگ متوقف کردم . بلا فاصله اتومبیل قاتل ، پشت سر ما ایستاد ، وی با دو نفر از همدستانش با چهره نقاب زده پیاده شدند ، یکی از دوستان قاتل همسرم برای رد گم کردن وعادی جلوه دادن امر ، فلاکس آب را روی کاپوت ماشین گذاشت وکنار آن ایستاد وماجرا را تماشا می کرد ، قاتل با فشار به دستگیره از درب عقب با یکی دیگر از همدستانش وارد اتومبیل شد ، وشوهرم را به طرف عقب اتومبیل کشیدند . شوهرم خیال می کرد برای بردن مال اقدام به این کار کرده اند ، پیشنهاد کرد که سویچ اتومبیل را می دهم به من وهمسرم کاری نداشته باشید ، اتومبیل را با آنچه دارم ببرید آنها اعتنا نکردند رفیق قاتل دستهای شوهرم را به طرف عقب کشید وقاتل با / صفحهٔ 135 / کارد سر او را از بدن جدا کرد ومن که خوشحال ، شاهد صحنه بودم به آنان گفتم زود از صحنه خارج شوید . بعد از رفتن آنها پیاده شدم و اتوبوسی را متوقف کردم وبا داد وفریاد به سرنشینان آن گفتم سه نفر نقاب زده آمدند وشوهرم را کشتند . جریان به پاسگاه کشید وبعد هم برای شوهرم سیاه پوش شدم ومجالس ترحیم گرفتم ودر این مدت (هفت ماه) با قاتل رابطهء نامشروع به طور آزاد داشتیم . از او سؤال کردم : آیا در زندگی با شوهرت اختلاف داشتید ؟ جواب داد : هرگز اختلافی نداشتم . شوهرم مردی مهربان ومؤدب بود وحتی مهمان بدون اجازه من نمی آورد ودر مدت دوازده سال که با هم زندگی کردیم یک مرتبه هم با من به درشتی سخن نگفت ، حقوق ماهیانه اش را در اختیار من قرار می داد ، من را بسیار دوست می داشت وهیچ گونه کمبودی از نظر جمال وکمال در وی نبود . از وی سؤال کردم : پس چرا به چنین جنایتی اقدام کردی ؟ جواب داد : پاسخی برای این سؤال ندارم ، خودم هم نمی دانم چرا سر از این وادی در آوردم و الان تحت فشار وجدانم قرار دارم که چرا بعد از دوازده سال

زندگی با داشتن یک دختر هشت ساله وآن همه محبتی که از شوهرم دیدم به چنین روزی گرفتار شده ام . دادگاه کیفری یک قم قاتل را که مردی مجرد بود به عنوان حد عمل منافی عفت ، صد ضربه شلاق زد وبه عنوان قصاص وی را اعدام نمود وهمسر مقتول را به عنوان حد شرعی به سنگسار نمودن محکوم نمود . حکم صادره در باره آنان به اجرا در آمد وآن شخص که دست های مقتول را گرفته بود به حبس ابد ودیگری که نگهبانی می کرد طبق متون فقهی به کور شدن چشم محکوم شد . ملاحظه می فرمائید که از یک خلوت با نامحرم وبرخورد دست آنان به هم چه جنایات هولناکی پدید آمد و سر انجام برای لذت چند روزه به مجازات های دنیا وآخرت گرفتار شدند.

جنایت وآدمکشی چرا؟

وقتی خداوند سبحان خواست آدم ع را خلق کند به ملائکه گفت:من می خواهم آدم ع را جانشین خود در زمین قرار دهم.ملائکه گفتند آیا می خواهی کسی را جانشین خود در زمین کنی که در زمین فساد کرده وخون هم را می ریزند؟خداوندسبحان فرمود من چیزی می دانم که شما نمی دانید. {بقره30}

آری خداوند سبحان از همان اول خلقت می دانست که هوای نفس باعث می شود که عده ای از افراد بشر مفسد بوده وهمدیگر را می کشند.ولی از آن طرف می دانست که انسانهای بسیار بزرگواری چون پیامبران وامامان واولیاء هم متولد می شوند که جهان را بانور خود روشن میکنند.وهیچگاه از هوای نفس خود اطاعتنمی نمایند.

اطاعت ازهوای نفس باعث می شود که گاه انسان دستش به خون انسان بیگناهی آغشته شود.

که دراین صورتگویا همه مردم را کشته است زیرا چه بسا از نسل مقتول ،انسانهای زیادی متولد می شدند.

من قتل نفسا بغیر نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعا {مائده32}

کسی که یکنفر بیگناه را بکشد گویا همه مردم جهان را کشته است!

همانند قابیل که برادرش را کشت .قرآن می فرماید:فطوعت نفسه قتل اخیه فقتله فاصبح من الخاسرین {مائده 30}نفسش کشتن برادرش را برای او خوب جلوه داد.او هم برادرش را کشت ولی بعد پشیمان شد.

وگاه پیامبر یا امامی را می کشد.

عاقبت نافر جام عمر سعد:

عمر سعد از کسانی بود که می گفتند در کودکی با امام حسین(ع) هم محله بودند و با هم بزرگ شدند و پدرش نیز سعدابن و قاص از سرداران سپاه اسلام بود و هیچکس حتی خود او فکر نمی کردند که روزی به جنگ فرزند پیامبر(ص) و امام بر حق امام حسین(ع) برود و لی بدلیل غلبه هوی نفس بر عقل او نتوانست از ملک ری بگذرد و بخاطر

حکمرانی بر قسمت کوچکی از این دنیا دست خود را به خون شریقترین انسان با اصحابش آغشته نمود وامام حسین را کشت ویاران بزرگوار اورا شهید نمود وکرد آنچه که تاریخ درباره حادثه کربلا نگاشته است.

اینکه چرا نسانی دستش به خون انسانهایدیگر آغشته می شود ؟زیرا همانگونه که علی ع فرمود:کسی که از هوای نفس خود پیروی کند،هوس اورا کور وکر و خوار وگمراه می نماید،انسانهایی که مطیع هوای نفس خود می باشند احتمال هرگونه گناه وجرم وجنایت از آنها می رود.

لذا شاهد هستیم که درمیان انسانها،افرادی پیدا می شوند که دست به کشتارهای جمعی می زنند.

نمرود دستور داد صدها کودک پسر را کشتند تا ابراهیم ع متولد نشود!

فرعون دستور داد هزاران کودک پسر بنی اسرائیلی را سر بریدند تا موسی ع بدنیا نیاید!

بنی اسرائیل در یک روز هفتاد پیامبر را کشتند!

انسانهاای مثل حجاج خونخوار،منصور وهارون ومتوکل در کشورهای اسلامی جنایتهای زیادی مرتکب شدند.

در جنگهایی که براساس پیروی از هوای نفس بوده مثل جنگهای زمان جاهلیت یا کشتار مغول یا جنگ جهانی اول ودوم ، هزاران انسان بلکه میلیونها انسان کشته می شدند.

در عصر ما امریکای جنایتکار واسرائیل هزاران نفر از مردم مسلمان عراق وافغانستان وفلسطین را کشتار نمودند.

پادشاهان ایران از جمله رضاخان ومحمدرضای مخلوع نیز جنایتهای زیادی در حق مردم ایران مرتکب شدند.

صدام جنایتکار،براساس هوای نفسش صدها هزار نفر ایرانی وصدها هزار نفر از مردم عراق را به کشتن داد.صدها عالم بزرگوار را اعدام وترور کرد وهزاران خانواده را آواره نمود.

القاعده و وهابیون وطالبان وزرقاوی ها وریگی ها وامثال آنها نیز جزو جنایتکاران قرن ما می باشند.

سازمان جهنمی منافقین که صدها عالم فرزانه را ترور نمودند وهزاران مورد بمب گذاری کرده ومردم بیگناه را کشتند همچنین گروه فرقان وکومله پ.پ.گ ودیگر گروههای تروریستی براساس هوای نفس سرانشان،دستشان به خون بیگناهان آغشته است. که یقینا خداوند انتقام بیگناهان را از اینها خواهد گرفت.

اخیرا بخاطر غلبه مادیات بر معنویات در کشورهای جهان مخصوصا کشورهای غربی،جنایتهایی چون کشتن همسر وفرزندان،کشتن معلم وهم شاگردی،کشتن همکار،کشتن پدر ومادر به جنایتها اضافه شده است.

که همه این جنایتها بر خلاف عقل وفطرت وخلقت انسان بوده بلکه بر مبنای هوای نفسانی است.

ظلم وستمگری مجازات سختی دارد!

خداوند انسان را آفرید وبرای او حد وحدودی تعیین نمود.هرکسی که این حدود را رعایت کرد ،عدالت ورزید وهرکه از این حدود تجاوزکرد،ستمکاری نمود.
کسانی که ستم می کنند وبه حقوق دیگران تجاوز می کنند ،مورد غضب الهی بوده وباید منتظر عذاب خداوند سبحان باشند.واین ستمگری بخاطر تبعیت از هوای نفس می باشد.
در حدیث قدسی است که:خدا فرمود به عزت وجلالم سوگند!که از ستمگر چه دردنیا وچه در آخرت قطعا انتقام می گیرم.
وفرمود:از ظلم هیچ ظالمی نگذرم حتی اگر زدن مشتی یا کشیدن دستی باشد حتی اگر گوسفند شاخدار به گوسفند بی شاخ،شاخی زده باشد. {میزان الحکمه}
اما انواع ستمکاری:

1-مالی را پیدا کرده ولی به صاحبش نرساند.
2-غصب اموال دیگران {یتیم وغیر یتیم}
3-دزدی در انواع مختلف
4-قرض کند وندهد
5-مهریه زن را ندهد.
6-امانت را برنگرداند
7-کلاهبرداری نماید
8-زمین دیگران را تصرف کند
9-گرانفروشی واحتکار
10-در شرکتی کار می کرده واز اموال آن بر می داشته
11-از کارش می دزدیده

12-پولی که بنا بود در مسجد خرج کند برای خود برداشته

13-خمس و وجوهات دیگر را به جای اینکه به دفاتر مراجع بدهد برای خود برداشته

14-زکات مصرف می کند ولی مستحق نیست

15-وامی که مستحق بوده گرفته

16-امتیازی که مال دیگران بوده با زرنگی برای خود برداشته

17-کم فروشی وتقلب نموده

18-می توانسه از بیت المال با پول کمتری برنامه ای را انجام دهد زیاده روی کرده {سمینارهای پرهزینه}

19-وسیله بیت المال را بدون اجازه استفاده شخصی نموده

20-از میوهای باغات بی اجازه استفاده کرده

21-وسایل دیگران را از بین برده واطلاع نداده

22-در پیاده رو سد معبر نموده

23-از تلفن وگاز وامثال آن مربوط به مردم بی اجازه استفاده کرده

24-رباخواری

25-دیه ای که به گردنش آمده ونپرداخته

26-سیلی که به صورت مسلمانی به ناحق زده یا مشتی به او زده یا دستش را بزور کشیده است.

27-آبروی کسی را برده

28-آبروی خانواده کسی را برده

29-شهادت دروغ داده

30-قضاوت بناحق کرده

31-کسی را مدتی اسیر یا زندانی کرده است

32-زنی را از شوهرش جدا نموده

33-فرزندان را از خانواده دور کرده

34-با دین خدا وپیامبران مقابله کرده

35-ادعا می کند که به او وحی می شود

36-ادعا می کند که قرآن را خدا نازل نکرده

و...

داستانهای زیادی از ستمکاران در تاریخ بشریت نقل شده که به بعضی از آنها اشاره می شود:

یحیی بن ام طویل یکی از یاران پنج گانه وفادار امام سجاد(ع)□□□□بود

حجاج ستمگر، کسی را که کوچک‌ترین نسبتی با امیرمؤمنان(ع) داشت، یا متهم به‌دوستی آن حضرت بود، می‌گرفت و به زندان می‌افکند یا او را با طرز فجیعی به‌قتل می‌رسانید، ولی یحیای با ایمان از حجاج نترسید، مرگ در نظر مردان باایمان وفداکار، ارزشی ندارد، حجاج او را احضار کرد و به دشنام دادن به امیرمؤمنان(ع) امر نمود، یحیی نپذیرفت و به امر او اعتنایی نکرد، حجاج فرمان داد دست‌های یحیی را بریدند، یحیی استقامت کرد، فرمان داد پاهای یحیی را جدا کردند، یحیی باز استقامت ورزید و خم به ابرو نیاورد، پس از آن، یحیی را به‌قتل رسانید

سوراخ کردن زبان

شیخ شمس الدین محمدبن قارون گوید:

به حاکم حلّه بنام مرجان الصغیر گزارش دادند که یکی از شیعیان بنام‌ابوراجح به خلفاء اهانت می‌نماید!حاکم دستورداد تا اورا آوردندوچندنفر بقصد کشت اورا زدند وآنقدر به صورتش زدند که دندانهای‌جلو او افتاد..سپس زبانش را بیرون آورده بر آن حلقهٔ آهنی زدند وبینی‌اورا سوراخ کرده وریسمانی از مو درآن وارد کرده وبه طنابی بستندوبدستور حاکم در کوچه‌های شهر گرداند.تماشاچیان هم از هر طرف‌اورا می‌زدند بطوریکه بر روی زمین افتاد ومرگ را پیش روی خوددید.بعد ازآن حاکم دستورداد تا کار اورا تمام کنند ولی چند نفر واسطه‌شده وگفتند:او پیرمردی ساخورده است وآنچه برسرش آمده اورا از پای‌درخواهد آورد.اورا رها کن که خود می‌میرد وخونش را برگردن نگیر!

حاکم هم از کشتنش صرف نظر کرد.بستگان ابوراجح آمدند واورا درحالیکه صورت وزبانش باد کرده بودوکسی تردید نداشت که همانشب‌خواهد مرد،به منزلش بردند.

برخلاف انتظار،فردای آنشب که مردم برای اطلاع از وضع او بدیدارش‌رفتند،دیدند که در حال صحت وسلامت نماز می‌خواند.دندانهایش‌مثل اول شده وجراحتهایش خوب شده واثری از آنها باقی نمانده‌وپارگی صورتش رفع گردیده است.

مردم تعجب کرده وماجرایش را پرسیدند.گفت:

من مرگم را دیدم.زبان سخن گفتن هم نداشتم تا از خداوند متعال‌حاجتی بخواهم.لذا در دل دعا کردم وبه مولا وآقایم صاحب الزمان(ع)توسل جستم.چون شب فرا رسید،ناگاه دیدم که خانه‌ام پرنور شدویکدفعه دیدم که مولایم امام زمان(ع)دست مبارکش را بر صورتم کشیدوبه من فرمود:از خانه خارج شو وبرای طلب روزی برای زن وبچه ات‌کارکن که خدا بتو سلامتی داد.

منهم به این وضعی که می‌بینید شدم.

شمس الدین گوید:بخدا قسم!قبل از این ماجراابوراجح خیلی ضعیف‌وکم بنیه وزشت وکوتاه ریش بود ومن به حمامی که او در آن‌بود،می‌رفتم ولی بعد از این جریان وقتی اورا دیدم متوجه شدم که‌نیرویش زیادشده وقامتش راست گردیده وریشش بلند وصورتش سرخ‌شده وانگار به سن بیست سالگی برگشته وپیوسته در همین حالت بود تااینکه وفات یافت.«مکیال المکارم»

عاقبت ظلم وجنایت بسر بن ارطاۀ

او تازه مسلمانی بود که بعد از رحلت رسول خدا(ص)،استقامت دردین نداشت

گویند بسر به دستور معاویه مدینه حمله کرد و وارد مدینه شد ویکماه که آنجا هرگاه می‌شنیدکسی پیرو امیر مؤمنان(ع) است او رامی‌کشت سپس به یمن رفت ودرآنجا هم دویست نفر از شیعیان را کشت‌سپس وارد صنع شد وآنجا هم عده‌ای را کشتار کرد که جمعا سی هزارنفر را کشت وعده‌ای را با آتش سوزانید.سپس دوکودک عبیدالله بن‌عباس را کشت و...

امیر مؤمنان(ع) دربارۀ او و معاویه وبسر خونخوار چنین‌فرمود:خدایا!بُسر دینش را به دنیا فروخت و هتک نوامیس اسلام‌نمود.پیروی از حاکمی بدکردار برای او بهتر از اطاعت از توست.خدایااو را در حالی بمیران که عقلش را از دست داده باشد و از رحمت‌خویش محروم گردان ویکساعت مهلتش مده.خدایا!بسر ومعاویه‌وعمرو را لعنت فرما.

چیزی نگذشت که نفرین امام اثر کرد و بسر دیوانه شد.او پیوسته دادمی‌زد که بمن شمشیری بدهید تا بکشم!برای او شمیر چوبی ومتکائی‌هم بدستش دادند او آنقدر با شمشیر چوبی بر متکا می‌زد تا غش می‌کردوبه همین وضع از دنیا رفت

سمرۀ بن جندب

او در زمان رسول خدا جزو اصحاب رسول خدا(ص) بود ولی به‌دلیل مخالفت با خدا ورسول عاقبت بدی پیدا کرد.

سمره درخت خرمایی در خانه یکی از مسلمانان داشت وبه بهانه‌سرکشی به درخت بدون اجازه وارد خانه مرد انصاری می‌شد وبه‌تذکرات او درباره اجازه گرفتن واطلاع دادن اهمیت نمی‌داد.صاحبخانه‌شکایت او را به رسول خدا(ص) کرد.حضرت سمره را خواست‌وفرمودهروقت می‌خواهی وارد خانه این مرد شوی اجازه بگیر.سمره‌قبول نکرد!حضرت فرمود پس درختت را بفروش.و قیمت زیادی راپیشنهاد دادند.سمره قبول نکرد. حضرت قیمت را بالا بردند تا اینکه‌فرمودند من در مقابل این درختت ،درختی در بهشت را برایت

ضامن‌می‌شوم.ولی سمره باز هم قبول نکرد وتقاضا وضمانت شخصیتی مانندرسول خدا(ص) را رد نمود.در اینجا حضرت آن جمله مهم را که زیربنای بسیاری از احکام فقهی است بیان فرمود:«لا ضرر ولاضرار فی‌الاسلام»یعنی ضرر زدن وضررخوردن در اسلام وجود ندارد.

وبه مرد انصاری فرمود درختش را در بیاور و در کوچه بیانداز تاهرکجا می‌خواهد ببرد!

در زمان معاویه او جانشین زیاد در حکومت بصره بود.او در بصره‌بیش از هشت هزار نفر از بیگناهان را کشت.بطوری که معاویه به او گفت‌نمی‌ترسی شخص بیگناهی را کشته باشی؟گفت اگر دوبرابر آنچه کشته‌ام باز بکشم نمی‌ترسم.شخصی از قبیله عدو گفت سمره از قبیله اودر یک صبحگاه چهل وهفت نفر را که همه قاری قرآن بودن کشت.که‌البته جرم اکثر آنان شیعه بودن بود.

معاویه به او چهارصدهزار درهم داد تا بگوید آیه »ومن الناس من‌یشری نفسه ابتغاء مرضات الله»در باره ابن ملجم قاتل مولای متقیان نازل‌گشته است وخدا اورا مدح نموده است!!

سلیمان بن مسلم گوید مردی نزد سمره رفت وزکاتش را داد سپس به‌مسجد رفت ونماز خواند.سمره جلاد را دنبال او فرستاد.جلاد درمسجد سر او را جدا نمود.

قنبر:

قنبر سالها درخانهٔ علی(ع)خدمت نمود واز شیعیان مخلص بود.

روزی حجاج خونخوار به اطرافیانش گفت:امروز دوست دارم که یکی ازشیعیان ابوتراب را بیاورم وخونش را قربةً الی اللّه!بریزم!به او گفتند:غیراز قنبر کسی را سراغ نداریم!بدستور حجاج،قنبر را آوردند.حجاج به اوگفت:از علی بیزاری بجو!قنبر امتناع کرد.حجاج اورا درنحوهٔ مردن مخیّر کرد.قنبر گفت:مولایم بمن خبرداد که من مظلومانه ذبح می شوم!حجاج‌دستور داد سر اورا بریدند.

رشید هجری:

او از یاران خاص علی بود که اخبار غیبی می گفت وبه بعضی ها می‌گفت:تو به فلان مرض ویا فلان بلا از دنیا می روی!

یکروز علی(ع)وچندنفر از یارانش در نخلستانی زیر نخلی نشسته بودند.برای حضرت مقداری خرما آوردند.رشید گفت:ای امیرمؤمنان!چه‌خرمای خوبی است؟امام فرمود:بدانکه تورا به همین نخل بدار می‌کشند!ای رشید!آن زمانیکه زنازادهٔ بنی امیه(ابن زیاد)دست وپاوزبان‌تورا قطع می کند،چه حالی داری؟رشید گفت:آیا عاقبتم آمرزش‌وبهشت است؟فرمود:آری!تو در دنیا وآخرت با من خواهی بود.

بعد از این سخن امیرمؤمنان،رشید روزها پای آن درخت می رفت وبه‌آن آب می داد!یکروز دید که شاخه های انرا بریده اند.باخودگفت:اجل‌من نزدیک شده است.طولی نکشید که ابن زیاد،رشید را احضار کردوگفت :از علی بیزاری بجو!رشید امتناع کرد.ابن زیاد گفت:از دروغهای‌مولایت برایم بگو!آیا مولایت گفته که چگونه کشته می شوی؟رشیدگفت:واللّه که من دروغ نمی گویم ومولایم هم دروغ نگفته است.او بمن‌خبر دادکه تومرا احضار می کنی وامر می کنی که از علی بیزاری‌بجویم.ولی من قبول نمی

کنم وتو دست وپا وزبان مرا قطع می‌نمائی!ابن زیاد گفت:برای اینکه حرف مولایت راست درنیاید،من‌دستور می دهم که دست وپایت راببرند ولی زبانت را نبرند!بدستور ابن‌زیاد،دست وپای رشید را بریدند .اورابه بازار بردند تامردم اورا ببینند.اودرآنحال صدا می زد:ای مردم!قلم وکاغذ بیاورید تا من اخبار آینده تاقیامت را برایتان بگویم!وقتی این سخن را برای ابن زیاد نقل کردندوگفتند:رشید دربازار مشغول سخنرانی است!،دستور داد تا زبان‌اورا هم بریدند!

آرایشگرِ دختر فرعون

پیغمبر اکرم6 در سفر معراج، وقتی به آسمانها عروج می‌فرمود،بوی خوش و معطّری را بمشام خود احساس نمود. در مورد آن ازجبرئیل پرسید، گفت: این بوی آرایشگر دختر فرعون است!رسولخدا6 داستان او را پرسید. جبرئیل عرض کرد: او در پنهانی‌به خدای واحد ایمان آورده بود ولی ایمان خود را مخفی می‌داشت،روزی در حین آرایش دخترِ فرعون، وسیله آرایش از دستش افتاد وناخودآگاه بر زبانش آمد که: ای خدا! دختر فرعون گفت: پدر مراصدازدی؟ گفت: نه! گفت: پس که را صدا زدی؟

گفت خدایی را که خالق من و تو و پدر تو است!

دختر فرعون گزارش این حادثه را به پدرش داد. فرعون دستور داد تا او وکودکانش را حاضرکردند و گفت که اگر دست از این عقیده بر نداری، توو کودکانت را در آتش می‌سوزانم!

این زن شجاع حاضر به دست برداشتن از عقیدهٔ خود نشد.

فرعون دستور داد تا تنوری را برافروختند و ابتدا کودکان او را در آتش‌سوزاندند، سپس خود این زن را شهید نمودند. این بوی خوش از آن زن‌شهیده است.

سلطه خشم وغضب برآدمی

پیروی از هوای نفس گاهی از انسان یک آدم خشمگین وسرکش وعصبی می سازد که معمولا اهل سازگاری با افراد جامعه نیست و به محض اینکه کاری خلاف میلش ببیند خشمگین شده واگر قدرتمتند باشد دست به جنایت وظلم وستم وغیره می زند.

علی (ع) درباره غضب می فرماید: غضب نوعی از جنون است زیرا آدم غضبناک پشیمان می گردد و اگر پشیمان نشد دیوانگیش ریشه دار است. و علاوه بر آیات وحی و

کلمات ائمه هدی(ع) همه عقلاء عالم اعتقاد دارند که باید غضب و خشم را کنترل کرد که چه بسا خشم قدرتمندی به نابود کردن مردمان بسیاری منتهی می شود همانطوریکه در تاریخ ایران و جهان نظائر زیادی می توان شاهد مثال آورد که یک لحظه خشم و عضب باعث از بین رفتن مردمان بسیاری شده است به عنوان مثال خشم آقا محمد خان قاجار بر مردم کرمان منجر به این شد که دستور داد هزاران جفت چشم از مردم کرمان درآورده و از چشمها تپه ای درست کردند.

از امام پنجم(ع) روایت شده که در تورت آمده است: ای موسی خشم خود را از کسانیکه تحت قدرت و اراده تو و زیر دست تو هستند فروگذار تا منهم غضبم را از تو باز دارم موسی عرضکرد : خداوندا کدام یک از بندگانت در نزد تو عزیز است خدا فرمود: بنده ای که قدرت داشته باشد ولی خطا کار را عفو کند.

روایت شده که علی (ع) در جنگ با عمروبن عبدود موفق شده که عمرو را بر زمین انداخته و روی سینه او بنشیند که عمرو آب به صورت مبارک علی (ع) انداخت حضرت او را در آن وقت نکشت بلکه بلند شد و مقداری راه رفت و بعد آمده سر او را جدا کرد. وقتی از حضرت سؤال کردند که علت چه بود فرمود ترسیدم اگر همان وقت سرش را جدا کنم از روی هشم نفسانی باشد که باطل است.

شهید دستغیب می فرماید: خشم حد وسطی در برابر افراط و تفریط دارد. حد وسط خشم که بودنش لازم و ضروری و کمال انسانی در آنست در جایی است که مال یا ناموس یا آبرو یا جانش یا دینش مورد تهدید قرار گرفت باید بی تفاوت نباشد خشم صحیح اینجاست. مال حلال را که از راه صحیح بدست آمده تا می شود نباید گذاشت آنرا بنا حق بگیرند و غیره و قرآن هم می فرماید : نه ستم کنید و نه زیر بار ستم بروید. نه به کسی سیلی بزن نه بگذار بیجا به تو سیلی بزنند.

این شعر منسوب به علی (ع) است:

ولقد امر علی الئیم یسبنی

فمضیت ثمه قلت لا یعنینی

بر شخص پستی گذاشتم که مرا دشنام می داد من رد شدم و گفتم مرا اراده نکرده است بمن نبوده است.

موعظه رسول خدا(ص):

روایت است که مردی بنزد رسول خدا (ص) آمده عرضکرد: یا رسول الله مرا تعلیم ده فرمود: برو غضب مکن. آنمرد گفت هیمن مرا بس است و بجانب قبیله خود رفت ناگاه در میان قومش جنگی بپاشد و اسلحه پوشیده و در برابر یکدیگر صف کشیدند آنمرد هم چون چنان دید اسلحه پوشیده و به صف ایستاد آنگاه سخن پیامبر (ص) را بیاد آورد که به او فرمود: غضب مکن پس اسلحه را کنار گذاشت و نزد مردمیکه دشمن قومش بودند آمد و گفت : ای مردم هر جراحت و قتل بی نشانه ای که در افراد شما باشد به عهده من است و من خوبیهای آن را بشما می پردازم. آن مردم گفتند هر چه اینطور باشد به نفع شما ولی ما به پرداخت این جریمه سزاوارتریم سپس با یکدیگر صلح کردند و کینه از میان برفت.

پیامبر (ص) فرمود: آنانکه در فرو بردن خشم از دیگران بیشتر است از همه کس دوراندیش بر است.
و باز فرمود: خشم از شیطان است و شیطان از آتش پدید آمده و آتش را با آب می توان خاموش کرد وقتی یکی از شما خشمگین شود وضو بگیرد.

***

امام پنجم فرمود: مردی که عضبناک شده و راضی نشود پس این سبب داخل شدن در جهنم است و هر که غضبناک شد اگر ایستاده بنشیند تا از او ححالت شیطانی زایل گردد و اگر نشسته بایستد و هر مردیکه به فامیل خود خشم گیرد بلند شده و دست خود را به دست او بگیرد آرام می شود زیرا رحم باعث از بین رفتن خشم او می شود.
و امام ششم فرمود: کسیکه نتواند غضب و خشمش را کنترل کند مالک عقلش نمی تواند باشد

داستانی زیبا از یک پیامبر(ص):

در روایت است که به یکی از پیامبران از طرف خداوند باطن بعضی از امور را نشان دادند به اینصورت که به او گفتند فردا که به صحرا می روی نخستین چیزی را که دیدی باید بخوری پس به صحرا رفت و نخستین چیزی که مشاهده کرد کوه بزرگی بود تعجب کرد چگونه می شود کوه را خورد بعد با خود گفت من مأمورم که این کار را بکنم پس تا هر اندازه که بتوانم انجام می دهم شدن یا نشدن آن با من نیست پس با این تصمیم قدم پیش گذاشت هر گامی که بر می داشت کوه کوچکتر می شد تا وقتی که نزدیکش رسید دید به اندازه لقمه کوچکی گردید آنرا گرفته و در دهان گذاشت دید از عسل شیرینتر و گواراتر است بعد به او فهماندند که این کوه خشم وغضب است که نخست تحمل کردنش برای انسان مشکل ولی با حلم و بردباری آسان بلکه لذت بخش می شود.

حلم خواجه نصیر طوسی:

درباره خواجه نصیر طوسی می نویسند که یکنفر جاهل نامه ای به او نوشته و او را سگ خطاب کرده بود. شیخ طوسی در جواب نوشت شما مرا سگ دانسته اید ولی من هر چه فکر کردم که چه چیزم به سگ می برد نفهمیدم من دو پا دارم ولی سگ چهار پا دارد او دندانهای تیزی دارد که استخوان را خرد و نرم می کند اما دندانهای من از کار هم افتاده ایت سگ پشم دارد من ندارم. و با این جواب آن شخص را شرمنده و پشیمان نمود.
شاعر گوید:

بردباری خزینه خرد است
هر که را حلم نیست دیو و دد است
دیو بند است اگر دانی
عضب از دست اوست زندانی

***

حلم سرمایه کمال آمد سبب تقرب و جمال آمد

حلم شادی فزای هم خجلست مومیائی هر شکسته دلست

خودباختگی یا خودباوری

یکی از مسائلی که در زندگی انسان خیلی نقش ایفا می کند ودر سعادت ویا بدبختی او دخیل است،مقدار تاثیر پذیری انسان می باشد.

اگرچه انسان بطور مطلق موجودی تاثیر پذیر و اثر گذار است ولی کمیت وکیفیت آن در افراد متفاوت می باشد.

بعضی ها زود از محیط وجامعه تاثیر می پذیرند وبه مردم نگاه کرده هرکاری که اکثر مردم انجام می دهند آنها هم سعی می کنند انجام دهند حالا خواه این کار درست باشد یا غلط.معیار درستی ونادرستی عملی در نزد آنا اکثریت جامعه می باشد.در تایید این روش ضرب المثل نادرست:خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو! در میان مردم رواج دارد.

اما هم عقل و هم دین این مطلب را رد می کند بلکه معتقدند که انسان از هرچه خوب وموافق فطرت واز هرچه حق است واورا به سعادت می رساند اثر بپذیرد ولی از هرچه بد است ومخالف فطرت بوده وباعث انحراف وبدبختی او می شود فاصله بگیرد حتی اگر اکثریت به آن عمل می کنند.

مؤمن در مسیری که خدا برای او درنظر گرفته حرکت می کند خواه مردم همراه او باشند یا نباشند.ملاک حقانیت،کثرت وزیاد بودن همراهان نیست.قرآن کریم پیروی از اکثر یت را درست نمی داند همانطور که الان اکثر مردم دنیا خواسته یا ناخواسته گمراه هستند.چقدر قرآن می فرماید:اکثرهم لایعقلون {مائده103}.اکثرهم لایعلمون {انعام37}.اکثرهم لایشکرون {یونس60}.اکثرهم لایؤمنون. {بقره100}اکثرهم یجهلون. {انعام111}اکثرهم لفاسقین. {اعراف102}اکثرهم کافرون {شعرا223}.اکثرهم مشرکین. {روم42} و...

حالا این اثرپذیری وتبعیت خواه در امور اخلاقی باشد مانند دورویی،صداقت،خیانت یا امانتداری و...یا امور اجتماعی باشد مانند چشم وهم چشمی،نوع لباس پوشیدن،تجمل

پرستی یا ساده زیستی ویا امور شخصی باشد مانند تنبلی یا زرنگی یا درامور سیاسی باشد مثل غذا دادن کاندیداها قبل از انتخابات و نوع تبلیغات آنها ونوع حزب بازی وغیره.
از جمله انواع اثر پذیری که در یک دوره ای به کشور ما ضربه سختی وارد کرد،خودباختگی است.خودباختگی فرهنگی یعنی خوبیهای فرهنگ خود را ندیدن وجذب فرهنگ اجنبی شدن.
وقتی در دوران قاجار عده ای از جوانان کشور به فرنگ رفتند تادر دانشگاههای آنجا علم ودانش را فرا گرفته وبرگشته وبه کشور خود خدمت نمایند!وقتی برگشتند اکثر آنها فرهنگ اصیل کشور خود وفرهنگ اصیل اسلامی را فراموش کرده ومعتقد شدند که ایرانی عقب افتاده است ونژاد پست است وغربیها نژاد برتر هستند وازما بهتر می باشند لذا باید ایرانیها غربزده شوند تا به سعادت برسند.

از زمانی که پای این جوانان که اکثرشان از خانواده های اشراف بودند به فرنگ وغرب باز شد در مراجعت عده ای از آنها که از نظر اعتقادی ،سست اعتقاد بودند با خود فرهنگ غرب را آوردند.آنها که با دیدن پیشرفتهای مادی غربیان دچار خودباختگی شده بودند،می گفتند:ما ایرانیها نمی توانیم!ماعقب مانده ایم!مابلد نیستیم.
آقای حسن تقی زاده نماینده تبریز در مجلش شورای ملی می گفت ما ایرانیها باید از موی سر تا ناخن پا فرنگی باشیم.
وآقای ملکم می نویسد:
بنا به اصل ترقی،هرچه متعلق به گذشته باشد از اعتبار ساقط است و به کار امروز نمی آید. اگر هم اصالتی باشد در گذشته غرب است نه در گذشته ما!فرهنگ امروز غرب مترقی است وبایستی جای فرهنگ کشور ما را بگیرد وآن را نسخ کند! ! {مبانی وافکار روشنفکران غربزده}
فرهنگ غرب که اینها از آن تعریف می کنند وعاشق آن هستند چیست؟
اساس فرهنگ غرب برپایه 1-سکولاریسم یعنی جدایی دین از سیاست،و همچنین بر پایه 2-اباحی گری یعنی حلال بودن ومباح بودن هرکاری که انسان میلش بکشد بشرط عدم مزاحمت برای دیگران وبرپایه3-ضدیت با اسلام ومبانی اسلام ومخصوصا مبانی مذهب شیعه می باشد.
لذا آقای دکتر آغاجری می گوید:دین نه تنها افیون توده ها بلکه افیون حکومت ها هم می باشد.
و این آقا درسخنرانی خود درهمدان ،اهل بیت وامامت ع راکه از ارکان دین اسلام است، مسخره نمود.
اینها اعتقادی به عالم غیب،فرشتگان،بهشت وجهنم،قیامت وامام زمان عج ندارند!
آقای احمد شاملو می گفت:من به معجزه در آن مفهومی که اهل ایمان معتقدند ایمان ندارم! {مبانی وافکار روشنفکران غربزده}
روشنفکران غربزده معتقدند دین مانع پیشرفت مادی می شود .وبه کشورهای اسلامی که عقب مانده هستند اشاره می کنند واسلام را عامل عقب ماندگی آنهامی دانند.
درحالی که اشاره به دوران تمدن اسلامی که مسلمین 5قرن پیشقراول علم ودانش درجهان بودند نمی کنند که اگر دین اسلام مانع پیشرفت است پس اسلام چگونه این معجزه را

انجام داد؟ویا پیشرفتهای دانشمندان مسلمان ایران در بعد از انقلاب چگونه حاصل شده؟

پس علت عقب ماندگی کشورهای اسلامی،به استعمارگران غربی،پادشاهان وحاکمان نالایق،فرار مغزها،اهمیت ندادن به علم ودانش وخودباختگی عده ای از روشنفکران ما می باشد.نه پست بودن نژاد و نه برتربودن غربها بر دیگران.

از نظر اسلام ،انسان موجودی است که با تلاش ومجاهدت ومبارزه به موفقیت دست پیدا کند در هر زمینه ای که می خواهد باشد.در مادیات یا معنویات یاهردو. وهیچ نژادی بر دیگری برتری ندارد.اینکه عده ای نازیست می گویند ما نژاد برتریم.یا کوکلوس کلانها خودرا از سیاهان برتر می دانند یا صهیونیستها ادعا می کنند نژاد برگزیده خدا هستند!اینها برخلاف عقل ودین وفطرت است.لیس للانسان الا ما سعی.

هرملتی که تلاش کرد ومخصوصا به علم ودانش بها داد به سربلندی وموفقیت دیت پیدا می کند.مانند کشورهای اروپائی که در زمانی که ایرانیها تحت سلطه پادشاهات شهوتران ونالایقی مثل پادشاهان صفوی یا قاجاریه وپهلویها بودند،غربیها انقلاب علمی خود را در قرن هیجده میلادی انجام داند وپیشرفتهای خود را شروع کردند ودهها سال ازما جلو افتادند.یا مردم ژاپن که بعد از جنگ دوم جهانی ،با همت وپشتکار به یک قدرت بزرگ اقتصادی وصنعتی تبدیل شدند.همچنین آلمان ومالزی وکشورهای پیشرفته دیگر.

مسلمانان همین پیشرفت ها را درابعادی وسیع تر در دوران تمدن اسلامی تجربه نمودند.

دکتر ویل دورانت نویسنده تاریخ تمدن می نویسد:{اسلام طی پنج قرن از سال 81تا597قمری 700تا1200 میلادی} از لحاظ نیرو،نظم،بسط قلمرو حکومت،تصفیه اخلاف ورفتار،سطح زندگانی،وضع قوانین منصفانه انسانی وتساهل دینی،ادبیات،دانشوری،علم،طب وفلسفه،پیشاهنگ جهان بود.}

و رسومی می نویسد:دانشمندان وبزرگان ایران نشان دادند هنگامی که اروپا در خواب نادانی وتوحش مانده بود،ایران به آن مقامی رسید که عقائد وافکار قرن بیستم بعدا از آن پدید آمد{فرهنگ اسلام در اروپا}

وخانم دکتر هونکه آلمانی در کتاب فرهنگ اسلام در اروپا می نویسد:مسلمانان پایه گذار شیمی آزمایشی،فیزیک،جبر وعلم حساب به مفهوم امروزی ومثلثات فضائی،زمین شناسی وجامعه شناسی هستند.

ودهها اعتراف محققین ودانشمندان غرب مبنی بر پیشقراول بودن مسلمانان در علم ودانش در دوران تمدن اسلامی را می توانیم در کتابهای مختلف ازجمله کتاب اینجانب به نام{تمدن اسلامی از دیدگاه بیگانگان}ببینیم.

اشاعه روحیه خودباختگی درمیان مردم ایران مخصوصا قشر دانشگاهی ضربه مهلکی بود بر علم ودانش مردم ما که بحمدالله با پیروزی انقلاب اسلامی،امام راحل ،این توطئه ومرض را برای مردم ایران تبیین کردند وخطرات آن را گوشزد فرمودند وجوانان را به داشتن روحیه خودباوری،تشویق فرمودند.

ایشان در وصیتنامه تاریخی خود می نویسند:

۵ از جمله نقشه‌ها که مع‌الاسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمار زده از خویش، و غربزده و شرقزده نمودن آنان است به طوریکه خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله‌گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند! و قصة این امر غم‌انگیز، طولانی و ضربه‌هایی که از آن خورده و اکنون نیز می‌خوریم کشنده و کوبنده است .

درجایی دیگر می فرمایند:

,lÛoCk êoß¡Æ Èë ÚDzkßh ,lÛoCk íËÜçp¾ ÈëÚDzkßh éÆ lÜØè¿F íÜ·ë ,lÜÜÆ ClìJ Co ÚDzkßh
[×@w@Ï@ØØ@ÛD@è@D FëD@l
(æo)íÜìØh ÖD×C . [lÛoCkíOì¥iz Èë ÚDzkßh

éÆ íÏ·¿ÎDF Þ æßÃÎDF êDèOØ·Û éVßO× Co ÚCpëC ÚDØÏw×Ökp× D¤ß¥h Co DèOÏ× éÆ éOzCk ÚA pF
ív é¡ìØç ÉorF kp@× Ý@ëC
.lëDØÛ ,ækCk oCpÂ DèÛA kßVÞok lÛÞClh

Þ êoDìzßç Þ êoClìF ÚD¡ëC ÚDÜiv oße× í×ÔvC EÔÃÛCqC l·F éZ Þ ÚDÃ¿h ÚCoÞk ok éZ
íOGvD@Ü@× p@ç ok ,Þo Ý@ëC qC
HÃµ Co D× ækpÆ í·v Ýì°oÞk MD»ìÏGNÞ Dçéwìvk ´CßÛC DF ÝØzk éZ pÊ éÆ kßF ÝëC éF
ÚDzkDÃOµC Þ kßFÖkp@× ÍÔ@Ã@O@vC
êßN lÛÞClh êoDë éF ÙìÛCßNí×D× íÎÞ ,lëAíØÛ pF D× Pvk qC êoDÆ D·ÂCÞ ÙìÜÆ oÞDF Ùç
ÚD×kßhéÆ lÜÆ êoDÆ Þ éOzClèË@Û
:lÛkß×p¾í× .ÙìÛrF DèÜëC Ýçk

êCpF éÆ íÊorF êDèOGì¥× qC íÇë Þ :lÛkß×p¾í× [.lìzDFéOzCk Pëpël× lìÛCßNí× .lìÜÆ æoCkC
Co oß¡Æ lìÛCßNí× D@Ø@z]
.lÛkpÆ ÝìFlF Ùç ÚDzkßh éFPGwÛ Co PÏ× éÇÜëC ,lÛCækoÞA oDFPÏ× ÝëC

[Co ÚD×kßh ÙìOhDF Ùç ÚD×kßh íÜ·ë .ÙëkpÆ ClìJÝ± ößv íOd Ùç ÚD×kßh éF D× lÛkpÆ DèÜëC éÆ
íND»ìÏGN ...]

íOìSìd Þ ÙëoCk D× éÆ êrìZ ÖDØN DèÛAÞ Ùëß¡F kßhíF ÚD×kßh qC D× éÆ lÛkpÆ Pvok D× êCpF
Co íËÜçp¾ßaØç Èë DèÛA]

[.lÛpGF ÙëoCk D× éÆ

مردم ایران به ندای امامشان جواب مثبت داند وبا روحیه خودباوری به جنگ خودباختگی رفتند وجوانان دانشمند ایرانی با تلاش ومجاهدت در این سالهای اخیر حماسه های بزرگی در میدان علم ودانش خلق کردند وکاری کردند که امید کم شدن فاصله ملت ایران از قافله علم ودانش جهانی زیاد شده وانشاءالله طولی نمی کشد که دانش ایرانی خودرا به مرزهای پیشرفتهای کشورهای اروپائی رسانده ومجددا تمدن اسلامی را باشکوهتر از گذشته احیاء می نمایند.

حج هدایتگربشریت

خداوند برای هدایت بشر ،هدایتگرهایی قرار داده است از جمله انبیاء،کتابهای آسمانی،معجزات واز جمله هدایتگرها کعبه می باشد.

انّ اولّ بیت وضع للناس للذی ببکه مبارکا وهدی للعالمین.فیه آیات بینات ومن دخله کان آمنا {آل عمران 97}

اینکه کعبه ومکانهای مقدسی که در اطراف او قرار گرفته چگونه هدایت کننده بشر است نیاز به مقدمه وتوضیح دارد.

کعبه قدیمی ترین محل عبادت بشر است که قبل از معبد بیت المقدس ودیگر عبادتگاههای بشر ،وجود داشته است.حتی در روایتی است که فرشتگان به آدم ع که مراسم حج را به اتمام رساند تبریک گفتند ویادآوری نمودند که ما دوهزارسال قبل مراسم حج را انجام داده ایم.

حجر الاسو که در کعبه نصب شده نیز قدیمی ترین سنگ است که هیچ سنگی قدمتش به حجرالاسود نمی رسد.

همه پیامبران به زیارت کعبه آمده ودست بر حجرالاسود گذاشته وآن را استلام نمودند ودرکنار کعبه به دعا ونیایش ونماز ایستاده اند وشماری از آنان در کنارکعبه دفن شده اند که گویند بین رکن یمانی ومقام ابراهیم ع دهها پیامبر مدفونند.

خداوند عز وجل در کنار کعبه نشانه هایی برای خود قرار داده است از جمله:

مقام ابراهیم است که محلی بوده که حضرت ابراهیم ع بربالای سنگی در کنار کعبه ،رفته ودیوار کعبه را بالا برده است.

حجر اسماعیل که محل دفن حضرت اسماعیلبوده وداخل مطاف است وجزو کعبه حساب می شود.

رکن یمانی که زاویه بعد از زاویه حجرالاسود است {کعبه چهارزاویه دارد که دوتای آن بسیار مهم است.زاویه حجرالاسود وزاویه یمانی} که درروایت است امام ع فرمود در قیامت ما از طرف رکن یمانی وارد بهشت می شویم.

حطیم که دیوار بین حجرالاسود ودر کعبه است که بهترین نقطه کره زمین بوده وآدم ع در این مکان توبه نمود وخداوند قبول فرمود.

المستجار که دیوار کنار رکن یمانی است و از مکانهای استجابت دعا می باشد.

صفا ومروه که خداوند آنها را از شعار خود شمرده است {ومن یعظّم شعائرالله فانها من تقوی القلوب}سوره حج آیه32

زمزم که از معجزات الهی است ونوشیدن از آن شفا می آورد.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ماء زمزم شفاء لما شرب له.

پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله- فرمود: آب زمزم به هر قصدی بنوشد برای آن شفاست.

بحار الانوار/ ج96/ 245

حرم بودن کعبه ومسجدالحرام واینکه هرکه داخل این حرم شود ایمن است از نشانه های دیگر الهی است.مخصوص در زمانی که درحجاز امنیتی وجود نداشت ودر روز روشن انسانهارا می ربودند ویا می کشتند درهمان زمان جاهلیت هم حرم الهی امنیت داشت. {الم یروا انا جعلنا حرما آمنا ویتخطف الناس من حولهم {عنکبوت67}
اگر قاتل یا دزدی وارد حرم شود درامان است.حیوانات وحشرات وگیاهان در حرم در امان هستند وکسی که این حرمت را بشکند گناه مرتکب شده وباید کفاره بدهد.مثلا کفاره شکارکردن یک کبوتر در حرم امن الهی،یک گوسفنداست علاوه برگناهی که مرتکب شده است.
کفاره کشتن یک شپش ،دان غذا به فقیراست.و...
همچنین خانه کعبه محل ولادت معجزه آسای علی بن ابیطالب ع است.و در شهرمکه،یکی خانه آمنه است که محل ولادت حضرت محمد ص می باشد و دیگری خانه خدیجه س که محل ولادت حضرت فاطمه زهراءس است.
کعبه داستانهای تلخ وشیرین زیادی دارد .
داستان قربانی کردن عبدالله بخاطر قسمی که عبدالمطلب خورد.
داستان حمله اصحاب فیل.داستان نصب حجرالاسود بعد از تعمیر در زمان نوجوانی پیامبر که نزدیک بود بخاطر گذاشتن حجرالاسود جنگی اتفاق بیافتد ولی با نظر پیامبر اعظم وشراکت حضرتش در گذاشتن حجر،این جریان بخوشی تمام شد.
داستان تلاوت سوره برائت برای مشرکین درحالی که یکه وتنها بود!
داستان بالارفتن علی ع برشانه پیامبر ص جهت اقامه اذان بر بالای کعبه.
داستان حجه الوداع وآخرین حج پیامبر اعظم.
داستان دعای مشلول وجوان فلجی که امام علی ع اورا به خواندن دعای مشلول دعوت کرد واو دعا را خواند وپیامبر اعظم ص در خواب اورا شفاداد.
داستان خطبه امام حسین برای اصحابش که آنان را به قیام فراخواند وبه شهادت بشارت داد.

داستان حمله یزید به مکه که اجل مهلتش نداد تا به نیتش جامه عمل بپوشد.

داستان خراب کردن قسمتی از کعبه در قضیه قیام عبدالله بن زبیر و حمله حجاج به مکه.

داستان توطئه ولید برای اینکه بالای کعبه شراب بنوشد!

داستان زن ومردی که از روی حرام دست برروی هم گذاشتند وناگاه دستشان چسبید.وامام سجاد ع بداد آنها رسید.

داستان شهادت حجر الاسود بر امامت امام سجاد ع زمانی که محمدبن حنفیه ادعای امامت داشت.

داستان خواندن اشعارفرزدق در مدح امام سجاد ع وناراحتی هشام که طاغوت زمان بود.

وداستانهای تلخی که در طول تاریخ در مکه اتفاق افتاد همانند حمله وهابیون به مکه وتصرف آن ودرسالهای اخیر، شهید کردن حدود چهارصد زائر ایرانی در مکه بخاطر ابراز برائت از مشرکین.

کعبه درآینده شضاهد تحولات بزرگی خواهد بود از جمله:

حادثه بزرگ ظهور امام عصر عج از مکه وتکیه دادن منجی عالم بشریت بر کعبه وتشکیل حکومت آل محمد.وکشتن نفس زکیه توسط مردم مکه در ابتدای ظهور امام عصر عج .

اما هدایتگر بودن کعبه برای اهل عالم به چند وجه است:

1-انقلاب روحی که برای اکثر حاجیها اتفاق میافتد واشک از چشمانشان سرازیر می شود وبعضی واقعا متحول می شوند واین زیارت را توصیف ناپذیر می دانند.

2-نوری که حاجی بعد از اتمام مناسک حج می گیرد در او باقی است وتا زمانی که گناه نکرده دراووجود دارد.

3-تمام گناهان حاجی آمرزیده می شود واعمالش از نو نوشته می شود.

4-افرادی بوده ا ند که بعد از بازگشت به نوشتن کتابهای عالی در موضوعات الهی اقدام کرده اند همانند ابن عربی آن فیلسوف بزرگ که در بازگشت از مکه کتاب فتوحات مکیه را برای بشریت به یادگار گذاشت همچنین دانشمندان قرن ما همانند جلال آل احمد ودکتر شریعتی وعلامه جوادی املی ودیگر بزرگان کشور ما که کتابهای گرانسنگی دارند.

5-کعبه محل بیزاری وبرائت از مشرکین وبلند کردن صدا به توحید است واین ندا، عده زیادی از غیر مسلمانان را به اسلام فرا می خواند.که افرادی بوده اند با دیدن مراسم برائت از مشرکین ، مسلمان شده اند.ویا برایمانشان افزوده شده است

6-باحضور علماء ربانی در مراسم حج یا نمایندگان مراجع در طول ایام موسم حج،افرادی از کشورهای مختلف به آنها مراجعه نموده ودین خودرا درست نموده ودر صراط

مستقیم قرار گرفته اند.

7-وحدتی که درمراسم حج بین مسلمین از سراسر دنیا پیش می آید نیز در هدایت اهل عالم مؤثربوده است.

8-سنگباران در مراسم رمی جمرات در دوری از شیاطین ونزدیکی به پروردگار عالمیان نقش مهمی دارد.

9-حضور در صحرای عرفات ومشعر ومنا نیزدر نزدیکی به خالق یکتا نقش آفرین است.

10-نمازها وذکرهائی که در موسم حج انجام می گیرد در هدایت انسانها بسیار مؤثراست وامام راحل فرمودند بعد عبادی حج ویژگی خاصی دارد.

واین توجه امام راحل به عرفان وعبادتی است که درجای جای سرزمین وحی وجود دارد وحاجیها می توانند از آن بهره وافی ببرند.

در اینجا به سخن امام علی ع درباره حج اشاره می کنیم:

ÚDëDJDN @ éìÏµ ÕC MCßÏ¤ @ ÖkA ÚD×q qC Co ÚD×kp× ÚDeGv êClh éÆ lìÜìFíØÛ DëA : (´) íÏµ
ÖD×C @
ÚA Þ kpÆ¢ëD×qA lÛßÜzí× éÛ Þ lÜÜìFí× éÛ Þ íÛDëqéÛ lÜÛDvoí× êkßv éÛ éÆ íëDèËÜv DF ÚDè@V
ok Co ÚAxKv kCkoCpÂ Ökp× Úl×A kpÊ æDËëDV Co ÚA Þ PhDv kßh P×pd DF é@ÛD@h Co D@è@Ë@Ü@v
êDèçßÆÚDì× ok ,kCk êDV Dçæok ÝëpOËÜN Þ Ýì×q «DÃÛ ÝëpOçDìÊíF Þ DèÛDÇ× Ýëp@O@hÔ@Ë@Ü@v
éÛ ,kßzí× éFp¾DV ÚA êpOz éÛ éÆ Ùç qC oÞk êDèëkDFA Þ EA ÙÆ êDçéØ¡Z Þ ¹Ck êDèËëo ÞÝ¡h
êÞo ÚA êßvéF DN kß×p¾ Co ÞC ÚClÛqp¾ Þ ÖkA lÛÞClh xKv êlÜ¿vßÊ éÛ Þ êÞD@Ê é@Û ,í@G@vC
DèNÔ¾ ÚDì× qC kßVÞÖDØN DF ÚD×kp× lëkpÊ ÚDzqClÛCoDF Þ kß¥Ã× ÍrÜ× pv ÖCpeÎC PìF ,xJ
lÛoÞA
éF DçDëok ælÜÆCpJ Ùç qCêDçæpërV qC Þ Hìz pJ êDçæok Þ DèëkCÞ ÚÞok qC Þ Pvk oÞk êDèO@zk
Þ
éÎC Ó Þ lÜçk ÚDÇN Co kßh êDçéÛDz êoDwÆDh Þ êoCßhpv qC í·v ÖDËÜçéF DN lÛoÞAí× êÞo DV
ÚA
lÜFDO¡F ÚDÜÆ éÎÞpç éO¾pÊ kpÊ êDçpÇìJ Þ éO¿zA êDçß× DF Þ lÜhpaF ÚAkpÊ pF ÚDëßÊ ÕC ÓC
lÜçk pìì»N Co kßh êDGëq é¾DìÂ Dçß× ÚkpÇÛ cÔ¤C DF éOhClÛC êoDÜÆ éF Co kßhí¥iz êDçé×D@V
éÆ PvC êpRå× êqDwÆDJ Þ íÛCkpË¥ÎDh Þ oDÇzA ¢ëD×qA Þ Piv íÛDeO×C Þ ÉorFí@Ûß@×qA Ý@ëC
.PvC ækCk oCpÂ ¢O¡èF éF Úlìvo Þ kßh PØdo HGv Co ÚA ÉorFlÛÞClh
Þ Dè°DFÚDì× ok Co ¢ëßh lÜØVoC êDçp·¡× Þ kßh P×pd DF éÛDh PvCßhí× ÚDeGv êClh p@ÊC
¢ëDçDOvÞo Þ éOvßìJ Ùç éF ¢ëDçéÛDh éÆ æßì× pJ Þ Phok pJ Þ oCßØçêDèÜì×qpv Þ DçoD@G@ëß@V
ok Þ EA pJ êDèOzk Þ æDìÊ pJ êDèÜì×q Þ Öph êDè°DF Þ DçoCr×lÜÊ ÚDì× ok,PvC Ùç éF Èëkr@Û
Þ ¢ëD×qA éÆ PGwÛ ÚDØç éF éÜëA pç kCkí× oCpÂ kDFA êDçækDV Þ CqPWèF Þ ÖphêDèÛDOw°DF ¯vÞ

.kßF ÙÆ CrV Þ yCkDJ kßF pNækDvÚDeO×C
oßÛ Þ gpv MßÂDë Þ rGv kp×q qC éO¾o oDÆ éF ÚA PhDv ok éÆ íëDèËÜv Þ é@G@·@Æ ækß@ÎD@z
p@ÊC
Co ÚD®ìz ¢zßÆ kpÆí× ÙÆ (ÚDÜìF pçD± ê)DçéÜìv ok lëkpN Þ Èz éÜho qC kßF í@ëD@Ü@zÞoÞ
DF Co ¢ÛDÊlÜF lÛÞClh D×C PhDví×oÞk Ökp× qC Co évßvÞ Þ lëkpN Ù¬ÔN Þ kqí× oDÜÆ pF
Dè@ÎkqC
éF Þ kpìÊí× íÊlÜF éFÚßÊ éÛßÊ êDèNlçDW× D@F Co ÚD@ÛA Þ l@ëD@×qAí@× D@è@ì@O@i@v ´Cß@ÛC
ÚÞpìF ÚD¡ëDèÎk qC CoêlÜwJkßh Þ pGÆ éÏìvÞ ÝëlF DN ,lÜÆí× ÚD¡¡ëD×qA ÀÏOi× êDèëoDO¾p@Ê
lëD¡ËF ÚDÛA êÞo éF Co ¢OØdoÞ Ð©¾ êDçok ,lÛD¡ÜF ÚD¡ëDèÛDV ok Co êoDwÆDh Þ íÜNÞp¾ Þ lÜÆ
.lèÛ ÚDzoDìOhC ok íÛDwF Co ¢ëßh ß¿µ EDGvC Þ

{**میزان الحکمه**}

بعضی از وجوه ناتو و تهاجم فرهنگی

حقیقت تهاجم فرهنگی وناتو فرهنگی علیه ملتها از جمله ملت ایران برای اکثر مردم ایران از جمله قشر دانشگاهی و حوزوی ثابت شده است وتاثیر آن را عملا در رفتارهای بعضی از مردم به خصوص جوانان ونوجوانان می بینیم.لذا لازم است تا اطلاعات به روزی را در مورد ابزارهای این تهاجم بدانیم.

یکی از ابزارهای ناتو فرهنگی غرب علیه ملتها،استفاده از رسانه ها می باشد.

انواع رسانه:

1-رسانه های مکتوب:

کتاب،روزنامه،اعلامیه و...از قدیم ابزاری برای تحمیل فرهنگ خود بر دیگران بوده است.

فیلیپ بونوفسکی،نویسنده امریکایی،می گوید:جهان سرشار از کتاب هایی است که عاملان سازمان سیا نوشته و منتشر کرده اند.{کتاب جنگ فرهنگی-جواد منصوری}

2-رسانه های دیداری وشنیداری:

رادیو وتلویزیون،ویدئو،سینما وماهواره از جمله ابزارهای تهاجم فرهنگی است .

رادیو صدای آمریکا،بوسیله بیش از ده هزار ایستگاه در اقصی نقاط جهان برنامه ها و پیام های رادیویی خود را پخش می نماید.این رادیو در هفته بیش از هزارساعت برنامه به چهل زبان دارد.

بیش از هزاروپانصد شبکه رادیویی و تلویزیونی از طریق ماهواره ها در منطقه خاورمیانه به باورسازی مشغول هستند.

برنامه های عمده این شبکه ها عموما :

شیکه های تلویزیونی برای ترویج ادیان و مذاهبی مانند مسیحیت کاتولیک،ارتودوکس،شاخه های یهود،بودایی،آشوری و ارمنی

شبکه های علمی

شبکه های خبری که اخبار را در راستای افکار مستکبرین تحلیل می نمایند

شبکه های ورزشی

شبکه های هنری {گاهی 24ساعته موسیقی یا فیلم سینمایی پخش می نمایند}

شبکه های پخش فیلم های مستهجن که به اشاعه فحشاء می پردازند واز پربیننده ترین برنامه ها هستند!

3-رسانه اینترنت:اولین کاربرد اینترنت برای ارتباط پنتاگون بوده است وبعد عمومیت پیدا کرد وجهانی شد ولی مرکزیت آن در آمریکا است.

اینترنت از تمامی رسانه ها مهم تر وجامع تر بوده ودر آینده جایگزین اکثر رسانه ها می گردد زیرا روزنامه وتلویزیون ورادیو وفیلم سینمایی همگی در اینترنت قابل دریافت بوده که این قسمتی از قابلیت های اینترنت می باشد وصدها قابلیت دیگر در این رسانه فراگیر است که در آینده نزدیک شاهد استفاده همه مردم ایران از آنها خواهیم بود.

***

ابزار دیگر ناتو فرهنگی،وارد کردن مدهای نامناسب ظاهری از جمله در نوع لباس پوشیدن ودرنوع آرایش مو و در نوع روابط اجتماعی وعدم پایبندی به دین وملیت به میان نسلهای جوان کشورهای مورد تهاجم است.

با توجه به اینکه :مدل زندگی و عملکرد هرفردی در زندگی شخصی ،نمایانگر مجموع باورها و اعتقادات،آداب ورسوم پذیرفته شده توسط آن فرد است لذا از مدل لباس و نوع آرایش موهای یک فرد می توان تا حد زیادی به باورهای وی آگاهی حاصل نمود.

از جمله مدهای لباس ومو و نوع روابط اجتماعی که سالیان سال بر روی قشر جوان در کشورهای مختلف تاثیر گذاشت وآنها را ازفطرت اصلی خودشان دور کرد،سه مد زیر بوده است:

1-مد هیپی ها:

این گروه درسال 1960 در آمریکا تشکیل شد که دارای سبک زندگی خاصی بودند.به اینترتیب که از لحاظ ظاهری،لباس های رنگی عجیب و غیر متعارف می پوشیدند،موهای بلند داشتند و مانند راهبان بودایی تسبیح های با دانه های درشت به گردنشان می آویختند.

معتقد به زندگی دسته جمعی بودند،مصرف مواد مخدر در میان آنها بسیار رواج داشت.روابط جنسی را آزاد می دانستند وفال گیری و طالع بینی در میان آنها بسیار متداول بود.

2-مد پانک ها {بیتل ها}:

این گروه در سال 1966 در انگلیس ظاهر شد .ابزار اصلی آنها موسیقی بود.آنها با موسیقی راک وبوسیله استفاده از مواد مخدر،احساسات شنوندگان را بسیارتحریک می کردند.نوع لباس،پیرایش و آرایش چهره و مدل حرف زدن این گروه به کشورهای دیگر وارد شد مخصوص اینکه موقع گوش دادن به موسیقی راک فریاد می کشیدند.
ملکه انگلیس در سال 1965 به این گروه نشان شجاعت!داد.

3-مد رپ:

این گروه درسال 1970 در آمریکا بوجود آمد وسبک زندگی این گروه در مدت کوتاهی درسراسر جهان گسترش یافت.
شاخصه های این گروه عبارت از :قدرت،پول،بی بندوباری اخلاقی ونوع پوشش خاص است.
کشورما از جمله کشورهایی بود که در زمان طاغوت تحت تاثیر سبک زندگی این گروههای بی ریشه وپایه قرار گرفت وطیفی از جوانان ما جذی وعلاقه مند به آنان شدند.

***

بعد از انقلاب اسلامی تا آخر جنگ تحمیلی،کمتر اثری از این مدها درجوانان دیده می شد.
ولی پس از دفاع مقدس،کم کم مد لباس وظاهر افراد حتی نوع زندگی عده ای از جوانان تحت تاثیر این گروههای وامثال آنها قرار گرفت .واز مد اسلامی ایرانی فاصله گرفتند.
از جمله عوامل تبلیغ این نوع مدها،ورزشکاران وهنرپیشه های سینما وتلویزیون می باشد.اگر این دو قشر اصلاح شوند وتحت تاثیر تهاجم فرهنگی قرار نگیرند تا حد زیادی جوانان کشورما مصونیت پیدا می کنند.
اگر چه تقویت محافل مذهبی،به روز بودن اطلاعات جامعه شناسی وروانشناسی روحانیت،ارتباط قوی با قشر جوان ونوجوان ،استفاده از مطالب نو در سخنرانی های ائمه جمعه وجماعات نیز در خنثی کردن تهاجم فرهنگی جایگاه ویژه ای دارند.

اتحاد ملی وانسجام اسلامی

مقدمه

سال 1386 ازطرف رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ایران به نام« اتحاد ملی وانسجام اسلامی» لقب گرفت.ایشان فرمودند:
«دشمنان به بهانه هایی همچون قومیت،مذهب و گرایشهای صنفی،در صدد هستند وحدت کلمه ملت ایران را از بین‌ببرند و درجهان اسلام نیز اختلافات مذهبی را دامن بزنند و با به راه انداختن جنگ شیعه و سنی میان ملت ایران وجوامع اسلامی

فاصله ایجاد کنند».

ایشان فرمودند:

«به یاری پروردگار،در سال 86،آحاد ملت،قومیتهای گوناگون،مذاهب مختلف و همه صنوف مردم ایران با اتحادملی،حرکت پرامید به سوی آینده درخشان خودرا شتاب می‌بخشند و همه ملتهای مسلمان نیز با انسجام اسلامی وتقویت برادری اسلامی،وحدت کلمه خودرا نشان خواهند داد».

این نامگذاری برای امسال بسیار مناسب و بجا می‌باشد.رهبر فرزانه چه خوب تدبیر نمودند وامسال را که ازحساس‌ترین سالهای انقلاب اسلامی ایران است به این نام ،توصیف نمودند.

وقتی به سخنان واعمال وتوطئه‌های استکبار جهانی توجه می‌کنیم می‌بینیم که از مهمترین برنامه‌های آنها علیه انقلاب‌اسلامی ایران وعلیه نهضتهای اسلامی دردنیا،استفاده از ابزار ونیرنگ،ایجادتفرقه واختلاف بین مسلمانان،می‌باشد.

اختلاف مذهبی وایجاد بدبینی بین شیعه وسنی وبین خود شیعیان نسبت به هم وبین اهل تسنن نسبت به هم ،چه درداخل کشور عزیز ایران وچه در بین مسلمانان دیگر کشورها مخصوصا عراق ولبنان وافغانستان و...

لذا درباره اهمیت اتحاد ملی وانسجام اسلامی نوشتار زیر تقدیم می‌گردد.

اهمیت وارزش وحدت در قرآن و حدیث

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

واعتصموا بحبل اللّه جمیعاولاتفرقوا»آل عمران 103«

همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نباشید.

شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا و الذی اوحینا الیک و ما وصینا به ابراهیم و موسی‌وعیسی ان اقیموا الدین و لاتفرقوا فیه»شوری13«

واجب کرد بر شما از دین آنچه را که به آن نوح سفارش نمود وآنچه که به ابراهیم و موسی وعیسی وحی نمودیم که دین‌را برپا دارید و دچارتفرقه نشوید.

ولاتکونوا کالذی تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جائتهم البینات و اولئک لهم عذاب عظیم« .ال‌عمران 105«

نباشید مانند کسانی که دچار تفرقه شدند و با هم اختلاف نمودند بعد از اینکه برای آنهابینات و دلایل روشن آمد.اینها شایسته عذاب عظیم هستند.

وان هذه امتکم واحده وانا ربکم فاتقون»مؤمنون 52«

امت اسلامی یک امت یکپارچه است و من پروردگار شمایم پس تقوا بورزید.

یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا وقبائل لتعارفوا ان اکرمکم عنداللّه‌اتقاکم»حجرات 13«

ای مردم!ما شما را زن ومرد آفریدیم.و شما را گروه‌ها وقبایل مختلف قرار داد تا از هم شناخته شوید.گرامی‌ترین شمانزد خداوند ،با تقواترین شماست.

ولاتنازعوا فتفشلوا وتذهب ریحکم»انفال46«

با هم نزاع نکنید که سست می‌شوید و قدرت و ابهت شما از بین می‌رود.

انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم»حجرات 10«

حقیقتا مؤمنین ومسلمین برادر یکدیگر می‌باشند پس در اصلاح بین برادران تلاش نمائید.

درروایات آمده است:

پیامبر اعظم ص: مَثَل مؤمنین در محبت به هم وترحم به یکدیگر همانند یک اندام است.(1)

و فرمود:با هم اختلاف نکنید که پیشینیان شما دچار اختلاف شدند ونابودگشتند.(2)

وقتی به دستورات عبادی اسلام توجه می‌کنیم می‌بینیم وحدت عجیبی در احکام اسلام به چشم می‌خورد وبه مامی‌فهماند که اسلام به وحدت مسلمین عنایت خاصی دارد.

نماز جماعت که حداقل در سه وعده در بسیاری از مساجد دنیا برگزار می‌شود به صورتی که همه نمازگزاران‌فقط به طرف قبله می‌ایستند وهمگام با امام جماعت واجبات نماز را انجام می‌دهند،جلوه زیبائی از وحدت ویکپارچگی مسلمین است.

نماز جمعه که در صدها شهر جهان در روز جمعه برگزار می‌شود،جلوه دیگری از وحدت وهمبستگی و انسجام‌مسلمانان است.

کنگره عظیم حج که حج تمتع آن سالی یکبار در روزهای مشخصی با حضور میلیونها نفر از مردم مسلمان دنیاکه درسال 85 بیست هزار نفر از جوانان امریکا در این کنگره حضور داشتند،جلوه زیبای دیگری از وحدت ویک رنگی‌مسلمین جهان است.

ماه مبارک رمضان که میلیونها نفر در سراسر جهان در ماه معینی به نام رمضان المبارک،برای نزدیکی به‌خداوند واطاعت از او ،روزه می‌گیرند و ر این ماه به اعمال عبادی خود می‌افزایند وهزاران محفل قرآنی تشکیلمی‌دهند،همچنین جلوه ظریفی از وحدت مسلمین جهان است.

راهپیمائی روز قدس نیز که با حضور هزاران نفر در سراسر دنیا حتی در پایتخت های کشورهای غربی برگزارمی‌شود وهمگان بیزاری خود را از استکبار جهانی و صهیونیستها اعلام می‌کنند ،نیز همایش دیگری از وحدت‌مسلمین جهان

است .

زکات نیز از دستورات اسلامی است که همه ساله بعد از برداشت محصول یا رسیدن دام به حد نصاب شرعی،عده‌ای از مسلمانان ،مقداری از محصول خود را به فقرا ونیازمندان می‌پردازند واین هم نوع دیگری از توجه مسلمین‌به یکدیگر می‌باشد .

امر بمعروف ونهی از منکر نیزاز واجباتی استکه اگر مسلمین جهان آن را عملی کنند ،بسیاری ازناهنجاری‌های اخلاقی در بین مسلمین از بین می‌رفت واین هم یک نمونه از همبستگی مسلمین بود .

دستورات اجتماعی دیگری همچون صله ارحام،تشییع جنازات،عیادت بیماران وغیره نیز اگر خوب‌عملی گرد ،باعث اتحاد بیشتر مسلمین می‌شود .

اتحاد ملی وخنثی شدن توطئه های استکبار جهانی

ایران دارای اقوام و نژادهای مختلفی چون عرب،ترک ،بلوچ،کرد وغیره می‌باشد که هیچکدامشان برتر از دیگری‌نیست ودرمیان همه اقوام انسان های والا وباهوش وبا استعداد وفرهیخته وجود دارد وهرکسی که مدعی شود که‌قومی برتر از قوم

دیگر است خلاف واقع گفته است.دانشمندان و بزرگان وعلماء ایرانی از میان همه اقوام‌برخاسته‌اند.از میان قوم ترک هزاران عالم برخاسته است.از میان قوم عرب نیز علما ودانشمندان بزرگی برخاسته‌اند.ازمیان کردها ولرها ودیگر برادران وخواهران ایرانی ما که همه آنها را از صمیم دل دوست داریم دانشمندان وبزرگان‌فراوانی بیرون آمده است و بحمدالله تاکنون همه با نام ایران و ایرانی درکنار هم زندگی کرده‌اند و هیچگونه تنشی بایکدیگر نداشته‌اند ولی دشمنان ایران قدرتمند برای تضعیف کشورعزیمان بدنبال از بین بردن این وحدت اقوام‌می‌باشند.

امام راحل فرمودند:

«سنی وشیعه مطرح نیست در اسلام،کرد وفارس مطرح نیست در اسلام،همه برادر باهم هستیم»

«ما الان همه مان با هم موظفیم که دست به دست هم بدهیم،برادر باشیم با هم،و همه با هم بسازیم ایران را».

امریکا به دلیل ناتوانی از حمله نظامی به ایران،طرح تجزیه مناطق دارای قومگرا را در دستور کار قرار داده است.

آنها در زمینه توطئه تجزیه خوزستان برنامه هایی داشته‌اند که موفق نبوده‌اند.

از جمله بمب گذاری های مختلفی که جز کشته شدن مردم بیگناه ،پیروزی برای دشمنان به ارمغان نیاورد ،به دستوراستکبار جهانی انجام شد.

«تشکیلات تروریستی حرکه النضال العربی لتحریر الاحواز توسط نهادهای امنیتی کشور از هم پاشیده شد.مسئول‌اصلی این گروه به همراه یاران خود و به همراه مقادیر زیادی ادوات و مهمات جنگی نیمه سنگین،در تیرماه85دستگیر شدند».

«با تلاش مراکز امنیتی،یک شبکه بمب گذار،تجزیه طلب و خلق عربی متشکل از هفت نفر شناسایی و درخرداد 85 ازهم پاشیده شدند.به آنها گفته بودند که بزودی خوزستان از ایران جدا!شده لذا شما هم در این امرباید سهیم باشید»!

همچنین تلاش هایی را برای ساماندهی اشرار بلوچ ایرانی در افغانستان بمنظور بی ثبات کردن منطقه جنوب‌شرقی کشور در

دستورکار خود قرار داده‌اند.

«به عنوان نمونه در اوایل اردیبهشت 85 تعداد 30تا 35نفر از بلوچ های مسلح ایرانی وپاکستانی با استفاده از9دستگاه خودرو تویوتا و همراه داشتن لباس نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به شهرهای زرنج و فراه افغانستان‌مراجعه نموده‌اند.این افراد برگ ترددی نیز که از سوی امریکایی‌ها به آن‌ها داده شده بود،به همراه داشته‌اند».
«سازمان اطلاعات پاکستان در گزارشی به مسئولان پاکستان ادعا کرده که مقامات رسمی سازمان سیا ضمن ارتباط با□؛ّبرخی عناصر شرور ایرانی در پاکستان،قصد دارند از آنان برای ناامن کردن سیستان وبلوچستان استفاده کنند».
«شرور بیست وچهار ساله عبدالمالک ریگی گفت:امریکائی ها مرا برای مبارزه و جهاد حمایت می‌کنند.من از آنهاپول‌می گیرم و در این راه شهید می‌شوم»!

«سازمان سیا در صدد تاسیس و راه اندازی رادیو کردی به نام»آوا«در کشور اردن است.دیپلمات‌های امریکایی درملاقات با مرتبطان گروه‌های ضدانقلاب کردی،به آنهاگفته‌اند:با جدیت بر روی کار فرهنگی ورسانه‌ای در ایران تلاش‌کنید،مشکلات مالی وفنی شما را ما رفع می‌کنیم».
«یک نشریه امریکایی فاش ساخت که امریکا و اسرائیل از گروههای کرد شورشی در ایران موسوم به پژاک حمایت‌می‌کند.در شش ماه گذشته سال 85 امریکا واسرائیل به این گروه کمک های تجهیزاتی و آموزشی ،نموده است».
(3)
آری استکبار جهانی از سرمایه گذاری بر روی هر کسی که به یک نحوی بتواند به ایران عزیز ضربه بزند ابایی نداردوبرای سازمان سیا فرقی ندارد که کسی که مخالف ایران بزرگ است کرد باشد یا فارس باشد یا ترک یا بلوچ یا عرب یاغیره باشد.هدف تجزیه کشور مقدس ایران است ولی این خواب دشمنان هرگز تعبیر نخواهد شد وهمه این پولهائی که‌صرف می‌کنند وجلساتیکه میگذارند وشبکه های مختلفی که در رسانه‌ها علیه ملت ما به راه میاندازند ،هیچ کمکی به‌اهداف دشمن نخواهد

کرد زیرا همه اقوام و نژادهای مختلف در ایران،خود را ایرانی می‌دانند وبرادرانه در کنارهم‌زندگی می‌کنند و باتمام قدرت از وطن خود دفاع می‌نمایند.

دشمنان ایران بزرگ مدتی بدنبال تحریک قومیتی دربین برادران ترک زبان بودند که در این مورد هم‌موفق نشدند. دراین رابطه به سخنان یکی از اعضای شورای مرکزی پان ایرانیست به نام دکتر طالع که با این که انقلابی‌نیستند ولی با تحریک قومیتی درایران مخالف بوده وآن را بر ضد منافع ایران می‌دانند اشاره می‌کنیم:

«جوانان در ایران یا حتی آذربایجان اطلاعات درست تاریخی ندارند لذا جوانان آذری تصور می‌کنند که پارسی زبانان‌سرزمین آنان را غصب کرده‌اند ونمی دانند زمانی ایران زمین بزرگ،شامل تمام قفقاز،افغانستان،بلوچستان،تاجیک وسایر اقوام بوده لذا باید به آنان اطلاع رسانی درست ودقیق شود».

متاسفانه روزنامه ایران عمدا یا سهوا با کاریکاتور به مردم خوب آذری اهانت نمود ودشمنان خواستند از این فرصت‌استفاده نموده وآشوب وبلوا به راه بیاندازند اما باتوجه به اینکه جنبه اسلامیت مردم شریف شهرهای آذری زبان‌قوی‌تر است،یک موج عظیمی در محکومیت این اقدام روزنامه ایران که اقدامی تفرقه افکنانه بود به پاخاست و بیعت‌مجددی با رهبری شد.مردم غیور آذربایجان از این تهدید،فرصتی برای نظام مقدس اسلامی به وجود آوردند وباعث‌وحدت ویکپارچگی مردم ایران گردید.

یکی دیگر از حربه‌های دشمن برای به خطر انداختن وحدت ملی،بوجود آوردن فرقه های به ظاهر عرفانی‌ودرویشی است.

«گروهی بنام« اکیست«که پیرو آیینی ساختگی و موهوم به نام« اک«بوده و برنامه‌های خاصی از جمله تمرینات روحی‌ویژه هستند،اخیرا در تهران فعال شده واقدام به جذب جوانان و نوجوانان ایرانی می‌کنند.

آنها روزهایی در هفته به کوه رفته وفریاد« هیو«سر می‌دهند.آنان هیو را نور وصوت خدا می‌دانند و...

شخصی آمریکایی به نام« سری هارود کلمپ»رهبری این فرقه را برعهده دارد.

بررسی‌ها از خانواده‌های برخی از اعضای این فرقه نشان می‌دهد که ورود افراد به این گروه سبب از هم پاشیدن‌خانواده‌ها شده

و تبعات بسیار منفی در اذهان آن ها داشته است به نحوی که آن‌ها پس از مدتی سیر در این فرقه‌انحرافی،به پوچی رسیده و دست به خودکشی می‌زنند.هم چنین براساس یافته‌های موجود،این فرقه جوانان را لاابالی‌و نسبت به دین و حتی ازدواج بی تفاوت می‌کند».

«در بعضی از شهرهای کشورمان دراویش پولدار خانقاه ساخته وبه جذب افراد مختلف به آئین‌های صوفی گری‌مشغولند که در این رابطه مراجع تقلید شیعیان موضع گرفته وهمه این آئین‌ها وطریقت ها را باطل دانسته وبه مردم درمورد گول نخوردن و فریب نخوردن از سخنان دروایش هشدار داده‌اند.امامان معصوم علیهم السلام مخالف این‌صوفی‌ها بودند واینهارا منحرف می‌دانستند.

دروایش بجای روی آوردن به قرآن کریم،سراغ مثنوی وحافظ وامثال آن می‌روند.بجای حضور در مساجدف‌به‌خانقاهها وارد می‌شوند.بجای استفاده از علما وفقهاء ،سراغ مرشدها ومرادها می‌روند.بجای دعاها وذکرهای واردشده از طرف پیامبر و امامان ،به اذکار ساخته شده توسط دراویش می‌پردازند.

لذا انحرافات اخلاقی در سردسته های آنهازیاد دیده شده از جمله محمدمهدی برازنده رئیس فرقه دراویش همدان که‌به جرم زنای محسنه با زنان شوهردار مختلف،سنگسار گردید!یکی از سردسته‌های دروایش در یکی از شهرهای غرب‌کشور گفته بود که اول شب با مردان فرقه حال می‌کنیم!و آخر شب با زنان فرقه»!

«بهائیت از فرقه‌های درست شده توسط استعمارگران است که با ادعای شخصی به نام سید علیمحمدباب که ادعاکرد دربان امام زمان عج است!در زمان قاجاریه شروع شد وتاکنون ادامه داشته وتوسط صهیونیستها حمایت می‌شودومعبد مقدس و بیت العدل آنها هم در عکا اسرائیل قرار دارد.

از مهمترین خصوصیات آئین بهائیت،لاقیدی نسبت به خدا ومقدسات و احکام شرعی است وفرد بهائی می‌تواندانواع کارهای زشت وحرام را انجام دهد سپس با پرداخت جریمه نقدی به بیت العدل!پاک گردد!

بعضی از احکام بهاء رهبر بهائیان وجانشین علیمحمدباب:

ازدواج با محارم جایز است!ربا حلال است!خوردن دارو حرام است!سال نوزده ماه وماه نوزده روز است!و».

«انجمن حجتیه نیز از فرقه‌های انحرافی در کشورمان می‌باشد که متاسفانه با نام امام زمان عج علیه امام عصر عج کارمی‌کنند.
قسمتی از عقاید این فرقه:
مخالفت با فقها ومراجع تقلید - مخالفت با ولایت فقیه - زی رفاه زدگی - اعتقاد به جدایی دین از سیاست»

یکی دیگر از حربه‌های دشمن برای به خطر انداختن وحدت ملی،ایجاد اختلاف یا بزرگ نمائی اختلاف‌بین مسئولین‌می‌باشد.در پایتخت به بزرگنمائی اختلاف مجلس با دولت اقای احمدی نزاد می‌پردازند و آن را دربوق وکرنا می‌کنند وبعضی از افراد هم باورشان می‌شود وخیال می‌کنند بین مسئولین دعوا است!در حالی که دولت‌ومجلس آرمان‌های مشترکی دارند ولی در بعضی موارد برای رسیدن به اهداف وبرنامه‌ها ،راه‌های متفاوتی مد نظرداشته باشند.ولی در مجموع هماهنگی و هم نظری دولت ومجلس بسیار بیشتر از دیدگاههای متفاوت است.البته‌دولت بارها اعلام کرده،سیاست کلی دولت در رابطه با مجلس،هماهنگی،همدلی و ارتباط نزدیک بای حل مشکلات‌کشور بر محور قانون اساسی است.
لذا باید همه مراقب باشند تا دشمنان از این اختلاف سلیقه‌ها سوء استفاده ننمایند.

انسجام اسلامی وخنثی شدن توطئه های صهیونیست جهانی

جهان اسلام شامل 54 کشور با مساحتی شامل 31میلیون و 533هزار کیلومتر وبا جمعیتی معادل یک میلیاردوپانصد میلیون نفر،یک ششم کره زمین را در اختیار دارند.
مهمترین منابع نفت وگاز وانرژی در این کشورها قرار دارد.همچنین از نظر داشتن نیروی انسانی و داشتن فرهنگ غنی‌در جایگاه مهمی در جهان قرار دارد که اگر مسئولین ورهبران این کشورها با هم متحد شوند،نه تنها اسرائیل از صحنه‌جغرافیایی

خاورمیانه محو خواهد شد بلکه در سازمان ملل وشورای امنیت ومجامع بین المللی بدون رقیب خواهدبود ودیگر استکبار جهانی جرعت تجاوز به کشورهای اسلامی را پیدا نخواهد نمود وروز بروز بر عظمت وشکوه‌مسلمانان افزوده خواهد شد.و دوران تحقیر مسلمانان در جهان بسر خواهد آمد ودیگر دولتی چون دانمارک جرعت‌اهانت به پیامبر اعظم را پیدا نخواهد نمود ودولت فرانسه جرعت اخراج دختر محجبه را از مدرسه پیدا نخواهد کرد ودولت امریکا جرعت زندانی کردن مسلمانان در زندانهای وحشتناک خود نخواهد نمود وهالیوود جرعت ساختن فیلم‌علیه اسلام نخواهد کرد و.....

آری اگر همه مسلمانان جهان باهم منسجم ومتحد باشند دشمنان اسلام در راس آنها صهیونیست ها نخواهند توانست‌به اسلام ضربه وارد کنند یا در توطئه‌های خود پیروز شوند.

مخصوصا اتحادبین شیعه وسنی از همه مسائل مهم‌تر است.

بحمدالله علماء شیعه ومسئولین کشور عزیزمان عنایت خاصی روی مسئله وحدت بین شیعه وسنی دارند.و با کسانی‌که می‌خواهند به این وحدت خدشه وارد کنند ،مقابله جدی می‌کنند.

«رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی خود در دیدار با مردم قم با اشاره به شکست‌های امریکا درعراق،افغانستان،لبنان وفلسطین واذعان سیاستمداران امریکایی به این شکست ،تصریح کردند:با توجه به این‌ناکامی‌ها،قدرت‌های استکباری و ر راس آنها امریکا،برای مقابله ب موج روزافزون بیداری اسلامی که منشا آن‌برافراشته شدن پرچم جمهوری اسلامی در ایران است،به ایجاد اختلاف میان شیعه وسنی روی آورده‌اند.بنابراین‌دنیای اسلام به ویژه روشنفکران و علمای اسلام بایدبه آگاه سازی قشرهای مختلف همت وبر لزوم اتحاد وبرادری‌مسلمانان تاکید جدی کنند».

«شیخ حسن صفار،روحانی سرشناس عربستان گفت:امریکا واسرائیل تلاش می‌کنند بین سنی‌ها و شیعیان در منطقه‌فتنه مذهبی ایجاد کنند (4)».

«شیخ نعیم قاسم معاون دبیرکل حزب اللّه‌لبنان گفت:امریکا در تلاش برای ایجاداختلاف مذهبی در سطح منطقه است‌تا از این

طریق اهل سنت رااز شیعیان و شیعیان را از اهل سنت به ترساند و با این تفرقه افکنی به سیاست‌های مورد نظرخود در منطقه دست یابد (5) ».

همچنین در بین علماء سنی نیز افراد زیادی هستند که دوستدار وحدت هستند ودر سخنانشان و رفتارشان بر این‌مسئله مرتب تاکید می‌کنند.

از جمله آقای شیخ محمدخالدی از علمای سرشناس جنوب کشور که در امارات بسر می‌برد گفت:

«آنچه به نفع جامعه ایران اعم از سنی وشیعه است،فقط اتحاد و یکپارچگی است،این اتحاد وهمدلی چشم دشمنان راکور می‌کند.به همه سفارش می‌کنم از تفرقه پرهیز کنند».

«شیخ محمود عکام اندیشمند اهل سنت سوریه گفت:به جای پرداختن به مسائلی همچون شیعه وسنی یا هر مذهب‌اسلامی دیگر،باید دغدغه گسترش نفوذ صهیونیسم،امریکا و تجاوزگری گستاخانه آنها به کشورهای اسلامی را داشته‌باشیم.

سخن گفتن درزمینه شیعه وسنی،سبب تفرقه وتشتت مسلمانان شده،خدمتی مجانی به منافع استعمارگران طغیان‌گری است که می‌کوشند میان مسلمانان فتنه به پا کنند.

باید تمامی مذاهب اسلامی را به وحدت و ایستادگی در برابر نفوذ صهیونیسم وامریکا فراخواند که تمامی مسلمانان رابدون درنظر گرفتن مذهبشان ،هدف قرار داده است.ما می‌خواهیم در مورد خطری جدی و واقعی هشدار دهیم.استعمارگران پیوسته میان مسلمانان تفرقه افکنی‌می‌کنند (»مجله اخبار شیعیان،ش13،آذر85 (

«شیخ طنطاوی مفتی الازهر مصر گفت:اتحاد بین شیعه و سنی را تایید و ترویج می‌دهم و فتوا می‌دهم که شیعه وسنی‌هردو مسلمانند و هیچ تفاوتی با هم ندارند و می‌توانند با هم ازدواج کنند.اختلافات،فرعی است.همان گونه که بین‌حنفی و مالکی نیز در فروعات اختلاف نظر وجود دارد».

«شماری از سران سابق جهادی افغانستان با حضور در مراسم عزاداری اباعبداللّه الحسین ع در مسجد عیدگاه کابل،ازپیروان

مذاهب شیعه وسنی خواستند تا اختلافات مذهبی را کنار گذاشته و برای تحکیم وحدت ملی تلاش کنند».
(6)
«برخی از روحانیون و علمای مصری خواستار متحد شدن سنی‌ها وشیعیان و دوری از اختلافات طایفه‌ای و برخوردهوشیارانه با فتنه انگیزی دشمنان اسلام و مسلمانان شدند.شیخ محمد الراوی،عضو مجمع پژوهش‌های‌اسلامی،گفت:این اختلافات موجب غرق شدن کشتی ای خواهد شد که همه ما سرنشینان آن هستیم و همگی نابودخواهیم شد ودر این صورت،نه سنی‌ها ونه شیعیان نجات نخواهند یافت.

دکتر عبدالفتاح الشیخ گفت:به سنی ها و شیعیان توصیه می‌کنم همه آنچه را که در گذشته و حال میان آنها رخ داده‌است به فراموشی بسپارند و همه با هم متحد شوند ودرمقابله با دشمن شماره یک خود صفی واحد تشکیل دهند.

دکتر محمد حبیب،معاون رهبر اخوان المسلمین مصر،گفت:اولا ما باید دشمن حقیقی امت اسلامی و چالش هایی راکه در برابر آنها وجود دارد بشناسیم.این دشمن که اکنون در لباس امریکا و صهیونیست‌ها تجلی یافته است تلاش‌می‌کند امت اسلامی را به زانو دربیاورد و منطقه را تجزیه کند و نقشه جدیدی مطابق با منافه امریکا وصهیونیست‌هابرای آن ترسیم نماید(7)».

«جمال احمدقاشقچی در روزنامه الوطن چاپ عربستان نوشت:

شیعه وسنی برار یکدیگر هستند وما به دلسوزی‌های غرب به ویژه امریکا هم نیاز ندارند.

او خطاب به غرب نوشت:زبان حال ما این است که ما را رها کنید.ما برادر هستیم وبا وجود تفاوت در مذهب،یکدیگررا بیشتر از شما میشناسیم».

آری چون امریکا در خاورمیانه شکست خورده است وعلت شکست استکبار جهانی،موج بیداری و آگاهی اسلامی‌است لذا برای کنترل این موج ومهار آن به طرح انداختن اختلاف میان شیعه وسنی روی آورده‌اند.چرا که اختلاف‌افکنی بین اهل تسنن وتشیع در واقع ازبین بردن آنها بدست همدیگر است.

یکی از عوامل اختلاف بین شیعه وسنی ،صحبت از خطرات هلال شیعی در منطقه است که متاسفانه اولین بارتوسط ملک

عبداللّه پادشاه اردن بیان شد.و شیمون پرز از سران رژیم صهیونیستی نیز این دیدگاه را بیان نموده وخلاصه‌افرادی از طرف استکبار جهانی وصهیونیست ماموریت پیدا کردند تا با طرح این دیدگاه به اختلاف بین شیعه وسنی‌دامن بزنند.

«مقام رهبری فرمودند:امروز هر حرکت تفرقه‌انگیز در دنیای اسلام،گناهی تاریخی است.آنان که عنودانه گروههای‌عظیمی از مسلمین را به بهانه‌های واهی تکفیر می‌کنند،آنان که با گمانهای باطل به مقدسات فرقه هایی از مسلمین‌توهین می‌کنند،آنها که به جوانهای از جان گذشته لبنان که مایه سربلندی امت اسلامی شدند،از پشت خنجرمی‌زنند،آنان که برای خوشامد امریکا وصهیونیستها،از خطر موهومی به نام هلال شیعی سخن می‌گویند،آنان که برای‌شکست دولت مسلمان و مردمی در عراق ناامنی و برادر کشی را دامن می‌زنند،آنان که دولت حماس را که محبوب ومنتخب ملت فلسطین است از هرسو زیر فشار قرار می‌دهند،چه بدانند وچه ندانند،مجرمانی به شمار می‌روند که‌تاریخ اسلام و نسل‌های آینده از آنان با نفرت یاد خواهد کرد و آنان را مزدوران دشمن غدار خواهند دانست».

«روزنامه الاهرام مصر نوشت:امریکا ورژیم صهیونیستی می‌کوشند ایران را دشمن اعراب معرفی کنند ودر تلاش برای‌بزرگنمائی خطر ایران در منطقه خلیج فارس هستند.

امریکا واسرائیل با شعله ور کردن آتش فتنه بین اهل تسنن و شیعیان در تلاش برای تحقق خواسته‌های خود از جمله‌متقاعد کردن اعراب در این خصوص هستند که خطری که آنان را تهدید میکند ایران است نه اسرائیل!

الاهرام با اشاره به اینکه اسرائیل وامریکا در شرایط حاضر مشغول اجرای سیاست×تفرقه بیانداز و حکومت کن ×درخاورمیانه هستند نوشت:برخی خبرها حاکی است که بسیاری از انفجارهایی که در مرقد شیعه واماکن مقدس عراق‌انجام گرفته از سوی اسرائیل و به منظور شعله ور کردن آتش بحران بین اهل تسنن و شیعیان بوده است».

اماخوشبختانه مسئولان جمهوری اسلامی بارها وبارها اعلام نموده اندکه انقلاب ایران ،اسلامی است نه شیعی.و مابه همه مسلمانان کمک می‌کنیم وفرقی ندارد که شیعه باشند یا سنی که نمونه آن حمایت ایران از ملت مظلوم فلسطین‌استکه اکثرشان سنی می‌باشند.کمک ایران به مردم افغانستان استکه اکثرشان سنی می‌باشند.کمک های ایران به مردم‌عراق،لبنان و جاهای

دیگر بدون منظورنمودن سنی بودن یا شیعی بودن انجام گرفته است.واخیرا رهبر معظم انقلاب‌به کشورهای خلیج فارس ومنطقه پیشنهاد نموند که بیائید وبا هم یک نیروی امنیتی واحد برای حفظ وحراست ازکشورهایمان تشکیل بدهیم.همچنین سفرهای مسئولان کشورمان به منطقه از جمله سفر یکروزه رئیس جمهورکشورمان به عربستان ،نشان از برادری ومحبت ودوستی ایران با کشورهای مسلمان دارد.

«آیه اللّه مکارم شیرازی در مراسم گشایش دارالمبلغین آیه اللّه فلسفی در تهران با بیان این که دشمنان با استفاده ازبرنامه‌های فرهنگی و تبلیغی سعی در ایجاد درگیری و فتنه در جوامع اسلامی دارند،اظهار داشت:در چنین شرایطی‌لازم است با استفاده از مسجد ومنبر گرفته تا سایت‌های اینترنتی و ماهواره و با زبان مستدل،منطقی و مؤدبانه بهسوی‌برادران مسلمان دست دوستی و مودت دراز کرده تا نقشه‌های دشمن را خنثی کنیم».
«رهبرفرزانه انقلاب در عید غدیر 85فرمودند:چند راه برای شکست وارد کردن به بیداری اسلام در مقابل آنها باقی‌مانده است.یک راه عمده آنها همین مسئله شیعه وسنی است که بگویند جمهوری اسلامی ایران،جمهوری شیعه‌است وآن را در مقابل جامعه بزرگ اهل تسنن قرار دهند».

البته چند نفر در بین شیعیان وعده‌ای دربین اهل تسنن هستند که عالما یا جاهلا به تفرقه بین شیعه وسنی دامن‌می‌زنند.
بعضی از شیعیان گاهی به عناوین مختلف کارهایی انجام می‌دهند که باعث آزردگی برادران اهل تسنن می‌شود که این‌امر محکوم ومردود است وبرخلاف وحدت می‌باشد.البته هرچه درفضایل امیرمؤمنان علی ع کتاب نوشته شودوسخنرانی همایش برگزار گرد کم است وهرچقدر دراثبات ولایت حضرتش کار شود ارزشمند است وهرچقدرمجالس وهمایش‌ها در باره فضائل بیشمار بانو فاطمه زهراء سرور زنان عالم ،برپاگردد کم می‌باشدواگر هزاران کتاب‌درباره ولایت وامامت ائمه هدی علیهم السلام نوشته شود بازهم کافی نیست ولی بدون اهانت به مقدسات برادران‌اهل تسنن.بدون اهانت به بزرگان آنها.
همچنین بعضی از اهل تسنن نیز باید توسط رهبران سنی ارشاد شوند تا دست از کارهایی که به وحدت خدشه واردمی‌کنند

بردارند. گاهی با سخنرانی وگاهی با کتاب به شیعیان ومقدساتشان حمله می‌کنند وگاهی آنقدر افراط می‌نمایندکه ریختن خون شیعیان را حلال می‌دانند!اگرچه این فقط فتوای سلفیان وبعضی از وهابیان افراطی است.

یکی از راههای تقویت وحدت،تشکیل همایش‌ها وجلسات مشترک است تا عقیده شیعیان واهل تسنن بیان‌شود آنگاه همه متوجه می‌شوند که ایندو چقدر به هم نزدیک می‌باشند وشیاطین هستند که آنها را دشمن هم قرارمی‌دهند.

همچنین ارتباط تنگاتنگ سران کشورهای اسلامی مخصوصا کشورهای منطقه با هم بسیار در از بین رفتن‌تفرقه وبدگمانی‌ها نسبت به هم مؤثراست.

یکی دیگر از حربه‌های دشمن برای ایجاد اختلاف بین شیعه وسنی ،ترور رهبران شیعه یا سنی است تا آتش‌اختلاف را دامن بزنند.

در حادثه زاهدان با دستگیری مسئول بمب گذاری،ایشان اعتراف کرد که قصد داشتیم رهبران سنی را بکشیم وبه گردن‌نظام بگذاریم!

«یکی از کارمندان سازمان اطلاعاتی پاکستان اعلام کرد که این سازمان سعی در ترویج شهادت ثلاثه (گفتن اشهد ان‌علیا ولی الله در تشهدنماز) بین شیعیان را دارد که این امر موجب اختلاف و تفرقه بین شیعیان شده است.همچنین‌سازمان مذکور بدنبال تبلیغ علیه مرجعیت و دورکردن مردم از مراجع و حوزه‌های علمیه می‌باشد».

همچنین در آثار بجامانده از زرقاوی معدوم که دستش به خون صدها شیعه آلوده شده ،دستورالعمل او برای ایجاد فتنه‌علیه شیعیان به این صورت منعکس شده است:

«ازبین بردن وحدت میان شیعیان – ایجاد درگیری میان کردها وشیعیان – ایجاد درگیری بین گروه عبدالعزیز حکیم‌وگروه مقتدی صدر – تلاش برای اسقلال یافتن سنی‌های ایران از حکومت شیعه – انجام اقدامات تروریستی با وسایل‌بکار رفته با اثر انگشت شیعیان و ایرانی‌ها در اروپا»

«در توطئه گروه جندالسماء که با نیروی هزار نفری خود قصد تصرف نجف و کشتن مراجع تقلید واز بین بردن حوزه‌علمیه نجف را داشتند،رهبر این گروه بنام ضیاء عبدالرحمن کاظم الکرعاوی ،بر اساس مدارک موجود در دست‌مسئولان امنیتی عراق،چندین بار از لبنان به افغانستان سفر کرده ودر آنجا با برخی از سران القاعده دیدار کرده است.
او با مبالغی که با خود از خارج آورده بود سه هکتار زمین در خارج از نجف خریداری کرده و سلاحهای زیادی انبارنمود ونیروهای خود را آموزش می‌داد ودر کتابی که به نام قاضی آسمان چاپ نمود ادعا کرد که او امام زمان عج است‌وبزودی ظهور می‌کند.او در درگیری با نیروهای امنیتی عراق کشته شد (8) »!

«بعد از آزادسازی شهر تلعفر از دست تروریستها ،روحانیون آنجا گفتند:بیش ار پانصد تبعه عربستان سعودی وسوریه باکمک بعثیهاکه آنها را با پول اجیر کرده بودند،به آزار و اذیت مردم بویژه شیعیان و شکنجه وقتل آنها دست می‌زدند.آنهادر حالی که بر روی سر مردم اسلحه آماده شلیک میگذاشتند از آنها می‌خواستند که به حضرت علی ع توهین کنند (9) ».

امریکایی‌ها با گروههای تروریست ارتباط تنگاتنگ دارند وآنها را برای ایجاد اختلاف بین شیعه وسنی‌وگروههای مختلف درعراق بسیج می‌نمایند.

«یک مقام امنیتی اتحادیه میهنی کردستان عراق،از جلسه سری زلمای خلیل زاده دیپلمات عالی رتبه آمریکایی ،درسلیمانیه عراق پرده برداشت.
ا اظهار کرد:ملاقات محرمانه خلیل زاده با سه گروه تروریستی وهابی،در شهر سلیمانیه،مرکز اتحادیه میهنی کردستان‌عراق،برگزار شده است.
در این جلسه مقام امریکایی اعلام کرده ما حاضریم هرگونه پشتیبانی سیاسی،مادی و...به شما داشته و همچنین کمک‌کنیم تا

در حکومت آینده عراق نقشی داشته باشید ولی مشروط به اینکه تشکل جدیدی در خصوص ترور و بمب‌گذاری مقرهای احزاب شیعی و همچنین ترور علما و دانشمندان و رهبران احزاب شیعی درعراق ،بوجود بیاورید» .

یکی از ابزارهای استکبارجهانی که دهها سال است بوسیله آن به اسلام ضربه می‌زنند،فرقه ضداسلامی وضدتوحیدی وهابیت است .فرقه‌ای که به بهانه مبارزه با شرکف‌با قرآن مبارزه می‌کند .با پیامبر اعظم مقابله می‌نماید .باتوحید مبارزه می‌کند .با وحدت مسلمین مقابله می‌کند .

«بیشترین ضربه را به وحدت،وهابیون زده‌اند .فرقه‌ای که توسط سازمان اینتلیجت سرویس بریتانیا درست شد وبایدخاطرات مستر همفر را خواند تا با ماهیت این فرقه ضد توحید آشنا شد .

قسمتی از اعتقادات وهابیون :

این کارها علامت شرک است :خواندن قرآن با صدای بلند – !فرستادن صلوات بر پیامبر – برپایی جشن میلاد یا مراسم‌عزاداری برای ائمه ع – تسبیح بدست گرفتن – !گفتن لااله الا الله در تشییع جنازه – !تکرار لفظالله واسامی دیگرخداوند – نذر برای غیرخدا – کمک خواستن از غیر خدا – بستن نخ به ضریح .

در تاریخ وهابیت آمده که محمدبن عبدالوهاب سردسته این فرقه،مؤذن کوری را که دربالای مناره بر پیامبر صلوات‌فرستاد،کشت !

محمدبن عبدالوهاب می‌گفت :گناه صدای موسیقی درخانه زنان فاسد کمتر از کسی است که بالای مناره بر پیامبرصلوات بفرستد !

وهابیون در حجاز وپاکستان وعراق وکشورهای خلیج صدها شیعه را کشته‌اند ودر حج سال 85 دوروحانی عراقی را که‌به حج مشرف شده بودند دزدیدند وآنهارا کشتند !

یقینا این فرقه ریشه در استکبار جهانی دارد وابزار دشمنان توحید و دشمنان اسلام است .

وهابیون نه سنی هستند ونه شیعه !بلکه گروهی هستند که به ظاهر قرآن و پیامبر را قبول دارند ولی درباطن دشمن قرآن‌وپیامبر واسلام هستند ودیدیم که فرزندان وهابیون که طالبان وزرقاوی ها وبن لادن ها بودند چه کارهای زشتی مرتکب‌شدندوباعث

انزجار عده‌ای از مردم جهان از اسلام گردیدند ومردم خیال کردند اسلام این چیزی است که طالبان‌می‌گویند! یا اسلام دینی است که بن لادن می‌گوید!
البته سردسته های وهابیت مسئول جنایات وانحرافات این فرقه هستند واکثر پیروان آنها اطلاعی از ماهیت این سران‌خود ندارند وکورکورانه راه آنها را می‌روند».

یکی دیگر از حربه‌های دشمن آوردن افراد مشکوک به صحنه مقدسات مسلمانان است.از جمله خلق‌کردن یک فرد مشکوک عراقی بنام سید حسنی است که فعالیتهای او با کمک دشمنان اسلام،انجام می‌گردد.
باتوجه به اینکه از جمله مقدمات ظهور امام عصرعج،قیام شخصی به نام سید حسنی می‌باشد،آقای سید محمودالحسنی الصرخی از این مسئله استفاده کرده و خود را همان سید حسنی معرفی کرده است.پول‌های هنگفت‌وتلفن‌های ماهواره‌ای که دراختیار دارد باتوجه به سابقه طلبگی او در قم که فقیرانه زندگی می‌کرد،قابل تامل است.
تحرکات مشکوک این روحانی نظیر کشتن چند امریکایی و ایجاد زمینه اقدامات تلافی جویانه اشغالگران علیه‌شیعیان،باعث شده است تا شخصیت های برجسته عراق،احتمال ارتباط وی با سرویس های امنیتی خارجی راموردبررسی قرار دهند.

همچنین طرح خاورمیانه بزرگ توسط امریکا که تاکنون موفق به اجرای آن نشده است از خطراتی است‌که جهان اسلام را تهدید می‌نماید.
هدف از این طرح که از آن به عنوان« طرح بین المللی برای حمایت از اصلاحات و دمکراسی در خاورمیانه«ذکرشده،ایجاد یک سری نظامهای دموکراتیک وغربگرا در این منطقه است به نوعی که فرهنگ سیاسی و اجتماعی‌این منطقه ،به کلی متحول گردد و آنچه غرب،آن را زیر بنای تشکیل گروههای تروریستی می‌نامد،از میان برود.درحقیقت هدف اصلی از این طرح،غربی کردن فرهنگ عمومی این منطقه و از میان بردن اسلام به عنوان‌اصلی‌ترین مانع سلطه امریکا بر منابع حیاتی این منطقه است.
کشورهای اسلامی باید متوجه ابعاد این خطر باشند و بدانند که استکبار جهانی تا زمانی که کشورهای مسلمان دچارتفرقه وتشتت

می‌باشند،دست از این طرح وطرحهایی مانند این بر نمی‌دارد وتنها راه خنثی کردن این توطئه ها علیه‌جهان اسلام،انسجام اسلامی می‌باشد .

یکی دیگراز موانع وحدت امت اسلامی،دوستی و همکاری بعضی از سران دولتهای اسلامی با سران‌استکبار جهانی علیه منافع مسلمین است .

در این رابطه قرآن کریم بارها به مسلمانان هشدار داده که با دشمنان خدا دوستی وهمکاری نکنید .

یا ایهالذین آمنوا لاتتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء« ممتحنه 1«

ای مؤمنین !با دشمنان من ودشمنان خودتان دوستی نکنید .

واذان من اللّه ورسوله الی الناس یومالحج الاکبر ان اللّه بریء من المشرکین و رسوله»توبه3«

اعلام از طرف خداوند ورسولش به همه مردم که خدا ورسول از مشرکین بیزار هستند .

لذا باید این افراد بدانند که با همکاری با امریکا وکشوهای غربی که کمر دشمنی با اسلام بسته‌اند،مشمول این آیات‌قرار گرفته ومورد غضب پروردگار قرار می‌گیرند .

همچنین پیمانهائی که گاهی بعضی از سران کشورهای اسلامی بصورت مخفیانه بر ضد منافع جهان اسلام می‌بندند،ازنظر خداورسولش مردود است ومشمول آیه زیر می‌باشد :

والذین اتخذوا مسجدا ضرارا وکفرا وتفریقا بین المؤمنین وارصادا لمن حارب اللّه ورسوله‌من قبل»توبه107«

آنان که مسجدی درست می‌کنند تا مسلمین را دچار تفرقه نموده وبه آنان ضرر برسانند وپناهگاهی برای دشمنان خدا ورسول درست می‌کنند . . .

یکی دیگر از توطئه های دشمنان علیه اسلام،فعالیت واتیکان ودستگاههای کلیسای غرب علیه‌اسلام است .

«به نوشته روزنامه ولت.ام.زونتاج آلمان،واتیکان اخیرا برای جلوگیری از گسترش اسلام در جهان،بودجه کلانی را به‌این امر اختصاص داده است.یک میلیون نفر شبانه روز و در همه جا فعالیت می‌کنند تا از گسترش اسلام در جهان‌جلوگیری کنند ویکی از محورهای فعالیت آنان ،مخدوش کردن وجهه پیامبر اعظم ص و توصیف آن حضرت،بابدترین صفات است».
باید رسانه‌ها ومطبوعات جهان اسلام،چهره زیبای پیامبر اعظم ص را برای مردم جهان تبیین نمایند.

همچنین یکی دیگر از زمینه های تفرقه مسلمین،وجود غده سرطانی منطقه یعنی رژیم صهیونیستی است.
رژیمی که رسانه های دنیا را در دست دارد.نفوذ عجیبی در غرب به خصوص امریکا دارد.بطوری که برای ادامه حیات‌آن،غرب حاضر است دست به هرکاری بزند.دولتی که بر پایه تروریسم شکل گرفته وبه هیچ قانون بین المللی متعهدنیست و دستش به خون هزاران بیگناه آغشته است وهزاران انسان آزاده وبیگناه در زندان های این رژیم به سر می‌برند .
«هفته نامه الفاتح ارگان نیروی مسلح لیبی نوشت:صهیونیستها با تکرار و بزرگنمائی ادعای هولوکاست،جنایات‌مختلف خود علیه مسلمانان طی پنجاه سال اخیر را مخفی نگاه داشته‌اند.آیا جنایتهائی که صهیونیستها در طول نیم‌قرن،در فلسطین،صبرا وشتیلا وقانا وغیره مرتکب شده‌اند و هنوز هم مرتکب می‌شوند از آنچه که یهودیان ادعایش رادارند فجیع‌تر نیست؟(10)»

یکی دیگر از زمینه‌های اختلاف مسلمین،ملی گرایی و تفکرات ناسیونالیسم است.عربگرایی،فارس‌گرایی،ترک گرایی‌وغیره از عوامل تفرقه مسلمین است.
امام راحل فرمودند:این ملی گرایی اساس بدبختی مسلمین است.این ملی گرایی،ملت ایران را در مقابل سایر ملت‌های‌مسلمان قرار می‌دهد و ملت عراق را در مقابل دیگران.اینها نقشه هایی است که مستعمرین کشیده‌اند که مسلمین با هم‌مجتمع نباشند.(11)
مگر در اطراف پیامبر اعظم از همه نژادها واقوام نبودند؟از نژاد ایرانی،سلمان فارسی یا سلمان محمدی از بهترین یاران‌پیامبر بود.بلال حبشی از کشور دیگری بود.همچنین دیگریاران پیامبر که مربوط به قبیله‌های مختلفی بودند.اما همگی‌حول محور توحید

ونبوت ،بدون اختلاف نژادی وقومی زندگی می‌نموند.اگرچه گاهی افرادی بودند که دم از قومیت‌وملیت می‌زدند ولی پیامبر ص با آنها مقابله می‌نمودوآنها را نهی می‌نمود.

همچنین یکی دیگر از فتنه های استکبار جهانی علیه اسلام،اقدام به تحریف قرآن کریم و انتشار قرآنی‌تحریف شده می‌باشد.

«کتاب الفرقان الحق که توسط دو شرکت انتشاراتی امریکا منتشر شده شامل هفتاد وهفت سوره از جمله سوره هایی به‌نام الفاتحه،الجنه والانجیل است!وبسیاری از عقاید اسلامی در این کتاب مردود شمرده شده یا وارونه جلوه داده شده‌است.درابتدای هرسوره بجای بسم اللّه الرحمن الرحیم،جمله بسم اللّه آمده است.در یکی از آیات،ازدواج با بیش ازیک زن،زنا شمرده شده است.و در آیات دیگر،طلاق وجهاد ،حرام وغیر شرعی خوانده شده‌اند(12)».

آیا جهان اسلام در مقابل این فتنه،عکس العمل مناسبی نشان داد؟خیر.زیرا تشتت و تفرقه،باعث عدم توجه به این‌فتنه‌ها شده ودشمنان هم از جهان اسلام ،ترسی به دل ندارد زیرا ابهت آن شکسته شده است.

باسمه تعالی

مالیات مشروعیت یا عدم مشروعیت

1-وجوهی را که دولت از درآمدها،اموال و دارائیهای اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول مالیات،دریافت می کند،مالیات گویند.{ سالنامه آماری کشور سال 1373 ص534}

مالیاتها از نظر میزان و گوناگونی آن ها،مهمترین اهرمهای مالی دولت به شمار می آیند..

سابقه اخذ مالیات به هزاران سال قبل از اسلام بر می گردد که پادشاهان وحکام برای اداره امور کشور از مردم مالیات می گرفتند.

از جمله درباره اخذ مالیات در ایران قبل از اسلام آمده است:
درآمد دولت ایران از دو نوع مالیات ترکیب یافته بود : اول از خراج یا مالیات ارضی ، دوم گزیت یا مالیات سرانه .
زنان و کودکان و پیران از مالیات سرانه معاف بودند . مبنای وصول مالیات ارضی گریب یا جریب بود که تقریباً معادل دو هزار و چهارصد مترمیباشد. .
مالیات را معمولاً در سه قسط دریافت می داشتند که به اصطلاح آن روز سه مرک می گفتند . علاوه بر مالیات خراج و گزیت ، تقدیم تحفی نیز مرسوم بود که آن را آیین می نامیدند که در موقع شرف یابی به حضور شاهنشاه در عید نوروز و مهرگان تقدیم می کردند . از واردات ، عوارض گمرکی دریافت می داشتند .
دیگر درآمدها اتفاقی بود مانند گنج گاو و گنج بادآورده که به دست خسروپرویز افتاد . ونیز غنایمی که بر اثر فتح شهرهای دشمن بدست می آمد از درآمدهای اتفاقی بشمار می رفت .
مصارف دولت بیشتر عبارت بود از هزینهٔ جنگ و مخارج دربار و حقوق مستخدمان دولت و انجام امور عام المنفعه از قبیل بنای پلها وتعمیرسدها . در هنگام بر تخت نشستن شاه جدید همهٔ سکه های خزانه را گداخته و باتمثال شاه نو ضرب می کردند .
ارز عمده ای که در هنگام صلح به ایران وارد می شد عبارت از مبلغ هنگفت پول طلایی بود که دولت ایران بابت نگاهداری در بندیهای قفقازازرومیان می گرفت .
رئیس دیوان محاسبات کشور را ایران آمارکار **می خواندند که گاهی مقام وی معاونت بزرگفرمذار بود . عایدات سالیانهٔ دولت در زمان خسروپرویز به 240میلیون درهم ، تقریباً معادل 294 میلیون مارک طلا بوده است .**
&&&

مالیات در اقوام بختیاری

قوم بزرگ بختیاری به دو شاخهٔ هفت لنگ و چهار لنگ تقسیم می‌شود.

هفت لنگ شامل چهار باب بهداروند، بابادی، دورکی و دینارانی است

چهار لنگ شامل پنج باب محمودصالح (ممصالح)، کینورسی، زلقی(ذلکی)[میوند]] (ممی‌وند) و موگویی است .

براساس سنتی که در ایل وجود داشته گردش حکومت به‌وسیله مالیات سرانه ای بوده است که از دام داران می گرفتند ، اقتصاد حکومت خان ها براساس همین مالیات بود. این مالیات بر اساس میزان تولید فرآورده های دامی به نوع مراتع و وسعت آن و تعدا دام و تعداد نفراتی که در ایل قدرت کارایی در امر تولید دام و پرورش آن را داشته اند بستگی داشته ، همه بختیاری را از لحاظ گرفتن مالیات به دو بخش تقسیم کرده بودند

از یک بخش که دام زیادتر و مراتع بهتر داشته اند مالیات بیشتری دریافت می شد و از بخش دیگر مالیات

کمتردارد. چون هر مادیان چهارلنگ واحد گرفتن مالیات دامی در ایل، بر حسب مادیان تعیین می شد .

برای هر راس مادیان سالانه مقداری پول از 10 ریال تا 30 ریال به معیار آن زمان دریافت می کردند ،

جدول اخذ مالیات به شرح زیر بوده است

4راس گاو = یک راس مادیان = 10 ریال مالیات

4راس خر = یک راس مادیان = 10 ریال مالیات

1راس مادیان = یک راس مادیان = 10 ریال مالیات

چون یک راس مادیان برابر واحد گرفتن مالیات دامی به معنی چهارلنگ محسوب می شده ، افراد این منطقه که مشمول پرداخت این نوع مالیات بودند به چهار لنگ معروف شدند. گروه دیگر که قدرت مالی کمتر داشتند همین مقدار مالیات را به اندازه هفت لنگ مادیان می داده اند یعنی دوراس

مادیان(هشت لنگ) منهای یک لنگه یعنی هفت لنگ مادیان می داده اند یعنی دوراس مادیان(هشت لنگ)منهای یک لنگه یعنی هفت لنگ ،روی این اصل مردم این منطقه بنام هفت لنگ معروف شدند. جدول زیر این طبقه بندی را نشان می دهد.

7راس گاو = یک مادیان = 10 ریال مالیات

7راس خر = یک مادیان = 10 ریال مالیات

1راس مادیان +سه لنگ مادیان = 7لنگ مادیان = 10 ریال مالیات

در مورد همین مالیات گرفتن خوانین به دلایل سیاسی در خود ایل و نزدیکی و دوری طایفه ها به خوانین بین طوایف فرق می گذاشتند و به بعضی ها امتیازاتی می دادند.

گرفتن مالیات توسط کلانتریان ایل انجام می گرفت و درعوض خود این کلانتران از پرداخت مالیات معاف بودند {منبع:اینترنت}

2-پیامبر اعظم ص در ابتدای تشکیل حکومت اسلامی علاوه بر مالیتهای ثابتی چون خمس وزکات ،در حجاز بخصوص در سرزمین هایی که مربوط به یهود یا مسیحیان بوده است برای افرادیا گروههایی مالیات یا جزیه وخراج وضع نمودند.
از جمله:
الف-ـ پس از این که مناطق یهودی نشین خیبر,فدک و تیماء را با زور وادار به پیوستن به سرزمین های اسلامی کرد و مقرر داشت که نیمی از محصولات کشاورزی خود را به دولت اسلامی بپردازند و حق تصرف در سرزمین های آنان از آن پیامبر(ص) شد, پیامبر(ص) کسانی را برای برآورد و تعیین مقدار محصولی که به دست می‌آید نزد آنان می فرستاد و هنگام برداشت, کسی را می فرستاد تا سهم حکومت را دریافت کند. قابل ذکر است که فدک ملک شخص پیامبر(ص) به شمار می رفت.
ب-ـ برای مردم نجران که مسیحی و دارای استقلال و سازمان دهی اداری خاصی بودند, قراردادی تنظیم کرد که براساس آن, باید مقداری از محصول درآمد خود را ـ چه نقد و چه پارچه و پوشاک به حکومت اسلامی بدهند.

3-خلفای اول تا سوم نیز بر شهرهایی که به دست مسلمین فتح می شد مالیات می بستند.مثلا مالیات شهر تاریخی دینور در نزدیکی کرمانشاه که بسیار آباد وپر رونق بوده ، گویا متعلق به مردم شهر کوفه بوده وصرف این شهر می شده است.
4-در زمان امیرمؤمنان ع مسئله مالیات جایگاه مهمتری پیدا کرد بطوری که حضرت یکی از وظایف مهم فرمانداران وحکام را اخذ مالیات ،اعلام کرد:

امام علیه السلام در ابتدای نامه خویش به مالک هدف ازگماشتن وی به حکومت مصر را در چهار وظیفه عمده خلاصه می کند. به‌عبارت دیگر فلسفه عملی حکومت در اسلام به بیان امام در این‌چهار مقوله خلاصه می‌شود: «جبایه خراجها» فراهم آوردن خراج(مالیات) «جهاد عدوها» پیکار با دشمنان «استصلاح اهلها»
آموزش و تربیت مردم و «عماره بلادها» عمران و آبادانی شهرها.

*جبایه خراجها، اقتصادی پویا
فراهم آوردن مالیات مبتنی بر پیش فرض‌های اساسی است که بدون درنظر داشتن اصول و مبانی آن جلب مالیات امکان‌پذیر نیست. تلاش‌های‌اقتصادی انسان همواره برای کسب حداکثر بازده از حداقل منابع‌موجود است. تمام ابداعات و اختراعات بشر از ابتدایی‌ترین ابزارتا پیشرفته‌ترین فن آوری ها برای این است که بشر می‌خواهدبیشترین بهره‌وری را از منابع طبیعی و انسانی داشته باشد.
شکوفایی و رشد اقتصادی و به تبع آن، رشد سایر بخش‌های اجتماعی‌و فرهنگی در گرو بهره‌وری بالا از منابع کشور است.
در چنین وضعیتی است که می‌توان انتظار داشت مالیات جلب و باطیب خاطر از سوی تولیدکنندگان پرداخت گردد به نظر می‌رسد آن چه‌امام بر آن تاکید دارند تنها جمع‌آوری مالیات بدون در نظرگرفتن شرایط اقتصادی مردم نیست، زیرا مهم این است که مردم‌توان پرداخت مالیات را داشته باشند و امام(ع) نیز، صراحتا این‌مساله را تاکید می کند. نمونه‌های فراوانی وجود دارد که‌حاکمان جور، در گذشته بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی مردم،همت‌خویش را صرف گرفتن مالیات کرده و البته عواقب سوء این‌اقدام نیز گریبانگیر خودشان بوده است. امام(ع) با دوراندیشی ودرایت‌به مالک توصیه می کنند:

«ولیکن نظرک فی عماره الارض ابلغ من نظرک فی استجلاب الخراج لان‌ذلک لایدرک الا بالعماره و من طلب الخراج بغیر عماره اخرب البلادو اهلک العباد و لم یستقم امره الا قلیلا» ابتدا باید در آبادکردن زمین بکوشی تا بتوانی مالیات را دریافت کنی، زیرا مالیات‌به دست نمی‌آید مگر از راه عمران و آبادانی و کسی که مالیات‌بگیرد بدون این که کشور را آباد کند، مملکت را خراب کرده،بندگان خدا را هلاک ساخته و حکومت او نیز مدت زیادی دوام‌نخواهد داشت.

بدیهی است منظور حضرت از آبادانی زمین تنها افزایش تولیدات‌کشاورزی نیست، بلکه اشاره‌ای است‌به هر آن‌چه در زمین وجود دارداز منابع زیرزمینی و رو زمینی.

ایشان در جمله شیوای دیگر می‌فرمایند: «فان العمران محتمل ماحملته و انما یوتی خراب الارض من اعواز اهلها و انما یعوزاهلها لاشراف انفس الولاه علی الجمع، و سوء ظنهم بالبقاء و قله‌انتفاعهم بالعبر».

در کشور آباد و با زیربنای اقتصادی محکم (کشوری که در آن مردم‌ثروتمند هستند) هر اندازه مالیات بخواهی می‌توانی بگیری،

اماچنان چه مردم فقیر باشند و نتوانند در امور اقتصادی‌سرمایه‌گذاری کنند، مدیریت نظام نیز قادر نخواهد بود چیزی به‌عنوان مالیات از آن‌ها دریافت کند. فقر مردم نیز به علت‌جمع‌آوری ثروت و پول از سوی زمامداران است علت جمع‌آوری مال ازسوی مدیران نیز این است که به بقای خود امید ندارند و به قول‌محمد عبده برای روز پس از مسئولیت‌خود اندوخته می‌سازند و نیزبه علت این که از عبرت‌ها درس نمی‌گیرند. بنابراین لازم است‌مدیران جامعه فرصت‌هایی مناسب برای همه مردم فراهم آورند تاآن‌ها با تلاش و کوشش سرمایه‌های هر چند اندک خود را به کاراندازند و در جهت پویایی اقتصاد گام بردارند. {پاسدار اسلام ش 216}

5-در دنیای کنونی هیچ کشوری نمی تواند مالیات را از اقتصاد خود حذف نماید وهمه کشورها طبق قوانین خود از اقشار مختلف مردم مالیات اخذ می کنند.

بعضی از دولتها برای کسب درآمد،بدون توجه به عدالت اجتماعی ومصلحت جامعه خود،انواع مالیات وضع می کنند که گاهی نوع مالیاتی که اخذ می نمایندباعث تعجب انسان می شود.مثلا در زمان گذشته در کشورایران مالیات بر ریش وسبیل هم اخذ می شده است.

همچنین اخیرا خبری در مورد مالیات بر چندهمسری ها در بنگلادش منتشر شد:

شهردار شهر راجشاهی، چهارمین شهر از نظر وسعت در بنگلادش، اعلام کرده است که شورای شهر درصدد تصویب قانونی است تا مردانی که

با بیش از یک زن ازدواج می کنند ملزم به پرداخت مالیات به دولت شوند. او دلیل این امر را هم مبارزه با سنت "به دور از زمانه" چندهمسری اعلام کرده است. جالب اینجاست که نرخ مالیاتی هم که افراد باید به دولت بپردازند، بستگی به تعداد همسران دارد! یعنی مردی که برای بار دوم ازدواج کند باید معادل صد و چهل و دو دلار آمریکا مالیات پرداخت کند، مردی که سومین همسر را اختیار کند دوبرابر این میزان، برای زن چهارم سه برابر و الی آخر...!

6-با پیروزی انقلاب اسلامی،قوانین کشورمان طبق قوانین مترقی اسلام تنظیم شده است که یکی از مهمترین قوانین،قانون اخذ مالیات می باشد. با اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه واینکه ولی امر مسلمین همان اختیارات پیامبر ص وامیرمؤمنان ع را دارد،باید گفت از مهمترین دلایل مشروعیت اخذ مالیات از مردم،تایید ولی فقیه بر این امر است.
اخذ مالیات از اختیارات حکومتی است که دولت اسلامی زیر نظر ولی فقیه می تواند در هر زمانی برای هر چیزی بر طبق مصلحتی که ایجاب می کند مالیات وضع می نماید.زیرا مالیاتهای ثابتی چون خمس وزکات وامثال آن کفاف اداره جکومت اسلامی را نمی نماید.
توضیح مطلب:
در زمان پیامبر ص هرگاه اسلام نیاز به کمک مادی داشت مثلا جنگی پیش می آمد طبق دستور پیامبر ص،همه مسلمی نباید به صحنه می آمدند وهرآنچه داشتند در طبق اخلاص تقدیم پیامبر اکرم ص می نمودند.لذا هزینه های جنگها از طریق مردمی تامین می گردید.و البته درصد کمکها برای افراد مشخص شده نبود بلکه هرکسی باندازه ای که دوست داشت به حکومت اسلامی کمک می نمود.
این نحوه کمک رسانی برهمه مسلمین بصورت واجب کفایی بود تا همه مسلمانها به میدان بیایند ودراین آزمون الهی شرکت نمایند.
وکسانی که احیانا کمک نمی نمودند مورد مذمت خدا وپیامبرخدا قرار می گرفتند که در سوره توبه به چند مورد اشاره گردیده است.
در این رابطه می توان به آیه 219بقره استدلال نمود که فرموده است:
یسئلونک ماذا ینفقون قل العفو.
از تو می پرسندچه چیز انفاق نمایند؟بگو مازاد را.
در تفسیر نمونه ذیل آیه فوق آمده است:
بعد از اینکه خداوند به مسلمانان دستور داد برای پیشرفت حق انفاق نمایند،عده ای از اصحاب
نزد پیامبر ص آمدند وپرسیدند؟ما نمی دانیم چه مقدار از اموال خود را در راه حق خرج کنیم؟آیا همه را انفاق کنیم یا قسمتی را؟
آیه فوق نازل شد وبه آنها دستور داد در انفاق خود رعایت"عفو"کنند.

امام باقر ع فرمود:عفو یعنی آنچه از مخارج سال اضافه بیاید.
پس می توان نتیجه گرفت که وقتی جامعه اسلامی نیاز به کمک داشت باید همه کمک نمایند که نوع کمک ودرصد آن را پیامبر ص یا امام ویا جانشین امام تعیین می نماید البته با توجه به وضع مالی افراد.بطوری که مسلمانان به اندازه مخارج سالانه خود از درآمد خود استفاده کنند وقسمتی را هم در راه اسلام و در آن راههایی که ولی امر مسلمین دستور می دهد،صرف نمایند.
امام راحل عقیده داشتند:
اختیارات فقیه عادل همان اختیارات و شئونات پیامبر وص وائمه ع ،می باشد.وفرقی میان آنها نیست زیرا والی هرکه باشد مجری شریعت و برپادارنده حدود الهی و گیرنده خراج و سایرمالیاتها و تصرف کننده درآنها بنابر مصلحت مسلمین است{کتاب البیع ج2ص467}
الان که جمهوری اسلامی در این کشور برقرار شده است ،دولت کریمه برای اداره این کشور لابد وناچار از اخذ مالیات می باشد وبا تایید ولی امرمسلمین وطبق قوانین مصوبه در مجلس شورای اسلامی وتایید شورای نگهبان،مالیات مشروعیت یافته وواجب الهی می باشد وفرار از مالیات علاوه بر تخلف قانونی،تخلف شرعی محسوب می شود.
باتوجه به اهداف بلند نظام اسلامی واحساس مسئولیتی که نسبت به سعادت آحاد مردم دارد،باید درآمدهای بیشتری نسبت به کشورهای سرمایه داری ،داشته باشد تا به آن اهداف دست پیدانماید.
از جمله این اهداف،ایجاد عدالت اجتماعی،از بین بردن محرومیت وفقر،بالابردن فرهنگ علمی ودینی مردم می باشد.
7-مالیات در ایران در جایگاه مناسبی قرار ندارد.حداکثر سهم درآمدهای مالیاتی درایران از 31درصد درآمدهای دولت بالاتر نرفته ودرآمدهای دولت همچنان وابسته به منابع دیگر چون نفت می باشد.
درحالی که سهم مالیاتها از کل درآمدهای دولت در کشورهای صنعتی دستکم 40تا50درصد می باشد ودربعضی از کشورها به نوددرصد هم می رسد.
بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که 80 درصد مردم نمی‌دانند چرا مالیات می‌دهند و 20 درصد باقی‌مانده هم می‌دانند که چرا مالیات نمی‌دهند؛
به نظر می‌رسد باید در آموزش همگانی مردم، نسبت به پرداخت مالیات تلاش جدی‌تری انجام گیرد؛
باید برای آنهائی که نمی‌دانند چرا دارند مالیات می‌دهند، تبیین شود که مالیات دادن علاوه بر آنکه یک وظیفه ملی‌ست، می‌تواند به توسعه کشورشان در همه ابعاد مادی وفرهنگی کمک نمایند.
مسئله شرعی وجوب پرداخت مالیات باید برای مردم تبیین گردد واینکه در دولت اسلامی رعایت قوانین الزام شرعی دارد ونباید از پرداخت مالیات فرار نمود.

در حال حاضر انواع درآمدهای مالیاتی دولت بشرح زیر است:
الف:مالیات برشرکتها ب:مالیات بردرآمد{حقوق کارکنان-مشاغل-مستغلات} ج:مالیات بر ثروت{ارث-نقل وانتقالات سرقفلی} د:مالیات بروارادات{حقوق گمرکی-سودبازرگانی} ذ:مالیات بر مصرف وفروش{فرآورده های نفتی-مالیات بر فروش سیگار}
8-قسمتی از سخنان وزیر امور اقتصاد ودارایی قبل از خطبه های نمازجمعه تهران

وزیر امور اقتصاد و دارایی در سخنرانی قبل از خطبه های نمازجمعه تهران گفت: در برخی کشورها 90 تا 95 درصد ازهزینه های عمومی مورد نیاز دولت از طریق مالیات تامین می شود اما این رقم در ایران با تلاشهای صورت گرفته در سالهای گذشته حداکثر به 25تا 30 درصد رسیده است که با رقم های مرسوم در دنیا بسیار فاصله دارد.

به گفته دانش جعفری، حدود 32 درصد از تولید ناخالص داخلی برخی از کشورها از درآمد مالیاتی تامین می شود درحالی که این رقم در ایران با تلاشهای صورت گرفته به پنج تا هفت درصد رسیده است.

وی در ارتباط با احتمال طرح این موضوع که ممکن است در ذهن برخی ایجاد شود مبنی بر اینکه با وجود درآمد نفتی، چه نیازی به درآمد مالیاتی درکشوراست، اظهار داشت : منابع نفتی پایان پذیر هستند و درآمدهای نفتی قابل اتکا نیستند لذا از حالا باید برای مواجهه با شرایطی که ممکن است منابع نفتی پایان یابد و در آمدی از آن محل وجود نداشته باشد، آمادگی پیدا کنیم .

وزیر امور اقتصاد و دارایی درآمد نفتی را یک درآمد سهل الوصول دانست که بدون تلاش کافی کسب می شود و افزود: اتکا به درآمد نفتی سبب می شود عوامل اقتصادی کشورفعال نگردد، تولید لطمه بخورد واشتغال ایجاد نشودوبدنبال آن مشکلات اجتماعی پدید آید .

وی بروز بیماری هلندی در اقتصاد را یکی از آثار اتکا به درآمد های نفتی عنوان کرد و افزود: به همین دلیل در سند چشم انداز 20 ساله کشور که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است، کشور باید تا پایان پنجمین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی کشور یعنی هشت سال دیگر، بتواند هزینه های مورد نیاز خود در بخش جاری را که بخشی از هزینه های عمومی است، از محل درآمد های غیرنفتی که به طورعمده در آمد مالیاتی می باشد، تامین کند .

دانش جعفری تاکید کرد: منظور از در آمد مالیاتی آن نیست که دولت از کاسب فقیر و یا کارخانه زیان ده مالیات بگیرد بلکه معنای آن این است

که دولت باید کاری کند که کسب و کار و تولید رونق یابد، در این صورت دولت سهمی از افزایش درآمد خواهد داشت و تحت عنوان در آمد مالیاتی از آن استفاده می کند .

به گفته وی، دادن مالیات در برخی کشورها یک تکلیف قانونی بزرگ تلقی می شود و با کسانی که وظیفه قانونی خود راانجام نمی دهند برخورد شدید می‌شود.

9-همانطور که در سخنان وزیر اقتصاد ودارائی ذکرشده ،نظام اسلامی همانند دولتهای طاغوت نیست که بدون توجه به توان افراد وبحث توزیع ثروت در جامعه و مسئله مهم ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه،بخواهد مالیات ظالمانه بر همه افراد واقشار بگذارد بطوری که کمر بعضی از افراد در زیر مالیات خم شود.خیر این گونه نیست.بلکه مالیات باید طبق تمکن وثروت افراد واقشار مختلف جامعه تنظیم شود وفشاری طاقت فرسا بر افراد وارد نشود.

مالیات باید جایگاه خود را پیدا کند مخصوصا شامل افراد واقشار وشرکتها وکارخانجاتی که مشمول مالیات های کلان هستند ولی به لطایف الحیلی از مالیات فرار می نمایند،بشود.

10-در انتها درباره فشار بیش از حد مالیات بر یکی از مؤمنین در زمان امام صادق ع که مجبور می شود از طرف حضرت توصیه نامه ای ببرد روایتی برای ختام این نوشتار آورده می شود:

محمدبن جمهور گوید: نجاشی حاکم اهواز بود یکی از کارمندانش بخ امام ششم(ع)
عرضکرد در دفتر نجاشی خراجی به عهده من است و اومؤمن و مطیع شما است اگر صلاح بدانید برایم به او توصیه ای بنویسید : امام ششم (ع) نوشت:
((بسم الله الرحمن الرحیم سرّ اخاک یسرک الله))
برادرت را مسرور نما تا خدا تو را مسرور نماید.
پس نامه را ببنزد نجاشی آورد در زمانیکه در جلسه عمومی بودند و چون مجلس خلوت شد نامه را به او داد و گفت این نامه امام صادق(ع) است . نجاشی نامه را گرفته و بوسید و روی دیده گذاشت و گفت حاجتت چیست. گفت در دفتر شما خراجی بر گردن من است نجاشی گفت چه مقدار ؟

گفت: ده هزار درهم . نجاشی دفتر دارش را خواست و دستور داد از حساب خود او بپردازد و سال آینده نیز همان مقدا برای سال آنده بنویسد.
پس گفت: آیا تو را شاد کردم گفت آری قربانت پس اسب و کنیز و نوکری به او داد و همچنین یکدست لباس. پس گفت فرش اطاق که روی آن نشسته بود، را نیز به او دادند . مرد فرش و هدایا را برداشته و به خدمت امام ششم مشرف شد و جریان را گفت حضرت از رفتار نجاشی مسرور شد آن مر د گفت مثل اینکه برخورد نجاشی شما را خوشحال کرد فرمود: آری بخدا .خدا و پیامبرش را هم شاد کرد.{خوبیها وبدیها ج1}

باسمه تعالی

علل عقب ماندگی مسلمین در عصر حاضر چیست؟

یکی از سؤالاتی که عده ای از جوانان می پرسند این است که با اینکه ما مدعی هستیم اسلام کاملترین دین بوده ودر حقیقت اسلام متضمن سعادت دو جهان انسانها می باشد پس چرا در عصر کنونی ،کشورهای بی دین وکافر از نظر مادی ،بسیار پیشرفته و به ظاهر سعادتمند هستند وچشم هر بیننده ای ازتماشای آن همه تمدن وصنعت و امثال آن خیره می گردد.ولی کشورهای مسلمان اکثرا عقب مانده بوده بطوری که در پاکستان و بنگلادش بیش از پنجاه درصد مردم فقیر هستند وفاصله زیادی تا تمدن غرب دارند؟وفقط بعضی از کشورها مانند مالزی توانسته اند قدمهای خوبی را در وادی توسعه وپیشرفت بردارند.

نکند علت این امر،مخالفت اسلام ودین با پیشرفت باشد.نکند قرآن کریم مخالف ومانع اصلی

رسیدن کشورهای اسلامی به قله های پیشرفت می باشد؟نکند علمای اسلام همانند عالمان مسیحی در قبل از رنسانس،مانع پیشرفت هستند؟وباید برای رسیدن به غرب،این عالمان را کنار بزنیم!

در جواب این شبهه وپرسش جدی،باید بگوئیم که خیر،برخلاف کشورهای غربی که یک زمانی کلیسا با دشمنی با علم ودانش مانع پیشرفتشان بود،اسلام دینی است که بیشترین تاکید واهمیت وارزش را برای علم و دانش در همه فنون وموضوعات قائل شده بطوری که فقهاء بزرگ ،کسب علم ودانش در علومی که کشور اسلامی به آن نیازدارد واجب کفایی اعلام کرده اند.و در هیچ آیه وحدیثی سراغ نداریم که با علم ودانش مخالفتی شده باشد.

و بایدعلل پیشرفت حیرت انگیز غرب ازیک طرف وعقب ماندگی مسلمین از جهت دیگررا در عوامل دیگری جستجو نمائیم از جمله:

1-حکام نالایق وشهوت ران وجنایتکار همواره بر جهان اسلام حکومت می کرده اند و ابدابه فکر سعادت مسلمین نبودند و اگر آزادمردی مانند سید

جمال اسد آبادی هاوامیرکبیرها پیدامی شد او را می کشتند.
، جنگها و فرقه گرایی ها به همراهی وجود پادشاهان ظالم و مستبد و بی بهره از علم و دانش که فقط در فکر شهوترانی و زندگی در قصر ها و کاخهایی که از ظلم و غارت اموال مردم بدست آورده بودند و از بین بردن ریشه علم و علماء بودند باعث شد که تمدن اسلامی که از قرن دوم شروع شده بود ودرحالی که اروپا در توحش به سر می برد،مسلمانان قافله سالار علم وتمدن بودند،از حرکت خود باز ایستد و جهل و جهالت و فساد و تباهی جای آنرا بگیرد.
و به جای پیشرفت علمی در راه بهتر ظلم کردن و استثمار ملتها پیشرفت داشته باشند و کار بجایی برسد که آغامحمد خان قاجار پس از تصرف شهر کرمان نزدیک به 20 هزار جفت چشم از مردان آن در آورد و یا شاه عباس بزرگ تمام فرزندان و برادران و مردان فامیل خود را از ترس اینکه مبادا سلطنتش مورد خطر قرار گیرد کور کند و یا آنها را بکشد و پادشاه دیگری در عوض یک کنیز گرجی 17 شهر ایران را به اجنبی واگذار کند و امثال این نکته های تاریخی که انسان بر بدبختی مردم آن دورانها تأسف بسیار می خورد.
در حالی که در همان زمان یعنی قرن هیجده انقلاب صنعتی در اروپا شروع شد واروپایی که تا آن زمان در توحش بسر می برد ،ناگهان حرکت سریع پیشرفت وتمدن را شروع کرد تا اینکه قافله سالار علوم صنعتی درجهان گردید.
درباره حاکمیت جهل بر اروپاوتوحش غرب قبل از رنسانس ،به چند مطلب اشاره می نمایم

خانم دکتر هونکه می نویسد:
((ششصد سال قبل کتابخانه دانشگاه طب پاریس کوچکترین کتابخانه دنیا بود این کتابخانه فقط دارای یک کتاب بود و این کتاب نیز نوشته یکی از دانشمندان اسلام بود. این کتاب آنقدر برایشان ارجمند بود که حتی لودویگ یازدهم که پادشاهی با ایمان و مسیحی بود و می خواست این کتاب را به امانت بگیرد می بایست یکصد سکه طلا و دوازده سکه نقره به ودیعه بگذارد و این کتاب را کرایه کند تا اینکه پزشکان خصوصی اش از آن رونویسی کرده تا در موارد بیماری و چه در دوران سلامتی به عنوان یک فرهنگ امراض و دستورات طبی از آن استفاده کنند.))

خانم دکتر هونکه می نویسد:
((زنهای اروپایی پودر زدن را که قبلا با آن نا آشنا بودند از مسلمانان آموختند. مشرق زمین این ماده خوشبو را ساخته و طریقه تهیه اش را در اختیار اروپا گذاشت و مردهای اروپائی هم از آن به بعد به تقلید از رهبر مسلمین ، صورتهایشان را به وسیله ریش گذاشتن زینت می کردند. حمام و شستشوی بدن از چیزهای خاصی است که بوسیله مسلمین به اروپائیان آموخته شد)).

"در دوران تمدن اسلامی در اروپا طاعون را مرگ سیاه لقب داده و کار خدا می دانستند و از مقابله با آن عاجز بودند ولی طبیبان مسلمان راه مبارزه با آن را به بشر آموختند در کتاب تاریخ عرب آمده است:
(ابن خطیب ، طبیبی بود که به مقام وزارت رسید. از قرن چهاردهم میلادی که مرگ سیاه اروپا را درو می کرد و مسیحیان حیرت زده طاعون را کار خدا می دانستند این طبیب مسلمان ضمن رساله ای فرضیه مسری بودن طاعون را ثابت کرد و چنین نوشت: اگر گویند چگونه ادعای سرایت این زاید را قبول کرد در صورتیکه شرع آنرا رد کرده است گوئیم: وجود سرایت به تجربه و استقراء و حس و مشاهده و خبرهای متواتر ثابت شده و مایه های برهان همین است و هر که بخواهد بداند این نکته را در می یابد که نزدیکی به بیمار موجب هلاکت و دوری از او موجب سلامت است. و باید دانست که به سبب لباس یا ظرف یا حتی گوشواره ای مرض به خانه یا محله ای می رود).

خانم دکتر هونکه در کتاب فرهنگ اسلام در اروپا درباره وضعیت و کیفیت معالجه بیماران در اروپا در دوران تمدن اسلامی می نویسد:
موقعی که اسامه و معین الدوله حاکم دمشق با اسب در کنار دریای طبریه یم راندند آقای ویلهلم فون بورن این مطلب را برای اسامه تعریف کرد که : یکی از اشراف مقتدر کشور ما مریض بود و داشت می مرد. ما یک روحانی معروف عیسوی مراجعه و تمنا کردیم که با ما بیاید و در هر حال از آن شخص دیدار کند . او جواب مساعد داده و با کمال میل با ما آمد. ما مطمئن بودیم که اگر او فقط دست به مریض ما بگذارد مریض شفا خواهد یافت.
موقعیکه بیمار را دید گفت: موم بیاورید. قدر موم برایش تهیه کردیم . او موم را نرم کرد و به شکل بند های انگشت در آورد و سوراخهای بینی وی را با آنها محکم بست و بیمار مرد.
وقتی ما خبر مرگ بیمار را به آن روحانی کلیسا دادیم جواب داد: بلی چون او خیلی درد می کشید از این جهت راه تنفس بینی اش را مسدود کردم تا اینکه بمیرد و راحت شود.
دست گذاشتن روی بدن مریض دفع جن کردن و دعا خواندن بهترین روشهای درمانی بودند که پزشان اروپائی ، یعنی همان روحانیون و رهبانان به کار می بستند تا به قول خودشان بشریت مریض را از رنج جسمی اش خلاص کنند.
باز در جای دیگر از زبان ثابت بن قروه یکی از پزشکان مسلمان می نویسد:
یکی از اشاف را آورده بودند که رانش دمل در آورده بود و یک زن که تب شدیدی داشت .روی دمل او مرهمی که چرک را می کشد گذاشتم ، دمل سرباز کرد و مرد داشت رو به بهبودی می رفت. برای آن زن هم دستور خوراکی دادم که آنهم رو به سلامت می رفت.
بعد یک طبیب فرانکی آمد و گفت : این شخص (ثابت) نمی تواند شما را معالجه کند و رو کرد به آنکه پایش دمل داشت و سؤال کرد: دلت می

خواهد با یک پا زندگی کنی یا با دو پا بمیری ؟ او جواب داد که می خواهم با یک پا زندگی کنم.
طبیب فرانکی دستور داد که یک مرد قوی با یک تبر بیاید. مردی تبر به دوش آمد و من حضور داشتم.
در این هنگام طبیب پای مریض را روی یک کنده قرار داد و به مرد تبر بدست دستور داد با یک ضربه پای مرد بیمار را قطع کند. او با تبر ضربه ای بر پای مریض فرود آورد پا با آن ضربه قطع نشد و او ضربه دومی را فرود آورد. با این دو ضربه هولناک مغز استخوان او بیرون آمد و بیمار در همان ساعت جان سپرد . آنگاه طبیب فرانکی آن زن را آزمایش کرد و گفت: این زن شیطان بر روی سرش جای گرفته است و عاشق او شده است.
موهای او را بچینید و آن زن بدون پرهیز دوباره غذاهائی را می خورد که همشهریانش می خوردند و با خوردن سیرو خردل تب او دوباره شدت یافت.
پزشک گفت: شیطان به مغزش وارد شده است و با این جمله دست برد و یک تیغ سلمانی برداشت و برش صلیب وار به پوست سر او وارد آورد و پوست را از وسط کشید تا اینکه استخوان جمجمه نمایان شد. آنگاه با نمک استخوان جمجمه را مالش داد. و آن زن در همان حال مرد.

یکی از اولین بیمارستانهای اروپا هتل دیو(پناهگاه خدا) در پاریس بود (تاریخ تأسیس 1736 میلادی) که به قول افرادی که در آن زمان مشاهده کرده اند ، بهترین بیمارستان اروپا بود.
روی زمین آجر فرش ، علف خشک پهن کرده و روی این علفها بیماران تنگ هم خوابیده بودند پای یکی کنار سر دیگری بچه ها کنار پیرها بله حتی چیزی که باور کردنی نیست ولی واقعیت دارد اینکه زن و مرد مخلوط بودند و افراد دارای امراض مسری کنار بیماران بانقاهت جزئی همه تنگ هم و کنار هم بودند طوریکه بدنهایشان به همدیگر چسبیده بود. زنی با درد زایمان ناله می کرد، بچه ای در پیچ و تاب مرگ بود، یک بیمار مبتلا به تیفوس با آتش تب در حال هذیان و کابوس ، مسلولی سرفه می کرد و بیمار جلدی با نخنهایش دیوانه وار پوست بدن خود را که خارش و سوزش داشت خراش می داد. غالبا ابتدائی ترین مایحتاج در دست نبود. بدترین غذا را به بیمارستان می دادند و آن فقط آن هم نه به اندازه کافی و نه سر وقت ، بلکه در فواصلی نامعین ، غذا فقط آن وقت زیاد می شد که مردم خیرخواهی که به ملاقات یم آمدند همراه می آوردند به این خاطر درب بیمارستان شب و روز باز بود هر کسی می توانست بیاید و هر چیز خوراکی که می خواهد همراه خود برای بیماران بیاورد. بدین ترتیب اگر مریضی در یک روز از فرط گرسنگی نیمه جان می شد در عوض روز دیگر شاید می توانست بر اثر پر خوری رودل کند بحال اغماء بیافتد و بمیرد.
تمام ساختمان پر بود از مگس و حشرات نفرت انگیز هنگام صبح داخل سالنهائیکه بیماران خوابیده بودند ، هوا بقدری متعفن بود که محافظین و پرستاران جرأت نمی کردند داخل شوند مگر اینکه اسفنجی بسرکه آغشته جلوی بینی و دهان بگیرند . جسد مرده ها معمولا 24 ساعت و غالبا بیشتر

در همان مکان که جان داده بودند به جای می ماند تا اینکه بعدا حمل کنند. مریض های دیگر می بایست در تمام این مدت در کنار جسد بیجان بسر ببرند در حالیکه جسد در این جو نامساعد بزودی بو یم گرفت و اطرافش مگسهای سبز رنگی که لاشه خوارند جمع می شدند."

2-حمله مغولها به کشورهای اسلامی از دیگر سقوط تمدن اسلامی بوده است. که بر سر راه خود از هیچ چیز نمی گذشتند. مردو زن و کودک را می کشتند آثار تاریخی و هنری را خراب کرده می سوزاندند کتابخانه ها و مراکز فرهنگی را با خاک یکسان یم کردند و دهها مورد از این اعمال وحشیانه و خلاف عقل انجام دادند.
ویل دورانت در این زمینه می گوید:
تاخت و تاز مغولان فقط چهل سال بود. نیامده بودند که فتح کنند و بمانند بلکه می خواستند بکشند و غارت کنند وحاصل آنرا به مغولستان ببرند.
وقتی که موج خونین مغول باز پس رفت آنچه بر جای ماند عبارت بود از اقتصادی به شدت آشفته قناتهایی ویران یا کور مدرسه ها و کتابخانه هایی سوخته دولتهای چنان حقیر وضعیف و از هم گسیخته که قدرت اداره کشور را نداشتند.
و نفوسی که به نیم تقلیل یافته و روحیه خود را باخته بودند. اگر چه پیش از حمله خارجی ، لذت طلبی ، خستگی جسمی و روحی ، بزدلی و بی لیاقتی جنگی ، فرقه گرایی و جهل طلبی مذهبی ، فساد و هرج و مرج سیاسی ، دولت را به اضمحلال کشانیده بود. این عوامل باعث شد که فقرو فلاکت جایگزین رهبری جهانی آسیای باختری شود و دهها شهر آباد و معتبرشام و بین النهرین و قفقاز و ایران و ماوراءالنهر را به فقرو بیماری و عقب ماندگی کنونی دچار سازد.
3-اکثر دانشمندانی که در کشورهای غربی زندگی می کنند وغرب از آنها بهره فراوان می برد،مسلمان وشرقی هستند.هزاران دانشمندایرانی در کشورهای غربی به خدمت مشغولند وغرب ،تمدن خودرا مدیون آنها می داند.
اگر روزی این دانشمندان به کشورهای خود برگردند،آن روز ،روزعزای غرب وروز بوجود آمدن انقلابی بزرگ درکشورهای جهان سوم ومسلمان خواهد بود.
4-اززمان امام باقر ع که فضای مناسبی برای پرورش علم ودانش در جهان اسلام پدید آمد تا حمله مغولها،تمدنی بزرگ بنام تمدن اسلامی در جهان اسلام بوجود آمد که هنوز آثار آن در جهان علم به چشم می خورد.

اسلام طی پنج قرن از سال 81 تا 597 هجری قمری از لحاظ نیرو ، نظم ، بسط قلمرو حکومت، تصفیه اخلاق و رفتار، سطح زندگانی ، وضع قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی ، ادبیات ، دانشوری ، علم ، طب و فلسفه ، پیشاهنگ جهان بود.

این سخنان مورخ معروف ویل دورانت است که درباره اهمیت تمدن اسلامی نوشته است.
شخص دیگری بنام دلامبر می نویسد:
اگر در میان یونانیان دو یا سه نفر یافت یم شدند که دارای جنبه تحقیق بودند ولی در میان یونانیها شاید یک نفر هم پیدا نشده است که در علم شیمی از طریق تجربه وارد شده باشد ولی در اسلام صدها از این قبیل اشخاص بوده اند.
خدمت مسلمین تنها این نبود که علم را از راه تحقیق و اکتشاف ترقی دهند بلکه روح مخصوصی در آن دمیده و به وسیله نوشتن و گفتن تحریر و نگارش و مدارس عالیه آنرا در دنیا اشاعه و انتشار دادند و در دنیای علوم و معارف اروپا از این را هاحسانی نمودند که نمی توان برای آ‹ حردی تصور کرد و مسلمین قرنها استاد علوم و فنون ملل اروپا بودند.
و رسومی می نویسد:
دانشمندان و بزرگان ایران نشان دادند هنگامیکه اروپا در خواب نادانی و توحش مانده بود ایران به ان مرتبه و مقامی رسید که عقائد و افکار قرن بیستم بعدا از آن پدیدار گردید.
و باز ویل دورانت درباره تأثیر هنر اسلامی در اروپا می نویسد:
برجهای کلیساهای مسیحی و برجهای ناقوسی به نسبت زیاد مدیون منارههای مساجد است.
تجدید رونق سفالکاری هنری در ایتالیا و فرانسه نتیجه انتقال سفالگران مسلمان به این دو کشور و سفر سفالگران ایتالیا به اندلس اسلامی بود.
آهنگران و شیشه گران و نیز وجلد سازان ایتالیا وزره بافان و اسلحه سازان اسپانیا همه هنر خود را از صنعتگران مسلمان فرا گرفته بودند. تقریبا در همه مناطق اروپا بافندگان به دیار اسلام توجه داشتند که از آنجا نمونه و نقشه بگیرند .حتی باغها به نسبت زیدد از باغهای ایرانی نشان داشت.
و ابن خلدون که از استعداد در نبوغ دانشمندان ایران تعجب کرده می گوید:
در ملت اسلام بیشتر دانشمندان چه در علوم دینی و چه در علوم عقلی ایرانیان بوده اند و حتی صاحبنظران علم نحو و دستور زبان عربی مثل سیبویه ،فارس ،زجاج ، اخفش ایرانی بوده اند. لذا پیامبر اسلام فرمود: اگر علم در آسمانها باشد، مردانی از فارس به آن می رسند.
و خانم دکتر هونکه درباره تأثیر تمدن اسلام در اکثر علوم امروزی می نویسد:
تمدن اسلامی که بوسیله مسلمین شروع شد نه تنها ارثیه یونان را از انهدام و فراموشی نجات داد و آنرا اسلوب و نظم بخشید و به اروپا داد بلکه آنان پایه گذار شیمی آزمایشی ،فیزیک ، جبر ، علم حساب بمفهوم امروزی و مثلثات فضائی ، زمین شناسی و جامعه شناسی هستند. تمدن اسلامی تعداد زیادی کشفیات گرانبها و اختراعات در همه بخشهای علم تجربی که اکثر آنها را بعد ها نویسندگان اروپائی دزدانه به حساب خودشان گذاشته اند به مغرب زمین هدیه کرده است. ولی گرانبها ترین آنها شاید اسلوب تحقیقات علم طبیعی باشد که این پیشقدمی مسلمانان بود که جای پا برای اروپا باز

کرد تا منجر به شناخت قوانین طبیعت و فقوق و کنترل آن گردید.
گوستاولو بون می گوید :
تا به اینجا این مطلب ثابت شد که اکتشافات مسلمانان در طبیعیات اهمیتش کمتر از ریاضیات و علم هیئت نبوده و پایه معلومات مسلمانان در فیزیک و به خصوص امور بصری آن بلند و عالی است.
و مسلمانان بودند که آلات دقیق مکانیک را اختراع کردند. و هم آنها بودند که مهمترین ترکیبات شیمیائی مانند الکل و اسید ازتیک و اسید سولفوریک را کشف کردند و آنها بودند که لازم ترین کارها را در این باره انجام دادند مانند عمل تقطیر و غیره و آنها بودند که از علم شیمی در راه داروسازی و صنعت به خصوص استخراج معادن و ساختن فولاد و چرمسازی و غیره استفاده کردند. و آنها بودند که باروت و اسلحه های گرم جنگی را اختراع کردند و از پارچه کهنه کاغذ ساختند.
و به ظن قوی قطب نما را در قسمت کشتی رانی مورد استفاده قرار دادند واین اخترع مهم را بر اروپا آوردند و سیاحت آینده نیز دلیل دیگری است بر اینکه آنها در علوم طبیعی نیز برتری داشته اند.
وجود این تمدن ثابت می کند که اسلام عامل پیشرفت می باشد.اسلام خود بوجودآورنده تمدن است.
5-کشورهای اسلامی قبل از اسلام چقدر دانشمند داشتند وچقدر پیشرفت علمی داشتند وبعد از اینکه اسلام وارد آن کشورها شد چقدر پیشرفت داشتند؟
در کشور ایران قبل از اسلام متاسفانه علم ودانش جایگاه خوبی نداشت وغیر از دانشگاه جندی شاهپور که در مورد کیفیت آن هم تاریخ با ابهام سخن گفته،ما کمتر شهر ودیاری داریم که محل گفتگوی دانشمندان باشد ویا در آنجا دانش ارزشمندباشد.
پادشاهان اجازه بهره مندی مردم ازدانش را نمی دادند و گاهی در مقطعی از تاریخ، سوادآموزی منحصر به طبقه خاصی بود وبقیه طبقات از این نعمت محروم بودند.
اما باورود اسلام به ایران عزیز،تحول بزرگی اتفاق افتاد ومحافل علمی فراوانی تشکیل شد وکتابخانه های عظیمی برپا گردید ودانشمندان وهنرمندان فراوانی تربیت شدند بطوری که در جهان کنونی باهمه تبلیغات سوئی که دشمنان درباره ایران مقدس انجام می دهند،جهانیان . کشورمارا مهد علم ودانش وهنر می دانند اسلام ایران را متحول کرد وبه قطب علمی تبدیل نمود.بطوری که تمدن اسلامی بیشترمدیدن دانشمندان مسلمان ایرانی است.
پس اسلام عامل پیشرفت و تمدن می باشند نه مانع آن.
6-بامقایسه ای بین ایران قبل ازانقلاب با ایران بعد از انقلاب اسلامی ،در میبابیم که

با انقلاب اسلامی،جهش بزرگی در علم ودانش ایران پدیدار شد وتحول بزرگی درعلم ودانش رخ داد وناگهان ایران فاصله بسیار زیاد خود با تمدن غرب راطی کرده ودر بعضی از دانش ها هم تراز آنان حرکت می کندودر بعضی از فنون ودانش ها با فاصله کمی پشت سر غرب در حرکت است وامید داریم با عنایت الهی وبانظر لطف امام زمان عج وبا رهبری های حکیمانه مقام عظمای ولایت،طولی نکشد که برنامه بیست ساله به ثمر بنشیند وایران به عنوان جایگاه اول در منطقه ودرخاورمیانه در همه علوم وفنون ظاهر گردد.انشاءالله تعالی.

جلاء العیون علامه‌مجلسی

ارشاد شیخ مفید

منتهی الامال شیخ عبّاس‌قمی

زندگانی حضرت فاطمه(س) رسولی محلاّتی

اللّهوف سید جلیل بن طاووس

فوائد المشاهد شیخ جعفرشوشتری

مقتل ابی مخنف ابی مخنف بن لوط

سخنان امام حسین(ع)ازمدینه تاکربلا محمدصادِ نجمی

تاریخ زندگانی امام حسین(ع) عمادزاده

درکربلاچه‌گذشت؟« نفَس المهموم شیخ عباس قمی» ترجمه‌محمدباقرکمره‌ای

ستارگان درخشان محمدجوادنجفی

بحارالانوار علاّمه مجلسی

داستانهای شگفت‌شهید دستغیب

مفاتیح الجنان‌شیخ عباس قمی

برنامۀ سلوک‌علی شیروانی

هزارویک نکته دربارۀ نمازدیلمی

مجمع المعارف ومخزن العوارف‌محمدشفیع بن محمدصالح

عصر امام خمینی(قدس سره)میراحمدرضا حاجتی

روزنامه‌های:

اطلاعات،کیهان،جمهوری اسلامی ،رسالت،کیهان هوائی

اخلاِ وخودسازی آیۀ الله مظاهری

قصار الجمل

تفسیر دررالمنثور

ثواب الاعمال شیخ صدوِ

جامع احادیث الشیعۀآیۀ الله بروجردی

بحارالانوارعلامه‌محمدباقرمجلسی

داستانهایی اززندگی‌علماءج2مؤلف

میزان المکمۀمحمدی ری شهری

وسائل الشیعۀشیخ حُر عاملی

اصول کافی‌مرحوم کلینی

مستدرک الوسائل‌میرزاحسین نوری طبرسی

خوبیها وبدیهامؤلف

مجله گلستان قرآن مسجد جامعی

سفینۀ البحارشیخ عباس قمی

کشکول صرفی محمد تقی صرفی

قصص العلماءمحمد رضا تنکابنی

روضات الجناتخوانساری

مفاهیم قرآنمحمد تقی صرفی

سرگذشتهای ویژه از زندگی امام

پرسش وپاسخهایی درشناخت تاریخ وعلوم قرآنیدکتر مجید معارف

تأثیر قرآن وحدیث در ادبیات فارسیدکتر علی اصغر حلبی

راهنمای سعادت محبوب سرابی

فرشته زمینی زهرا صرفی

عارف کاملبنیاد فرهنگی شهید شاه آبادی

قرآن باب معرفة اللهمجموعه بیانات و نوشتههای امام امت در بارهقرآن(گردآوری وتنظیم،مساجد ششگانه جنوب تهران)

مجموعه سخنرانیها ومقالاتدارالقرآن الکریم قم

سفینة البحارشیخ عباس قمی

ابوطالب مظلوم تاریخ

زنان مردآفرینمحمدی اشتهاردی

باسمه تعالی

آثار معنویت در جامعه

معنویت یعنی ایمان به خداوند وارتباط شبانه روزی با پروردگار عالمیان از طریق نماز ودعا وتلاوت قرآن وذکر ومناجات وتضرع وابتهال

.جامعه ای که در آن معنویت حاکم باشد برترین جامعه **است که خدا فرموده ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیرالبریه.** {**بینه**}
خیر به معنای برترین وبالاترین است.یعنی قهرمان.یعنی برنده مدال.یعنی در دنیایی که بیش از شش میلیارد جمعیت ساکن هستندبرترین آنان وقهرمان های آنان باتقوایان وبا خدایان هستند.

ولی جامعه بی ایمان وبی معنویت بدترین انسانها را دارا می باشد

{انّ الذّین کفروا من اهل الکتاب و المشرکین فی نار جهنم خالدین فیها اولئک هم شرّ البریّهٔ-انّ الدین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیرالبریّهٔ}بیّنه آیه 6-7

بدترین موجودات

کافران وبی دینان بدترین موجودات هستند.واین مربوط به همه منکران خدا در همه زمان ها است.چه در زمان حضور پیامبران و چه در زمان بعد از پیامبران ودر زمان ما و تا روز قیامت.

اثر دیگر معنویت در جامعه نعمت آرامش واطمینان است.

در چنین جامعه ای آرامش حکمفرماست.واز بیماریهای روحی در حد گسترده خبری نیست

خانم سمیه،تازه مسلمان فنلاندی:

«من از زمانی که مسلمان شده‌ام احساس می‌کنم که یک زن آزاددارای ارزش‌های معنوی وانسانی هستم.اسلام برای زنان ارزش بسیارعالی قائل است.»

«کت استیونس(یوسف اسلام)خواننده معروف(انگلیس الاصل)موسیقی پاپ:یکسال پیش از انقلاب اسلامی ایران هنگامی که به اسلام‌گرویدم همه ترس‌های من از طبیعت،انسان و جهان ناشناخته هابه‌آرامشی تبدیل شد که از آیهٔ«لله ما فی السماوات و ما فی‌الارض»جان می‌گرفت»

بر عکس جوامعی که که در آنجا از معنویت خبری نیست که در این کشورها امراض روحی در حد گسترده وجود دارد.افسردگی و اضطراب بر زندگی مردم حاکم است.موسسه بهداشت روانی امریکا گزارش داده که تقریبا هیچ خانواده ای نیست که دچار نوعی مشکلات روحی نباشند.

در مجله دانستنی‌ها ،62/7/5 آمده است که:

آمریکایی‌ها هرشب بالغ بر سی میلیون قرص خواب آور مصرف‌می‌کنند،که اگر طی یک سال این تعداد قرص را روی هم انباشته کنیم‌حدود 600000کیلوگرم وزن خواهد داشت.

واین 600تن قرص برای به خواب بردن تمام مردم جهان به مدت‌هشت شبانه روز کافی می‌باشد.!

البته خداوند در قرآن هشدار داده که هرکه یاد مرا فراموش کند زندگی سختی پیدا می کند ودر نتیجه خودش را هم فراموش می نماید. ودر قیامت هم کور محشور می شود.

یکی دیگر از آثار معنویت در جامعه "پاکدامنی مردم ودوری از مفاسد اخلاقی است.

اگر جهان بینی انسان بر مبنای خدا باوری واعتقاد به جهان آخرت‌واطاعت از دستورات خدا باشد پاکدامن زندگی خواهد کرد وجز درموارد نادر دچار آلودگی نمی‌شود. و شخص "مقید به دستورات دینی است واگر یک دفعه یادودفعه دچار آلودگی شود همان نماز و اهمیت دادن به مقدسات دینی"او را نجات می‌دهد ومانع از فرورفتن در باتلاق خطرناک فساد اخلاق‌می‌شود وبا توبه واستغفار جبران می کند.اما در جامعه ای که معنویت در آن مرده است اکثریت مردم به گناهان ومفاسد اخلاقی آلوده هستند وپاکدامنان در اقلیت هستند. وافراد آلوده هیچ احساس ناراحتی از گناه نمی نمایند.

امّا اگر جهان بینی مبنی بر اباحی گری«لیبرالیسم» و لذت‌محوری«هدونیسم»باشد دیگر اثری از پاکدامنی باقی نمی‌ماند

در این جامعه دیگر زنِ با عفت دارای احترام نیست! اصلاً عفت وتهذیب و حجاب و از روابط نامشروع دوری نمودن و قانع بودن به‌همسر خود، نشانهٔ بی تمدنی!وبی فرهنگی وعدم پیشرفت به

حساب می‌آید!

در آمریکا، ادبیاتی دارای مرتبه و منزلت است که بتواند با جاذبه‌های جنسی بکارگرفته شده در فیلمهای سینمائی، تئاترها و موسیقی‌هاو داستانهای فاسد، زن را عریان‌تر و برهنه‌تر معرفی بکند و بدین وسیله‌مشتریهای بیشتری جذب کرده و مثلاً نوشته شود که فلان فیلم اینقدرفروش داشت و یا فلان کتاب با این تیراژ فروش رفت.

نتیجهٔ تسلط شهوات بر همهٔ امور و حضور بی قید و شرط زن برهنه وعریان در همه جا، پیدا شدن آثار مخربی است که نصیب این ملتها شده‌است.

فساد نظام خانوادگی، افزایش آمار طلاق ، تعداد کم ازدواج کثرت‌فرزندان نامشروع ، کشتن فرزندان نامشروع با فراغت بال افزایش بیماران روانی (در امریکا از هر سه نفر یک نفر مشکل روانی‌دارد)، کثرت تجاوزات و جنایات و از بین رفتن اخلاق سالم در جامعه وبی‌اعتمادی به هم و مردن فضیلتهای اخلاقی در بین اقشار مختلف‌مردم، از بین رفتن عاطفه و محبت، شورش و طغیان مردم، احساس‌پوچی دربین اکثر جوانان و...همه از معضلات جوامع غربی‌می‌باشند.».

درحالی که در جامعه اهل معنویت،اگر کسی گناه کرد آنقدر ناراحت می شود که گویا کوهی بر سر او خراب شده است.

در زمان پیامبر که معنویت جامعه مدینه را فرا گرفته بود اگر ازکسی لغزشی سر می زد فورا جبران وتوبه می کرد.
دونمونه در این زمینه ذکر می کنم یکی در مرد لغزش ثعلبه است ودیگری درمورد سه نفری که از رفتن به جهاد در جنگ تبوک تخلف کردند.
در زمان رسول خدا(ص) رویه پیامبر اسلام (ص) این بود که هر گاه می خواستند عازم جهاد شوند میان هر دو نفر از یاران خود پیمان اخوت و برادری می بستند تا یکی به جهاد برود و دیگری در شهر بماند و کارهای لازم او را انجام دهد.
حضرت در جنگ تبوک میان سعیدالن عبدالرحمن و ثعلبه بت انصاری پیمان برادری بست. سعید در ملازمت پیامبر(ص) به جهد رفت . ثعلبه هم در مدینه مانده و عهده دار امورات خانواده او گردید. ثعلبه هر روز می آمد و ما یحتاج خانواده سعید را مهیا میکرد. در یکی از روزها زن سعید راجع به کار لازم خانه طبق معمول از پس پرده با او حرف می زد و سوسه نفس هوس خفته ثعلبه را بیدا نمود و با خود گفت مدتی است که این زن از پس پرده با تو سخن می گوید آخرنظر ی بینداز و ببین در پشت پرده چیست و گوینده این سخنان کیست . خیالات شیطانی و هوس های نفسانی چنان او را تحریک نمود که قادر بر حفظ خویشتن نبود. به همین جهت به خود جرئت داده و پرده را کنار زد دید زنی است زیبا که حجب و حیا رخسار او را احاطه کرده است. ثعلبه با همین یک نگاه چنان دل از دست داد وی بی قرار شد که قدم پیش نهاد و به زن نزدیک شد . آنگاه دست دراز کرد که با وی در آویزد. ولی همان لحظه حساس و خطر ناک زن فریاد زد و گفت ای ثعلبه آیا سزاور است که پرده ناموس برادر مجاهد خود را بدری . آیا رواست که او در راه خدا پیکار کند وتو در خانه وی نسبت به همسرش قصد سوء کنی .
این کلام مانند صاعقه ای بر مغز ثعلبه فرود آمد نعره زد و از خانه بیرون رفت و سربکوه و صحرا نهاد. در پای کوهی شب و روز با پریشانی و بیقراری و گریه و زاری سر آورد و پیوسته می گفت: خدایا تومعروف به آمرزش و من موصوف به گناهم.
مدت ها گذشت و او همچنان در بیابان ناله و بی قراری می نمود و عذر تقصیر به پیشگاه خدا می برد و طلب عفو و آمرزش می کرد تا اینکه پیغمبر اکرم(ص) از سفر جهاد مراجعت فرمود وقتی سعید به خانه آمد قبل از هر چیز احوال ثعلبه را پرسید همسر وی ماجرا را برای او شرح داد و گفت هم اکنون در کوه و بیابان با غم و اندوه و ندامت دست به گریبان است. سعید با شنیدن این سخن از خاه بیرون آمد وبرای جستجوی ثعلبه به هر طرف روی آورد. سرانجام او را یافت که در پشت سنگی نشسته و دست بسر گرفته و با صدایی بلند میگوید:
ای وای بر پریشانی و پشیمانی. وای بر شرمساری وای بر رسوائی روز قیامت. پس سعید نزدیک آمده او را در کنار گرفت ودلداری داد و گفت ای برادر برخیز و با هم نزد پیامبر رحمت برویم این درد را دوائی این رنج را شفائی باید. ثعلبه گفت اگر لازم است حتما به حضور پیغمبر شرفیاب شوم باید دست ها و گردن مر ا با بند بسته و مانند بردگان گریز پای به خدمت پیغمبر ببری .
وقتی که با همان وضع آمد درب خانه پیغمبر(ص) ایستاد و با صدای بلند گفت المذنب یعنی گناهکار. حضرت اجازه دادند وارد شود و پس از ورود پرسید ای ثعلبه این چه وضعی است. ثعلبه خلاصه ماجرا را عرضکرد. حضرت فرمود: گناهی بزرگ و خطایی عظیم از تو سرزده ، از اینجا برو و

با خدا راز و نیاز کن تا چه خدا فرماید.

ثعلبه از خانه پیغمبر(ص) بیرون آمد و روی به صحرا نهاد دخترش جلو آمد و گفت ای پدر دلم سخت به حالت می سوزد می خواهم هر جا می روی همراهت باشم ولی چون پیغمبر(ص) تو را از نزد خود رانده است منهم دیگز بتو نمی پیوندم. ثعلبه چند روزی بدین حال در سوز و گداز بسر برد و شبی چند را بگریه وی نیاز بپایان آورد. سرانجام هنگام نماز عصر پیک حق آمد و این آیه را بر حضرت حتمی مرتبت خواند:

((والذین اذا فعلو فاحشه او ظلمو انفسهم ذکر والله فاستغفروالذنوبهم و من یغفر الذنوب الا الله و لم یصرو علی ما فعلو و هم یعلمون))

پرهیز کاران کسانی هستند که هر گاه کار ناشایستی از آنها سر زد خدا را بیاد آورند و ا گنا ه خود توبه کنند و کیست جز خداوند که گناهان را بیامرزد و آنها کسانی هستند که بر کارهای زشت اصرار نورزند زیرا بزشتی گناهان آگاهند.

پس پیامبر(ص) ، علی (ع) و سلمان را بطلب ثعلبه فرستادند و در میان را ه شبانی به آنها رسید حضرت سراغ ثعلبه را از او گرفت چوپان گفت شبها شخصی اینجا می آید و در زیر این درخت می نالد. پس حضرت با سلمان صبر کردند تا شب شد ثعلبه آمد و در زیر آن درخت دست نیاز بسوی خالق بی نیاز دراز کرد و عرضکرد خداوندا از همه جا محرومم اگر تو نیز مرا بانی بکه روی اورم و چاره کار را از کجا بخواهم.

در این هنگام مولای متقیان گریست آنگاه نزدیک آمده و فرمود ای ثعلبه مژده باد که خدا تو را آمرزید و اکنو ن پیغمبر (ص) تو را می خواند آنگاه آیه شریفه یاد شده را که راجع به توبه او نازل شده بود قرائت فرمودند.

ثعلبه برخواست و همرا ه حضرت به مدینه آمده و یکراست وارد مسجد پیغمبر(ص) شدند حضرت مشغول نماز عشاء بود حضرت امیر و سلمان و ثعلبه نیز اقتدا کردند. بعد از حمد پیغمبر(ص) شروع به خواند یکاثر نمودند همینکه آیه اول را تلاوت فرمود:

((الهاکم التکاثر))

یعنی مشغول داشته شما را ثروت اندوزی .

ثعلبه نعره ای زد و چون آیه دوم را قرائت فرمود:

((حتی زرتم المقابر))

تا زمانیکه شما قبرها را زیارت کنید.

بیشتر ناله کرد.

و جون آیه سوم را شنید:

((کلا سوف تعلمون))

یعنی نه چنین است که بزودی خواهید دانست. .

نعره ای کشیده و جان به جان آفرین تسلیم کرد.{نقل از کتاب خوبیها وبدیها}

این حالات ندامت وپشیمانی گناه بر اثر حاکمیت معنویت بر جامعه در افراد پدیدار می شود.در این جامعه چنان روح معنویت و ارتباط با خدا وصفای دل گسرش دارد که اگر کسی دچار لغزشی شود به سرعت بر می گردد و جبران می کند.

داستان دیگر:

سه نفر متخلف از جهاد وقتی رسول خدا(ص) دستور به حضور مسلمانان برای شرکت درجنگ تبوک را داد عده‌ای از منافقین بهانه هایی آوردند واز شرکت درجهاد خودداری نمودند.همچنین سه نفر از مؤمنین به نامهای »هلال»و«کعب» و «مراره» نزد رسول خدا(ص) رفته وگفتند ما الان در حال جمع‌آوری محصول هستیم وبعد از پایان کارمان خودمان را به شمامی‌رسانیم! اما آنان در جهاد شرکت نکردند و وقتی رسول خدا(ص)برگشت برای‌تبریک نزد حضرت رفتند ولی رسول خدا(ص) از آنان روی برگرداند وبه‌مردم اعلام کرد که این سه نفر از جهاد تخلف کردند لذا باید مسلمانان‌هرگونه ارتباط خود را با اینان قطع کنند.با دستور رسول خدا(ص)مسلمانان با آنان قطع رابطه کردند ومحصولات آنان را نخریدند و حتی‌نزدیکترین بستگانشان با آنان حرف نمی‌زدند.اما این سه نفر چون مؤمن‌بودند دست به توبه برداشتند وبعد از 50 روز توبه آنها قبول شد.درباره آنان آیه 118 سوره توبه نازل شد.{تفسیر نمونه ذیل آیه مذکور}

یکی دیگر از آثار معنویت در جامعه بسترسازی نزول برکات وامدادهای غیبی است.

ولو ان اهل القری امنوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض(96اعراف)

این از سنت های الهی است که مؤمنین را یاری می کند.بندگان خودرا کمک می نماید.مخصوصا آنهائی را که تضرع می کنند.درحواست می نمایند.دعا می کنند.از بدیها دوری می نمایند.در شبانه روز چندین بار خدا را صدا می زنند.

زندگی پیامبران واولیاء خداوند پر است از معجزات وکرامات وعنایتهای خداوند.

نه تنها این بزرگواران بلکه گاهی مردم عادی هم در زندگی خود با رعایت تقوا وترتباط الهی توجهات خداوند را به خود مشاهده می کنند که داستانهای فراوانی از شفای بیماران ونجات گرفتاران وادای قرضهای بدهکاران وامثال اینها وجود دارد.

از همه اینها بارزتر انقلاب اسلامی ایران است که اگر امدادهای الهی نبود حتما بدست مستکبرین مورد هدف قرار

می گرفت واز بین می رفت ولی تاکنون با حمایت الهی هیچ گزندی به این نظام معنوی اسلامی وارد نشده است.
پس با معنویت وعبادت پروردگاراست که در خطرات ومشکلات وگرفتاریها می توان منتظر نزول برکات الهی ماند.

نشانه دیگرحاکمیت معنویت در جامعه ،مؤمن بودن مسئولین وکارگزاران نظام ایمانی است.

در مکتب اسلام ارزش هر فردی به میزان تقوا ومعنویت او بستگی دارد که ان اکرمکم عندالله اتقیکم
مخصوصا در مورد کارگزاران ومسئولین که باید تقوای آنها اگر از سایر مردم بیشترنباشدکمترنباشد.زیرا آنها الگوی مردم هستند واز طرفی بیشتر درمعرض خطرات شیطانی و هواهای نفسانی قرار دارند.
بالاترین مسئولین حکومت اسلامی که پیامبر اعظم وعلی ع هستند این گونه معنویت داشتندکه از نظر عبادت وفضائل اخلاقی کسی به پای آنها نمی رسید
اهمیت دادن به نماز اول وقت-تهجد وعبادت شبانه-تلاوت قرآن حداقل یکبار در شبانه روز-شیرین کردن دهان به اذکار الهی -حضور در مجالس معنوی ودوری از مجالس دنیوی -مشورت با علما ودانشمندان-دوری از اسراف وتبذیر-دوری از زخارف وجلوه های دنیا از خصوصیات مسئولین و کارگزاران این چنین جامعه ای می باشد.

مسخ نشدن وانسان ماندن !یکی دیگر از آثار معنویت در جامعه است.

1-خداوند حکیم انسان را به عنوان گل سرسبد همه مخلوقات خود خلق نمود ودستورداد همه فرشتگان بر او سجده نمایند.
2-انسان این قابلیت را دارد تا با اطاعت از رب العالمین ،رشد کند،شکوفاشود وبه کمال برسد واز همه موجودات زنده حتی از ملائکه که عقل خاص هستندو هوای نفس ندارند،جلوبزند.
واز طرفی این اختیار را دارد که با معصیت الهی ومخالفت با خدا وپیامبرانش،از انسانیت که یک ارزش وکرامت است فاصله بگیرد وکم کم به حیوانات که فقط نفس خالص هستند تبدیل شود بلکه گاهی از حیوانات هم پست تر می گردد.
3-تبدیل انسان به حیوان که مسخ نام دارد، به دوصورت انجام می شود.اول مسخ جسمانی وظاهری.دوم مسخ روحی وباطنی.

گروه اول **که جسمشان تبدیل به حیوان می شود در طول تاریخ بشریت در چند موقع اتفاق افتاده است.**

گروه دوم **کسانی هستند که ظاهرشان تبدیل به حیوان نشده است ولی باطن آنها حیوان است.اینها کسانی هستند که بخاطر کفر وشرک وگناهان بزرگ وآلودگیهای فراوان ،فقط خصلتهای حیوانی همچون خورو خواب وشهوات رادارند واز خصلتهای انسانی خالی هستند.که خداوند حکیم در قرآن کریم به پیامبرش می فرماید اینها {کفار ومشرکین ودشمنان خدا} همانند حیوانات می چرند ومی خورند.{محمد12}**
متاسفانه افراد این گروه زیاد هستند ودر اکثر مناطق وجود دارند وشهرها وروستاها پر از این افراد است.
معیاری برای شناخت این افراد نیست مگر کسانی که دارای قدرت های مافوق طبیعی می شوند وچشم برزخی پیدا می نمایند.
امام صادق ع در سفرحج در نزدیکی کعبه،دستهای مبارک خودرا برچشمان ابابصیرگذاشت.ناگاه ابابصیر مشاهده کرد که اکثر طواف کنندگان بصورتهای حیوانات هستند.و افرادی که انسان هستند کم می باشند.
برای دوری از خطر مسخ شدن چه باید کرد؟
رجوع به معنویت یعنی اطاعت پروردگار با انجام عبادات واذکار وانجام کارهای خیر و انجام واجبات ودوری از محرمات وتمسک به قرآن کریم واهل بیت ع ودوری از لقمه حرام از بهترین راه های نجات از مسخ شدن می باشند.
کسانی که طهارت آنها نقض می شود فورا وضو بگیرند یا غسل کنند.
دوری از مجالس لهو ولعب نیز از راههای دوری از خطر مسخ است.

.....

باسمه تعالی

عاشورا-انقلاب-انتظار

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره الکافرون"صف9"

1- آقای فوکویاما از تئوریسین های استکبار جهانی و از کسانی که علم وتفکر خود را علیه اسلام بکار می برد در سمینار اورشلیم گفته است:

شیعه پرنده ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست.

شیعه دو بال دارد یکی سبز که مهدویت است و یکی سرخ که شهادت طلبی است.

این دوبال شیعه را فنا ناپذیر کرده است.

شیعه بعد سومی هم دارد که اهمیتش بسیار است وآن ولایت فقیه است.

اگر بخواهیم مهدویت وشهادت طلبی را از شیعه بگیریم باید اول ولایت فقیه را خط بزنیم!تا این را خط نزنیم نمی توانیم به ساحت مهدویت و شهادت طلبی تجاوز کنیم.

2-در محرم 61 حماسه ای در روز عاشورا ودر سرزمین کربلا اتفاق افتاد که کم کم تبدیل به فرهنگ شد.

این فرهنگ در طول تاریخ عمیق وگسترده شد و از سرزمین های اسلامی به مناطق دیگر دنیا اشاعه پیدا کردو ماندنی شد بطوری که هیچ فرهنگ وهیچ قدرتی نمی تواند آن را از بین ببرد.

علت ماندگاری فرهنگ حسینی را در چند عامل می توانیم بیان کنیم:

1-یکی در زنده ماندن اسلام **بخاطر قیام حسینی است.امام حسین ده سال امامت کرد.اما بیش از نه سال آن را در قعود وسکوت گذراند.زیرا بر معاهده امام حسن ع متعهد ماند.از طرفی معاویه سیاست داشت وظاهر را حفظ می کرد.و علنا با اسلام مخالفت نمی کرد.ولی با روی کار آمدن یزید پلید ،امام متوجه خطری که اساس اسلام را تهدید می کرد شد وفرمود** اذا بلیت الاسلام براع مثل یزید فعلی الاسلام السلام.

و در جای دیگر فرمود ان کان دین محمد لم یستقم الابقتلی فیاسیوف خذینی.

پس حضرت با جان ومال وفرزندان وخانواده واصحاب قیام کرد وخود وهمه را فدا کرد تا دین زنده بماند.

اگر حضرت قیام نمی کرد الان از اسلام خبری نبود.اگر اسلام نبود انقلاب اسلامی ایران هم نبود و**معلوم نبود ملت ایران الان در چه**

وضعی بودند.

2-اما دلیل دیگر **ماندگاری فرهنگ حسینی این است که در این حماسه همه چیز در اوج خود بود.**

شهادت طلبی-عدم هراس از مرگ -مسابقه در شهید شدن-زیربار ظلم نرفتن-شجاعت فوق العاده-ایمان بسیار بالا که بعضی از اصحاب استاد کامل قرآن ودر عین حال مبارز در سطح بالایی بودند-دانش و معرفت بالا که نمونه آن حبیب بن مظاهر بوده که علوم غیبی می دانست -اخلاص فوق العاده -ارتباط عاشق ومعشوقی بین امام ویارانش-شکست دادن مرگ -بهشت را قبل از مرگ دیدن -حماسه های بینظیر و...می باشد.

سر پرسی سایکس(خاور شناس انگلیسی) :حقیقتا آن شجاعت و دلاوری که این عده‌قلیل از خود بروز دادند،به درجه‌ای بوده است که در تمام این قرون متمادی هرکسی که آن را شنید، بی اختیار زبان به تحسین و آفرین گشود.این یک مشت مردم‌دلیر غیرتمند،مانند مدافعان ترموپیل،نامی بلند غیر قابل زوال برای خود تا ابدباقی گذاشتند

جرج جرداق(دانشمند و ادیب مسیحی) :وقتی یزید،مردم را تشویق به قتل حسین ومامور به خونریزی می‌کرد،آنها می‌گفتند:«چه مبلغ می‌دهی؟»اما انصار حسین به‌او گفتند:ما با تو هستیم.اگر هفتاد بار کشته شویم،باز می‌خواهیم در رکابت جنگ‌کنیم و کشته شویم.

سعدبن عبدالله به امام عرض کرد:بخداقسم!ما دست ازیاری
تو بر نمی داریم تا در پیشگاه خدا ثابت کنیم که حقّ پیامبر رادر بارۀ تو مراعات نمودیم!بخداقسم!اگر بدانم که هفتاد بارکشته می شوم وبدنم را آتش زده وخاکسترم را زنده می‌نمایند،باز هم هرگز دست از یاری تو برنمی دارم وپس از هربار زنده شدن،به یاریت می شتابم.درصورتی که می دانم،مرگ‌بیش از یکبار نیست وپس از آن نعمتهای بی پایان خداونداست.
زهیر بن قین **چنین گفت:یابن رسول الله!بخداقسم!دوست دارم‌که در راه حمایتت ،هزاربار کشته باز زنده ودوباره کشته بشوم‌وباز آرزو دارم که با کشته شدن من،شما یا یکی از این جوانان‌بنی هاشم،از مرگ نجات می یافتید!**
،قاسم بن حسن **عرضکرد:منهم جزء شهداء هستم؟امام بر او رقّت کرد وفرمود:پسرجانم!مرگ در نظر تو چگونه است؟گفت:از عسل شیرینتر!**
امام فرمود:آری!بخداقسم!عمویت به قربانت!توهم یکی از آن‌مردانی هستی که پس از آنکه سخت گرفتارشوی،به شهادت‌می رسی.«
در روز عاشوراپسر ابودجانه **انصاری که پدرش بشهادت رسیده بود،خدمت‌امام آمد واجازه نبرد خواست!حضرت فرمود:شاید مادرت‌راضی نباشد؟نوجوان عرضکرد:پدر ومادرم فدایت باد!**
مادرم بمن دستور داده است،که به مبارزه با دشمنان شما بروم!

امام اجازه فرمود واو بمیدان رفت واین رجز را می خواند:

امیری حسین ونعم الامیر سرور فؤاد البشیر النذیر

علیّ وفاطمۀ والداه فهل تعلمون له من نظیر؟

له طلعۀٌ مثل شمس الضحی' له غرۀٌ مثل بدر منیر

عابس ابن ابی شبیب **که محدث بود وبه شیعیان حدیث می آموخت در موقع رفتن به میدان گفت ای اباعبدالله.در روی زمین هیچ کسی از شما در دل من محبوبتر نیست.من بر دین شما وپدران شماهستم.**

او آنقدر شجاع بود که وقتی مقابل دشمن قرار گرفت یکنفر از لشکر دشمن به بقیه گفت مواظب این مرد باشید که شیر شیران است وهرکه به مبارزه او برود زنده بر نمی گردد لذا هرچه عابس مبارز طلبید کسی جرات نکرد .عمرسعد دستور داد اورا سنگباران کردند.عابس وقتی چنین دید زره وکلاهخود را درآورد

وقت آن آمد که من عریان شوم جسم بگذارم سراسر جان شوم

آزمودم مرگ من در زندگیست. چون رهم زین زندگی پایندگیست.

او مقداری جنگ کرد تا اینکه اورا شهید نمودند.

در این حماسه فقط مردان نبودند که حماسه ساز بودند بلکه نوجوانان وزنان هم سهم مهمی ایفا نمودند.مخصوصا جناب زینب س که استقامت وشجاعت و صبر او مثال زدنی است و با این همه مصیبتها ،در مقابل دشمن با اقتدار می فرماید مارایت الا جمیلا.

زیرا فداکاری در راه خدا،جنگ در راه خدا،تشنگی در راه خدا،جراحت در راه خدا،شهادت در راه خدا وتحمل مصیبتها در راه خدا زیبائی است

امام امت در شهادت سید مصطفی فرمود از الطاف خفیه است.استادش میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در رحلت نوجوانش در روز غدیر فرمود علی ع بما عیدی داده است.

و فداکاری مردان و زنان و نوجوانان همه الگوی ماندنی شد.ودر حقیقت دانشگاهی **تشکیل شد که همه آزادگان عالم وتاریخ می توانند در آن درس های مختلفی از مکارم اخلاق و ایمان ومبارزه با ظلم فرابگیرند.**

3-سومین عامل ماندگاری **فرهنگ حسینی این است که مصیبت حضرت وخانواده وفرزندانش بزرگترین مصیبت در تاریخ بشریت است.**

باتوجّه باینکه حوادث فاجعه باری، بارها وبارها برای مسلمین‌وشیعیان پیش آمده است که درظاهربعضی از آنها از حادثه‌کربلا،مصیبت بارتر بوده است،سؤال اینست که چرامصیبت‌سالارشهیدان رابه این عنوان ذکرکرده اند؟

شاید جواب سؤال این باشد که اگر ما در ماهیت وکیفیت این‌حادثه دقّت کنیم ،جواب سؤال را پیدا نمائیم.

خصوصیات حادثهٔ کربلا وقتی همه در کنار هم جمع می‌شوند،واقعاً در نوع خود از جهت‌مظلومیت ومصیبت باربودن،بی نظیر است.

ما می توانیم چند تا از این خصوصیات را ذکر کنیم:

1-در کربلاحجّت خداوپسر پیامبر(ص)را شهید کردند.2-شهادت او بدست کسانی بود که اورا دعوت نمودند تا اورایاری نمایند! 3-پسران وبرادران ودیگر اقوام ویارانش را قبل‌از او بشهادت رساندند!4-کسانی اورا شهید کردند که در ظاهرمسلمان بودند ونماز می خواندند وخودرا پیرو جدّ حسین(ع)می دانستند!5-مردمی اورا شهید کردند که کاملاً اورا می‌شناختند واز مقام ومنزلت او آگاهی داشتند!6-با اینکه درکنار آب فرات بود ولی اورا تشنه شهید نمودندوآب رابرکودکان واهل حرمش،بستند!7-بعد از کشتنش،اموال اوراحتّی' وسایل شخصی او از قبیل انگشتر ونعلین وعمامه اش راغارت نمودند!8-خیمه هارا آتش زدند واهل بیتش را ترساندوآزار رساندند!9-اهل بیت اورا که منسوب به پیامبرشان‌بود،به اسیری بردند!10-سرمقدّسش را بر بالای نیزه درشهرها گرداندند!11-بربدن نازنینش،اسب راندند!12-سه‌روز بدنش بر روی خاک افتاده بود وکسی نبود تا اورا دفن کندتاعاقبت اهل روستاها آمدند واورا دفن نمودند!13-کسی‌دستور کشتن اورا داد(یزید)که جدّ وپدرش آزادکردهٔ جدّحسین(ع)بودند!14-اورا بدون جرم وگناهی کشتند! 15-کسانی اورا تشنه شهید کردند که گروهی از آنهاچند روز قبل‌بوسیلهٔ همین حسین(ع)از تشنگی نجات یافتند!(لشگر حرّ)16-بخاطر تبلیغات سوء،مردم شام شهادت اورا جشن گرفتند17-همهٔ موجودات حتّی' ماهیان دریا ودرختان برای او اشک‌ریختند18-تا سه روز هر سنگی که بر می داشتند زیر آن خون جاری

بـود.19-آسـمان تـا چهـل روز در عـزای او گریسـت.20-سـر بریـده او در چنـدجا تکلـم نمـود.21-خـون او وخـون علـی اصغر وخون علی اکبر که بـه آسـمان پخـش شـد برنگشـت 22-بـدترین فـرد {شـمر}بـر روی سـینه بهتـرین فـرد {امـام حسـین ع}نشسته بود و...

رهبر هندوها وعزاداری حسینی

در هندوستان در هنگام عبور دسته ای عزادار حسینی ناگاه بنز رهبر هندوها متوقف شد واو پیاده شده ودر صف عزاداران قرار گرفت وشروع به سینه زدن کرد.بعد که علت را از او پرسیدند گفت من عاشق حسینم زیرا او شخصیتی است که حاضر شد زیر بار سم اسب برود ولی زیر بار ظلم وستم نرود.

رسیدن به مقام توحید فقط از طریق حسین ع

مرحوم سید علی قاضی عارف کامل:

محال است انسان بجز از راه سیدالشهدا به مقام توحید برسد. شریان فیوضات و خیرات از مسیر حضرت سیدالشهد است.پیشکار این فضیلت هم حضرت قمربنی هاشم ابوالفضل العباس است.

4-چهارمین عامل ماندگاری **فرهنگ حسینی توصیه وسفارش های پیامبر وائمه در زنده نگه داشتن نهضت امام حسین است.**

گریه بر حسین (ع)،زیارت حرم حسین (ع)،زیارت عاشورای حسین (ع)،برگزاری وشرکت در مجلس عزای حسین (ع)،سینه وزنجیززدن برای حسین (ع)،برپایی سفره ابوالفضل حسین (ع)،زیارت حرم زینب حسین (ع)،همه اینها مورد تقدیر اهل بیت است.

لذا همه ساله هزاران مجلس حسینی،صدها کتاب،دهها همایش و دهها سایت درباره این حماسه تشکیل می گردد.

فرهنگ اسلامی

خیلی ها خیال می کنند فرهنگ یعنی آداب ورسوم وموسیقی وشعر وادبیات وتئاتر وسینما وامثال آن.

در حالی که علاوه بر اینها که اگر درست بکار رود فرهنگ غنی می گردد باید توجه داشت که فرهنگی که بر اثر نهضت امام حسین پدید آمده ودر غالب شعر ونثر وبروز احساسات وجلسات روضه خوانی و تشکیل دست های عزادای وامثال آن بروز کرده از غنی ترین فرهنگ ها است.فرهنگی که نه تنها متدینین بلکه کسانی که هیچ عمل عبادی انجام نمی دهند نیز خودرا از

وابستگان این فرهنگ نشان می دهند.بقول ظریفی که می گفت:

مریدهای امام حسین از مریدهای خدا بیشترند.

عطار نیشابوری که هفت شهر عشق را طی کرده خودرا سگ در خانه امام حسین می داند:

نه فلک را پیش او مخدوم بود زانکه او سلطان نه معصوم بود

ای کاشکی من سگ هندوی او کمترین سگ بودمی در کوی او

فرهنگی که می تواند با برنامه ریزی روی آن جلو تهاجم فرهنگی را بگیرد.

وقتی در عاشورا عده ای از جوانان در کانادا دسته عزاداری راه می اندازند سپس در صف گرفتن برنج وخورشت نذری می ایستند آنوقت دشمن احساس خطر می کند ومی بیند اسلام شیعه چقدر گسترش یافته است.

اینجا وزارت فرهنگ است

یکبار که در روز تاسوعا یا عاشورا مأمورین رضاخان به‌مسجد جامع آمدند که که مانع برگزاری مراسم عزاداری شوند ومی‌گفتند باید از وزارت فرهنگ اجازه بگیرید.

در این حال آیت الله شاه آبادی، خطاب به آقای سید علی اصغر آل‌احمد که صدای خیلی خوبی هم داشت، فرمودند که ((زیارت عاشورارا بخوان!

مرحوم آل احمد هم شروع به خواندن زیارت عاشورا کرد و در اثر آن‌صدای گریه و ضجه عزاداری مردم در تمام بازار بلند شد. بعد هم آیت‌الله شاه آبادی خطاب به مأمورین رضا خان گفتند به آن مرد قلدرچاروادار بگو که مانع عزاداری مردم نشود و به وزیر فرهنگ هم بگویدکه در وزارت فرهنگش را ببندد. اینجا وزارت فرهنگ ماست.))

انقلاب اسلامی

3-اشاعه فرهنگ حسینی تاثیرات شگرفی در روح جامعه گذاشت وروح حریت وآزادگی را تقویت کرد.روح مبارزه با ظالمین را تربیت نمود.روح امربمعروف ونهی از منکر را بحرکت درآورد.وپایه گذار پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شد.

امام امت یکی از مسائلی که مرتب در پیام ها وسخنرانی ها بیان می فرمود حماسه حسینی بود.امام راحل انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را را گوشه ای از کربلا وعاشورا می دانستند که هرکسی در این انقلاب مجاهدت می کرد گویی در پیشگاه امام حسین ودر کنار آن حضرت شمشیر می زد.وهرکه در راه انقلاب یا در جبهه کشته می شد گویا در رکاب سالارشهیدان بشهادت رسیده است.

امام اجر و پاداش شهیدان را مطرح کرد،و مردمی که سالها این آرزو را که در زمره یاران امام حسین باشند در سر میپروراندند و هر صبح و شام تکرارمیکردند یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما بناگاه خود را درصحنه‌ای مشاهده کردند آنچنانکه گویی حسین را بعینه میدیدند. مردم ما صحنه‌های کربلا،حنین،بدر،احد،تبوک،خیبر،و...رادر جلوی خویش میدیدند و همین باعث‌شد که به پا خیزند و ازسرچشمه عشق به خدا،وضو بسازند و یک سره بانک تکبیر بر هر چه‌ظلم و ستمگری است‌بزنند

شباهتهای زیادی بین نهضت امام حسین ع با نهضت امام خمینی است.

1-همانطور که در زمان امام حسین اسلام در خطر نابودی قرار داشت وبا شهادت امام ویارانش واسارت خانواده اش اسلام احیا شددر زمان قبل از انقلاب نیز اسلام در خطر نابودی قرار داشت لذا استاد امام عارف کامل آیه الله شاه آبادی در زمان رضاخان در شاه عبدالعظیم تحصن کرد و هرشب می فرمود:

من بشما می گویم که رضاخان دست نشانده انگلیس است و هدفش اعدام قرآن و اسلام است.اگر حرکت نکنید این خبیث اسلام را از بین می برد.

استاد، شاگردش روح الله را برای قیام تربیت کرد وامام هم بخوبی از عهده این مسئولیت برآمد.

وباقیام امام وملت ایران اسلام نه تنها در ایران بلکه در دنیا احیا گردید

انقلاب اسلامی باعث شد تا ادیان توحیدی دیگر نیز به تکاپو بیافتند وقدرت پیدا بکنند ودینداران از خواب چند ساله بیدار شده ومتوجه مسائل دینی شوند بطوری که در نظر سنجی اخیر در امریکا بیش از هفتاد در صد مردم گفته اند ما رئیس جمهوری می خواهیم که بر اساس دین کار کند وسیاستهای خود را بر مبنای انجیل انجام دهد.

در حالی که قبلا بردن نام خدا در سر کلاسهای درس ممنوع بود وهمه جا بی دینی مورد توجه قرار می گرفت.

پس انقلاب اسلامی تاریخ را عوض کرده واگر قبل از انقلاب اسلامی دنیا بطرف بی دینی مطلق می رفت ولی ناگهان زلزله ای ایجاد شد وجهت ومسیر تاریخ بطرف دینداری تغییر مسیر داده است.

علاوه بر احیاء اسلام ارزشهای اسلامی هم احیا گردید

فرهنگ جهاد وایثار وشهادت وعفاف وپاکدامنی وقرآن واهل بیت احیاء گردید.

فرهنگ مبارزه با طاغوتها وستمکاران ومستکبران احیاء گردید لذا مستکبرین ایران اسلامی را بزرگترین دشمن خود می دانند

ومرتب تلاش می کنند تا این نور الهی را خاموش نمایند ولی هرچه تلاش کردند بجایی نرسیدند وناامید شده اند.لذا روز بروز بر عظمت انقلاب اسلامی که انفجار نور بود افزوده می شود.

امام امت فرمود:

ما می دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهانخواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد با تاییدات غیبی الهی پیروز گردید.اگر نبود دست توانای خداوند امکان نداشت.

انقلاب اسلامی اگر چه یک انقلاب معنوی وارزشی بوده ولی باعث تحولات بزرگی در عمران وآبادانی واقتصاد کشورمان شده است.

ایران 86 با ایران 57 فرقهای بزرگی دارد.اگر درسال 57 بیش از هفتاد درصد مواد غذایی مردم از خارج وارد می شد ولی در حال حاضر ایران صادر کننده مهمی در این زمینه ودر زمینه های مختلف صنعتی – کشاورزی- علمی وغیره می باشد

ایران 86 با رشد سالیانه 7/5درصد جایگاه مهمی در اقتصاد منطقه دارد وانشاء الله با محقق شدن سند چشم انداز بیست ساله ایران در سال 1404 مقام اول اقتصادی وفناوری را در منطقه خاورمیانه کسب خواهد نمود.

واین نیاز به تلاش مضاعف همه اقشار مردم مخصوصا جوانان دارد. تا بتوانیم بیش از پنجاه سال عقب ماندگی کشور جبران شود وایران نه تنها در کنار کشورهای پیشرفته بلکه همانند دوران تمدن اسلامی قافله سالار علم ودانش ومعنویت در جهان گردد.

2-همانطور که در کربلا حماسه ای خونین اتفاق افتاد و خون بر شمشیر پیروز شد در کشور ماهم حماسه ای خونین به رهبری مردی از تبار حسین ع اتفاق افتاد وانسانهای بزرگی به شهادت رسیدند از جمله شهدای هفتاد دوتن وشهدای محراب وشهدای پانزده خرداد وهفده شهریور وشهدای دفاع مقدس.

3-انقلاب ملت ایران هم خونبار بود در اینجا هم خون بر شمشیر پیروز شد.همانطور که در حماسه حسینی مردان وزنان ونوجوانان و جوانان همه مجاهدت می کردند در اینجا هم زنان ومردان وجوانان ونوجوانان همگی در پیروزی سهیم بودند.

4-همانطور که امام حسین از یارانشان راضی بودند امام راحل هم از مردم ایران راضی بودند ومی فرمودند:هرچه در راه این ملت عزیز در طبق اخلاص بگذاریم از عهده

شکرآنان برنخواهیم آمد.

و فرمود:مردم عزیز ایران حقا چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند.

امام آنقدر عظیم الشان بود که مردم ایران همه عاشق او بودند و اورا جانشین بر حق امامان می دانستند وحق را در او تجلی می یافتند.لذا شهدا در وصیتنامه های خود شفارش امام را به مردم می کردند

سردار شهید طاهر اوجاقلو:در دنیا دوصف وجود داردصف باطل که همان صف فرعون و شاه معدوم است.صف حق که صف تمامی پیامبران وراه خمینی کبیر است.

سردار شهید علیرضا رجبی:

ÖCéZßÆ Èë Ùh olÛC qßÜç PznÊ ÖpØµ qC ÍDv 20 éÆ MDèìç]

lÛÞClh ÉorF êDèOØ·Û éF éØç qC pO¡ìF Þ ÖCælÜ×pzÞ ÖkpÇÛ êoCnËvDKv ækCk Ý× éF oDÊkoÞpJ éÆ íëDè@O@Ø@·@Û qC Cp@ëq
pÇ¿N ÝÇzPF íÜìØh ,Clh cÞo ,ÚD×lìÏÃN ¸Vp×Þ pGço Þ ÖD×C oDO¿Ê ok lëDF éÆ oß®ÛA ÙO¾DìÛ Äì¾ßN Þ ÖCækpÆívD@K@vD@Û
. [ÙOwWÛ êCæpèF ¢OëÓÞ qC íÎÞ ÖkßFp¥µ Ùç ÞC DF éÆ ußw¾C l¤ Þ ußw¾C .¢ØvDÜ¡F pO¡ìF éÆ ÙO¾DìÛÄì¾ßN Þ .Ù@Ü@Æ

. [ÙëoCnËF DèÜN Co ÖD×C Þ ,Ùëßz é¾ßÆ ÐçC ,rìÛ D× éÆ êqÞokß¡Û ækpÆDÛ êClh Þ lìÛClF Co P×C ÖD×C olÂ !ÖÔvC P×C êC]

(ÚDWÛq ,íëÓß× D¨o íÏµ lìèz oCkpv)

5- همانطور که امام حسین ماموریت داشت و پیامبر آن را به او اعلام کرده بود فرزند او روح الله هم ماموریت الهی داشت لذا فرمود:

ما از جانب خدای تعالی مامور حفظ ممالک اسلامی و استقلال آنها هستیم.

پس یقینا انقلاب اسلامی از انقلاب حسینی نشات گرفته ودر دفاع مقدس و حتی در جنگ سی و سه روزعه لبنان آثار حماسه حسینی را در جوانان ونوجوانان شجاع وشهادت طلب وجهادگر دیدیم.

انقلاب اسلامی آثار شگرف ودستاوردهای داخلی وخارجی **عظیمی داشته از جمله:**

آثار داخلی:

احیاء اسلام ناب محمدی – حاکمیت اصول اسلامی-رهبری ولی فقیه برجامعه –نظارت فقهاء بر قوانین -احیاء ارزشهایی مانند شهادت طلبی ،ایثار،جهاد ،استحکام خانواده ،عفاف وحجاب ،کمک به محرومین،امربمعروف ،فرهنگ قرآن واهل بیت ع مخصوص فرهنگ حسینی وفرهنگ مهدویت ،ظلم ستیزی و حمایت از محرومان ،عدالت طلبی وغیره

آثار خارجی:

1-طنین افکنده شده پیام انقلاب وامام در جهان

2-جلب توجه روشنفکران و متفکران به ضرورت توجه به دین وبررسی تاثیر دین بر وجدان بشریت و افکار سیاسی واجتماعی

3-رجوع و تمسک مسلمین به اهل دین

دکتر سعید محمد الشهابی ،سردبیر مجله العالم:

«انقلاب اسلامی ایران نه تنها در جامعهٔ اسلامی بلکه در اکثر جوامع تأثیر اساسی و بنیادی داشته است.بی شک طی بیست سال گذشته هیچ‌حرکتی باندازهٔ انقلاب ایران نتوانسته بر جامعهٔ بشری تأثیر گذارباشد.دین نقش اساسی و حیاتی در اجتماع دارد و انقلاب اسلامی این‌نور را بر بشریت تاباند وروشنی بخشید.»«انقلاب اسلامی سبب شد تاروشنفکران و متفکرین ضرورت توجه به مسائل دینی و تأثیر آن بروجدان بشریت و افکار سیاسی - اجتماعی را به خوبی مورد توجه قراربدهند.ما در عصر انقلاب اسلامی شاهد رجوع و تمسّک مسلمین به‌اهل دین شدیم.»کیهان75/11/15

4-بازگشت پیروان همه ادیان به اصول گرایی دینی

گیدنز،جامعه شناس انگلیسی:

«در گذشته سه غول فکری جامعه‌شناسی یعنی »مارکس»،(دورکیم»«ماکس وبر» با کم وبیش اختلافاتی فرآیندِ عمومی جهانی را به سمت‌سکولاریزیسون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند ولی از آغاز دههٔ هشتادو با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم،یعنی‌فرآیندِ عمومی جهان روند معکوسی را

آغاز کرده وبه سمت دینی شدن‌پیش می‌رود.»عصر امام خمینی ص50

5-تاثیر انقلاب اسلامی بر روی حوادث مهم جهان

احمد هوبر،روزنامه نگار سویسی:

«امروز در اروپا احساس می‌شود سقوط دیوار برلین با انقلاب وقیامی که شما آغاز کردید مرتبط است.این قیام اسلامی امروز در اروپامحسوس است.»«امام خمینی«رض» نه تنها مسلمانان را بیدار کردندبلکه بر جهان غیر اسلام نیز از خود تأثیراتی بر جای نهادند.»«بدانید آن‌مرد سالخورده که رهبر شما بود هرگز نمرده است بلکه هنوز زنده استو فعال،چرا که همهٔ این تحولات به دست ایشان ایجادشده است.»کیهان 69/7/28

6- انقلاب اسلامی به تمامی افراد مذهبی اعتبار تازه ای داد

رئیس جمهور سابق اتریش:

انقلاب اسلامی به تمامی افراد مذهبی اعتبار و اتکاء به نفس تازه‌ای‌ارزانی داشت.»کیهان 69/11/21

پروفسور ویلیام بیمان آمریکایی:

«امام با عقاید مذهبی که غرب آن‌ها را کهنه و قرون وسطایی‌می‌دانست جهان را تکان داد.»کیهان هوایی 73/8/25

7- انقلاب اسلامی قدرتهای جهانی را تحقیر کرد

دکتر میشل جانسون،متخصص روابط بین الملل:

«از نظر سمبلیک،انقلاب ایران نخستین پیروزی مسلمین بر غرب،ازقرن 16 به این طرف محسوب می‌شود،نکته جالب این جاست که‌اسلام عامل هدایت کنندهٔ این انقلاب بوده و هیچ یک از ایسم‌های‌غربی،ناسیونالیسم،کاپیتالیسم،کمونیسم و سوسیالیسم در آن نقشی‌نداشتند. »جنگ فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ص100

8- انقلاب اسلامی باعث شد تا اسلام دوباره کشف شود

9- انقلاب اسلامی عظیم ترین انقلاب تاریخ

فرد هالیدی،استاد دانشگاه لندن:

«انقلاب اسلامی عظیم‌ترین انقلاب تاریخ است و همه می‌دانیم این‌کار عظیم در پرتو عظمت شخصیت امام خمینی«رض»با گرفت ودست‌های پر قدرت و

فرمانده او بود که این امواج عظیم انسانی را به‌شور و هیجان و خروش وا می‌داشت.»اطلاعات 68/4/13

پروفسور مولانا:

«امروز کسانی که انقلاب اسلامی را با انقلاب‌های پیشین جهان‌مقایسه و نتیجه‌گیری می‌کنند،دچار اشتباه بزرگ فکری وعلمی هستندزیرا انقلاب اسلامی ما با انقلاب‌های دیگر تفاوت‌های اساسی‌دارد.»کیهان 75/11/18

10- انقلاب اسلامی ضعف قدرتهای غربی رانشان داد

مقامات اطلاعاتی و سیاسی آمریکا:

«این انقلاب و پیش آمدهای آن وضعیت ما را نابود کرد و افراد ما راپراکنده ساخت و سازمان وروش‌های باثبات ما را به هیچ وپوچ تبدیل‌کرد!»اسنادلانه جاسوسی ج3ص94

جرج بوش پدر:

«من از رئیس وقت سازمان سیا که به دلیل پیروزی انقلاب ایران از کاربرکنار شد،پرسیدم،یعنی شما با این همه آدمی که در دنیا دارید با این‌همه تجهیزات فوق پیشرفته با این همه بودجه‌ای که صرف می‌کنیدنتوانستید انقلاب مردم ایران را پیش بینی کنید؟او در پاسخ به من گفت:

آن چه در ایران روی داده است یک«**بی تعریف**»است،کامپیوترهای ما آن را نمی‌فهمند!»کیهان 78/11/10

الوین تافلر آمریکایی:

«این که کدام کشور بر جهان قرن 21 مسلط خواهد شد،سؤال‌هیجانی می‌باشد،اما در واقع اساساً طرح این سؤال اشتباه است،زیرابزرگترین تحول امروز جهان ظهور پدیده‌ای جدید،یعنی نیرو وقدرتی‌ماورای دولت‌های ملی می‌باشد.»«وقتی امام خمینی فتوای قتل سلمان‌رشدی را صادر کردند در واقع برای حکومت‌های دنیا پیامی فرستادندکه بسیاری از دریافت وتحلیل آن عاجز ماندند ومضمون واقعی پیام امام‌چیزی نبود مگر فرارسیدن عصری جدید از حاکمیت جهانی که غربی‌هاباید آن را با دقت مورد نظر و بررسی قرار دهند،زیرا در ادامهٔ حرکت امام‌خمینی«رض»،قلمرو اندیشه‌های بشر هم جایگاه حکومت‌های دولتی‌را تغییر می‌دهد و هم اقتدار دولت‌های ملی ومحلی را»تغییر ماهیت‌قدرت ص655

انتظار

.علاوه بر آیات قرآنی در باره حضرت مهدی عج مانند

1-یومئذٍ یفرح المؤمنون {روم4}«امام صادق(ع):در موقع قیام قائم(ع)،اهل‌ایمان از یاری خدا خوشحال می شوند.
2-واسبغ علیکم نعمه ظاهرهٔ وباطنهٔ {لقمان20}یعنی خدا نعمتهای ظاهری وباطنی‌خود را برشما روزی کرد.«امام کاظم(ع):نعمت ظاهری امام ظاهرونعمت باطنی امام غایب است‌که از دیدگان مردم مخفی است‌وگنجهای زمین در هنگام ظهورش آشکار می شود وهر چیز دوری برایش نزدیک می گردد.
3-والنهار اذا تجلّی' { لیل 2}«امام باقر(ع):مراد از روز،قائم ما اهل بیت‌است که هرگاه ظهور کند،بردولت باطل پیروز می شود.
4-سیروا فیها لیالی وایاماً آمنین {سبأ16}«امام صادق(ع):مراد امام زمان‌است که در زمان او همهٔ راهها ایمن است.
5-فمهلّ الکافرین امهلهم رُویداً { طارق18}«علی بن ابراهیم در تفسیر آن‌گفته است که:در زمان قیام قائم،او از جباران وطاغوتها انتقام می گیرد.
6-یهدی الله لنوره مَن یشاء {نور35}«علی(ع):او قائم ما اهل بیت است.
7-والفجر «امام صادق(ع):فجر لقب قائم ما است.
8-قل جاء الحق وزهق الباطل {اسراء9}
9-لیظهره علی الدین کلّه ولو کره المشرکون {صف9}
10-بقیهٔ الله خیرٌ لکم ان کنتم مومنین {هود}
11-ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمهٔونجعلهم الوارثین {قصص5}
12-امّن یجیب المضطر اذا دعاه ویکشف السوء {نمل62}
13-ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون {انبیاء105}
در روایت هم صدها حدیث از پیامبر وآلش درباره مهدویت ذکر شده.
اولین کسی که موضوع مهدویت **را طرح کرده شخص پیامبر اسلام است**
حضرت فرمودند نهمین جانشین حسین پس از غیبت طولانی و سرگردانی گمراه کننده ظاهر خواهد شد وامرخدا را آشکار و دین اورا پیروز خواهد گرداند.

همچنین آمده که فاصله های طبقاتی را در سطح جوامع بشری بر هم خواهد زد.و هیچ انسان گرسنه ای در سراسر زمین پیدا نخواهد شد.
امنیت وسلامتی این دونعمتی که در اکثر کره زمین مفقود شده بصورت کامل به بشریت اهدا می گردد.
امام مهدی یک چهره بین المللی است
حضرت از یک جهت ایرانی است زیرا مادر امام سجاد ایرانی بوده ونامش شهربانو.
از طرفی رومی است زیرا مادرش نرجس رومی بوده
از یک طرف عرب است زیرا نسبش به هاشم می رسد.
از طرفی بنی اسرائیلی است زیرا بنی هاشم وبنی اسرائیل از نسل ابراهیم خلیل هستند.
هیچ کس باندازه شیعه راجع به جامعه اخرالزمان وانقلاب بزرگ شفاف صحبت نکرده است.شیعه نام ومشخصات ظاهری وخصوصیات حضرت وشعارها و نحوه حکومتش صحبت کرده درحالی که در سایر ادیان فقط بشارتهائی مطرح شده است.
وجود امام مهدی در پس پره غیبت از عجایب خلقت است.**زیرا نوع زندگی حضرت در این مدت طولانی**
واینکه هیچ کسی باندازه او خدارا عبادت نکرده.هیچ کس باندازه او زاهد نبوده.هیچ کسی باندازه او بر حسین ع گریه نکرده.مسکن وازدواج و دیگر مسائل جزئی حضرت را کسی جز خدا نمی داند.
پیامبر که معمار اسلام بوده برای پرکردن خلا امام در زمان غیبت وآماده سازی و حفظ روحیه ولایت پذیری مردم طرحی درافکنده و آن طرح "انتظار فرج"است که فرمود "انتظار الفرج عباده"
اینکه پیامبر این انتظار را عبادت می داند زیرا انتظار فرج **حلقه رابط میان گذشته وآینده امامت است.زیرا مشعل هدایت در صراط مستقیم الهی است.زیرا تداوم بخش نهضت انبیاست.زیرا خط بطلان بر همه حکومتهای طاغوتی است.**
علامه طباطبایی:امام باطنا مراقب شخص وبا روح و جسم او در ارتباط است اگرچه از چشم وی غایب است.وجود او همواره ضروری است هرچند زمان ظهور وبازسازی جهانی به دست او فرا نرسیده است.
امام سجاد ع فرمود:مردم روزگار غیبت که به امامت آن حضرت اعتراف می کنند وایمان می آورنداز مردم هر عصر وزمانی برترند.زیرا خداوند آن گروه فرزانه را بدان پایه از خرد ودانش می رساند که غیبت را شهود می دانند.
اینکه انتظار را عبادت وگاهی برترین عمل معرفی می کنند زیرا انتظار فرج یعنی ایمان به غیب.الذین یومنون بالغیب.

زیرا انتظار فرج یعنی مبارزه با ظلم. زیرا انتظار فرج یعنی امید به ظهور منجی.

عامل مهدویت می تواند اسلام ناب را زنده نگه دارد **همانطور که پرفسور کربن گفت همه ادیان مرده اند جز شیعه.زیرا همه می گویند پیامبر ما یا امام ما مرده است ولی شیعه می گوید امام ما زنده است ودارد زندگی می کند وبر کارما نظارت دارد.**

ایرانیان وانتظار

وقتی از تفسیر آیه {وان تتولوا یستبدل قوما غیرکم ثم لایکونوا امثالکم} محمد38

اگر شما روی گردان شوید خداوند گروهی دیگر را جایگزی شما می کند،از پیامبر سوال شد.دست بر پای سلمان فارسی که نزدیک حضرت نشسته بود زد وفرمود

به خدایی که جان من در دست اوست اگر ایمان در کهکشانها باشد مردانی از فارس به آن دست می یابند.

در مجله تونسی شناخت آمده است که:

پیامبر ص ایرانیان را جهت رهبری امت اسلامی بر می گزیند.

در روایتی است هرگاه دیدید پرچمهای سیاه از خراسان آمدند خود را به آن پرچمها برسانید اگرچه خویشتن را روی زمین بکشید زیرا مهدی عج خلیفه الله در میان آنان است{عقدالدررص125}

امام صادق ع فرمود مردم قم یاور قائم و خواهان حق ما هستند.آنگاه حضرت سر مبارک را بسوی آسمان بلند کرد و عرض کرد خدایا این مردم را از هر فتنه ای حفظ کن و از هر هلاکتی نجات بده.

وفرمود پیش از ظهور مهدی عج قم مرکز علم ودانش می گردد و از آنجا به تمام شهرها از شرق وغرب علم منتشر می شود.

مردم ایران بعد از اسلام آوردن بخاطر هوش وکیاست خود متوجه برتری اهل بیت ع شدند وراه آنان را انتخاب کردند وهمیشه مورد عنایت اهل بیت بخصوص امام عصر بوده اند.لذا مسجد جمکران به فرمان حضرت ولی عصر در قم احداث می گردد. لذا ارتباط معنوی اقشار مردم ایران با حضرت ولی عصر در دعاهای ندبه وزیارت مسجد جمکران وتشکیل صدها موسسه مهدویت ودهها همایش وسمینار وسخنرانی وامثال آن تجلی یافت.و با این شوق قدرت مردم ایران جندبرابر شد.واین باعث شد که

استقامت مردم در مقابل توطئه ها استکبار باعث شگفتی دشمنان گردد.
مخصوصا با پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس وحزب الله لبنان در جنگ سی وسه روزه توجه دشمنان به مسئله مهدویت جلب شد بطوری که در مراکز کفر جهانی موسسات مختلفی پیرامون تحقیق وپژوهش درباره اعتقاد به امام زمان تشکیل گردید.که نمونه آن مرکز شیعه شناسی در پایتخت رژیم صهیونیستی است.

جهانی سازی وانتظار

مستکبرین مدتی است که جهانی سازی **را مطرح کرده اند یعنی همه کشورهای دنیا تحت سیطره مستقیم یا غیر مستقیم آنها باشند مخصوصا در زمینه فرهنگی ودینی.**
علامتهای جهانی سازی سازمان فائو-فیفا-یونسکو-تجارت جهانی -انرژی هسته ای-هواپیمائی جهانی -اینترنت-وغیره است.
در المپیک نزدیک به 3/5میلیارد نفر فوتبال را تماشا می کنند وهمه تابع یک قانون هستند قانون فیفا.اگر بازیکنی گل بزند وداور قبول نکند همه از داور تبعیت می کنند.
الان در دنیای سزمایه داری جهانی شدن یعنی آمریکائی شدن.
فوکویاما نظزیه پرداز سرمایه داری پایان تاریخ را تثبیت و تبلیغ نظام لیبرال سرمایه داری می داند.
البته اسلام از همان ابتدای بعثت مسئله جهانی بودن دین اسلام را مطرح کرده است.یملا الارض عدلا وقطا بعد ما ملئت ظلما وجورا.

یعنی تحقق حکومت عدل جهانی که مقدمه آن نبرد نهائی بین حق وباطل است که باید منظران جبهه حق را تقویت کنند و این همان سخن امام راحل است که فرمود:ما انقلاب خود را به جهان صادر خواهیم کرد.
وفرمود اسلام همه سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد نمود.
اگر قبلا مسائل خاورمیانه در غرب برنامه ریزی وحل می شد اما امروزه تا ایران اسلامی وارد نشود مسائل حل نمی گردد.
وقتی از یکی از مسئولین امریکا در باره آینده خاورمیانه جدید سؤال می کنند می گوید بروید از سردار صفوی **بپرسید!**
مهدویت در تضاد با جهانی سازی استکبار است لذا هزینه های کلانی در از بین بردن این فرهنگ واندیشه می شود.دهها فیلم سینمایی،دهها جلد کتاب،صدها مقاله ودهها سایت وهزاران نفر سربازان فرهنگی علیه مهدویت بسیج شده اند.

-ولایت فقیه وانتظار

ولایت فقیه که در حقیقت نیابت از حکومت امامت و ولایت حضرت مهدی است بدون اعتقاد به وجود امام زمان عج اعتباری ندارد.

واما الحوادث الواقعه فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیهم {کشف الغمه ج**3** ص**101**}

این اصل مترقی نظام اسلامی سدی در مقابل خباثت های دشمن علیه نظام ما می باشد

در طول دوران غیبت کبری با اعتقاد به مهدویت بود که مردم طبق دستور حضرت که امر کرده بود به فقهاء مراجعه کنند پیروی از علما را وظیفه خود می دانستند در مسئله تحریم تنباکو میرزای شیرازی **اعلام کرد که استعمال تنباکو بمنزله جنگ با امام زمان است.دیدیم چگونه اقشار مختلف مردم حتی زنان سوگلی ناصرالدین شاه از این فتوا تبعیت کردند و شاه وانگلیس را بزانو درآوردند.**

نقل می کنند بعد از پیروزی میرزای شیرازی علما برای تبریک خدمت ایشان رفتندودیدند ایشان گریه می کنند **علت را پرسیدند فرمود تا الان استعمار از قدرت روحانیت خبر نداشت لذا با ما کاری نداشتند ولی حالا که قدرت روحانیت را شناختند انواع توطئه علیه روحانیت بکار می برند.**

باید تبعیت **از ولی فقیه را در هیچ حالی رها نکنیم.باید** وحدت **خودرا در همه حالات حفظ نمائیم.باید ما هم در مقابل توطئه های فرهنگی دشمن،**سرمایه گذاری بزرگی **در اشاعه فرهنگ مهدویت ورساندن صدای مشتاقان حضرت به گوش جهانیان بکنیم که نمونه آن خواندن دعای حضرت در سازمان ملل ودر مجامع جهانی توسط رئیس جمهور محترم است باید** عدالت علوی **را در کشورمان در همه مسائل اجرا کنیم تا دنیا بفهمد اینکه حضرت عدالت را برزمین حاکم می کند یعنی چه؟**

آسیب های مهدویت:

1-پیدایش گروه هایی مانند انجمن حجتیه که باسم مهدویت وبا نام حضرت مخالف هرگونه قیام علیه ستمکاران بودندوبا طاغوت سازش نمودند وبعد از انقلاب علیه امام امت موضع گیری نمودند.

2-بازکردن دکان وسرکیسه کردن مردم حتی فاسد کردن زنان ودختران شیعه بنام نیابت یا ارتباط باحضرت
3-ساختن فرقه هایی چون بابیه با نام حضرت توسط دولت های استعماری
4-منفی جلوه دادن قیام حضرت که مثلا اگر امام ظهور کند دریای خون براه می افتد یا مردم به عقب بر می گردند
5-ایجاد بحث های بی فایده مانند جزیره خضراء واینکه حضرت همسر دارد یا ندارد
6-ظهور افراد دروغگویی چون سید حسنی ورودر رو قرار دادن آنها با شیعیان وعلماء شیعه
7-ایجاد تردید وشک در وجود حضرت بوسیله روشنفکران بی دین در محیط های دانشگاهی یا نشر کتابها ومقالات وامثال آن
8-پیدایش گروههای شیطان پرستی که روح امید ومعنویت را از جوانها می گیرند

بسم الله الرحمن الرحیم

سال 1387سال نوآوری وشکوفایی ملت ایران

حضرت آیت الله خامنه‌ای در پیام نوروزی:

امسال باید فضای نوآوری، کشور را فرا بگیرد

به گزارش خبرگزاری فارس، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت آغاز سال 1387، امسال را سال «نوآوری و شکوفایی» نامیدند و تصریح کردند: امسال باید فضای نوآوری، کشور را فرابگیرد و همه مسئولان خود را موظف بدانند با بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی، کارهای نو و ابتکاری و راه‌های میان‌بر را در سایه مدیریت صحیح، تدبیر درست و حکمت در فعالیت کشور وارد کنند تا کام مردم از ثمره این تلاش‌ها شیرین شود.

در طول دهه گذشته و با اعلام پیاپی دستاوردهای ایران در زمینه‌های مختلف علمی و فناوری. از سلول‌های بنیادین تا میکروبیولوژی، از نانوتکنولوژی تا الیاف مصنوعی، از تکنولوژی صلح آمیز هسته‌ای تا فناوری‌های مخابراتی و از توانایی موشکی تا ساخت داروهای پزشکی همه و همه نشان از این دارد که اسلام دین پیشرفت است.دین تمدن است.دین ارزش دادن به علم ودانش است.همچنین نشان از این دارد که امام راحل ورهبر فرزانه با تدابیر حکیمانه خود بدنبال احیاء تمدن عظیم اسلامی در قرن حاضر هستند.مخصوصا امسال که از طرف رهبر معظم انقلاب بعنوان سال نوآوری وشکوفایی اعلام شد جدیت

مسئولین کشور را در محقق کردن یکی از اهداف انقلاب اسلامی یعنی رساندن ایران به مقام اول علمی واقتصادی در منقه را می رساند

بدون تردید بخش عمده‌ای از این دستاوردهای شگرف در سایه تدابیر، سیاستگذاری‌ها، رهنمودها و پیگیری‌های مقام معظم رهبری به دست آمده است. توصیه‌ها و تدابیر ایشان در برپایی جنبش نرم افرازی و تولید علم، مهندسی فرهنگی، تدوین نقشه جامع علمی کشور، دمیدن روحیه خودباوری و اعتماد به نفس ملی، ارج نهادن به نخبگان، دستور افزایش نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی، اهتمام و عنایت ویژه به افزایش اعتبارات پژوهشی، طرح تدوین سند چشم انداز 20 ساله و اشراف و نظارت مستمر معظم له برمراحل اجرایی آن و ده‌ها و صدها سیاستگذاری و تدبیر دیگر، همگی نشان از نگاه ژرف و آینده اندیش سکاندار نظام اسلامی دارد که با الهام از فرمایش مولای متقیان علی(ع) «العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده یصال» معتقدند علم اقتدار است، هرکس آن را به دست آورد، می‌تواند غلبه داشته باشد و هر که از آن بی بهره ماند، بر او غلبه می‌کنند.

به راستی چه کسی می‌تواند منکر آن باشد که دستاوردهای عظیم نظام اسلامی در به دست آوردن چرخه سوخت هسته‌ای، تاسیس مجتمع عظیم یو.سی.اف اصفهان، مجتمع غنی‌سازی نطنز، ورود به عرصه نانوتکنولوژی، تولید گوسفند و موش‌های شبیه سازی شده، درمان بیماران نخاعی، قلبی، کبدی، عروقی و چشمی با استفاده از سلول‌های بنیادی، داروی کنترل ایدز و سرطان، داروی زخم دیابت، داروی‌سرطان پوست، آزمایش نهایی بیش از 30 داروی درمان کننده بیماری‌های صعب العلاج، ساخت ماهواره، ساخت موشک ماهواره‌بر، ساخت موشک‌های دوربرد، زیردریایی، موشک‌های کروز، جنگنده‌های پیشرفته و صدها دستاورد دیگر، جز در سایه تدابیر و اهتمام مستمر رهبر انقلاب به دست آمده است. مسیری که پس از پایان جنگ تحمیلی و از سال‌های 70-71 آغاز شد و با آمد و رفت دولت‌ها، خللی‌در زاویه حرکت علمی کشور به وجود نیامد. در طی این میسر بود که پله‌های پیشرفت و تعالی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشتیم و هم اینک به کشور اول منطقه در نرخ تولید علم، رتبه 12ریاضی‌جهانی ، 13کامپیوتر، 17مکانیک، 18شیمی، 26نانو دنیا دست یافته‌ایم. در 7 شاخه علمی رتبه اول منطقه را داریم و در هر سه سال، میزان تولید علم در کشور دو برابرشود. فقط برای تقریب به ذهن، در رشته نانوتکنولوژی که سرعت پیشرفت متخصصان ایرانی اعجاب کارشناسان خارجی را برانگیخته است، باید متذکر شویم که قطر اتم‌های نانو مورد استفاده در آزمایشگاه‌ها و محصولات تولید شده از نانو، یک هشت هزارم قطر موی انسان است و با چنین وزن و اندازه

میکروسکوپی است که دانشمندان ایرانی گام به سوی مقاصد محیرالعقولی برداشته‌اند که مجاز به ذکر آنها نیستیم. اگر فارغ از دشمنان و خائنان و بدخواهان بودیم و می‌توانستیم به گونه‌ای شفاف‌تر از دستاوردهای علمی جوانان این مرز و بوم سخن بگوییم، آنوقت بود که عظمت نهضت علمی کشور بیشتر نمایان می‌گردید.

سال‌ها بود که غربی‌ها برتری انسان غربی را در قالب نظریه‌های علمی، تئوریزه کرده بودند و این فضاسازی اغواگرانه به گونه‌ای بود که نخست وزیر این کشور در برابر افراد و گروه‌هایی که خواستار مدیریت صنعت نفت کشورمان به دست نیروهای متخصص داخلی بودند، با تحقیر ملت ایران می‌گفت شما از ساخت یک لولهنگ (آفتابه) هم عاجزید چه برسد به اداره صنعت نفت کشور. اما انقلاب اسلامی‌ایران، این تئوری‌پردازی‌های سلطه گرانه را درهم نوردید و با دمیدن روحیه امید، خودباوری و اعتماد به نفس، قله‌های پیشرفت را یکی پس از دیگری به تسخیر درآورده است.

در ایام الله دهه فجر86 شاهد انتشار خبرهای گوناگونی از موفقیت محققان ایرانی در حوزه‌های مختلف هوا فضا، پزشکی، دارویی و نظامی بودیم. این دستاوردهای‌مهم و تأثیرگذار در حوزه هوا فضا شامل 4 بخش بودند.

1- رونمایی از ماهواره «امید»؛ امید اولین ماهواره بومی ایران است که به منظور مصارف تحقیقاتی پیشرفته ساخته شده است. این ماهواره به دست دانشمندان و متخصصان ایرانی طراحی و ساخته شده و در مدار قرار می‌گیرد. این ماهواره در آینده نزدیک توسط ماهواره‌بر ساخت کشورمان و از پایگاه پرتاب فضایی ایران به مدار پرتاب خواهد شد.

2- ایستگاه هدایت و کنترل ماهواره ؛ این ایستگاه‌ها وظیفه تعیین موقعیت ماهواره را بر عهده داشته و ارتباط رادیویی با ماهواره را برقرار می‌کند و فرمانهای‌کنترل لازم را به ماهواره ارسال نموده و پاسخ ماهواره را دریافت می‌کند.

3- افتتاح پایگاه پرتاب فضایی ایران؛ این پایگاه به منظور پرتاب ماهواره‌های‌ایرانی در داخل کشور طراحی و ساخته شده است.

4-پرتاب موشک ماهواره‌بر ایرانی با نام «سفیر». این موشک، یک راکت کاوشی‌است که از جمله مقدمات اولیه پرتاب ماهواره به مدار است و وظیفه شناسایی محیط پروازی ماهواره‌ها قبل از پرتاب را انجام می‌دهد. موشک امید شامل بیش از 10 هزار تنوع قطعه در اجزای

مختلف اعم از موتور، بدنه، هدایت و کنترل است که کارشناسان رشته‌های مختلف دانشگاهی طی 10 سال گذشته، ساخت تمامی اجزای آن را بومی نموده و اینک صنایع هوافضای جمهوری‌اسلامی قادر به ساخت کامل آن می‌باشد.

در حوزه دارویی نیزمحققان پژوهشکده رویان به 3 موفقیت جدید دست یافتند که اولین مورد موفقیت در تولید فاکتورهای رشد سلول‌های فیبروبلاست انسانی، دومین مورد تولید مدل‌های حیوانی آزمایشگاهی با استفاده از سلول‌های بنیادی‌و سومین مورد درمان بیماری پوستی «ویتیلیگو» (لک و پیس) با استفاده از انتقال سلول‌های ملانوسیت پوستی برای نخستین بار در جهان است.

در حوزه دفاعی هم شبیه‌ساز ثابت بالگردهای کبری و شبیه‌ساز کامل بالگرد 206 در هوانیروز ارتش طراحی و تولید شد.با طراحی و تولید این شبیه‌سازها، نیاز قسمت قابل توجهی از بخش هواپیمایی نیروی زمینی ارتش در آموزش خلبانان ماهر و توانا با بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن پروازی مرتفع شده و علاوه بر کاهش سوانح پروازی، میزان سوخت، خسارات جانی و استهلاک تجهیزاتی، سطح کمی وکیفی آموزش‌ها نیز بهبود می‌یابد.

استفاده از این شبیه‌سازها در هر یک هزار ساعت پرواز، تنها امکان بروز یک خطا را داشته و هرگونه خطا و یا عیب به طور خودکار و به صورت بصری به خلبان هشدار داده می‌شود. به گفته امیر خلبان احدی فرمانده هوانیروز ارتش، با راه‌اندازی و بهره‌برداری از شبیه‌ساز متحرک بالگرد 206 انواع آموزش‌های خلبانی و تیراندازی با بالگرد و اجرای مانورهای اضطراری در شرایط مختلف جوی امکان‌پذیر است که برای تولید این شبیه‌ساز متحرک، 18 هزار نفر ساعت و یک سال زمان و هزینه‌ای معادل 800 میلیون تومان صرف شده و تمامی‌نرم‌افزارها و تجهیزات الکترونیکی آن توسط متخصصان هواپیمایی‌نیروی‌زمینی ارتش و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح طراحی و ساخته شده که موجب صرفه‌جویی کلانی در خرید تجهیزات مشابه وارداتی نیز شده است. دانش ساخت و راه‌اندازی انواع شبیه‌سازهای متحرک و کامل پروازی‌تاکنون در اختیار تعداد معدودی از کشورهای آمریکایی و اروپایی بوده و به دلیل تحریم‌ها، امکان خرید آن با صرف هزینه‌های سنگین نیز میسر نخواهد بود. همچنین بیش از 9700 قطعه انواع قطعات حساس و تند مصرف بالگردهای مختلف هجومی و ترابری که توسط متخصصین هوانیروز ارتش طراحی و ساخته شده است به چرخه تولید و شبیه‌سازی بالگردهای ارتش جمهوری اسلامی اضافه شد.

سلطه سنگین و طولانی شرق و غرب بر این دیار و حضور مستقیم نیروهای‌انسانی آنان از جمله 40هزار مستشار نظامی آمریکایی در ارتش و هزاران متخصص در صنعت نفت و دیگر صنایع و معادن کشور، نه تنها مجال بروز و ظهور کارآمدی و خلاقیت نیروهای مستعد ایرانی را از بین برده بود، بلکه به‌تدریج این باور را القا کرده بود که ایرانی همواره نیازمند بذل عنایت دیگران است و به عنوان یک کشور جهان سومی از توان و قدرتی برخوردار نیست که بتواند کشور را اداره کند و پاسخگوی نیازهای آن باشد.

بزرگنمایی و برجسته جلوه دادن فکر و فناوری غرب و تحقیر توانمندی‌ها و به فراموشی سپردن پیشینه پرشکوه علمی ایران با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف فرهنگی و هنری، روحیه خودباختگی، بحران هویت و شیفتگی نسبت به خارج از مرزها را در ضمیر و اندیشه ایرانیان تثبیت می‌کرد و تن دادن به وضع موجود را سرنوشت محتوم قلمداد می‌نمود. آیات خیزش برانگیز الهی همچون آیه مبارکه «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» که بشارت دهنده تحولات مبتنی‌بر خواست و اراده هر قوم و گروهی است که به‌تدریج کم‌رنگ و یاس و دلسردی جایگزین امید، پویایی و نشاط شده بود.

در چنین فضای مرده و نومیدکننده‌ای ندای رحمانی امام راحل که خاستگاهی جز آموزه‌های نورانی اسلام نداشت نهیبی بیدارگر بود که روحیه اعتماد به نفس و خودباوری را در سایه اتکال به قادر متعال در کالبدهای سرد دمید و این دم مسیحایی حیاتی تازه به جان‌های بی‌رمق بخشید.در آغازین روزهای پیروزی، جوانان برومند کوشیدند تا با تکیه بر استعدادهای سرشار خدادادی و بهره‌گیری از خلاقیت و ابتکار به‌تدریج کشور را از وابستگی تمام عیار خارج سازند تا بتوان استقلال سیاسی را در کوران حوادث و تندباد فشارهای خارجی حفظ کرد.جنگ 8 ساله در عین حال که خسارت‌ها و مشکلات فراوانی به همراه داشت اما این واقعیت خارجی که نمادی از روحیه ظالمانه حاکم بر جهان است، ضرورت اتکا بر توانمندی نیروهای بومی را مضاعف کرد و مجالی وسیع برای جلوه گر ساختن نبوغ و توان بالقوه نیروهای متعهد و انقلابی را فراهم کرد.
بعد از فرونشستن گرد و غبار جنگ نیز با تأکید مداوم رهبر حکیم انقلاب، همواره عنایت به دانش وتولید علم، جایگاه والای خود را در کشور حفظ کرد.توسعه تحسین برانگیز کمی و کیفی در آموزش عالی کشور به گونه‌ای غیرقابل مقایسه با قبل از انقلاب و با شتاب رشدی بی‌بدیل در منطقه موجب شد که اینک با گذشت حدود 3 دهه، ایران جایگاه دوم علمی را در منطقه نصیب خود سازد و بدون تردید با روند فعلی خیلی زودتر از پایان دوره سند چشم انداز (سال 1404) به رتبه نخست دست خواهیم یافت.

در حال حاضر نیز در رشته‌های متعدد از جمله ریاضی، مکانیک، شیمی، فیزیک، نانو و مهندسی پزشکی به این ایده نائل شده‌ایم و در حال ارتقای جایگاه خود در سطح جهانی هستیم.اگر روزگاری رتبه دانشگاه‌های ایران در بین دانشگاه‌های معتبر دنیا در شمار 2000دانشگاه برتر هم نبود، امروز این موقعیت به رتبه 529(دانشگاه صنعتی شریف) و 539 (دانشگاه تهران) ارتقا یافته است و قطعا با ارائه گزارش‌ها و آمار و اطلاعات دقیق‌تر به موسسات ارزیابی، مشخص خواهد شد که جایگاه واقعی دانشگاه‌های ما بهتر از مرتبه‌ای است که در حال حاضر مطرح می‌شود هرچند که از ترکش‌های اعمال سلیقه‌های سیاسی این موسسه‌های بین‌المللی نمی‌توان کاملا در امان بود. در رتبه‌بندی 20 دانشگاه معتبر جهان اسلام نیز مسلما تعداد قابل توجهی از دانشگاه‌های ایران جای خواهد گرفت و از حمایت سازمان کنفرانس اسلامی برخوردار خواهند شد.

عنایت مستمر رهبر فرزانه انقلاب بر لزوم حاکم شدن گفتمان علمی در کشور، تحقق جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، ترسیم نقشه جامع علمی کشور، افزایش نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی، بها دادن به نخبگان، اهتمام لازم به اعتبارات پژوهشی و حمایت همیشگی رئیس جمهور و وزارت علوم سبب شده است با مهیا شدن نسبی زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی و تعداد زیاد دانشجویان (سه میلیون و سیصد هزار نفر) و دانشگاهیان و محققان و اختصاص اعتبارات بیشتر، کشور در آستانه یک جهش علمی قرار گیرد و هر روز شاهد دستاوردهای غرورآفرین و در نوردیدن مرزهای دانش باشیم.

با تکمیل چرخه تحقیق، تولید علم، فناوری، تولید محصول و تبدیل آن به ثروت، شکی نیست که به فضل الهی جایگاه اول فناوری و اقتصادی را نیز در منطقه کسب کرده و ایران اسلامی را به الگویی از تمدن درخشان اسلامی تبدیل خواهیم کرد.

اما درباره تمدن اسلامی توضیحی عرض نمائیم:

"اسلام طی پنج قرن از سال 81 تا 597 هجری قمری از لحاظ نیرو ، نظم ، بسط قلمرو حکومت، تصفیه اخلاق و رفتار، سطح زندگانی ، وضع قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی ، ادبیات ، دانشوری ، علم ، طب و فلسفه ، پیشاهنگ جهان بود."

این سخنان مورخ معروف ویل دورانت است که درباره اهمیت تمدن اسلامی نوشته است.

آری اسلام که دین دنیا وآخرت است در مدت بیش از پنج قرن به جهانیان ثابت کرد که دین تمدن است.دین پیشرفت است.دین علم ودانش است.دین رفاه دنیوی است.دین استفاده از مواهب دنیوی است.

ارزشی که دانشمندان در اسلام دارند در کمتر دین دیگری مشاهده می شود.اهمیتی که اسلام به پیشرفت و ترقی مسلمین می دهد مثال زدنی است.

اسلام دشمن جهل ونادانی است.اسلام دشمن فقر وبیچارگی است.اسلام دشمن عقب ماندگی است.
متاسفانه در طول تاریخ اسلام فقط یکبار به اسلام فرصت داده شد تا چهره زیبای خود را نشان دهد وآنهم در دوره تمدن اسلامی بصورت محدود بود.درحالی که خلفاء اموی وعباسی بدنبال شهوات وخوشگذرانی بودند وبه دانشمندان سخت گیری نمی نمودند وبعضا جلسات مباحثات علمی همانند جلسات مامون عباسی برگزار می کردند ،فرصتی برای دانشمندان واصحاب علم فراهم آمد تا با تلاشها ومجاهدتهای فراوان پیشاهنگ علم ودانش در جهان گردند.دانشمندان بزرگی در صحنه علم ظاهر شدند که برای همیشه بعنوان یک افتخار برای مسلمین درخشیدند.در نتیجه تلاشهای علمی،اختراعات واکتشافات فراوانی در علوم مختلف صورت پذیرفت.و مردم دنیا با چشمان متعجب خود قافله سالاری مسلمین را در تمدن دیدند.
کافی است در این مورد به اعترافات دانشمندان ومورخین غربی نگاهی بیاندازیم
آقای دلامبر می نویسد:
اگر در میان یونانیان دو یا سه نفر یافت شدند که دارای جنبه تحقیق بودند ولی در میان یونانیها شاید یک نفر هم پیدا نشده است که در علم شیمی از طریق تجربه وارد شده باشد ولی در اسلام صدها از این قبیل اشخاص بوده اند.
خدمت مسلمین تنها این نبود که علم را از راه تحقیق و اکتشاف ترقی دهند بلکه روح مخصوصی در آن دمیده و به وسیله نوشتن و گفتن تحریر و نگارش و مدارس عالیه آنرا در دنیا اشاعه و انتشار دادند و در دنیای علوم و معارف اروپا از این را هاحسانی نمودند که نمی توان برای آ‹ حردی تصور کرد و مسلمین قرنها استاد علوم و فنون ملل اروپا بودند.
و رسومی می نویسد:
دانشمندان و بزرگان ایران نشان دادند هنگامیکه اروپا در خواب نادانی و توحش مانده بود ایران به ان مرتبه و مقامی رسید که عقائد و افکار قرن بیستم بعدا از آن پدیدار گردید.
و باز ویل دورانت درباره تأثیر هنر اسلامی در اروپا می نویسد:
برجهای کلیساهای مسیحی و برجهای ناقوسی به نسبت زیاد مدیون مناره های مساجد است.
تجدید رونق سفالکاری هنری در ایتالیا و فرانسه نتیجه انتقال سفالگران مسلمان به این دو کشور و سفر سفالگران ایتالیا به اندلس اسلامی بود.
آهنگران و شیشه گران و نیز وجلد سازان ایتالیا وزره بافان و اسلحه سازان اسپانیا همه هنر خود را از صنعتگران مسلمان فرا گرفته بودند. تقریبا در همه مناطق اروپا بافندگان به دیار اسلام توجه داشتند که از آنجا نمونه و نقشه بگیرند .حتی باغها به نسبت زیدد از باغهای ایرانی نشان داشت.

و ابن خلدون که از استعداد در نبوغ دانشمندان ایران تعجب کرده می گوید:
در ملت اسلام بیشتر دانشمندان چه در علوم دینی و چه در علوم عقلی ایرانیان بوده اند و حتی صاحبنظران علم نحو و دستور زبان عربی مثل سیبویه ،فارس ،زجاج ، اخفش ایرانی بوده اند. لذا پیامبر اسلام فرمود: اگر علم در آسمانها باشد، مردانی از فارس به آن می رسند.
و خانم دکتر هونکه درباره تأثیر تمدن اسلام در اکثر علوم امروزی می نویسد:
تمدن اسلامی که بوسیله مسلمین شروع شد نه تنها ارثیه یونان را از انهدام و فراموشی نجات داد و آنرا اسلوب و نظم بخشید و به اروپا داد بلکه آنان پایه گذار شیمی آزمایشی ،فیزیک ، جبر ، علم حساب بمفهوم امروزی و مثلثات فضائی ، زمین شناسی و جامعه شناسی هستند. تمدن اسلامی تعداد زیادی کشفیات گرانبها و اختراعات در همه بخشهای علم تجربی که اکثر آنها را بعد ها نویسندگان اروپائی دزدانه به حساب خودشان گذاشته اند به مغرب زمین هدیه کرده است. ولی گرانبها ترین آنها شاید اسلوب تحقیقات علم طبیعی باشد که این پیشقدمی مسلمانان بود که جای پا برای اروپا باز کرد تا منجر به شناخت قوانین طبیعت و فقوق و کنترل آن گردید.
گوستاولو بون می گوید :
تا به اینجا این مطلب ثابت شد که اکتشافات مسلمانان در طبیعیات اهمیتش کمتر از ریاضیات و علم هیئت نبوده و پایه معلومات مسلمانان در فیزیک و به خصوص امور بصری آن بلند و عالی است.
و مسلمانان بودند که آلات دقیق مکانیک را اختراع کردند. و هم آنها بودند که مهمترین ترکیبات شیمیائی مانند الکل و اسید ازتیک و اسید سولفوریک را کشف کردند و آنها بودند که لازم ترین کارها را در این باره انجام دادند مانند عمل تقطیر و غیره و آنها بودند که از علم شیمی در راه داروسازی و صنعت به خصوص استخراج معادن و ساختن فولاد و چرمسازی و غیره استفاده کردند. و آنها بودند که باروت و اسلحه های گرم جنگی را اختراع کردند و از پارچه کهنه کاغذ ساختند.
و به ظن قوی قطب نما را در قسمت کشتی رانی مورد استفاده قرار دادند واین اخترع مهم را بر اروپا آوردند و سیاحت آینده نیز دلیل دیگری است بر اینکه آنها در علوم طبیعی نیز برتری داشته اند.
و مسیو لیری می نویسد:
((اگر مسلمانان بر روی صفحه تاریخ ظاهر نشده بودند نهضت علمی اروپا قرنها عقب می افتاد)).
و گوستاولو بون می نویسد:
((تمام دانشمندانی که قبل از قرن پانزدهم میلادی در اروپا ظاهر شدند کسانی بودند که علوم آنها منحصر به آن چیزهایی بود که از روی کتابهای مسلمین یاد گرفته بودند.برای دانشمندانی مانند: روژباکن، لئونارپیز ، ارنود ویلنووی ، ریمون ، سانتوسا، آلبرت کبیر، آلفونس دهم و غیره، تنها مرجع

علمی آنها کتابهای مسلمانان بوده است و به قول موسیورنان ، آلبرت کبیر هر چه دارد از ابن سینا است، و سان توما نیز هر چه در فلسفه می دانست از ابن رشد بوده است)).

تمدن اسلامی در قرن هفتم به دلایل مختلف مضمحل شدو**بعد از این دوره "دیگر این فرصت پدید نیامد تا اینکه انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید.**

انقلاب اسلامی علاوه بر اینکه استقلال وآزادی ونظام مبتنی بر اسلام را به ملت ایران هدیه نمود،باعث شد که روحیه خودباختگی که در بعضی از افراد بود از بین رفته وروحیه خودباوری واعتماد بنفس جای آن را بگیرد.

با تکیه بر خودباوری ملت ایران ،دنیا مشاهده کرد که جرقه هائی از تمدن اسلامی درایران زمین زده شده وامیدهای زیادی برای احیاء مجدد تمدن اسلامی بسبک نوین در کشورمان

زنده شده بطوری که در سال 86 بیش از هفت هزار اختراع در کشور ایران صورت پذیرفته است.مخصوصا با تدوین سند چشم انداز بیست ساله مقام معظم رهبری که باید با محقق شدن آن ،ایران اسلامی در سال 1404 مقام اول اقتصادی وعلمی وفناوری را در منطقه بدست آورد.

ارائه این سند توسط یک فقیه و محتهد شیعه برای اولین بار در تاریخ یک قرن اخیر انجام شده ومشابه دیگری ندارد.

واین نشان می دهد که روحانیت نه تنها مخالف پیشرفت نیستند بلکه تلاش امام راحل ومقام معظم رهبری ومراجع معظم تقلید ونمایندگان مجلس ودولت کریمه برای این است که محرومیت وعقب ماندگی وناآگاهی از این کشور رخت ببندد ومردم ایران بعد از تحقق سند چشم انداز شاهد ایرانی آباد،مرفه و پیشرو در علم وتمدن باشند والگویی برای دیگر کشورهای اسلامی قرار گیرند.

و جلوه کوچکی از حکومت جهانی حضرت مهدی عج را مشاهده فرمایند.

البته تحقق این امر نیاز به مجاهدت همه اقشار بخصوص جوانان متعهد ایرانی دارد که یقینا

با تلاش مضاف آنان سند چشم انداز محقق می شود.و بعد از آن سند چشم انداز بیست ساله برای رسیدن به مقام اولی آسیا وشاید اروپا تدوین وانشاء الله محقق می شود وشاید با ظهور امام زمان عج انقلاب علمی در جهان صورت گرفته ومردم دنیا از

هر نژاد و مذهبی طعم شیرین اسلام ناب ممدی را احساس خواهند نمود.

قسمتی از متن سند:

بسم الله الرحمن الرحیم.چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق 1404 هجری شمسی.(

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی وکوشش برنامه ریزی شده ومدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی .در چشم انداز بیست ساله:

ایران کشوری است توسعه یافته ،با جایگاه اول اقتصادی ،علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی ،الهام بخش در جهان اسلام وبا تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل.)

خدواند به رهبر غرزانه ایران طول عمر عنایت فرماید تا تحقق آرمان های سند مذکور را بعینه مشاهده فرمایند.

پایان

قسمتی از مقدمه فوق از گزارشات هفتگی شورای سیاستگذاری ائمه جمعه اقتباس شده است.

***

باسمه تعالی

«الم‌تر کیف ضرب الله مثلاً کلمةً طیبةً کشجرةٍ طیبةٍ اصلها ثابت‌وفرعها فی السماء»

رسول خدا فرمود که من درختم وحضرت فاطمه (ع) فرع (شاخه)آن‌است.

علت انتخاب حضرت فاطمه س بعنوان سرور زنان عالم چه بود؟

در تاریخ بشریت از میان میلیاردها زن چه آنان که قبلا بوده اند وچه آنان که بعدا بوجود می آیند،خداوند حکیم دختری که نهایت عمرش هجده یا بیست وهشت سال بوده را بعنوان سرور وبرترین زن تاریخ بشریت انتخاب نمود.واو کسی نیست جز فاطمه اطهر س دختر حضرت محمد ص.

یقینا در انتخابهای پروردگار عالمیان ،حکمتها وشایستگیها فرد انتخاب شده ملاک است والا زنانی که به مقامات بالا دست پیدا کرده اند می توانند به این انتخاب اعتراض کنند.که چرا ما انتخاب نشدیم؟

پس باید در حضرت فاطمه س ،ویژگیهایی باشد که دلیل بر انتخاب او گردیده است.

در زیارتنامه ای در باره حضرت فاطمه س می خوانیم که :

امتحنک الله الذی خلقک قبل ان یخلقک.فوجدک صابره.

خداوند قبل از خلقت وجود جسمانی حضرت فاطمه س ،او را امتحان نمود واورا صابره یافت.

مسئله خلقت نور اولیاء قبل از خلقت جسمشان مسئله ای ثابت شده است. از جمله روایتی است که :

اولین مخلوق؟

جابربن عبداللّه انصاری از رسولخدا(ص)پرسید:اولین مخلوق خدا چه‌بود؟

فرمود:ای جابر!نورپیغمبرت بود که خدا اول آنرا آفرید وسپس از او هر چیزدیگر را خلق کرد.

وقتی خدا نور مرا خلق کرد،تامدتی نورمرا در مقام قُرب قرار داد.بعد این‌نور را چهار قسمت کرد.از یک قسم عرش را آفرید.از یک قسم کرسی‌را آفرید.از یک قسم حاملان عرش را آفرید وقسم چهارم را در مقام‌حُبّ قرار داد.سپس آنرا به چهارقسمت نمود واز یک قسم لوح راآفرید.از یک قسم قلم را آفرید .از یک قسم بهشت را آفرید وقسم چهارم رادر مقام خوف قرار داد.سپس آنرا به چهار قسمت نمود واز یک قسم‌ملائکه را آفرید.از یک قسم خورشید را آفرید واز یک قسم ماه را آفریدوقسم چهارم را در مقام رجاء قرار داد.سپس آنرا چهار قسمت کرد.از یک‌قسم عقل را آفرید.از یک قسم علم وحلم را آفرید.از یک قسم عصمت‌را آفرید وقسم چهارم را در مقام حیاء نگاه داشت.سپس آنرا به صدوبیست وچهارهزار نور تقسیم کرد واز هر نوری پیامبری را آفرید وازارواح آنان،ارواح اولیاء وشهداء وصالحین را بیافرید.(المیزان ذیل آیه32بقره)

که در این روایت به خلقت نور پیامبر قبل از خلقت آیات دیگر جهان هستی اشاره دارد.

در رابطه با حضرت فاطمه س هم روایتهایی داریم که بر خلقت نور بانو قبل از خلقت جسمش اشاره دارد

فخرفروشی؟

آدم(ع)وحوا(ع)در بهشت فردوس آمده است که وقتی خداوند آدم وحوارا خلق کرد.آندو فخر می‌فروختند.آدم به حوا گفت:خداوند متعال مخلوقی بهتر از ما نیافریده است. دراین موقع خدا به جبرئیل دستورداد تا آندو را به بهشت فردوس ببرد.

وقتی وارد فردوس شدند،دیدند دختری برروی تختی از تختهای بهشت‌نشسته وتاجی از نور برسر ودوگوشواره از نور درگوش دارد واز نورصورتش،فردوس روشن است.

آدم(ع)به جبرئیل گفت:ای حبیب من جبرئیل!این دختر که از نور صورت اوبهشت روشن است ،کیست؟

جبرئیل گفت:این فاطمه(س)دختر پیغمبرآخرالزمان است.تاجی که برسردارد،شوهرش علی(ع)ودوگوشواره‌اش،حسن(ع)وحسین(ع) هستند. واوازچهارهزار سال قبل از خلقت شما موجود بوده است.(فاطمه سرور زنان‌عالم ص15)

بعد از اینکه مسئله خلقت نور حضرت فاطمه س،مشخص گردید یک مقداری معنای عبارت زیارتنامه که فرموده از حضرت فاطمه س قبل از خلقت ،امتحان گرفته شده روشن می گردد.

اما چرا امتحان با صبر؟و صبر حضرت فاطمه س چقدر بوده که به او بخاطر این مقدار صبر مقام ویژه ای عطا می شود؟

جایگاه صبر در سعادت انسان ها جایگاه بسیار مهمی است.چنان که روایت شده صبر نسبت به ایمان مانند سر نسبت به بدن است.

از خصوصیاتی که اگر انسان آن را داشته باشد ،مصیبتها و سختی ها را برای انسان آسان می نماید صبر است و این صفت اگر درست بکار گرفته شود به اهرمی تبدیل می شود که سنگینترین موانع و بزرگترین مشکلات را با سهولت برطرف می سازد و در یک جامعه مشکل دار، کلید همه خوشبختی ها به شمار می آید.

قرآن کریم در بیشتر از 70 آیه از صبر و صابران یاد کرده که از جمله آنها آیه سوره والعصر است که می فرماید:

((بسم الله الرحمن الرحیم والعصر ان الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا و عملو ا الصالحات و تواصو ا بالحق و تواصو بالصبر))

قسم به عصر که انسان در زیانکاری است مگر آنانکه ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده و وصیت به حق و صبر نمایند. و یا در آیه دیگر می فرماید:

((و بشرالصابرین الذین اذا اصابتهم مصیبه قالو : انالله و انا الیه راجعون اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمه و اولئک هم المهتدون))بقره15

بشارت بده صابران را آنانکه هرگاه مصیبتی می بینند می گویند انالله وانا الیه راجعون ایشان که خداوند بر آنها صلوات و رحمهٔ می فرستد و اینها هستند هدایت شده گان.

پیامبر فرمود:

((الایمان نصفان نصف صبر و نصف شکر))

ایمان دو نیمه دارد نیمی صبر و نیمی شکر است.

انسان در دوران زندگی محدود خود با دشواریها و سختیها و موانع فراوانی بر خورد می کند که داشتن صبر دراین مواقع،صبر یعنی در برابر همه این موانع مقاومت ورزیدن و با اراده و عزمی استوار از آنها گذشتن.

صبر توصیه همه پیامبران و رهبران حقیقت به جانشینان است.

امام پنجم(ع) می فرماید: زمانیکه لحظه وفات پدرم فرا رسید مرا به سینه خود چسبانیده فرمود:

وصیت می کنم به تو به آنچه که پدرم در حین وفاتش به من وصیت کرد و او هم به آنچه پدرش حسین وصیت کرد که ای فرزند صبر بر حق کن اگر چه تلخ باشد.

شاعر می گوید:

(سأصبر حبی یعلم الصبر اننی صبرت علی شئی امر من الصبر)

آنچنان صبر می کنم تا صبر بداند که من صبر نمودم بر چیزیکه از صبر تلخ تر بوده است.

بیشتر خصلتهای خوب درنتیجه صبر کردن بدست می آید.مثلا پاکدامنی با صبر در مقابل شهوت بدست می آید.یا قناعت بر اثر صبر بر روزی کم حاصل می شود.یا حلم وبردباری بر اثر صبر بر خشم وغضب بدست می آید یا استقامت بر اثر صبر بر سختیهای جهاد در راه خدا حاصل می شود.خلاصه اکثر خصلتهای خوب مربوط به صبر است

همانطوریکه معصومین فرمودند نصف ایمان صبر است

البته صبر زنان با مردان تفاوت دارد.معمولا مردها نسبت به زنها قدرت تحمل پذیری بیشتری دارند. وزنها بخاطر ظرافت جسم ولطافت روح ،قدرت تحمل پذیری کمتری دارند.

اما صبر حضرت فاطمه س چقدر بوده است؟

یکی از موارد صبر حضرت فاطمه س در مورد صبر بر مشکلات همسر داری وبچه داری وخانه داری ومشکلات اقتصادی بوده است.

دختری که پدرش سیدالانبیاء است و در مدینه ولی امر مسلمین است وگاهی بر اثر پیروزی در جنگ ها ،غنائم فراوانی در اختیارش قرار می گیرد،در کمال سادگی و زهد ،زندگی می کند.چادرش کهنه،پیراهنش از جل شتر،فرشش پوست گوسفند،

شوهرش مجاهد فی سبیل الله که اکثرا در جبهه بسر می برد،وضع مالی خانواده طوری است که گاهی دوروز غذا در منزل یافت نمی شود .از زینت های معمولی همانند گوشواره وگردنبند والنگوی طلا در حضرت دیده نمی شدومشکلات دیگر.

***

علی(ع)فرمود:او با اینکه محبوبترین افراد نزد پیغمبر بود،امّا آنقدر بامشک آب کشید که اثر مشک در بدنش پیدا شد وآنقدر خانه را جاروب کرد که لباسهایش غبار آلود بود وآنقدر زیر دیگ آتش افروخت کهلباسهایش عوض شد(کهنه شد).

***

روزی پیغمبر(ص) پیش فاطمه(س) رفت ودید که بچه را شیر می‌دهد وبا دستش آسیاب را می چرخاندولباس تن او از جل شتراست.پیغمبر فرمود:ای دختر گرامی!امروز تلخیهای دنیا را برای‌شیرینیهای آخرت بچش!فاطمهٔ فرمود:من خدارا بخاطر نعمتهایش‌حمد می کنم وبرکرامتهایش شکر می گذارم.دراین موقع آیهٔ«ولسوف یعطیک ربّک فترضی'»ضحی5

«بزودی خدا آنقدر بتو بدهد تا راضی شوی.»

***

سلمان می گوید:روزی فاطمه را با چادری وصله دار وساده‌دیدم.تعجب کرده وگفتم:عجبا!دختران پادشاه ایران وروم برصندلی‌های طلا نشسته وپارچه های زربفت برتن می کنند.امّا این دختررسولخداست که نه چادرهای گرانقیمت بتن داردونه لباسهای زیبا!

فاطمه فرمود:ای سلمان!خدای بزرگ ،لباسهای زینتی وتختهای طلا رابرای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.

***

بعد از ازدواج حضرت علی ع با حضرت فاطمه س بعضی از زنان ،فاطمه س را بر اینکه با مرد ی که ثروتمند نیست ازدواج کرده ،مذمت می نمودند اما حضرت فاطمه بر این مذمتها صبر کردند.

یکی دیگر از موارد صبر حضرت فاطمه س ،صبر در مقابل لذتهای فانی دنیوی بوده است.

معمولا زنان زیبا رو،دچار فتنه های مختلفی می شوند ناپاکان او را دعوت به آلودگی می کنند.

نفس اماره از او لذت های دنیوی را طلب می کند.خودنمائی زن ومیل به خودآرائی اورا راحت نمی گذارد.

اما فاطمه زهرا س که نور صورت او بر شهر مدینه ساطع است، آنچنان پاکدامن است که در مقابل نابینا ،چادر سر می کند ودر مقابل سؤالی که می پرسند این شخص کور است!می فرماید اگر او مرا نمی بیند من که اورا می بینم.

وآنچنان طاهره است که بهترین صفت زن را در دوری از نامحرمان می داند.

هدیه پیامبر به زهرا وعلی

«وقتی صبح عروسی حضرت زهرا،رسول خدا به دیدار اوآمدند.فرمودند هدیه من به شما این است که کارهای خانه را تقسیم‌می‌کنم.کارهای داخل خانه برای زهرا که نامحرم‌اورا نبیند وکارهای‌خارج از خانه برای امیرالمؤمنین.

در این موقع حضرت زهرا فرمود:وقتی رسول خدا این مسئولیت کارخارج از خانه را از من برداشت فقط خدا می‌داند چقدر من خوشحال‌شدم.»

و هنگام رحلت نگران است که نکند حجم بدن او بر روی تابوت در نگاه نامحرم قرار گیرد.

پس حضرت در مقابل لذتهای زودگذر که عده زیادی از زنهای زیبا رو را جذب کرده وباعث آلودگی آنان شده،صبر داشتند واطاعت پروردگار ولذت رضایت اورا بر هر لذتی ترجیح دادند.

سومین نوع صبر حضرت فاطمه س،صبر بر مصیبتهای فراوان بود.

المظلومه،المقهوره،المغصوبه حقها،الممنوعه ارثها،المکسوره ضلعها،المظلوم بعلها،المقتول ولدها فاطمه بنت رسول الله.

به او ظلمها رواشتند.به خانه اش حمله نمودند.حقش را غصب کردند.ارثش را ندادند.پهلویش را شکستند.به شوهرش ظلم نمودند.پسرش محسن را کشتند.

آنقدر مصیبتهای وارده بر حضرت فاطمه س بزرگ وعظیم است که در سخنی فرمود اگر این مصیبتها بر روزها وارد می شدند،روزها شب می گشتند.

علاوه بر مصیبتهایی که در زمان حیاتش بر او وارد کردند،علمی که حضرت نسبت به آینده داشت

ومی دانست که چه ظلمها بر فرزندانش وارد می نمایند. نیز نیاز به صبر عظیمی داشته است.

همچنین مصیبت رحلت رسول الله که بخاطر ارتباط روحی عظیمی که بین حضرت فاطمه س وپسامبر اعظم ص بود،با رحلت رسول خدا ص،فاطمه س باید صبر می کرد وآن هم چه صبری.

پیراهن پیامبر در دستان زهراء

از علی(ع)نقل شده است که:چون پیامبر را در پیراهنش،غسل‌دادم،فاطمه(س)فرمود:آن پیراهن را بمن بده.وقتی پیراهن را به اودادم،آنرا بوسید وسپس بیهوش شد.من هم دیگر پیراهن مذکوررا به اونشان نمی دادم.

همچنین ازعایشه وامّ سلمه نقل شده است که:درآن مریضی که پیامبررحلت نمود،فاطمه(س)را نزد خود نشاند وبه او رازی گفت که‌فاطمه(س)گریان شد!بار دیگر رازی را به او فرمود که فاطمه(س)خندان‌شد!

بعد از رحلت رسول اکرم(ص)،علت گریه وخندهٔ آن موقع را از اوپرسیدند.فاطمه(س)فرمود:پیغمبر بار اول بمن فرمود که:جبرئیل‌هرسال قرآن رایکباربرمن عرضه می کرد وامسال دوبار بر من عرضه‌نمود ومن می دانم که امسال رحلت می کنم!وفرزندان تو مورد ظلم‌وستم واقع می شوند.من با شنیدن این سخن،گریان شدم.بعد فرمود:آیاراضی نیستی که تو اولین شخصی از اهل بیتم باشی که بمن ملحق‌میشوی؟من خندان شدم.

وبروایت دیگر حضرت فرمود:آیا راضی نیستی که سیّدهٔزنان‌باشی؟«جلاء العیون ص22»

اذان بلال!

روزی فاطمه(س)فرمود:دوست دارم اذان مؤذن پدرم را بشنوم.به‌بلال خبر دادند واو این پیشنهاد را پذیرفت.
حضرت فاطمه(س)با شنیدن صدای اذان بلال،بیاد ایام رسول خدا(ص) افتاد ومتأثّر شد وبه گریه افتاد.همینکه بلال صداکرد:اشهد انّ‌محمداً رسول اللّه!فاطمه ناله ای کرد وبیهوش بر زمین افتاد.
مردم گمان کردند که فاطمه(س)از دنیا رفته است.به بلال گفتند : اذان‌نگو که دختر رسول خدا(ص)از دنیا رفت وبلال هم اذان را نیمه کاره رهاکرد.
وقتی فاطمه(س)بهوش آمد،به بلال فرمود:اذان را تمام نما!بلال قبول‌نکرد وگفت:ای بهترین زنان!می ترسم بشما آسیبی برسد.حضرت هم‌اورا معاف نمود.
این موارد سه گانه صبرحضرت که بصورت مختصر بیان شد،یکی از علل انتخاب حضرت فاطمه س بعنوان سرور زنان عالم بوده است. وعلل دیگری چون عبادت برتر ایشان،علم فراوانشان وفضیلتهای دیگر ،باعث شد تا این انتخاب مبارک صورت گیرد واو الگوی زنان سعادتمند گردد.
البته ما مقدار کمی از دریای صبر حضرت زهراء را بازگو نمودیم و باید در مکتوبی جدا بیشتر درباره صبر حضرت فاطمه س بحث نمائیم.

***

باسمه تعالی

اندیشه های سیاسی امام خمینی رض

امام امت: پیامبر هم آخوند بوده.یکی از آخوندهای بزرگ ،پیامبر است
1-امام خمینی رض در میان علمای شیعه در زمان غیبت کبری ،دارای تئوری ها واندیشه های منحصر بفرد ونابی هستند که بر اساس این اندیشه ها ،نقشه انقلاب اسلامی را طراحی ومهندسی نمودند سپس آن را اجرا ومعماری نمودند.که به این انقلاب اسلامی ،معجزه قرن گفته اند.
2-مبانی تفکر امام امت بسیار مهم است هم برای علاقه مندان به انقلاب اسلامی.وهم برای دشمنان نظام اسلامی.
اما برای دوستان مهم است زیرا ملتهای زیادی هستند که مسلمانند ولی همچون ایران زمان طاغوت ،گرفتار استکبار جهانی ودست پرورده های آنان می باشند لذا دنبال راه حلی برای نجات خود می باشند.پس فرمول انقلاب اسلامی ایران برای آنها بسیار مهم وحیاتی است.
اما برای دشمنان نظام اسلامی نیز این فرمول مهم است زیرا با نهضت ها وقیام هایی شبیه قیام ملت ایران مواجه هستند لذا بدنبال شناخت علل وعوامل پیروزی شگفت انگیز مردم ما هستند تا بتوانند پادزهر مناسبی برای به شکست کشاندن این قیام ها فراهم کنند.
بعنوان مثال در کنفراس صهیونیستی اورشلیم که سال گذشته در سرزمینهای اشغالی با هدف شناخت ماهیت انقلاب اسلامی ایران برگزار شد،فوکویاما از تئوریسین های استکبار جهانی سخنرانی کرد.او در قسمتی از سخنانش گفت:

شیعه پرنده ای است که افق پروازش بسیار بالاتر از تیرهای ماست!این پرنده دارای دو بال است که آن را فنا ناپذیر کرده است.یکی سبز ودیگری سرخ!بال سبز، مهدویت است وبال سرخ،شهادت طلبی است.

اما شیعه بعد سومی هم دارد وآن ولایت فقیه است.اگر بخواهیم سراغ آن دوبال برویم،اول باید ولایت فقیه را خط بزنیم.تا این را از بین نبریم دستسی به آن دوبال غیر ممکن است!

3-اما خلاصه مبانی تفکر تفکر امام امت به شرح زیر است:

الف:عقل حکم می کند که بشر نیاز به حکومت و قانون دارد.

ب:تنها متابعت از حاکمی صحیح است که مالک همه چیز بشر است که او منحصر در خداوند عالمیان است.پس حاکم حقیقی که واجب المتابعه است خالق جهان هستی است وحکم غیر خدا باطل است.

ج:اگر خدا به کسی حکومت داد بر بشر لازم است که از او اطاعت کند وغیر از حکم خدا یا مامور از طرف خدا،هیچ حکمی را نباید پذیرفت.

د:درزمان پیغمبر وامام حکومت با خود آنان است که خدا با نص قرآن،اطاعت آنها را بر همه بشر واجب کرده است.پس برای هیچ کس جز امام معصوم یا کسی که امام اورا منصوب نموده،جایز نیست سرپرستی امور سیاسی مانند اجرای حدود،امور قضایی وامور مالی مانند خراج ومالیات شرعی را به عهده گیرد.

ذ:در عصر غیبت امام،نواب عام که همان فقهای جامع الشرایط فتوا وقضا هستند در اعمال سیاسات و سایر مسئولیت ها،جانشین حضرت ولی عصر هستند و تنها جهاد ابتدائی از مختصات امام معصوم است.

ر:بر نایبان عام واجب کفایی است در صورت توان،قیام به امور سیاسی و قضایی و مالی کنند.اگر نتوانستند و قدرت ها اجازه ندادند،باید باندازه امکان،اعمال قدرت نمایند و برمردم نیز واجب است تا فقها را در اعمال سیاست و امور حسبیه یاری کنند.در صورت نتوانستن،باندازه امکان باید فقها را در اعمال قدرت یاری کنند.

ز:هرکس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالا دریافته باشد،چون به ولایت فقیه برسد و آن را تصور کند بی درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت.

س:اسلام برنامه حکومت دارد.اسلام قریب پانصدسال تقریبا حکومت کرده است.با این که احکام اسلام در آن وقت باز آن طور اجرا نشده است،لکن همان نیمه اجرا شده ،ممالک بزرگی را ،وسیعی را،اداره کرده است.

ش:هر نظام سیاسی غیر اسلامی،شرک آمیز است چون حاکمش طاغوت است.

ص:یکی از اقدامات انبیاء،مبارزه با نظام شاهنشاهی بوده است وفرمودند:خدای تعالی موسی را می فرستد که این شاهنشاه را از بین ببر.و پیامبر فرموده است:منفورترین کلمات پیش من،شاهنشاه است.

ض:امام خمینی رض به شاگردانش می فرمود:شما وظیفه دارید حکومت اسلامی تاسیس کنید.اعتماد به نفس داشته باشید وبدانید از عهده این کار بر می آئید.
و می فرمودند:شرع وعقل حکم می کندکه نگذاریم وضع حکومت ها به همین صورت ضداسلامی یا غیراسلامی ادامه پیدا کند...ما چاره ای نداریم جز اینکه دستگاههای حکومتی فاسد و فاسد کننده را از بین ببریم و هیئت های حاکمه خائن و فاسد و ظالم را سرنگون کنیم.
این وظیفه ای است که همه مسلمانان در یکایک کشورهای اسلامی باید انجام دهند و انقلاب سیاسی را به پیروزی برسانند.
ط:فرق اساسی حکومت اسلامی با سایر حکومت ها از قبیل مشروطه سلطنتی وجمهوری در چند چیز است.یکی در قانون گذاری است که در اسلام قانون گذاری مخصوص خداوند است نه اکثریت.دیگری در حاکم است که باید حاکم اسلامی،عادل و عالم به فقه و قوانین اسلامی باشد.
ظ: امام خمینی رض در سخنرانی 4آبان43 در مورد کاپیتولاسیون فرمودند:وکلای مجلس شورا،آنهائی که به این امر رأی دادند،به‌کشور خیانت کردند.اینها وکیل نیستند!دنیا بداند اینهاوکیل ایران نیستند.اگرهم بودند،من عزلشان کردم!ازوکالت معزولند وتمام تصویبنامه هائیکه تاکنون‌گذرانده‌اند:بی اعتبار است...(نهضت امام خمینی ج1ص726)
ع:امام خمینی رض درباره نقش روحانیت در اسلام فرمودند:ما می بینیم که این اسلام را با همه ابعادش ،روحانیون حفظ کرده اند.یعنی معارفش را روحانی حفظ کرده،فلسفه اش را روحانی حفظ کرده،اخلاقش را روحانی حفظ کرده،فقهش را روحانی حفظ کرده،احکام سیاسیش را روحانی حفظ کرده است.
غ:اسلام بی روحانی مانند اسلامی است که سیاست نداشته باشد.اسلام و آخوند این طور توی هم هستند.اسلام بی آخوند اصلا نمی شود. پیامبر هم آخوند بوده.یکی از آخوندهای بزرگ ،پیامبر است.حضرت امام جعفر صادق هم یکی از علمای اسلام است.
ف: اگر شخصیتهایی چون علامه مجلسی وبهائی و محقق ثانی با درباریان زمان خود روابط داشتند وسراغ شاهان می رفتند برای این بوده که این مذهب را بوسیله آن ها،به دست آنها ترویج کنند.
من هم اگر چنانچه می توانستم یک سلطان جائری را به راه بیاورم،می رفتم درباری می شدم.شماهم تکلیفتان این بود.

ق: این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم بیش از حضرت امیر بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر بیش از فقیه است،باطل و غلط است.ولایتی که برای پیامبر اکرم و ائمه می باشد برای فقیه هم ثابت است. در این مطلب هیچ شکی نیست.

ک: به حرف های آنهایی که بر خلاف مسیر اسلام هستند و خودشان را روشنفکر حساب می کنند و می خواهند ولایت فقیه را قبول نکنند، گوش ندهید. اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. یا خدا یا طاغوت. یا خداست یا طاغوت. اگر به امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است وقتی غیر مشروع شد طاغوت است. اطاعت او اطاعت طاغوت است. وارد شدن در حوزه او وارد شدن در حوزه طاغوت است.
طاغوت وقتی از بین می رود که به امر خدای تبارک و تعالی یک کسی نصب بشود. شما نترسید از این چهار نفر آدمی که نمی فهمند اسلام چه است،

نمی فهمند فقیه چه است، نمی فهمند که ولایت فقیه یعنی چه. آنها خیال می کنند که یک فاجعه به جامعه است.

آنها اسلام را فاجعه می دانند نه ولایت فقیه را. آنها اسلام را فاجعه می دانند، ولایت فقیه فاجعه نیست، ولایت فقیه تبع اسلام است.{صحیفه نور ج 9 ص 251}

4- ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی

Þ ÖÔvC íÛDèV EÔÃÛC pìGÆ pGço Þ lìÏÃN olÃìÎDµ ¸Vp× qC xJ:ÙO¿ç Þ l¥Çë Ð¤C
æpv ulÂ)) íÜìØh ÖD×C íØ²·ÎC éÏÎCPëA Mp©d ÚCpëC í×ÔvC êoßèØV oCnËÛDìÜF
,lÛlz éO¾pënJ Þ éOhDÜz pGço Þ Pì·Vp× éF Ökp× ¸¬DÂ PëpSÆC ½p¬ qC éÆ ((Àëp¡ÎC
lVCÞ êDèÃ¾ éØç æoDFok êpGço ÚDÊpGh.PvC Ökp× HiOÜ× ÚDÊpGh ælèµ éF pGço Ýìì·N
ÚDÛA qC íÇë æDÊ pç lÜÜÆí× Moß¡× Þ ívopF ÙèÛ Þ l¥Çë Þ ÙWÜJ Ð¤C ok oßÆn× ¯ëCpz
êCoCk Dë íµDØOVC Þ ívDìv ÐñDw× Dë íèÃ¾ MDµß¨ß× Þ ÖDÇdC éF ÙÏµC Co
ÙèÛ Þ l¥Çë Ð¤C ok oßÆn× MD¿¤ qC íÇë ok £Dh íËOwVpF lVCÞ Dë é×Dµ PìÎßGÃ×
Co ÚDÛA qC íÇë Moß¤ ÝëC pì° ok Þ lÜÜÆí× EDiOÛC êpGço éF Co ÞC lÜçk ¦ìi¡N
PëÓÞ ,ÚDÊpGh HiOÜ× pGço.lÜëDØÛí× í¾p·× Þ EDiOÛC pGço ÚCßÜµ éF
.PzCk lçCßh ælèµ pF Co ÚA qC ízDÛ êDçPìÎßòw× éØç Þ p×C

.PvC êÞDw× oß¡Æ kCp¾C pëDv DF ÝìÛCßÂ pFCpF ok pGço

:pGço MD¿¤ Þ ¯ëCpz:ÙèÛ Þ l¥Çë Ð¤C

.éÃ¾ ÀÏOi× ECßFC ok DO¾C êCpF ÖqÓ íØÏµ PìdÔ¤ - 1

.ÖÔvC P×C êpGço êCpF ÖqÓ êCßÃN Þ PÎClµ - 2

êCpF í¾DÆ MolÂ Þ Pëpël× ,PµDWz ,pìFlN ,íµDØOVC Þ ívDìv fìe¤ ¢ÜìF - 3
Þ íèÃ¾ ¢ÜìF êCoCk éÆ í¥iz ,Áß¾ ¯ëCpz ÝëlVCÞ kl·N Moß¤ ok.êpGço
.PvC ÖlÃ× lzDF pNêßÂ ívDìv

:pGço MCoDìOhC Þ ÀëD±Þ:Ùçk Þ l¥Çë Ð¤C

¦ìi¡N ¸ØW× DF Moß¡× qC xJ ÚCpëC í×ÔvC êoßèØV ÖD²Û íÏÆ êDçPvDìv Ýìì·N - 1

.ÖD²Û PeÏ¥×

.ÖD²Û íÏÆ êDçPvDìv êCpVC Ýwd pF MoD²Û - 2

.ívpJéØç ÚD×p¾ - 3

.fÏw× êDçÞpìÛ ÐÆ íçlÛD×p¾ - 4

.DçÞpìÛ XìwF Þ fÏ¤ Þ ÌÜV ÚÔµC - 5

:D¿·OvC ÍßGÂ Þ Írµ Þ H¥Û - 6

.ÚDGèËÛ êCoßz êDèÃ¾ - ÀÎC

.éìñD©Â æßÂ ÖDÃ× ÝëpNíÎDµ - E

.ÚCpëC í×ÔvC êoßèØV êDØìv Þ Cl¤ ÚD×qDv xìño - U

.ÅpO¡× kDOv xìño - k

.í×ÔvC EÔÃÛC ÚCoClvDJ æDKv ÐÆ ælÛD×p¾ - æ

.í×D²OÛC Þ í×D²Û êDçÞpìÛ íÎDµ ÚDçlÛD×p¾ - Þ

.éÛDÊév êCßÂ ¯FCÞo Ùì²ÜN Þ ½ÔOhC Ðd - 7

¸ØW× Äëp¬ qC ,PwìÛ Ðd ÐFDÂ êkDµ Áp¬ qC éÆ ÖD²Û MÔ©·× Ðd - 8
.ÖD²Û PeÏ¥× ¦ìi¡N

PvDëo ÚDGÏ¬ÞCk PìdÔ¤ ,Ökp× EDiOÛC qC xJ êoßèØV PvDëo ÙÇd êD©×C - 9
lìëDN éF EDiOÛC qC ÐGÂ lëDF lëAí× ÚßÛDÂ ÝëCok éÆ í®ëCpz ÚkßF CoCk PèV qC êoßèØV
.lvpF êpGço lìëDN éF ÍÞC æoÞk ok Þ ÚDGèËÛ êCoßz

éF oß¡Æ íÎDµ ÚCßëk ÙÇd qC xJ oß¡Æ fÎD¥× ÝO¾pÊ p²Û ok DF ßèØV xìño Írµ -10
uDvC pF êÞ PëD¿Æ Ölµ éF í×ÔvC êCoßz xÏW× êCo Dë ,íÛßÛDÂ ÀëD±Þ qC êÞ ÀÏiN

.ÙèÛ Þ kDO¡ç Ð¤C

kDèÜ¡ìJ qC xJ í×ÔvC ÝëqCß× kÞld ok Ýì×ßÇe× MCqDW× Àì¿iN Dë ß¿µ -11
.éìñD©Â æßÂ xìño

.lÜÆ ªëß¿N êpËëk ¦iz éF Co kßh MCoDìOhC Þ ÀëD±Þ qC í©·F lÛCßNí× pGço

qC íÇë lÂD¾ Dë ,kßz ÚCßNDÛ kßh íÛßÛDÂ ÀëD±Þ ÖDWÛC qC pGço æDÊpç:ÙçkqDë Þ l¥Çë Ð¤C
qC í©·F lÂD¾ qD°A qC kßz ÖßÏ·× Dë ,kkpÊ ÙèÛ Þ l¥Çë Þ ÙWÜJ Íß¤C ok oßÆn× ¯ëCpz
ælèµ éF p×C ÝëC ¦ìi¡N.lz lçCßh oDÜÆ pF kßh ÖDÃ× qC ,PvC ækßF ¯ëCpz
,pGço Írµ Dë êpìÊæoDÜÆ Dë Áß¾ Moß¤ ok.lzDFí× ÙO¡ç Þ l¥Çë Ð¤C ok oßÆn×
ÖClÂC lëlV pGço í¾p·× Þ Ýìì·N éF PGwÛ PÂÞ ´pvC ok lÜ¿±ß× ÚDÊpGh
qC íÇë Þ éìñD©Â æßÂ xìño ,oßèØV xìño qC HÆp× íñCoßz ,pGço í¾p·× ÖDËÜç DN.lÜëDØÛ
Co êpGço ÀëD±Þ éØç ,ÖD²Û PeÏ¥× ¦ìi¡N ¸ØW× EDiOÛC éF ÚDGèËÛ êCoßz êDèÃ¾
lÛCßOÛ ÐìÎk pç éF ÚDÛA qC íÇë Ml× ÝëC ok éaÛDÜZ Þ kpìÊí× ælèµ éF PÂß× oß¬ éF
êDV éF ,Coßz ok DèÃ¾ PëpSÆC ³¿d DF ,¸ØW× EDiOÛC éF êpËëk kp¾ ,lëDØÛ é¿ì±Þ ÖDWÛC
Þ 5 Þ 3 Þ 2 Þ 1 êDçlÜF ÀëD±Þ £ß¥h ok Coßz ÝëC.kkpÊí× Eß¥Ü× êÞ
ÖoDèZ év Hëß¥N qC xJ ,Ùçk Þ l¥Çë Ð¤C 6 lÜF (Þ) Þ (æ) Þ (k) êDçPØwÂ Þ 10
.lÜÆí× ÖClÂC ÖD²Û PeÏ¥× ¦ìi¡N ¸ØW× êD©µC

ok ,kßz ÚCßNDÛ êpGço ÀëD±Þ ÖDWÛC qC DOÂß× êpËëk éRkDd Dë êoDØìF pRC pF pGço æDÊpç
.kßF lçCßh oCkælèµ Co ÞC ÀëD±Þ Ð¤C ÝëC ok oßÆn× êCoßz Ml× ÝëC

پایان

منابع:

کتاب ولایت فقیه امام خمینی رض

کتاب چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران تالیف روح الله حسینیان

قانون اساسی

***

ارزش واهمیت احیاء مساجد در اسلام

یکی از نعمتهائی که خدا به مسلمانان داده است نعمت وجود مساجد است.مسجد محل جنگ وحرب با شیطان است لذا در او محراب وجود دارد.اجتماع مسلمانان در مسجد مهمترین ویژگی مسجد است که منافع بزرگ سیاسی،اخلاقی،علمی واجتماعی و...برای مسلمانان بدنبال دارد .چیزی که در ادیان دیگر مشاهده نمی شود.

مسجد مشکل گشاست.گناهان را پاک می کند.حاجتهارا روا می نماید.معضلات علمی را حل می کند.عقده دل را می گشاید.انحرافات اخلاقی را اصلاح می کند.معرفت الهی را به حد اعلی بالا می برد.ودر آخر باید بگوئیم معضلات بزرگ بشریت همانند اعتیاد،افسردگی وخودکشی و...را می توان با استفاده درست از مسجد ،حل نمود.زیرا علت اصلی اعتیاد ودیگر ناهنجاریها در دوری از معنویت ودوری از آرامش روحی می باشد.و مسجد آرامش دهنده روح آدمی است.مسجد محل بالارفتن روح آدمی **از فضای آلوده مادی به عوالم معنوی آسمانی ملکوتی است. مسجد مرکز تعلیم وتعلم است.**

:روزی پیامبر اعظم ص وارد مسجد شدند ودیدند دوگروه در مسجد هستند.عده ای به تعلیم قرآن مشغولند وعده ای به تعلیم علم ودانش.

حضرت فرمودند هر دو گروه مورد تایید هستند ولی من به گروهی که مشغول تعلیم علم ودانش هستند می پیوندم.

مسجد مهمترین مرکز فرهنگی اسلام است.

بعضی خیال می کنند فرهنگ فقط موسیقی وشعر وکتاب وفیلم وخوانندگی وامثال آن است در حالی که در دین مبین اسلام،اولین مرکز فرهنگی ومهمترین ابزار فرهنگی ،مساجد می باشند.اما با ورود فرهنگ غرب به کشورهای اسلامی از جمله کشور ایران،ما شاهد هستیم که جایگاه واقعی مساجد حفظ نشده ودر اکثر مساجد،فقط به جنبه عبادی و اقامه نماز ،بسنده می شود.

با توجه به اینکه ما با تهاجم گسترده ای مواجه هستیم که کم کم نقش مساجد را در ذهن جوانان مسلمان کم رنگ وبلکه بی ارزش نموده ودر مقابل نقش فیلم وموسیقی وهنر مبتذل را تقویت می کند،لذا بر متولیان امر لازم است از خواب غفلت بیدار شده وتلاش کنند که مسجد جای واقعی خودرا حفظ نماید.

واین احیاء مساجد نیاز به چند ابزار قوی دارد:

1-تشکیل سازمانی بنام سازمان احیاء مساجد کشور

2-اختصاص قسمت اعظم بودجه فرهنگی کشور به مساجد

3-آگاهی بخشی در درجه اول به روحانیت معظم درباره اهمیت فوق العاده مساجد در زمان فعلی

4-محور قرار دادن مسئله مساجد در صدا وسیما وهنرها وسینما وغیره

5-اعزام خبرنگاران به مساجد مهم سراسر دنیا وپخش گزارش های آنان

6-تشکیل جلسات فرهنگی ودیگر جلسات حتی المقدور درمساجد

7-تجهیز مساجد که باید مانند یک اداره دای وسایل نقلیه،بودجه،امکانات سرمایی وگرمایی ونوری وصوتی مناسب وحقوق مکفی برای خدام وائمه جماعات وکارکنان مسجد باشد.

8-باید تربیت هنرمندان و ورزشکاران از طریق مسجد صورت گیرد.در مسجد آموزش فیلمسازی وکارگردانی وهنرپیشگی وامثال ن انجام گیرد تا محصولات دستگاه هنر،مسجدی باشد.وغیرمتعهد نباشد.

متاسفانه یگ نگاه از ابتدای انقلاب در مورد حوزه های علمیه و مساجد ومصلی ها بوده که نباید دولت در این سه موضوع وارد شود واین امور باید مردمی باشد.

من از کسانی که این نظر ونگاه را دارند می پرسم اگر رسول الله الان زنده بود آیا با صرف بودجه از بیت المال برای مسجد مخالفت می کرد؟آیا با

صرف بیت المال در حوزه های علمیه واعزام مبلغین مخالف بود؟
به نظر من هرگز پیامبر اعظم ،مخالفت نمی نمودند.زیرا تبلیغ اسلام محور ماموریت ایشان بوده وبرای تبلیغ اسلام ،باید پول خرج نمود همانطور که ثروت خدیجه در راه اسلام صرف شد.
یکی از فضائل اهل بیت ع این بوده که خیلی پول به مردم می بخشیده اند.ودرباره حضرت ولی الله الاعظم امام مهدی عج است که وقتی حکومت تشکیل می دهد به کسانی که از او پول می طلبند آنقدر می بخشد که با تعجب می گویند هرگز همچو بخششی را ندیده ایم!

دشمنان اسلام میلیادها تومان برای از بین بردن اسلام خرج می کنند آنوقت ما نظر می دهیم که نباید برای مساجد وحوزه ها ی علمیه ومصلاها ومبلغین از بیت المال صرف نمائیم!
علاوه بر کفار که برای ریشه کنی اسلام،هزینه های گزافی می کنند،افرادی به ظاهر مسلمان هم برای انهدام اسلام ناب محمدی تلاش می نمایند.در خبری از بولتنی خواندم که ملک عبدالله گفته بود ما در جنگ صدام،صدمیلیارددلار به او کمک کردیم تا ایران را شکست دهد.الان حاضریم هزار میلیارد دلار بدهیم تا دولت شیعی عراق،سرنگون شود!
در یکی از شهرها دیدند نوجوانی سی دی میتذل می فروشد.از او پرسیدند اینهارا چند می خری که دویست تومان می فروشی؟گفت من اینهارا نمی خرم.بلکه شخصی اینهارا رایگان به من می دهد ومی گوید اینهارا ارزان در اختیار مردم قرار بده!

لذا باید در تقویت دین اسلام ومذهب حقه تشیع و در راه اشاعه فرهنگ قرآن واهل بیت ع،سرمایه گذاری عظیمی با هزینه بیت المال وکمکهای مردمی وخیرین ،صورت پذیرد تا بتوانیم با مجاهدت علماء ومبلغین ودست اندکاران امر تبلیغ،قدمهای بزرگی در گسترش اسلام ناب محمدی در کشورمان ودر دنیا برداریم.

1-مسجد مهمترین مرکز فرهنگی مسلمین

فرهنگ که نقش مهمی در سعادت یا شقاوت ملتها دارد در مکان ها وابزارهای مختلفی تجلی پیدا می کند.در شعر.در نمایش.در سینما ومحل تئاتر.در انواع هنرهای اقوام مختلف.در کتاب و کتابخانه.در موسیقی وغیره
اما در میان همه مراکز فرهنگی،اسلام اهمیت فوق العاده ای برای مسجد قائل شده است.ومسجد را محور همه عملیات وکارهای فرهنگی که انسان ساز است ودر به کمال رساندن بشریت نقش فوق العده ای دارد،قرار داده است.

لذا بیشتر اوقات حضور پیامبر در خارج از خانه،در مسجد بوده است.بیشترین سخنان پیامبر ،موقعی بوده است که در مسجد حضور داشته است.و مهمترین حوادث اسلام،همچون اعلان جهاد،سخنرانی های بسیار مهم،قضاوت ها،محل خلافت چند نفر از خلفاء،جلسات مشاوره پیامبر با اصحاب،جلسات تصمیم گیری در مورد امور مسلمین،همگی در مسجد بوده است.
ودر طول تاریخ این مرکزیت کم وبیش حفظ شده است.لذا سخنرانی حضرت فاطمه س در مسجد پیامبر،سخنرانی امام سجاد در مسجد شام،جلسات تربیت شاگردان اهل بیت در مساجد،و سخنرانی های علماء مبارز علیه استعمارگران در زمان میرزای شیرازی ودر زمان مشروطه واز همه مهم تر بعد از 15خرداد 42 تا پیروزی انقلاب اسلامی ودر طول دفاع مقدس،بسته شدن نطفه بسیاری از گروههای مبارز ،همه اینها در مسجد انجام شده است.
معمولاعلماء بزرگوار ما مرکزیت مسجد را همیشه حفظ کرده وبه مردم ودیگران این مسئله را گوشزد نموده اند.

اینجا وزارت فرهنگ است
یکبار در روز تاسوعا یا عاشورا مأمورین رضاخان به‌مسجد جامع که محل اقامه نماز آیت الله شاه آبادی بود،آمدند که که مانع برگزاری مراسم عزاداری شوند ومی‌گفتند باید از وزارت فرهنگ اجازه بگیرید.
در این حال آیت الله شاه آبادی، خطاب به آقای سید علی اصغر آل‌احمد که صدای خیلی خوبی هم داشت، فرمودند که ((زیارت عاشورارا بخوان! مرحوم آل احمد هم شروع به خواندن زیارت عاشورا کرد و در اثر آن‌صدای گریه و ضجه عزاداری مردم در تمام بازار بلند شد. بعد هم آیت‌الله شاه آبادی خطاب به مأمورین رضا خان گفتند به آن مرد قلدرچاروادار بگو که مانع عزاداری مردم نشود و به وزیر فرهنگ هم بگویدکه در وزارت فرهنگش را ببندد. اینجا وزارت فرهنگ ماست.)) {عارف کامل}

2-مسجد ودولتمردان

نقل شده پیامبر در مسجد کارهای حکومتی را پیگیری می کردند.درحالی که الان وزارتخانه ها واستانداری ها وفرمانداری ها از مساجد جدا هستند.وگاه صدای اذان بلند می شود ومسئولین به جلسات خود ادامه می دهند واینکه جلسه را موقتا تعطیل کرده وبه مساجد بروند ،برایشان سخت است!چون اهمیت مساجد را درک نکرده اند واکثرا مسجد را فقط یک محل عبادت می دانند وبس.واین اهانت به مسجد است که همه منافع او را نادیده گرفته وفقط از بعد عبادی وبصورت یک معبد به آن نگاه کنیم.
تا زمانی که نگاه مسئولین کشور به مسجد نگاه عبادی صرف باشد،مسجد مظلوم مانده واز طرفی معضلاتی چون اعتیاد وپرشدن زندان ها وزیاد شدن

پرونده های فساد وگناه را حل نشده خواهیم داشت.
باید اهمیت مسجد را بشناسیم و از آن در رفع مشکلات کشور عزیزمان استفاده نمائیم.

3-آسیب شناسی مسجد

برای زنده کردن مساجد و برگزاری باشکوه نماز در مساجد و جذب جوانان به مسجد باید به نکات زیر توجه نمود:
***مکان مسجد از نظر نور وروشنائی،وسایل سرمایشی وگرمایشی ،صوتی،سادگی وزیبائی،داشتن حیاط ورودی های سهل الورود و...مناسب باشد**
***امام جماعت مسجد از نظر تقوا،علم،و داشتن اطلاعات روز وخوش اخلاقی در جایگاه مناسبی باشد.**
***هیئت امناء ازنظر داشتن اعضاء مسن وتجربه به همراه اعضاء جوان و شاداب ومبتکر و همچنین حضور مرتب در مسجد وگذاشتن ساعتی از شبانه روز برای کارهای مسجد ،مشکلی نداشته باشد.**
***خادم مسجد از جهت داشتن سعه صدر وعلاقه مندی به خدمت به مسجد و داشتن اعتقادات دینی متوسط مناسب باشد.**
***مکبرین مسجد باید خوش قیافه ومتبحر باشند.**
***کانون وپایگاه مسجد نیز باید از جهت داشتن مسئولینی دلسوز که بدور از مسائل سیاسی و جناحی به اجرای برنامه های فرهنگی مشغول باشند،بی مشکل باشد.**
***موقوفات ویا درامدهایی برای مخارج مسجدمنظور شده باشد.**
***همانگونه که برای قسمت مردانه امکانات مهیا می شود برای قسمت خانم ها نیز باید امکانات منظور گردد.**

4-مسجد محل پالایش روح

چه مکانی از خانه خدا برای جلا دادن دل وزدودن زنگها و پاک شدن از آلودگی ها وپلیدی ها مناسب تر است؟
هگل ومسجد
هگل در خاطراتش نوشته است:در اسلامبول روزی به مسجدی رفتم.از سادگی وصلابت مسجد شگفت زده شدم.و حال خوش وجذبه ای شورانگیز در خود احساس کردم.

فیلسوف غربی ومسجد
ارنست رنان فرانسوی گفت:برخلاف سخنان ناروایی که درباره اسلام و عرب شنیده بودم هرگاه وارد یکی از مساجد مسلمانان می شدم صحنه های دلپذیر و جذابی را می دیدم که به خود می لرزیدم و افسوس می خوردم که چرا مسلمان نیستم!

5-آیات مسجد
خُذوا زینتَکُم عِندَ کُلّ مسجد (اعراف31)یعنی هنگام رفتن به‌مسجد،زینتهای خود را بپوشید.»

پیامبر اعظم ص:مراد از رابطوا در آیه شریفه {اصبروا و صابروا و رابطوا واتقواالله لعلّکم تفلحون}آل عمران 200 زیاد رفت وآمد کردن به مسجد است.{بحار ج83ص396}

ومساجد یذکرفیها اسم الله کثیرا(حج40)مساجدی که نام خدا درآن زیاد برده می شود.

و من اظلم ممن منع مساجدالله ان یذکراسم فیها اسمه(یقره114)چه کسی ظالم تر است از آدمی که مانع از ذکرالهی در مساجد می شود؟

وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا(جن18)مساجد محل عبادت الهی است پس کسی را شریک خدا نگردانید.

واقیموا وجوهکم عند کل مسجد وادعوه مخلصین له الدین(اعراف29)صورتهای خودرا در مساجد برخاک گذاشته وبا اخلاص خدا را صدا بزنید.

ماکان للمشرکین ان یعمروا مساجدالله شاهدین علی انفسهم بالکفر اولئک حبطت اعمالهم وفی النار هم فیها خالدون.انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوه وتی الزکوه ولم یخش الا الله فعسی اولئک ان یکونوا من المهتدین.اجعلتم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الاخر و جاهد فی سبیل الله لایستون عندالله والله لایهدی القوم الظالمین{17-19توبه}
مشرکین حق ندارند درحالی که خود شاهد برکفرشان هستند،مسجد بسازند.اعمال آنها باطل بوده ودرجهنم ابدی هستند.حقیقتا مساجد را کسانی می

سارند که ایمان به خدا وقیامت داشته واهل نماز وزکات بوده واز غیر خدا نترسند.آیا اینگونه قرار دادید که کسی که سقای حاجی هاست یا کلیددار کعبه است برابر است با کسی که ایمان به خدا وقیامت آورده ودر راه خدا جهاد نموده است؟اینها در نزد خدا با هم مساوی نیستند وخداوند ستمکاران را هدایت نمی نماید.

لمسجد اسّس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه.فیه رجال یحبون ان یتطهروا والله یحب المطهرین {توبه108}

همانا مسجدی که برپایه تقوا بناشده شایسته تر است تا در آن اقامه نماز گردد .در این مسجد مردانی هستند پاکیزه.وخدا پاکیزگان را دوست دارد.

6-جایگاه مسجد درروایات

در حدیث قدسی است که:خانه های من در زمین،مساجد هستندکه برای اهل آسمان نور می دهدهمانطور که ستارگان برای اهل زمین نور می دهند. {وسائل ج1ص268}

پیامبر اعظم ص فرمود:بهترین مکان زمین،مساجد و بدترین مکانها بازارها هستند. {بحارج84ص11}

پیامبر اعظم ص فرمود:مسجد بازار آخرت است که کالایش آمرزش وهدیه اش بهشت است. {کافی ج3ص489}

پیامبر اعظم ص فرمود:اگر درباره کسیکه در نمازجماعت مسجد حاضر نمی شود از تو پرسیدند بگو من اورا نمی شناسم! {بحارج88ص4}

پیامبر اعظم ص فرمود:کسی که بطرف مسجد می رود قدم راستش را که بر می دارد یک حسنه برایش نوشته می شود و قدم چپش را که بر می دارد یک گناه از او پاک می شود و هرگاه در نمازجماعت شرکت کرد خدا اورا می آمرزد. {کنزالعمال ج7ص 296}

در حدیث قدسی است که ای پیامبر!به کسانی که در تاریکی به مسجد می روند بشارت بده که در روز قیامت نور ساطع خواهند داشت { وسائل ج1ص268}

پیامبر اعظم ص:یک رکعت نماز در مسجد بهتر از چهل سال نماز در خانه است.

امیرمؤمنان علی ع: هنگامی که آباد کننده مسجد نزد مسجد می رود ،مسجد خوشحال می شود همانطور که وقتی یکی از کسان شما که از شما دور بوده،نزد شما می آید و شما خوشحال می شوید. {بحار ج83 ص380}

امیرمؤمنان علی ع: هرکه صدای اذان مسجد را بشنود همسایه مسجد حساب می شود. {بحارج83ص379}

امام محمدباقر ع:هرگاه زلزله و کسوف و خسوف و بادهای ترسناک دیدید بیاد قیامت افتاده و به مساجد پناه ببرید. {بحار ج88ص6

فایده های مسجد

علی[ع] در روایتی که بیانگر فوائد رفت و آمد و به مساجداست بیشترین نقش مساجد را در جهت تبلیغ وارشاد بیان می فرماید:

من اختلف الی المساجداصاب احدی الثمان اخا مستفادا فی الله او علما مستطرفا او آیه محکمه اویسمع کلمه قول علی هدی او رحمه منتظره او کلمه ترد عن ردی اویترک ذنبا خشیه اوحیاء .

هر کسی پی در پی به مساجد رود یکی از هشت چیز را بهره خواهد برد:

1. برادری که در راه خدا مورداستفاده او باشد.

2. دانش نو و سودآور.

3. نشانه محکمی که او را در راه حق جدی نماید.

4. شنیدن جمله ای که او را به راه خیر راهنمائی کند.

5. رحمتی که از خداوند منتظرش باشد.

6. سمتی که او رااز بدی باز دارد.

7. گناهی را که از ترس خدا ترک نماید.

8. یااین که گناهی رااز روی شرم و حیا ترک نماید. {بحار}

7-مساجد بهترین پناهگاه جوانان

جوانی سن خطر است.سن هجوم جنود ابلیس برای انحراف جوانان مسلمان است.هم انحراف اخلاقی وهم انحراف عقیدتی.

جوان در اوقات فراغتش کجابرود تا از هجوم ابلیسیان درامان باشد؟پارتی های دوستانه؟تفریحات پرخطر ؟سرکوچه ها؟پرسه زدن دربازارها وپاساژها؟رفتن به کلوپ ها؟در حالی که همه اینها از مصادیق لهو ولعب است.

اما حضور در مساجد البته بشرط اینکه مساجد هم جوابگوی نیازهای جوانان باشند،می تواند هم سرگرمی باشد هم اطمینان برای خود وخانواده که در جای مناسبی بسر می برد.

با حضور جوانان در مسجد،می توان گفت که جوان مصونیت فوق العاده ای در مقابل انواع خطرها پیدا کرده است.

آما زندانیان نشان از حقیقت مذکور دارد که بین اهل مسجد نبودن با زندانی بودن ارتباط عجیبی برقرار است.همچنین بین اهل مسجد بودن با زندانی نبودن هم ارتباط عجیبی وجود دارد.

ما می توانیم این قول را به همه جوانانی که می خواهند بدون انحرافی در زندگی به مقصد برسند ،بدهیم که با حضور در اوقات مختلف شبانه روز در مساجد دارای شرایط مناسب،شما به آرزوی خود می رسید بلکه به کمالاتی دست پیدا می کنید که این کمالات در جای دیگری پیدا نمی شود.

با حضور درمساجد از خطر اعتیاد فاصله می گیرید.

با حضور در مساجد از خطر انحرافات اخلاقی تا حد بالائی دور می شوید.

با حضور در مساجد از خطر انحرافات عقیدتی چون صوفی گری،شیطان پرستی،عرفان های قلابی مصون می شوید.

با حضور در مساجد از انحرافات سیاسی وافتادن در مسیر اهداف دنیوی گروهها ی سیاسی مسئله دار در امان می مانید.

با حضور در مساجد ،دوستان سالمی بدست می آورید.

با حضور در مساجد ،دین شناس می شوید.

با حضور در مساجد ،با مسائل روز جهان اسلام بیشتر آشنا می گردید.

با حضور در مساجد ،در کمک به نیازمندان می توانید سهیم شوید.

با حضور در مساجد ،در حفظ انقلاب اسلامی بوسیله پایگاههای مقاومت بسیج ،شریک می شوید.

با حضور در مساجد ،در کارهای فرهنگی کانون ها ی مساجد سهیم می شوید.

با حضور در مساجد ،عنایت ویژه خدا را متوجه خود می کنید.

با حضور در مساجد ،خوبان شهر ودیار یا محله خودرا از بدان تشخیص می دهید.

با حضور در مساجد ،با عالمان ارتباط معرفتی پیدا می نمائید.

با حضور در مساجد ،ثوابهای زیادی برای عالم آخرت ذخیره می نمائید.

با حضور در مساجد ،به فضائل اخلاقی می توانیددست پیدا می کنید.
با حضور در مساجد ،خود را مشمول استغفار ملائکه الهی که برای روندگان به مسجد ،طلب آمرزش می کنند،قرار دهید.
با حضور در مساجد ،گناهان خودرا پاک نمائید ودر پیشگاه الهی جزو توبه کنندگان قرار گیرید.

.....

باسمه تعالی

مدیریت اسلامی

1-در دین متمدن وپیشرفته اسلام،روشهای بسیار جامع و کاملی برای مدیریت اسلامی

تدوین گشته است.زیرا اسلام مدعی است که می تواند جهانی را بنحو احسن اداره نماید

چه در قرون گذشته وچه در قرون آینده.

قران کریم وسخنان بزرگان دین در این زمینه فراوان است که می توان مدیریت اسلامی را از زوایای مختلف از طریق منابع فوق بررسی نمود.

2-امام راحل بعنوان بنیانگذار نظامی بزرگ وتدوین کننده مدیریت اسلامی،معتقد بودند که :

اسلام برنامه حکومت دارد.اسلام قریب پانصدسال تقریبا حکومت کرده است.با این که احکام اسلام در آن وقت باز آن طور اجرا نشده است لکن همان نیمه اجرا شده،ممالک بزرگی را اداره کرده است.

دعا وزیارت یک باب از ابواب اسلام است.لکن سیاست دارداسلام،اداره مملکتی دارد اسلام،ممالک بزرگ را اداره می کند اسلام. {صحیفه نور ج2 ص31 }

3-ما در این مقاله کنکاشی در عهدنامه مالک اشتر می کنیم وارکان مدیریت اسلامی وعوامل موفقیت مدیر را از این عهدنامه استخراج می نمائیم.

***

اولین رکن مدیریت اسلامی والهی،اهمیت دادن به توده مردم وتکیه بر توده مردم و تماس با مردم است.

پیامبران وائمه به توده مردم بسیار اهمیت می دادند واصل ماموریت خودرا مردم می دانستند.

هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمه

وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین.

که در این آیه مخاطب اصلی پیامبران،توده مردم بوده اند.

علی ع در عهدنامه می نویسد که باید محبوبترین کار ها نزد مدیر وامیر،آن کارهایی باشد که توده ها را جلب کند.
و می نویسد:بی شک فقط توده های مردمند که ستون فقرات جامعه و وسیله شکست دشمنان می باشند پس بر آنها تکیه کن.
مبادا مدت طولانی از مردم فاصله بگیری که باعث بی اطلاعی تو از حقایق وبی اطلاعی مردم از واقعیات می گردد.

امام راحل نیز روی مردم خیلی حساب می نمودند.
{ما هرچه داریم از این ملت است.البته ملت اسلامی که با فریاد الله اکبر این کار را انجام داد.}
{ملت بود که این نهضت را پیش برد.ملت است که باید از این به بعد نیز پیش ببرد.}
{ما به نیروی ملت اتکاء داریم.}
{میزان رای ملت است.}
{هرچه در راه این ملت عزیز در طبق اخلاص بگذاریم از عهده شکر آنان بر نخواهیم آمد.}
انصافا از اول انقلاب تا حالا آن که کار خودش را صد درصد صحیح انجام داد ملت بود.}

ولی مدیران طاغوتی وغیر اسلامی نه تنها مردم را به حساب نمی آوردند بلکه به آنها اهانت نیز می نمودند.
{شاه در کنفرانس مطبوعاتی سال 53 ،مردم ایران را تنبل خواند! ومی گفت این مردم قادر به انجام هیچ چیز نیستند مثل گوسفندان می مانند!}
{شاه معتقد بود که اگر آثار تمدنی در مردم ایران دیده می شود از برکت خاندان پهلوی است و می گفت :مردم ایران از معدود ملل عقب افتاده جهان بود که حتی عادت به شست وشوی دست و صورت خود را نداشتند واین پدر من رضاخان بود که مردم را به شستن دست وصورت ونظافت شخصی عادت داد!!}
متاسفانه بعد از انقلاب اسلامی نیز عده ای از مدیران نظام اسلامی،مردم را به حساب نمی آوردند وبا تکبر با آنان روبرو می شدند. {همانند بنی صدر ملعون}
دومین رکن دوری از خود محوری ومشورت با اهلش.
وقتی پیامبر با اینکه ولی امر مسلمین است با اصحاب خود در اداره امور مشورت می نماید زیرا هم قرآن دستور داده وهم مشورت عقل آدمی را از خطا بهتر حفظ می نماید.پس باید همه مدیران الهی اینگونه باشند.
سومین رکن مدیریت نظارت است.کنترل ونظارت هرکجا اعمال شد از بسیاری از آسیبها درامان می ماند وهرکجا سست شد ومورد مسامحه قرار گرفت تزلزل وخرابی به بار می آورد.

علی ع می نویسد:

Þ ÚDØÊ Þ uld éF öDÇNCDF...oDØËF DèOØv ÝëC éF Co Ökp× ÝëpOèF,yDF ÄìÂk DçoCkpO¾k Þ ÚDì¡Ü× oDÆ ok]
DF lÜÛCßNí× Ökp× Cpëq,ÝÇÛ ÖCliOvCCo uDwd êDçoDÆ éÛßÊ ÝëC ÚClÜ×oDÆ Mkßh í¥iz Ý± Ýw@d
Þ Pì·ÂCÞ qC íÎDh éÇÜëC Ýìµ ok lÜçk æßÏV fÎD¤ÖDÇd p²Û ok Co ÚDzkßh íO×lh yßh Þ Dëo Þ ¸Ü¥N
êDväo æoÞk ok DèÛA P×lh ôßeÛ qC Co DèÛA õOznÊ ÐØµÞ ÝÆ ívopF Co DèÛA
ôlÛÞpJ.lÜ@zD@FP@Ã@ì@Ã@d
Ökp× ÚDì× ok Ýì×C êCæpèZ Þ lÛCéOzCk éOznÊ ok Þ é·×DV ok êpOèFpRC éÆ Co ÚDÛA.DØÛ é·ÎD®× éOznÊ
Þ Clh DF é®FCo ok ßN íçCßh pìh Þ £ßÏh ÐìÎk EDiOÛC ok PÂk éÛßËÜëC.ÝÆEDiOÛC,lÛCækp@Æ H@w@Æ
,oDØËF Co ÝòØ®× Þ ælz éOhDÜz Þ ækCk ÚDeO×C fÎD¤ kCp¾C ÝëC qC íÇë êoD@Æ p@ç uCook.P@vC Ä@Ï@h
Þ lÜëApF ÝìËÜv êDçPìÎßòw× ôlèµ qC Þ lÜçlÛ ÚD¡Û À·¨ ÐÇ¡× Þ Ùè@× êD@çoD@Æ oké@Æ êkCp@¾C
.lÜzDF ¯Ïw× ÚD¡ëDçoDÆ pF Þ lÜÇÛ ÚD¡ØÊokpv Þ éZDJ Pvk ÚCÞCp¾ êDçoDÆ Þ kDëq MD·VCp×

éF ÚA PìÎßòw×êpìËF ælëlÛ Co ÚA ßN Þ lzDFPÎÞk ÚDÜÆoDÆ éÛßËÜëC oDÆ ok éÆ í¥ÃÛ Þ Hìµ éÛßÊ p@ç Þ
.[íÜÆ éñpGN Co kßh íÛCßNíØÛ,PvC ßN kßh ôlèµ

[é°ÔGÎC XèÛ 53 é×DÛ]

چهارمین رکن مدیریت دوری از افراد متملق وکسانی که عیبهای تورا نمی گویند ونزدیکی به افرادی که
حق را می گویند ولو تلخ باشد.
متاسفانه در بعضی از دستگاهها افرادی به مدیران نزدیک می شوند وجای معاون ومشاور را می گیرند که واقعیات را به مدیر اطلاع نمی دهند وگاهی با آمار وارقام غیر واقعی اورا گول می زنند. لذا بزرگان دین هشدار می دهند که اگر اینگونه عمل کنی مدیر موفقی نخواهی بود.

Þ qCo Öpe× Co DèÜëC,lÛpO¡ëCpÊ ÙÆPÜØzk éF Þ pNPvÞk ßN DF Þ pNælëD¾pJ Þ pNUphÙÆ ÚCoDÇØç éÛßËÜëC]
ok Þ lÜëßÊí× ßOF Co Äd íiÏN éÆ ÚClF Co íÛDwÆDèÛA ÝëpOèF Þ,ÝÆ EDiOÛC êpv MDwÏV Þ MßÏh ÐçC
Þ êßç éZ pÊ,lÜÜÆí× PÇØÆ pOØÆ PvC éÏÎC lÜµ æÞpÇ×Clh öDìÎÞC êCpF éÆ ßN PvokDÛ êD@çé@×D@Ûp@F
Co ßN kDëq éÆ æk MkDµ Co ÚDÛA Þ ßz ÈëkrÛ PivPÂCl¤ Þ êßÃN ÐçCDF.lzDF DèÛA p²Û ½Ôh pF ßN Ði@×
HWµ éF Co ÚDwÛC êkDëq Àëp·N Cpëq lÜëDØÜÛ P¡ëDOv êCækpÇÛ éÆ êoDÆ p¬DiFÞ,lÜ@Ü@Ç@Û l@ì@W@Ø@N
.[pGÇN êkCÞ éF xKvÞ lÛD¡Æí×

[pOzC ÈÎD× éF ÖD×C õ×DÛ qC]

پنجمین رکن مدیریت،پرهیز از تصمیم گیری عجولانه مخصوصا در رابطه با مسائل مهم است.

اگر چه انسان ذاتا ،عجول خلق شده {خلق الانسان من عجل}اما می توان این حس را کنترل کرد ودر مسائل مختلف ،زود تصمیم گیری نکرد و با تامل وتدبر تصمیم گرفت.

گاهی تصمیم گیری های عجولانه منجر به فاجعه ها می شود.بوده اند مدیرانی که افراد موفقی بوده اند ولی با یک

تصمیم گیری عجولانه مشکل ایجاد کرد ه اند.

گاهی گزارشی از یک تخلف به مدیر داده می شود.در این مورد باید با تامل تصمیم گیری نماید.یا مشکلی در حوزه کاری اتفاق می افتد.و امثال این موارد.

ok Co ÖDÃOÛC éF ÙìØ¥N]:lçkí×oßOvk Þ lëD×p¾í× ¸Ü× ÖDÃOÛC Þ p¿ìÆ ok ÐìW·@N qC Co ÖD@Ç@d(´)ÖD@×C
xKv Þ lëßz ¯Ïw× ÝO¡ëßh pF Þ kßz yß×DhH©° ¢NA DN lìÜÆ pG¤ Þ lëpìËÛ Ù¡h Þ H©° ÍD@d :[lëpìËF ÙìØ¥N koß× ÝëC ok

.[...oDìOhDÎC ÈÏØO¾ÈG©° ÝÇwë íOd ÷ß®wÎC pìhDN Þ ÷okDGÎC ÀÇF ÈÎm ÐÆ Ý× upOdC Þ...]

[pOzC ÈÎD× õ×DÛ]

:lwëßÛí× ykDØOµC koß× ÖDÇd qC pËëk íÇë éF Þ

ÓC ÈÜµ íÜ»ë ÓÝìd ÷l¡ÎDF ÖrOµC Þ Ä¾oC Ä¾pÎC ÚDÆ D× Ä¾oC Þ ÝìÏÎC Ý× T»©@F ÷l@¡@ÎC ¯@Ï@hC Þ...]
÷p²ÜÎC Þ ø²eÏÎC ï¾ ÙèÜìFuA Þ ÈGÛDV ÙèÎ ÝÎC Þ ÈèVÞ ÙèÎ ¯wFC Þ ÈdDÜV øìµpÏÎ ª¿hC Þ.÷l¡@ÎC
.[...ÈÎlµ Ý× öD¿·©ÎC uDië Ó Þ È¿id í¾ öDØ²·ÎC ¸Ø®ë Ó íOd øieOÎC Þ ÷oDzDÎC Þ

[ælGµ lØe× õ°ÔGÎC XèÛ 26 õ×DÛ]

که علاوه بر نهی از عجله در مجازات خاطیان،به مسئله مدارا با مردم وزیردستان همچنین به اینکه به همه طبقات باید احترام گذاشت نه اینکه بعضی را مخصوص به احترام وتکریم کند وبعضی را محروم نماید،اشاره می کند.

البته دهها عامل وابزار دیگر مدیریت است که باید در فرصت دیگری به آن اشاره نمود.

پایان –محمدتقی صرفی پور

با استفاده از کتاب مدیریت در نهج البلاغه نوشته آیه الله هاشمی رفسنجانی

****

سیر الی الله

موضوع این مقاله در مورد سیر الی الله است.مهمترین برنامه معنوی هرکه می خواهد به کمال وسعادت برسد این است که محور همه اعمال و تلاشها ونیتهای خودرا رسیدن به معبود ومعشوق حقیقی یعنی خداوند متعال قرار دهد.باید فقط در مسیری که اورا به خدا می رساند حرکت کند و از راههای دیگر اجتناب نماید.واین همان عرفان حقیقی است.

الهی هب لی کمال الانقطاع الیک.

در قرآن کریم آمده:والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا یا فرموده:بلی من اسلم وجهه لله و هو محسن فله اجره عندربه.

یعنی کسی که همه توجهش به خدا باشد واعمال نیک داشته باشد پاداشش باخداست.

همچنین خداوند در قرآن کریم ،بندگانش را به پیمودن در مسیری که به ملاقات او منتهی می شود،دعوت کرده است.لذا می فرماید:انّ هذه تذکره فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا قرآن به شما تذکر می دهد پس هرکه دوست دارد وسیله ای پیدا کند تا به خدا برسد.

«خداوند متعال در قرآن می‌گوید: «خدا نور آسمانها و زمین است (الله نور السموات و الارض.) او اولین و آخرین می‌باشد (هو الاول و آلآخر) هیچ خدائی به غیر او نیست (لا اله الا هو) همه چیز به غیر او نابود می‌شود (کل من علیها فان) من در انسان از روح خود دمیدم (و نفحت فیه من روحی) ما انسان را آفریدیم و می‌دانیم روحش با او چه می‌گوید، زیرا ما از رگ گردن به او نزدیکتریم (و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب الیه من حبل الورید) به هر کجا رو کنید همانجا خدا است (اینما تولو افثم وجه الله) به هر کس خدا روشنی ندهد او به کلی نور نخواهد داشت. (و من لم یجعل الله له نورا فما له من نور)

اینها همه دعوتنامه بشریت به خداشناسی وسیر الی الله است.

همه اولیاء خدا در مسیر الی الله حرکت می کرده اند.همه عاقلان عالم، دراین مسیر بوده اند.

افرادی که سیر الی الله دارند در طول شبانه روز فکر وذکرشان خداست مانند عاشق و معشوق که شبانه روز به فکر هم هستندو فقط بهم فکر میکنند وگاه از غذا و لباس و سایر نیازها غافل می شوند.

باید سعی کنند از یادخدا غافل نشوندو کارهایی انجام دهند که خدا دوست دارد واز کارهایی که خدا دوست ندارد دوری نمایند.

افرادی که عارف هستند دارای خصوصیاتی می باشند.از جمله اینکه مرتب با خدا نجوای عاشقانه دارند.واز شوق او اشک می ریزند.

در علل الشرایع از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت کرده شعیب پیامبر آنقدر از حب خدا گریست که دیدگانش نابینا شد خدای متعال چشمان او را بدو مرحمت کرد. مجددا آنقدر گریست تا از چشم محروم گردید باز خدا دیدگانش را عنایت فرمود بار دیگر آنقدر گریه کرد که از نعمت چشم بازماند خدای منان نعمت گرانمایه چشم را بدو ارزانی فرمود. چون بار چهارمین شد خدای مهربان بدو خطاب کرد تاکی بدینکار می پردازی و می گریی اگر از آتش خائفی تورا از شکنجه در امان دارم و اگر مشتاق بهشتی نعمتهای آنرا به تو ارزانی فرمودم. عرضکرد سید و آقای من می دانی که از ترس آتشت نمی نالم و از اشتیاق به بهشتت نمی گریم. لیکن عقده محبتت قلب مرا ربوده و صبر و طاقتم را برده شکیبائی ندارم مگر بوصال تو نائل آیم. خدای متعال بدو خطاب کرد اکنون که برای وصال می گریی موسی بن عمران کلیم خود را به خدمت تو برمی انگیزم.

خصلت دوم عارفان اخلاص آنهاست که کارهای نیک بدون انتظار تشکر از خلق انجام می دهند.

خصلت سوم فقط از خدا درخواست می کنند واز مردم تا می توانند چیزی نمی خواهند.

خصلت چهارم از حرام الهی دوری می نمایند. خصلت پنجم دوستی ودشمنی آنها در راه خداست. خصلت ششم بر نفسشان غالبند. خصلت هفتم از رذائل اخلاقی دورند.

در حدیث قدسی است کسیکه یک وجب بطرف من بیاید من دووجب بطرفش می آیم وکسی که قدم زنان بطرفم حرکت کند من دوان دوان بطرفش می روم.یعنی اگر

تلاش کنیم به خدا نزدیک شویم خدا هم حجابها را کنار می زند.
اما کارها وخصلتهائی است که بجای اینکه انسان را به خدا نزدیک کند،دور می نماید.یکی اینکه همت وتلاش انسان فقط شکم و شهوت باشد!دوم کمک به ستمکاران و جنایتکاران.سوم در مورد بچه یتیم ،خدارا در نظر نگیرد.ضمنا باید درسیر الی الله مواظب عرفان های کذب مانند عرفان دروایش وصوفی ها،عرفان هندی وسرخ پوستی،که معمولا با طنبور ومواد مخدر وشعر خواندن ورقص درویشی می خواهند انسان را به خدا برسانند باشیم.

پس می شود که انسان در مسیر الی الله گام بردارد وبه وصال خدا برسد.با او رابطه محبت آمیز وعاشقانه برقرار کند.مشکلات خود را به او بگوید.بر او تکیه کند.از او کمک بگیرد.از او راهنمایی بخواهد.از او روزی بخواهد.از او شفای مریضش را درخواست کند.از او رفع ودفع غم واندوهش را بطلبد.
و در نهایت او را ببیند. از علی ع پرسیدند:آیا خدارا دیده ای؟گفت آیا چیزی را که نمی بینم عبادت می کنم؟ولی نمی توان خدا را با چشم مادی دید اما خدا را با حقیقت ایمان می توان درک نمود.

روایت شده که امام کاظم ع بیمارشد.پزشک یهودی بر بالینش آوردند. حضرت فرمود: کمی صبر کن من دوستی دارم می خواهم با او مشورت کنم آنگاه رو از طبیب برگردانیده بجانب قبله توجه نمود و این جملات را فرمود: خدایا تو مرا بیمار کرده ای و تو نیز طبیب منی بفضل خویش نظری به این بنده بیفکن و از شراب دوستی و عشق خود مرا جا می بده و شیرینی مقام قربت را بر آن اضافه نما.

هنوز حضرت این جملات را تمام نکرده بود که اثر بهبودی در صورت مبارکش ظاهر شد وهمان آن بکلی مرض زائل گشت. طبیب با تحیری عجیب می نگریست. بعد از مشاهده آن پیش آمد گفت ای سرور من اول گمان کردم تو بیماری و من طبیب! اکنون آشکار شد که من بیمارم و تو طبیب از تو خواهش می کنم مرا معالجه نمائی . حضرت اسلام را بر او عرضه داشت و او مسلمان شد.

*البته خیلی ها هستند که می گویند ما در مسیر الی الله هستیم.ما عاشق خدا هستیم.ما با خدا ارتباط معنوی داریم.اما آیا می شود هر ادعائی را قبول کرد؟
خصوصیات عارفان حقیقی وسالکان الی الله چیست؟یکی اینکه باید مشخص شود خدا چقدر برای ما مهم است؟امام صادق ع فرمود هرکه می خواهد بداند چه منزلتی نزد خدا دارد نگاه کند که منزلت خدا نزد او چقدر است؟زیرا بنده به همان اندازه نزد خدا منزلت دارد که بنده برای خدا نزد خود منزلت قائل است.
دوم اینکه چقدر از شبها را بخاطر خدا بیدار مانده است؟خدا به موسی ع وحی کرد آن کسی که گمان می کند محبت مرا در دل دارد ولی شبها تا به صبح می خوابد دروغ می گوید.مگر نه اینکه هر دوستی خلوت با دوستش را می خواهد؟ای موسی!خشوع دل وخضوع اعضای بدن واشگ چشمانت را به من هدیه کن آنگاه مرا نزدیک خود خواهی یافت.
آری خدا به همه ما نزدیک است که فرمود:ونحن اقرب اله من حبل الورید {ق16} وفرمود

اذا سئلك عبادی عنیّ فانیّ قریب {بقره183}ولی ما هستیم که بخاطر حجابهای دنیا اورا با دل نمی بینیم.
باید همانند اولیاء خدا قسمتی از شب را به خدا اختصاص دهیم.
آن جوانی که شبها را به تلویزیون وفوتبال وامثال اینها می پردازد وبعد نماز صبحش را یا قضا می خواند یا با کسالت ولب طلائی!چگونه می تواند ادعا کند که من عارف هستم.متاسفانه اخیرا خیلی ها ادعای عرفان دارند.حتی درمیان بعضی از خانمها.ولی باید به اعمال او دقت کنیم که آیا نشانه های عارف واقعی را دارد؟یا می خواهد خودنمائی کند ومشهورشود؟
سوم اینکه عبادت آنها نه از ترس جهنم است نه به طمع بهشت.بلکه بخاطر محبت واقعی وبریدن از همه چیز وفقط دل بستن به خدا است.
در صحیفه ادریس است که خدا فرمود:خوشا آنان که از روی عشق مرا پرستیدند و مرا معبود و پروردگار خود گرفتند .برای خاطر من شبها نخوابیدند وروزها هم مجاهدت می نمودند.
بعضی سیر الی الله را چهار سفر ذکر کرده اند.

سیر من الخلق الی الحق، سیر بالحق فی الحق، سیر من الحق الی الخلق بالحق، سیر فی الخلق بالحق.

سیر اول از مخلوق است به خالق. سیر دوم در خود خالق است، یعنی در این مرحله با صفات و اسماء الهی آشنا می‌شود و بدانها متصف می گردد. در سفر سوم بار دیگر به سوی خلق باز می گردد بدون آنکه از حق جدا شود، یعنی در حالی که با خدا است به سوی خلق برای ارشاد و دستگیری و هدایت باز می گردد. سیر چهارم سفر در میان خلق است با حق.در این سیر عارف با مردم و در میان مردم است و به تمشیت امور آنها می‌پردازد برای آنکه آنها را به سوی حق سوق دهد.

معشوق حقیقی انسان باید کسی باشد که:زیبا ،لطیف،مهربان ،عذرپذیر ،قدرتمند،عادل،دائمی وفانی نشدنی،پاک دور ازهربدی‌و...دارای دیگر صفات خوب باشد.واین اوصاف را فقط می‌توان‌در خداوند یافت.اوست که جمیل وزیباست.اوست که بخشنده ومهربان است.همه فانی میشوند ولی اوباقی است.اوست که منزّه از هرنقصی است.
وقتیکه ما زندگی بزرگان دین وپیامبران وبرگزیدگان را ملاحظه می کنیم‌می‌بینیم که عشق آنها فقط به خدای خودشان بوده است.شعیب نبی‌آنقدر در عشق الهی گریه کرد که نابینا شد.سلیمان نبی شبها خودرا بازنجیرمی‌بست وبا خدا تا به صبح مناجات می کرد.پیامبراسلام نیز آنقدرخدارا عبادت نمود که خدا درقرآن به او فرمود:«طه.ماانزلنا القرآن‌علیک لتشقی»ما قرآن را برتو نازل نکردیم تا دچار سختی بشوی.
علی(ع)هفتاد بار درحال مناجات بیهوش شد

علی ع هم عملا وهم با سخنان خود سیر الی الله را تبیین فرموده است

امیرالمؤمنین علی علیه السلام کلماتش الهام بخش معنویت و معرفت است.

در خطبه 220 می‌فرماید:

ان الله سبحانه و تعالی جعل الذکر جلاء للقلوب تسمع به بعد الوقرة و تبصر به بعد العشوة و تنقاد به بعد المعاندة و ما برح الله عزت آلاؤه فی البرهة بعد البرهة و فی ازمان الفترات عباد ناجاهم فی فکرهم و کلمهم فی ذات عقولهم.

همانا خداوند متعال یاد خود را مایه صفا و جلای دلها قرار داده است. بدین وسیله پس از سنگینی، شنوا و پس از شبکوری، بینا و پس از سرکشی مطیع می‌گرداند.همواره در هر زمان و در دوره فترتها خدا را مردانی بوده است که در اندیشه‌های آنها با آنها راز می‌گفته است و در خردشان با آنها سخن می‌گفته است.

درخطبه 218 درباره اهل الله می‌فرماید:

قد احیی عقله و امات نفسه حتی دق جلیله و لطف غلیظه و برق له لامع کثیر البرق فابان له الطریق و سلک به السبیل و تدافعته الابواب الی باب السلامة و دار الاقامة و ثبتت رجاله بطمانینة بدنه فی قرار الامن و الراحة بما استعمل قلبه و ارضی ربه.

خرد خویش را زنده ساخته و نفس خویش را میرانده است، تا در وجودش درشتها نازک، و غلیظها لطیف گشته است و نوری درخشان در قلبش مانند برق جهیده است. آن نور راهش را آشکار و او را سالک راه ساخته است و درها یکی پس از دیگری او را به پیش رانده است تا آخرین در که آنجا سلامت است و آخرین منزل که بار انداز اقامت است. آنجا قرارگاه امن و راحت است. پاهایش همراه با آرامش بدنش استوار است. همه اینها به موجب این است که قلب خود را به کار گرفته و پروردگار خویش را راضی ساخته است.

دعاهای اسلامی، مخصوصا دعاهای شیعی گنجینه‌ای از معارف است، از قبیل دعای کمیل، دعای ابوحمزه، مناجات شعبانیه، دعاهای صحیفه سجادیه. عالیترین اندیشه‌های معنوی در این دعاها است.

.فاطمه زهرا(س)آنقدردرنماز ایستاد تا پاهایش ورم کرد وزخم شدو...

اگر کسی عاشق خدا بشود،همه چیز دارد وهر که خدا ندارد هیچ‌ندارد.دردعای کمیل است که بنده به خدا عرضه می‌دارد:«خدایا!اگرمرابه جهنم ببری،گیرم که برعذابت صبرکنم.ولی چگونه برفراقت می‌توانم‌صبر نمایم؟»
امام سجاد(ع)درمناجاتش می‌گوید:«اگرمرا به جهنم هم ببری باز در آنجاصدا می‌زنم که‌ای خدا! من تورا دوست دارم.»
هیچ لذتی را نمی‌توان با لذت مناجات با خدا مقایسه نمود.شیرینی‌نجوای با خداوند،به انسان نشاط می‌دهد.قدرت می‌دهد.پاکی می‌دهد.علم ودانش می‌دهد.عزت در دنیا وآخرت می‌دهد.
امام سجاد(ع)درمناجات می‌گوید:«خدایا!تومراد منی.توعشق وسوزوآه منی.تومقصود ومعبودومعشوق منی.شبهایم را بیاد تو بیدارمی‌مانم.نورچشمم دیدارباتو است.و وصل بتو آرزوی من است.رضایت‌تو هدفم ونزدیکی بتو آخرین آرزویم است.وقتی باتو مناجات‌می‌کنم،شاداب وسرمست می‌شوم.داروی دردهایم نزد توست وشفای‌سوز جگرم وخنکی حرارت دلم توئی»

در کافی می‌نویسد: رسول خدا روزی پس از اداء نماز صبح چشمش افتاد به جوانی رنگ پریده که چشمانش در کاسه سرش فرو رفته و تنش نحیف شده بود، درحالی که خود از خود بی‌خود بود و تعادل خود را نمی‌توانست‌حفظ کند. پرسید: کیف اصبحت؟ حالت چگونه است؟ گفت: «اصبحت موقنا» در حال یقین بسر می‌بردم. فرمود: علامت‌یقینت چیست؟ عرض کرد: یقین من است که مرا در اندوه فرو برده و شبهای مرا بیدار (درشب زنده‌داری) و روزهای مرا تشنه (در حال روزه) قرار داده است و مرا از دنیا و مافیها جدا ساخته تا آنجا که گوئی عرش پروردگارم را می‌بینم که برای رسیدن به حساب مردم نصب شده است و مردم همه محشور شده‌اند و من در میان آنها هستم، گوئی هم اکنون اهل بهشت را در بهشت، متنعم و اهل دوزخ را در دوزخ، معذب می‌بینیم، گوئی هم اکنون با این گوشها آواز حرکت آتش جهنم را می‌شنوم.

رسول اکرم به اصحاب خود رو کرد و فرمود:این شخصیت بنده‌ای است که خداوند قلب او را به نور ایمان منور گردانید است. آنگاه به جوان فرمود: حالت‌خود را حفظ کن که از تو سلب نشود.

جوان گفت: دعا کن خداوند مرا شهادت روزی فرماید. طولی نکشید که غزوه‌ای پیش آمد و جوان شرکت کرد و شهید شد.

{گویا آن جوان زیدبن حارثه پسرخوانده پیامبر اعظم بوده است}

البته اینکه انسان فقط به خدایش عاشق شود،دلیل بر بی محبتی به‌همسر وپدرومادر وفرزندان نیست بلکه چون عاشق خدا شویم،هرچه‌را که خدا دوست بدارد دوست می‌داریم وباهرچه که خدا دشمن‌باشد،ماهم دشمن می‌شویم.خدا اهلبیت(ع)را دوست داردوبه دوستی‌آنان فرمان داده است،ماهم محبت اهلبیت(ع)را در دل داریم.خدادستورداده که

«وبالوالدین احساناً»به پدر ومادر نیکی کنید،ماهم به‌آنهامحبت ونیکی می‌نمائیم.خدا خودفرموده که باازدواج بین زن‌وشوهر،محبت ورأفت پیدا می‌شود.پس منافاتی بین عشق به خدا بامحبت به اهلبیت(ع)و محبت به همسر ووالدین وفامیل ومؤمنین‌نیست.

امّا متأسفانه بعضی از دخترها وپسرها،معشوق خودرا یک جوان هم‌ردیف خود انتخاب می‌کنند وهمهٔ عشق وعلاقهٔ خودرا نثار او می‌نمایندغافل از اینکه این عشقها زود سر می‌گیرد وزودهم معمولا به پایان‌می‌رسد وضربهٔ روحی بزرگی برعاشق وارد می‌کند.این عشقهای مجازی‌انسان را از خدا دور می‌کند.

در سخن امام صادق(ع)آمده است که عشق مرضی است که دردل‌بعضی ازافرادی که از خدا جداشوند،وارد میشود.

داستانهای لیلی ومجنون یا شیرین وفرهاد ویا خسرو وشیرین نیزحکایت از این مریضی دارد.محبتی وعشقی که فقط خداوند شایستهٔ آن‌است صرف یک موجود ضعیف،فانی،بی وفا وفراموشکار وزودرنج‌می‌شود.این عشقهای غیرحقیقی مانعی برای موفقیت انسان‌است.وانسان را از تلاش در راه سعادت خود باز داشته،عمرگرانقیمت‌اورا صرف اظهار علاقه‌های کذائی می‌کند.

شاعر عرب می‌گوید:

آلاکُلُّ شیءٍماخلا الله باطلٌ وکلُّ نعیمٍ لامحالهٔ زائل

ٌیعنی هرچه غیر خداست،از بین می‌رود وهرنعمتی عاقبت تمام‌می‌گردد. {البته نعمتهای بهشت از بین نمی روند}

***

معضل بزرگی بنام اعتیاد.

بحث تخصصی اعتیاد ومراحل ترک آن

در مورد اعتیاد وخصوصیات شخصیتی افراد معتاد وچگونگی ترک اعتیاد، نکاتی را از زبان متخصصین وکسانی که خود یک زمانی معتاد بوده اند واز لابلای آیات واحادیث جمع آوری شده که به شرح زیر تقدیم می شود.

و لاتلقوا بایدیکم الی التهلکه {بقره195}

ای مؤمنین!با دست خودتان ،خودتان را به هلاکت نیاندازید!

1- معتاد دارای دوشخصیت مغایر است.یکی آن شخصیتی است که به مردم نشان می دهند ومردم آن را می بینند. ودیگری آنچه که در درون احساس می نمایند.این دوگانگی را در ابتدا می توان کنترل کرد ولی به مرور در اثر پیشرفت اعتیاد،شخصیت بیرونی ضعیفتر شده و شخصیت اصلی معتادگونه قوی تر می شود.

2-به همان نسبت که نیاز معتاد به ماده مخدر دلخواهش بیشتر می شود،نیروی اراده در او ضعیف تر شده و سرانجام پس از آنکه بیماری اعتیاد بصورت مزمن درآمد،این نیرو مفهوم و کاربرد خود را در زندگی معتاد از دست می دهد.زیرا رابطه معتاد با ماده مخدر دلخواهش،رابطه عاشق ومعشوق است واین احساس آنقدر قوی است که بر نیروی اراده او پیروز می شود!

3-حالت نشئگی از همان ابتدا در قسمتی از مغز ثبت می شود و پس از مدتی به صورت غریزه ای ثانوی و خودکار در می آید.

همانطور که ما برای عصبانی شدن نیاز به فکر کردن نداریم واین احساس بصورت خودکار بوجود می آید،میل به نشئگی هم برای فرد معتاد خودکاراست ونیاز به فکرکردن ندارد!

4- رابطه معتاد با تمام مسائل رابطه ای غیر طبیعی است که این روابط از ترس وکمبود سرچشمه می گیرد حتی در کارهای مثبت،ترس محرک اصلی است.مثلا داشتن فرزند برای معتاد با دید پرشدن کمبودهای اوست نه با انگیزه عشق وغریزه بقا ودیگر انگیزه های هدفدار.لذا وقتی فرزند دار شد بعد از مدتی احساس می کند که نه تنها کمبودهای او برطرف نشد بلکه مسئولیتهای تازه ای هم به زندگیش اضافه شده است!

5-در اثر نرسیدن مواد مخدر به معتاد،حالتی به او دست می دهد که در اصطلاح به آن خماری می گویند.علائم اصلی خماری بشرح زیر است:

جسمی:

ضعف کلی دربدن همراه با ارتعاش ولرزش-خمیازه به همراه آبریزش چشم-بی حوصلگی و عدم تمرکز فکری-بی قراری،اضطراب و بی خوابی-آبریزش بینی مانند سرماخوردگی-

دل درد واسهال-تشنج وسرد وگرم شدن و سیخ شدن موهای بدن به همراه عرق کردن-

دردهای عضلانی که به سیم کشی معروف است-حالت تهوع واستفراغ-افزایش ضربان قلب ودرجه حرارت بدن وفشار خون-گشاد شدن مردمک چشم-

روحی:

افسردگی شدید-احساس تنهایی-پوچی و بیهودگی-ترس شدید از آینده-غریبگی نسبت به همه چیز وهمه کس-اضطراب ودلهره

6-افراد معتاد چون دلایل مثبتی برای انجام کارهای خود ندارند معمولا از وسیله ای بنام توجیه استفاده می کنند.مثلا برای توجیه دزدی یا قاچاق این گونه توجیه می کنند که چون کار نیست!مسئولین توجهی به او نمی کنند.بیسواد هستم.حرفه مناسبی بلد نیستم پس حق دارم که دزدی کنم!

7-اکثر معتادان با چرب زبانی و غلو،سعی در مهم جلوه دادن خود دارند اما بر خلاف این تظاهر،آنها در ته دل باور دارند که لیاقت هیچ چیز خوب را در دنیا ندارند.

8-در مشکلاتی که برای انسان پیش می آید طرز تفکر معتاد با افراد سالم فرق می کند.اگر مثلا ماشین انسان وسط جاده خراب بشود وامکان تعمیر آن در محل نباشدافراد سالم فکر می کند که چگونه جرثقیل یا وسیله ای پیدا کند تا ماشین را به تعمیرگاه ببرد.ولی فرد معتاد این گونه فکر نمی کند بلکه فورا عصبی ودلخور شده واز شانس و اقبال بد خود شاکی می شود!با ماشین مادر مرده لگد می زند وبه تمام دنیا بد وبیراه می گوید وعاقبت فکر می کند که این دنیا اصلا ارزش زندگی را ندارد و مرگ وخودکشی راه حل بسیار بهتری است.

درجه تحمل و مقاومت معتادان در مقابل مشکلان بسیار کم است.آنها در اثر فرار از مشکلات و مسائل روز مره و نداشتن تمرین برای حل مسائل خود،روز بروز مقاومتشان کمتر و احساس حقارت و بیهودگی شان بیشتر می شود.

9-یکی از انواع اعتیادها،اعتیاد به دزدی است.وقتی معتاد یک دوبار دزدی کرد ولذت برد وحس طمع و حس غرور ناشی از خطاکردن وگیرنیافتادن ارضا گردید به مرور به این عمل معتاد می شود.برای او فرقی نمی کند چه بدزدد و فرقی ندارد کالای دزدی به دردبخور باشد یا نباشد!

10-یکی از مهمترین مراحل درمان معتادین آنست که زمینه ای فراهم شود تا معتاد آنچه راجع به خودش می داند وحقیقت داردبر زبان جاری کند واز آن حالت غرور وتکبر شیطانی ودوگانگی در شخصیتش دور شود.

لذا در بعضی از مؤسسات درمان معتادان ،جلسه ای عمومی از همه معتادان تحت درمان تشکیل می شود وهرکسی با صدای بلند آنچه در مورد خودش اتفاق افتاده، از چگونگی اعتیادش واز کارهای زشتی که انجام داده همه رامی گوید ودیگران نه تنها اورا سرزنش نمی کنند بلکه برای او دست می زنند واین موفقیت {پاگذاشتن روی غرور کاذب ودوری از دوگانگی در رفتار} را به او تبریک می گویند واین مرحله اگر بدرستی انجام شود از قدمهای مهم ترک اعتیاد است.

متاسفانه درجامعه طوری برخورد می شود که اگر مردم کارهای زشت معتادی را بشنوند بجای اینکه اورا به ترک کارهای زشت تشویق کنند واورا بیمار بدانند نه یک مجرم!فقط اورا سرزنش کرده و گاه مورد دشنام قرار می دهند.واین به دوگانگی در رفتار معتاد کمک می کند!

11- معتاد کسی است که اشتباهی را هزاربار تکرار می کند اما همیشه انتظار دارد که نتیجه قبلی تکرار نشود!

12-از جمله مراحل ترک اعتیاد برای فرد معتاد مخصوصا معتادانی که سالیان طولانی گرفتار آن بوده وهرچه تلاش می کرده اند نمی توانستند ترک کنند،اقرار به نداشتن کنترل در مصرف و هم چنین اقرار به از هم پاشیدگی زندگی است. و از اعتقاد قبلی اش که معتقد بود عقل کل است و همه چیز را از همه کس بهتر می داند دست بر می دارد.

بعد از این باید باور کند که خداوند می تواند سلامت روانی اورا به او برگرداند. در حالی که قبلا فکر می کردنیاز به هیچ کس یا مرجعی ندارد وفقط به مواد مخدر ایمان داشت!

وباید از خدا کمک بگیرد وبه دستورات او وپیامبرانش عمل نماید.

در روایتی از علی ع است که فرمود پیامبر ،پزشکی سیار بود که به بیمارانش سر می زد وآنان را مداوا می نمود.اصلا پیامبران از طرف خداوند برای درمان انسانها آمده اند آنوقت اکثر انسانها از آنها فرار کرده وبه طاغوتها و شیطانها وفرعون ها پناه می بردند.

در عصر حاضر ،کتابهای پیامبران وجود داردوآئین اسلام به عنوان کامل ترین دین می تواند درمان همه بیماریهای خطرناک بشریت باشد.

چرا ما انسانهایی که سراسر نور وهدایت هستند یعنی پیامبران وامامان فرار می کنیم و به انسانهای سراسر ظلمانی وتاریک و گمراهی پناه می بریم؟آیا هنرپیشه هاو هنرمندان فاسد سینمای غرب می توانند مارا به سعادت برسانند تا ما از آنها تقلید کنیم؟ایا افرد آلوده به انواع مفاسد می توانند دست مارا بگیرند وزندگی خوبی برایمان تضمین کنند؟خیر.زیرا چگونه گمراهی می تواند هدایتگر دیگران باشد.چگونه کسی که زندگی را در لذت جویی جسمانی می داند وبس ،می تواند مارا به سلامت به مقصد برساند؟

واقعا اگر فقط جوانان ایرانی همگی به قرآن پناه می بردند حتی یک معتاد هم نداشتیم.اگر همه جوانها اهل نماز باشند وبجای رفت وآمد به خانه های شیطانی به خانه خدا یعنی مسجد تردد کنند ،معضل بزرگ کشور ما به آسانی قابل حل مباشد اگر چه از علل اعتیاد،بیکاری وفقر می باشد وباید آنها هم درمان شوند

.13-علت اینکه معتادانی که ترک می کنند دوباره به آغوش موادمخدر پناه می برند این است که روند فکری معتاد،حالت طبیعی ندارد و اعتقادات او غیرواقعی است وهیچ وسیله قابل اعتمادی برای ارزیابی خود ندارد ودر دنیایی خودساخته ومجازی وغیرواقعی روزگار می گذراند وهیچگونه شناختی از وجود واقعی خود که زیر شخصیت ظاهری اس پنهان شده است،ندارد.او همواره در میان دوقطب مخالف هم یعنی احساس حقارت از یکطرف وتصورات خودبزرگ بینانه از طرف دیگر سرگردان است.او تصور می کند از همه برتراست ولی احساس او می گوید که او موجودی بیچاره وحقیر است!و این مسئله باعث می شود که آن ها حتی پس از ترک دراز مدت،باردیگر به موادمخدر پناه ببرند و با مسخ احساسات و کند کردن افکار،آرامش پیدا کنند.

ولی چنانچه ترک اعتیاد با برنامه باشد ومراحلی که در بالا ذکر شد انجام شود مخصوصا مسئله مشخص شدن اشتباهاتی که انجام داده وپذیرفتن این اشتباهات،در این صورت

احتمال برگشت او به اعتیاد کم می شود.

اینکه در روایات آمده کسیکه خودرا بشناسد خداراهم می شناسد یک معنایش این است که با استعدادها وظرفیتهایی که در او نهفته است آشنا شود آنوقت متوجه می شود که می تواند کارهای بزرگی انجام دهدسپس به خالق این توانائیها متوجه می شود..

در هندوستان افراد مرتاض با شناخت کمی که از قدرت روحی انسان دارند کارهای

خلرق العاده ای انجام می دهند وتلسلط عجیبی بر نفسشان پیدا می کنند.

از جمله مدت زیادی مثلا یک ماه در قبر ی سرپوشیده همانند مردگان می مانند وبعد از این مدت زنده وسالم بیرون می آیند.

درباره گاندی رهبر هند نقل شده که هرشب با دختری از بستگانش در یک بستر می خوابید ولی آن چنان بر نفسش تسلط داشت که تحریک جنسی نمی شد وتا صبح آنقدر راحت می خوابید که گویا تنها خوابیده است!

اگر افراد معتاد خودرا بشناسند ودر باره خودشان بررسی کنند قدم بلندی را در نجات خود برداشته اند.

همچنین این افراد باید برای اعمال وکارهایی که کرده یک حسابرسی ایجاد کند وببینند تا کنون چه اعمال خوب وبدی مرتکب شده است.اوباید بپذیرد که در مدت اعتیادش،کارهای زشتی انجام داده که نباید انجام می داد واین بخاطر اعتیاد به مواد مخدر بوده است.اعتیاد این بلا را سر او آورده که اورا بطرف احیانا دزدی،شرابخواری،خیانت،رهاکردن مسئولیت خود درقبال خانواده وجامعه،دورشدن از خدا کشانده است.اگر این مرحله را درست طی کند ،به بدی وزشتی اعتیاد پی می برد وکارهای زشت خودرا توجیه نمی کند واعتراف می کند که اشتباه کرده است وراه را عوضی رفته است وسرمایه خودرا که عمر اوست مدتها در پوچی ولهو ولعب گذرانده که باید هرچه سریعتر جبران نماید.پس باید نواقص خودرا جبران کند وبداند که همیشه برای جبران خطاها وبدیها ،فرصت است

و مخصوصا با توبه به درگاه الهی ،رحمت الهی را برای خود سرازیر نماید وبداند که اگر کسی مورد رحمت الهی قرار گیرد او نجات یافته است.

خداوند آنچنان بندگانش را دوست دارد که از دوست داشتن مادر ،فرزندش را هزاران بار بیشتر است.لذا توبه را برای بازگشت او قرار داده واگر شخصی گناه کرد وتوبه شکست بازهم می تواند توبه کند وهیچ محدودیتی در توبه کردن نیست.

یکی از درهای رحمت خداوند رحیم،باز گذاشتن در توبه است.انسانهای گناهکار تا زنده هستند فرصت بازگشت ونجات خودرادارند.چه گناهان بزرگ وچه گناهان کوچک.چه برای کسیکه گناهان‌کمتری انجام داده است.وچه کسیکه مدتهای زیادی را به گناه مشغول‌بوده است.

«بزرگترین گناه، شرک به خداست وبعد از آن مأیوس شدن از رحمت‌خداوند است.»

وقتی انسان توبه می کند، خداازاو راضی می شود بیشتر ازخوشحالی‌کسیکه اثاثش را گم کرده سپس بعد ازمدتی آنرا پیدا می کند.

14-شخص معتاد در حال ترک اگر قبول کند که برای نجات خود نیاز به کمک دیگران دارد وراهنمای مناسبی که اورا مرتب مشاوره درست بدهد ،پیدا کند درترک موفق تر خواهد بود.

راهنمایی که در دسترس اوباشد مخصوصا اگر راهنما خود از افرد پاک شده بوده باشد بهتراست.

15-یکی از افکار وتصورات معتادان آنست که خیال می کنند دنیا ومردمش به او بدهکارند واو حق دارد بی درنظر گرفتن حق وحقوق دیگران آنچه را می خواهد برای خود بردارد.

در ترک اعتیاد باید این تصور را اصلاح کند وبداند که همانطوری که انتظار دارد حق وحقوق اورا رعایت کنند،دیگران هم انتظار دارند حقوق آنها توسط وی رعایت گردد.

16-یکی از راههای نزدیکی به خدا وتوبه واقعی،خدمت به پدر ومادر است.اگر فرد درحال ترک اعتیاد ،والدینش زنده هستند وبتواند آنهارا از خود راضی نگه دارد ودعای آنها را برای خود جلب نماید،زودتر از چنگال اعتیاد خلاص می شود.

17-دوری فرد پاک شده از مکان ومحلی که مواد در آن در دسترس است ضروری است اگرچه کسانی بصورت فنی وریشه ای اعتیاد را ترک کرده اند حتی اگر در کنار مواد مخدر باشند ،بطرف آن میل وگرایش پیدا نمی نمایند.

18-اینکه اعتقاد داریم امامان ما معصوم هستند یک معنایش این است که همانطور که ما یه سوزندگی آتش یقین داریم پس اعضای بدن خود را از آن دور می کنیم،امامان هم به بدی وزشتی گناهان آنچنان یقین دارند که هیچگاه نزدیک آن نمی شوند حتی فکر گناه هم نمی کنند.

اگر انسان بتواند به زشتی مواد مخدر یقین پیدا کند خیلی بعید است که معتاد شود ویا بعد از ترک مواد ،دوباره سراغ آن برود.

19-یکی از علل اعتیاد،جهل ونادانی افراد به زیانهای استعمال مواد مخدر است.باید دانایان جامعه از راههای مختلف از جمله از راه هنر وفیلم وکتاب وغیره،مردم مخصوصا جوانان را نسبت به زیانهای فراوان این مواد ،آگاه کنند که امیر مؤمنان فرمود:علم نور است وجهل ونادانی کوری ونابینایی!

20-پرداختن به ورزش تا حدی می تواند در جلوگیری از اعتیاد یا بازگشت فرد پاک به اعتیاد ،نقش ایفا کند ولی این نقش همیشگی ومطمئن وصددرصد نیست مگر ورزش همراه با تقویت ایمان ،بکار گرفته شود که در این صورت نقش مهمی را در ممانعت از اعتیاد ایفا می کند.

21-بیش از هزارسال قبل ،پیامبر اسلام فرمودند:

سیاتی زمان علی امّتی یاکلون شیئا اسمه بنج انا بریء منهم وهم بریئون منّی!

سلّموا علی الیهود والنصاری و لا تاکلوا علی آکل البنج!

زمانی بر امت من خواهد آمد که عده ای چیزی به نام بنگ می خورند!من از این افراد بیزارم وآنها هم از من دورند.

بر یهودی ومسیحی سلام بکنید ولی بر کسیکه بنگ می خورد سلام ننمائید! {مجله مبلغان}
همچنین فتاوای علمای شیعه بر حرمت استعمال ومعامله مواد مخدر می باشد.

دلیل حرمت یکی به ضرر داشتن استعمال این مواد برمی گردد ویکی هم به اسراف بودن استعمال مواد مخدر که روزانه صدها میلیارد تومان به کشور ما آسیب وخسارت وارد می کند. والبته دلایل دیگری هم دارد.

22-از جمله سؤالاتی که در قیامت از افراد می کنند این سؤال استکه:جوانیت را در چه چیزی صرف کردی؟
واقعا افراد معتاد چه جواب دارند که بدهند؟آیا می توانند جواب بدهند که بهترین سالهای عمر خود را در خواب وخیال وچرت زدن وانگل بودن وبی حال بودن ووارد کردن خسارت به خود وخانواده وجامعه ،گذرانده اند؟

22-از جمله عوامل اعتیاد یا بازگشت فرد پاک به اعتیاد ،تنهائی است.که در دین ما از تنهائی مذمت شده لذا برای همه ساعتهای شبانه روز برنامه کاری ومعنوی پیشنهاد شده است.

گویند روزی پیامبرما از کوچه ای رد می شدوبر خلاف روششان که به همه سلام می کردند به جوانی که بیکار نشسته بود سلام نکردند.اما حضرت در موقع بازگشت وقتی به این جوان رسیدند به او سلام کردند.اصحاب پرسیدند که شما موقع رفتن به ایشان سلام نکردید ولی موقع بازگشت به او سلامکردید؟فرمود موقع رفتن دیدم بیکار نشسته است وخدا آدم بیکار را دشمن دارد!ولی موقع برگشتن دیدم سنگی به دست گرفته وخطوطی بر زمینرسم می کند واین هم خود یک نوع کار است واز بیکاری بهتراست لذا براو سلام کردم!

پس بهتراست که انسان برای شبانه روز خودبرنامه ریزی کرده وهرساعتی به کاری مشغول باشد.حتی قدم زدن در خیابان از بیکار نشستن در منزل بهتراست.

23-از جمله عوامل بازگشت به اعتیاد درافراد تازه ترک کرده، حضوردر مجالسی است که در آنجا مواد مصرف می شود حتی گاهی در مراسم عروسی فامیل به اشخاص مواد تعارف می کنند وشخص مذکور از روی رودرواسی مواد را می گیرد ودوباره به این چاه می افتد!
درحالی که باید افراد اینچنینی قدرت نه گفتن به اینگونه پیشنهادات را در خود ایجاد نمایند وخجالت وحیا را کنار بگذارند.

24-اعتیاد همانند یک پرده نامرئی مانع دیدن حقایق می شود که دراین رابطه باید اشخاص معتاد نظر مشاورین دلسوز را بر نظر خود ترجیح دهند اگرچه خود را محق بدانند.

25-گاهی افراد معتاد،به کسانی که دچار مشکلات روحی یا جسمی هستند ویا می خواهند خستگی خود را برطرف کنند یا شب بیدار بمانند،ویا درد دارند پیشنهاد مصرف مواد مخدر می کنند درحالی که در حقیقت پیشنهاد آنها ،اضافه کردن درد وبیشتر کردن خستگی وعظیم ترشدن مشکلات روحی وجسمی شخص را در پی دارد.

26-افراد معتاد موفقیتهای خود را در بعضی مسائل مورد توجه قرار نمی دهد وآنهارا مهم نمی داند حتی اگر کاربزرگی انجام داده باشد ومی گوید این کاری که من انجام

دادم حتی یک بچه هم می تواند انجام دهد! وبدینوسیله اعتماد بنفس خودرا ازبین می برد.

27-افرادی که ترک اعتیاد نموده اند دچار غرورکاذبی شده وتصور می کنند که باید دیگران قدر اورا بدانند وهمه جور شرایط مناسب را برایش فراهم کنندوهمه به او بدهکار هستند!لذا اگر شخصی از او انتقاد کرد با پرخاش وعصبانیت عکس العمل نشان داده وزمینه بازگشت به اعتیاد را هموار می کند.

28-گاهی مصیبتهایی مثل فوت اقوام نزدیک، بهانه ای برای بازگشت به اعتیاد را ایجاد می کند در حالی که در هنگام ترک باید با خود تعهد نماید که به هیچ عنوان وبهانه ای بطرف اعتیاد برنگردد.

29-فرزندان نوجوان خود را با دوستانشان تنها نگذارید مخصوصا برای رفتن به کوه ورودخانه وجنگل وپارتی های شبانه وامثال آن وهمیشه یک فرد پخته وآگاه همراه آنهاباشد که گاه درفاصله یکساعت تنهائی فرزند با دوستان،اعتیاد ویا مشکلات دیگر پدید می آید که بوده است مواردی که دوستان به زور به نوجوانی مواد تزریق کرده اند ونوجوان مذکور فوت نموده است!

30-همانطور که نظام اسلامی که معجزه قرن لقب گرفته توانست بسیاری از معضلات جامعه را حل کند این توانائی را دارد تا با کمک گرفتن از متفکرین حوزه ودانشگاه،این معضل بزرگ را حل نماید.انشاءالله.

باسمه تعالی

علماء وخداترسی

موضوع این مقاله درباره خداترسی است.یکی از دستگیره های نجات بخش انسان ،داشتن صفت خداترسی است.

مخصوصا علماء وفضلاکه در قرآن بطور مخصوص به خداترسی آنان اشاره کرده است.

انما یخشی الله من عباده العلماء

وپیامبرخدا ص فرمود که عالمترین مردم،خداترس ترین مردم است {میزان الحکمه}

ودرآیات دیگر بطور عام به فضیلت خداترسی اشاره فرموده است.

واما من خاف مقام ربه ونهی النفس عن الهوی فانّ الجنهَ هی الماوی. {نازعات}

ان الذین هم من خشیه ربهم مشفقون {مومنون}

والذین یوتون ما اتوا وقلوبهم وجله انهم الی ربهم راجعون {مومنون}

وپیامبرخدا فرمود:هرکه خداشناس ترباشد خداترس تر خواهد بود. {میزان الحکمه}
وفرمود که درقیامت ندا دهند نزدیکترین افراد به خداوند خداترس ترین مردمان است. {میزان الحکمه}
امام علی ع به فرزندش وصیت کرد که تورا سفارش می کنم که درنهان وآشکار از خدابترسی.. {میزان الحکمه}

اما مراد از ترس از خدا چیست؟یک معنایش این است که خدارا همه جا حاضر ببینیم.
امام صادق ع فرمود:
طوری خدارا عبادت کن گویی خدارا می بینی واگر خدارا نمی بینی بدان خداتورا می بیند.واگر معتقدباشی خداتورا نمی بیند کافرشده ای واگر معتقدباشی خداتورا می بیند در مقابلش گناه بکنی اورا پایین ترین بینندگان قرار داده ای. {میزان الحکمه}

معنای دوم این است که باید انسان همواره بین خوف ورجا بسربرد.

امام علی ع فرمود مومن شب وروز در خوف وهراس بسر می برد هرچند نیکوکارباشد. {میزان الحکمه}
لقمان به پسرش گفت:ازخدا چنان بتس که اگر عمل نیک انس وجن را نزد اوببری بازگمان کنی تورا عذاب می کند وبه او چنان امیدوارباش که اگر گناه همه انس وجن ببری باز گمان کنی تورا ببخشد. {میزان الحکمه}
وپیامبرخدا فرموداگر اندازه رحمت خدارا بدانیدبرآن تکیه کرده وجز عمل کم نخواهید انجام داد واگر اندازه خشم خدارا بدانید خواهید پنداشت که هرگز نجات نمی یابید. {میزان الحکمه}

سومین معنای خداترسی آنست که از عاقبت بد بترسد وهراسان باشد.

افرادی مانند ابلیس وقارون وبلعم وطلحه وزبیر وامثال اینهاودر دوران انقلاب اسلامی افرادی مانند بنی صدر ورجوی ومهدی هاشمی ودیگران که اول خوب بودند ولی بعد عاقبت به شر شدند واین نشان می دهد که انسان همواره در معرض خطر است وباید مرتب
با درک حضور خدا وخداترسی ،از گناهان فاصله بگیرد.
از یکی از مراجع پرسیدند اگر خدابتو یک دعای مستجاب بدهد چه دعایی می کنی؟فرمود اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا
از مجتهد دیگر پرسیدند همین جواب را داد.

چهارمین معنای خداترسی آنست که عظمت خدارا متوجه ومتذکر باشد.وآنقدر معرفت الهی نصیبش شودکه خدادرچشمش عظیم وغیرخدا در چشمش حقیرباشد.

دراین صورت قدرتهای ظاهری ومادی در نزد او بی ارزش و قدرت را فقط در خدا می بیند.

ناصرالدین شاه وملاهادی سبزواری

نقل شده که ملاهادی سبزواری در سبزوار بود که ناصرالدین شاه درسفر مشهد وارد سبزوار شد.گفت ملاهادی را نزد من بیاورید.وقتی نزدملاهادی رفتندومطلب را گفتند،روایتی برای ناصرالدین شاهنوشت کهقال رسول الله(ص):اذا کان العلماء فی باب الملوک بِئسَ العلماءوبِئسَ الملوک.واذا کان الملوک فی ابواب العلماء نِعمَ العلماءونِعمَ الملوک.اگر عالم پیش شاه برود،هم عالم بد است وهم شاه!واگرشاه نزد عالم برود،هم عالم خوب است وهم شاه!وقتی نامه را دست‌ناصرالدین شاه دادند،بعد از خواندن،روانه منزل ملاهادی شد.درزدند.پیرمردی قدبلند وریش سفید در را باز کرد.شاه خیال کرد که نوکرملا است.پرسید آقا هستند؟فرمود خودم هستم.شاه وارد شد ونشست‌ومقداری صحبت کردند.ظهر که شد ملاهادی بیرون رفت.شاه خیال‌کرد آقا برای آوردن غذا رفته است.ولی مشخص شد که ملاهادی برای‌گرفتن وضو وادای نماز رفته است.بعد از نماز ملا وشاه نشستند.نه بوی‌پلو می‌آمد نه بوی چلو!خانه مردی است که عمری با گرسنگی ونان‌خشک دست وپنجه نرم کرده است.یک مرتبه خادم آقا آمد ویک ظرف‌فلزی دوغ ونمک وچند گرده نان خشک آورد.ناصرالدین شاه مقداری ازنانها را بعنوان تبرک برداشت وهرچه کرد نان بی خورشت به مزاجش‌سازگار نشد!موقع رفتن شاه گفت اجازه بدهید شهریه طلاب را من‌بدهم؟ملاهادی فرمود:طلاب بدعادت می‌شوند.شما که همیشه زنده‌نیستی که شهریه آنها را بدهی!خوب است به همان مقدار کفایت‌کنند.شاه گفت:اجازه بدهید شمارا قاضی القضات کنم؟ملاهادی‌گفت:این دست شما نیست.شاه گفت پس بگذارید بشما کمکی‌بکنم؟ملاهادی جواب داد:لاهو شیء فی الوجودالاّالله.روزی من‌دست خداست وغیرخدا رازق نیست.{اصول سه گانه}

برای اینکه عظمت پروردگار در نظرش بیشتر شود باید به معجزات پیامبران وامامان توجه نماید.باید به عجایب خلقت متذکر گردد.باید به ضعف انسان ها حتی پادشاهان وقدرتمندان متوجه شود.

پنجمین معنای خداترسی آنست که در برخورد با گناه بیاد خدا افتاده واز گناه دوری نماید.

اءِنَّ الَّذِینَ اتَّقَوْا اءِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّیْطَانِ تَذَکَّرُوا فَاءِذَا هُممُبْصِرُون {اعراف 201}

امام صادق(علیه السلام) فرمود: محکم ترین چیزی که خدا بر خلقش واجب کرده است زیاد یاد خدا بودن است. سپس حضرت فرمود: مراد من (سبحان الله والحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر) نیست اگر چه اینها هم ذکر است و لکن منظور از یاد خدا بودن این است که زمانیکه با حلالی و حرامی برخورد کرد یاد خدا بوده اگر طاعتی است به آن عمل کند و اگر معصیتی است از آن دوری کند.
یوسف پیامبر از گناه فرار می کرد وگناه بدنبال او بود.

ششمین معنا آنست که بدنبال جلب رضایت الهی بوده واگر همه مردم از او ناراضی باشند ولی خدا از او راضی باشد برای او خوشایند ومطلوب است.اللهم ورضاک والدارالاخره
او بدنبال این نیست که مردم از او تعریف کنند یا از او خوششان بیاید.بلکه تمام حواس وهوشش متوجه این است که همه اعمالش مطابق رضایت الهی باشد.
امام حسین ع: -«کسیکه بدنبال رضای الهی است اگر چه مردم ناراحت شوند،خدااورا از مردم کفایت می کند وکسیکه برای رضای مردم،خدا را غضبناک می کند،خدا اورا به مردم وا می گذارد!»
آثارخداترسی:
1-همه اشیاء از او بترسند
پیامبرخدا فرمود:هرکه از خدا بترسد همه چیز از او بترسند وهرکه از خدا نترسد او از همه چیز بترسد. {میزان الحکمه}
روزی شخصی با آن حضرت سخن می گفت ومی لرزیدحضرت فرمود : چر از من می ترسی من که پادشاه نیستم.

{امام صادق ع پیش منصور رفت ومنصور می خواست آقارا بکشدولی خداوند سبحان، ترسی در دل منصورفاسق انداخت که نتوانست به مقصود خودبترسد...}
2-ایمنی از ترس بزرگ قیامت
پیامبرخدا فرمود هرکه گناهی به او عرضه شود واز ترس خدا از گناه دوری گزیند درقیامت ایمن بوده وآتش براو حرام است.
3-با خدا رابطه عبد ومولا پیدا کرده وخودرا درمقابل خدا هیچ می داند.
در علل الشرایع از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت کرده شعیب پیامبر آنقدر از حب خدا گریست که دیدگانش نابینا شد خدای متعال چشمان او را بدو مرحمت کرد. مجددا آنقدر گریست تا از چشم محروم گردید باز خدا دیدگانش را عنایت فرمود بار دیگر آنقدر گریه کرد

که از نعمت چشم بازماند خدای منان نعمت گرانمایه چشم را بدو ارزانی فرمود. چون بار چهارمین شد خدای مهربان بدو خطاب کرد تاکی بدینکار می پردازی و می گریی اگر از آتش خائفی تورا از شکنجه در امان دارم و اگر مشتاق بهشتی نعمتهای آنرا به تو ارزانی فرمودم. عرضکرد سید و آقای من می دانی که از ترس آتشت نمی نالم و از اشتیاق به بهشتت نمی گریم. لیکن عقده محبتت قلب مرا ربوده و صبر و طاقتم را برده شکیبائی ندارم مگر بوصال تو نائل آیم. خدای متعال بدو خطاب کرد اکنون که برای وصال می گریی موسی بن عمران کلیم خود را به خدمت تو برمی انگیزم.

علماء وشجاعت

ولایخشون احدا الا الله وکفی بالله حسیبا {احزاب39}

یکی از اوصاف مبلغین دین شریف اسلام وعلماء ربانی ، شجاعت است که در آیه 39احزاب ذکرشده است.
آورده اند که شجاعت فضیلتی است بین گستاخی و بزدلی و کسیکه از ترس و و قاحت بر کنار باشد از فضیلت شجاعت برخوردار است و به طور کلی قدرتهای روحی عامل اصلی تعالی انسان است و در صحنه زندگی هر کس روحیه ای نیرومندتر داشته باشد موفقیتش درخشانتر است.
روایتی است که :
((ان الله یحب الشجاع))
خداوند آدم شجاع را دوست دارد.
و مردم هم آدم شجاع را دوست دارند.

امام خمینی«رض»فرمود:
اگر یک قطره از خون ابی عبدالله (ع)هم در من باشد،من تا رژیم‌ستمشاهی را ساقط نکنم از پای نمی‌نشینم و نه تنها آن بلکه امریکا را نیزبه ذلت و خواری می کشانم.
وامام فرمودند که من در تمام عمرم از چیزی نترسیدم.

گفته اند یکی از مبارزان عرب پیر شده بود و با وجود ضعف پیری قوت دل داشت روزی می خواست که سوار شود دو نفر بازوی او

گرفتند تا سوار شد. بی ادبی طعنه زد که از این شخص چه کار می آید در حالیکه دو نفر باید او را سوار کنند پس شجاعت او چـه خواهـد شـد . آن پیر مرد سخن او را شنیده و گفت آری دو نفر باید که او را سوار کنند اما هزار نفر باید او را پائین آورند.

عظمت شجاعت امام علی(ع):

وقتی که حضرت علی (ع) به میارزه عمروبن عبدود رفت و او را کشت شخصی از حضرت سئوال کرد آیا نترسیدی که مبارزه چنین شخصی رفتی فرمود: چگونه از غیر خدا بترسد کسی که جز خدا احدی را به اندازه یک چشم بر هم زدن نپرستیده است.

علی(ع) در جنگها زره به پشت نمی بست و وقتی سؤال می کردند چرا زره بر پشتت نمی بندی می فرمود: من هیچوقت فرار نکرده و نمی کنم که بخواهم از پشت سر ایمن باشم و در جمله ای دیگر فرموده است: اگر همه عرب با شمشیر به من حمله نمایند من ذره ای ترس در وجود خود احساس نخواهم کرد.

شجاعت شهید سید حسین مدرس:

در باره مرحم شهید سید حسین مدرس نقل می کنند: روزی بمناسبت عید مردم دسته دسته به دیدار او می آمدند در این میان شخصی عینکی کـه ظاهر ا مأمور دولت بود آمد و به مدرس گفت: رضا خوان امر کرده اند که مردم دو نفر دو نفر به دیدار شما بیایند مدرس با عصبانیت فرمود: بیخـود کرده چنین دستوری داده و به خدمتکار خودشان دستور دادند او را از خانه بیرون نمودند.

نقل می کنند در زمان طاغوت روزی سید مصطفی خمینی در باغی نشسته بودند که سرهنگی بدون اجازه وارد باغ شده و قصد اسـتفاده از بـاغ را داشت ولی سید مصطفی بلند شده و یقه سرهنگ را گرفته واو را با زور از باغ بیرون نمود. در حالیکه زمان زورمندی این اشخاص نظامی بود.

شجاعت آیه الله میرزا جوادآقا تهرانی:یکی از منافقین به ایشان زنگ می زند که می خواهیم شماراترور کنیم ایشان گفته بود من آماده ام ومن ساعت فلان از خانه بیرون می روم واز فلان کوچه عبور می کنم شما می توانید درفلان کوچه که خلوت است بیایی وکار را تمام کنی!
بعد از این قضیه از ایشان پرسیدند چه شد؟فرمود من رفتم ولی او بدقولی کرد ونیامد!

کت استیونس خواننده پاپ که نامش را یوسف اسلام گذاشته:با آیه ولله ملک السموات والارض، همه ترسهایم ازبین رفت
آن زمانی که روسیه ایران را تهدید به اشغال نمود مدرس درمجلس فرمود اگرقرار است نابودشویم چرابادست خودمان.ما تسلیم نمی شویم..
درایام دفاع مقدس مردم دنیا شجاعت جوانان ایرانی را دیدند که چگونه به طرف دشمن هجوم می بردند واز سدهای شکست ناپذیر آنهاعبور می نمودند.دیدند که محمدحسین فهمیده ها چگونه خودرا زیر تانک دشمن می افکنند وآنرا منهدم می نمایند.دیدند که یکی از رزمندگان پلدختر چگونه با دست خالی 13نفراز دشمن را اسیر نمود.
ریشه شجاعت در مومنین به ایمانشان برمی گردد وهرچه توکل وایمان قویترباشد شجاعت هم بیشتراست اگرچه در بعضی کفار هم شجاعت وجوددارد.
ولی فرق مومن شجاع با کافر شجاع آنست که کافر ترسی از خدا ندارد ولی مومن شجاع از خداترس وخوف دارد.

گویند چهارنفربرای ترور پیامبر به مدینه آمدند ودستگیرشدند.پیامبر دستورداد یا ایمان بیاورند یاکشته شوند.چون ایمان نیاوردند سه نفرشان کشته شدند ویک نفرآزادشد چون دارای فضائلی از جمله شجاعت بود.وقتی اورا آزاد کردند اعتراض کرد که دوستان مرا کشتید چرا مرا آزاد می کنید؟پیامبر فرمود جبرئیل به من خبرداد که توودارای چند صفت خوب هستی که خدا ورسول آنهارا دوست دارند.باغیرتی.راستگویی.سخاوتمندی وشجاعی.
او گفت راستی خدای شما اینهارا دوست داردگفتند آری.او در این هنگام شهادتین را گفت ومسلمان شد.
درهرحال عالمان ومبلغان باید دارای این فضیلت باشند تا مصداق آیه شریفه قرار بگیرند وباید از صفت رذیله جبن وترسویی دوری کنند.

عوامل ترس از قبیل زیر است:
1.جهل و نادانی نسبت به خصوصیات زندگانی است زیرا یک فرد دانا به دنیا و زندگی می داند که در زندگی مصیبتها و تلخیها و حوادث مختلفی برای انسان پیش می آید لذا باید در مقابل این اتفاقات خونسردی را حفظ کرد و دچار بیم و ترس نمی شود.
2.فاصله گرفتن از درستکاری و راستی و رفتن در زیر چتر بی عدالتی و ظلم رفتن.
3.وجود تخیلات بی پایه و بی اساس و دور از واقعیات.
4.وابسته بودن به دنیا و لذات زودگذر آن که از مهمترین عوامل ترس است زیرا ترس از دست رفتن این جلوه ها و مادیات باعث می شود که ترس در دل انسان لانه کند.

خداوند سبحان عالمانی را که سخنان حق را کتمان می کنند {شاید بدلیل ترس} مورد توبیخ وهشدار قرار داده است لذا باید با ترس مقابله نمود ومطالب حق ولازم را برای مردم تبیین نمود.

رسول اکرم (ص) فرمود: بدترین خصوصیات یک فرد دو چیز است:

1.بخل مفرط و بی اندازه و ترس خارج از حد.

علی (ع) می فرماید: اگر از سختی اول ترسیدی پس تو در مقابل آن سفت باش تا بر تو آن کار آسان شود و آنرا نزد دیگران آسان فرض کن تا موفق باشی.

ضررهای ترس:

1.پیشرفت و عناصر موفقیت را نابود می کند.

2.اتلاف وقت می نماید.

3.نیروی معنوی و مادی بدن را کاهش می دهد.

4.استعدادافراد را از بین می برد.

5.بدگمانی و انزوا را برای فرد به ارث می آورد.

پیامبر اسلام فرمود: یا علی با ترسو مشورت نکن زیرا را ه خروج از گرفتاری را برای تو ضیق و تنگ می کند.

یکی از دانشمندان خارجی می گوید: کسیکه از نیش زنبور می ترسد لیاقت آن را هم ندارد که کندوی زنبور را تصرف کند.

.....

تربیت دینی نوجوانان

1-آشناکردن نوجوان با خدا وآموزه‌های مذهبی

برای پرورش حس مذهبی نوجوانان باید چند مرحله راطی کرد:

1ـ آنها را با استدلال ساده با خدا آشنا نمائیم.

2ـ خدا را با صفات نیکویش مانند رحمان و رحیم و آمرزنده بودن‌معرفی کنیم.

3ـ از دوستی خدا با آنها حرف بزنیم. «ای پیامبر بگو: اگر خدا را دوست‌دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته و گناهانتان رابیامرزد و خدا آمرزنده و مهربان است».آل عمران 31

4ـ نوجوانان را به عبادات واجب و مستحب عادت داده و نماز را ازهفت سالگی به آنها آموزش دهیم.

اگر پرورش مذهبی نوجوان از دوازده سالگی بدرستی انجام پذیرد، او در16 سالگی یک فرد معتقد و با ایمان خواهد بود و با این احساس‌می‌تواند در مقابل تمایلات نفسانی و شهوات، مقاومت کند و از تندروی‌و طغیان برکنار بماند. امّا برعکس، نوجوانی که احساسات مذهبیش‌مورد حمایت و پرورش قرار نگرفته و احیاناً سرکوب شده باشد،نوجوانی که خواهش معنویش ارضاء نگشته و نور ایمان، ضمیرش راروشن ننموده باشد، در 16 سالگی محکوم تمایلات غریزی و شهوی‌خواهد بود و عواطف مذهبی پرورش نیافته‌اش قادر نیست او را درمقابل انحرافات ایمنی بخشد.

عبادات واجب و مستحبی که در اسلام تشریع شده و همچنین دعا ونیایش در پیشگاه الهی از عوامل مؤثر در تحکیم دوستی و محبت‌پروردگار است. نماز ارتباط دهندهٔ انسان به خالقش می‌باشد. نمازگزارروزی چند بار به پیشگاه خدا می‌رود و مراتب دوستی خود را بامحبوبش تجدید می‌کند.

اگر گناهانی کرده آنها را بوسیلهٔ نماز پاک می‌کند و اگر چند قدمی ازخدایش دور شده، بوسیلهٔ نماز بعدی به خدایش برمی‌گردد. خدای‌واقعی آنقدر رحمت و عطوفت دارد که باب توبه بر روی همه گشوده‌است. اگر انسان آلودگی پیدا کرد، راه بازگشت به پاکی و خدا باز است.حتی اگر توبه را شکست و باز آلوده شد، باز هم راه بازگشت دارد وباصطلاح: اگر صدبار توبه شکستی باز آی! خالقی که در گرفتاریها وسختیهای زندگی، تکیه‌گاه انسان است.

علی‌ع می‌فرماید: «**یا مَنْ عَلَیْهِ مُعَوَّلی!**» ای تکیه‌گاه من! «**یا مَنْ اِلَیْهِ‌شَکَوْتُ اَحْوالی!**» ای کسی که گرفتاریهایم را فقط به او می‌گویم. این دین‌صحیح و ایمان واقعی است که انسانها را از انحرافات و آلودگیها دور وپاک کرده و آنها را سعادتمند می‌نماید.

امّا بدبختانه دنیای امروز به تمایلات مذهبی جوانان نه تنها کار نداردبلکه با انواع برنامه‌های انحرافی این حس را در میان جوانان از بین‌می‌برد. دنیای غرب آنطور که برای یک کالای صنعتی سرمایه گذاری‌کرده و اهمیت قائل می‌شود، برای تربیت صحیح و پرورش حس‌مذهبی ارزش وارجی قائل نمی‌شود.

2- تربیت فرزند بر اساس تربیت دینی

اولین نکته برای آرامش خانواده و دوری از رفتارهای ناپسند جوان،شناخت روان جوان و آگاهی از مقتضیات جوانی است. فرزند جوان،مطابق میل طبیعی، عاشق استقلال و تشخص است. می‌خواهد هرچه‌زودتر خود را از محدودیتهای دوران کودکی رها سازد و به گروه‌بزرگسالان بپیوندد و مانند

آنان مستقل باشد. او خواستهٔ خود را بر زبان‌نمی‌آورد! ولی اگر به مقصود خود نائل نشود و به حق طبیعی خود،دست نیابد، سرکشی و طغیان می‌کند، به کارهای غیر عادی دست‌می‌زند، بد رفتار و تندخو می‌شود و با زبان حال می‌گوید:

به شخصیت من احترام بگذارید! مرا مستقل و آزاد بشناسید! با من‌همانند یک فرد بزرگ برخورد کنید!

در سخن پیامبرص است که فرمود: «**فرزند، هفت سال آقاست.هفت سال بنده است و هفت سال هم وزیر است».**

طفل هفت سال اول بر پدر و مادرش حکومت می‌کند! زیرا فکرش نارساو جسمش ناتوان است. پدر و مادر باید با دیدهٔ رأفت به او نظر کنند وناچارند که خواسته‌های او را برآورده سازند.

در هفت سال دوم، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در تن و روان کودک پدیدمی‌آید. جسمش قوی می‌شود و درکش رشد می‌کندو تا اندازه‌ای‌خوبیها و بدیها را می‌فهمد. لذا مورد مؤاخذه والدین و مربی و آموزگارقرار می‌گیرد. و چون عقلش بخوبی شکفته نشده و صلاح و فساد خودرا به درستی تشخیص نمی‌دهد، پدر و مادر آمرانه به او تذکر داده و اوباید فرمان والدین را اطاعت کند.

امّا در هفت سال سوم نشانه‌های جوانی و بزرگسالی در او پدیدمی‌آید. لذا احساس مسئولیت می‌کند و در تدبیر زندگی همکار والدین‌می‌باشد.

از بکار بردن کلمهٔ وزیر چند نکته را می‌فهمیم:

الف ـ جوان تشخص طلب و استقلال جواست.

ب ـ نباید با او آمرانه برخورد کرد.

هیچ چیز بیش از حق رأی در تربیت آنان مؤثر نیست. باید در خانه ومدرسه به آنها حق اظهار عقیده داده شود. البته استقلال دادن به جوان‌به این معنا نیست که وی در تمام اعمالش آزاد باشد تا به میل خود به هرمحیط فاسدی برود، زیرا جوان که عقلش نسبت به احساساتش ضعیف‌است، همواره در معرض سقوط قرار دارد. جوان اغلب پایان کار رانمی‌بیند و از تشخیص بسیاری از بدیها و خوبیها عاجز است. پس مراداز وزیر بودنش آن است که هم شخصیتش مورد احترام باشد و هم‌اختیار صد در صد نداشته باشد، بلکه تصمیم نهایی با والدین است.

سختگیری بی مورد، زورگویی و ستم، تعدی و خشونت والدین نسبت‌به جوان یکی از دو نتیجه را به بار می‌آورد:

الف ـ جوان بر اثر فشارهای طاقت فرسای روحی و نظارتهای خسته‌کنندهٔ والدین، نیروی مقاوت خود را از دست داده و تسلیم شرائط‌موجود می‌شود. او اگر چه سازگار و سربزیر می‌شود ولی استعدادهای‌خود را از دست می‌دهد و یک انسان نالایق بار می‌آید.

ب ـ جوان در مقابل سختگیری‌ها می‌ایستد که در نتیجه باعث اختلاف‌در خانواده می‌شود. عربده‌ها و فریادها، تندی و خشونت، اشک و زاری،هیجان و ناراحتی برنامهٔ عادی چنین خانه‌هایی خواهد بود!

بعضی پدران بخاطر عقدهٔ خودکم‌بینی، خشن و تندخو هستند. برای‌ابراز قدرت در خانه، با اهل منزل بدرفتاری می‌کنند، فریاد می‌کشند،دشنام می‌دهند. گاهی بچه‌هارا کتک می‌زنند! و گاهی در محیط منزل‌ایجاد رعب و هراس می‌کنند! لغزش یا اشتباه کوچک را بزرگ تلقی کرده‌و چشم‌پوشی نمی‌کنند. مثلاً پدر اگر بخواهد بخوابد، انتظار دارد که همهٔ‌اهل خانه ساکت باشند و اگر صدایی بلند شود، طوفان بپا می‌کند! ولی‌اگر دیگران خواب باشند، استراحت دیگران برایش ارزشی ندارد!کودکان این خانه‌ها بر اثر سختگیری بی مورد والدین، خشمگین وعصبی بار می‌آیند و همواره در خود احساس حقارت نموده و این حس‌بصورت عقده در آنها باقی می‌ماند!

البته تا کوچک هستند نمی‌توانند در مقابل رفتار خشن پدر نیرومندخود عکس‌العملی نشان دهند، امّا زمانی که پا به سن جوانی می‌گذارند،برای اینکه در خانه بخاطر عقدهٔ حقارت خود، ابراز وجود کنند، کانون‌خانواده را به محل مشاجره و ناسازگاری تبدیل کرده و کار به آنجامی‌کشد که فرزند در مقابل پدر می‌ایستد! راه حل این معضل به دوطرف برمی‌گردد. دو طرف باید خودسری و لجاج را ترک کنند و ازتمایلات نادرست خویش چشم بپوشند تا بتوانند با همکاری یکدیگرمشکلات را حل کنند.

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را انجام داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان مجرم‌از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند. یعنی هم از حیث عاطفی مورد بی مهری قرار گرفته بودند و هم احساس ناامنی و حقارت داشتند!

عکس العمل والدین در برخورد با خلاف فرزندشان!

چنانچه فرزند عمل خلافی را انجام داد چگونه باید با آن برخوردنمود؟ مثلاً خانمی در تماس با مشاوری اظهار داشت که مدتی است،متوجه شده که پسر دبیرستانیش استمناء می‌کند! تکلیف این مادرچیست؟ در پاسخ باید گفت که مراحلی در برخورد با این خلافها وجوددارد که اگر رعایت شود شاید موفقیت آمیز باشد.یکی مسئله توجه به‌ازدواج جوانان است که در هنگام نیاز جنسی آنان ،باید بفکر راه وچاره‌بود ودیگری آشنا کردن آنهابا حرام وحلال اسلام واینکه این‌اعمال،چقدر زشت بوده وعواقب بد دنیوی واخروی دارد ودر غیر این‌دومورد نیز باید مراحل تشویق وتنبیه برای ترک این اعمال انجام شود.

«در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نبایددر یک بستر بخوابند.»

«کودکت را تا هفت سال آزاد بگذار سپس هفت سال مداوم با او کارتربیتی بکن.اگر به تربیت تن داد سعادتمند است والا در او خیری‌نیست!»

3-تأکید بر نماز خواندن نوجوان

«وامر اهلک بالصلوة واصطبر علیها»طه132

یعنی خانواده ات را امر به نماز نما وبر این مسئله مداومت کن.

مسئله نماز از مهمترین نشانه‌های تربیت صحیح است.درخانه‌ای که والدین نماز خوانده وتا کودک به سن بالا برسد مرتب اورا به‌خواندن نماز امر می‌نمایند،امید به هدایت وسعادت فرزند هزاران باربیشتر است تا خانه‌ای که اگر چه پدر ومادر خود اهل نمازند ولی‌فرزندان خود را رها کرده‌اند وباصطلاح آنان را آزاد گذاشته‌اند تا خودمسیر درست را انتخاب نمایند واین بزرگترین اشتباه سرپرست خانواده‌است که نوجوانی را که اصلا نمی‌تواند خیر وصلاح خود را تشحیص‌دهد واز طرفی نماز زحمتی برای اوست،آزاد بگذارند به این امید که‌روزی برسد که خود نوجوان به نماز گرایش پیدا کند!

خداوند در قرآن کریم به پدران دستور می‌دهد که خود وخانواده‌خود را از جهنم نجات دهید:

«یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا وقودها الناس‌والحجارة»تحریم 6

ای مؤمنین!خود وخانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

«رسولخدا(ص):در هفت سالگی فرزند را به خواندن نمازتمرین دهید ودر ده سالگی درصورت نماز نخواندن،برآنان‌سخت گرفته شود وحتی' آنان را با زدن هم شده به نماز وادارکنید.»

4-نظارت کامل بر معاشرت نوجوانش

«امام پنجم(ع):با کسی معاشرت کن که تورا می‌گریاند وخیرخواه‌توست!وبا کسیکه تورا می‌خنداند وفریب‌می‌دهد، معاشرت منما!»

«امام هفتم(ع):از مواضع تهمت وشک بپرهیزید وحتّی' در کوچه با مادرخود نایستید!زیرا همه نمی‌دانند که این زن مادر توست!»

«علی(ع):بدترین رفیق کسی است که معصیت خدا را در نظرتو،خوب‌جلوه دهد!»

«امام سجاد(ع):با چند رفیق رفیق نباش!1-دروغگو که مثل سرابست‌وبا دروغهای خود، تورا فریب می‌دهد ودور را برای تو نزدیک ونزدیک‌را برای تو،دور می‌کند.2-فاسق که تورا به یک وعده غذا بلکه‌کمتر،می‌فروشد!3-بخیل که تورا در هنگام سختی،رهامی‌کند.4-احمق که می‌خواهد بتو سود برساند ولی زیان می‌رساند.»

5-نظارت بر استفاده نوجوان از رسانه‌های صوتی وتصویری‌ورایانه‌واستفاده از موسیقی مبتذل وشرکت در پارتی‌های‌منحرف کننده

-«پیامبر اسلام(ص):غنا(موسیقی حرام) پلّه کان زنا است.»

-«امام صادق(ع):خبیث ترین مخلوق خدا،غنا(موسیقی حرام)است.وبدترین مخلوق خدا غنا است که باعث فقر ونفاق می شود.»

-«امام صادق(ع):خانه‌ای که در آن غنا(موسیقی حرام) باشد،از فاجعه ایمن نمی‌باشد ودعا در این خانه مستجاب نمی‌شود وملائکه به این خانه وارد نمی گردند.»

-«امام خمینی:از جمله چیزهائی که مغز جوانهارا تخدیر می کند،موسیقی است...انسان را از جدیت بیرون می‌برد.یک جوانی که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد،از مسائل جدی به کلی غافل می‌شود.»

ضعف اعصاب واختلال حواس وبی ارادگی از عوارض موسیقی

«دکتر ولف آدلر،پروفسور دانشگاه کلمبیا می گوید:بهترین ودلکش ترین نو اهای موسیقی،شوم ترین آثار را روی سلسلهٔ اعصاب انسان باقی می گذارد.»

«دکتر آلکسیس:اصولاً شنیدن موسیقی وکنسرت،در اعصاب اثرتخدیری ایجاد می کند.این اثر گاهی آنچنان شدید است که شنونده رامانند افراد بهت زده می‌سازد ولذت فوق العاده‌ای که افراد از آن می‌برنداز همین اثر تخدیری است وروشن است که اینگونه تخدیرها زیانهای‌فراوانی دارد واگر شدت یابد گاهی ممکن است عقل واندیشه را اسیرجذبه آهنگهای تند موسیقی کند ودیگر نتواند خوب وبد را از هم‌تشخیص دهد وبی پروا دست به حرکات واعمال ناشایست بزند ودرآن حال نتواند به عواقب وخیم آن بیاندیشد.»

گاهی موسیقی باعث جنایت می‌شود.

عاشوراء وفرهنگ عمومی

در محرم 61 حماسه ای در روز عاشورا ودر سرزمین کربلا اتفاق افتاد که کم کم تبدیل به فرهنگ شد.

این فرهنگ در طول تاریخ عمیق وگسترده شد و از سرزمین های اسلامی به مناطق دیگر دنیا اشاعه پیدا کردو ماندنی شد بطوری که هیچ فرهنگ وهیچ قدرتی نمی تواند آن را از بین ببرد.

علت ماندگاری فرهنگ حسینی را در چند عامل می توانیم بیان کنیم:

1-یکی در زنده ماندن اسلام **بخاطر قیام حسینی است.امام حسین ده سال امامت کرد.اما بیش از نه سال آن را در قعود وسکوت گذراند.زیرا بر معاهده امام حسن ع متعهد ماند.از طرفی معاویه سیاست داشت وظاهر را حفظ می کرد.و علنا با اسلام مخالفت نمی کرد.ولی با روی کار آمدن یزید پلید ،امام متوجه خطری که اساس اسلام را تهدید می کرد شد وفرمود** اذا بلیت الاسلام براع مثل یزید فعلی الاسلام السلام.

و در جای دیگر فرمود ان کان دین محمد لم یستقم الابقتلی فیاسیوف خذینی.

پس حضرت با جان ومال وفرزندان وخانواده واصحاب قیام کرد وخود وهمه را فدا کرد تا دین زنده بماند.

اگر حضرت قیام نمی کرد الان از اسلام خبری نبود.اگر اسلام نبود انقلاب اسلامی ایران هم نبود و**معلوم نبود ملت ایران الان در چه وضعی بودند.**

2-اما دلیل دیگر **ماندگاری فرهنگ حسینی این است که در این حماسه همه چیز در اوج خود بود.**

شهادت طلبی-عدم هراس از مرگ -مسابقه در شهید شدن-زیربار ظلم نرفتن-شجاعت فوق العاده-ایمان بسیار بالا که بعضی از اصحاب استاد کامل قرآن ودر عین حال مبارز در سطح بالایی بودند-دانش و معرفت بالا که نمونه آن حبیب بن مظاهر بوده که علوم غیبی می دانست -اخلاص فوق العاده -ارتباط عاشق ومعشوقی بین امام ویارانش-شکست دادن مرگ -بهشت را قبل از مرگ دیدن -حماسه های بینظیر و...می باشد.

سر پرسی سایکس(خاور شناس انگلیسی) :حقیقتا آن شجاعت و دلاوری که این عده‌قلیل از خود بروز دادند،به درجه‌ای بوده است که در تمام این قرون متمادی هرکسی که آن را شنید، بی اختیار زبان به تحسین و آفرین گشود.این یک مشت مردم‌دلیر غیرتمند،مانند مدافعان ترموپیل،نامی بلند غیر قابل زوال برای خود تا ابدباقی گذاشتند

جرج جرداق(دانشمند و ادیب مسیحی) :وقتی یزید،مردم را تشویق به قتل حسین ومامور به خونریزی می‌کرد،آنها می‌گفتند:«چه مبلغ می‌دهی؟»اما انصار حسین به‌او گفتند:ما با تو هستیم.اگر هفتاد بار کشته شویم،باز می‌خواهیم در رکابت جنگ‌کنیم و کشته شویم.

سعدبن عبداللّه به امام عرض کرد:بخداقسم!ما دست ازیاری

تو بر نمی داریم تا در پیشگاه خدا ثابت کنیم که حقّ پیامبر رادر بارۀ تو مراعات نمودیم!بخداقسم!اگر بدانم که هفتاد بارکشته می شوم وبدنم را آتش زده وخاکسترم را زنده می‌نمایند،باز هم هرگز دست از یاری تو برنمی دارم وپس از هربار زنده شدن،به یاریت می شتابم.درصورتی که می دانم،مرگ‌بیش از یکبار نیست وپس از آن نعمتهای بی پایان خداونداست.

زهیر بن قین **چنین گفت:یابن رسول اللّه!بخداقسم!دوست دارم‌که در راه حمایتت ،هزاربار کشته باز زنده ودوباره کشته بشوم‌وباز آرزو دارم که با کشته شدن من،شما یا یکی از این جوانان‌بنی هاشم،از مرگ نجات می یافتید!**

،قاسم بن حسن **عرضکرد:منهم جزء شهداء هستم؟امام بر او رقّت کرد وفرمود:پسرجانم!مرگ در نظر تو چگونه است؟گفت:از عسل شیرینتر!**

امام فرمود:آری!بخداقسم!عمویت به قربانت!توهم یکی از آن‌مردانی هستی که پس از آنکه سخت گرفتارشوی،به شهادت‌می رسی.«
در روز عاشوراپسر ابودجانه **انصاری که پدرش بشهادت رسیده بود،خدمت‌امام آمد واجازه نبرد خواست!حضرت فرمود:شاید مادرت‌راضی نباشد؟نوجوان عرضکرد:پدر ومادرم فدایت باد!**
مادرم بمن دستور داده است،که به مبارزه با دشمنان شما بروم!
امام اجازه فرمود واو بمیدان رفت واین رجز را می خواند:
امیری حسین ونعم الامیر سرور فؤاد البشیر النذیر
علیّ وفاطمۀ والداه فهل تعلمون له من نظیر؟
له طلعۀٌ مثل شمس الضحی' له غرۀٌ مثل بدر منیر

عابس ابن ابی شبیب **که محدث بود وبه شیعیان حدیث می آموخت در موقع رفتن به میدان گفت ای اباعبدالله.در روی زمین هیچ کسی از شما در دل من محبوبتر نیست.من بر دین شما وپدران شماهستم.**

او آنقدر شجاع بود که وقتی مقابل دشمن قرار گرفت یکنفر از لشکر دشمن به بقیه گفت مواظب این مرد باشید که شیر شیران است وهرکه به مبارزه او برود زنده بر نمی گردد لذا هرچه عابس مبارز طلبید کسی جرات نکرد .عمرسعد دستور داد اورا سنگباران کردند.عابس وقتی چنین دید زره وکلاهخود را درآورد

وقت آن آمد که من عریان شوم جسم بگذارم سراسر جان شوم
آزمودم مرگ من در زندگیست. چون رهم زین زندگی پایندگیست.
او مقداری جنگ کرد تا اینکه اورا شهید نمودند.

در این حماسه فقط مردان نبودند که حماسه ساز بودند بلکه نوجوانان وزنان هم سهم مهمی ایفا نمودند.مخصوصا جناب زینب س که استقامت وشجاعت و صبر او مثال زدنی است و با این همه مصیبتها ،در مقابل دشمن با اقتدار می فرماید مارایت الا جمیلا.

زیرا فداکاری در راه خدا،جنگ در راه خدا،تشنگی در راه خدا،جراحت در راه خدا،شهادت در راه خدا وتحمل مصیبتها در راه خدا زیبائی است

امام امت در شهادت سید مصطفی فرمود از الطاف خفیه است.استادش میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در رحلت نوجوانش

در روز غدیر فرمود علی ع بما عیدی داده است.

و فداکاری مردان و زنان و نوجوانان همه الگوی ماندنی شد.ودر حقیقت دانشگاهی **تشکیل شد که همه آزادگان عالم وتاریخ می توانند در آن درس های مختلفی از مکارم اخلاق و ایمان ومبارزه با ظلم فرابگیرند.**

3-سومین عامل ماندگاری **فرهنگ حسینی این است که مصیبت حضرت وخانواده وفرزندانش بزرگترین مصیبت در تاریخ بشریت است.**

باتوجّه باینکه حوادث فاجعه باری، بارها وبارها برای مسلمین‌وشیعیان پیش آمده است که درظاهربعضی از آنها از حادثه‌کربلا،مصیبت بارتر بوده است،سؤال اینست که چرامصیبت‌سالارشهیدان رابه این عنوان ذکرکرده اند؟

شاید جواب سؤال این باشد که اگر ما در ماهیت وکیفیت این‌حادثه دقّت کنیم ،جواب سؤال را پیدا نمائیم.

خصوصیات حادثۀ کربلا وقتی همه در کنار هم جمع می‌شوند،واقعاً در نوع خود از جهت‌مظلومیت ومصیبت باربودن،بی نظیر است.

ما می توانیم چند تا از این خصوصیات را ذکر کنیم:

1-در کربلاحجّت خداوپسر پیامبر(ص)را شهید کردند.2-شهادت او بدست کسانی بود که اورا دعوت نمودند تا اورایاری نمایند! 3-پسران وبرادران ودیگر اقوام ویارانش را قبل‌از او بشهادت رساندند!4-کسانی اورا شهید کردند که در ظاهرمسلمان بودند ونماز می خواندند وخودرا پیرو جدّ حسین(ع)می دانستند!5-مردمی اورا شهید کردند که کاملاً اورا می‌شناختند واز مقام ومنزلت او آگاهی داشتند!6-با اینکه درکنار آب فرات بود ولی اورا تشنه شهید نمودندوآب رابرکودکان واهل حرمش،بستند!7-بعد از کشتنش،اموال اوراحتّی' وسایل شخصی او از قبیل انگشتر ونعلین وعمامه اش راغارت نمودند!8-خیمه هارا آتش زدند واهل بیتش را ترساندوآزار رساندند!9-اهل بیت اورا که منسوب به پیامبرشان‌بود،به اسیری بردند!10-سرمقدّسش را بر بالای نیزه درشهرها گرداندند!11-بربدن نازنینش،اسب راندند!12-سه‌روز بدنش بر روی خاک افتاده بود وکسی نبود تا اورا دفن کندتاعاقبت اهل روستاها آمدند واورا دفن نمودند!13-کسی‌دستور کشتن اورا داد(یزید)که جدّ وپدرش آزادکردۀ جدّحسین(ع)بودند!14-اورا بدون جرم وگناهی کشتند! 15-کسانی اورا تشنه شهید کردند که گروهی از آنهاچند روز قبل‌بوسیلۀ همین حسین(ع)از تشنگی

نجات یافتند!(لشگر حرّ)16-بخاطر تبلیغات سوء،مردم شام شهادت اورا جشن گرفتند17-همهٔ موجودات حتّی' ماهیان دریا ودرختان برای او اشک‌ریختند18-تا سه روز هر سنگی که بر می داشتند زیر آن خون جاری بود.19-آسمان تا چهل روز در عزای او گریست.20-سر بریده او در چندجا تکلم نمود.21-خون او وخون علی اصغر وخون علی اکبر که به آسمان پخش شد برنگشت 22-بدترین فرد {شمر}بر روی سینه بهترین فرد {امام حسین ع}نشسته بود و...

رهبر هندوها وعزاداری حسینی

در هندوستان در هنگام عبور دسته ای عزادار حسینی ناگاه بنز رهبر هندوها متوقف شد واو پیاده شده ودر صف عزاداران قرار گرفت وشروع به سینه زدن کرد.بعد که علت را از او پرسیدند گفت من عاشق حسینم زیرا او شخصیتی است که حاضر شد زیر بار سم اسب برود ولی زیر بار ظلم وستم نرود.

رسیدن به مقام توحید فقط از طریق حسین ع

مرحوم سید علی قاضی عارف کامل:

محال است انسان بجز از راه سیدالشهدا به مقام توحید برسد. شریان فیوضات و خیرات از مسیر حضرت سیدالشهد است.پیشکار این فضیلت هم حضرت قمربنی هاشم ابوالفضل العباس است.

4-چهارمین عامل ماندگاری **فرهنگ حسینی توصیه وسفارش های پیامبر وائمه در زنده نگه داشتن نهضت امام حسین است.**

گریه بر حسین (ع)،زیارت حرم حسین (ع)،زیارت عاشورای حسین (ع)،برگزاری وشرکت در مجلس عزای حسین (ع)،سینه وزنجیززدن برای حسین (ع)،برپایی سفره ابوالفضل حسین (ع)،زیارت حرم زینب حسین (ع)،همه اینها مورد تقدیر اهل بیت است.

لذا همه ساله هزاران مجلس حسینی،صدها کتاب،دهها همایش و دهها سایت درباره این حماسه تشکیل می گردد.

فرهنگ اسلامی

خیلی ها خیال می کنند فرهنگ یعنی آداب ورسوم وموسیقی وشعر وادبیات وتئاتر وسینما وامثال آن.

در حالی که علاوه بر اینها که اگر درست بکار رود فرهنگ غنی می گردد باید توجه داشت که فرهنگی که بر اثر نهضت امام حسین پدید آمده ودر غالب شعر ونثر وبروز احساسات وجلسات روضه خوانی و تشکیل دست های عزادای وامثال آن بروز کرده

از غنی ترین فرهنگ ها است.فرهنگی که نه تنها متدینین بلکه کسانی که هیچ عمل عبادی انجام نمی دهند نیز خودرا از وابستگان این فرهنگ نشان می دهند.بقول ظریفی که می گفت:

مریدهای امام حسین از مریدهای خدا بیشترند.

عطار نیشابوری که هفت شهر عشق را طی کرده خودرا سگ در خانه امام حسین می داند:

نه فلک را پیش او مخدوم بود زانکه او سلطان نه معصوم بود

ای کاشکی من سگ هندوی او کمترین سگ بودمی در کوی او

فرهنگ حسینی فرهنگی است که می تواند با برنامه ریزی روی آن جلو تهاجم فرهنگی را بگیرد.

وقتی در عاشورا عده ای از جوانان در کانادا دسته عزاداری راه می اندازند سپس در صف گرفتن برنج وخورشت نذری می ایستند آنوقت دشمن احساس خطر می کند ومی بیند اسلام شیعه چقدر گسترش یافته است.

اینجا وزارت فرهنگ است

یکبار که در روز تاسوعا یا عاشورا مأمورین رضاخان به‌مسجد جامع آمدند که که مانع برگزاری مراسم عزاداری شوند ومی‌گفتند باید از وزارت فرهنگ اجازه بگیرید. در این حال آیت الله شاه آبادی، خطاب به آقای سید علی اصغر آل‌احمد که صدای خیلی خوبی هم داشت، فرمودند که ((زیارت عاشورارا بخوان!

مرحوم آل احمد هم شروع به خواندن زیارت عاشورا کرد و در اثر آن‌صدای گریه و ضجه عزاداری مردم در تمام بازار بلند شد. بعد هم آیت‌الله شاه آبادی خطاب به مأمورین رضا خان گفتند به آن مرد قلدرچاروادار بگو که مانع عزاداری مردم نشود و به وزیر فرهنگ هم بگویدکه در وزارت فرهنگش را ببندد. اینجا وزارت فرهنگ ماست.))

انقلاب اسلامی

3-اشاعه فرهنگ حسینی تاثیرات شگرفی در روح جامعه گذاشت وروح حریت وآزادگی را تقویت کرد.روح مبارزه با ظالمین را تربیت نمود.روح امربمعروف ونهی از منکر را بحرکت درآورد.وپایه گذار پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شد.

امام امت یکی از مسائلی که مرتب در پیام ها وسخنرانی ها بیان می فرمود حماسه حسینی بود.امام راحل، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را را گوشه ای از کربلا وعاشورا می دانستند که هرکسی در این انقلاب مجاهدت می کرد گویی در پیشگاه امام حسین ودر کنار آن حضرت شمشیر می زد.وهرکه در راه انقلاب یا در جبهه کشته می شد گویا در رکاب سالارشهیدان بشهادت رسیده است.

امام اجر و پاداش‌شهیدان را مطرح کرد،و مردمی که سالها این آرزو را که در زمره‌یاران امام حسین باشند در سر می پروراندند و هر صبح و شام تکرارمیکردند یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما بناگاه خود را درصحنه‌ای مشاهده کردند آنچنانکه گویی حسین ع را بعینه می دیدند. مردم ما صحنه‌های کربلا،حنین،بدر،احد،تبوک،خیبر،و...رادر جلوی خویش میدیدند و همین باعث‌شد که به پا خیزند و ازسرچشمه عشق به خدا،وضو بسازند و یک سره بانک تکبیر بر هر چه‌ظلم و ستمگری است‌بزنند

دفاع مقدس

در دوران دفاع مقدس این فرهنگ حسینی بود که جنگ نظامی دوکشور را تبدیل به جنگ حق علیه باطل کرد.وبسیج مدرسه عشق شد که آموزگار آن امام حسین ع بود.

بسیجیان خود را از یاران باقی مانده امام حسین ع می دیدند که در راه امامت وولایت با دشمن بعثی که از تبار بنی امیه بود ،می جگیدند.

وصیتنامه شهداء دفاع مقدس عمق تاثیر گزاری فرهنگ ومکتب حسینی را بر روح وروان واهداف آنها نشان می دهد.

(ÚCpèN :qC êp²Û êlè× lièz Ð¥e×)

(´)Ýìwd æoDJ æoDJ êDçÉo kDë éF Þ kßzí× ÈzC qCpJ ÙÛDØ¡Z ,ÖoÞAí× kDë éF Co ÔFpÆ é·@ÂCÞ é@Æ ¸@Âß@× p@ç ,D@ëCl@h]
éF ;lçkí× ÚDV ,lÜìFí× Co yolJpv íOÂÞ éÆ ÖkDO¾Cí× éìÂo kDë éF ;lÛqí× évßF ÚA pF(´)ÝëlFD·ÎCÝëq éÆ ÖkD@O@¾Cí@×
íÛCpGço ÝìÜZ D×,DëClh .ÖkDO¾Cí× Ýìwd pGÆC íÏµ kDë éF Þ ;kßzíØÛ éOhDÜz ÞC qCêrìZ éÆ ÖkDO¾Cí× Ýìwd Úl@F kD@ë
,ÙìÜìwd êÔFpÆ ÄzDµ Ý× ,DëClh ?ÙìzDGÛ ÄzDµ kßzí× oß®Z Þ ÙìÜÆyß×Cp¾ Co ÚD¡ëC æCo éÆ kßzí× oß®Z ;ÙìOzCk
ÖoCkí× POvÞk ,DëClh .ÙOhDÜz Þ ÙO¾Dë Co ßN ÖkpÆHÏ¬ Co ßN ,DëClh !ÝÆ ÙÇØÆ ;ÙvpF MkDèz éF ÔFpÆ æCo ok ÙçCßhí@×
[.ÚCßiF kßh êßv éF Cp× Þ ÝÆ D¾Þ Mlèµ éF xJ .ÖqoÞí×Ä¡µ ßN éF Þ

ببینید این نوجوان ایرانی چگونه از عشق به حسین به عشق به خدا می رسد واز نور حسین نور خدا را طلب می نماید.ازین وصیتنامه بیاد قاسم شهید می رسیم که او هم عاشق حسین است.

yÞp¾í× pìJ krÛ l×A ÙvDÂ @@@@@ yÞphÞ yßV l¤ éF CoßzDµ qÞo
.ælF ÙFA ßØµ ÙFA éÜ¡N @@@@@ ælF ÙFDÛí× qC í×DV P¿Ê
.yßÜF Ý× pF Ùç ækDF ÚA q êCéµpV @@@@@ !yßÛ éµpV CoíÏF CßÎDÂí× êC
.!ßØµ êC ÙOw× Ä¡µ ÖDVq ÝÆ @@@@@ !ßØµ êC ÙOwÎC ÖDV HÎD¬
.íçk ÙÛDV ÚkCk oDiO¾C @@@@@ íçk ÙÛClì× ÚmC DN Öl×A
.íÜÆ ÙzßJ Ý¿Æ ÚlìËÜV pèF @@@@@ íÜÆ Ùzß×Dh éÎDÛ rÆ Öl×A
.oD²OÛC MkDèz pèF Ù¡Æí× @@@@@ oDÊqÞo olÛC ÖCéÎDv ækrìv
.Cp× ÝÆ kßh p»¤C Ép× ¢ìJ @@@@@ Cp× ÝÆ kßh pGÆC oCßWØç
.kßF íëDzDØN Ý× kpGÛ ÚßZ @@@@@ kßF íëClìz ÖDËÜç !ßØµ êC
.Cp× ÝÆ Clìz Þ ßÊ pF DGdp× @@@@@ Cp× ÝÆ DzDØN æk ÙËÜV ÚmC

ما باید این فرهنگ را در ایران گسترش دهیم که از مؤثرترین شیوه ها و راهها برای مقابله با تهاجم فرهنگی است.
دشمنان عشق های کاذب را ترویج می کنند.عشق به فلان هنرپیشه یا فلان ورزشکار وافرادی که نمی توانند الگوی خوبی باشند.در حالی که ما بهترین الگوها را داریم.چهره نورانی حسین وقمربنی هاشم با آن فضایل بزرگی که داشتند با آن ایثار وشجاعت وقهرمانی و.. بهترین هارا ما داریم.
مرحوم فلسفی نقل می کرد که قبل از انقلاب در زاهدان تبعید بودم.متوجه شدم که جوانهای سنی مشکلات اخلاقی زیادی دارند.روزی تعدادی از علمای آنها را به خانه ام دعوت کردم ودر ابتدا من شروع به صحبت کردم وگفتم چرا نهی از منکر نمی کنید؟چرا برای آنها سخنرانی نمی نمائید؟چرا بی تفاوتید؟
بعد از صحبتهای من،یکی از آنها گفت:جناب آقای فلسفی!علت آناست که ما حسین نداریم.شما که حسین را دارید یک یاحسین می گوئید وعده ای بدور شما جمع می شوند.اما ما از این امر محروم هستیم!
آنطون بارا(مسیحی) :اگر حسین از آن ما بود،در هر سرزمینی برای او بیرقی برمی‌افراشتیم و در هر روستایی برای او منبری بر پا می‌نمودیم و مردم را با نام‌حسین به مسیحیت فرا می‌خواندیم

***

باسمه تعالی

خانواده در اسلام

خانواده در اسلام جایگاه بلندی داشته ونهادی مقدس به شمار می رود.
وَاللهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُم‌مِّنَ الطَّيِّبَاتِ {نحل 71}
وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِنْ أَنفُسِكُمْ‌أَزْوَاجاً لِّتَسْكُنُوا ءإِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ءإِنَّ فِى ذ'لِكَ لاَءَايَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ {روم 21}
لذا ازدواج را زیباترین ومبارک ترین بنا درنزد خدا

قال رسول الله(ص): ما بنی فی الإسلام بناء أحب إلی الله عز وجل من التزویج { الهدایة، الشیخ الصدوق، ص **257**}

وطلاق را مبغوض ترین حلال الهی گفته اند.

قال رسول الله(ص): تزوجوا و لا تطلقوا فان الطلاق یهز العرش { مسند زید بن علی، زید بن علی، ص **505**}

در روایت است که از سفره عروسی،بوی بهشت بلند است وازدواج سنت پیامبر بوده که هرکه از آن اعراض کند از امت پیامبر حساب نمی شود.
در عصر ما بخاطر علل مختلف ،آمار طلاق دربین خانواده ها زیاد شده واز مهمترین علل این آسیب ،آشنا نبودن زن وشوهر با وظایف خود می باشد.
دین اسلام بعنوان دین سعادت بخش وظایف زن ومرد را به خوبی مشخص کرده که در قرآن وصدها حدیث اهل بیت ع تبیین شده است که ما به

گوشه ای از این وظایف اشاره می نمائیم.

وظایف شوهر :

«الرجال قوامون علی النساء بما فضلّ الله بعضهم علی بعض‌وبما انفقوا من اموالهم

{نساء34}

شوهر با داشتن بار مسئولیت سرپرستی خانواده،در عین حال شریک‌ویاور همسرش نیز می‌باشد.لذا باید برای تداوم واستحکام خانواده‌خود به مسئولیتهای زیر عمل کند.

1-تهیه نیازهای روزانهٔ غذائی وپوشاکی ومسکن همسر {بعضی از مردها زنشان را رها می کنند وبعضی تو خانه نشسته وزن را دنبال تامین نفقه می فرستد!}

2-خوش اخلاقی با همسر. { سعدبن معاذ،ازفرماندهان سپاه اسلام ،بشهادت‌رسید.رسول‌خدا(ص)تشییع با شکوهی از او بعمل آوردوخود شخصااورا دفن نمود.

بعد از دفن،مادر سعد خطاب به قبر گفت:ای سعد!بهشت بر تو گوارا

باد!رسول خدا(ص)فرمود:این را نگو!گفت:چرا؟فرمود:او الان فشار قبر

سختی دید!سؤال کردند:برای چه؟فرمود:او با خانواده خودبد اخلاقی

می کرده است!}

«پیامبر(ص):بهترین مردان امت من کسانی هستند که به اهل خانه خودستم نمی‌کنند وبرآنهارحم آورند وبه آنها ظلم ننمایند»

{«عاشروهنّ بالمعروف»«نساء19»یعنی با خوبی بازنان معاشرت‌کنید}

چونکه پیوند شد،به نازش داربرسرخانه سرفرازش دار

تودرآیی زدر سلامش کن‌اودرآید،تواحترامش کن

هرزمانش به دلنوازی کوش‌وقت خلوت به لطف وبازی کوش

صاحب رخت وچیز دار اوراپیش مردم عزیز دار اورا

از سخنهای خوب وگفتن خوش‌به نماز وبه طاعتش درکش«اوحدی مراغه‌ای

3-اشتباهات همسر را نادیده بگیرد.

«اسحاق بن عمّار از امام ششم(ع)پرسید:حقّ زن بر شوهر چیست؟

امام فرمود:مرد باید شکم همسرش را سیر کند.بدنش راپوشاند.اگرنادانی کرد از او بگذرد.ابراهیم خلیل از تند خوئی ساره به‌خداوند شکایت کرد!خدا به او وحی کرد:زن همانند استخوان دنده‌است!اگر بخواهی راستش بکنی،می‌شکند واگر با او همچنان مداراکنی،از او بهره‌مند می‌شوی!»

4-شبها وی را رها نکند

عثمان بن مظعون یکی از اکابر صحابه رسول اکرم است،خواست‌به تقلید ازراهبان،به اصطلاح تارک دنیا شود،ترک زن و زندگی کرد و لذتها را بر خویش تحریم‌ساخت.

همسرش نزد رسول خدا آمده عرض کرد یا رسول الله!عثمان روزها را روزه‌می‌گیرد و شبها به نماز برمی‌خیزد.پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خشمگین شده برخاست‌به نزدوی آمد.عثمان مشغول نماز بود.صبر کرد تا نمازش تمام شد،فرمود:ای عثمان!خدامرا به رهبانیت دستور نفرموده است.دین من روشی منطبق بر واقعیت و در عین حال‌ساده و آسان است:«لم یرسلنی الله تعالی بالرهبانیۀ و لکن بعثنی بالحنیفیۀ السهلۀ السمحۀ» () **یعنی خداوند مرا برای رهبانیت و ریاضت نفرستاده است،مرا برای شریعتی فطری وآسان و با گذشت فرستاده است.من نماز می‌خوانم و روزه می‌گیرم و با همسرانم نیزمباشرت دارم.هر کس که دین مطابق با فطرت مرا دوست می‌دارد باید از من پیروی‌کند.ازدواج یکی از سنتهای من است**

عده‌ای از اصحاب رسول اکرم به خاطر اینکه بهتر و بیشتر عبادت کنند و از لذات‌روحانی بهره‌مند شوند ترک زن و فرزند کردند،روزها روزه می‌گرفتند و شبها عبادت‌می‌کردند. همینکه رسول خدا آگاه شد آنها را منع کرد و گفت من که پیشوای شما هستم‌چنین نیستم;بعضی روزها روزه می‌گیرم،بعضی روزها افطار می‌کنم;قسمتی از شب‌را عبادت می‌کنم و قسمتی دیگر نزد زنهای خود هستم.همین عده از رسول خدا اجازه‌خواستند که برای اینکه ریشه تحریکات جنسی را از وجود خود بکنند خود را اخته‌کنند.رسول اکرم اجازه نداد،فرمود در اسلام این کارها حرام است.

روزی سه زن به حضور رسول اکرم آمده از شوهران خود شکایت کردند.یکی‌گفت‌شوهر من گوشت نمی‌خورد.دیگری گفت‌شوهر من از بوی خوش اجتناب‌می‌کند.سومی گفت‌شوهر من از زنان دوری می‌کند.رسول خدا بی‌درنگ در حالی که‌به علامت‌خشم

ردایش را به زمین می کشید از خانه به مسجد رفت و بر منبر آمد وفریاد کرد:چه می‌شود گروهی از یاران مرا که ترک گوشت و بوی خوش و زن کرده‌اند؟!همانا من خودم،هم گوشت می‌خورم و هم بوی خوش استعمال می‌کنم و هم‌از زنان بهره می‌گیرم.هر کس از روش من اعراض کند از من نیست

5-براخلاق بد زنش صبر کند.

6-به همسرش ظلم نکند.

7-به فامیل زنش اهانت نکند.

8—*استفاده از درآمد حلال برای خورد وخوراک خانواده*

لقمه حلال در تربیت سالم انسان نقش مهمی دارد همانگونه که لقمه‌های حرام در انحراف انسانها آثار مهمی دارد.

«در حدیث قدسی است که ایمان ده جزء دارد وهفت جزئش کسب‌درآمد حلال است»

«در حدیث قدسی است که کسیکه اهمیت نمی‌دهد از چه جایی درآمدکسب کند،منهم اهمیت نمی‌دهم که او را از چه دری وارد جهنم‌نمایم!»

9-خانواده را درمسیر صحیح زندگی قرار دهد

«یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا وقودها الناس‌والحجارة»تحریم 6

ای مؤمنین!خود وخانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

10-نظارت بر خانواده اش داشته باشد.

«علی(ع)خطاب به اهل بصره!آیا حیا ندارید؟آیا غیرت ندارید درحالیکه زنانتان به بازارها رفته وجوانان خوش قیافه مزاحم آنان می شوند؟»

11-نظافت وآراستگی را رعایت نمایند.

حسن بن جهم می‌گوید:بر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم،دیدم خضاب‌فرموده است.گفتم رنگ مشکی به کار برده‌اید؟فرمود:بلی،خضاب و آرایش در مردموجب افزایش پاکدامنی در همسر اوست.برخی از زنان به این جهت که شوهرانشان‌خود را نمی‌آرایند عفاف را از دست می‌دهند.

حدیث دیگری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که:«تنظفوا و لا تشبهوا بالیهود»یعنی‌نظیف باشید و خودتان را شبیه به یهود نکنید.بعد فرمود زنان یهودی که زناکار شدندبدان جهت‌بود که شوهرانشان کثیف بودند و مورد رغبت واقع نمی‌شدند.خودتان راپاکیزه کنید تا زنانتان به شما راغب گردند

12- مطیع *زنش نباشد*

«علی(ع):کسیکه از زنش اطاعت کند،خداوند اورا با صورت در آتش‌بیاندازد!گفته شد:در چه چیزی اطاعت کند؟ فرمود:زن از شوهرش‌اجازه می‌خواهد که به حمام- عمومی- وعروسی ومجالس عزا برودویا لباس نازک داشته باشد وشوهر به او اجازه می‌دهد!»

وظایف زنان نسبت به شوهران:

1-اطاعت از شوهر

با توجه به اینکه شوهر سرپرست خانواده است،زن باید مطیع اوباشد تا قوام زندگی حفظ شود.زن نافرمان باعث بهم ریختن زندگی می‌شود.ودر این خانه ها،فرزندان خوبی تربیت نمی شوند

پیامبر اسلام خطاب به یکی از زنان:

ای حولاء!هرزنی که نمازش را بخو اند وخانه دار باشد واز شویش‌اطاعت نماید،خدا گناهان گذشته وآیندهٔ اورا بیامرزد.

ای حولاء!زن نباید از شوهر کاری فوق طاقتش بخواهد ونباید شکایت‌اورا به بیگانه وخودی ببرد.

ای حولاء!قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد،هرزنی که بدون‌اجازهٔ شوهرش از خانه بیرون رودودرعروسی شرکت نماید،براو لعنت‌نازل شود وبرای هرقدمش،چهل معصیت نویسند...

ای حولاء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد،اگر زنی بدون‌اجازه شوهر خود درخارج از خانه نماز بخواند همان نماز را بر صورتش‌می زنند...

ای حولاء!هرزنی که غیر روزه رمضان بدون اجازه شوهر روزه بگیرد،ازگناهکاران است.

ای حولاء!اگر زنی بدون اذن شوهر صدقه بدهد،برای زن گناه وبرای‌شوهر ثواب می نویسند.

ای حولاء!خلیفه خدا بر زن،شوهرش (شوهر مؤمن)است.پس اگرشوهر از او راضی باشد،خداهم از او راضی است واگر ناراحت‌باشد،خداهم از او خشمگین می شود.

2-*تمکین*

«رسولخدا(ص):هرزنیکه شوهر اورا برای جماع صدا بزند واو تأخیرکند تا اینکه شوهر بخواب رود،پیوسته ملائکه اورا لعن کنند تا شوهربیدار شود!»

«عوامل نشوز زن که باعث می‌شود زن از حق نفقه محروم شود:

عدم تمکین از شوهر،ترک نظافت وآرایش خود،بیرون رفتن از خانه‌بدون اجازه شوهر»

3—*بر اخلاق بد شوهرش صبر نماید.*

«پیامبر(ص) فرمود:

«هر زنی که براخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند ثواب‌حضرت آسیه را به او بدهد.»

زن صبور وشکور

«اصمعی وزیر خلیفه عباسی در بیابان به خیمه‌ای رسید. زنی جوانو صاحب جمال درخیمه بود. اصمعی از او آب طلبید. زن گفت: شوهرم‌نیست و اجازه ندارم به شما آب بدهم. ولی اجازه شیر این بز بدست‌خودم است. زن از شیر به اصمعی داد. در این موقع سیاهی از دورپیداشد. زن گفت: شوهرم است که از صحرا برمی‌گردد. وقتی شتر سواررسید، زن باستقبال او رفت و بر او سلام کرد، پاهای او را شست و...ولی‌هر چه زن محبّت می‌کرد، مرد که قیافه زشتی داشت و یک پایش لنگ‌بود، با بداخلاقی به او جواب می‌داد. تا اینکه مرد وارد خیمه شد و نگاه‌غضبناکی به اصمعی نمود و به آخر خیمه رفت. اصمعی به زن گفت:حیف نیست شما با این امتیازات، با همچو مردی زندگی می‌کنی؟ زن‌گفت: من از شما که وزیر خلیفه هستی تعجب می‌کنم که می‌خواهی بین‌من و شوهرم جدائی بیافکنی! اگر من با این مرد زندگی می‌کنم برای این‌است که می‌خواهم به روایت پیامبر(ص)عمل کرده باشم که‌فرمود:ایمان دو نیمه است. نیمه‌ای شُکر و یک نیمه‌اش صبراست. من خدا را بر نعمتهایش شکر گفته و بر سختی‌های زندگی صبرمی‌نمایم. و امید به پاداشهای آخرت دارم.»

4- *با اخلاق خوب با شوهرش روبرو شود.*

«مردی خدمت پیامبر(ص) آمد و گفت: ای رسول خدا! همسری‌دارم که چون به خانه می‌روم به پیشبازم می‌آید و هنگام خارج شدن،بدرقه‌ام می‌کند. اگر مرا ناراحت ببیند می‌گوید: ناراحت نباش! که اگر غم‌روزی را می‌خوری، خدا روزی رسان است. و اگر غم آخرت داری، خداغمهایت را زیاد کند!

«پیامبر(ص) فرمود:«به او بشارت بهشت بده! و به او بگو که تویکی از عاملان خدایی که در هر روز، پاداش هفتاد شهید برای‌تو خواهد بود.»

امّ سلمه از پیامبر دربارهٔ ثواب خدمتِ زن به‌شوهرش پرسید. حضرت‌فرمود:«وقتی زن درخانه کار می‌کند و مثلاً وسیله‌ای را از جایی‌برمی‌دارد و در جای دیگر می‌گذارد، در این حال خداوند به اونظر می‌کند. و هرکه خدا به او نظر کند، او را عذاب نمی‌کند.»

و فرمود:

«در نزد خداوند، نشستن زن در کنار شوهرش، از اعتکاف درمسجد من بالاتر است.»

««حسین بن علاء می‌گوید: درخدمت امام صادق(ع) بودم که مردی آمدو از زنش شکایت کرد. امام فرمود: برو و زنت را بیاور! آن مرد رفت و باهمسرش برگشت. امام به آن زن فرمود: شوهرت چه می‌گوید؟ زن گفت:خدا چنین و چنانش بکند! امام فرمود: اگر بر این حال بمانی و اخلاقت‌را با شویت درست نکنی، سه روز بیشتر زنده نمانی! زن گفت:می‌خواهم هرگز صورتش را نبینم! امام به آن مرد فرمود: دست زنت رابگیر و برو که بیشتر از سه روز زنده نمی‌ماند!
آن دو رفتند، بعد از سه روز آن زن از دنیا رفت»

5-*در زندگی اهل قناعت بوده وولخرجی واسراف ننماید*

همسر باید قناعت داشته باشد وخرج اضافه بر درآمدشوهر نتراشد وبدنبال چشم وهم چشمی نباشد والاّ زندگی از مسیرسالم خود دور می‌شود.

«علی(ع)فرمود:فاطمه(س) با اینکه محبوبترین افراد نزد پیغمبر بود،امّاآنقدر با مشک آب کشید که اثر مشک در بدنش پیدا شد وآنقدر خانه راجاروب کرد که لباسهایش غبار آلود بود وآنقدر زیر دیگ آتش افروخت‌که لباسهایش عوض شد(کهنه شد).»

«روزی پیغمبر(ص) پیش فاطمه(س) رفت ودید که بچه را شیر می دهدوبا دستش آسیاب را می چرخاندولباس تن او از جل شتر است.پیغمبرفرمود:ای دختر گرامی!امروز تلخیهای دنیا را برای شیرینیهای آخرت‌بچش!فاطمهٔ فرمود:من خدارا بخاطر نعمتهایش حمد می کنم‌وبرکرامتهایش شکر می گذارم.دراین موقع آیهٔ

«ولسوف یعطیک ربّک فترضی'»ضحی5

«بزودی خدا آنقدر بتو بدهد تا راضی شوی.»

نازل شد.»

6-در امورات شوهر دخالت نکند.

بعضی از خانمها خیال می کنند که شوهر دربست دراختیار آنان است وآنها حق دارند شوهر را مورد سوال قرار دهند که کجابودی؟چرا دیر آمدی؟چرا منزل فلان شخص رفتی؟چرا به مادرت سرزدی؟چقدر حقوق می گیری؟چرا بیشتر کار نمی کنی؟

وامثال این سوالات که در خیلی از خانواده ها ،انجام می شود درحالی که وظیفه زن نیست که از شوهرش سوال کند مگر اینکه شوهر تجربه اش کم باشد وزن با گفتاری محبت آمیز نه تحکم آمیز،بخواهد اورا کمک کند.یا اینکه شوهر نفقه زن را نمی دهد وزن علت را بپرسد.

سفارشات اسلام دربارهٔ زنان

اول: «عاشروهنّ بالمعروف»«نساء19»یعنی با خوبی بازنان معاشرت کنید.

مطلب فوق شامل مشارکت مرد باهمسرش در خدمات خانه واستحباب‌وسعت در خردنی وآشامیدن ومسکن ولباس ودادن هدایای خوب‌دربرگشت از سفر ودراعیاد وگذشت از خطاهایش واینکه مردهم بالباس‌خوب وبوی خوش با همسرش روبرو شود وعدالت دربین زنان اگرچندهمسری باشد و...می شود.

دوم:«ولا تُضارّوهنّ لتُضیقوا علیهنّ»«طلاق،6 و«ولا تعضُلوهنّ لتذهبوابعض ما آتیتموهنّ»«نساء16» یعنی برای اینکه مجبور شوند از حق‌خود دست بردارندبه زنها سخت گیری نکنید واذیت نرسانید.

از امام صادق(ع)روایت شده که علت نزول آیه فوق آن بود که گاهی‌مردی عیال خودرا می زد تا زن همهٔ حقوق خود را اعم از مهریه‌ومخارج عدّه وغیره را حلال کند.

سوم:«فإن ارضعن لکم فآتوهُنَّ اُجورَهُنَّ»«طلاق6»یعنی هرگاه زنان شمابچه های شمارا شیر می دهند،می توانند از شوهر مزد بخواهند.

چهارم:اسلام سفارش کرده که برای حضانت ونگاهداری اولاد مادران‌سزاوارترند وزن می تواند دختر راتا هفت سالگی وپسر را تا دوسالگی‌خودبزرگ نماید.

پنجم:«وآتیتُم احداهنّ قنطاراً فلا تأخذوا منه شیئاً»«نساء20»یعنی مهرزن را باید مرد بدهد حتی اگر مهریه پوست گاوی پر از سکه طلا باشد!

ششم:«فما استمتعتم به منهنّ فآتوهنّ اجورهنّ»نساء25»یعنی بایدمرد،نفقهٔ همسرش را بدهد.

هفتم:«وان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حَکماً من اهله وحکما من اهلهاان یریدا اصلاحاً یوفق الله بینهما»«نساء35»ینی درصورت بروز اختلاف‌بین زن ومرد باید یک نفر از فامیل مرد ویک نفر از فامیل زن، جلسه‌بگیرند واختلاف بین ایندو را حل کنند.

هشتم:«فامساکٌ بمعروف او تسریحٌ باحسان»بقره229»یعنی با زنان‌خوشرفتاری بنمائید واز آنها نگه داری کنید واگر می خواهید طلاق‌بدهید به آنها ظلم نکرده وحق آنهارا بدهید.

نهم:«واللاتی تخافون نُشوزهنّ فعظوهنّ واهجروهنّ فی المضاجع‌واضربوهنّ فان اطعنکم فلا تبغوا علیهنّ سبیلاً»نساء34» یعنی اگر زنان ازشوهر اطاعت نکردند وناشزه شدند،آنهارا نصیحت کنید واگر باز هم‌تمکین نکرد،در رختخواب به او پشت کنید واگر بازهم عصیان‌نمود،آنهارا (باچوب مسواک)بزنید!

دهم:«علی(ع):زن ریحانهٔ است نه قهرمانه!پس با او در هرحالی مدارانما ومصاحب خوبی با او باش تا زندگیت صفایابد.»

یعنی باید با زن با کمال احترام واحترام رفتار کرد وبوئید!نه آنکه در زیردست وپا نرم کرد وکوبید!

یازدهم:طبق روایتی از رسولخدا(ص) به زنان اجازه داده شده که اگرشویش به او نفقه نداد،بدون اجازه او باندازه مخارج از اموالش بردارد.

دوازدهم:جهاد را از زنان برداشته وبجایش آنها را به حجاب،نقاب،ستروعفاف وحمل ورضاع .تمشیت وتدبیر منزل فرمان داده است.که‌رسولخدا(ص)فرمود:جهاد زن خوب شوهرداری کردن است.

سیزدهم:در احکام نسبت به زنان تسهیلاتی در نظر گرفته که در هیچ‌دینی این چنین نیست.از جمله قبول توبه زن مرتد،تسهیل در تطهیر بول‌کودک‌در حال شیرخوارگی،اجازه خوردن روزه دررمضان نسبت به زن‌حامله یا شیردهنده،اینکه مسجد زن خانه اش است،نفقه فرزندان برمرد است نه زنو...

چهاردهم:زن باتقوا ومؤمنهٔ وصالحهٔ بر مردان بی تقوا برتری دارد.

پانزدهم:سفارش به اینکه دختر را به هم شأنش شوهر بدهید وبه آدم‌فاسق وبی نماز وبی دین شوهر ندهند که پیامبر فرمود:کسیکه دخترش‌را به شرابخوار شوهر بدهد،گویا اورا به زنا وادار کرده است.»»

باسمه تعالی

انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران

وذکّرهم بایام الله ان فی ذلک لایات لکل صبّار شکور {ابراهیم5}

ان الله لایغیّر مابقوم حتی یغیّروا ما بانفسهم

فقطع دابرالقوم الذین ظلموا والحمدلله رب العالمین

وقل جاءالحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا {اسراء81}

اِنَّ فرعون علا فی الارض وجعل اهلها شیعایستضعف‌طائفهٔ منهم یُذبّح ابنائهم ویستحیی نسائهم اَنَّه کان من‌المفسدین. ونریدُ اَن نمنَّ علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم الائمّهٔ ونجعلهم الوارثین»4و5مائده

وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض

آنهائی که دارای ایمانند-ایمان الهی-و به یك مکتب‌الهی دلبستگی دارند و اعمالشان مطابق مکتب است،خدا به آنهاوعده استقلال و پیروزی داده است.

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین...

هرگز سستی بخود راه ندهید و اندوهگین مباشید.زیرا شما فیروزمند-ترین و بلند مرتبه‌ترین مردم هستید،اگر در ایمان خود ثابت قدم باشید.

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکران الارض یرثها عبادی‌الصالحون.

ما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم که البته بندگان نیکو کار من-دارای عمل صالح-ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد

امام کاظم(ع)فرمود:مردی از قم قیام می کند که یارانش همه شجاع و با استقامت هستند.آنها از مستکبرین در خواست حق خود را می کنند ولی به آنها داده نمی شود.پس آنان با ظالمین وقدرتمندان مبارزه کرده و حق خود را گرفته ودین خدا را برپا می دارند واین قیام را به ظهور امام عصر(ع)متصل می نمایند. {**عصر ظهور-علی کورانی ص28**}

امام خمینی(رض)حق بزرگی به گردن ما ایرانی‌ها دارد چرا که با قیام‌پیامبرگونه خود،مردم را متحد نمود تا رژیم طاغوت را همانند ابراهیم‌بت شکن سرنگون سازند ونظام الهی را بنیان نهند.همچنین امام حق‌بزرگی به گردن مسلمانان دنیا دارد زیرا که در حالی که دشمنان اسلام‌تصور کرده بودند که دیگر اسلام ضعیف شده ودر حال نابودی است‌ناگهان امام با رهبری‌های حکیمانه خود شعاع انقلاب را از مرزهای ایران‌بیرون بردند وبه همه جای عالم کشاندند وروح تازه‌ای در مسلمین‌جهان دمیدند.امام حتی بر مسیحیان ودینداران دیگر فرقه‌ها حق داردزیرا در قرنی که شهوات وتاریکیها حاکم بر مردم جهان بود ومردم از دین‌گریزان شده بودند وتمدن و صنعت وپیشرفت وبهره مندی از لذات‌دنیوی جای دین را گرفته بود،این انقلاب مردم دنیا را از خواب بیدار کردوباعث شد که دستگاهای دینداری دوباره قدرت گرفته ومردم را به خدابخوانند.

2- وقل جاءالحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا {**اسراء81**}

بازتاب وتاثیرات انقلاب اسلامی در جهان اسلام و در دنیای معاصر

امام خمینی »رض»در مسائل مختلف دنیا تأثیر گذاشتند حتی درمسائل سیاسی ومعادله‌های قدرت و در فروپاشی ابرقدرت شرق ودرتزلزل ابرقدرت غرب وحتی در مسائل اجتماعی واخلاقی دنیا نیزاثرات مثبتی داشتند که به نمونه هایی اشاره می‌شود.

1-طنین افکنده شده پیام انقلاب وامام در جهان

نشریه پروفیل:

«پیام امام »رض»در میان مسلمانان نه فقط شیعیان(بلکه)در همهٔمنطقه و جهان طنین افکند»امید انقلاب ش222

2-جلب توجه روشنفکران و متفکران به ضرورت توجه به دین وبررسی تاثیر دین بر وجدان بشریت و افکار سیاسی واجتماعی

3-

وذکّرهم بایام الله ان فی ذلک لایات لکل صبّار شکور {ابراهیم5}

3-رجوع و تمسک مسلمین به اهل دین

دکتر سعید محمد الشهابی ،سردبیر مجله العالم:

«انقلاب اسلامی ایران نه تنها در جامعهٔ اسلامی بلکه در اکثر جوامع‌تأثیر اساسی و بنیادی داشته است.بی شک طی بیست سال گذشته هیچ‌حرکتی باندازهٔ انقلاب ایران نتوانسته بر جامعهٔ بشری تأثیر گذارباشد.دین نقش اساسی و حیاتی در اجتماع دارد و انقلاب اسلامی این‌نور را بر بشریت تاباند وروشنی بخشید.»«انقلاب اسلامی سبب شد تاروشنفکران و متفکرین ضرورت توجه به مسائل دینی و تأثیر آن بروجدان بشریت و افکار سیاسی - اجتماعی را به خوبی مورد توجه قراربدهند.ما در عصر انقلاب اسلامی شاهد رجوع و تمسّک مسلمین به‌اهل دین شدیم.» کیهان75/11/15

4-بازگشت پیروان همه ادیان به اصول گرایی دینی

شبکه اول تلویزیونی بی بی سی:

«آن چه در ایران در سال 1979 رخ داد نه تنها برای ایرانیان بلکه‌برای تمام ادیان جهانی نقطهٔ عطفی بود،نقطهٔ عطفی که از بازگشت‌میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا به اصول گرایی مذهبی خبر می‌دهد.»«درسراسر جهان،پیروان دیگر ادیان مانند مسیحیت،یهودیت و هندو نیز به‌اصول گرایی مذهبی روی آوردند،حتی در ترکیه نیز که هفتادسال قبل بامذهب وارد جنگ شده بود روند بازگشت به اصول اسلامی سرعت‌گرفته است.»فصل نامهٔ حضور ش19

گیدنز،جامعه شناس انگلیسی:

«در گذشته سه غول فکری جامعه‌شناسی یعنی »مارکس»،(دورکیم»«ماکس وبر» با کم وبیش اختلافاتی فرآیندِ عمومی جهانی را به سمت‌سکولاریزیسون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند ولی از آغاز دههٔ هشتادو با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم،یعنی‌فرآیندِ عمومی جهان روند معکوسی را آغاز کرده وبه سمت دینی شدن‌پیش می‌رود.»عصر امام خمینی ص50

لخ والسا،رئیس جمهور لهستان:

انقلاب شما روی ما هم اثر گذاشت و ما خوشحالیم از این که درکشور شما یک انقلاب بر اساس دین صورت گرفته است.پیروزی‌انقلاب اسلامی موجب احیای فکری دینی حتی در سطح حکومت‌هاشد،ولو در کشورهای مسیحی.»کیهان 78/11/17

مقام معظم رهبری:

با آغاز دوران جدید نه تنها در ایران یا کشورهای اسلامی مردم به‌باورهای الهی بازگشته‌اند بلکه در سطح جهان«عقیده مذهبی»و گرایش‌معنوی در میان جوامعی که ده هاسال تحت سلطهٔ حکومت‌های‌ضدمذهب زندگی کرده بودند رشد نموده است.»عصر امام خمینی‌ص46

4- وذکّرهم بایام الله ان فی ذلک لایات لکل صبّار شکور {ابراهیم5}

پروفسور محمد حسین هدی ،اندیشمند مقیم اتریش:

اگر بنا باشد تاریخی را برای احیای هویت دینی در نظر بگیریم آن‌تاریخ 1979 میلادی است یعنی مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران‌که خیزش عظیمی را برای تفکرات دینی در تمام ادیان به وجود آورده‌است.

آخرین آمارها در مورد احیای تفکر دینی که در سال 1990 م صورت‌پذیرفته نشان می‌دهد که تقریبا 70٪ مردم اروپا احساس دینداری‌می‌کنند.در تمام ادیان از هندوئیسم گرفته تا بودیسم و... وانواع فرقه‌های‌مسیحیت همه از یک نوع بازگشت به تفکر دینی خبر می‌دهند و انقلاب‌اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان گشت.» کیهان76/11/29

صلاح الدین نصر از استرالیا که بیست ساله وتازه مسلمان است:من‌قبلا مسیحی بودم تا اینکه از تلویزیون استرالیا یک برنامه‌ای درباره‌اسلام و امام دیدم که آن برنامه بر من خیلی تأثیر گذاشت و من مطالعه‌کردم و مستقیم شیعه شدم.ونزدیک به 3سال است که شیعه شده‌ام.

من به خاطر امام خمینی به ایران آمدم چون مسلمان شدن من‌بخاطر فیلمی بود که آمریکا یی‌ها بر ضد امام خمینی درست کرده‌بودند.وقتی امام را دیدم،گفتم این مرد کیست؟من می‌خواهم مثل ایشان‌بشوم.من باید به ایران بروم و درس بخوانم تا مثل ایشان بشوم.الحمدلِلّه‌خداوند توفیق شناخت حق وباطل را داده بود و من شناختم که‌آمریکایی‌ها دروغ می‌گویند.وقتی تلویزیون چند دقیقه‌ای حضرت امام‌را نشان داد،من یک حال عجیبی داشتم و می‌گفتم این مرد کیست که ازهیچ چیز نمی‌ترسد؟

5-انقلاب اسلامی منشا حرکت وتمدن جهان کنونی

طلال عتریسی،استاد دانشگاه لبنان:

«رهبری امام خمینی«رض»و پیروزی انقلاب اسلامی اساس حرکت‌و تمدن جهان کنونی می‌باشد.»عصر امام خمینی ص63

5-تاثیر انقلاب اسلامی بر روی حوادث مهم جهان

احمد هوبر،روزنامه نگار سویسی:

«امروز در اروپا احساس می‌شود سقوط دیوار برلین با انقلاب وقیامی که شما آغاز کردید مرتبط است.این قیام اسلامی امروز در اروپامحسوس است.»«امام خمینی«رض» نه تنها مسلمانان را بیدار کردندبلکه بر جهان غیر اسلام نیز از خود تأثیراتی بر جای نهادند.»«بدانید آن‌مرد سالخورده که رهبر شما بود هرگز نمرده است بلکه هنوز زنده استو فعال،چرا که همهٔ این تحولات به دست ایشان ایجادشده است.»کیهان 69/7/28

6- انقلاب اسلامی به تمامی افراد مذهبی اعتبار تازه ای داد

رئیس جمهور سابق اتریش:

انقلاب اسلامی به تمامی افراد مذهبی اعتبار و اتکاء به نفس تازه‌ای‌ارزانی داشت.»کیهان 69/11/21

پروفسور ویلیام بیمان آمریکایی:

«امام با عقاید مذهبی که غرب آن‌ها را کهنه و قرون وسطایی‌می‌دانست جهان را تکان داد.»کیهان هوایی 73/8/25

گورباچف:

«ایشان توانست اثر بزرگی در تاریخ جهان بر جای بگذارد.»«او فراتراز زمان می‌اندیشید و در بعد مکان نمی‌گنجید»روزنامه جمهوری‌اسلامی 78/3/15

پروفسورلنسر اتریشی:

«امام در نزدیک شدن انسان به خدا فصل جدیدی را گشود و باحمایت مردم انقلاب اسلامی را که نقطهٔ عطف مهمی در تاریخ قرن‌بیستم است،به سرانجام پیروزمندانه‌ای رساند.»«ایشان حتی سیرتطوری (تکامل تدریجی) انسان را تغییر داد»کیهان هوایی 73/8/25

محمدحسنین هیکل مصری:

«او هم چون گلوله‌ای بود که از صدر اسلام شلیک شده و بر قلب قرن‌بیستم نشسته بود.»مدافع آیت الله ص8

هنری پراکت،کاردار سیاسی و نظامی سفارت آمریکا در ایران:

تردیدی نمی‌باشد که ایشان یکی از مردان بزرگ تاریخ این قرن بود.کمتر کسی را امروز می‌توان یافت که از جاذبه و نفوذی همانند آن چه که‌نه تنها در ایران بلکه در جهان داشت برخوردار باشد و توجه قدرت‌های‌بزرگ را تا این حد به خود معطوف دارد.»فصل نامهٔ حضور، خرداد73

رابرت کالستون،دانشمند کانادایی:

«از نظر من که یک غربی و فرد غیر مسلمان هستم این معجزه است‌که یک انقلاب مکتبی و الهی بتواند در جهان امروز این طور تحقق پیداکرده و در جهت استقرار عدالت به پیش برود،این انقلاب بدون شک ازجانب خداوند حمایت می‌شود»کیهان 60/10/14

5- وذکّرهم بایام الله ان فی ذلک لایات لکل صبّار شکور {ابراهیم5}

7- انقلاب اسلامی قدرتهای جهانی را تحقیر کرد

روزنامه تایمز لندن:

«برای اولین بار یک کشور مسلمان به طور موفقیت‌آمیزی قدرت‌های‌بزرگ غربی را به مبارزه طلبید،آنان را تحقیر کرد وبه منافع مادیشان‌خسارت وارد کرد.»روزنامه جمهوری اسلامی 68/11/19

دکتر میشل جانسون،متخصص روابط بین الملل:

«از نظر سمبلیک،انقلاب ایران نخستین پیروزی مسلمین بر غرب،ازقرن 16 به این طرف محسوب می‌شود،نکته جالب این جاست که‌اسلام عامل هدایت کنندهٔ این انقلاب بوده و هیچ یک از ایسم‌های‌غربی،ناسیونالیسم،کاپیتالیسم،کمونیسم و سوسیالیسم در آن نقشی‌نداشتند. »جنگ فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ص100

8- انقلاب اسلامی باعث شد تا اسلام دوباره کشف شود

روزنامهٔ تایمز:

«اوج گیری خیزش مذهبی ئ انقلاب به دنبال برکناری شاه توسط امام‌خمینی«رض»در ایران جریان یافت وسراسر جهان را درنوردید و درپاییز سال 1357 دنیای غرب به دلیل انقلاب ایران بار دیگر اسلام راکشف کرد...

ما غربی‌ها خیلی زود فهمیدیم که الله اکبر در عربی به معنای خدابزرگ است می‌باشد.»امام وانقلاب در آیینهٔ اندیشهٔ جهان ص71

9- انقلاب اسلامی عظیم ترین انقلاب تاریخ

فرد هالیدی،استاد دانشگاه لندن:

«انقلاب اسلامی عظیم‌ترین انقلاب تاریخ است و همه می‌دانیم این‌کار عظیم در پرتو عظمت شخصیت امام خمینی«رض»پا گرفت ودست‌های پر قدرت و فرمانده او بود که این امواج عظیم انسانی را به‌شور و هیجان و خروش وا می‌داشت.»اطلاعات 68/4/13

امام خمینی«رض»:

«بنابراین نباید شک کرد که انقلاب اسلامی از همهٔ انقلاب‌هاجداست،هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزهٔ انقلاب وقیام.تردیدی نیست که این تحفهٔ الهی وغیبی بود که از جانب خداوندمنان برای ملت مظلوم وغارت زده عنایت شده است.»وصیت نامه‌سیاسی الهی امام خمینی«رض»

پروفسور مولانا:

«امروز کسانی که انقلاب اسلامی را با انقلاب‌های پیشین جهان‌مقایسه و نتیجه‌گیری می‌کنند،دچار اشتباه بزرگ فکری وعلمی هستندزیرا انقلاب اسلامی ما با انقلاب‌های دیگر تفاوت‌های اساسی‌دارد.»کیهان 75/11/18

10- انقلاب اسلامی ضعف قدرتهای غربی رانشان داد

مقامات اطلاعاتی و سیاسی آمریکا:

«این انقلاب و پیش آمدهای آن وضعیت ما را نابود کرد و افراد ما راپراکنده ساخت و سازمان وروش‌های باثبات ما

را به هیچ وپوچ تبدیل کرد!»اسنادلانه جاسوسی ج3ص94

جرج بوش پدر:

«من از رئیس وقت سازمان سیا که به دلیل پیروزی انقلاب ایران از کاربرکنار شد،پرسیدم،یعنی شما با این همه آدمی که در دنیا دارید با این‌همه تجهیزات فوق پیشرفته با این همه بودجه‌ای که صرف می‌کنیدنتوانستید انقلاب مردم ایران را پیش بینی کنید؟او در پاسخ به من گفت:

آن چه در ایران روی داده است یک«بی تعریف»**است،کامپیوترهای ما آن را نمی‌فهمند!»کیهان 78/11/10**

الوین تافلر آمریکایی:

«این که کدام کشور بر جهان قرن 21 مسلط خواهد شد،سؤال‌هیجانی می‌باشد،اما در واقع اساساً طرح این سؤال اشتباه است،زیرابزرگترین تحول امروز جهان ظهور پدیده‌ای جدید،یعنی نیرو وقدرتی‌ماورای دولت‌های ملی می‌باشد.»«وقتی امام خمینی فتوای قتل سلمان‌رشدی را صادر کردند در واقع برای حکومت‌های دنیا پیامی فرستادندکه بسیاری از دریافت وتحلیل آن عاجز ماندند ومضمون واقعی پیام امام‌چیزی نبود مگر فرارسیدن عصری جدید از حاکمیت جهانی که غربی‌هاباید آن را با دقت مورد نظر و بررسی قرار دهند،زیرا در ادامهٔ حرکت امام‌خمینی«رض»،قلمرو اندیشه‌های بشر هم جایگاه حکومت‌های دولتی‌را تغییر می‌دهد و هم اقتدار دولت‌های ملی ومحلی را»تغییر ماهیت‌قدرت ص655

6- وذکّرهم بایام الله ان فی ذلک لایات لکل صبّار شکور {ابراهیم5}

اندیشه های سیاسی امام خمینی رض

امام امت: **پیامبر هم آخوند بوده.یکی از آخوندهای بزرگ ،پیامبر است**

1-امام خمینی رض در میان علمای شیعه در زمان غیبت کبری ،دارای تئوری ها واندیشه های منحصر بفرد ونابی هستند که بر اساس این اندیشه ها ،نقشه انقلاب اسلامی را طراحی ومهندسی نمودند سپس آن را اجرا ومعماری نمودند.که به این انقلاب اسلامی ،معجزه قرن گفته اند.

2-مبانی تفکر امام امت بسیار مهم است هم برای علاقه مندان به انقلاب اسلامی.وهم برای دشمنان نظام اسلامی.

اما برای دوستان مهم است زیرا ملتهای زیادی هستند که مسلمانند ولی همچون ایران زمان طاغوت ،گرفتار استکبار جهانی ودست پرورده های آنان می باشند لذا دنبال راه حلی برای نجات خود می باشند.پس فرمول انقلاب اسلامی ایران برای آنها بسیار مهم وحیاتی است.

اما برای دشمنان نظام اسلامی نیز این فرمول مهم است زیرا با نهضت ها وقیام هایی شبیه قیام ملت ایران مواجه هستند لذا بدنبال شناخت علل وعوامل پیروزی شگفت انگیز مردم ما هستند تا بتوانند پادزهر مناسبی برای به شکست کشاندن این قیام ها فراهم کنند.

بعنوان مثال در کنفراس صهیونیستی اورشلیم که سال گذشته در سرزمینهای اشغالی با هدف شناخت ماهیت انقلاب اسلامی ایران برگزار شد،فوکویاما از تئوریسین های استکبار جهانی سخنرانی کرد.او در قسمتی از سخنانش گفت:

شیعه پرنده ای است که افق پروازش بسیار بالاتر از تیرهای ماست!این پرنده دارای دو بال است که آن را فنا ناپذیر کرده است.یکی سبز ودیگری سرخ!بال سبز، مهدویت است وبال سرخ،شهادت طلبی است.

اما شیعه بعد سومی هم دارد وآن ولایت فقیه است.اگر بخواهیم سراغ آن دوبال برویم،اول باید ولایت فقیه را خط بزنیم.تا این را از بین نبریم دستسی به آن دوبال غیر ممکن است!

3-اما خلاصه مبانی تفکر تفکر امام امت به شرح زیر است:

الف:عقل حکم می کند که بشر نیاز به حکومت و قانون دارد.

ب:تنها متابعت از حاکمی صحیح است که مالک همه چیز بشر است که او منحصر در خداوند عالمیان است.پس حاکم حقیقی که واجب المتابعه است خالق جهان هستی است وحکم غیر خدا باطل است.

ج:اگر خدا به کسی حکومت داد بر بشر لازم است که از او اطاعت کند وغیر از حکم خدا یا مامور از طرف خدا،هیچ حکمی را نباید پذیرفت.

د:درزمان پیغمبر وامام حکومت با خود آنان است که خدا با نص قرآن،اطاعت آنها را بر همه بشر واجب کرده است.پس برای هیچ کس جز امام معصوم یا کسی که امام اورا منصوب نموده،جایز نیست سرپرستی امور سیاسی مانند اجرای حدود،امور قضایی وامور مالی مانند خراج ومالیات شرعی را به عهده گیرد.

ذ:در عصر غیبت امام،نواب عام که همان فقهای جامع الشرایط فتوا وقضا هستند در اعمال سیاسات و سایر مسئولیت ها،جانشین حضرت ولی عصر هستند و تنها جهاد ابتدائی از مختصات امام معصوم است.

ر:بر نایبان عام واجب کفایی است در صورت توان،قیام به امور سیاسی و قضایی و مالی کنند.اگر نتوانستند و قدرت ها اجازه ندادند،باید باندازه امکان،اعمال قدرت نمایند و برمردم نیز واجب است تا فقها را در اعمال سیاست و امور حسبیه یاری کنند.در صورت نتوانستن،باندازه امکان باید فقها را در اعمال قدرت یاری کنند.

ز:هرکس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالا دریافته باشد،چون به ولایت فقیه برسد و آن را تصور کند بی درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت.

س:اسلام برنامه حکومت دارد.اسلام قریب پانصدسال تقریبا حکومت کرده است.با این که احکام اسلام در آن وقت باز آن طور اجرا نشده است،لکن همان نیمه اجرا شده ،ممالک بزرگی را ،وسیعی را،اداره کرده است.

7- وقل جاءالحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا {اسراء81}

ش:هر نظام سیاسی غیر اسلامی،شرک آمیز است چون حاکمش طاغوت است.

ص:یکی از اقدامات انبیاء،مبارزه با نظام شاهنشاهی بوده است وفرمودند:خدای تعالی موسی را می فرستد که این شاهنشاه را از بین ببر.و پیامبر فرموده است:منفورترین کلمات پیش من،شاهنشاه است.

ض:امام خمینی رض به شاگردانش می فرمود:شما وظیفه دارید حکومت اسلامی تاسیس کنید.اعتماد به نفس داشته باشید وبدانید از عهده این کار بر می آئید.

و می فرمودند:شرع وعقل حکم می کندکه نگذاریم وضع حکومت ها به همین صورت ضداسلامی یا غیراسلامی ادامه پیدا کند...ما چاره ای نداریم جز اینکه دستگاههای حکومتی فاسد و فاسد کننده را از بین ببریم و هیئت های حاکمه خائن و فاسد و ظالم را سرنگون کنیم.

این وظیفه ای است که همه مسلمانان در یکایک کشورهای اسلامی باید انجام دهند و انقلاب سیاسی را به پیروزی برسانند.

ط:فرق اساسی حکومت اسلامی با سایر حکومت ها از قبیل مشروطه سلطنتی وجمهوری در چند چیز است.یکی در قانون گذاری است که در اسلام قانون گذاری مخصوص خداوند است نه اکثریت.دیگری در حاکم است که باید حاکم اسلامی،عادل و عالم به فقه و قوانین اسلامی باشد.

ظ: امام خمینی رض در سخنرانی 4آبان43 در مورد کاپیتولاسیون فرمودند:وکلای مجلس شورا،آنهائی که به این امر رأی دادند،به‌کشور خیانت کردند.اینها وکیل نیستند!دنیا بداند اینهاوکیل ایران نیستند.اگرهم بودند،من عزلشان کردم!ازوکالت معزولند وتمام تصویبنامه هائیکه تاکنون‌گذرانده‌اند:بی اعتبار است...(نهضت امام خمینی ج1ص726)

ع:امام خمینی رض درباره نقش روحانیت در اسلام فرمودند:ما می بینیم که این اسلام را با همه ابعادش ،روحانیون حفظ کرده اند.یعنی معارفش را روحانی حفظ کرده،فلسفه اش را روحانی حفظ کرده،اخلاقش را روحانی حفظ کرده،فقهش را روحانی حفظ کرده،احکام سیاسیش را روحانی حفظ کرده است.

غ:اسلام بی روحانی مانند اسلامی است که سیاست نداشته باشد.اسلام و آخوند این طور توی هم هستند.اسلام بی آخوند اصلا نمی شود. **پیامبر هم آخوند بوده.یکی از**

آخوندهای بزرگ ،پیامبر است.حضرت امام جعفر صادق هم یکی از علمای اسلام است.

ف: اگر شخصیتهایی چون علامه مجلسی وبهائی و محقق ثانی با درباریان زمان خود روابط داشتند وسراغ شاهان می رفتند برای این بوده که این مذهب را بوسیله آن ها،به دست آنها ترویج کنند.

من هم اگر چنانچه می توانستم یک سلطان جائری را به راه بیاورم،می رفتم درباری می شدم.شماهم تکلیفتان این بود.

ق: **این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم بیش از حضرت امیر بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر بیش از فقیه است،باطل و غلط است.ولایتی که برای پیامبر اکرم و ائمه می باشد برای فقیه هم ثابت است. در این مطلب هیچ شکی نیست**

***

باسمه تعالی

میانه روی مایه نجات

افراط وتفریط باعث هلاکت

وکذلک جعلناکم امه وسطا {بقره142}

قال المعصوم ع:خیرالامور اوسطها.

1-زیربنای تعالیم اسلام اعتدال ومیانه روی است.در عبادت.در اعتقادات{لاجبر ولاتفویض بل امربین الامرین}در خرج کردن.در دوستی ورفاقت.در محبت به اهل بیت ع.در ازدواج.در خواب.در اخلاق وسایر امور.

2-حد وسط در اخلاقیات:شجاعت حد وسط بی باکی و ترس است.عدالت حد وسط ظلم وانظلام{ظلم پذیری}است.سخاوت حد وسط بخل و تبذیراست.حلم حد وسط خشم وبی تفاوتی است.

3- در محبت به اهل بیت ع هم باید میانه روی رعایت شود.یکی از علل پیدایش گروههای علی اللهی یا ناصبی به عدم میانه روی در این موضوع برمی گردد.

اگر افرادی مانند فلان مداح از خدایی علی سخن می گویند به عدم رعایت اعتدال در محبت به علی ع برمی گردد

همچنین افراط در عزاداری باعث شده که بعضی ها مارا همیشه مصیبت زده می پندارند.درحالی که همچنان که سالگرد شهادت چهارده معصوم را داریم،ایام موالید ائمه را هم داریم.وباید در عزا ناراحت ودر شادی ائمه،خوشحال باشیم..

4-اعتدال در استفاده از حواس پنجگانه ودر استفاده از اعضای مختلف بدن ضامن سلامتی است.
کمر درد زمانی پیش می آید که فشار بیش از اندازه بر عضلات وبر دیسکها ومهره ها وارد گردد.
مشکلات قلبی و دستگاه گوارش باز به عدم اعتدال در استفاده از آنها بر می گردد مگر علت آن ژنتیکی باشد.
پرخوری از عوامل مهم بیماری ها می باشد.
«رسولخدا(ص):معده،خانهٔ دردهاست وپرهیز ،ریشهٔدرمانهاست.» {حلیه المتقین}
«آمده است:حضرت عیسی(ع)به شهری رسید.زن ومردی که‌باهم نزاع داشتند،نزد او آمدند.حضرت علّت نزاعشان راپرسید.مرد گفت:این همسر من است ومن از او راضی هستم.امّاچون صورتش بی طراوت شده وکهنه بنظر می‌رسد، می‌خواهم از او جدا شوم!حضرت به زن فرمود:می‌خواهی‌صورتت با طراوت گردد؟گفت:آری!حضرت فرمود:هرگاه‌غذا می‌خوری،سیر مخور!زیرا غذای زیاد در معده بجوش‌می‌آید وآب صورت را می‌برد!
آن زن چنین کرد ورویش با طراوت شد.» {حلیه المتقین}
امام ششم(ع):خداوند تبارک وتعالی پُرخوری را دشمن‌می‌دارد.» {بحارج66}
5-حد وسط در زندگی ومعیشت:نه راهب ودرویش و صوفی شود که تفریط است نه تبذیر وریخت وپاش کند وهمانند طاغوت ها واسراف گرها عمل کند.

اسراف وتبذیر در مصرف

آدمی در شبانه روز برای رفع احتیاجات خوراکی وپوشاکی ،جنسی،رفت وآمدو...خود،باید غذا برای خوردن ولباس برای پوشیدن‌وهمسربرای آرامش ورفع غریزه جنسی‌ومرکب سواری داشته باشد.
انسان بعنوان خلیفه خدا در زمین تا چه حد می‌تواند از این نعمتهااستفاده کند؟حد واندازهٔ خوردن چقدر است؟ لباس تا چه اندازه؟مصرف انرژی چقدر؟
خداوند در قرآن اندازه آنرا معین کرده وفرموده است که:
«مؤمنین آنانی هستندکه وقتی خرج می‌کنند،اسراف نکرده وبخل هم‌نورزیده بلکه حدوسط را رعایت می‌کنند.»فرقان67
«بخورید وبیاشامید ولی اسراف نکنید.»اعراف31
«امام صادق(ع):خوردن وآشامیدن وپوشیدن وازدواج وسوار مرکب‌شدن اگر با میانه روی باشد،حلال والاّ حرام است چون خدادر سوره‌انعام آیه141فرموده است:اسراف نکنید که خدا مسرفین را دوست‌ندارد.»

.

علی ع :یابنی!واقتصد فی معیشتک.

قناعت و صرف جویی شعار اسلام است وحرص وطمع خارج از اعتدال ومخالف انسانیت است.کلوا واشربوا ولاتسرفوا.}

امام باقر ع :سه چیز نجات دهنده انسان است:ترس از خدا درآشکار ونهان.میانه روی درخرج در هنگام غنا وفقر.سخن به عدل در خوشنودی وغضب.

بر درب سوم بهشت نوشته است:لااله محمدرسول الله وعلی ولی الله.انّ لکل شیء حیلۀ وحیلۀ الصحۀ فی‌الدنیا اربع خصال.قلۀ الکلام‌وقلۀ المنام وقلۀ المشی وقلۀالطعام.هرکه در دنیا سلامتی می‌خواهد چهار مطلب رعایت کند.کم‌حرفی.کم خوابی.کم راه رفتن.کم خوری

افراط در مصرف موادداورویی وغذایی وانرژی بزرگترین ضربه به کشور است!

.آمار رسمی نشان می دهد که مصرف دارو در کشور ما بیشتر از کشور هفتصد میلیونی هند است. مصرف انرژی در کشور ما به اندازه 20 برابر استاندارد است.سرانه مصرف ما در انرژی به اندازه کشور یک میلیاردی چین است. مصرف آب در کشورهای اروپایی که چند برابر ما باران و نزولات آسمانی دارد بسیار کمتر از ماست در فرهنگ آنها برای مصرف آب از تکنولوژی روز و مدرن برای پایین آوردن مصرف آب استفاده می کنند. آمار نشان می‌دهد سالانه بین 15 تا 40 درصد محصولات کشاورزی در چرخه تولید تا مصرف از بین می‌رود که بخشی از این معضل به دولت، سیاستگذاری‌ها و راهکارهای آن برای جلوگیری از هدر رفت محصولات کشاورزی و بخش دیگر آن به فرهنگ نادرست مصرف نزد مردم برمی‌گردد.

.همچنین نتایج تحقیقات و مطالعات مختلف بیانگر آن است که در بخش کشاورزی کشور، آب به شکلهای مختلف و به میزان زیادی تلف می‌شود به نحوی که بازده کل آبیاری در کشور بین 33 تا 37٪ تغییر می‌نماید. یعنی حدود 70٪ از منابع آب به صورت تبخیر، نفوذ عمقی، جریانات سطحی به زهکشها، و از طریق رودخانه‌هایی که به دریا ریخته و یا ازمرزهای کشور خارج می‌شوند تلف می‌گردد.

بخش عمده مصرف بالای حامل‌های انرژی در کشور به دلیل هدر رفت یا اتلاف انرژی در بخش‌های مختلف مصرف است. روند بسیار بالای میزان اتلاف انرژی عمدتا به دلیل غیراستاندارد بودن سیستم‌های انرژی‌بر، عدم توجه به طراحی‌های مناسب برای

بهینه‌سازی مصرف انرژی در نیروگاه‌ها، شبکه انتقال و توزیع نیرو، صنایع خودروسازی و دیگر دستگاه‌ها و وسایل انرژی‌بر و ساختمان‌ها است.

به عنوان مثال اگر نیروگاه‌های ما برای تولید برق 100 واحد گاز دریافت می‌کنند، حدود 70 واحد آن را هدر می‌دهند و تنها از 30 واحد آن استفاده می‌کنند یا وقتی برق تولیدی وارد شبکه انتقال می‌شود تا زمانی که به دست مصرف‌کننده برسد، بالاتر از 21درصد از آن هدر می‌رود در حالی‌که هدر روی یا پرت انرژی در شبکه‌های انتقال و توزیع بیشتر کشورهای دنیا بین 7-5 درصد و حتی در کشور بنگلادش 9درصد است. بررسی میزان هدر روی انرژی در ایران نشان می‌دهد که فقط در سال 86 حدود 60میلیارد دلار هدر روی انرژی داشته‌ایم که رقم قابل توجهی است

. با مقایسه آمار مصرف بنزین در ایران در سال 1355 با کشورهای ترکیه و فرانسه نشان می‌دهد که در آن زمان مصرف بنزین در کشور ما و ترکیه تقریبا برابر و حدود 7میلیون لیتر در روز بوده است. در فرانسه نیز مصرف بنزین 6 برابر ایران بوده است؛ اما با گذشت 30 سال از آن زمان آمارها نشان می‌دهد که مصرف بنزین در فرانسه در سال 1385، معادل نصف مصرف این فرآورده در ایران است

معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی با بیان اینکه روزانه از سهم گاز مصرفی نیروگاه‌ها کاسته و به سهم گازوئیل اضافه می‌شود گفت: وضعیت کنونی مصرف برق در شبکه سراسری کاملا غیرمنطقی، غیر طبیعی و نگران‌کننده است.

عباس علی‌آبادی در گفت و گو با فارس افزود: موضوعی که بنده بر آن تاکید دارم این است که مصرف برق باید کنترل شود چرا که میزان مصرف انرژی در کشور بیش از اندازه و استانداردهای جهانی است.

وی ادامه داد: وضعیت کنونی مصرف برق در حال حاضر در شبکه سراسری برق کاملا غیرمنطقی، غیرطبیعی و نگران کننده است که به لحاظ اقتصادی به کشور صدمه وارد می کند.

اضرار به دیگران

ذکر این نکته در اینجا ضروری است که زیاده‌روی در مصرف آب و برق علاوه بر عنوان اسراف به عنوان ضرر به دیگران نیز حرام است. به عبارت دیگر زیاده‌روی در مصرف آب و برق و مانند آن دو عنوان و حیثیت دارد و به هر دو عنوان حرام است. یکی عنوان اسراف از نظر زیاده‌روی در مصرف و هدر دادن. دوّم عنوان ضرر به غیر است زیرا زیاده‌روی در مصرف آب و برق موجب

قطع آن و ضرر به دیگران می‌گردد، موجب قطع برق کارخانه، بیمارستان و مراکز صنعتی و دولتی و خانه‌های مردم می‌گردد و این ضرر به دیگران است. از طرفی موجب محرومیّت مناطق دیگری از این نعمت می‌شود در همین رابطه فقهاء بزرگوار تحت عنوان قاعدهٔ لاضرر احکامی دارند مرحوم شیخ انصاری می‌فرماید:

«اگر مالکی در مال خود تصرف کند در صورتی که احتمال قوی بدهد این تصرف موجب ضرر به انسانی می‌شود جایز نیست زیرا در جواز این عمل ضرر بر دیگری است در حالی که منع نمودن صاحب مال از تصرف بیهوده باعث ضرر او نمی‌گردد. کسی که آتشی را بیش از اندازهٔ مورد

نیازش برافروزد و احتمال قوی سرایت به اموال دیگران را بدهد اگر سرایت کند ضامن است».[1] بر همین اساس امام خمینی (ره) زیاده‌روی در مصرف آب و برق را موجب ضمان می‌داند.

1- قال علی(ع) «کلّ مازاد علی الاقتصاد اسراف».[2]

علی (ع) می‌فرماید: آنچه بیش از حد کفاف باشد اسراف است.

2- قال علی (ع) «ما فوق الکفاف اسراف».[3]

«بررسی‌ها و پژوهش‌های کارشناسان نشان می‌دهد میانگین مصرف آب در ایران در ازای هر یک نفر جمعیت 2 متر مکعب (2 هزار لیتر) است این رقم بیش از حد معمول و مورد نیاز در مقایسه با جوامع پیشرفته صنعتی که به طور متوسط روزانه 750 لیتر آب مصرف می‌کنند نگران کننده است این نگرانی زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم برای انتقال، پالایش و توزیع هر متر مکعب آب معادل 300 - 200 ریال هزینه به دولت تحمیل می‌شود

چه بسیار غذاهای که با زحماتی پخته وآماده می‌شود ولی مقداری ازآن به سطلهای زباله منتقل می‌گردد.

درکشورما میلیاردها تومان صرف نانی می‌شود که شصت درصد آن‌مصرف نمی‌شود.

مصرف بسیاری از مواد بسیار مهم کشور ما حداقل دوبرابر استاندارد جهانی است!

میلیاردها تومان صرف تهیه سیگار ودود کردن آن میشود.

میلیاردها تومان صرف جشنهای آنچنانی عروسی‌ها وجشنواره‌های بی‌خاصیت که هیچ بار فرهنگی مثبت ندارد، می‌گردد.

میلیاردها تومان صرف موادمخدر می گردد.

25- مکاسب قاعده لا ضرر ص .375

23- غرر ج 2 ص .547

24- مستدرک ج 2 ص .645

ضرر افراط در مصرف یکی دوتا نیست بلکه زیان های ناشی از مصرف زیاد موادغذای وانرژی به مسئله سلامت جامعه هم آسیب وارد می کند. وافزایش سرطان ها وبیماری های قلبی وغیره به عدم استاندارد بودن مصرف کشورما برمی گردد.

عدم اعتدال در مهمانی ها!

«دو دختر مسلمان فرانسوی که به ایران آمده بودند ودربعضی ازمراسمات جشنها شرکت کرده بودند،اظهار داشتند:شما که انقلاب کرده‌اید،همه چیزتان خوب است غیر از مراسم عروسیتان!که خیلی‌اسراف می‌کنید درحالیکه می‌توانید هزینه این جشنهارا صرف خریدوسائل زندگی عروس وداماد نمائید.»

آری در بسیاری از مهمانی های ما ایرانی ها اسراف صورت می گیرد وموادغذایی فراوانی دور ریخته می شود. وبرکت مهمانی را تبدیل به نامبارکی می کند.چراباید برای یک مهمانی ،انواع غذاها طبخ گردد و هزینه فراوانی صرف گردد؟

اسراف باعث عذاب

«هر مسلمانی مخصوصاًپدرومادروظیفه دارند که در همهٔ مصارف‌زندگی حدوسط را رعایت کنند که اسراف باعث از دست رفت نعمتهای‌حلال دنیوی وباعث عذاب اخروی می‌شود.»

«امام صادق (ع):هرساختمانی که بیش از مقدار نیاز باشد،درآخرت‌وبال گردن صاحبش می‌شود»

چشم و هم چشمی عامل اسراف!

«یکی از علل اسراف وتبذیر(ریخت وپاش)چشم وهمچشمی‌های‌ناسالم است.مثلاًفلان شخص در عروسی فرزندش چقدر خرج کرد من باید دوبرابر او یا مثل او خرج کنم..»

همچنین تجمل گرایی نیز از علل اسراف وتبذیر می باشد.تقلیداز فرهنگ غرب وتوجه بیش از حد به زخارف وزبرج دنیا که مانع توجه به خدا است،باث می شود پولهای کلانی در مصارف غیر لازم وغیر اجب صرف گردد.

راهکار اصلاح الگوی مصرف

1-از مهمترین علل مصرف بی رویه در کشور ما تاثیرات مخرب صدا وسیما می باشد.باید متولیان این نهاد فرهنگ ساز،در این زمینه اقدام انقلابی کرده وهمه برنامه هایی که تبلیغ مستقیم یا غیر مستقیم تجمل گرایی ومصرف گرایی است را اصلاح نمایند. هنچنین در زمینه تهیه برنامه هاای که الگوی صحیح مصرف را نشان می دهد سرمایه گذاری نمایند.

2-کتاب ومقالات در زمینه الگوی درست مصرف برای اقشار مختلف جامعه تهیه گردد.

3-آداب وسنن اسلامی در زمینه چگونه خوردن؟چگونه پوشیدن؟و چگونه زندگی کردن را باید بصورت گسترده ترویج نمود.

4-برای اجناس وارداتی تجملاتی هزینه های زیاد گمرکی وضع نمود.

5-زندگی مسئولین باید براساس زندگی متوسط ومیانه باشد.و مخصوصا در عروسی فرزندانشان رعایت اعتدال را بکنند.

6-بازیگران وهنرپیشه های مشهور را در جهت ترویج الگوی صحیح مصرف بکارگیری نمایند.

7-بزرگان کشورمان در برنامه های سیما حاضر شده ومردم را به زندگی میانه توصیه فرمایند.

8-خانواده هایی که در این زمینه موفق بوده اند تشویق گردند.

9-مسئله مقایسه بین مصرف در کشورهای مختلف با مصرف درکشورما بررسی وبه مردم گزارش شود.

10-روش های کشورهای موفق در مصرف صحیح برای ملت ایران تبیین گردند.

11-در زمینه اندازه خوردن ومیزان مورد نیاز غذا برای بدن از طرف وزارت بهداشت و آموزش وپرورش ودیگر متولیان امر،کیفیت غذا خوردن واندازه آن بصورت گسترده اشاعه گردد.

12-کنترل زیاده روی در مصرف دارو نیاز به همکاری پزشکان عمومی دارد که بعضا داروی زیادی تجویز می کنند که باید در این زمینه اقدام مقتضی انجام گیرد.

13-کنترل مصرف انرژی در کشور نیاز به فعالیت سخنرانان،صدا وسیما،قسمت مبارزه با قاچاق کالا،نیروی انتظامی،ودیگر متولیان امر دارد تا بتوان در این زمینه موفق شد.

14-در زمینه کنترل زیاده روی در مصرف آب شرب وکشاورزی باید بطور وسیع در زمینه مکانیزه کردن آبرسانی در کشاورزی واحداث صدها سد کوچک در کشور و تغییر لوله کشی قدیمی شهرها بهره برد.{در زمان طاغوت یکی از کارشناسان اسرائیل غاصب به شاه گفته بود شما که می گوئید ایران کمبود آب دارد درست نیست.شما فقط رودخانه های کردستان را در اختیار من بگذارید تا من کل ایران را آب بدهم!}ودر کشور فلسطین اشغالی با استفاده از روشهای جدید وصنعتی نمی گذارند آبها هدر برود واز همه آنها استفاده می شود.

باید سرمایه گذاری عظیمی در استفاده از روشهای نوین آبرسانی انجام داد تا مشکلات کمبود آب در سراسر ایران برطرف گردد.

اسراف در روایات

1- عن ابی عبداللّه (ع): «ادنی الاسراف هراقه فضل الاناء و ابتذال ثوب الصون والقاء النوی».[۴]

امام صادق (ع) می‌فرماید: «کمترین اسراف ریختن اضافی آب، پوشیدن لباس آبرو در منزل و انداختن هستهٔ خرما است.

2- قال الصادق (ع): «ان لله ملکاً یکتب سرف الوضوء کما یکتب عدوانه».[۵]

امام صادق (ع) می‌فرماید: همانا خدا فرشته‌ای دارد که اسراف در وضو را می‌نویسد چنانکه اسم دشمنانش را می‌نویسد.

3- عن عبدالله بن عمر مرَّ رسول اللّه (ص) بسعد و هو یتوضأ فقال لا یسرف یا سعد قال افی الوضوء سرف قال نعم و ان کنت علی نهر جار»[۶]

رسول اکرم (ص) در مسیر با سعد برخورد کردند و فرمودند: ای سعد اسراف نکن. سعد گفت: یا رسول اللّه آیا در وضوء هم اسراف است. حضرت فرمودند: آری اگر چه در کنار نهر جاری باشی.

4- قال علی (ع) «ان السرف امر یبغضه اللّه.... حتی صب فضل شرابک».[۷]

18- بحار ج 75 ص .303

19- وسایل ج 1 ص .340

20- تفسیر صافی ج 3 ص .187

علی (ع) در ضمن حدیثی می‌فرماید: «اسراف چیزی است که خدا مبغوض می‌دارد حتی دور ریختن اضافهٔ آب».

«رسولخدا(ص):از علامتهای اسراف آنستکه آنچه درشان او نیست‌می‌خورد وآنچه در شأن او نیست می‌پوشد وآنچه در شأن او نیست‌می‌خرد»
«امام صادق(ع):کمترین حد اسراف آنستکه اضافهٔ آب را دور بریزی ویالباس مخصوص بیرون را درخانه بپوشی ویا لباس تمیز را در محل کثیف‌بپوشی!»

احادیث درباره میانه روی

@ ÖD×C íÏµ (´):lÜÆí× Ýì×DN Co íÊlÛq½D¿Æ ,êÞo éÛDì× :(´)íÏµ ÖD×C @
@ ×Dì éÛo Þê ,ÛÌíØ qC éÜërç .PvCíÊlÛq
@ ×Dì éÛo Þê ,ÛÅlÛC ÍD× ,½CpvC Þ lçkí×lzo Co kDëq ÍD× ,ÛkßFDÛ Co kß×lÜÆí.
@ ×Dì éÛo Þê ,ÛÀ¥Û ,ÚkpÆUph ok êÞo éÛDì× :(£)Clh pG×DìJ .PvC P¡ì·×
@ ÖD×C íÏµ (´):éÆ pç éÛDì× êÞo éÛ ,lÜÆé¡ìJ ¢ìÊlÛq éÜërç .kßz ÈGv
@ ÖD×C íÏµ (´):Ù±DÆ ÖD×C @ .l¡Û lÜ×qDìÛ,êÞoéÛDì×DFíÛDwÛCbìç
@ ÖD×C íÏµ (´):íÏµ ÖD×C @ .kß¡Û pìÃ¾ ,lÜÆêÞo éÛDì× éÆ íÛDwÛC
@ pç éÆ DF éÛDì× ÞoéÛDì× Þ P¾Dë ÖCÞk ÞC DF êpËÛCßN íÜì¡ÜØç,lz Ýì¡ÜØç êÞo .kpÆ ÚCpGV Co
@ ÖD×C íÏµ (´):ÁkD¤ .kß¡Û pìÃ¾ éÆ ÙÜÆí×PÛDØ¨ ,lÜÆêÞoéÛDì×éÆ íwÆ êCpF Ý×

@ ÖD×C íÏµ (´):íÏµ ÖD×C @ .êpËÛCßN éëD× êÞo éÛDì× Þ PvCêkßFDÛ éëD× ½CpvC
@ çok éÆp@ç ÖDËÜçNÞêpËÛCßNíOvlièNÞêpËÛCßNíOvlièNÞêpËÛCßNÖDËÜçok éÆp@ç .PvC ækpÆ (éØìF Þ) ækD×A oDÊqÞo PivQkCßd pFCpF ok Co kßh ,lÜÆ êÞo éÛDì×íOvlièNÞêpËÛCßNÖDËÜçok

21- فروع کافی ج 4 ص 52.

.lzDF æCpØç êÞoéÛDì× DF éÆ PwìÛ íVph qC pOFßGe× ,ClhkrÛ ok íVph bìç :(£)Clh pG×DìJ @
PvC êp×C ½CpvCÞ koCk PvÞk Co ÚA ÐVÞrµ êClh éÆ PvCêrìZ ,êÞo éÛDì× :(´)ÁkD¤ ÖD@×C @
.koCk Mp¿ÛÚA qC ,ÐVÞrµ êClh éÆ
rV êlÛC Þ PwìFqC íñrV ,ælëlÜwJ Þ Pvok æßìz Þ ízÞoÈìÛ Þ êÞo éÛDì× :(£)Clh pG×D@ì@J @
.PvC MßGÛ

{میزان الحکمه}

منابع مورد استفاده

1- آمار نامه کشاورزی، جلد اول محصولات زراعی و باغی سال 81 –80، دفتر آمار و فن آوری اطلاعات، معاونت برنامه ریزی و اقتصادی، وزارت جهاد کشاورزی

2-میزان الحکمه

3-مصاحبه معاون وزیر نیرو با خبرگزاری فارس

4-کتب حدیثی بحار و وسائل وفروع کاقی

5-مقاله سید مصطفی محقق داماد

****

باسمه تعالی

روشهای تحیکم خانواده

خانواده در اسلام جایگاه بلندی داشته ونهادی مقدس به شمار می رود.

وَاللهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ {نحل 71}

وَمِنْ اٰيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْكُنُوا اٰلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اٰنَّ فِي ذ'لِكَ لاَيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ {روم 21}

لذا ازدواج را زیباترین ومبارک ترین بنا درنزد خدا

قال رسول الله(ص): ما بنی فی الإسلام بناء أحب إلی الله عز وجل من التزویج { الهدایة، الشیخ الصدوق، ص 257}

می توان عصاره دستورات قرآنی وروایی درمورد رفتارهای سازنده و مثبت در خانواده را بشرح زیر تبیین نمود:

1-باید گفتگوی اعضای خانواده با هم محترمانه باشد.آهنگ صدا ملایم باشد.همدیگر را با نامهای خوب صدا کنند.به هم ابراز محبت ودوستی نمایند.
{قول الرجل للمراه انی احبک لایذهب من قلبها ابدا}وسائل ج14 ص10

اعضای خانواده از هم درمورد کارهای نیکی که برای یکدیگر انجام می دهند تشکر کنند که تشکر از هم پاداش معنوی و آثار مثبت دارد مخصوصا تشکر فرزندان از والدین که در ردیف تشکر از خدا ذکر شده است:
{ان اشکر لی ولوالدیک}لقمان 14

2-از کارهایی که عامل اختلاف می شود باید حتی المقدور دوری نمود.مانند نق زدن،قطع کلام یکدیگر،جدال وبگومگو در مسائل کم اهمیت،تهدید ،مسخره کردن هم یا فامیل هم وانتقاد تند وگزننده
3-نگاه اعضای خانواده به هم با محبت همراه باشد که این هم پاداش الهی وآثار مثبت دارد.
ونگاه تند و خشم آلود به هم موجب اختلال در روابط عاطفی شده وسخط الهی را در پی دارد.
عاقبت بداخلاقی با همسر
سعدبن معاذ،ازفرماندهان سپاه اسلام ،بشهادت‌رسید.رسول‌خدا(ص)تشییع با شکوهی از او بعمل آوردوخود شخصااورا دفن نمود.بعد از دفن،مادر سعد خطاب به قبر گفت:ای سعد!بهشت بر تو گوارااباد!رسول خدا(ص)فرمود:این را نگو!گفت:چرا؟فرمود:او الان فشار قبر
سختی دید!سؤال کردند:برای چه؟فرمود:او با خانواده خودبد اخلاقی‌می کرده است!
4-آراستگی چهره ولباس اعضای خانواده بسیار مهم است.مخصوصا زنان در مقابل شوهران.
همچنین نشستن اعضای خانواده در کنار هم باعث تحکیم می شود وپاداش اخروی دارد.
«رسولخدا(ص):مردیکه کنار همسرش بنشیند،در نزد من از اعتکاف‌درمسجدم بالاتر است{آثارالصادقین ج15ص293}

سفارش شده که مرد به همراه اعضاء خانواده غذایش را بخورد که اگر با بسم الله شروع کرده وبا حمد الهی غذا را به اتمام برسانند ،هنوز سفره جمع نشده خدا رحمتش را برآنان نازل می کند.{وسائل ج16ص422}

5-سفارش شده ،هنگام خروج مرد از خانه برای رفتن به محل کار،زن اورا بدرقه کند وهنگام بازگشت از کار استقبال نماید.{بحارج76ص11}

{بعضی از آقایان گلایه دارند که موقع رفتن سرکار،خانم خواب هستند لذا صبحانه نخورده سرکار می روند}

مرد هم در مقابل باید با دست پر بمنزل بیاید ومشکلات محل کار را فراموش کند وبا سلام وتحیات وارد منزل شود.

{فاذا دخلتم بیوتا فسلموا علی انفسکم تحیه من عندالله مبارکه طیبه}نور61

6-سفارش شده که زن کارهای خانه را به قصد قربت و برای رسیدن اجر اخروی انجام دهد.

{پیامبراعظم ص:اگر زن ظرف آبی به شویش بدهد ارزش اخروی آن بیشتر از ثواب یکسال روزه وعبادته شبانه در یکسال بوده وخدا گناهانش را می آمرزد.}وسائل ج12ص124

همچنین سفارش شده مردان به همسرانشان کمک نمایند.

{پیامبر ص:مردی که به زنش کمک کند پاداش پیامبرانی چون داود و یعقوب و عیسی را به او می دهند ونامش در زمره شهدا نوشته شود ویکساعت کار در منزل پاداش عبادت زیاد را دارد.}بحارج101ص132

آسیبهای جدی به استحکام خانواده

1-عدم آگاهی زوجین از وظایف خود

{بعضی زنان خودرا شریک اموال شوهر می دانند ومی گویند باید هرکاری شوهر خواست انجام دهد با هماهنگی وموافقت زن باشد-بعضی زنان سعی در تسلط بر مرد دارند بطوری که گاه مرد نمی تواند بدون اجازه زن با مادر خود ملاقات کند-بعضی از مردان، زنان خودرا از نظر جنسی یا مالی یا عاطفی تامین نمی کنند-}

2-هم شان نبودن زوجین

{بین زوجین فاصله تحصیلی زیاد وجود دارد-فاصله مذهبی زیاد وجود دارد-فاصله مادی زیاد وجود دارد-فاصله زیبائی زیاد وجود دارد-فاصله خانوادگی وطایفه گی زیاد وجود دارد}

پیامبراعظم ص: کسی که دخترش را به شخص بی دینی شوهر دهد روزی هزاربار لعنت بر او نازل شود.{خانواده نمونه}

3-تاثیرپذیری خانواده ها از فرهنگ منحط وضد خانواده غرب

{زنان حاضر به باردارشدن نیستند-یک یا دوبچه را کافی می دانند-حاضر به کارکردن در خانه شوهر نمی باشند-دوست دارند بیشتر سینما وکافه ورستوران وکلوب بروند وغذای آماده بخورند-مهمانی های مختلط را ترجیح می دهند-در مجالس عروسی با نامحرمان همراهی می کنند-در کوچه وخیابان با آرایش ظاهر می شوند-طلاق توافقی را عیب نمی دانند-تجرد در سنین بالارا عیب نمی دانند و...}

4-الگوها ی نامناسب زندگی موفق

{اگر اسلام زندگی فاطمه زهرا را نمونه می داند واگر رهبران دینی مردم را به الگوبرداری از پیامبران وامامان فرا می خوانند ولی بدلایل متعدد الگوها تغییر پیدا کرد وعده ای افراد بی ارزش وهویت وهنرپیشه را الگو می داند برای آنها اوشین ویانگوم وکاراگاه خانم لسگو که مجرد زندگی می کند چهره ای دوست داشتنی تر وموفق تر هستنداز نان همسردار و زنان باحجاب وعفیفه.}

5-تناقض بین تربیت دینی با تربیت امروزی و متجددانه

{مادر دختر را به حجاب سفارش می کند ولی دوستانش به بی مبالاتی در حجاب

پدر فرزندش را به نماز سفارش می کند ولی فیلمها ودوستان به مفاسد اخلاقی.

اسلام انسان هارا به تقوا دعوت می کند ولی عرفان های کاذب به اباحه گری}

****

باسمه تعالی

افول ابرقدرت امریکا!

پیشینه تاریخی آمریکا

ایالات متحده آمریکا،پس از روسیه،کانادا و چین،چهارمین کشورپرجمعیت جهان است0این کشور،دارای 50 ایالت است که48تای آندر آمریکای شمالی و 2 ایالت دیگر،آلاسکادر شمال،وجزایر هاوایی دراقیانوس آرام قرار دارد0سرزمین اصلی آمریکا،از اقیانوس اطلس تااقیانوس آرام امتدادیافته است و در آن رشته کوههای نسبتا زیاد وحوضه هایی به چشم می‌خوردکه عمیق‌ترین نقطه آمریکا-دره مرگ -وهمچنین -گراندکانیون- دره بزرگی که به واسطه عبور رودکلرادو به‌وجود آمده درآن واقع شده است 0 در بخشهای شرقی، قله‌های مرتفع کوههای راکی قرار دارندکه از کانادا تا مکزیک ادامه یافته است در پشت این کوهها، جلگه های بسیار حاصلخیزی وجوددارد که رودخانه بزرگ می‌سی‌سی‌پی در آن جریان دارد0 کوههای‌دیگری به نام آپالاش در بخشهای شرقی این کشور،به سمت جنوب‌امتداد می‌یابند0»

«ایالات متحده،کشور نوپایی است 12 مستعمره اولیه تشکیل دهنده‌آن ،درسال 1776استقلال خود را از بریتانیا اعلام کردند. در اواسط سده1800میلادی وسعت این سرزمین،به حد کنونی خود رسید0 کاشفان،سرزمینهای جدیدی رابه مستعمره‌های اصلی اضافه کردندو مرزغربی‌آن ،به اقیانوس آرام رسید0واین کشوردر سال 1976، 200ساله‌شد0اولین رئیس جمهورآمریکا،جورج واشنگتن نام داشت. »

امام خمینی(رض):

دولت امریکا به عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتربلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه، از هیچ کوششی فروگذ**ارنمی کند. امریکا دشمن شماره یک مردم محروم ومستضعف جهان است. امریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی** و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی‌خودداری نمی نماید. او مردم مظلوم جهان را با تبلیغات و سیعش که به‌وسیله صهیونیسم بین الملل سازماندهی می گردد، استثمار می نماید.او با ایادی مرموز و خیانتکارش، چنان خون مردم بی پناه را می مکد که‌گوء ی در جهان هیچ کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند.(صحیفه نور 13ص)83

در عملیاتهاو حملات آمریکا از ابتدای تجاوزاتش به کشورهای‌مختلف وهمچنین کودتاها وتوطئه‌های آمریکا ودست نشانده هایش درمناطق مختلف جهان تا کنون میلیونها نفرکشته ومیلیونها نفرمجروح‌شده‌اند که اگر روزی قرار شود تا جنایات آمریکا از ابتدای پیدایش آن‌ومقدار تلفات انسانی وهمچنین خرابی‌های اقتصادی که به بار آورده‌است بررسی شود آن وقت جهانیان می‌فهمند که این شیطان بزرگ خون‌چه انسانهایی را مکیده است وچه بسیار خانواده ایی را که نابود نموده‌است ودرحال حاضر هم جنایات او بوسیله رژیم غاصب اسرائیل ودیگر ایادی او در جهان ادامه دارد.«وسیعلم الذین ظلموا ایّ منقلبٍ‌ینقلبون

اولین رشد اقتصادی

در جنگ جهانی اول بخاطر دوربودن آمریکا از صحنهٔ جنگ،باعث‌شد که آمریکا زیان اقتصادی نبیند و تخریب گسترده و تنظیم منابع مادی‌اقتصادی کشورهای اروپایی سبب شد تا برای رفع نیازهای خود متوجه‌ایالات متحده آمریکا شوند.در نتیجه در آمریکا تولیدات صنعتی وجنگی بشدت افزایش یافت وباعث شد که آمریکااز کشوری که دارای2/7میلیارد دلار قرض خارجی بود به کشوری تبدیل شد که به‌کشورهای عمده اروپایی اعتبار داده بود.در همین سالها متفقین10/3میلیارد دلار به آمریکامقروض بودند

که در پایان دهه به 21میلیارددلار رسید.علاوه بر این تا سال 1919 آمریکاتقریبا نیمی از کالاهای‌ساخته شده جهان را می‌ساخت و یک ششم صادرات جهان دردست‌آن کشور بود ویک هشتم واردات جهان را به انحصار خود در آورده‌بود.تا سال 1929 درآمد ملی آمریکا برابر مجموعه در آمد ملی23کشور جهان از جمله انگلیس،فرانسه،آلمان،کانادا وژاپن بود.

جنگ جهانی اول سبب شد تا مراکز ثقل اقتصاد عمومی و سیاست‌جهانی از اروپا به آمریکا متصل شود.آمریکا که ذخیره طلایش در1914،هزاروهشتصدمیلیون دلار بود در 1925 به رقم شگفت‌آور4500میلیارد دلار ترقی کرد که معادل نیمی از کل ذخیره طلای‌جهان بود.

در سالهای آخر دهه 1920 از بیست دولت آمریکای جنوبی،چهارده‌دولت به درجات مختلف در زیر کنترل اقتصادی،سیاسی و نظامی‌آمریکاقرار داشتند.

جنگ جهانی دوم به کشورهای عمده درگیر صدمات قابل‌ملاحظه‌ای وارد ساخت.اما آمریکا بخاطر آنکه در سالهای اول جنگ درصحنه‌های آن دخالت مستقیم نظامی نکرد و نیز بخاطر فاصله زیادی که‌تا صحنه اصلی جنگ یعنی اروپا داشت،از صدمات جنگ مصون‌ماند.لذا در پایان جنگ بیش از نیمی از تمام محصولات صنعتی جهان‌در داخل آمریکا ساخته می‌شد و نیمی از کشتی‌های جهان متعلق به‌آمریکا بود.90درصدسرمایه جهانی مربوط به کشتی سازی وهواپیماسازی و کائوچو و منیزیم،70درصد صنایع مربوط به آلومینیم و50درصد سرمایه مربوط به تهیه ماشین آلات را در دست خود متمرکزکرده بود.همچنین 50درصد از کل کالای وارداتی ازجهان‌سوم و 45درصد از کل تولیدات اسلحه در جهان توسط آمریکاییها تولید یا تأمین‌می‌شد.

افول امپراطوری

مدتها است که تحلیل گران سیاسی در کشورهای مختلف با دقت به‌تحولات آمریکا نگاه کرده وعده‌ای آنها معتقدند که نشانه هایی از زوال‌ابرقدرتی این کشور دیده شده است که شامل شکستهای اقتصادی،سیاسی واجتماعی وفرهنگی در چند سال اخیر است ونشان می‌دهد که‌در آینده شاهد تحولات مهمی در سطح دنیا خواهیم بود وشایدهمانطور که امام امت(رض)پیش بینی کرده‌اند وعده‌ای از تحلیل گران‌بر آن صحه گذاشته‌اند این قرن ،قرن پیروزی اسلام و قرن شکست‌شیطان بزرگ خواهد بود.لذا به آمار وارقام مربوط به افول وزوال این‌قدرت شیطانی در مسائل مختلف بین المللی اشاره می‌شود.

نابسامانی وضعیت اقتصادی

«اقتصاد دانان معتقدند افول اقتصادی آمریکا از سال 1970 آغازشده،یعنی حدود 20-15سال پس از جنگ جهانی دوم، از زمانی که‌آلمان و ژاپن کشورهای خودشان را می‌سازند و بازار را در دستشان‌می‌گیرند آرام آرام توازن تجاری آمریکا به هم خورده و از 1970 به بعدرو به افول می‌گذارد.»ورای رویدادها ش20

«در آمریکا از 25سال پیش، درآمد نیمه فقیرتر جامعه دائماً کاهش‌می‌یابد.این فرآیندی آهسته اما بی وقفه است!ظرف 25سال اخیردریافتی 60٪ آمریکاییان که از خدمات محدودتر تأمین اجتماعی بهره‌می‌برند به رغم موانع گوناگون 20٪ کاهش یافته است.»

«در آمریکا یک درصد از جمعیت کشور 60٪ از ثروت کشور را دردست دارند و تنها 20٪ از مردم آمریکا از صعود بدون توقف سهام‌بورس »وال استریت»سود می‌برند.80٪ مردم آمریکا وضعیت اقتصادی‌خوبی ندارند.»

«تراز بازرگانی آمریکادر سال 2000 در حدود 450میلیارد دلارمنفی می‌شود که در طول تاریخ بشر چنین بدهی ای وجود نداشته‌است.

اگر بخواهیم صادرات و واردات با تراز بازرگانی این کشور را با کشورخودمان مقایسه کنیم در نهایت ما حدود 2میلیارد منفی داشتیم یا2میلیارد مثبت ،ولی می‌بینیم در آمریکا این اختلاف بیش از2000میلیارد دلار منفی بوده و اینها همه بیان گر این است که آمریکاقدرت رقابتش را از دست داده است.

با مروری بر سیر تکنولوژی آمریکا می‌بینیم که این کشور در تمام‌زمینه‌های تکنولوژی،برتر بوده است ولی امروز شاهدیم که اینها درچندین زمینه صحنه را خالی کرده‌اند و کشورهای صاحب تکنولوژی‌دیگر،جای خالی را پر کرده‌اند.

از نظر انرژی تا جنگ جهانی دوم ،آمریکا صادرکننده نفت بود ولی‌پس از آن کم کم این صادرات به صفر می‌رسد و در نهایت می‌بینیم که درشرایط فعلی روزانه حدود 19-18میلیون بشکه مصرف دارد که فقط 8-7میلیون آن را خودش تولید می‌کند ومابقی یعنی حدود دوسومش‌را وارد می‌کند.به پیش بینی کارشناسان ،استخراج نفت در آمریکا در14-10 سال آینده توجیه اقتصادی نخواهد داشت.از این بابت نیزمی‌توان وابستگی روز افزونی را نسبت به انرژی در این کشور متصوربود.اگر بخواهیم در باره بدهی‌های آمریکا صحبت کنیم می‌بینیم که‌مجموع بدهی‌های دولت مرکزی وایالتی در سال 2000 بالغ بر 30هزارمیلیارد دلار بوده است.از این مقدار حدود 8-7هزارمیلیارد دلار بدهی‌مردم به سیستم بانکی بوده و مابقی بدهی دولت مرکزی وایالتی است‌که اگر روزی ضربه‌ای به این عنصر حیاتی بخورد اقتصاد آمریکا را به‌شدت تخریب خواهد کرد.

مورد دیگری که تسلط اقتصاد آمریکا را به چالش می‌کشد و از ورودسرمایه به این کشور جلوگیری می‌کند تولد پولی به نام یورو در مقابل‌دلار است.به عنوان مثال از چندسال قبل به این طرف جریان سرمایه به‌آمریکا از 350 میلیارد دلار به 250 میلیارد دلار تنزیل یافته و پیش بینی‌می‌شود این رقم در طول سال 2002 به حدود 60 تا50 میلیارد دلاربرسد.

یکی از کارشناسان آمریکا که عضو تحلیل گر سیا نیز بوده پس ازبیرون آمدن از این سازمان اعتراف می‌کند آمریکا در اقتصاد حرفی برای‌زدن در دنیا ندارد.قبل از واقعه 11سپتامبر ،آمریکا را بهشت سرمایه وبهشت مغزها می‌دانستند و با کنار هم قرار دادن مؤلفه‌های »سرمایه» و«مغزها»قدرتی فراتر از دیگر کشورها بر آن متصوربودند.آنان معتقدبودند که با وجود آسایش و امنیت و نیز فراهم کردن زمینه‌های لازم برای‌مغزها ،هم سرمایه و هم استعدادهای علمی به کشورشان سرازیرخواهد شد ولی شاهدیم که در حال حاضر یکی از مؤلفه‌ها یعنی«امنیت»مختل شده که خود دلیلی بر افول اقتصادی این کشور می‌تواندباشد.

گذشتن نرخ بیکاری از مرز 6درصد و تنزل شاخص‌های بورس از 11به 8 و سقوط شرکت هایی مثل ارون-که خیلی‌ها را بدبخت ومال باخته‌کرد-نمون9ه‌های دیگر از افول اقتصادی کشور آمریکاست.»

«آمریکا21هزار میلیارد دلار بدهی دارد که 17هزار میلیارد دلار از آن‌بدهی خارجی و 4هزار میلیارد دلار آن داخلی است!

روزنامه سرمایه نوشت:
در تازه ترین گزارش وزارت بازرگانی آمریکا میزان ساخت وساز مسکن در این کشور به پایین ترین حد طی 17 سال اخیر رسیده است. تورم در بخش تولیدکننده آمریکا نیز به 9/8 درصد رسیده است. طی ماه های اخیر افزایش قیمت بنزین موجب کاهش میزان مسافرت های مردم آمریکا با خودروهای شخصی شده است. میزان مسافرت های مردم آمریکا طی ماه مه چهار درصد کمتر از مدت مشابه سال قبل بوده است. شرکت جنرال موتورز آمریکا نیز طی سه ماه دوم امسال با زیان 15/5 میلیارد دلاری روبه رو شده و میزان فروش این شرکت نیز با کاهش 18 درصدی مواجه شده است. نرخ بیکاری آمریکا نیز به بیش از 5/7 درصد رسیده که این رقم طی چهار سال اخیر بی سابقه بوده است.
ک اقتصاددان پیشین صندوق بین المللی پول نیز با اشاره به تداوم مشکلات اقتصادی در جهان هشدار داده بدترین بحران مالی جهان و آمریکا در راه است و به ویژه اقتصاد آمریکا طی ماه های آینده با بحران مالی شدیدتری روبه رو خواهد شد.
کنت روگاف که طی سال های 2001 تا 2004 رئیس اقتصاددانان صندوق بین المللی پول بوده است، می گوید:
« بحران بازارهای مالی آمریکا موجب تشدید مشکلات اقتصادی این کشور خواهد شد و بحران مالی آمریکا تا کنون تمام زوایای خود را نشان نداده است و این بحران طی ماه های آینده تشدید خواهد شد.»
این استاد دانشگاه هاروارد آمریکا پیش بینی کرده بانک های بزرگ آمریکایی تا پایان سال جاری با مشکلات و چالش های زیادی روبه رو خواهند شد و شرایط بانک ها و موسسات بزرگ مالی آمریکا طی سال های آینده به مراتب بدتر خواهد شد
رئیس جمهوری آمریکا نیز با اذعان مشکلات اقتصادی این کشور بحران بازارهای مالی و رکود بخش مسکن را مهم ترین این مشکلات دانسته است.
سایت جهان نیوز:
کسری تراز پرداختهای آمریکا ماهیتی دوگانه دارد از یک سو به سود آمریکا واز سوی دیگر به فروپاشی آمریکا منجر خواهد شد:

1-واردات آمریکا در سال 2006 از صادرات این کشور 850 میلیارد دلار بیشتر بوده است ، آمریکا در ازای واردات 850 میلیارد دلار کالا ازجهان به دنیا چه داده است ؟ آمریکا در ازای آن به جهان کاغذی به نام دلار داده است، آمریکا تنها کشور دنیاست که حق چاپ دلار دارد ،آمریکا مثل روزنامه دلار چاپ می کند واز دنیا کالا خریداری می کند
فساد مسئولین حکومتی
ادارهٔ نظارت بر عملکرد کنگره آمریکا:
«نمایندگاه مجلس آمریکا در فاصله ژوئن 1989 تا ژوئن 1990مجموعا **8331 چک** بی محل کشیده‌اند که به طور متوسط نوزده‌چک برای هر عضو مجلسی بوده و

چک‌های بی محل برگشتی هرنماینده یک هزار دلار در سال می‌باشد...مبلغ بعضی از چک‌های‌برگشتی متجاوز از ده هزار دلار می‌باشد.»

بر اساس گزارش این اداره با وجود این که در اواخر سال 1989قوانینی برای جلوگیری از این سوء استفاده به اجرا گذارده شده ولی‌میزان چک‌های برگشتی و بی محل نمایندگان 8٪ افزایش یافت!»

«در دودهه1970 و 1980 پانزده تن از سران واعضای کنگره آمریکابه علت تخلف قانونی رشوه خواری و سوء استفاده و فساد از سمت‌خود استعفا داده و یا برکنار شده‌اند.»

نیوت گنگریج،رئیس اسبق مجلس آمریکا:

«ایالات متحده باید جهان را رهبری کند000اما با کشوری که در آن دوازده ساله هاباردار می‌شوند،پانزده ساله هاهمدیگر را می‌کشند، هفده‌ساله‌ها به ایدز مبتلا می‌شوندو هجده ساله‌هادیپلم می‌گیرند بدون این‌که بتوانند بخوانندو بنویسند هیچ کس رانمی شودرهبری کرد»

جیمز ترفیکانت،نمایندۀ دموکرات آمریکا:

«در مدارس ما مواد مخدر هست،تجاوز جنسی هست،حتی قتل هم‌هست ولی به علت جدایی دین از سیاست و حاکمیت سکولاریسم‌اجازه نام بردن از خدا نیست.»

ویلیام بنت،وزیر اسبق آموزش وپرورش آمریکا:

«مشغول ساختن آسمان خراش‌های عظیم،زندگی لوکس،افزایش‌امکانات مادی و خوش گذرانی شدیم،بدون اینکه بدانیم قاتلانی راتربیت می‌کنیم که برای صددلار بچه پنج ساله را به قتل می‌رسانند وبرای قاپیدن النگوی یک زن حامله ،شکم او را می‌درند و معلمی رامی‌سازیم که پس از تماشای فیلم تلویزیونی دست به خودکشی می‌زندو...»

قرن بیست ویکم،قرن اسلام

«اذا جاء نصرالله والفتح .ورأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجاً.فسبحّ بحمد ربّک واستغفره انّه کان تواباً»

عده‌ای از دانشمندان ومحققین وهمچنین شخصیت هایی مانند امام‌امت«رض» این قرن را قرن حاکمیت اسلام پیش بینی کرده‌اند.وبرای این‌عقیده خود دلایلی را ذکر نموده‌اند از جمله:

1-از هم پاشیده شدن ابرقدرت شرق

2-افول امپراتوری غرب

3-بن بست مارکسیست وکمونیسم ولیبرالیسم غربی ودمکراسی‌استکباری

4- استقبال عجیب عده‌ای از روشنفکران و وابستگان دولتمردان‌غربی از اسلام از جمله اسلام آوردن :مشاور سابق نیکسون،فرزندمدیرعامل بی بی سی،فرزند مدیرعامل کارخانه فیات ایتالیا،رئیس‌حزب مائویست نروژ،تعدادی از افسران و درجه داران آمریکایی،اسلام‌آوردن بیست هزار زن در سال در انگلیس،داشتن سریعترین رشد در بین‌سایر

ادیان در آمریکاو...

5-تأثیر مهم وعظیم انقلاب اسلامی بر جهان در ابعاد مختلف‌مذهبی،سیاسی،اقتصادی،اخلاقی وغیره

6- اعتراف عده‌ای از روانشناسان غربی مبنی بر اشتباه بودن کنارگذاشتن مذهب از زندگی غربیان

7-اعتراف عده‌ای از مقامات کلیسا بر به بن بست رسیدن مسیحیت‌ورویکرد مردم به اسلام

و...

منابع

عصر امام خمینی(قدس سره)میراحمدرضا حاجتی

ازجورج واشنگتن تا جورج بوش‌احمدساجدی

ورای رویدادهاش20معاونت سیاسی تیپ 83امام‌جعفرصادق(ع)

روزنامه سرمایه

سایت جهان نیوز

***

باسمه تعالی

نقش زنان در توسعه فرهنگ حجاب وپاکدامنی

برای یافتن راههای توسعه حجاب با نقش آفرینی زنان،باید سراغ علل بی حجابی یابدحجابی برویم وآنهارابشناسیم سپس اگر درجامعه آنهارابرطرف نمود انوقت زمینه اشاعه حجاب را بایدفراهم نمود.

عوامل بی حجابی یابدحجابی

1-بی اطلاعی از جایگاه حجاب

.PvC íFDWdíF êDçl×DìJ Þ EDWd oDRA Þ lëCß¾ qC ÚDÛA íµÔ¬CíF ,ÚCßÛDF íFDWdÙÆ Ð×Dµ
ÝìO@w@i@Û l@ëD@z
ÚDÜZ ,EDWd éF Ð×DÆ kDÃOµC kßVÞ DF êrÛÞlÛC ÚDØÏw× oß¡Æ ÚDÛq éÆ PvC pRå× ´ß¨ß× ÝëC ok
DWÛClF DN íµÔ¬CíF êoA
DF æÞpÊ æÞpÊ é·ØV êDçqÞo DèÛA .MDÂÞC éØç êCpF éÛ PvC qDØÛ ÖDWÛC êCpF ÚDÛq £ß¥i× ¢zßJ
EDWd éÆ lÛoCl@Ü@Jí@×
æoDFÞk qDØÛ qC xJ Þ lÜzßJí× é·ÜÃ× Þ okDZ DWÛA Þ lÜëAí× é·ØV qDØÛ æDËëDV DN (oCßÏz Þ
êpv Þo ÚÞlF) éÜçpF éØìÛ ÖClÛC
.lÛkpÊí× qDF éÛDh éF ¢zßJ ÚÞlF

2-ضعف ایمان

زنانی که فقط به جنبه مادی خود توجه دارند واعتقادی به خداو قیامت ندارند چگونه می توانند حجاب داشته باشند وبعضی از آنها احساس دشمنی با حجاب می کنند.

3-انحراف اخلاقی

کسانی که فقط به شهوات فکر می کنند نمی توانند اهل عفت وحجاب باشند.بلکه آنها از نگاه شهوترانان بر بدن بی حجاب خود لذت می برند.لذا باحجاب مخالفند.زیرا حجاب را مانع لذتهای نامشروع خودمی دانند.

4-تقلید از فرهنگ غرب

حرف دل تعدادی از زنان مسلمان ولی بی حجاب،تبعیت وپیروی از غرب وترجیح دادن غرب بر ا سلام می باشد.در نگاه آنان،غربیان بهتر از ما می باشند.اینان دچار خودباختگی عمیقی هستند که فقط با تغییر این نگاه می توانند به حجاب متمایل گردند.

5-اجبار شوهر یا دیگر اعضاء خانواده

گاهی زن راضی به بدحجابی یا بی حجابی نیست ولی از طرف اعضای خانواده اش مجبور به این کار می شود.مثلا شوهر او از حجاب خوشش نمی آید وانتظار دارد زنش در مقابل مهمان ها یا در خیابان وخارج از خانه با کلاس باشد!

در نگاه این افراد بی حجابی کلاس وحجاب علامت عقب افتادگی وارتجاع است!

6-تاثیر پذیری از محیط

دخترانی هستند که درخانواده وشهر خود محجبه می باشند ولی با ورود به محل جدیدی مثل دانشگاه،تحت تاثیر آنجا قرار گرفته وحجاب اسلامی را کنار می گذارند.

7-صدا وسیمای جمهوری اسلامی وسینمای ایران نقش منفی در حجاب داشته وشاید بزرگترین ضربه به حجاب از طرف این دوسازمان ونهاد ،وارد شده است.

****

1- نقش زنان دراشاعه فرهنگ عفاف و حجاب

1-مسئله امربمعروف ونهی از منکر که دواصل فراموش شده اسلام است می تواند نقش مهمی در این مسئله داشته باشد.

زنان مسلمان بایدافراد بدحجاب را مورد تذکر ونهی از منکرقرار دهند.بی تفاوتی خانم های مسلمان در مقابل بدحجابی زنان ودختران،خود عامل جسورشدن زنان بدحجاب می باشد.

2-در دبیرستان ها و آموزشگاههای دخترانه ،مدیران ومربیان ،مسئله حجاب را بطور صحیح تبیین و تشویق نمایند.

باید از تاثیر پذیری دانش آموزان دختر از اساتید خود در این زمینه استفاه نمود.و اساتید ومربیان ومدیران اهمیت حجاب و جایگاه آن در سلامت روحی و جسمی افراد را در فرصتهای مختلف برای دختران تبیین نمایند.

3-زنان محجبه برخورد مناسبی با بدحجابان داشته باشند.برخورد مناسب می تواند افراد بدحجاب را هدایت نماید.محبت کردن وصادقانه رفتارنمودن خانم های محجبه نقش مثبتی در جذب خانم های بدحجاب و آلوده دارد.

4-فروشندگان زن،از فروش لباسهای مبتذل و لباسهای غربی خودداری کنندولباسهای اسلامی را ترویج کنند.

5-خانواده ها مخصوصامادران که مسئولیت بیشتری در تربیت دختران وارتباط بیشتری با آنهادارند،خوددرمواجهه بانامحرم ازحجاب کامل استفاده نمایندتا

ازاین طریق فرزندان دختر نیز ازهمان کودکی باحجاب اسلامی آشناشوند وباتمرین کردن نسبت به آن انس بگیرند.ولازم است جایگاه مهم عفاف وحجاب را برای دخترانشان تبیین نمایند.همچنین مسئله دوستان وارتباط با ماهواره واینترنت نیز باید کنترل شود.

6-مادران در ازدواج دخترانشان تسریع نمایند.ازدواج نقش مهمی در حفظ حجاب دختران دارد مخصوصا اگر ازدواج موفق وبا هم شان خودباشد.

7-موضوع جایگاه حجاب در سخنرانی های محافل زنانه بطور جدی مورد توجه قرار گیرد.

معمولا محافل دینی زنانه بیشتر وبهتر از محافل مردانه برگزار می شود.در اکثر شهرها خانم ها در طول هفته جلسات دینی تحت عنوان روضه یا ختم صلوات یا جلسه قرآن دارند.

می توان مسئله حجاب را از مسائل مهم این جلسات قرار داد.

8-داستان زنان پاکدامن درهمه محیطهای زنانه بازگو گردد.

زنان مسلمان در طول تاریخ از حجاب وعفاف خود با همه توان محافظت کرده اند.زنانی بوده اند که در زمان منع حجاب در دوران رضاخان،چندین

سال از خانه بیرون نیامدند.زنانی بودند که بخاطر حجاب شهید شدند.خانمی بوده که بخاطر اینکه غفلتا نامحرم به موهای سر او نگاه کرده،موهای خودرا از ته تراشیده وگفته موهایی که نامحرم به آن نظر کرده نمی خواهم.

همین پافشاری اکثر زنان ایرانی بر حجابشان باعث شده که در فرانسه وترکیه ودیگر کشورها دختران مسلمان در مقابل فشار این دولتها بایستند وحاضر شوند که از دانشگاه اخراج شوند ولی دست از حجابشان برندارند.

k

ÚD¡Û pìWÛq Èë ,oDF ÝìÎÞC êCpF] éÆ oD·z ÝëC DF ,lÛCælÛD×qDF Ðì¥eN qC ÚD¡FDWd HGv éF éÆ
íÛDëßW¡@ÛCk ,é@ì@Æp@N ok
qC éÆ êpO×ßÏìÆ 2500 íÛDwÛC pìWÛq ÝëC .lÛlÛDvo oßè± éF éìÆpN ok Co íÛDwÛC p@ì@W@Ûq
Ý@ëp@O@Êor@F ,[kß@zí@× êkCqA
pËëk êDçpèz qC .lz ækÞr¾C ÚA éF pËëk êDçoß¡Æ qC íëDçéÃÏd Þ lëkpËÛ kÞle× éìÆpN éF ¯Ã¾
ælz ´Þp@z Íß@G@×Ô@vC
ÝëC ÚkpÆ pNíÛÓß¬ êCpF íÛDFq Þ kCtÛ Þ Ýëk pç qC êkCqA ¸¾Cl× ÚDwÛC oCrç Dçl¤ ,ÝOËÜzCÞ Þ
ÝÇJ ,ÚlÜÎ éÏØV qC ÚDè@V
.lÜçlF Ùç Pvk éFPvk éÆ lÛkßF ækpÆ ÖÔµC pìWÛq

.lz ÐìÇ¡N ÚDwÛC ÚßìÏì× év éF ÈëkrÛ ÚkCk Ùç Pvk éFPvk qC éÆ kßF jëoDN êkCqA pìWÛq
ÝëpOÊorF ÝëC kßzí× éO¿Ê
77/7/20 ,í×ÔvC êoßèØV

9-همه تشکل های خواهران از قبیل بسیج خواهران وهیئت های مذهبی خواهران وواحد ستادنمازجمعه خواهران وگروههای امربمعروف خواهران وغیره می توانند در این مورد یک برنامه یکپارچه در شهرهای خودمخصوصا در شهرهایی که وضع حجاب خوب نیست اجراکنند.

10-بجای معرفی افراد باحجاب به عنوان فالگیر وخرافاتی وبیسواد،باید زنان نخبه مسلمان درهرفرصتی معرفی شوند.

سخن آخر:

Co ÚA Þ kpÆkDë ÚDØÏw× ÚCßÛDF í×ÔvC kDØÛ ÚCßÜµéF EDWd qC ,ÝÏÆpèz uoCl× íÛDØÎA ÙÏ@·@× [p@Ï@çß@Æ é@ì@vA] Ù@ÛD@h
PëßçEDWd .PvC Ý× MCkDÃOµC qC í¡iFêpvÞo qC ækD¿OvC Þ PìçD× Èë ÖÔvC ,Ý× êCpF :kÞr¾C êÞ .lÛCßhrì×AoDiO@¾C
æk :kpÆ é¾D¨C êÞ .ÙÜÆ ÐØµkßh Ýëk MCoßOvk éF ÙÛCßNí× Þ ÙOwç ÚDØÏw× éÆ ÙÜÆí× oDiO¾CÝ× Þ lçkí× ÚD@¡@Û Cp@×
Þ ÙìÜÆí×íÊlÛq MÞD¿O× êDçÌÜçp¾ DF íÛDèVok D× æqÞp×C Þ ÙÜÆí× ækD¿OvCEDWd ÚCßÜµ éF êpvÞo qC éÆ P@vC ÍD@v
qC ÚßÊDÛßÊ ÚDëkC æoDF ok éÆ PvClì¿× íÏìh ÚCqß×A ¢ÛCkêCpF Þ PvC ækpÆ mß¿Û DJÞoC HÏ@Â D@N ÖÔ@vC é@ÛD@O@i@G@zß@h
:lÜëßÊí× D× éF ÝëlÎCÞ íhpFíOd :P¿Ê ÝìÜaØç êÞ .kßzPGe¤ ,PvC íèÎC Ýëk ÝëphA éÆ ÖÔvCéÏØV
.lÜÜÆ ækD¿OvC êpvÞo qC éÆ lìÜÆ éì¤ßN D× ÚCpOhk éF D¿®Î

***

باسمه تعالی

سیاست راهبردی امریکا در خاورمیانه

وقتی باراک اوباما به عنوان چهل و چهارمین رئیس جمهوری آمریکا و نخستین رئیس جمهوری سیاهپوست این کشور سوگند یاد کرد.،در مراسم تحلیف اوباما، قریب به دو میلیون نفر شرکت کردند که رکوردی در این زمینه به شمار می‌آید.

اوباما او درسخنرانی مراسم تحلیف در خصوص مباحث سیاست خارجی، ضمن انتقاد از مسیر طی شده در دولت قبلی، گفت:

«آمریکا نشان خواهد داد که دوست هر ملت و فردی‌است که به دنبال صلح و منزلت است».

این بخش از سخنان اوباما با تشویق گسترده‌تر شرکت کنندگان در مراسم تحلیف رئیس جمهوری جدید آمریکا روبه‌رو شد و نشان داد که مردم آمریکا از جنگ‌افروزی دولت قبلی به شدت ناخرسند هستند.

باراک حسین اوباما رئیس جمهوری آمریکا که در هنگام تحلیف به‌صراحت بر نام میانی حسین خود تأکید کرد، همچنین اعلام کرده است که کشورش دشمن مسلمانان نیست. وی در گفت و گو با شبکه العربیه گفت: در مقام ریاست جمهوری آمریکا، در پی همکاری با جهان اسلام هستم و آمریکا دشمن مسلمانان نخواهد بود.

اما چندماهی از سخنرانی او نمی گذرد که همه جهانیان فهمیدند که او به هیچ کدام از سخنانش عمل نکرد وهمچون اسلافش ،خوی تجاوزگری ودخالت در کشورهای دیگر را به ارث برده است.

دخالت های او در انتخابات ریاست جمهوری دهم ایران که اوباما صراحتا حمایت خودرا از براندازان اعلام کرد،تقویت ارتش امریکا در افغانستان وبمباران مردم بیگناه افغانستان وپاکستان،حمایت از رژیم صهیونیستی وکلا همه خصوصیاتی که در روسای جمهور قبل مخصوصا بوش پسر بوده،دراوباما هم هست.

واین مسئله نشان می دهد که ماهیت امریکا برپایه استکبار بنا شده وماهیت جمهوری اسلامی برپایه استکبار ستیزی است واین دو نمی توانند باهم کناربیایند مگر یا امریکا ماهیت خودرا تغییر دهد ویا ایران اسلامی.والا تخاصم بین امریکا وملت مظلوم ایران همیشه وجود خواهد داشت چه اوباما رئیس جمهورباشد وچه شخص دیگری.

امریکا بنابر خوی استکباری وتجاوزگری خود به خاورمیانه نگاه وتوجه ویژه ای دارد لذا راهبرد خودرا بر مبانی زیر تنظیم نموده است:

1-تلاش جهت تغییر نظام جمهوری اسلامی درایران که این آرزو را به گور خواهد برد.

همچنین تلاش جهت تضییع حقوق هسته ای ملت ایران وتلاش جهت متحد کردن غرب وکشورهای عربی برعلیه نظام اسلامی ایران

2-تلاش جهت سرکارآوردن دولتهای وابسته بخود در منطقه از جمله در پاکستان وافغانستان

3-حمایت همه جانبه مالی وسیاسی ونظامی از رژیم صهیونیستی حتی درزمانی که خودامریکابا کمبود بودجه مواجه است.
4-اشاعه مسئله ایران هراسی دربین کشورهای عربی
5-پیگیری اجرای انقلاب مخملین درایران در فرصتهائی که مانند انتخابات پیش می آید.
6-اشاعه فرهنگ منحط امریکائی در بین ملتهای مسلمان از جمله ایران اسلامی
7-تقویت رسانه های ماهواره ای جهت تخریب وفضاسازی رسانه ای علیه ایران اسلامی وحماس حزب الله لبنان
8-حمایت از جریان 14مارس جهت تضعیف حزب الله لبنان
9- جلوگیری از نفوذ ایران در عراق
10-جلوگیری از ابرقدرت شدن ایران با هر وسیله ممکن
و...

قسمتی از دخالت های امریکا در خاورمیانه:
در اوت 1953(28مرداد1332)آمریکابه کمک عوامل داخلی خوددر ایران علیه دکتر محمد مصدق دست به کودتا زد. همچنین قراردادننگین کاپیتولاسیون در چهارم آبان 1343شمسی بین ایران و آمریکامنعقد شد که امام امت شدیداً با آن مخالفت کردند ومنجر به دستگیری امام ویارانش شد.«رض»
در سال 1973 با افزایش درآمد ایران از نفت،ایران به بزرگترین‌خریدار اسلحهٔ آمریکا تبدیل شد.
انعقاد پیمان سنتو در سال 1338 که با امضای کشورهای ترکیه،پاکستان و ایران رسید ودر حقیقت از منافع امریکا،در منطقه دفاع‌می‌نمود
حمله نظامی به خاک ایران در بهار سال 1980 در زمان جیمی‌کارترو پیاده شدن قوای نظامی آمریکا در منطقه طبس که با

امدادهای‌غیبی الهی با شکست خفت باری روبرو شدند و با از دست دادن9سرباز و تجهیزات از جمله چند هواپیما وهلیکوپتر خود متواری‌شدند.

در سال 1983 آمریکا به حمایت از اسرائیل در لبنان دخالت نظامی‌نمود که با عملیات انتحاری مبارزین مسلمان ودادن تلفات زیاد از این‌کشور خارج شدند

در زمان ریگان مجموع پایگاههای نظامی آمریکا در 114 کشورجهان به تعداد 2500پایگاه رسید!

در 14آوریل 1986 آمریکابه لیبی بوسیله بمب افکنهایش حمله‌نظامی نمود.ودوشهر بنغازی و طرابلس را بمباران نمودند.

در صحنه جنگ عراق علیه ایران،آمریکاابتدابه قطع رابطه پانزده‌ساله خود با عراق را خاتمه داد وسپس رژیم آن کشور را مورد حمایت‌آشکار نظامی،مالی وتبلیغاتی قرار داد واین سیاست در سالهای بعد رفته‌رفته شکل خشن‌تری بخود گرفت بگونه‌ای که نیروهای آمریکایی،کشتیهای باری و پایانه‌های نفتی ایران در خلیج فارس را مورد حمله‌قرار دادند.

حمله به هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو جنگی »وینسس»در تاریخ 12 تیرماه 1367شمسی واقع شد که طی آن 300سرنشین آن‌بشهادت رسیدند.

تقویت شکبه‌های تروریستی در ایران برای بشهادت رساندن‌مسئولین جمهوری اسلامی و براه انداختن کودتاهای ننگین و شکست‌خورده از جمله اقدامات امریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران دربهمن 57 بشمار می‌رود.

تشکیل نیروی واکنش سریع و همچنین شورای همکاری خلیج‌فارس بکمک رژیمهای مزدور امریکا در منطقه برای مقابله با انقلاب‌اسلامی ایران ودیگر حرکتهای ضدامریکایی از دیگر اقدامات شیطانی‌امریکابوده است.

در پاییز 1985 آمریکاییها بخود اجازه دادند که هواپیمای مسافربری‌مصر را بمنظور دستگیری ابوالعباس - رباینده کشتی ایتالیایی«آکیله‌لائورو»-در آسمان این کشور ربوده و آن را به یک پایگاه هوایی ناتو درجزیرهٔ سیسیل انتقال دهند.

در جنگ عراق علیه کویت،آمریکاییها حدود نیم میلیون سرباز واردخلیج فارس نمودندودر این منطقه حضور نظامی خود را نشان دادند.

بعد از یازده سپتامبر،به بهانه مبارزه با تروریست وکنترل موادشیمیایی حمله نظامی به افغانستان وعراق نمود که در اولی

بدلیل‌حمایت مجاهدین افغانی از آمریکا،این کشور موفق از بین بردن طالبان‌که در اصل دست نشانده آمریکا بودند ولی تاریخ مصرفشان سر آمده‌بود ،شد ودر عراق هم به مدت بیست روز نتوانستند شهری از عراق راتصرف نمایند ولی عاقبت با مصالحه پنهانی با صدام جنایتکار بدون‌هیچ درگیری مهمی شهرهای مهم عراق تسلیم نیروهای آمریکایی‌وانگلیسی شدندو امیرکایی که با شعار دروغین دمکراسی و نجات مردم و دادن آزادی به ملت عراق وارد عراق شد"در حال حاضر خشن تر"درنده تر"متجاوزتر و خونین تر از صدام با مردم عراق رفتار می کند و از تجاوز به زنان پاک شیعه در زندان ابوغریب گرفته تا حمله به مراقد منور ائمه علیهم السلام و تخریب آنها وکشتن جوانان و کودکان و خلاصه انواع ظلم ها را به مردم عراق اعمال می دارد.

از بدو پیدایش رژیم غاصب اسرائیل،آمریکا همواره از این رژیم‌بمانند یکی از ایالتهای خود حمایتهای مهم مالی وسیاسی واقتصادی‌ونظامی نموده است واگر حمایتهای آمریکا از اسرائیل نبود تاکنون این‌رژیم غاصب سقوط کرده بود.

در عملیاتهاو حملات آمریکا از ابتدای تجاوزاتش به کشورهای‌مختلف وهمچنین کودتاها وتوطئه‌های آمریکا ودست نشانده هایش درمناطق مختلف جهان تا کنون میلیونها نفرکشته ومیلیونها نفرمجروح‌شده‌اند که اگر روزی قرار شود تا جنایات آمریکا از ابتدای پیدایش آن‌ومقدار تلفات انسانی وهمچنین خرابی‌های اقتصادی که به بار آورده‌است بررسی شود آن وقت جهانیان می‌فهمند که این شیطان بزرگ خون‌چه انسانهایی را مکیده است وچه بسیار خانواده ایی را که نابود نموده‌است ودرحال حاضر هم جنایات او بوسیله رژیم غاصب اسرائیل ودیگر ایادی او در جهان ادامه دارد.«وسیعلم الذین ظلموا ایّ منقلبٍ‌ینقلبون»

فهرست:

1-افسردگی ص2

2-دنیاطلبی ص11

3-غفلت ص17
4-حسادت ص34
5-تکبر ص38
6-سوءظن ص40
7-تقلید کورکورانه ص42
8-جایگاه علماء ص46
9-آسیب شناسی دین ص55
10-زیبائی حقیقی ومجازی ص76
11-نیکوکاری ص101
12-دعا ونیایش ص105
13- آیا مسخ انسان امکان دارد؟ ص109
14-توبه ص113
15-نماز وشادابی ص118
16-آثار قرآن ص130
17-کرامات حسینیه ص137
18-حکومت امام عصر عج ص149

19-عاقبت بامتقین است ص152
20-ویژگیهای شخصیتی پیامبرص145
21-مجازات محرمات جنسی ص159
22-زلزله ص166
23-رد سکولاریسم ص171
24- معاشرت صحیح
25-هدایای پیامبر اسلام به بشریت ص175
26-آثار وبرکات نمازجمعه ص184
27-درباره امام زمان عج ص189
28-مهمانی خدا ص191
29- دانش اندوزی در آموزه های دینی ص200
30-جهاد با نفس-شهوت پرستی ص207
32-جنایت وآدمکشی ص215
33-ظلم وستمگری ص217
34-سلطه خشم وغضب برانسان ص223
35-خودباختکی یاخودباوری ص225
36-حج هدایتگر بشریت ص229

37-ناتو فرهنگی ص233

38-سیره نبوی در باره فقر وغنا

39-اتحاد ملی وانسجام اسلامی 235

40-مالیات مشوعیت یا عدم مشروعیت؟256

41-علل عقب ماندگی مسلمین265

42-معنویت

43-عاشورا-انقلاب-انتظار

44- سال 1387سال نوآوری وشکوفایی ملت ایران

45- علت انتخاب حضرت فاطمه س بعنوان سرور زنان عالم چه بود؟

46- اندیشه های سیاسی امام خمینی رض

47- ارزش واهمیت احیاء مساجد در اسلام

48-مدیریت اسلامی

49-سیر الی الله

50-ترک اعتیاد

51-خداترسی

52-تربیت دینی نوجوانان292

53-عاشورا وفرهنگ عمومی

54-خانواده در اسلام

55-انقلاب اسلامی ملت ایران

56-اعتدال مایه نجات
57-روش تحکیم خانواده
58-افول ابرقدرت امریکا
59-حجاب وعفاف
60-امریکا وخاورمیانه